فصلنامه علمی

راهبرد اجتماعی فرهنگی

۵۳

سال سیزدهم ـ شماره سوم ـ پیاپی پنجاه و سوم ـ پاییز ۱۴۰۳

صاحب امتیاز
پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول
دکتر محمدرضا مجیدی

سردبیر
دکتر غلامرضا جمشیدیها

جانشین سردبیر
دکتر ایمان عرفان منش

مدیر داخلی
دکتر مریم فخری

صفحه‌آرا
رضا عبداللهی بجندی

ویراستار
رضا دیبا

شاپا: **۷۰۸۱-۲۲۵۱**
شاپای الکترونیک: **۶۵۵X-۲۵۸۸**
تیراژ چاپی: **۱۵۰ نسخه**

انتشارات
پژوهشکده تحقیقات راهبردی

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر غلامرضا جمشیدیها
دکتر محمدباقر خرم‌شاد
دکتر سیدمحمد حسینی
دکتر بهرام بیات
دکتر ابراهیم فیاض
دکتر حمید پارسانیا
دکتر سید سعید زاهد زاهدانی
دکتر حسین بستان (نجفی)
دکتر عبدالحسین کلانتری
دکتر غلامرضا تاج‌بخش

اعضاء هیئت تحریریه بین‌المللی

دکتر طلال عتریسی

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰. کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱
تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱ نمابر: ۲۲۲۵۸۹۲۱
وب‌سایت: http://rahbordfarhangi.csr.i
پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اقتصادی دارای مرتبه علمی ـ پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اقتصادی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان	www.isc.gov.ir
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی	www.sid.ir
بانک اطلاعات نشریات کشور	www.magiran.com
پژوهشکده تحقیقات راهبردی	www.csr.ir
پرتال جامع علوم انسانی	www.ensani.ir
مرجع دانش	www.civilica.com
پایگاه مجلات تخصصی نور	www.noomags.ir

بسمه‌تعالی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی ـ پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی ـ اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی ـ اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی ـ اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی ـ پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.

توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین‌کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مآخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). *نام کتاب*. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. *نام نشریه*، دوره(شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). *عنوان مقاله*. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ). عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

هـ: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راهبرد اجتماعی فرهنگی

سال سیزدهم ـ شماره سوم ـ پیاپی پنجاه و سوم ـ پاییز ۱۴۰۳

فهرست مطالب

- **شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات ۹۰۷**

محسن نیازی، اکبر ذوالفقاری، الهام رضایی و شکوفه آب شیرین

- **انواع گردشگری از منظر منابع دینی و توسعه حلال آن در جمهوری اسلامی ایران ۹۳۷**

جواد غلامرضائی و امیرحسین اسکندری

- **خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام؛ از علت‌شناسی تا شناسایی راهبردهای کنترلی..... ۹۷۷**

بهار حمزه‌زاده و اسماعیل هادی‌تبار

- **نقش رسانه‌های محلی در تحقق حکمرانی خوب شهری در ایران ۱۰۱۱**

علی رجبی، علی دارابی و علی‌اکبر رزمجو

- **بررسی جریان‌های فکری بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران ۱۰۳۹**

علیرضا پیروزمند، محسن زنگنه و امیرحسین ذوالانواری

- **طراحی الگوی تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان در راستای بند ۱۱ سیاست‌های کلی خانواده (مورد مطالعه: شهر تهران)..... ۱۰۷۵**

بهراد منافی، باقر ساروخانی و حسین آقاجانی مرسا

- **چالش‌ها و راهبردهای اجتماعی توسعه انحراف مثبت شغلی ۱۱۲۱**

زهره سمیعی، خلیل میرزائی و ستار پروین

- **بررسی تأثیر پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشینان (مورد مطالعه: مناطق مرزی غرب استان کردستان) ۱۱۵۷**

صالح شفیعی‌نیا، عبدالرضا ادهمی و طلیعه خادمیان

- **تحلیل مضمون الگوی راهبردی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۱۸۷**

غلامرضا جمشیدیها و سید محمدجواد قربی

- **بررسی سواد انقلابی بر اساس گفتمان امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و آیت‌الله خامنه‌ای ۱۲۱۱**

فرهنگ کدخدایی، اسمعیل کاووسی، جعفر حسین‌پور سعادت‌آبادی، مصطفی حیدری هراتمه و محسن عامری شهرابی

- **ارائه مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران .. ۱۲۴۳**

شاهین وجدی، معصومه مجیدی‌پرست، علی‌اصغر صارم و محمد جلیلوند

- **اشتراک دیدگاه موج جدید نهضت زنان در غرب پیرامون نقش زنان در خانواده با نظرات اسلام..... ۱۲۷۵**

محمدحسین ناظمی اشنی، اباذر کافی موسوی و خدیجه بهار رستمی

- **آسیب‌شناسی چرخه سیاست‌گذاری امور مربوط به کودکان در ایران ۱۲۹۳**

روح‌اله اسلامی و سکینه تاجی

- **رابطه شاخص‌های کلان اقتصادی ـ اجتماعی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ ..... ۱۳۲۷**

سیروس احمدی، مریم مختاری، حمید صداقت، شهره گلخنی و خیری حمیدپور

- **تأثیر راهبردهای انضباط اداری در توسعه سیاسی اجتماعی کلانشهر اهواز با رویکرد معادلات ساختاری ۱۳۵۹**

حسینعلی حسن‌زاده حلاج، فریدون اکبرزاده، شیوا جلال‌پور و حامد عامری گلستانی

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۹۰۷-۹۳۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

مقاله پژوهشی

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات

محسن نیازی
استاد علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Niazim@kashanun.ac.ir 0000-0002-6306-9617
اکبر ذوالفقاری
استادیار، دکتری علوم سیاسی ـ توسعه، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
akbarzolfaghari@pnu.ac.ir 0000-0003-3017-5576
الهام رضایی
دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
Rezaieelham22@gmail.com 0000-0001-5485-785X
شکوفه آب شیرین
دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، ایران.
Shokoofeh3390@gmail.com 0000-0002-6465-0171

چکیده

مقدمه: مشارکت عمومی مردم در امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یکی از شاخص‌های مهم توسعه در کشورهای توسعه‌یافته به‌شمار می‌رود. مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات از شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. به‌همین‌دلیل ضرورت شناخت عوامل بروز و تشدید پرداخت یا فرار مالیاتی و تمهید و ارائه راهکارها و پیشنهادهای علمی ـ کاربردی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین، پژوهش حاضر تلاش خواهد کرد عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات در ایران را بررسی، شناسایی و رتبه‌بندی کند.

روش: پژوهش حاضر کیفی از نوع مدل ساختاری تفسیری است. جامعه آماری شامل کارمندان اداره مالیات شهر تهران بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه و ماتریس محقق‌ساخته استفاده شده است. در روش مدلسازی ساختاری ـ تفسیری اطلاعات از افراد جامعه آماری دریافت و تحلیل می‌گردد. تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش، تسلط نظری، تجربه عملی و قابلیت دسترسی از معیارهای انتخاب جامعه آماری بوده است. جامعه آماری این پژوهش کارمندان اداره مالیات شهر تهران هستند که ۳۰ نفر از خبرگان این اداره بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، ۱۰ عامل تأثیرگذار در افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات شناسایی گردید که شامل عوامل سیاسی، قانونی، آموزش و آگاهی‌بخشی، ویژگی جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و ویژگی‌های روان‌شناختی است. تحلیل روابط متغیرها به استخراج یک مدل چهار سطحی منجر گردید که عوامل سیاسی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در سطح چهارم، عوامل قانونی در سطح سوم، عوامل آموزشی، عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ویژگی روان‌شناختی در سطح دوم و عوامل سازمانی و مدیریتی در سطح اول قرار گرفته‌اند. عوامل سیاسی و جمعیت‌شناختی بیشترین و بالاترین اثرگذاری را بر گرایش به پرداخت مالیات دارند.

بحث: نتایج پژوهش حاکیست شفافیت در مصرف مالیات توسط دولت با جلب اعتماد مؤدیان و بالارفتن اعتماد سیاسی، سبب افزایش گرایش افراد به پرداخت مالیات می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مالیات، مشارکت، فرار مالیاتی، پرداخت مالیات، مدل ساختاری تفسیری.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2023.410297.1475

OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

مالیات[1] عمده‌ترین و مهم‌ترین منبع درآمد دولت‌هاست که عمر آن با عمر حکومت‌ها برابری می‌کند. در ایران قدیم، دریافت مالیات از مردم، صرفاً بر مبنای نیاز و انصاف حکومت‌ها بوده و به دو عامل نیاز مالی حکومت و توان اقتصادی مردم بستگی داشته است. در دوران باستان، طبقات مرفه از دادن مالیات معاف بوده و به‌جای آنان طبقات متوسط و اقشار فرودست مجبور به پرداخت مالیات بوده‌اند (کاظم‌بیگی و حسینی، ۱۳۹۰). در طول تاریخ، بر نوع أخذ مالیات از رعیا و حفظ حرمت آنان از استثمار و تعدی ساتراپ‌ها نظارت می‌شده؛ اما، باز هم در گوشه‌وکنار تعدی ساتراپ‌ها در أخذ مالیات وجود داشته است به‌گونه‌ای که در أخذ مالیات‌ها چنان خشونتی به‌کار گرفته می‌شده است که پرداخت‌کنندگان مجبور بودند مزارع، باغات و املاک خود را گرو بگذارند تا حقوق دولت را بپردازند (زندیه و آدینه‌وند، ۱۳۹۵، ص. ۸۸، به نقل از زرین‌کوب، ۱۳۷۱، ج۱، ص. ۱۵۱). ایرانیان تا دوره قاجار ملزم به پرداخت مالیات بودند، به‌حدی‌که کار به‌جایی رسید که فرزندان آنان را نیز در ازای مالیات اسیر کرده و به بردگی فروختند (صدری و شبانیان، ۱۳۸۴). رسم مقاطعه دادن مالیات نیز ستم مضاعف بر مردم در دوره قاجار بوده است؛ بدین‌مفهوم که پردازندگان مالیات مجاب بودند هرچه می‌خواهند از مردم به زور بگیرند (قاسمیان و دیگران، ۱۳۹۴). به‌هرحال درآمدهای مالیاتی به‌عنوان منبع اصلی تأمین مالی برنامه‌های دولت‌ها محسوب می‌شد، با این تفاوت که در گذشته حاکمان مالیات را جزو دارایی و گنجینه‌های شخصی خود می‌دانستند و برای گردش امور دربار، حرمسرا، تأمین زندگی شاهزادگان و امیرزادگان عیاش و خوشگذران استفاده می‌کرده‌اند؛ اما، امروزه درآمدهای مالیاتی به‌عنوان منابع اصلی درآمد دولت در راستای تأمین منافع ملی و توسعه کشورها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد («بحثی دربارۀ: مالیّات و مفهوم اقتصادی آن»، ۱۳۶۴؛ علیزاده‌بیرجندی، ۱۳۸۵). مالیات در جمهوری اسلامی ایران، نقطه مقابل آن مفاهیم نادرست تاریخی، طبق قوانین و ضوابط تعیین و برای توسعه کشور و حفظ اسلام خرج می‌شود؛ بنابراین، دریافت و پرداخت مالیات یکی از پایه‌های استوار کشورداری، توسعه، و ارائه خدمات به مردم است. مالیات به‌عنوان منبع درآمد و ابزار مالی دولت نقش بسیار کلیدی در اقتصاد

1. Tax

جامعه ایفاء می‌کند و ابزار مهمی برای توزیع عادلانه ثروت و درآمد است. مشارکت مردم در تأمین بخشی از هزینه‌های عمومی، مهم‌ترین ابزار سازماندهی اقتصاد و تنظیم سیاست‌های مالی، مالیاتی و اقتصادی است و موجب حذف فاصله طبقاتی و کاهش تورم می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در ایران مالیات بر اشخاص حقوقی دولتی ۱۳ درصد، مالیات بر اشخاص حقوقی غیردولتی ۲۸ درصد، مالیات بر مشاغل و اصناف ۵ درصد و مالیات حقوق بگیران دولتی و خصوصی ۱۷ درصد از کل مالیات را شامل می‌شود (قرنجیک و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۵). آمارها حکایت دارد صنایع نفت و گاز با ۳۸ درصد تولید ناخالص داخلی، ۶۷ درصد؛ اما، گروه مشاغل و اصناف با ۳۳ درصد از تولید ناخالص داخلی، فقط ۵ درصد از کل مالیات را پرداخت می‌کنند (قرنجیک و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۶۰). این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، ۳۱ درصد دریافتی‌های دولت از مالیات است (مهاجری و دیگران، ۱۳۹۹). این پایه و اساس پیشرفت و توسعه کشورهای مردم‌سالار و توسعه‌یافته است. ازاین‌رو، اهداف و پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

۱-۱. اهداف پژوهش

۱- شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات،
۲- شناخت مؤثرترین و کم‌اثرترین عامل مؤثر بر افزایش مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات.

۱-۲. سؤالات پژوهش

۱- عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات کدام‌اند؟
۲- کدام عامل بالاترین و کدام عامل پایین‌ترین ضریب تأثیر بر مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات را دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات و یا فرار مالیاتی، مطالعات متعدد و گوناگونی انجام شده که نتایج بعضاً متفاوتی در بر داشته است. در این بخش به تعدادی از این مطالعات اشاره می‌شود. قرنجیک و همکاران (۱۴۰۰)، عوامل مؤثر بر گسترش مشارکت عمومی در پرداخت مالیات را

بررسی و تأکید کرده‌اند نظام مالیاتی بهره‌ور دولتی، سامان امور مالیاتی، توسعه فرهنگ ملی ـ مذهبی، نهادینه‌سازی عمومی امور مالیاتی، ویژگی‌های بوم‌شناختی مؤدیان مالیاتی، وضعیت خرد و کلان اقتصادی و یادگیری از الگوهای اثربخش بین‌المللی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در پرداخت مالیات به‌شمار می‌رود. وی (۱۳۹۹)، در مطالعه دیگری عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی در پرداخت مالیات با استفاده از روش تاپسیس فازی را شناسایی و اولویت‌بندی کرده و نشان داده است متغیر عادلانه و منصفانه بودن نظام مالیاتی با کسب بیشترین ضریب نزدیکی در رتبه اول و جنسیت مؤدیان با کمترین ضریب نزدیکی در رتبه‌های آخر قرار دارند. علمداری (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر کاهش فرار مالیاتی در استان فارس را بررسی و خاطرنشان کرده است، قرار گرفتن اطلاعات اقتصادی افراد توسط اشخاص ثالث در اختیار سازمان امور مالیاتی و شفاف‌سازی و کارآمدسازی هزینه‌های دولت از مهم‌ترین راه‌های جلوگیری از فرار اشخاص از پرداخت مالیات محسوب می‌شود. نیکنامی و همکاران (۱۳۹۸)، نقش آموزش شهروندی در بهبود مشارکت مردم غرب شهر تهران در پرداخت مالیات را تحلیل کرده و نشان داده‌اند، ۸ عامل در افزایش مشارکت مردم در پرداخت مالیات مؤثرند؛ و از بین این عوامل، عوامل فناورانه و اقتصادی بیشترین نقش را داشته‌اند. سبکتکین و جعفری (۱۳۹۵)، راهبردهای مشارکت مردم در پرداخت عوارض خدمات شهری در بین شهروندان کرج را تحلیل جامعه‌شناختی نموده و تصریح کرده‌اند، در بین ابعاد مشارکت، کمترین میانگین از آن بعد گرایشی مشارکت و بیشترین میانگین برای بُعد رفتاری مشارکت است. متغیرهای رضایت از خدمات شهری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، آگاهی شهروندی، احساس بی‌هنجاری در مدیریت شهری و احساس تعلق محله‌ای و شهری به ترتیب بیشترین همبستگی معنادار را با میزان مشارکت در پرداخت عوارض شهری دارند. حمزه[1] و دیگران (۲۰۲۳)، عوامل مؤثر بر مشارکت جامعه در پرداخت مالیات بر زمین و ساختمان در منطقه کونینگان را بررسی و خاطرنشان کرده‌اند، سواد مالیاتی، نگرش جامعه، رهبری و مسئولان محلی بر مشارکت جامعه در پرداخت مالیات مؤثر است. سریواستاوا[2] و همکاران (۲۰۱۸)، عوامل مؤثر بر مشارکت مصرف‌کنندگان در فرار مالیاتی را بررسی کرده و نشان داده‌اند نگرش مثبت و منفی مصرف‌کنندگان نسبت به دولت و میزان دینداری مردم

1. Hamzah
2. Srivastava

در قصد مصرف‌کنندگان برای شرکت در پرداخت مالیات تأثیر می‌گذارد. فجلدستاد و سمبوجا[1] (۲۰۰۱)، چرایی پرداخت مالیات از سوی مردم تانزانیا را کندوکاو نموده و تصریح کرده‌اند مشارکت مردم در پرداخت مالیات با عواملی مانند توانایی پرداخت، احتمال تحت تعقیب قرار گرفتن، اجرای ظالمانه مالیاتی، آزار و اذیت مالیات‌دهندگان و نارضایتی از ارائه خدمات عمومی رابطه مستقیم و معناداری دارد. علم[2] (۲۰۰۱) و همکاران (۱۹۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان چرا مردم مالیات می‌پردازند؟؛ نتیجه گرفته‌اند علی‌رغم اینکه افراد در رفتار خود تنوع زیادی از خود نشان می‌دهند؛ مالیات می‌پردازند، زیرا برای کالاهای عمومی که مالیات آن‌ها تأمین مالی می‌شود، ارزش قائلند.

جدول (۱): عوامل مؤثر بر مشارکت در پرداخت مالیات

ردیف	نویسنده/ سال	عنوان	یافته‌های تحقیق
۱	(باریکانی، ۱۴۰۰)	تحلیل عدم تمکین و پذیرش پرداخت مالیات از سوی مردم	نامشروع بودن آثار درآمدهای مالیاتی در جامعه، عدم وجود شفافیت از محل خرج درآمدهای مالیاتی، وجود فرار مالیاتی گسترده از سوی عده‌ای، تبعیض در دریافت مالیات
۲	(عسگری و دیگران، ۱۴۰۰)	تحلیل رفتاری تمایل به پرداخت مالیات	معیارهای اقتصاد رفتاری (اثر مالکیت، حسابداری ذهنی)
۳	(سنجرانی، ۱۴۰۰)	بررسی عوامل مؤثر در تسهیل در پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی و شناسایی عوامل موجود	گسترش فرهنگ مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی، رعایت اصول تعیین مالیات، توجه به منابع انسانی کارآمد، آگاهی و به‌روز بودن اطلاعات مدیران، وجود نظام پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مدیران
۴	(میرزایی و دیگران، ۱۴۰۰)	نگاشت‌شناختی آمیخته بازاریابی اجتماعی در وصول مالیات داوطلبانه	بازاریابی اجتماعی، پیشنهاد هزینه، مشارکت، ارتباطات اجتماعی، قابلیت دسترسی، تبلیغ، سیاست‌گذاری و سلسله منابع
۵	(قرنجیک و دیگران، ۱۴۰۰)	نگاشت‌شناختی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت	نظام مالیاتی بهره‌ور دولتی، سامان‌دهی امور مالیاتی، توسعه فرهنگ ملی مذهبی،

1. Fjeldstad & Semboja
2. Alm

ردیف	نویسنده/ سال	عنوان	یافته‌های تحقیق
		در پرداخت مالیات	نهادینه‌سازی امور مالیاتی، ویژگی بوم‌شناختی مؤدیان مالیاتی، وضعیت خرد و کلان اقتصادی و یادگیری از الگوهای اثربخش بین‌المللی
۶	(ابراهیمی سروعلیا و دیگران، ۱۳۹۸)	نقش منطقه‌ای استقرار اظهارنامه‌های مالیاتی در تمایل به پرداخت مالیات	قوانین و مقررات، عوامل رفتاری، ساختاری و اقتصادی شامل سطح درامد، نرخ بهره، ثبات اقتصادی و رکود
۷	(خواجوی و کرمشاهی، ۱۳۹۷)	پدیدارشناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی	اعتماد مردم به دولت نسبت به اطمینان از استفاده از منابع مالیاتی در خدمت‌رسانی و بخش‌های مولد اقتصادی
۸	(حساس یگانه و دیگران، ۲۰۱۹)	اهمیت عوامل تمایل به پرداخت مالیات از دیدگاه مؤدیان مالیاتی	نوع شرکت (خدماتی، تولیدی و بازرگانی)
۹	(کرمشاهی و اعظمی، ۱۳۹۷)	رابطه بین اخلاق فردی، اخلاق حرفه‌ای، حسابداران جنسیت و تمکین مالیاتی	برخورد نامناسب با مالیات‌دهندگان، بی‌عدالتی اجتماعی، نبود شفافیت و ضعف در سیستم اجرایی، قوانین شفاف و قابل درک، بی‌اعتمادی مردم به فعالیت‌های مالیاتی، فراگیر بودن فرار مالیاتی، احساس دین به جامعه، فساد مسئولان و بی‌عدالتی مالیاتی، نرخ بالای مالیات‌ها و مسئولیت‌پذیری
۱۰	(لاری‌دشت‌بیاض و دیگران، ۱۳۹۵)	بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی استان خراسان جنوبی	عوامل فرهنگی، اقتصادی و مؤلفه‌های سیاسی
۱۱	(احمدی موسوی و دیگران، ۱۳۹۵)	بررسی آسیب‌شناسی نظام مالیاتی ایران و تبیین علل مؤثر در بروز آسیب‌ها	نابسامانی قانونی، ابهام، عدم ثبات و تورم، منابع فرو قانونی (بخشنامه‌های مالیاتی)، سیاست کیفری نامناسب و غیرمنطقی، فقدان تمکین مؤدیان مالیاتی یا تمکین ناقص و نامناسب آنها
۱۲	(سبکتکین و جعفری، ۱۳۹۵)	نگاشت‌شناختی آمیخته بازاریابی اجتماعی در وصول مالیات داوطلبانه	رضایت از خدمات شهری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، آگاهی شهروندی، احساس بی‌هنجاری در مدیریت شهری و احساس تعلق محله‌ای و شهری

ردیف	نویسنده/ سال	عنوان	یافته‌های تحقیق
۱۳	(رزمی و کاوسی، ۱۳۹۴)	رابطه سرمایه اجتماعی و پذیرش مالیاتی نقش میانجیگری اخلاق مالیاتی	سرمایه اجتماعی شامل مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و هنجارهای رفتاری دوسویه و اخلاق مالیاتی
۱۴	(صامتی و دیگران، ۱۳۹۴)	تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی مطالعه موردی شهر اصفهان	نگرش نسبت به فرار مالیاتی، هنجارهای اجتماعی و اعتماد به دولت و سیستم مالیاتی و حقوقی و قضایی، سن و اخلاق مالیاتی
۱۵	(دیانتی‌دیلمی و رضاپورپرورش، ۱۳۹۳)	رابطه بین اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولسیم با فرار مالیاتی	میزان اعتقاد مدیران مالی به اخلاق شرکتی و پذیرش مسئولیت اجتماعی و میزان مخالفت آنها با برنامه‌های فرار مالیاتی و گرایش ماکیاولیستی
۱۶	(هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲)	شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران	نرخ مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سرمایه اجتماعی و تورم
۱۷	(زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹)	بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی	عدم فرهنگ مالیاتی در جامعه، پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، دیوان‌سالاری اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی، ناکارآمدی نظام و سازوکار تنبیه و تشویق مالیاتی، عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان پایه‌های مختلف مالیاتی، نبود و ضعف نظارت و پیگیری اثربخش در تشخیص واحدهای مالیاتی، عدم توانایی عملی و مهارتی برخی از مأموران مالیاتی در ممیزی حسابرسی، حسابسازی و کتمان درآمدی برخی از مؤدیان مالیاتی، پولشویی، معافیت‌های متعدد مالیاتی، فساد مأموران مالیاتی و فقدان باور مالیاتی در بین مردم
۱۸	(محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۸۹)	بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی در میان مؤدیان بخش مشاغل (صنف لوازم التحریر) استان البرز	عوامل اجتماعی شامل همکاران صنفی، دینداری، رسانه‌ها و قانون‌گرایی و عوامل درون‌سازمانی شامل تحصیلات، اشنایی با قوانین مالیاتی، نگرش مثبت به پرداخت مالیات و اعتماد سیاسی

ردیف	نویسنده/ سال	عنوان	یافته‌های تحقیق
۱۹	Ngicuru & et) (al., 2017	بررسی تجربی عوامل مؤثر بر حسابرسی و مالیات	روش خوب مدیریت مالیاتی، کارمندان صالح و فناوری جدید
۲۰	Arbex & et al.,) (2018	فرار مالیاتی، تستوسترون و ویژگی‌های شخصیتی	ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت

مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات مفهومی بسیار مهم، جدید و نوین در ادبیات پژوهشی است. در ایران به‌تازگی در بحث چگونگی افزایش مشارکت عمومی مردم در دریافت و پرداخت مالیات به‌عنوان مؤلفه حکمرانی مطلوب کاوش و پژوهش می‌شود. همچنان نوپا بوده و شاخص‌های اصلی آن در تحقیقات تجربی به‌خوبی تکوین نیافته و بومی‌سازی نشده است، این پژوهش با توجه به اهمیت مسئله افزایش مشارکت عمومی مردم در دریافت و پرداخت مالیات و نیازمندی نظام سیاسی برای سیاست‌گذاری در این امر مهم، بر آن شد تا در قالب مدل ساختاری ـ تفسیری، عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی مردم ایران در پرداخت مالیات را شناسایی و رتبه‌بندی ارائه کند. بر این اساس این پژوهش از نخستین تحقیقات درزمینه انجام یک مطالعه جامع و فراگیر در بحث مشارکت عمومی مردم در دریافت و پرداخت مالیات، محسوب می‌شود.

۳. چهارچوب مفهومی

در این بخش، واژه‌های مشارکت و فرهنگ مالیاتی به لحاظ مفهومی بررسی و رویکردهای مفهومی مرتبط با آن تشریح شده است.

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. مشارکت[1]

مشارکت، از بنیادی‌ترین اشکال روابط اجتماعی است که بارزترین نمونه آن، مشارکت سیاسی است (بهنام‌فر و شاعری، ۱۳۹۷، ص. ۴۸). این واژه مانند سایر مفاهیم پس از جنگ جهانی دوم و تغییر و تحولات اساسی در جهان با تعریف‌ها و برداشت‌های جدیدی مواجه شده (آقایی‌خانه‌برق و دیگران، ۱۳۹۹) و متأثر از عوامل

1. Participation

متعدد و متفاوتی مانند شرایط محیطی، شرایط فرهنگی بوده است (شاعری، ۱۳۹۵، ص. ۱۴). میزان مشارکت مردم در امور بااهمیت، معرف آگاهی و بینش ملت‌ها، تضمین‌کننده تداوم حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (صحرایی، ۱۳۸۷) و ضرورت انکارناپذیر نظام‌های سیاسی در قرون بیستم و بیست‌ویکم است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۶۴). مشارکت مردم در امور شرط لازم اعمال حاکمیت در نظام‌های مردم‌سالار (علمی و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۳) و نقطه اتصال نظام‌های سیاسی، حاکمیت‌ها و حکومت‌هاست (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴). مشارکت بر وزن مفاعله و به معنای شرکت متقابل و دو جانبه افراد برای انجام امری است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲). به نظر آلن بیرو[1] (2011, p. 257)، از منظر جامعه‌شناسی بین مشارکت به‌عنوان تعهد و عمل و حالت یا وضع تفاوت است؛ به‌گونه‌ای‌که، در معنای اول به مفهوم شرکت فعالانه در گروه و در معنای دوم از تعلق گروهی خاصی و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد. تأکید دوتوکویل[2] بر تأثیر متقابل مشارکت‌های عمومی و سرمایه اجتماعی است. به نظر دوتوکویل، به‌دنبال منفعت‌های خصوصی مخالفت با مشارکت مدنی شهری شکل می‌گیرد و فرو رفتن فرد در بازارهای مالی و اقتصادی و منفعت‌های شخصی باعث جدایی فرد از برخی جنبه‌های زندگی اجتماعی می‌شود. شرکت در مشارکت‌های عمومی سبب خروج فرد از انزوای اجتماعی است و فرد را به‌سوی منافع همگانی می‌کشاند و این امر موجب ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌گردد (Britton, 2017, p. 5). مشارکت عمومی مردم در مقاله حاضر به مفهوم سهیم شدن مردم در تأمین بخشی از نیازهای مالی دولت در راستای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است

۳-۱-۲. فرهنگ مالیاتی[3]

مالیات از ابزارهای تنظیم سیاست‌های مالی، مالیاتی و اقتصادی است که علاوه‌بر تأمین منابع برای اجرای برنامه‌های دولت، گسترش عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، ایجاد تعادل در مصرف و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فعالیت‌های عمرانی کشور را در پی دارد (نیکنامی و دیگران، ۱۳۹۸). انگیزه پرداخت مالیات، اصطلاحی است که ابتدا در دهه ۱۹۶۰ به‌وسیله راستچو مولدر و استراامپل در مدرسه روان‌شناسی مالیات کولوگ مطرح شده است. آنان از انگیزه مالیاتی به‌عنوان

1. Alen Birou
2. Tocqueville
3 Tax Culture

عامل مهم تبیین تمایل به پرداخت مالیات یاد و تأکید کرده‌اند در دهه ۱۹۹۰، انگیزه مالیاتی به نقطه اوج چرخه‌های علمی تبدیل گشت. از انگیزه پرداخت مالیات به‌عنوان انگیزش درونی پرداخت مالیات یاد و تأکید شده است. انگیزه پرداخت مالیات شدیداً با هنجارهای اجتماعی، دیدگاه‌های قدرت، اعتماد، طبیعت و مبادله مالیاتی مرتبط است (خواجوی و کرمشاهی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۹).

در مقاله حاضر مالیات به مفهوم پرداختی لازم، اجباری و بلاعوض از سوی مردم به شخص، مؤسسه و یا دارایی است. به‌عبارت‌دیگر، مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی نصیب به دولت است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و کاربردی است. در این پژوهش تلاش می‌شود مدلی ساختاری ـ تفسیری[1] از عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی مردم ایران در پرداخت مالیات ارائه گردد. مدل ساختاری ـ تفسیری فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مرتبط به هم در یک مدل نظام‌مند و جامع سازمان‌دهی و روابط پیچیده میان عناصر سیستم به هم ارتباط داده می‌شوند (میرمحمدی و جنتی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴، به نقل از فایسال، ۲۰۰۶). مدلسازی ساختاری تفسیری فرایند یادگیری تعاملی است که از طریق تفسیر نظرهای گروهی از خبرنگان به چگونگی ارتباط بین متغیرهای یک پژوهش می‌پردازد و ساختاری جامع از مجموعه پیچیده از متغیرها ایجاد می‌کند و افزون بر مشخص کردن تقدم و تأخر و تأثیرگذاری بر یکدیگر، جهت و شدت رابطه متغیرها را نیز تعیین می‌کند. در این روش ابتدا به شناسایی عوامل مؤثر و اساسی پرداخته و سپس با استفاده از روش ارائه شده است روابط بین این عوامل و راه دستیابی به پیشرفت توسط این عوامل ارائه می‌شود. مدلسازی ساختاری تفسیری یک روش نظام‌مند و ساختاریافته برای ایجاد و فهم روابط میان متغیرهای یک سیستم پیچیده است (آتش‌سوز و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۴۴). این روش یک ابزار قدرتمند کیفی در حوزه‌های مختلف و تکنیکی مناسب برای تحلیل تأثیر یک متغیر دیگر متغیرها می‌باشد. این روش جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم را بررسی می‌کند. به‌بیان‌دیگر ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان بر پیچیدگی بین متغیرها غلبه کرد (آذر و بیات، ۱۳۸۷). منطق اصلی این روش این است که همواره عناصری که در یک سیستم تأثیر بیشتری بر

1. Interpretive Structural Modeling

سایر عناصر همان سیستم دارند از اهمیت بالاتری برخوردارند و مدلی که با استفاده ازاین‌روش ساخته می‌شود، ساختاری از یک مسئله یا موضوع پیچیده و یک سیستم یا حوزه را نشان می‌دهد (میرمحمدی و جنتی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴). در روش مدلسازی ساختاری ـ تفسیری اطلاعات از افراد جامعه آماری دریافت می‌گردد و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کارمندان اداره مالیات شهر تهران هستند که ۳۰ نفر از خبرگان این اداره بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. این خبرگان بر اساس تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش، تسلط نظری، تجربه عملی و قابلیت دسترسی انتخاب شده‌اند.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌ای پژوهش حاضر بر اساس سؤال‌های پژوهش ارائه می‌شود.

۱- عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات کدام‌اند؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، ۱۰ عامل تأثیرگذار در افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات شناسایی گردید که شامل عوامل سیاسی، قانونی، آموزش و آگاهی بخشی، ویژگی جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و ویژگی‌های روان‌شناختی است که در جدول ذیل مفصل بحث و تبیین شده است.

جدول (۲): متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت در پرداخت مالیات

ردیف	ابعاد	عوامل (متغیرهای) تأثیرگذار	نویسنده/سال
۱	عوامل سیاسی	اعتمادسیاسی، ثبات سیاسی، تحریم، شفافیت مصرف مالیات توسط دولت، خدمت‌رسانی به مردم توسط دولت	(باریکانی، ۱۴۰۰؛ صامتی و دیگران، ۱۳۹۴؛ لاری‌دشت‌بیاض و دیگران، ۱۳۹۵)
۲	عوامل قانونی	قانون و مقررات، پیچیدگی و ابهام در قوانین مقررات مالیاتی؛ رعایت اصول تعیین مالیات؛ نابسامانی قانونی، ابهام، سیاست کیفری نامتناسب و غیرمنطقی؛ فقدان تمکین مؤدیان مالیاتی یا تمکین ناقص و نامناسب آنها، قوانین شفاف و قابل درک، نرخ مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات	(احمدی‌موسوی و دیگران، ۱۳۹۵؛ زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹؛ سنجرانی، ۱۴۰۰؛ صامتی و دیگران، ۱۳۹۴؛ علمی و دیگران، ۱۳۸۹؛ کرمشاهی و اعظمی، ۱۳۹۷؛ هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲)
۳	آموزش و آگاهی‌بخشی	آگاهی و به‌روز بودن اطلاعات مدیران و یادگیری از الگوهای اثربخش بین‌المللی	(قرنجیک و دیگران، ۱۳۹۹)

ردیف	ابعاد	عوامل (متغیرهای) تأثیرگذار	نویسنده/سال
۴	ویژگی جمعیتی	سن، تحصیلات، جنسیت، ویژگی بوم‌شناختی	(Arbex & et al., 2018؛ صامتی و دیگران، ۱۳۹۴؛ قرنجیک و دیگران، ۱۴۰۰؛ محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۸۹)
۵	عوامل اقتصادی	نرخ مالیاتی بالا، تورم، معیارهای اقتصاد رفتاری (اثر مالکیت، حسابداری ذهنی، اثر لنگر و حساسیت به) وضعیت خرد و کلان اقتصادی، پدیده پولشویی، سطح درآمد، نرخ بهره، ثبات اقتصادی، رکود	(ابراهیمی سروعلیا و دیگران، ۱۳۹۸؛ زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹؛ صامتی و دیگران، ۱۳۹۴؛ عسگری و دیگران، ۱۴۰۰؛ قرنجیک و دیگران، ۱۳۹۹؛ هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲)
۶	عوامل فرهنگی	دین‌داری، رسانه‌ها، گسترش فرهنگ مالیاتی، توسعه فرهنگ ملی مذهبی، نهادینه‌سازی امور مالیاتی	(سنجرانی، ۱۴۰۰؛ صامتی و دیگران، ۱۳۹۴؛ قرنجیک و دیگران، ۱۴۰۰؛ لاری‌دشت‌بیاض و دیگران، ۱۳۹۵)
۷	عوامل اجتماعی	سرمایه‌های اجتماعی (آگاهی، مشارکت، ارتباطات اجتماعی)، هنجارهای اجتماعی، احساس تعلق محله‌ای، اعتماد مردم به دولت نسبت به اطمینان از استفاده از منابع مالیاتی در خدمت‌رسانی و بخش‌های مولد اقتصادی، بی‌اعتمادی مردم به فعالیت‌های مالیاتی، فراگیر بودن فرار مالیاتی، احساس دین به جامعه، فساد مسئولان و بی‌عدالتی مالیاتی و مسئولیت‌پذیری شهروندان، وجود عدالت اجتماعی	(خواجوی و کرمشاهی، ۱۳۹۷؛ رزمی و کاوسی، ۱۳۹۴؛ سبکتکین و جعفری، ۱۳۹۵؛ صامتی و دیگران، ۱۳۹۴؛ کرمشاهی و اعظمی، ۱۳۹۷؛ محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۸۹؛ هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲)
۸	عوامل مدیریتی	اعتقاد مدیران مالی به اخلاق شرکتی و پذیرش مسئولیت اجتماعی و میزان مخالفت آنها با برنامه های فرار مالیاتی، وجود نظام پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مدیران	(Ngicuru & et al., 2017؛ دیانتی‌دیلمی و رضاپور پرورش، ۱۳۹۳؛ زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹؛ سنجرانی، ۱۴۰۰)
۹	ویژگی‌های روان‌شناختی	مسئولیت‌پذیری، احساس دین به جامعه، ویژگی‌های شخصیت، اخلاق مالیات، برخورد محترمانه	(Arbex & et al., 2018؛ ابراهیمی سروعلیا و دیگران، ۱۳۹۸؛ رزمی و کاوسی، ۱۳۹۴؛

ردیف	ابعاد	عوامل (متغیرهای) تأثیرگذار	نویسنده/سال
			سنجرانی، ۱۴۰۰؛ کرمشاهی و اعظمی، ۱۳۹۷)
۱۰	عوامل سازمانی	نوع شرکت، توجه به منابع انسانی کارآمد، بازاریابی اجتماعی، پیشنهاد هزینه، قابلیت دسترسی، تبلیغ، سیاست‌گذاری، سلسله منابع، عدم شفافیت و ضعف در سیستم اجرایی، دیوان‌سالاری اداری و ساختار ناکارآمد مالیاتی، عدم موفقیت در شناسایی کامل مؤدیان پایه‌های مختلف مالیاتی، عدم وجود و ضعف نظارت و پیگیری اثربخش در تشخیص واحدهای مالیات، عدم توانایی عملی و مهارتی برخی از مأموران مالیاتی در ممیزی حسابرسی، ناکارآمدی نظام و سازوکار تنبیه و تشویق مالیاتی	(حساس یگانه و دیگران، ۲۰۱۹؛ زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹؛ سنجرانی، ۱۴۰۰؛ میرزایی و دیگران، ۱۴۰۰)

۶. مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری فراگیر

گام اول: ماتریس خود تعاملی ساختاری[1]: اولین گام در مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری شناسایی و تعریف عناصری است که ارتباط میان آن‌ها باید مدل‌بندی شود. در این پژوهش با بررسی ادبیات موضوعی عوامل مؤثر بر پرداخت مالیات از تحقیقات گذشته به‌دست آمد. ابعاد و عوامل مؤثر در افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات شناسایی و در ماتریس خودتعاملی ساختاری وارد شده است. به‌همین‌جهت، ابتدا پرسشنامه‌ای مانند جدول ۳ طراحی شده است. ۱۰ عامل در این جدول انتخاب شده است. از پاسخ‌دهندگان خواسته شده است که در سطر و ستون اول جدول نوع ارتباطات دو به دو عوامل را مشخص کنند. ماتریس خودتعاملی با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل شد که این چهار حالت شامل این موارد می‌باشد: X: ارتباط دوطرفه از i به j و برعکس. نماد V: i منجر به j می‌شود. نماد A: یعنی j منجر به i می‌شود. نماد O: هیچ‌گونه ارتباطی بین i و j نیست. پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از خبرگان و متخصصان تکمیل شده است. اطلاعات حاصل بر اساس روش مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی

1. Structural Similarity Index Measure

ساختاری نهایی تشکیل شده است.

جدول (۳): ماتریس خودتعاملی ساختاری عوامل

i / j	عوامل سیاسی	عوامل قانونی	آموزش	ویژگی جمعیتی	عوامل اقتصادی	عوامل فرهنگی	عوامل اجتماعی	عوامل مدیریتی	ویژگی روان‌شناختی	عوامل سازمانی
عوامل سیاسی		V	V	O	V	V	V	O	O	V
عوامل قانونی			A	O	V	V	V	V	O	V
آموزش				A	V	X	X	V	V	V
ویژگی جمعیتی					V	V	V	V	V	V
عوامل اقتصادی						O	X	V	O	V
عوامل فرهنگی							X	V	X	V
عوامل اجتماعی								V	A	V
عوامل مدیریتی									A	X
ویژگی روان‌شناختی										O
عوامل سازمانی										

گام دوم: ماتریس دسترسی اولیه: این ماتریس از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دوارزشی (صفر ـ یک) حاصل شده است. برای استخراج ماتریس دسترسی باید در هر سطر عدد یک جایگزین علامت‌های V و X و عدد صفر را جایگزین علامت‌های A و O در ماتریس اولیه شود. حاصل تبدیل تمام سطرها نتیجه حاصله ماتریس دسترسی اولیه است (جدول ۳). سپس روابط ثانویه بین بعد / عوامل کنترل شده است. رابطه ثانویه به‌گونه‌ای است که اگر بعد J منجر به بعد I شود و بعد K را منجر شود، بعد J منجر به بعد K خواهد شد.

جدول (٤): ماتریس دسترسی اولیه

	عوامل سیاسی	عوامل قانونی	آموزش	ویژگی جمعیتی	عوامل اقتصادی	عوامل فرهنگی	عوامل اجتماعی	عوامل مدیریتی	ویژگی روان‌شناختی	عوامل سازمانی
عوامل سیاسی	1	1	1	0	1	1	1	0	0	1
عوامل قانونی	0	1	0	0	1	1	1	1	0	1
آموزش	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1
ویژگی جمعیتی	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1
عوامل اقتصادی	0	0	0	0	1	0	1	1	0	1
عوامل فرهنگی	0	0	1	0	0	1	1	1	1	1
عوامل اجتماعی	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1
عوامل مدیریتی	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1
ویژگی روان‌شناختی	0	0	0	0	0	0	1	1	1	0
عوامل سازمانی	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1

گام سوم: ماتریس دسترسی نهایی: پس از تشکیل ماتریس دسترسی اولیه با دخیل کردن انتقال‌پذیری در روابط متغیرها، ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود تا ماتریس دسترسی اولیه سازگار شود. بدین‌صورت که اگر (i ،j) با هم در ارتباط باشند و نیز (k ،j) رابطه داشته باشند؛ آنگاه (k ،i) با هم در ارتباط هستند. انتقال‌پذیری روابط مفهومی بین متغیرها در مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری یک فرض مبنایی بوده و بیانگر این است که در صورتی که متغیر A بر متغیر B تأثیر داشته باشد و متغیر B بر متغیر C تأثیر گذارد، A بر C تأثیر می‌گذارد. در این مرحله تمام روابط ثانویه بین متغیرها بررسی می‌شود و ماتریس دسترسی نهایی مطابق جدول ۵ به‌دست آمده است. در این ماتریس، قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر متغیر نشان داده شده است. قدرت نفوذ هر متغیر عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی که موجب ایجاد متغیر یاد شده می‌شوند (اکبری و علی‌اکبری، ۱۳۹۶، ص. ۱۷). استفاده از قانون بولین برای حالت پایداری که بدین‌ترتیب برخی از عناصر صفر نیز تبدیل به ۱ خواهد شد که به‌صورت (۱) نشان داده می‌شود.

جدول (۵): ماتریس دسترسی نهایی

	عوامل سیاسی	عوامل قانونی	آموزش	ویژگی جمعیتی	عوامل اقتصادی	عوامل فرهنگی	عوامل اجتماعی	عوامل مدیریتی	ویژگی روان‌شناختی	عوامل سازمانی	قدرت نفوذ
عوامل سیاسی	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	۹
عوامل قانونی	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	۸
آموزش	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	۸
ویژگی جمعیتی	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	۹
عوامل اقتصادی	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1	۸
عوامل فرهنگی	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	۸
عوامل اجتماعی	0	1	1	0	1	1	1	1	1	1	۸
عوامل مدیریتی	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	۲
ویژگی روان‌شناختی	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1	۷
عوامل سازمانی	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	۲
قدرت وابستگی	1	۶	۸	۱	۹	۸	۹	۱۰	۸	۱۰	

۲- کدام عامل بالاترین و کدام عامل پایین‌ترین ضریب تأثیر بر مشارکت ایرانیان در پرداخت مالیات را دارد؟

تحلیل روابط متغیرها به استخراج یک مدل چهار سطحی منجر گردید که عوامل سیاسی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در سطح چهارم، عوامل قانونی در سطح سوم، عوامل آموزشی، عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ویژگی روان‌شناختی در سطح دوم و عوامل سازمانی و مدیریتی در سطح اول قرار گرفته‌اند. عوامل سیاسی و جمعیت‌شناختی بیشترین و بالاترین اثرگذاری را بر گرایش به پرداخت مالیات دارند.

گام چهارم: سطح‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات: ماتریس دسترسی نهایی به سطوح مختلف دسته‌بندی می‌شود. به‌ازای هر کدام از آن‌ها سه مجموعه متقدم، مجموعه قابل دستیابی و مجموعه مشترک برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی تشکیل می‌شود. در نخستین جدول شاخص عوامل که اشتراک مجموعه قابل دستیابی و متقدم آن یکی است. در فرایند سلسله مراتب به‌عنوان مجموعه مشترک محسوب می‌شوند؛ به‌طوری‌که این متغیرها در ایجاد هیچ

متغیر دیگری مؤثر نیستند. آن متغیرها پس از شناسایی بالاترین سطح از فهرست سایر متغیرها کنار گذاشته می‌شوند. این تکرارها تا مشخص شدن سطح همه متغیرها ادامه می‌یابد. در این پژوهش، متغیرها در چهار سطح به‌دست آمده‌اند که نتیجه نهایی آن‌ها در جدول ۶ جمع‌بندی شده است. عوامل مؤثر بر پرداخت مالیات که مجموعه قابل دستیابی و مشترک آن‌ها کاملاً یکسان است، در بالاترین سطح از سلسله مراتب مدل ساختاری ـ تفسیری قرار می‌گیرد.

جدول (٦): سطح‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت در پرداخت مالیات

ردیف	ابعاد	سطح
۱	عوامل سیاسی	سطح۴
۲	عوامل قانونی	سطح۳
۳	آموزش	سطح۲
۴	ویژگی جمعیتی	سطح۴
۵	عوامل اقتصادی	سطح۲
۶	عوامل فرهنگی	سطح۲
۷	عوامل اجتماعی	سطح۲
۸	عوامل مدیریتی	سطح۱
۹	ویژگی روان‌شناختی	سطح۲
۱۰	عوامل سازمانی	سطح۱

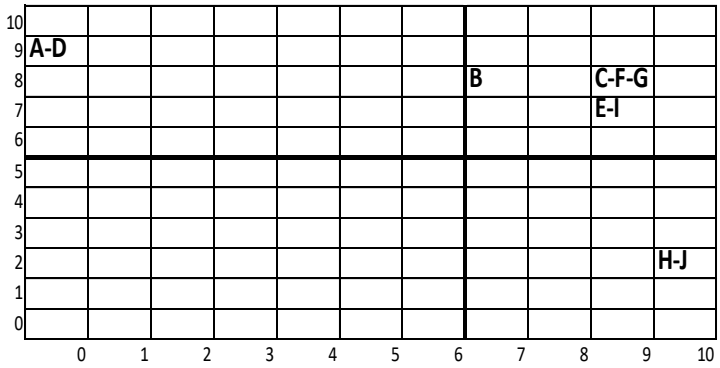
در بررسی‌ها، ۱۰ متغیر به‌عنوان عوامل تأثیرگذار شناسایی شدند که در چهار سطح قرار گرفته‌اند. عوامل مدیریتی و سازمانی در سطح اول، روان‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و آموزش در سطح دوم، عامل قانونی در سطح سوم و عوامل جمعیت شناختی و سیاسی در سطح چهارم.

تحلیل میک‌مک[1]: نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها با استفاده از روش میک‌مک[2] مشخص شده است. پس از تعیین اثرپذیری و قدرت

1. Matrix of Crossed Impact Multiplications Applied to a Classification

۲. نرم‌افزار میک‌مک برنامه کاربردی برای حل مسائل تحلیل ساختاری و مدلسازی ساختاری-تفسیری است. این نرم افزار جهت انجام محاسبات پیچیده ماتریس متقاطع در آینده‌پژوهی طراحی شده است. روش استفاده از این نرم‌افزار بدین‌گونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه مورد نظر را شناسایی و سپس آن‌ها را در ماتریس وارد می‌کنند.

نفوذ و قدرت وابستگی عوامل می‌توان تمامی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در پرداخت مالیات را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثر متغیر طبقه‌بندی کرد. اولین گروه متغیر مستقل (خودمختار) است که قدرت هدایت و وابستگی ضعیفی دارد. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها جداست و ارتباط کمی دارند. دومین گروه متغیرهای وابسته که از وابستگی بسیار بالایی ولی قدرت هدایت ضعیفی برخوردارند. سومین گروه متغیرهای پیوندی که قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند. درواقع، هرگونه عملی بر این شاخص متغیرها باعث تغییر سایر شاخص‌ها می‌شود. گروه چهارم متغیرهای مستقل (کلیدی) را دربرمی‌گیرند. این متغیرها وابستگی پایینی و دارای قدرت نفوذ بالایی‌اند.



مؤلفه‌های واقع در سطوح چهارگانه را بر اساس قدرت نفوذ و درجه وابستگی آنها می‌توان در چهار سطح خودمختار، وابسته، پیونددهنده و مستقل طبقه‌بندی کرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مؤلفه‌های واقع در ربع اول نمودار به مؤلفه‌های پیوند دهنده و یا اتصالی معروف‌اند. این مؤلفه‌ها B-C-E-F-G-I می‌باشند که نماینده مؤلفه‌های عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قانونی، آموزش و آگاهی بخشی‌اند و از قدرت نفوذ و درجه وابستگی بالایی برخوردارند. مؤلفه‌های واقع در ربع دوم که مؤلفه‌های مستقل نام دارند، از قدرت نفوذ بالا و درجه وابستگی پایینی برخوردارند. مؤلفه A-D در زمره این مؤلفه‌ها هستند. مؤلفه‌های ربع چهارم که مؤلفه J-H یعنی مؤلفه عوامل مدیریتی و سازمانی می‌باشند، با توجه به شاخص درجه وابستگی و همچنین شاخص قدرت نفوذی که دارند را مؤلفه وابسته می‌نامند.

نتیجه‌گیری

مشارکت عمومی مردم در امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یکی از شاخص‌های مهم توسعه در کشورهای توسعه‌یافته به‌شمار می‌رود. مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات از شاخص‌های مهم توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. به‌همین‌دلیل ضرورت شناخت عوامل بروز و تشدید پرداخت یا فرار مالیاتی و تمهید و ارائه راهکارها و پیشنهادهای علمی ـ کاربردی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ بنابراین، پژوهش حاضر تلاش کرد عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات در ایران را بررسی، شناسایی و رتبه‌بندی کند. پژوهش حاضر کیفی از نوع مدلسازی ساختاری است. جامعه آماری شامل کارمندان اداره مالیات شهر تهران بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه و ماتریس محقق ساخته استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، ۱۰ عامل تأثیرگذار در افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات شناسایی گردید که شامل عوامل سیاسی، قانونی، آموزش و آگاهی‌بخشی، ویژگی جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و ویژگی‌های روان‌شناختی است. تحلیل روابط متغیرها به استخراج یک مدل چهار سطحی منجر گردید که عوامل سیاسی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در سطح چهارم، عوامل قانونی در سطح سوم، عوامل آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ویژگی روان‌شناختی در سطح دوم و عوامل سازمانی و مدیریتی در سطح اول قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد عوامل سیاسی و جمعیت‌شناختی بیشترین و بالاترین اثرگذاری را بر گرایش به پرداخت مالیات دارند. بر اساس نتایج پژوهش، شفافیت در مصرف مالیات توسط دولت با جلب اعتماد مؤدیان و بالا رفتن اعتماد سیاسی سبب افزایش گرایش افراد به پرداخت مالیات می‌گردد. مالیات از منابع مهم درآمدی دولت‌ها و مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند عدالت اجتماعی را محقق سازد و بالعکس اگر بخش مالیات سازمان‌دهی نشود، نمی‌توان امید چندانی به اقتصاد کشورها داشت. اجرای دقیق قوانین عادلانه أخذ مالیات در جامعه علاوه بر اینکه فاصله طبقاتی را از بین می‌برد، باعث کاهش تورم می‌شود (سنجرانی، ۱۴۰۰، ص. ۲). مسئله مالیات، نحوه و میزان مشارکت مردم در پرداخت مالیات و شناخت این عوامل به سیاستمداران، برنامه‌ریزان، اقتصاددانان، اصحاب فرهنگ و رسانه و متولیان آموزش و پرورش کمک می‌کند تا در سیاست‌گذاری‌ها با بینش نو به این مهم توجه کنند (نیکنامی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۸). افراد زمانی به پرداخت مالیات تمایل دارند و داوطلبانه مالیات پرداخت می‌کنند که نسبت به دستگاه مالیاتی و دولت اعتماد داشته باشند و از اینکه مالیات أخذ شده

در جهت افزایش سطح رفاه و حفظ منافع ملی هزینه می‌گردد؛ مطمئن باشند. به‌همین‌دلیل اعتمادسازی باید در اولویت قرار گیرد و مهم‌ترین روش برای افزایش اعتماد و باور مالیاتی عملکرد بهینه دولت است (زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹). نتایج پژوهش نشان می‌دهد عوامل سیاسی و جمعیت‌شناختی بیشترین اثر را بر افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات دارند. این عوامل شامل شفافیت در مصرف مالیات توسط دولت با جلب اعتماد مؤدیان و بالا رفتن اعتماد سیاسی است. تحریم‌ها با ایجاد تغییرهای اقتصادی مانند تورم، رکود و بالا رفتن نرخ مالیات از دیگر عوامل سیاسی مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات محسوب می‌شود. تبعیض در أخذ مالیات از دیگر عوامل اثرگذار به‌شمار می‌رود. در ایران از کارمندان دولتی قبل از پرداخت حقوق، مالیات کسر می‌گردد؛ درحالی‌که، برای مشاغلی مانند پزشکان، طلافروشان، صنف آهن‌فروشی و... سازوکار منظم و تضمین‌شده‌ای برای أخذ مالیات وجود ندارد. نامشهود بودن آثار پرداخت مالیات در زندگی اجتماعی از دیگر دلایل است؛ به‌عنوان‌مثال مردم انتظار دارند با پرداخت مالیات، رفاه آنان در قالب کاهش بیکاری، کاهش تورم و... افزایش یابد؛ اما متأسفانه با بررسی میزان درآمدهای مالیاتی و شاخص‌های رفاهی قضیه عکس است. با اینکه درآمدهای مالیاتی در طول زمان افزایش داشته اما شاخص‌های رفاهی بهبود نیافته است. این نتایج یافته‌های پژوهش محسنی تبریزی، کمیجانی، عباس‌زاده (۱۳۸۹)، رزمی و کاوسی (۱۳۹۴)، کرمانشاهی و اعظمی (۱۳۹۷)، خواجوی و کرمشاهی (۱۳۹۷) را تأیید می‌کند. با توجه به عوامل تأثیرگذار بر افزایش مشارکت در پرداخت مالیات، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد. در مراحل تصمیم‌گیری باید شهروندان هم مشارکت داشته باشد و فقط توسط کارگزاران صورت نگرفته باشد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه عنوان داشته، مشارکت بیشتر شهروندان در فرایند سیاست‌گذاری، اقبال اجرای موفقیت‌آمیز قبول داوطلبانه و همچنین افزایش دامنه مشارکت با شهروندان خواهد شد.

پیشنهادها

با بررسی اسناد پژوهشی و به‌منظور افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۱- افزایش مشارکت عمومی مردم در مراحل تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های مالیاتی؛

۲- اجرای طرح جامع مالیاتی و به جهت آماده‌سازی و پیش‌نیازهای لازم برای

اجرای عملی آن؛

۳- افزایش کیفیت خدمات مالیاتی به مؤدیان با دو هدف عمده آگاهی دادن به مؤدیان درباره حقوق و تکالیف قانونی آن‌ها و ارائه خدمات مشاوره‌ای؛

۴- کاهش پیچیدگی قوانین مالیاتی، تقویت مشوق‌های انگیزشی، اعمال معافیت و نرخ‌های مناسب؛

۵- تسهیل قوانین و مقررات، جلوگیری از اقتصاد زیرزمینی، کاهش نرخ رکود و تورم، عدم مداخله دولت و بهبود فضای کسب‌وکار؛

۶- با توجه به گستردگی ابعاد عوامل سیاسی، قانونی، آموزش و آگاهی‌بخشی، ویژگی جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، مدیریتی و ویژگی‌های روان‌شناختی؛ پیشنهاد می‌شود مهم‌ترین ابعاد این عوامل در مطالعات جداگانه‌ای بررسی و تحلیل شود.

فهرست منابع

آتش‌سوز، علی؛ فیضی، کامران؛ کزازی، ابوالفضل و الفت، لعیا (۱۳۹۵). مدل‌سازی تفسیری ـ ساختاری ریسک های زنجیره تأمین صنعت پتروشیمی. *مطالعات مدیریت صنعتی*، ۱۴(۴۱)، ۳۹-۷۳.

آذر، عادل و بیات، کریم (۱۳۸۷). طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری. *مدیریت فناوری اطلاعات*، ۱(۱)، ۳-۱۸.

آقایی‌خانه‌برق، علی؛ غریب‌زاده، رامین و ازادی‌بریس، لیلی (۱۳۹۹). مدلیابی نقش فرهنگ سیاسی در مشارکت و اعتماد سیاسی با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی. *مطالعات رهبری فرهنگی*، ۴(۲)، ۶۸-۸۱.

ابراهیمی سروعلیا، محمد حسن؛ حساس یگانه، یحیی؛ رجایی باغ سیایی، محمد و علاسوند، فرشید (۱۳۹۸). نقش منطقه‌ای استقرار اظهارنامه های مالیاتی در تمایل به پرداخت مالیات (مورد مطالعه: مودیان مالیاتی اداره امور مالیاتی شهر تهران). *دانش سرمایه‌گذاری*، ۸(۲۹)، ۲۰۷-۲۲۴.

ابراهیمی، قربانعلی؛ بابازاده‌بانی، علی و ابراهیمی‌گتابی، حسین (۱۳۹۰). بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی: (مطالعه دانشجویان عضو تشکل های انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه های مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، ۴(۲)، ۶۳-۸۲.

احمدی، احمد و رضایی، حسیبه (۱۳۹۴). رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان (مطالعه موردی: معلمان شهر مریوان). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲۴(۷)، ۲۰۰-۲۳۶.

احمدی‌موسوی، سیدمهدی؛ ولیدی، محمدصالح و نجفی‌توانا، علی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی نظام مالیاتی ایران و تبیین علل موثر در بروز آسیب‌ها. *حقوقی دادگستری*، ۹۶(۸۰)، ۳۷-۵۸.

اکبری، مجید و علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۹۶). مدل‌سازی ساختاری ـ تفسیری عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران. *برنامه ریزی و آمایش فضا*، ۲۵(۲۱)، ۳۱-۱.

باریکانی، علی (۱۴۰۰). تحلیل عدم تمکین و پذیرش پرداخت مالیات از سوی مردم. *امنیت اقتصادی*، ۹۰(۹)، ۷۵-۸۴.

بهنام‌فر، محمدحسن و شاعری، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی رابطه میان شاخص‌های فرهنگ سیاسی با میزان مشارکت سیاسی در اسفراین. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۵۰(۱۳)، ۴۷-۷۴.

حساس یگانه، یحیی؛ ابراهیمی سرو علیا، محمد حسن؛ علاسوند، فرشید و دلاور، علی (۲۰۱۹). اهمیت عوامل تمایل به پرداخت مالیات از دیدگاه مؤدیان مالیاتی (مورد مطالعه : مودیان مالیاتی اداره امور مالیاتی شهر تهران). *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۸(۲۹)، ۲۰۳-۲۱۴.

خواجوی، شکراله و کرمشاهی، بهنام (۱۳۹۷). پدیدارشناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی. *حسابداری ارزشی و رفتاری، سال نهم*، ۱۸۷-۲۰۸.

دیانتی‌دیلمی، زهرا و رضاپورپرورش، رویا (۱۳۹۳). رابطه بین اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با فرار مالیاتی. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۳۳(۹)، ۹۴-۸۳.

رزمی، سیدمحمدجواد و کاوسی، شراره (۱۳۹۴). رابطه سرمایه اجتماعی و پذیرش مالیاتی: نقش میانجی گر اخلاق مالیاتی. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۳۵(۱۰)، ۷۳-۸۲.

زندیه، حسن و آدینه‌وند، مسعود (۱۳۹۵). بررسی عملکرد سازمان‌بازرسی‌شاهنشاهی در دوره اول حیاتسازمان (۱۳۵۱-۱۳۳۷ش). *پژوهش های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۸(۱۰)، ۶۵-۹۲.

زهی، نقی و محمدخانلی، شهرزاد (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). *پژوهشنامه مالیات*، ۵۷(۱۸)، ۲۵-۶۰.

سبکتکین، قربانعلی و جعفری، احمد (۱۳۹۵). تحلیل جامعه شناختی راهبردهای مشارکت مردم در پرداخت مالیات‌های محلی (عوارض خدمات شهری) در بین شهروندان کرج. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲۰(۵)، ۲۹۷-۳۲۰.

سنجرانی، طوبی (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر تسهیل در پرداخت مالیات توسط مودیان مالیاتی و شناسایی عوامل موجود. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۵۴(۵)، ۱۰۴-۱۲۵.

شاعری، فاطمه (۱۳۹۵). *بررسی نقش عوامل فرهنگی و اقتصادی موثر بر مشارکت سیاسی*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی.

صامتی، مجید؛ امیری، هادی و حیدری، زهرا (۱۳۹۴). تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی، مطالعه موردی شهر اصفهان. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۷۵(۲۳)، ۲۶۲-۲۳۱.

صدری، محمدحسن و شبانیان، زهرا (۱۳۸۴). علل فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی. *حافظ*، ۲۲(۲)، ۲۱-۲۴.

صحرایی، لیلا (۱۳۸۷). *بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی جوانان ساکن شهر تهران*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

عسگری، حشمت‌اله؛ روزی‌طلب، اناهیتا و منصوری، امیر (۱۴۰۰). تحلیل رفتاری تمایل به پرداخت مالیات (مطالعه موردی شهرک صنعتی سمنان). *پژوهشنامه مالیات*، ۹۷(۴۹)، ۷-۳۲.

علمداری، شهرام (۱۳۹۸). عوامل موثر بر کاهش فرار مالیاتی در استان فارس. *مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری*، ۲۳(۵)، ۷۰-۷۶.

علمی، محمود؛ تقی‌لو، فرامرز و موسی‌زاده، رحیم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۶(۲)، ۱۳۱-۱۵۴.

علیزاده‌بیرجندی، زهرا (۱۳۸۵). پاشنه آشیل مشروطه نقش عوامل اقتصادی در آسیب‌پذیری نظام مشروطه. *زمانه*، ۴۷(۵)، ۶۸-۷۰.

غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت* (ویرایش ۱). تهران: نزدیک.

قاسمیان، سلمان؛ پیرمرادیان، مصطفی و محمودآبادی، سیداصغر (۱۳۹۴). تحلیلی بر سنت‌های دیوان‌سالاری ایران در خلیج فارس: «امام مسقط و اجاره‌داری بندرعباس» (۱۲۰۹-۱۲۸۵). *تاریخ اسلام و ایران*، ۲۵(۲۵)، ۱۷۱-۱۹۸.

قرنجیک، اسماعیل؛ ضیاالدینی، محمد و هادوی‌نژاد، مصطفی (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی در پرداخت مالیات با استفاده از روش تاپسیس فازی. *پژوهشنامه مالیات*، ۹۴(۴۶)، ۱۰۳-۱۲۷.

قرنجیک، اسماعیل؛ ضیاالدینی، محمد و هادوی‌نژاد، مصطفی (۱۴۰۰). نگاشت شناختی عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت در پرداخت مالیات. *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۴۷(۱۲)، ۵۷-۷۶.

کاظم‌بیگی، محمدعلی و حسینی، سید مصطفی (۱۳۹۰). مالیات و هزینه‌های ولایات در دوره قاجاریه کتابچه دستورالعمل جمع و خرج بسطام و شاهرود ۱۲۹۴-۱۲۹۵ه. *تاریخ و تمدن اسلامی*، ۱۳(۷)، ۱۲۹-۱۶۴.

کرمشاهی، بهنام و اعظمی، زینب (۱۳۹۷). رابطه بین اخلاق فردی، اخلاق حرفه‌ای حسابداران، جنسیت و تمکین مالیاتی. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۴۶(۱۳)، ۹۱-۹۹.

لاری‌دشت‌بیاض، محمود؛ قائم‌مقامی، کامران و کهرمی، قاسم (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۶۴.

محسنی تبریزی، علیرضا؛ کمیجانی، اکبر و عباس‌زاده، مرتضی (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر افزایش فرهنگ مالیاتی در میان مودیان بخش مشاغل (صنف لوازم التحریر، استان البرز). *پژوهشنامه مالیات، سال هجدهم*، (۹).

مهاجری، پریسا؛ طالبلو، رضا و ستاره‌ای، لیلا (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر نسبت مالیات بر ارزش‌افزوده به تولید ناخالص داخلی با تأکید بر حدآستانه ثبت‌نام. *پژوهشنامه مالیات*، ۹۳(۴۵)، ۷-۳۵.

میرزایی، زینب؛ نایب‌زاده، شهناز و حاتمی‌نسب، سیدحسن (۱۴۰۰). نگاشت‌شناختی آمیخته بازاریابی اجتماعی در وصول مالیات داوطلبانه. *علوم مدیریت ایران*، ۱۶(۶۲)، ۸۲-۵۵.

میرمحمدی، سیدمحمد و جنتی، نادر (۱۳۹۶). اولویتهای اصلاح نظام مالیاتی ایران با تأکید بر فعالیت‌های گردشگری (رویکرد مدلسازی تفسیری ساختاری). *گردشگری و توسعه*، ۶(۱)، ۱۵۰-۱۷۷.

نیکنامی، مصطفی؛ زمانی‌مقدم، افسانه؛ محمدخانی، کامران و غیاثی، محمدرضا (۱۳۹۸). تحلیلی بر بهبود مشارکت مردمی در امور پرداخت مالیات با تأکید برآموزش شهروندی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی غرب شهر تهران). *پژوهشنامه مالیات*، ۹۱(۴۳)، ۱۴۵-۱۷۱.

هادیان، ابراهیم و تحویلی، علی (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۲۱(۱۸)، ۳۹-۵۸.

Alm, James; McClelland, Gary H. & Schulze, William D. (1992). Why do people pay taxes? *Journal of public Economics*, 48(1), 21-38.

Arbex, Marcelo Aarestru; Carré, Justin M.; Geniole, Shawn N. & Mattos, Enlinson (2018). Tax evasion, testosterone and personality traits.

Birou, Alen. (2011). *Social science culture*. (B. Saroukhani, tran.). Keyhan.

Britton, Garth (2017). *Co-design and social innovation: Connections, tensions and opportunities*. Taylor & Francis.

Fjeldstad, Odd-Helge & Semboja, Joseph (2001). Why people pay taxes in Tanzania. *World Development*, 29(12), 2059-2074.

Hamzah, Amir; Rahayu, Anisa Laila; Khaerunnisa, Hasna Firyal; Riska, Riska & Aulia, Dzikro Hillyatul. (2023). Factors Affecting Community Participation in Paying Land and Building Tax in Kuningan Regency. *Jambura Equilibrium Journal*, 5(1), 9-16.

Ngicuru, PN.; Muiru, M. & Riungo, MI. (2017). An empirical review of factors affecting revenue collection in Nairobi county, Kenya. *International Journal of Economics, Commerce and Management*, (8), 324-359.

Srivastava, Himanshu Shekhar; Singh, Gurbir & Mishra, Abhishek (2018). Factors affecting consumers' participation in consumption tax evasion. *Journal of Indian Business Research*, 10(3), 274-290.

References

Aghaei Khanebargh, Ali; Gharibzadeh, Ramin & Azadibaris, Leila (2020). Modeling the role of political culture in political participation and trust with the mediation of social capital. Cultural Leadership Studies, 4(2), 68-81. (In Persian).

Ahmadi Mosavi, Mehdi; Saleh Avalidi, Mohammad & Najafi Tavana, Ali (2016). Patologhy of Iran's Tax system. The Judiciarys Law Journal, 80(96), 37-58. https://doi.org/10.22106/jlj.2016.24716. (In Persian).

Ahmadi, Ahmad; & Rezaei, Hosayebeh (2015). the Relationship between Social Welfare and the Political Participation of Teachers (A Case Study of Teachers in Marivan). Social Development & Welfare Planning, 7(24), 231-267. https://doi.org/10.22054/qjsd.2016.2006. (In Persian).

Akbari, Majid & Aliakbari, Esmaeil (2017). Interpretive-Structural Modeling of the Factors that Affect the Viability of Tehran Metropolis. The Journal of Spatial Planning, 21(1), 1-31. (In Persian).

Alamdari, Shahram (2019). Factors affecting the reduction of tax evasion in Fars province. Economics Studies, Financial Management and Accounting, 23(5), 70-76. (In Persian).

Alizadehbirjandi, Zahra (2006). Achilles' heel of the constitution, the role of economic factors in the vulnerability of the constitutional system. Zamaneh, 47(5), 68-70. (In Persian).

Alm, James; McClelland, Gary H. & Schulze, William D. (1992). Why do people pay taxes? Journal of Public Economics, 48(1), 21-38.

Arbex, Marcelo Aarestru; Carré, Justin M.; Geniole, Shawn N. & Mattos, Enlinson (2018). Tax evasion, testosterone and personality traits.

Asgari, Heshmatollah; Roozitalab, Anahita & Mansouri, Amir (2021). Behavioral Analysis of Willingness to Pay Taxes (A Case Study of Semnan Industrial Town). Journal of Tax Research, 29(49). https://doi.org/10.52547/taxjournal.29.49.7. (In Persian).

Atashsooz, Ali; Feizi, Kamran; Kazazi, Abolfazl & Olfat, Laya (2016). Interpretive Structural Modeling of Petrochemical Industry Supply Chain Risks. Industrial Management Studies, 14(41), 39-73. https://doi.org/10.22054/jims.2016.4168. (In Persian).

Azar, Adel & Bayat, Karim (2008). Designing a Model for "Business Process-Orientation" Using Interpretive Structural Modeling Approach (ISM). Journal of Information Technology Management, 1(1), 3. (In Persian).

Barikani, Ali (2021). Analysis of non-compliance and acceptance of tax payment by the people. Economic Security, 90(9), 75-84. (In Persian).

Behnamfar, Mohammadhasan & Shaeri, Fatemeh (2019). Investigating the relationship between the indicators of political culture and the level of political participation in Esfrain. Social Cultural Studies of Khorasan, 13(2), 47-74. https://doi.org/10.22034/fakh.2019.93137. (In Persian).

Birou, Alen (2011). Social science culture. (B. Saroukhani, Tran.). Tehran: Keyhan . (In Persian).

Britton, Garth (2017). Co-design and social innovation: Connections, tensions and opportunities. Taylor & Francis.

Deiyanati Deylami, Zahra & Rezapour Parvaresh, Rouya (2015). Relation between Corporate Ethics, Social Responsibility, Machiavellianism and Tax Avoidance. Ethics in Science and Technology, 9(4), 83-94. (In Persian).

Discussion on: Finance and its economic concept (1985). Hoozeh, 9(2), 122-134. (In Persian).

Ebrahimi Sarveolia, Mohamad Hasan; Hasas Yeganeh, Yahya; Rajaei Bagh Siaei, Mohammad & Alasvand, Farshid (2019). Regional Role of Tax Return Transcript Establishment in Intention-to-pay Taxes: (Study Case: Taxpayers of Iranian National Tax Admission Organization-Tehran). Journal of Investment Knowledge, 8(29), 207-224. (In

Persian).
Ebrahimi, Ghorbanali; Babazadehbani, Ali & Ebrahimi Gatabi, Hossein (2011). investigating the effect of political trust on political participation: (Study of students who are members of Islamic Associations and Student Mobilization Organizations of Mazandaran and Noshirvani Universities of Technology, Babol). Quarterly of Sociological Studies of Youth, 4(2), 63-82. (In Persian).
Elmi, Mahmoud; Taghiloo, Faramarz & Mosazadeh, Rahim (2010). the relationship between social alienation and political participation among students of Islamic Azad University of Naghadeh. Sociological Studies, 3(6), 131-154. (In Persian).
Fjeldstad, Odd-Helge & Semboja, Joseph (2001). why people pay taxes: The case of the development levy in Tanzania. World Development, 29(12), 2059-2074.
Ghafari, Gholamreza & Niazi, Mohsen (2007). Sociology of participation (1st Ed.). Tehran: Nazdic. (In Persian).
Ghasemiyan, Salman; Pirmoradian, Mostafa & Mahmoodabadi, Seyedasghar (2015). An analysis of the bureaucratic traditions of Iran in the Persian Gulf: "Imam of Muscat and the tenancy of Bandar Abbas" (1209-1285). History of Islam and Iran, 25(25), 171-198. (In Persian).
Hadian, Ebrahim & Tahvili, Ali and. (2013). Tax Evasion and Its Determinants in the Iranian Economy (1971-2007). Planning and Budgeting, 18(2). (In Persian).
Hamzah, Amir; Rahayu, Anisa Laila; Khaerunnisa, Hasna Firyal; Riska, Riska & Aulia, Dzikro Hillyatul (2023). Factors Affecting Community Participation in Paying Land and Building Tax in Kuningan Regency. Jambura Equilibrium Journal, 5(1), 9-16. (In Persian).
Hasas Yeganeh, Yahya; Ebrahimi Sarveolia, Mohamad Hasan; Alasvand, Farshid & Delavar, Ali (2019). Importance of Factors Influencing Intention-to-pay Tax from the Perspective of Tax Payers: (Case Study: Taxpayers of Iranian National Tax Admission Organization-Tehran). Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge, 8(29), 203-214. (In Persian).
Kazembeygi, Mohammadali & Hosseini, Seyedmostafa (2011). Taxes and expenses of the provinces in the Qajar era, Bastam and Shahrood collection and expenditure booklet, 1294-1295 AH. Islamic History and Civilization, 13(7), 129-164. (In Persian).
Kemanshahi, Behnam & Azami, Zeynab (2018). The Relationship between Personal Ethics, Professional Ethics and Gender of accountants and tax Compliance. Ethics in Science and Technology, 13(1), 91-99. (In Persian).
Khajavi, Shokrollah & Karamshahi, Behnam and. (2018). Phenomenology of the role of Individual attitudes on Tax Ethics. Journal Title, 3(5), https://doi.org/10.29252/aapc.3.5.187. (In Persian).
Lari Dashtbayaz, Mahmoud; Ghaemmaghami, Kamran & Kahromi,

Ghasem and. (2016). The factors effect on tax evasion in South Khorasan province : An emphasis on cultural dimentions. Journal Title, 1(1), https://doi.org/10.18869/acadpub.aapc.1.1.139. (In Persian).

Mirmohammadi, Seyed Mohammad & Jannati, Nader (2017). Modification Priorities in Iran's Tax System Emphasizing on Tourism Activities. Journal of Tourism and Development, 6(1), 150-177. (In Persian).

Mirzaei, zeynab; Nayebzadeh, Shahnaz & Hataminasab, Seyyed Hassan (2021). Conceptual mapping of social marketing approach in Iranian National Tax Administration (INTA). Management Research in Iran, 25(3), 170-191. (In Persian).

Mohajeri, Parisa; Talebloo, Reza & Setareeei, Leyla (2020). Identifying the Effective Factors on VAT Revenues to GDP Ratio with an Emphasis on Registration Threshold. Journal of Tax Research, 28(45), 7-35. https://doi.org/10.29252/taxjournal.28.45.7. (In Persian).

Mohseni Tabrizi, Alireza; Komijani, Akbar & Abbaszadeh, Morteza and. (2011). A Study of Factors Increasing Tax Culture among Business Taxpayers (Stationery Guild of Alborz Province). Journal of Tax Research, 18(9). (In Persian).

Ngicuru, PN.; Muiru, M. & Riungo, MI. (2017). An empirical review of factors affecting revenue collection in Nairobi County, Kenya. International Journal of Economics, Commerce and Management, 8, 324-359.

Niknami, Mostafa; Zamanizadeh, Afsaneh; Mohammadkhani, Kamran & Ghiyasi, Mohammadreza (2019). An Analysis of Improving Public Participation in Tax Payments with Emphasis on Citizenship Education (Case Study of General Tax Affairs Directorate of Tehran City West). Journal of Tax Research, 27(43), 145-178. https://doi.org/10.29252/taxjournal.27.43.145. (In Persian).

Qaranjik, Esmaeil; Ziaoldini, Mohammad & Hadevinejad, Mostafa (2020). Identifying and prioritizing factors affecting the increase of public participation in tax payment using fuzzy TOPSIS method. Tax Research Paper, 94(46), 103-127. (In Persian).

Qaranjik, Esmail; ZiaaDdini, Mohammad & Hadavinejad, Mostafa (2021). Cognitive mapping of Influencing factors on participation in tax payments. Public Administration Perspaective, 12(3), 57-76. https://doi.org/1052547/jpap.2021.214014.0. (In Persian).

Razmi, Seyedjavad & Kavousi, Sharareh (2015). the relationship between social capital and tax acceptance: the mediating role of tax ethics. Ethics in Science and Technology, 35(10), 73-82. (In Persian).

Saboktakin, Ghorbanali & Jafari, Ahmad (2016). Sociological analysis of people's participation strategies in paying local taxes (urban service charges) among the citizens of Karaj. Social and Cultural Strategy, 20(5), 297-320. (In Persian).

Sadri, Mohammadhasan & Shabaniyan, Zahra (2005). Causes of the collapse of the Achaemenid Empire. Hafez, 22(2), 21-24. (In Persian).

Sahraei, Leyla (2008). Investigating the relationship between political participation and political culture of young people living in Tehran. Allameh University, Tehran. (In Persian).

Sameti, Majid & Amiri, Hadi and. (2016). The Effect of Tax Morale on Tax Compliance: Case Study Isfahan City∗. Quarterly Journal of Economic Research and Policies, 23(75). (In Persian).

Sanjzaei, Toba (2021). Examining the factors affecting the facilitation of tax payment by taxpayers and identifying the existing factors. New Research Approaches in Management and Accounting, 54(5), 104-125. (In Persian).

Shaeri, Fatemeh (2016). Investigating the role of cultural and economic factors affecting political participation. Kharazmi, Tehran. (In Persian).

Srivastava, Himanshu Shekhar; Singh, Gurbir & Mishra, Abhishek (2018). Factors affecting consumers' participation in consumption tax evasion. Journal of Indian Business Research, 10(3), 274-290.

Zandiyeh, Hasan & Adinehvand, Masood (2016). Investigating the performance of the Imperial Inspection Organization in the first period of the organization's life (1337-1351). Historical Studies of Iran and Islam, 18(10), 65-92. (In Persian).

Zehi, Naqi & Mohammadkhanli, Shahrzad and. (2011). A Study on Factors Affecting Tax Evasion (A Case Study of East Azerbaijan Province). Journal of Tax Research, 18(9). (In Persian).

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۹۳۷-۹۷۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱
مقاله پژوهشی

انواع گردشگری از منظر منابع دینی و توسعه حلال آن در جمهوری اسلامی ایران

جواد غلامرضائی
استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تهران، ایران.
javad.gh313@gmail.com 0000- 0001-9708-414
امیرحسین اسکندری
دانشجویی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
ah.eskandari@isu.ac.ir 0009-0009-7958-8487

چکیده
گردشگری در جهان‌کنونی به لحاظ ابعاد گوناگون دارای اهمیت به‌سزایی بوده و مورد توجه دولت‌های مختلف از جمله کشورهای اسلامی قرار گرفته است. طبقه‌بندی و تبیین صحیح تعریف و انواع گردشگری از دید اسلام، اهمیت زیادی در اتخاذ راهبردهای یک کشور اسلامی مانند ایران و همچنین در تصمیم‌گیری و هدف گردشگر از سفر دارد. در مطالعه حاضر، مسئله انواع گردشگری از منظر منابع اسلامی و دیدگاه دین اسلام در رابطه با هریک از آن‌ها به‌عنوان پیش‌نیازی برای توسعه گردشگری حلال مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق از رویکرد استقرایی در ادله نقلی بهره می‌برد و دارای ماهیتی تحلیلی و توصیفی است که به برخی از یافته‌ها و نتایج آن اشاره خواهد شد. دین مبین اسلام برای گردشگری که با اهداف عالی الهی و انسانی همراه باشد ارزش زیادی قائل است. همچنین طبقه‌بندی مفهوم گردشگری که باتوجه‌به دستورات اسلامی احصا گردیده عبارت‌اند از: گردشگری فرهنگی، علمی، تجاری، تفریحی، مذهبی ـ زیارتی و سلامت (درمانی). هریک موارد مذکور باید در سیاست‌های توسعه گردشگری حلال به مثابه پشتوانه رونق برند گردشگری حلال کشور مورد توجه قرار گیرد. چراکه طبقه‌بندی دستورات اسلامی یکی از پیش‌نیازهای اتخاذ سیاست صحیح در رابطه با توسعه گردشگری حلال است. درهمین‌راستا در جهت توسعه حلال گردشگری فرهنگی ایجاد تورهای با هدف عمق بخشی به مبانی اعتقادی مناسب است. در خصوص گردشگری علمی نیز برگزاری دوره‌های عملی برای دانشجویان جهت دستیابی به مرزهای علم ضرورت دارد. همچنین به جهت توسعه گردشگری زیارتی حذف روادید و توسعه زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی مناسب، ضروری می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، دین، گردشگری حلال، ارتباطات میان فرهنگی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی
doi 10.22034/scs.2023.381239.1496
CC BY OPEN ACCESS
مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

اسلام کامل‌ترین شریعتی است که بر همه ابعاد زندگی انسان اشراف داشته و برنامه خود را در زمینه‌های گوناگون ارائه نموده است و موجبات تعالی انسان‌ها و جوامع را در عرصه‌های مختلف زندگی فراهم می‌آورد؛ ازجمله این موارد می‌توان به مقوله گردشگری اشاره نمود. نزول قرآن مقارن با زمانی بود که هیچ‌گونه کتابتی در جهت شناساندن و توصیه به عبرت‌گیری و شناخت تاریخ و سنت‌های اجتماعی بشری وجود نداشت و در این میان خداوند متعال در قرآن کریم (حج / آیه ۴۶؛ عنکبوت / آیه ۲۰؛ آل‌عمران / آیه ۱۳۷) مسلمانان را به گردشگری و تدبر در نشانه‌ها فرا می‌خواند. از نظر قرآن یکی از بهترین راه‌های شناخت، سیر در جهان هستی است و گردشگری از دید اسلام دارای حکمت است و اگر هدفمند صورت گیرد، موجب رشد انسان به نحو فردی و اجتماعی می‌شود که تقرب به خداوند نتیجه مهم این عمل است.

امروزه گردشگری بر پایه سفر به‌دلیل اینکه پس از صنایع نفت، خودروسازی و اسلحه‌سازی؛ چهارمین صنعت بزرگ دنیا است (کیوانی هفشجانی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۹) مورد اهتمام جهانیان بوده؛ به‌طوری‌که کشورهای بسیاری برای رشدشان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روی این موضوع حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند. همچنین ازآنجاکه گردشگری، تعاملات میان‌فرهنگی را بین کشورهای جهان حاصل می‌کند؛ سهم عظیمی از اقتصاد جامعه را دارا بوده و هر روز درحال‌توسعه است؛ به‌گونه‌ای که تفریح جزء لاینفک زندگی بشر امروزی است و حتی در کشورهای مسلمان با نگاه‌های مادی‌گرایانه روبه‌روست. به‌همین‌جهت سازمان همکاری اسلامی به‌دلیل اثرهای مهم گردشگری در تعامل میان فرهنگ‌های گوناگون، تمدن‌ها و برقراری ارتباط حسنه میان ملت‌ها؛ با نام‌گذاری سال ۲۰۱۰ به‌عنوان سال «توریسم اسلامی»، لزوم شناخت و توجه به صنعت گردشگری به‌خصوص در حوزه گردشگری حلال[1] را در دستور کار قرار داد تا از این مبدأ، نظام‌های اسلامی را به تأمل هرچه بهتر در زمینه حلال توریسم و توسعه آن وادارد (نجاروظیفه‌دار و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۲).

یکی از راه‌های توسعه گردشگری خصوصاً گردشگری حلال، مطالعه انواع گردشگری از نگاه منابع اسلامی به‌عنوان نقشه‌راه و پیش‌نیازهای توسعه گردشگری حلال است که قاعدتاً نظام‌های اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران برای به

1. Halal tourism

کارگیری و توسعه انواع گردشگری نیاز به تأیید و توصیه شارع مقدس در این زمینه دارند. همچنین تشریح اقسام گردشگری از منظر منابع دینی این امکان را به گردشگر مسلمان می‌دهد که با دید بهتری هدف خود را از سفر مشخص کند و در سطوح کلان تصمیم‌گیری در ایران اسلامی نیز، سیاست‌گذار به‌منظور تصمیم‌گیری هرچه بهتر از این موارد بهره می‌برد.

در کشور ایران با وجود ظرفیت‌های فراوانی همچون آثار و میراث فرهنگی ملموس[1] و ناملموس[2]، وجود میراث‌طبیعی و همچنین فضای اسلامی حاکم بر کشور، امکان حضور گردشگران به‌ویژه گردشگران مسلمان فراهم است و این امکان برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد تا با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق در زمینه جذب گردشگران مسلمان از سایر کشورها پیشی گیرد. ازاین‌رو در نقشه مهندسی فرهنگی کشور ـ مصوب ۱۳۹۱ ـ به مدیریت فرهنگی ـ اسلامی و نهادینه‌سازی الگوهای گردشگری، توسعه گردشگری دینی، جذب و گسترش گردشگر خارجی در زمینه دینی، زیارتی، علمی و فرهنگی[3] و نیز در قسمت توسعه منابع و جاذبه‌های گردشگری کشور (راهبردهای کلان) سند راهبردی توسعه گردشگری کشور ـ مصوب ۱۳۹۹ ـ موضوع بند «الف» ماده (۱۰۰) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی،

1. Tangible cultural heritage
2. Intangible cultural heritage

۳. راهبرد کلان ۷:

راهبرد ملی: ۴- نهادینه‌سازی الگوها و سازوکارهای اسلامی نشاط و شادابی و سفر و گردشگری.

اقدامات ملی: ۲۰- اعمال مدیریت فرهنگی و ارائه الگوهای اسلامی در ایرانگردی، جهانگردی و گردشگری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تسهیل و توسعه گردشگری دینی و بهره‌گیری از این زمینه‌ها در توسعه فرهنگ اسلامی و انقلابی (۴).

راهبرد کلان ۱۱:

راهبردهای ملی: ۱- تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی در زمینه‌هایی همچون عدالت، صلح، امنیت جهانی، آزادی، اخلاق و معنویت، زن و خانواده، حاکمیت توحید و عدالت در جهان و امید به تاریخ و فرجام نیک جهان.

۳- مقابله مؤثر با اسلام‌ستیزی، شیعه‌ستیزی و ایران‌هراسی.

۴- بهره‌گیری متوازن و مؤثر از ظرفیت‌های تبلیغی دینی، رسانه‌ای، محیط مجازی، علمی ـ آموزشی، فرهنگی ـ هنری، سازمان‌های مردم‌نهاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ارائه تصویر روشن از جمهوری اسلامی ایران و معرفی دستاوردها، الگوهای موفق و آثار فاخر فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی در عرصه بین الملل.

اقدامات ملی: ۳- برنامه‌ریزی برای جذب و گسترش گردشگری خارجی به‌ویژه شیعیان و دیگر مسلمانان در زمینه‌های دینی، زیارتی، درمانی، علمی و فرهنگی به ایران (۱، ۳ و ۴).

۱۶- تدوین و اجرای سند و برنامه جامع گردشگری مبتنی بر نقشه مهندسی فرهنگی (۴).

اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ به جذب گردشگران مسلمان و معرفی فرهنگ اسلامی و شیعی به جهان، اشاره مستقیم شده است؛ بنابراین برای توسعه گردشگری از منظر اسلام، شناخت انواع آن به‌عنوان پیش‌نیازهای توسعه گردشگری حلال لازم به نظر رسیده و شایسته است در بُعد راهبردها و سیاست‌گذاری‌های ایران اسلامی، زمینه توسعه هریک را به فراخور اهمیت فراهم نمود تا توسعه گردشگری حلال در برایند توسعه انواع گردشگری از منظر اسلام حاصل شود. با توجه به اهمیت این موضوع و پیوند آن با رشد و شکوفایی ایران اسلامی، مسئله اصلی پژوهش حاضر استخراج انواع گردشگری و احکام آن‌ها از منظر منابع دینی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه گردشگری حلال، ارائه رویکرد جدید در طبقه‌بندی انواع گردشگری باتوجه به منابع دینی و ارائه راهکارهای سیاستی به فراخور موضوع است.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

۱-۱. اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش استخراج انواع گردشگری از منابع نقلی دین به‌منظور به کارگیری در سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت توسعه گردشگری حلال و ارائه پیشنهادهایی متناسب با این مسئله است. همچنین در اهداف جزئی پژوهش با واکاوی آیات و روایات مختلف، سعی شده است حکم هریک از انواع گردشگری مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا میزان اهمیت آن قسم از گردشگری برای مخاطبان مشخص گردد. نوآوری‌های پژوهش استخراج انواع گردشگری مبتنی بر منابع دینی و تبیین شاخصه‌های رشد و ارتقای برندینگ گردشگری حلال؛ به‌عنوان پیش نیازها و مبین مسیر سیاست‌گذاری صحیح در این عرصه از منظر آیات و روایات برای نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۱-۲. سؤال‌های پژوهش

پرسش اصلی این مقاله عبارت است از: انواع گردشگری از منظر آیات و روایات به‌منظور سیاست‌گذاری صحیح در راستای توسعه گردشگری حلال شامل چه مواردی است؟

پرسش‌های فرعی نیز عبارت‌اند از:

۱- طبقه‌بندی انواع گردشگری از منظر منابع دینی به چه صورت است؟

۲- با توجه به دلالت هر یک از آیات و روایات کدام یک از انواع گردشگری توصیه شده و حکم آن چیست؟

۳- رابطه میان اقسام گردشگری از دیدگاه منابع نقلی و توسعه گردشگری حلال در کشور اسلامی مانند ایران چگونه است؟

۱-۳. فرضیه‌ها

از مفروض‌های پژوهش پیش‌رو می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) تأکید آیات و روایات بر مسئله گردشگری به‌عنوان یک موضوع مهم در اسلام و تصریح به انواع گردشگری؛

ب) کارآمدی مبانی گردشگری حاصل از منابع دینی در رشد و توسعه ایران اسلامی

پ) وجود رابطه میان انواع گردشگری اسلامی و توسعه برند گردشگری حلال.

۲. پیشینه پژوهش

اذانی و زال (۱۳۹۰) در مقاله «گردشگری زنان؛ فرصت‌ها و تنگناها از دیدگاه اسلام»، به اهمیت سفر در اسلام به جهت ارتباط با خداوند و ضرورت سفر برای همگان خصوصاً زنان، ویژگی‌های گردشگری زنان در اسلام و تشابهات گردشگری زنان مسلمان و غیرمسلمان را اشاره کرده‌اند.

شفقی، حسنوند و مصلحی (۱۳۹۱)، در پژوهش «گردشگری از نگاه اسلامی محدود نیست»، بیش از ۱۳ آیه با اهمیت سیر و سیاحت و روایات مرتبط با حوزه‌های اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی گردشگری را آورده‌اند.

فکر آزاد، حاجی خلیلی و ایمانی (۱۳۹۵)، در پژوهش «بهره‌گیری از ارزش‌های گردشگری اسلامی در جلب نظر گردشگران برای بازدید مجدد»، ویژگی‌های حاکم بر گردشگری اسلامی مرور شده است و ظرفیت‌های کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

صفایی‌پور و دامن‌باغ (۱۳۹۶)، در تحقیق «بررسی توسعه گردشگری حلال در ایران»، به‌دنبال پاسخ به این پرسش هستند که آیا ایران مکان مناسبی برای توسعه گردشگری حلال است؟ و در پاسخ به این پرسش صرفاً نظرات موافقان و مخالفان را بیان کرده‌اند.

عباسی، راستی کردار و سیدرضایی (۱۳۹۸)، در مقاله «مبانی مدیریت و برنامه ریزی گردشگری فرهنگی ـ اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه»، بر جنبه سیاست گذاری‌های صنعت گردشگری و مباحث فرهنگی و اجتماعی این حوزه موازی با اهداف اقتصادی اشاره کرده‌اند.

حسینی، خاوری و سلیمان‌پور (۱۳۹۹)، در پژوهش خود با عنوان «تبیین گردشگری حلال با توجه به آیات قرآنی»، مفهوم حلال را در صنایع مختلف همچون صنعت مهمان‌نوازی، حمل‌ونقل و برخی موارد دیگر بررسی کرده‌اند و کشورهای اسلامی را در این رابطه معرفی نموده‌اند. در بخش مقدمه پژوهش یادشده، صرفاً به آیات قرآنی مرتبط اشاره شده است و همانند تحقیق حاضر طبقه‌بندی آیات و حکم هر یک از آیات با توجه به شرایط مختلف احصا نشده است؛ چراکه طبقه‌بندی دستورات اسلامی و تبیین حکم آیات، نقشه راه را هم برای گردشگر به‌منظور تعیین هدف خود از سفر و هم برای مرجع سیاست‌گذار به‌منظور تصمیم‌گیری صحیح روشن می‌نماید. در پژوهش‌های یاد شده بخشی از موضوعات گردشگری در نگاه اسلامی پوشش داده شده است؛ اما پژوهش حاضر، به‌دنبال ارائه راهکارهای سیاستی مبتنی بر انواع گردشگری از منظر منابع دینی و تبیین دقیق نقشه راه و پیش‌نیازهای توسعه گردشگری حلال از دیدگاه اسلام است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. سفر

در فرهنگ‌های لغت مختلف تعاریف مشابهی از سفر آمده است. در فرهنگ معین سفر یعنی بیرون رفتن از شهر خود و رفتن به‌جای دیگر (معین، ۱۳۶۳، ج۲، ص. ۱۸۸۸) و در لغت‌نامه دهخدا به معنی بریدن مسافت نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج۸، ص. ۱۲۰۵۱). راغب نوشته است: «سفر العمامه عن الرأس، و الخمار عن الوجه» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج۲، ص. ۲۲۳) که به معنای کنارزدن عمامه از سر و نقاب از صورت است. در کل در فرهنگ‌های عربی واژه سفر به معنای کنارزدن حجاب و پرده آمده است. فیض کاشانی سفر را عامل رهایی انسان از ترس و روی‌آوردن به دوست‌داشتنی‌ها می داند؛ به این معنی که اضطراب را از مسافر گرفته و به‌جای آن مقصودش را قرار می‌دهد، تا بُعد تربیتی‌اش رشد کند (ناظم‌زاده قمی و دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۳۴).

۳-۱-۲. گردشگری

اولین‌بار مجله انگلیسی اسپورتینگ در سال ۱۸۱۱ واژه گردشگری را تعریف می‌کند و می‌گوید: گردشگری به معنی مسافرت برای تماشای آثار تاریخی و مشاهده مناظر طبیعی برای تفریح و لذت است (محلاتی، ۱۳۸۰، ص. ۳). گردشگری معادل واژه

Tourism در زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسوی است و ریشه اصلی‌اش Tornus در زبان یونانی، به معنی گردش است و با پسوند Ism به معنی گری، به‌صورت اسم مصدر Tourism به معنی گردشگری می‌آید. سازمان جهانی گردشگری، گردشگری را مجموعه فعالیت‌هایی دانسته که فرد در سفر و غیر از محل زندگی‌اش انجام می‌دهد که مدت‌زمان آن از یک سال تجاوز نمی‌کند و هدف از آن تفریح، سرگرمی، ورزش و مواردی از این سنخ است (UNWTO, 1991). در جدیدترین تعریف این سازمان، زمان گردشگری از یک شب شروع می‌شود و تا نهایتاً یک سال به طول می‌انجامد و هدف پرداختن به اوقات فراغت، کسب‌وکار و موارد این‌چنینی در مقصد است (UNWTO, 1995).

۳-۱-۳. جهانگردی

در لغت‌نامه دهخدا جهانگردی به معنی بسیار سفرکردن در اقطار عالم است و جهانگرد به معنی جهان‌گردنده و کسی است که بسیار سفر می‌کند و معادل واژه سیاحت در زبان عربی دانسته شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج۵، ص. ۶۹۶۱)؛ که در تعریف سائح آورده‌اند: «من ساح فی الأرض، یسیح سیحا، اذ استمر فی الذهاب ومنه السیح، الماء الجاری و من ذلک یسمی الصائم سائحا لإستمراره علی الطاعۀ فی ترک المشتهی» (طبرسی، ۱۳۳۸ق، ج۳، ص. ۱۴۶). سائح یعنی کسی که گردش می‌کند و دارای حرکت مستمر در زمین است و با معنی جهانگرد یکسان است و به‌همین‌دلیل به آب روان، سیح می‌گویند و به روزه‌دار هم سائح می‌گویند؛ چون برای اطاعت از خداوند استمرار داشته و بر خواسته‌های شهوانی خود پا می‌گذارد. در قرآن نیز برای گردش بر روی زمین، ریشه سیح استفاده شده: «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ...» (توبه / آیه ۲). عبارت فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ یعنی بر روی زمین بگردید و گردش کنید. در نتیجه واژه سیح مترادف کلمه جهانگردی (گردش در زمین) است. همچنین در قرآن می فرماید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ...» (توبه / آیه ۱۱۲)، طوری‌که واژه السَّائِحُونَ یکی از نُه ویژگی مؤمنان است که اهل گردش و حرکت در زمین‌اند و ساکن نیستند، به شکلی که همین سیر و حرکت در راستای عبادت و تقرب به خداوند تعالی است (بهرامپور، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۵). همچنین می فرماید: «عَسَى رَبُّهُ آن طَلَّقَكُنَّ آن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» (تحریم / آیه ۵) که به اعتقاد برخی مفسران، واژه سَائِحَاتٍ به زنانی اشاره دارد که اهل حرکت‌اند و از سیاحت گرفته شده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۱۰، ص. ۱۲۶).

علاوه‌بر سیح، می‌توان سیر را نیز معادل جهانگردی در نظر گرفت به‌طوری‌که کلمات

سیروا و یسیروا دوازده بار در قرآن آمده و مردم را به سفر همراه با تأمل دعوت می‌کند. تعریف راغب از واژه سیر: «سیر بر روی زمین دارای دو معنی است که شامل حرکت جسمانی بر روی زمین که همراه با مشاهده موجودات و آثار روی زمین است و دوم به معنی حرکت فکری و مطالعه درباره آفرینش خداوند متعال آمده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص. ۴۳۳). همچنین در قرآن کلمات هجرت و کوچ (نفر) را نزدیک به سیر دانسته‌اند؛ زیرا سفر بیشتر ناظر به احکام عبادی در قرآن آمده است؛ اما سیر و هجرت ناظر به مفاهیمی همچون توحید، نبوت و معاداند که نسبت به سفر از عمق معنایی بیشتری برخوردارند (همایون، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۶). منظور از کلمه نفر، کوچ و رفتنی است که از پراکندگی به‌دست می‌آید؛ اما این پراکندگی با هدف خاصی صورت می‌گیرد (طریحی، ۱۳۷۵، ج۳، ص. ۴۹۹)؛ بنابراین واژه نفر نیز نزدیک به دو کلمه سیر و هجرت است و کلمات هجرت و نفر به‌نوعی با جهانگردی پیوند خورده‌اند (همایون، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۷)؛ بنابراین جهانگردی عبارت است از: «حرکت انسان‌ها در زمین که منجر به ارتباط میان‌فرهنگی مستقیم میان آنان می‌شود» (همایون، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۸).

از میان سه مفهوم سفر، گردشگری و جهانگردی آنچه که مورد نظر پژوهش پیش‌رو است مفهوم گردشگری است چراکه به نحو عام است و شامل سفر و جهانگردی نیز می‌شود؛ اما عبارت جهانگردی بیشتر درخصوص سفری صدق می‌کند که در اقطار جهان صورت پذیرد و برخی از اقسام سفر و گردش مانند گردشگری‌های درون کشور و استان یا محلات را شامل نمی‌گردد. همچنین واژه سفر نیز بسیار عام است و شامل مطلق حرکت بدون هیچ قصدی است؛ اما عبارت گردشگری در ضمن سفر منظوری را قصد کرده است.

۳-۱-۴. حلال

حلال واژه‌ای عربی به‌معنای چیزی است که از نظر شرع و عقل، مجاز و رواست (مشکینی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۱۶) و به عقیده برخی، تعریف حلال شامل آن‌چیزی است که حکم حرمت آن برداشته شده است و انجام و ترکش موجب حسابرسی و عقاب نیست؛ چراکه به افعال مکلفان ارتباطی ندارد (عبدالمنعم، ۱۴۱۹ق، ج۱، ص. ۵۸۵). در آیات قرآنی نیز به این مفهوم تأکید فراوان شده که به‌عنوان نمونه می‌توان به اهمیت حلال و حرام از دیدگاه اسلام و ضرورت رعایت دستورات خداوند متعال اشاره کرد (مائده/ آیه ۱۰۰).

۳-۱-۵. توسعه

واژه توسعه، معادل انگلیسی (Development) است که مشتق از واژه (Develope) به معنای رشد و گسترش تدریجی و نمود و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف درآمدن است. این پوسته و غلاف هم در زبان انگلیسی (Envelope) است؛ بنابراین، خروج تدریجی از لفاف، معنای دقیق واژۀ توسعه است (جهانیان، ۱۳۷۷، ص. ۱۵). از دید مایکل تودارو «توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است» (میرحسنی، ۱۳۹۱، ص. ۷۵). با توجه به معنای بیان شده توسعه در پژوهش حاضر به‌معنای گسترش تدریجی و همراه با تغییرات اساسی است.

۳-۲. مبانی نظری

گردشگری در یک تقسیم‌بندی کلان، به دو نوع داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شود. آنچه که امروزه برخی از اهالی سفر و فرهنگ از آن به گردشگری و انواع آن[۱] یاد می‌کنند؛ بخشی از اهداف سفر را با تکیه بر تفکر مادی‌گرایانه با محوریت انسان (اومانیسم) بیان می‌کند؛ درحالی‌که اسلام با جامعیت تمام به مسائل گوناگون گردشگری پرداخته و با نظر به غایت الهیِ انسان اقسام آن را بیان کرده و چندین قرن پیش با توجه به این موضوع، اهمیت گردشگری را اثبات کرده است. گردشگری حلال مفهوم جدیدی است که توسط سازمان جهانی گردشگری نیز مطرح شده و چهارچوب های آن از ابتدا تا انتها بر پایه دستورات اسلامی شکل گرفته است (ISSN, 2019). امروزه حدود یک‌پنجم جمعیت دنیا را مسلمانان تشکیل داده‌اند و برخی از کشورهای اسلامی، با سرعت در حال رشد و توسعه اقتصادی هستند که همین موضوع موجب افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌های مصرف‌کنندگان شده است و بسیاری از کشورها خصوصاً دولت‌های اسلامی به‌دنبال جذب جهانگردان و گردشگران مسلمان‌اند (بزرگ‌عقیده، ۱۳۹۹، ص. ۴۴). ازهمین‌رو گردشگری حلال خصوصاً در کشورهای مسلمان رونق پیدا کرده است و برنامه‌های فراغتی را متناسب با آداب اسلامی ارائه می دهد. ازآنجاکه گردشگری یکی از سودآورترین صنعت‌هاست، کشورهای دنیا در تلاش اند در فضای رقابتی بهترین خدمات را به گردشگران ارائه دهند. مطابق تحقیقات مستر

۱. گردشگری در دنیای امروز انواع مختلفی دارد: گردشگری تاریخی، سلامت، علمی، تلخ، ماجراجویانه و....

کارت و رتبه‌بندی حلال، با توجه به جمعیت مسلمانان و روی‌آوردن آنان به سفر، پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۶ بیش از ۲۳۰ میلیون گردشگر مسلمان به سفرهای داخلی و بین‌المللی بپردازند؛ به‌همین‌جهت مفهوم حلال توریسم در بین کشورها بیش‌ازپیش مطرح شده است و کشورهای شاخص گردشگری دنیا با ایجاد مزیت رقابتی؛ توسعه گردشگری حلال و ارائه خدمات مربوط به آن را در دستور کار قرار داده‌اند (بزرگ عقیده، ۱۳۹۹، ص. ۴۴).

شاخص‌هایی برای توسعه گردشگری حلال مناسب است که بن‌مایه آن از منابع اسلامی اصیلی همچون آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (علیهم‌السلام) باشد. ازآنجاکه موازین اسلامی چهارچوب‌هایی را برای مسلمانان در نظر گرفته که سبب شده پیروان این دین از حرام خودداری کنند، در کشور اسلامی همچون ایران به‌منظور بهره گیری صحیح از صنعت گردشگری باید این صنعت مبتنی‌بر آداب اسلامی و با الهام از قرآن و ارزش‌های دینی باشد که اگر قوانین و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور با توجه به این مهم صورت گیرد؛ مسلماً زمینه‌های جذب گردشگران کشورهای اسلامی را به‌صورت ویژه فراهم می‌سازد. با توجه به اینکه بخشی از موازین دینی به ارائه انواع گردشگری به‌مثابه پیش‌نیاز توسعه گردشگری حلال برای تمامی مسلمانان می‌پردازد، شایسته است این موازین دینی واکاوی و در سیاست‌گذاری‌ها مورد استفاده قرار گیرند تا بهترین عملکرد حاصل شود.

شایان توجه است که برخی از انواع گردشگری از منظر دینی در عرض هم و قسیم یکدیگر هستند مانند گردشگری زیارتی و گردشگری تجاری؛ اما برخی دیگر در طول انواع گردشگری هستند و شکلی از یک نوع گردشگری به‌شمار می‌آیند مانند گردشگری فردی یا خانوادگی؛ به‌عنوان‌مثال ممکن است گردشگری زیارتی به شکل فردی و یا خانوادگی انجام شود که در این‌صورت شکل فردی یا خانوادگی گردشگری را نمی‌توان نوعی از گردشگری و قسیم انواع دیگر قرار داد و جزو انواع گردشگری دانست. توضیح اینکه ریشه اصلی شکل‌گیری برند حلال توریسم و تکاپوی کشورها به جهت ارائه خدمات حلال، دستورات اسلامی است که برای تمامی مسلمانان در نظر گرفته شده است و تفاوتی در اجرای این دستورات برای فرد و یا گروهی از مسلمانان وجود ندارد. مسلمانی که می‌خواهد به‌تنهایی سفر کند یا همراه با خانواده خود به سفر برود، زن و یا مرد باشد و در هر سن و سالی که به امر گردشگری می‌پردازد؛ ملزم به رعایت فرامین الهی است که در آیات و روایات بدان تصریح شده است، در نتیجه گردشگری فرد و یا خانواده مسلمان در طول انواع گردشگریِ حاصل از منویات دینی

قرار می‌گیرد که به آن حکم شده است و افتراقی در عمل به دستورات شارع مقدس برای هیچ‌کدام وجود ندارد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر دارای رویکرد کیفی است. همچنین از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و توصیه‌ای، از لحاظ ماهیت تحلیلی و توصیفی و به‌لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای است. نوشتار پیش‌رو دارای دو بخش کلی می‌باشد. در بخش اول با روش استدلال استقرایی با جستجو و مطالعه در آیات و روایات مواردی که در منابع نقلی توصیه به گردشگری نموده است جمع‌آوری شده است و در مرحله بعد با رویکردی بدیع انواع گردشگری طبقه‌بندی شده است. همچنین حکم هر یک از ادله نقلی و ارتباط آنها با حوزه گردشگری به‌خوبی تشریح شده است. در بخش دوم با توجه به انواع گردشگری که در بخش اول مشخص شد و با ارتباط و نحوه بهره‌گیری از آیات و روایات برای توسعه گردشگری حلال در کشورهای اسلامی همانند جمهوری اسلامی ایران راهکارهای سیاستی متناسب ارائه شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در سؤال‌های پژوهش تصریح شد، پرسش فرعی اول پیرامون طبقه‌بندی انواع گردشگری بود و پرسش فرعی دوم درخصوص توصیه و حکم انواع گردشگری با توجه به ادله نقلی است. این دو سؤال فرعی در محور اول یافته‌های پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بدین نحو که ابتدا با مطالعه و استقرای در آیات و روایات انواع گردشگری از منظر دینی مشخص گردید و سپس ذیل هریک از انواع گردشگری با توجه به آیات و روایات به حکم شرعی آن نوع از گردشگری اشاره شده است.

۵-۱. انواع گردشگری

با استقرا و جستجو در آیات و روایات شش نوع گردشگری احصا شد که عبارت‌اند از: گردشگری فرهنگی، گردشگری علمی، گردشگری تجاری، گردشگری تفریحی، گردشگری مذهبی ـ زیارتی و گردشگری سلامت (درمانی). در ادامه هریک از این انواع به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱-۱. گردشگری فرهنگی[1]

با مطالعه و استقرای ادله نقلی دین با دسته‌ای از آیات قرآن مواجه خواهیم شد که مشاهده آفرینش خداوند، اقوام و فرهنگ‌های مختلف را موجب تجربه‌اندوزی می‌دانند. این نوع گردشگری را می‌توان گردشگری فرهنگی نامید چراکه آشنایی با بناهای تاریخی و سرگذشت فرهنگ‌های گذشته، دانش و عبرت‌آموزی از تاریخ‌گذشتگان را برای گردشگر به ارمغان می‌آورد (محمدی میخوش، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۳)؛ در این حالت گردشگر با موضوعاتی که تا آن روز آشنا نبوده، مواجه شده و می‌فهمد که هر مخلوقی وابسته به خداوند است و به‌طور ذاتی مستقل نیست و به یگانگی خداوند متعال پی می‌برد. در ادامه، آیات مرتبط با این بخش در ذیل دو دسته جمع‌آوری و تحلیل شده است:

الف) مشاهده آفرینش و آثار اقتدار خداوند برای پی‌بردن به توحید

۱- «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ...»؛ چرا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و هرچه را خدا آفریده نمی‌نگرند (اعراف / آیه ۱۸۵).

در ابتدای آیه می‌فرماید (أَوَلَمْ يَنْظُرُوا) توجه‌نکردن به خلقت آسمان‌ها و زمین و هرچیز دیگر از مخلوقات باعث می‌شود که انسان‌ها دچار غفلت شوند (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج۸، صص. ۴۵۵-۴۵۶) عبارت يَنْظُرُوا مطابق نظر راغب «يُرادُ به التَّأَمُّلُ و الفَحْص... فذلک حَثٌّ علی تَأَمُّلِ حِكْمَتِهِ فی خَلْقِهَا» دلالت بر تأمل دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص. ۸۱۳) و با توجه به عبارت «وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ»، منظور از این عبارت جستجوی در خلقت است؛ در نتیجه انسان‌ها باید در خلقت خداوند نظر کنند (مشاهده آفرینش) تا بدانند همه آفرینش به خداوند محتاج‌اند و به قدرت خداوند پی ببرند و این مشاهده همان سیر آفاقی در برابر سیر انفسی است؛ به این نحو که گردشگر با دیدن نشانه‌های خداوند در عوالم ظاهری و مراتب بیرون از نفس (سیر انفسی) به یگانگی خداوند پی می‌برد. هدف از سیر آفاقی برای گردشگر، توجه به ملکوت پدیده (اصالت پدیده) و ربط وجودی آن با خداوند است (بهرام‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۴)؛ بنابراین در این آیه، گردشگری به‌منظور سیر آفاقی در خلقت مورد توصیه شارع است؛ اما ظاهراً این امر دارای مراتبی است و به‌صورت کلی دلالت بر وجوب ندارد، مگر مواردی که عدم سیر در خلقت موجب گمراهی انسان و شرک شود که در این‌صورت واجب است؛ اما در غیر این‌صورت این نوع گردشگری زمینه عمق

1. Cultural tourism

بخشی به تعقل و تفکر انسان را دارد که امری مستحب است. درنتیجه با توجه به قرائن آیه، مراد شارع دلالت بر استحباب این نوع گردشگری است و وجوب آن در موارد خاصی است که بیان شد.

۲- «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّماءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْناها وَ زَيَّنَّاها وَ ما لَها مِنْ فُرُوجٍ»؛ پس مگر (منکران حق) آسمان را فراز خود نمی‌نگرند که ما چگونه بنای محکم اساس نهاده‌ایم و آن را به زیور (ستارگان درخشان) آراسته‌ایم و هیچ شکاف و خللی در آن راه ندارد؟ (ق / آیه ۶).

ازآنجاکه آسمان با تمام زیبایی‌هایش (زَيَّنَّاها: زینت‌دادن آسمان به‌وسیله ستارگان) دائم قابل مشاهده است، خداوند با امر به مشاهده به آسمان می‌فهماند قدرت او مافوق همه قدرت‌هاست و انسان با دیدن این اماره‌ها از تصورات ذهنی به عالم واقعیت (رئالیسم[1]) هدایت می‌شود و از این طریق بر دانش خود می‌افزاید و به یگانگی خداوند متعال پی می‌برد. همان‌طورکه ذیل آیه قبل اشاره شد «يَنْظُرُوا» در لغت به معنای تأمل همراه با فحص است و ازجمله لوازم فحص که منجر به تأمل گردد، فراهم نمودن شرایطی برای مشاهده آسمان است. در گذشته، اغلب شهرها به‌نحوی بودند که مردم در فضای زینت‌بخش آسمان شب به تفکر و تأمل می‌پرداختند اما درحال‌حاضر با توسعه شهرها امکان رؤیت ستارگان در شب بسیار دشوار و گاهاً ناممکن است؛ ازاین رو ضرورت می‌نماید که برای سیر و تأمل در آسمان شب به مکان‌های مناسبی که برای رؤیت آسمان موجود است سفر نمود و به تماشای رازهای خلقت آسمان پرداخت؛ ازجمله سفر به رصدخانه‌های ساخت دست انسان و یا سفر به مکان‌هایی مانند دشت‌های کویری که دیدن ستارگان و سیارات ممکن است. ازاین‌رو یکی از انواع گردشگری با توجه به معنای امروزی آن کویرنوردی است که یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های آن دیدن ستارگان در شب‌های کویر است. مسلماً مشاهده ستارگان با آن همه زیبایی برای انسانی که می‌خواهد از این طریق به قدرت خداوند و به هدف‌دار بودن خلقت خودش پی ببرد، بسیار مغتنم و راهگشاست. عبارت «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا» در آیه کریمه استفهام انکاری است و می‌خواهد مخاطب را ترغیب به انجام آنچه که در ادامه آیه آمده است بنماید و ازآنجاکه سیر آفاقی برای دوری از کفر مطرح شده است در نتیجه خطاب امر در آیه کریمه واجب است؛ اما از طرف دیگر چون تنها یکی از راه‌های شناخت خدا و دروی از کفر است انتخاب این راه مستحب است؛ بنابراین به‌خودی‌خود

1. Realism

این نوع از گردشگری واجب نیست؛ اما چون متعلق گردشگری فرهنگی و مشاهده قدرت خدای متعال منجر به شناخت خدا و دوری از کفر است مورد توصیه شارع واقع شده است.

ب) عبرت‌گرفتن از سرگذشت پیشینیان و فرهنگ مردم و اقوام سایر مناطق جهت درک حقایق

۱- «قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الأَرْضِ فَانظُرُوا كيْفَ كانَ عَاقِبَةُ المُكذِّبِينَ»؛ قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است (آل‌عمران / آیه ۱۳۷).

ابتدا خاطرنشان می‌گردد که به غیر از آیه کریمه یادشده آیات دیگری با اسلوب (سِيرُوا فِي الأَرْضِ فَانظُرُوا كيْفَ كانَ عَاقِبَةُ...) وجود دارد (انعام / آیه ۱۱؛ نحل / آیه ۳۶؛ نمل / آیه ۶۹؛ روم / آیه ۴۲). خداوند در آیه ۱۳۷ سوره آل‌عمران مسلمانان را پس از شکست در جنگ احد، امر می‌نماید تا تاریخ گذشتگان را از راه گردشگری بررسی کنند (فَسِيرُوا فِي الأَرْضِ فَانظُرُوا) و زمان گذشته را به زمان حاضر و زمان حاضر را به تاریخ پیوند می‌دهد تا پیوند بین فرهنگ مردم این دو زمان و معرفت نسبت به پیشینیان میسر شود و یادآور شود که سنت‌های خداوند در اقوام گذشته (قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكمْ سُنَنٌ) هرگز جنبه اختصاصی به قوم خاصی ندارد و به‌صورت قوانینی عام برای سایر اقوام نیز وجود دارد. این وقایع می‌تواند مایه تربیت انسان باشد و مسلمانانی که با این هدف سفر می‌کنند علاوه‌بر کسب تجربه، ارتباطات میان‌فرهنگی خود را تقویت می نمایند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۱، ص. ۶۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج۳، ص. ۱۰۲؛ بهرام‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۶۷).

در برخی آیات ثُمَّ انظُرُوا (انعام / آیه ۱۱) آمده که حرف عطف ثُمَّ دلالت بر فاصله زمانی دارد یعنی در گردشگری خود عجله نکنید بلکه با دقت آنچه را که می‌بینید مشاهده کنید و از آن عبرت گیرید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج۵، صص. ۲۰۸- ۲۰۹). در آیه ۳۶ سوره نحل قبل از (فَسِيرُوا) عبارت «و لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كلِّ أُمَّةٍ رَّسُولاً» بدین معنا که تکذیب‌کنندگان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، تاریخ گذشتگان خود را از روی آثارشان مشاهده کنند (بهرام‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۱) و با گردشگری از باطل روی گردانند. در آیه ۴۲ سوره روم با توجه به آیه قبل که در خصوص فساد انسان‌هاست و مهترین آنها شرک است، خداوند برای مشاهده عاقبت مشرکان امر به گردشگری می‌نماید تا بفهمند که

عاقبت آن افراد با همه قدرتشان به کجا رسید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج۱۶، صص. ۴۷۶-۴۷۷). ازآنجاکه آیات مذکور با فعل امر سِیرُوا بیان شده است و با توجه به اینکه گردشگری از گناه تکذیب‌کنندگان، مجرمان و دیگر موارد یادشده در آیات جلوگیری می کند، به‌نحوی این امر مورد تأکید شارع مقدس است البته درجه این تأکید در حالت اولیه به‌عنوان یک روش برای عبرت‌گیری مستحب است.

۲- «أَفَلَمْ یَسِیرُوا فِی الأَرْضِ فَتَکونَ لَهُمْ قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ یَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لاَ تَعْمَی الأَبْصَارُ و لَکن تَعْمَی القُلُوبُ الَتِی فِی الصُّدُورِ»؛ آیا در زمین‌گردش نکرده‌اند تا دل هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند، در حقیقت چشم ها کور نیست لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور است (حج / آیه ۴۶).

آیات دیگری نیز با اسلوب (أَفَلَمْ یَسِیرُوا فِی الأَرْضِ) در قرآن وارد شده است (یوسف / آیه ۱۰۹؛ روم / آیه ۹؛ غافر / آیه ۲۱ و آیه ۸۲؛ فاطر / آیه ۴۴؛ محمد / آیه ۱۰).

خداوند متعال با عبارت (أَفَلَمْ یَسِیرُوا فِی الأَرْضِ) با بیان استفهام انکاری به نوعی مردم را به گردشگری رهنمون و اهمیتش را تبیین می‌نماید. در این آیه هدف اصلی از گردشگری بیداری دل‌هاست؛ چراکه با مشاهده کاخ‌های ویران ستمگران که روزی قدرت زیادی داشته‌اند و امروز به این اوضاع درآمده است، انسان می‌فهمد که ستمگری راه به‌جایی ندارد و عاقبت جباران عالم نیز مرگ است و همین مورد اثر تربیتی درخور توجهی دارد. از طرفی مشاهده عینی نظام‌های اجتماعی و تحولات تاریخی، انسان را به تفکر وامی‌دارد؛ همان‌گونه‌که امام صادق (علیه‌السلام) دربارهٔ «أَ وَ لَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ» فرمودند: «مراد تدبّر و سیر در تاریخ اقوام گذشته در قرآن است» (کلینی، ۱۳۸۵، ج۸، صص. ۲۴۸-۳۴۹) با توجه به آیه و روایات، خداوند گردشگری را مایه بیداری دل بندگان دانسته و با تأمل در احوال پیشینیان، انسان متوجه می‌شود عاقبت کفر به خداوند و تکذیب پیامبران عذاب الهی است (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج۱۴، ص. ۵۴۹). همچنین خداوند امر به گردشگری برای دیدن قدرت گذشتگان و سرانجام مخالفت آنها با خداوند را مطرح می‌کند «فَینظُرُوا کیْفَ کانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ و کانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً» (فاطر / آیه ۴۴) و بیان می‌کند که کافران فریفته قدرت خود نشوند و آثار بجا مانده از گذشتگان را با چشم خود به‌طور ملموس مشاهده کنند «کانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً و آثَاراً فِی الأَرْضِ» (غافر / آیه ۲۱) که این آثار برای کسب تجربه آدمیان بجای مانده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۸، ص. ۲۳۷)؛ بنابراین گردشگری می‌تواند دل‌های نابینا را

بیدار کند (قمی مشهدی، ۱۳۸۱، ج۹، ص. ۱۱۸).

در آیات یادشده با توجه به اینکه گردشگری مطلوب شارع مقدس است؛ به‌خودی خود حکم استحباب برداشت می‌شود؛ اما از سویی به دلیل اینکه فعل نهی لَمْ یَسِیرُوا در اسلوب استفهام انکاری نوعی امر محسوب می‌شود (ابن هشام، ۱۴۰۵ق، ج۱، ص. ۱۶) و از نظر اصولیون فعل امر به معنی واجب بودن حکم است (مظفر، ۱۴۲۳ق، ج۱، صص. ۵۹-۶۰)؛ بنابراین اگر انسان در معرض کفر باشد و این نوع گردشگری تنها راه دوری از تکذیب حقایق الهی باشد و سبب تثبیت شناخت و اعتقاداتش باشد؛ در نتیجه گردشگری حکم واجب پیدا می‌کند.

۳- «یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا اِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکُمْ آن اللَّهَ عَلیمٌ خَبیرٌ»؛ ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخاری‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است (حجرات / آیه ۱۳).

شُعُوباً و قَبائِلَ اشاره به قبیل قبیله بودن و فرقه‌های گوناگون دارد و با عبارت «لِتَعارَفُوا» می‌فرماید که این تفاوت‌ها موجب شناسایی انسان‌ها از یکدیگر و وجود تنوع در جامعه است و آدمی با قرارگیری بین اجتماعات، تنوع فرهنگی را درک کرده و با کسب تجربه و تفکر در فرهنگ‌های متفاوت همچون تفاوت در آداب‌ورسوم، زبان‌های مختلف و حتی رنگ پوست‌های مختلف، از طریق ارتباطات میان‌فرهنگی بر دانش خود افزوده و می‌آموزد که در هر فرهنگی ممکن است انسان نیک‌سیرت یا بدسیرت وجود داشته باشد، ازاین‌رو کرامت و جایگاه افراد به موارد مذکور ربطی ندارد و هر شخصی با هر فرهنگی به‌شرط اینکه ملاک تقوا را داشته باشد می‌تواند به خداوند تقرب جوید. گردشگری در این آیه به‌منظور درک تفاوت‌های جوامع انسانی و فهم بهتر ارتباطات میان‌فرهنگی توصیه شده است و موجب می‌شود انسان‌ها حقیقت خلقت خود را بهتر درک کنند و بفهمند که ملاک برتری آداب‌ورسوم، رنگ پوست و نژاد نیست. حکم این نوع از گردشگری استحباب است؛ اما اگر فردی به دلیل اینکه نتوانسته به واقعیت تفاوت نژادی و ملاک نبودن آن دست پیدا کند و دچار تعصب نژادی شد بر او واجب است به سفر بپردازد تا دریابد که ملاک برتری افراد اخلاقیات و تقوا است نه تفاوت‌های نژادی و شاید با این تنبه از تعصب خود دست بکشد.

۵-۱-۲. گردشگری علمی[1]

از دوران پیش از اسلام افراد زیادی به‌دنبال کسب علم بوده که گاهی مجبور بودند به نقاط دور سفر کنند. با ظهور اسلام، این مهم پررنگ‌تر از گذشته شد. این نوع از گردشگری را می‌توان گردشگری علمی نامید. در احادیث متعددی گردشگری علمی موردتوجه قرار گرفته است مانند: «اُطلُبوا العِلمَ ولَو بِالصِّینِ»؛ علم را بیاموزید حتی اگر در چین باشد (مجلسی، ۱۳۷۶، ج۱، ص. ۱۸۰). «اطلُبوا العِلمَ مِنَ المَهدِ إلَی اللَّحْدِ» (پاینده، ۱۳۲۴، ص. ۲۱۸) که معادل همان تعبیر معروف و لطیف از گهواره تا گور دانش بجوی است یا در حدیث «طَلَبُ العِلمِ فَرِیضَةٌ عَلی کُلِّ مُسلِمٍ ، ألا إنَّ اللّه َ یُحِبُّ بُغاةَ العِلمِ» (کلینی، ۱۳۸۵، ج۱، ص. ۳۰؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج۱، ص. ۱۷۲). در این روایات جوینده دانش مورد تأیید و تشویق قرار گرفته است. در قرآن نیز آیات مختص به گردشگری علمی آورده شده و سفر برای کسب دانش مورد تأکید است و گردشگری برای تحصیل علم دین نه‌تنها خوب است بلکه به آن امر شده است.

۱- «وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ»؛ شایسته نیست مؤمنان همگی (به‌سوی میدان جهاد) کوچ کنند چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به‌سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! (توبه / آیه ۱۲۲).

«وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً»؛ یعنی لازم نیست همه مؤمنان به‌سوی میدان جهاد بروند بلکه (فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ) شایسته است گروهی با تقویت بنیه علمی در معارف دینی، مردم دیار خود را آموزش دهند. امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به شخصی که پرسید مراد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چه بوده که فرمودند: «اخْتِلافُ اُمّتی رَحمَةٌ» (ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص. ۱۵۷) امام پاسخ داد: منظور نزاع نیست بلکه هدف رفت و آمد در زمین و کسب معارف اسلامی است و به آیه مذکور استدلال می کنند. در نتیجه با عنایت به تأکید آیات و روایات گردشگری علمی خصوصاً به جهت تعلیم علوم اسلامی برای مسلمانان واجب کفایی است یعنی

1. Scientific tourism

باید حداقل یک تعدادی «من به الکفایة» برای تحصیل علوم اسلامی سفر کرده و پس از بازگشت مردم خود را تعلیم دهند.

۲- «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ آن اللَّهَ عَلَى كلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ بگو در زمین بگردید و بنگرید که خدا چگونه در آغاز موجودات را پدید آورده است و بعداً هم جهان دیگر را پدیدار می‌کند؛ چراکه خدا بر هر چیزی توانا است (عنکبوت / آیه ۲۰).

با توجه به عبارت «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» خداوند در این آیه کریمه مردم را به سیر آفاقی برای پی‌بردن به مسئله مبدأ و معاد امر می‌کند و مطالعه موجودات را به‌وسیله سیر آفاقی برای دانستن مبدأ و معاد مورد تأکید قرار می‌دهد. عبارت «فَانْظُرُوا» پس از «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» بیان می‌کند که هدف از سیر در زمین مطالعه موجودات زنده و گردش در طبیعت و به فکر فرورفتن آدمی است، چنانچه هدف گردشگری علمی برای اکتشاف رازهای خلقت است؛ به‌مانند فعالیت‌هایی که گروه‌های باستان‌شناسی برای کشف فسیل‌های قدیمی انجام می‌دهند و به رازهای آفرینش و قدرت خداوند «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» دست پیدا می‌کنند (بهرام‌پور، ۱۳۹۹، ص. ۳۹۸). عبارت «فَانْظُرُوا» دلالت بر گردشگری علمی در روی زمین برای بررسی مسئله مبدأ خلقت و معاد است؛ بنابراین متعلق سیر و گردش در آیه کریمه شناخت مبدأ و معاد است که این متعلق ازجمله امور واجب است؛ اما انحصار آن در روش گردشگری علمی وجهی ندارد و امکان این شناخت از راه‌های دیگر نیز وجود دارد، ازاین‌رو اگر شناخت مبدأ و معاد در این روش برای کسی منحصر شود واجب می‌گردد؛ در غیر این‌صورت این نوع گردشگری علمی به‌خودی‌خود به‌عنوان یک راه برای شناخت مبدأ و معاد، مستحب خواهد بود.

۵-۱-۳. گردشگری تجاری[1]

با مراجعه به آیات و روایات مشاهده می‌شود تجارت و به تبع آن سفر برای تجارت مورد تأکید دین اسلام قرار گرفته است. این نوع از سفر که به قصد تجارت صورت می‌گیرد در صنعت گردشگری تعبیر به گردشگری تجاری شده است (Davidson, 1994). در حدیثی از امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) آمده است: «اتجروا بارک‌الله لکم فانی سمعت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یقول: الرزق عشرة أجزاء تسعة أجزاء فی التجارة

1. Commercial tourism

و واحد فی غیرها»؛ یکی از راه‌های کسب برکات تمرکز بر تجارت است؛ به‌گونه‌ای‌که به فرموده امام (علیه‌السلام)، از دید پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز تجارت به حدی اهمیت دارد که نُه جزء از زندگی انسان را دربرمی‌گیرد (مجلسی، ۱۳۷۶، ج۷۴، ص. ۴۱۱). در قرآن هم به گردشگری تجاری اشاره شده است:

«وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»؛ گروهی دیگر برای به‌دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می‌روند (مزمل / آیه ۲۰).

عبارت «آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» دلالت بر گردشگری تجاری دارد، این آیه یکی از اهداف مهم انسان از سفر را کسب رزق‌وروزی معرفی می نماید؛ چراکه همه مایحتاج آدمی در محل زندگی او نیست؛ مانند قریشیان در صدر اسلام که مجبور بودند برای رفع نیازشان به سفرهای تجاری بروند (سوره قریش). ازهمین‌رو سفر تجاری به‌منظور کسب درآمد جایز و حتی مستحب است. ازسوی‌دیگر سفر تجاری، به جهت تأمین مایحتاج زندگی، شخص تاجر را هم‌رتبه جهادگر در راه خدا قرار می‌دهد و به این دلیل که امنیت غذایی مردم را تأمین می‌کند به‌مانند کسی است که برای جنگ با دشمن به فکر تأمین امنیت جامعه است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۱۰، صص. ۲۷۵-۲۷۶). گردشگری تجاری به‌منظور نجات جامعه اسلامی از تنگناها به‌قدری مهم است که هم‌رتبه جهاد قرار دارد و با توجه به اهمیت و ضرورت آن برای جامعه اسلامی حکم این نوع گردشگری وجوب کفایی است؛ زیرا در این حالت مسلمانان از دیگران بی‌نیاز شده و از این مسیر در حفظ کرامت و عزت خود قدم بر می‌دارند؛ اما در مواردی که ضرورت یادشده برای جامعه اسلامی وجود نداشته باشد مستحب است و البته امکان دارد برای رفع نیازهای اولیه خود و خانواده شخص تاجر واجب باشد.

۵-۱-۴. گردشگری تفریحی[1]

با جستجو و مطالعه در منابع و تعالیم دینی مشاهده می‌شود که تفریح فی‌ذاته منع شرعی ندارد و هیچ عقل سلیمی منکر تفریح در زندگی نیست و حداقل به‌عنوان امری مباح پذیرفته می‌شود چناچه در روایتی آمده است: «عمرو بن حریث قال دخلت علی ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) و هو فی منزل اخیه عبدالله بن محمد فقلت له جعلت فداک ما حولک إلی هذا المنزل فقال طلب النزهه...» (کلینی، ۱۳۸۵، ج۲، ص. ۲۳). در این روایت معتبر از ابن حریث، او امام صادق (علیه‌السلام) را در منزل برادرشان (که ظاهراً

1 Recreational tourism

تفریحگاهی خارج از مدینه است) زیارت می‌کند و دلیل آمدن ایشان به خانه برادرشان را جویا می‌شود و امام (علیه‌السلام) دلیل را صرفاً تفریح بیان می‌کنند. مطابق روایت تفریح نه‌تنها حرام نیست؛ بلکه در برخی موارد با توجه به فعل امام (علیه‌السلام) رجحان دارد. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «ثَلاَثَةٌ یَجْلُونَ اَلْبَصَرَ اَلنَّظَرُ إِلَی اَلْخُضْرَةِ وَ اَلنَّظَرُ إِلَی اَلْمَاءِ اَلْجَارِی وَ اَلنَّظَرُ إِلَی اَلْوَجْهِ اَلْحَسَنِ»؛ سه چیز دیده را روشن کند: به سبزه، آب روان و روی زیبا نگریستن (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج۵، ص. ۳۴۰). ازاین‌میان نگاه به سبزه و آب جاری در راستای گردشگری تفریحی محسوب می‌گردد به این دلیل که برای مشاهده سبزه و آب مانند جنگل‌ها و دریاها، باید از محل زندگی خود خارج شد؛ در نتیجه این روایت نیز به تفریح در طبیعت تشویق و رجحان شرعی گردشگری تفریحی را بیان می‌کند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «للمؤمن ثلاث ساعاتٍ، فساعة یناجی فیها ربّه و ساعةٌ یرمّ معاشه، و ساعةٌ یخلّی بین نفسه و بین لذّتها فیما یحلّ و یجمل و لیس للعاقل آن یکون شاخصاً الّا فی ثلاثٍ مرمّةٍ لمعاشٍ، او خطوةٍ فی معادٍ او لذّةٍ فی غیر محرمٍ»؛ برای مؤمن (در شبانه‌روز) سه وقت است، زمانی برای مناجات با پروردگارش، زمانی برای تأمین معاش و زمانی برای لذت‌های حلال و مایه زیبایی. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای معیشت، گام نهادن در راه آخرت یا به‌دست آوردن لذّت‌های حلال (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۰). به‌طورکلی چون در آموزه‌های دینی و سیره ائمه (علیهم‌السلام) از کار بیهوده و گناه خودداری می‌شده؛ بنابراین تفریحی مدنظر است که سالم و به دور از غفلت و گناه باشد، در این حالت چنین تفریحی نه‌تنها هیچ‌گونه مشکلی نداشته؛ بلکه برای انسان و تغییر در حالات و روحیه او تأکید شده و جایز است؛ اما تفریحات ناسالم که ممکن است مسبب گناه شوند به‌هیچ‌وجه جایز نیست. در این رابطه می‌توان به آیه کریمه ذیل اشاره کرد:

«و جَعَلْنَا بَیْنَهُمْ و بَیْنَ اَلْقُرَی اَلَّتِی بَارَکْنَا فِیهَا قُرًی ظَاهِرَةً و قَدَّرْنَا فِیهَا اَلسَّیْرَ سِیرُوا فِیهَا لَیَالِیَ و أَیَّامًا آمِنِینَ»؛ میان آنان و شهرهای دیگری که پُربرکت و نعمت کرده بودیم، شهرک‌ها و روستاهایی ساخته‌وپرداخته بودیم که نمایان بود و در میان آن‌ها فاصله‌های مناسب و نزدیک به هم ترتیب داده بودیم تا شب‌ها و روزها در امن‌وامان در آنجا سیروسفر کنند (سبأ / آیه ۱۸).

خداوند می‌فرماید که قوم سبا دارای نعمت‌هایی بودند که قدر آنها را ندانسته و

دچار عذاب الهی شدند. یکی از این نعمت‌های بزرگ گردشگری و ایجاد امنیت در سفر برای آنان حتی در شب بود. در آیه کریمه تصریح شده تفریح در سفرهایشان برای رفاه حال آنان و یکی از نعماتی بود که خداوند به آنان ارزانی داشته بود. عبارت «و قَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ و أَيَّامًا آمِنِينَ» اشاره می‌کند که گردشگری برای این قوم آسان شده بود و حتی می‌توانستند در شب سفر بروند، اما در آیه ۱۹ فرموده آنها ناسپاسی کردند و درخواست کردند که خداوند کاری کند که بینوایان و اغنیا کنار هم نباشند (فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا) و همین منجر به کفران نعمت شد. در این آیه گردشگری یک نعمت قلمداد شده که اشاره به رجحان آن نزد شارع دارد. گرچه برای شرایع سابق است؛ اما خصوصیت برای آنها ندارد. با توجه به این آیه کریمه و روایاتی که بیان شد گردشگری به‌منظور تفریح رجحان شرعی دارد و با توجه به سیره معصوم (علیه‌السلام) در تفریح و تأکید بر این امر درجه تأکید و رجحان شرعی آن استحباب است.

۵-۱-۵. گردشگری مذهبی ـ زیارتی

در روایات به زیارت عتبات و همچنین قبرستان‌های مهم مانند قبرستان بقیع اشاره شده است؛ به شکلی که از سفرهای پر فضیلت، حضور در حرم ائمه (علیهم‌السلام) است؛ گردشگری مذهبی ـ زیارتی، در ضمن زیارت، عبرت‌گیری از آموزه‌های خداوند و سیره ائمه (علیهم‌السلام) را درپی دارد و در هر زمان از سال مهیاست و معمولاً مقارن با مناسبت‌های مذهبی صورت می‌گیرد. سفر به اماکن مذهبی و دارای حرم توسط پیروان یک دین برای گرامیداشت مقام پیشوای دین خود یا انجام فریضه‌ای خاص صورت می گیرد. شایان توجه است که این نوع از گردشگری موجب التیام روح و کسب قدرت معنوی فرد می‌شود و همچنین توجه به مقام ولایت اهل بیت و خط سیاسی آنها است. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «من رأی (زار) قبری حلت له شفاعتی، و من زارنی میتا فکانما زارنی حیا» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج۹۹، ص. ۳۳۴). اهمیت سفر به مدینه تا حدی است که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شفاعت خود را شامل حال افرادی می‌داند که حرم ایشان را زیارت کنند. در سؤالی که امام حسین (علیه‌السلام) از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرسیدند که پاداش افرادی که شما را زیارت می‌کنند چیست؟ فرمودند: «من زارنی حیا أو میتا او زار أباک أو زار أخاک أو زارک کان حقا علی آن أزوره یوم القیامة و أخلصه من ذنوبه» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج۹۹، ص. ۳۷۳). ایشان کسی

را که توفیق زیارت حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، امام علی (علیه‌السلام)، امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) را پیدا کند، در روز قیامت مورد زیارت و شفاعت قرار می‌دهد و به این شکل فرد را از گناهانش خلاص می‌کند.

با توجه به مطالب فوق زیارت مشاهد شریفه به‌خودی‌خود مستحب است؛ اما اگر شخصی آخرت را از یاد برده و مسئله معاد را فراموش کرده و درصورتی‌که تنبه او منجر به حضور در مشاهد شریفه و یاد مرگ است؛ بر او واجب است که اماکن مذهبی را زیارت کند تا این مشاهده او را از غفلت نجات دهد. در خصوص زیارت حرم اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز چون مصداقی از تعظیم شعائر و توجه به مقام ولایت و خط سیاسی امام است از جهات متعدد مستحب موکد می‌باشد. همچنین در خصوص سفر حج اگر استطاعت برای شخصی ایجاد شده باشد این سفر زیارتی بر او واجب خواهد شد.

۵-۱-۶. گردشگری سلامت (درمانی)

در خصوص گردشگری سلامت یا درمانی از منظر دینی می‌توان به دو حوزه توجه داشت: اول به حوزه پیشگیری و حفظ تندرستی و سلامتی توجه نمود و حوزه دیگر بخش درمان و معالجه است. در ادامه توضیح هریک بیان می‌گردد:

قسمت اول در خصوص تندرستی و پیشگری از بیماری و بازیابی سلامت با سفر و گردشگری است، روایاتی در این زمینه وارد شده است که بدان اشاره می‌گردد:

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ تَغْنَمُوا». مسافرت کنید تا سالم و تندرست بمانید و بهره‌ها نصیبتان گردد (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق، ص. ۷۶).

امام زین‌العابدین (علیه‌السلام): «حِجّوا وَاعتَمِروا تَصِحَّ اَبدانُکُمَ و تَتَّسِعْ اَرزاقُکُم وَ تُکفُوا مَؤوناتِکُم و مَوؤُناتِ عِیالِکم»؛ سفر حج و عمره به‌جا بیاورید تا بدن شما سالم و روزی شما وسعت یابد و نیازمندی‌های خود و خانواده‌تان برآورده شود (کلینی، ۱۳۸۵، ج۴، ص. ۲۵۲).

در احادیث یاد شده به این نکته تأکید شده است که برای حفظ سلامتی و صحت بدنتان سفر کنید. روایت اول اطلاق داشته و به این نکته اشاره دارد که مطلق سفر سبب سلامتی و صحت می‌شود؛ اما روایت دوم در خصوص سفر معنوی حج است که البته با توجه به‌خصوصیت حج و عمره شاید صحت بدن را به این عنوان اختصاص دهد؛ اما ازآنجاکه غالباً مقدمه حج و عمره، سفر است به‌تبع نتیجه صحت و سلامتی که

در روایت ذکر شده است شامل سفر نیز می‌شود همچنان که روایت اول که اطلاق داشت به این نکته اشاره دارد. سفر با توجه به تأثیری که در روح و روان انسان دارد باعث شادابی و حفظ سلامتی روحی و روانی انسان می‌شود و به تبع در سلامتی روحی و دوری از استرس و افسردگی جسم انسان تأثیرگذار است، این نکته در روان‌شناسی سفر مورد تأکید دانشوران روان‌شناسی است (شمشیری و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۷۲). حکم سفر به جهت سلامتی به‌خودی‌خود مستحب است؛ اما اگر سلامتی روحی و روانی انسان در خطر باشد و کارشناسان سلامت به لزوم آن برای حفظ سلامتی فرد تأکید داشته باشند از جهتی که حفظ جان و سلامتی به حکم عقل و شرع لازم است، حکم این سنخ از گردشگری به وجوب تغییر خواهد کرد؛ البته وجود استطاعت اعم از مالی و بدنی در نوع حکم تأثیرگذار است.

قسمت دوم گردشگری سلامت به مقوله درمان و امکانات پزشکی در مقصد توجه دارد بدین‌نحو که به جهت حفظ جان انسان با درمان و معالجه که مقدمه آن سفر است و از باب وجوب و لزوم ذی‌المقدمه که حفظ جان است، لزوم مقدمه که سفر برای تحقق درمان و حفظ جان است برداشت می‌گردد؛ بنابراین با توجه به مقدمه‌بودن سفر برای درمان و لزوم ذی‌المقدمه می‌توان به این نوع گردشگری از ناحیه دین توجه داشت و با عنایت به قاعده وجوب مقدمه از طریق لزوم ذی‌المقدمه می‌توان آن را پذیرفت (صدر، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص. ۲۸۱). تقریب بحث بدین‌ترتیب است که در گردشگری درمانی با توجه به اینکه طبق قواعد «وجوب حفظ نفس»، «لاضرر» و «لاحرج» و برخی روایاتی که در این زمینه وجود دارد (قنبرپور، ۱۴۰۰، ص. ۲۸). عقلاً و شرعاً حفظ جان ضرورت دارد و گاهی حفظ جان به‌وسیله درمان و معالجه لزوم و وجوب می‌یابد. همچنین گاهی اوقات پزشکان مجرب یا تجهیزات پزشکی مناسب در محل زندگی انسان وجود ندارند. ازاین‌رو برای دست یافتن به پزشک مجرب و امکانات پزشکی لازم است انسان برای حفظ جان و معاجله بدن به مسیری دور یا کشور دیگر مسافرت کند که از آن تعبیر به گردشگری سلامت یا درمانی شده است. حکم این نوع از گردشگری با توجه به سطح بیماری و لزوم درمان آن توسط کارشناسان سلامت و همچنین با توجه به استطاعت فرد به‌لحاظ مالی و بدنی متفاوت و دارای طیفی از مستحب تا واجب قابل بیان است؛ به‌عنوان‌مثال با تأکید بر لزوم و وجوب درمان توسط کارشناسان سلامت و وجود استطاعت در فرد حکم این نوع گردشگری واجب خواهد بود.

۵-۲. تأثیر انواع گردشگری بر توسعه گردشگری حلال

پس از تبیین انواع گردشگری از منظر دینی و اشاره به احکام شرعی آن به سؤال فرعی سوم پژوهش پرداخته می‌شود که رابطه میان انواع گردشگری از دیدگاه آیات و روایات و توسعه گردشگری حلال در کشورهای اسلامی همچون ایران را بیان می‌کند و به کارآمدی مبانی گردشگری حاصل از منابع دینی در رشد و توسعه گردشگری در ایران اسلامی و وجود رابطه میان انواع گردشگری اسلامی و توسعه برند گردشگری حلال پرداخته شده است.

بهترین مسیر برای توسعه گردشگری حلال به‌منظور جذب حداکثری و آسوده خاطربودن مسلمانان از سفر خود، بهره‌مندی از منویات اسلامی است که روشن‌ترین مسیر، رجوع به آیات قرآن کریم و روایات شریفه به‌منظور استخراج این منویات است. در بخش اول یافته‌های پژوهش مشخص شد که شش قسم گردشگری فرهنگی، گردشگری علمی، گردشگری تجاری، گردشگری تفریحی، گردشگری مذهبی ـ زیارتی و گردشگری سلامت مستخرج از منابع دینی است که به‌عنوان پیش‌نیاز، بخشی از مسیر توسعه گردشگری حلال را برای کشورهای اسلامی تبیین می‌کند؛ چراکه در کشورهای اسلامی همچون ایران که برمبنای آموزه‌های دینی و اسلامی بنیان نهاده شده‌اند، برخی آداب و دستوراتی وجود دارد که با برخی رویکردها در گردشگری امروزی در تضاد است؛ مانند سکس توریسم که مبانی و دستورات دینی اسلام با موارد این‌چنینی کاملاً مخالف است. به‌همین‌جهت بسیاری از مسلمان علاقه‌مند هستند به کشورهایی سفر کنند که علاوه بر ظرفیت‌های تفریحی؛ شاخصه‌هایی مانند فرهنگ و ارزش‌های اسلامی نیز در آن مناطق نهادینه شده باشد و بتوانند با آرامش و بدون دغدغه به سفر خود بپردازند. قاعدتاً از بهترین مقصدها برای این سنخ از گردشگران کشورهای اسلامی هستند که اشتراک دینی بین میهمان مسلمان و میزبان مسلمان وجود دارد. در حقیقت منظور از گردشگری حلال این است که گردشگر مسلمان به راحتی بتواند از همه انواع صحیح گردشگری بهره گیرد و این در صورتی است که این انواع مغایر با مبانی دینی نباشد؛ در نتیجه گردشگری را می‌توان حلال دانست که زیربنایش حلال باشد و پشتوانه اسلامی داشته باشد.

واکاوی طبقه‌بندی گردشگری به انواع فرهنگی، علمی، تجاری، تفریحی، مذهبی ـ زیارتی و سلامت از دید آیات و روایات؛ علاوه بر جهت‌گیری خود گردشگران که مبین تشخیص هدف آن‌ها از سفر به مقصد موردنظرشان خواهد بود، برای سیاست‌گذاران این عرصه نیز لازم است تا با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح برای جذب گردشگران

مسلمان در راستای توسعه گردشگری حلال اقدام نمایند. در حقیقت موفقیت در توسعه برند گردشگری حلال در ایران با تأکید بر منابع دینی و تأمین نیازها و تمایلات گردشگران مسلمان و درعین‌حال استفاده از ظرفیت‌هایی همچون میراث غنی فرهنگی و تاریخی کشور رخ خواهد داد. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

۵-۲-۱. توسعه حلال گردشگری فرهنگی

در خصوص توسعه حلال گردشگری فرهنگی، توجه به نکات آیات و روایات لازم بوده و در این رابطه یادآوری عظمت خداوند در سفر حائز اهمیت است (اعراف / آیه ۱۸۵، ق / آیه ۶) و شایسته است سفرهایی به‌جهت مشاهده قدرت خداوند برای مسلمانان طراحی شود. با توجه به آیات قرآن کریم به‌عنوان مثال برگزاری تورهای کویرنوردی و طبیعت‌گردی به جهت مواجه هرچه بیشتر مسلمان با آثار خلقت خداوند همچون مشاهده آسمان و ستارگان شب موجب می‌شود تا عظمت خداوند را بیش‌ازپیش دریابند. عبرت گرفتن از سرگذشت پیشنیان نیز با برگزاری تورهای تخصصی و بازدید از مناطقی که یادآور ضعیف بودن نوع انسان (نساء / آیه ۲۸) در برابر مجد خداوند متعال است امکان‌پذیر بوده که برگزاری تورهایی باهدف بازدید از مواریث تاریخی در این زمینه راهگشاست. ایران اسلامی برای توجه به این امر می‌تواند با برگزاری تورهای گردشگری به‌منظور مشاهده آثار قدرت و خلقت خداوند در جهت تقویت بنیه فکری و اعتقادی افراد جامعه به‌خصوص جوانان گام بردارد. در این نوع از گردشگری‌ها وجود راهنمایانی که آشنایی لازم را با مبانی اسلامی داشته باشند و در این خصوص آموزش‌دیده باشند مثمرثمر بوده و حتماً باید راهنمای گردشگری با سیر آفاقی، گردشگران را متوجه عظمت خدای متعال و پوچ نبودن نظم موجود در مخلوقات بنماید و آن‌ها را به تفکر در عظمت و نظم در خلقت دعوت کند.

همچنین در این راستا توجه به فرهنگ اسلامی که در میراث غنی اسلامی ـ ایرانی نمود دارد، زمینه توجه به معارف الهی نهفته در این آثار را رقم خواهد زد؛ بنابراین لزوم تأکید بر میراث فرهنگی غنی اسلامی ـ ایرانی ازجمله اماکن تاریخی، موزه‌ها و هنرهای سنتی که تلفیقی از هنر اسلامی و ایرانی است در سیاست‌گذاری‌ها باید مدنظر باشد. در این رابطه برگزاری و ترویج جشنواره‌های فرهنگی که هنرهای اسلامی ـ ایرانی همچون معماری، تزئینات بناها مانند میناکاری و نقوش تذهیبی، صنایع مستظرفه (صنایع‌دستی)، خوشنویسی، جشنواره شعر اسلامی، قالی‌بافی و منسوجات، سفالگری و کاشی‌کاری، هنرهای نمایشی همچون تعزیه و... را به‌عنوان مؤلفه‌های مهم هویت

فرهنگیِ ایران اسلامی به نمایش می‌گذارد قابل ذکر است. باید توجه کرد، هنری اسلامی تلقی می‌شود که ثمره معرفت الهی، تکامل هنرمند، تعالی مخاطب، ادراک حس عبودیت و مخالفت با لذت‌های نامشروع (کرمی، ۱۳۹۶، صص. ۴-۲۴) را برای گردشگر مسلمان در پی داشته باشد و موارد این‌چنینی به جهت سیاست‌گذاری صحیح در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین توجه به سنت‌های اصیل ایرانی و جشن‌های محلی و بومی سایر نقاط کشور و جشن‌های ملی مانند نوروز که در روایات نیز بر اهمیت آن تأکید شده است (نوری، ۱۳۶۸، ج۶، ص. ۳۵۳) برای میزبانی از گردشگران مسلمان راهگشاست.

غذاهای محلی نیز به‌عنوان نمودی از فرهنگ منطقه میزبان قابل توجه است و در این باره می‌توان برگزاری کارگاه‌های آشپزی حلال و تورهای گردشگری غذای حلال را به‌منظور آشنایی بازدیدکنندگان و گردشگران مسلمان با انواع غذاها برگزار کرد. برنامه‌ریزی به‌جهت افزایش تعامل گردشگران مسلمان با جوامع محلی ایرانی برای درک تنوع فرهنگی ایران قابل توجه است که در این رابطه تجربه اقامت گردشگر در جوامع میزبان زمینه فهم بهتر ارتباطات میان فرهنگی (حجرات / آیه ۱۳) را در پی دارد. همچنین تمرکز بر صنایع خلاق که بازگوکننده غنای فرهنگی ایران اسلامی است و میزبانی رویدادهای فرهنگی مانند جشنواره‌های فیلم برتر در دنیای اسلام، برگزاری سمینارهایی با این موضوع و برگزاری جشنواره‌هایی با موضوع انتخاب بهترین هنرمند مسلمان در حوزه‌های مختلف است، ظرفیت خوبی را جهت توسعه برند گردشگری حلال در کشور ایجاد خواهد کرد.

طراحی مسیرها و اطلس گردشگری فرهنگی حلال کشور نیز برای جذب آن دسته از گردشگران مسلمانی که علاقه‌مند به سفرهای موضوعی با تمرکز بر جنبه‌های فرهنگی خاص و مسیرهای فرهنگی هستند، ارزشمند بوده که مواردی مانند طراحی مسیر فرهنگی برای گردشگران مسلمان مانند بازدید از اماکن تاریخی مختلف یا آرامگاه‌های مشاهیر بزرگ و آشنایی با سرگذشت آنان قابل ذکر است.

۵-۲-۲. توسعه حلال گردشگری علمی

در مورد توسعه حلال گردشگری علمی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند احداث مؤسسات علمی دارای گواهی حلال مطابق با استانداردهای اسلامی و علمی در کشور و أخذ پروژه‌های سایر دولت‌های مسلمان و تسهیل و ایجاد تفاهم‌نامه برای مؤسسات علمی داخلی جهت همکاری با کشورهای اسلامی را سازمان‌دهی نماید. در جهت رفع

نواقص علمی موجود در کشور و دستیابی به مرزهای علم، گروهی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی و همچنین پژوهشگران حوزه‌های مختلف علمی را برای شرکت در تورهای علمی بلندمدت یا کوتاه‌مدت در کشورهای صاحب فناوری‌های جدید ساماندهی کند. برگزاری تورهای گردشگری علمی به‌ویژه با محوریت برنامه‌های آموزشی که بینش‌هایی را در مورد دستاوردهای علمی که ریشه در تاریخ اسلام دارند به گردشگران ارائه دهد که در این برنامه‌ها دانشمندان و نظریه‌پردازان مسلمان به بیان پیشرفت‌های خود در زمینه‌های علمی و برنامه‌های آتی خود بپردازند همچنین برگزاری تورهای علمی به‌منظور کنکاش در طبیعت و اکتشاف در خلقت مانند علوم باستان‌شناسی و... درخور توجه است (عنکبوت / آیه ۲۰). تسهیل در روابط بین دانشگاه‌های داخلی و دانشگاه‌های برتر کشورهای مسلمان در حوزه‌های علمی مختلف، امکان تحصیل دانشجویان مسلمان در کشوهای اسلامی و تبادلات علمی در این زمینه مطابق با آیه ۱۲۲ سوره مبارکه توبه و برگزاری سمینارهای علمی و همایش‌های موضوعی از دیگر مواردی است که می‌توان در سیاست‌گذاری‌ها به‌کار گرفت. برگزاری نمایشگاه‌هایی با محوریت موضوعاتی همچون معرفی دانشمندان بزرگ تاریخ اسلام و آثار این اندیشمندان نیز در توسعه حلال گردشگری علمی نقش دارد. برگزاری کرسی‌های علمی با موضوعات قرآنی، تفسیری، سیره و احادیث ائمه اطهار (علیهم‌السلام) همچون مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) نیز راهگشاست. همچنین می‌توان برای دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها، تورهای علمی داخلی با هدف تبیین پیشرفت علمی و جایگاه علمی ایران در جهت خودباوری و تقویت روحیه علم‌آموزی برگزار نمود.

۵-۲-۳. توسعه حلال گردشگری تجاری

در مورد توسعه حلال گردشگری تجاری، ایران اسلامی می‌تواند برای توسعه تجارت و همچنین صادرات محصولات حلال و اسلامی، زمینه سفرهای تجاری تجار ایرانی را بیش‌ازپیش فراهم نماید و با ایجاد سازوکار لازم در وزارت امور خارجه موانع این سفرها برداشته شود و همچنین زمینه حضور تجار در کشورهای مختلف برای رفع نیازهای داخلی کشور و صادرات محصولات کشور به دیگر کشورها برای تقویت و درآمدزایی جمهوری اسلامی ایران فراهم گردد. برگزاری نمایشگاه‌های محصولات ایرانی ـ اسلامی در خود کشور و معرفی محصولات در نمایشگاه‌های سایر کشورها مثمرثمر بوده و فراهم کردن حضور تجار در نمایشگاه‌های خارجی و یا تجار مسلمان در همایش‌های

داخلی به‌منظور ارتباط کارآفرینان داخلی برای جذب سرمایه نیز مؤثر است.

برگزاری رویدادهای تجاری با محوریت شرکت‌های تجاری موفق و تسهیل فرایند فعالیت آنان برای برگزاری رویداد موردنظر خود در جهت رشد تجارت حلال در کشور مستلزم توجه است. یکی دیگر از بهترین راه‌های توسعه حلال گردشگری تجاری به‌کارگیری صنعت ملاقات (MICE) است (Song & et al., 2013) که در آن با سازمان‌دهی چهار روش نشست[1]، مشوق‌گذاری[2]، همایش[3] و نمایشگاه[4] زمینه ملاقات هرچه بهتر تجار و شرکت‌های تجاری مسلمان بیش‌ازپیش فراهم می‌شود. ایجاد مراکز خرید مبتنی‌بر دستورات اسلامی حتی در ساخت و معماری بنا تا فروش اجناس حلال به گردشگران مسلمان نیز ازجمله موارد مهمی است که در سیاست‌گذاری‌ها قابل توجه است.

۵-۲-۴. توسعه حلال گردشگری تفریحی

در خصوص گردشگری تفریحی، ایران می‌تواند مکان‌های تفریحی مناسب با شئونات اسلامی برای حضور گردشگران فراهم نماید؛ به‌ویژه تمرکز بر انواع ورزش‌هایی مانند شنا، اسب‌سواری، تیراندازی که مورد تأکید معصومین (علیهم‌السلام) بالاخص حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده و در احادیث ایشان «خَیرُ لَهوِ المُؤمِنِ السِّباحَةُ» (مقتی هندی، ۱۴۰۹ق، ج۱۵، ص. ۲۱۱) و «أحَبُّ اللَّهوِ إلَی اللّه ِ تَعالی إجراءُ الخَیلِ وَالرَّمیُ» (مقتی هندی، ۱۴۰۹ق، ج۴، ص. ۳۴۴) ازجمله ورزش‌های مهیج هستند می‌تواند جهت توسعه حلال گردشگری تفریحی کشور مورد استفاده قرار گیرد. در سیاست‌گذاری‌ها توجه به یک ورزش اسلامی که ایران را به‌عنوان قطب آن ورزش برجسته کند زمینه‌های پیشرفت کشور را در این نوع از گردشگری به‌وجود خواهد آورد. توسعه زیرساخت‌های ورزشی منطبق بر دستورات اسلامی مانند حرمت اختلاط زن و مرد باید در دستور کار قرار گرفته و همچنین توجه به برگزاری کلاس‌های تفریحی ـ آموزشی مانند آموزش یک هنر خاص اسلامی، مسیر دستیابی به برند حلال گردشگری تفریحی ایران اسلامی را سهل می‌نماید. از دیگر موارد مهم توجه به گروه‌های کودکان، نوجوانان و جوانان خانواده‌های مسلمان و ارائه برنامه‌های متناسب با هر گروه سنی است. برگزاری تورهایی با محوریت طبیعت و اکوتوریسم و تفریحات سالم حلال مانند میوه‌چینی در فصول مختلف سال از باغ‌های میوه کشور از نمونه‌های

1. Meetings
2. Incentive
3. Conferences
4. Exhibitions

بارزی است که ظرفیت رشد آن در کشور مهیاست.

در نهایت محل تفریح باید به‌نحوی باشد که گردشگران به‌صورت خانوادگی بتوانند در آنجا حضور پیدا کنند و با رعایت عدم اختلاط زن و مرد، زمینه راحتی و آسودگی زنان مسلمان برای تفریح بیشتر و استفاده از امکاناتی مانند دریا و جنگل و وسایل تفریحی و سرگرمی فراهم گردد. همچنین توسعه این مکان‌ها در شهرهای مذهبی نیز مورد توجه باشد تا حضور گردشگر مذهبی همراه با سیاحت نیز فراهم گردد.

۵-۲-۵. توسعه حلال گردشگری مذهبی ـ زیارتی

در مورد توسعه حلال گردشگری مذهبی ـ زیارتی در کشور، نهادهای ذی‌ربط باید با حذف روادید برخی از کشورهای مسلمان زمینه حضور بیش‌ازپیش آنها را در کشور فراهم گردانند و با توجه به ذائقه و سبک زندگی آن‌ها زمینه را در شهرهای مذهبی به‌نحوی فراهم نماید تا در ضمن زیارت، از فضای مناسبی جهت استراحت و تفریح برخوردار باشند. علاوه‌براین توسعه مکان‌های مذهبی برای برگزاری مراسم‌ها و حضور گسترده گردشگران در زمان‌ها و مراسم‌های خاص مذهبی باید مورد توجه مسئولان باشد. همچنین برای حضور گردشگران مذهبی ایرانی در خارج از کشور نیز باید وزارت امور خارجه تلاش نماید روادید گردشگری را حذف نماید و برای توسعه برخی مراسمات مذهبی خاص ازجمله حج و زیارت اربعین با تعامل بیشتر با کشور مقصد، زمینه توسعه بیشتر زیرساخت‌ها و درراستای آن حضور بیشتر گردشگران در این مراسم‌های خاص فراهم گردد؛ چراکه زیارت امام حسین (علیه‌السلام) بسیار مورد توجه بوده تا حدی که امام زمان (عج) زیارت امام حسین (علیه‌السلام) را در شب جمعه امان از آتش دوزخ می‌دانند (مجلسی، ۱۳۷۶، ج۵۳، ص. ۳۱۵)؛ بنابراین جهت اعتلای معنوی جامعه مهیاکردن شرایط مناسب، جهت سفر مردم به این مراسم‌های مذهبی در قالب گردشگران مسلمان ایرانی نیز لازم است.

راه‌اندازی مسیر گردشگری زیارتی در کشور با محوریت حرم امام رضا (علیه‌السلام) در شهر مشهد (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۲۹)، حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) در شهر قم و شاه‌چراغ در شهر شیراز و دیگر اماکن مقدس؛ زمینه‌های شکوفایی این نوع از گردشگری را در کشور فراهم خواهد کرد. همچنین ایجاد مسیر زیارتی اربعین برای کشورهای مسلمان و همسایه شرقی ایران مانند پاکستان که قصد عزیمت به سفر اربعین را از داخل ایران دارند و سیاست‌گذاری برای این دسته از گردشگران با هدف توسعه گردشگری حلال در کشور مستلزم برنامه‌ریزی و بهره‌مندی

از این فرصت است. برگزاری رویدادهای مذهبی مشترک میان کشورهای مسلمان به میزبانی ایران اسلامی مقارن با مناسبت‌های اسلامی نیز از دیگر پیشنهادهاست. توجه به توسعه زیرساخت‌های گردشگری مذهبی ـ زیارتی جهت رفاه گردشگران مسلمان و ایجاد میل در آنان برای سفرهای بعدی به کشور از نکات مهم دیگری است که برای تقویت برند گردشگری حلال کشور باید مورد توجه قرار گیرد.

۵-۲-۶. توسعه حلال گردشگری سلامت (درمانی)

جهت توسعه گردشگری همانطور که در بخش انواع گردشگری بیان شد گردشگری سلامت از دو جهت مدنظر است: اول گردشگری تندرستی است که پیشگیری از بیماری و سلامتی روح و جسم را دربردارد که این سنخ از گردشگری بیشتر در حوزه‌های گردشگری تفریحی و زیارتی قابل پیگیری است و متناسب با اوقات فراغت افراد است و تقریباً همان مطالبی که در توسعه گردشگری تفریحی و زیارتی بیان شد در خصوص گردشگری تندرستی نیز صادق است؛ اما حوزه دیگر در گردشگری سلامت بخش گردشگری درمانی است. برای توسعه گردشگری درمانی در ایران اسلامی لازم است به مواردی همچون هزینه‌های درمان، کادر درمانی مجرب و آموزش‌دیده برای ارتباط با گردشگران، محیط فرهنگی مناسب و امنیت اجتماعی برای گردشگران مسلمان، ایجاد زیرساخت‌های مناسب در حوزه گردشگری درمانی، وجود ویزای درمانی، تسهیلگری در راستای برقراری ارتباطات الکترونیکی و پرداخت وجه و پوشش بیمه‌ای برای گردشگران سلامت توجه شود (کوهی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۵۷).

برای پیشگیری از ابتلا به انواع بیماری‌های روحی و جسمی، توسعه گردشگری حلال مبتنی‌بر طراوت روح و جسم گردشگر مسلمان صورت گیرد که به‌عنوان مثال سیاست‌گذاری در جهت معنویت گردشگران برای سلامتی روح (جمالی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص. ۸۳) و انتفاع از ظرفیت‌هایی همچون چشمه‌های آبگرم (آب‌درمانی) درجهت سلامتی جسم راهگشاست. برای گردشگرانی که با هدف معالجه به کشور وارد می‌شوند بهره‌مندی از طب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) برای گردشگران مسلمان علاقه‌مند به این حوزه، ارزان تمام‌شدن هزینه‌های درمان نسبت به کشورهای دیگر و خدمات درمانی با قیمت مناسب مهم است. برنامه‌ریزی آموزش کادر درمان که علاوه‌بر تخصص در حوزه پزشکی به مسائل غیرپزشکی مانند فرهنگ، آداب و رسوم، آشنایی با زبان گردشگر و... اشراف دارند نیز توسعه حلال گردشگری سلامت را در پی خواهد داشت. ایجاد بسترهای فرهنگی و امنیتی برای حضور بدون دغدغه گردشگران سلامت در کشور

مفید بوده که در راستای آن بهره‌گیری از تبلیغات صحیح مثمرثمر است. توسعه زیرساخت‌هایی متناسب با شرایط گردشگران سلامت به‌منظور آسودگی آنان لازم است که به‌عنوان‌مثال ایجاد هتل ـ بیمارستان‌ها و توسعه حمل‌ونقل هوایی برای انتقال سریع بیماران اقدامات مفیدی محسوب می‌شوند. همچنین اختصاص ویزای درمان به گردشگران مسلمانی که با این هدف به کشور وارد می‌شوند و در نظر گرفتن امتیازاتی همچون تسریع در امور آنان، تخفیف‌های بیمه‌ای و هزینه‌ای و ایجاد بسترهای آنلاین انتقال ارز، هماهنگ‌کردن محل اقامت، محل درمان و آژانس‌های گردشگری سلامت، ازجمله موارد دیگری هستند که توسعه گردشگری سلامت ایران اسلامی را رقم خواهند زد (توشنی، ۱۴۰۱، صص. ۶-۷).

نتیجه‌گیری

در اسلام، هدف اساسی از آفرینش آدمی رسیدن به قرب الهی دانسته شده است که برای دستیابی به این موضوع، منویات دینی و سیره معصومین (علیهم‌السلام) به مطالب گوناگونی اشاره کرده‌اند که یکی از این موارد توجه به مقوله سیر و گردشگری است؛ چراکه تأمل و تدبر در نشانه‌های خداوند و آثار بجای مانده گذشتگان مسیر دستیابی به قرب الهی را تسهیل می‌نماید. در این رابطه شریعت اسلام هر نوع سیاحتی را برای انسان مثمرثمر نمی‌داند؛ زیرا افراد هدف مشخصی از سفر دارند و بر اساس همین هدف، نوع گردشگری خود را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین بررسی اقسام گردشگری با تأکید بر منابع دینی مهم است؛ چراکه از یک طرف باهدف گردشگر از سفر به مقصد گره‌خورده است و ازسوی‌دیگر سیاست‌ها و راهبردهای نظام اسلامی در حوزه گردشگری بر آن اساس باید تنظیم شود تا مفهوم حلال توریسم محقق گردد. شایان توجه است که اسلام گردشگری را مفهومی ارزشی می‌داند و هدف از سفر را رشد مسلمانان و جامعه دینی تلقی می‌کند. در این پژوهش، با استقرا و جستجو آیات و روایات اقسام گردشگری از منظر دینی احصا شد که شامل شش قسم گردشگری فرهنگی، علمی، تجاری، تفریحی، مذهبی ـ زیارتی و سلامت (درمانی) مشخص گردید و حکم آنها نیز بیان شد. موارد یادشده باید در توسعه گردشگری حلال مورد توجه مسئولان کشور قرار گیرد تا زمینه توسعه هریک از انواع گردشگری از منظر دین مغفول نمانده باشد. لازم به ذکر است باتوجه به اینکه گردشگری یکی از عوامل بروز سبک زندگی دینی و هویت فرهنگی است، اسلام گردشگری را حرام نمی‌داند و حتی گردشگری برای صرف تفریح نیز در چهارچوب فرامین الهی منعی ندارد؛ اما اسلام

زمانی برای گردشگری ارزش قائل است که از آن در جهت اهداف والا بهره گرفته شود و چون سبک زندگی و فرهنگ از عناصر مختلفی همچون باورها، ارزش‌ها، هنجارها و آداب‌ورسوم تشکیل شده است، در حالتی که گردشگری با موارد مذکور عجین شود مورد توجه اسلام قرار می‌گیرد؛ بنابراین برای توسعه گردشگری حلال در نظام اسلامی باید مقوله انواع گردشگری به‌عنوان نقشه راه در نظر گرفته شود تا برخلاف موازین اسلامی عمل نشود و برند گردشگری حلال محقق گردد. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به سیاست‌های کلان موجود در برنامه‌های توسعه باید خط‌مشی‌گذاری منسجمی را به‌منظور رونق حلال‌توریسم، متناسب با دستورات دینی و نیاز مسلمانان در دستور کار قرار دهد که به برخی اشاره می‌گردد. ایران اسلامی باید با توسعه حلال گردشگری فرهنگی زمینه عمق‌بخشی به معارف و اعتقادات دینی را فراهم نماید. همچنین با توسعه حلال گردشگری علمی نیازهای علمی کشور را برآورده نمود و مرزهای علم را در کشور بومی کند؛ علاوه‌براین می‌توان با برگزاری تورهای علمی زمینه علم‌آموزی و خودباروی را در میان دانشجویان و اساتید دانشگاه بهبود ببخشد. با توسعه حلال گردشگری تجاری، نیاز به اقلام اساسی جامعه اسلامی فراهم می‌گردد و با توسعه صادرات می‌توان زمینه درآمدزایی را برای کشور فراهم نمود. جمهوری اسلامی می‌تواند با فراهم نمودن شرایط مناسب و امکانات تفریحی به‌نحوی که با قوانین و احکام اسلامی سازگار باشد زمینه مناسب توسعه حلال گردشگری تفریحی برای حضور مسلمانان در اماکن تفریحی را فراهم نماید. در خصوص توسعه گردشگری مذهبی ـ زیارتی ایران باید با حذف روادید همسایگان مسلمان و فراهم نمودن امکانات مناسب در مقاصد مذهبی زمینه حضور بیشتر گردشگران را فراهم نماید. توسعه گردشگری سلامت با مواردی این‌چنین تحقق می‌یابد: ایجاد بیمه‌های گردشگری سلامت و آژانس‌های گردشگری درمانی و ساخت بیمارستان‌های هتلینگ و تبلیغات گسترده جهانی بیمارستان‌های ایران و تجارب پزشکان ایرانی و امکانات و تجهیزات بروز پزشکی و حذف واسطه‌ها به‌منظور ایجاد فضای رقابتی و کاهش هزینه درمان در بیمارستان‌های ایران.

پیشنهادها و راهکارهای سیاستی

با توجه به توضیحات فوق، پیشنهادهای ذیل به‌منظور ایجاد و توسعه گردشگری حلال در کشور لازم به نظر می‌رسد:

۱- ازآنجاکه توسعه زیرساخت‌های گردشگری باید مبتنی‌بر نیازهای مسلمانان برای

توسعه گردشگری حلال صورت گیرد؛ ترسیم نقشه راه مبتنی‌بر آمایش سرزمین و توزیع منابع، منطبق با قابلیت‌های محلی و منطقه‌ای لازم به نظر می‌رسد. حمایت های دستگاه‌های سیاست‌گذار بایستی مبتنی‌بر نیازهای چندجانبه گردشگران مسلمان مانند امینت، سرو غذاهای حلال، عدم سرو مشروبات الکلی در هتل‌ها، سهولت بازدید از جاذبه‌ها و... باشد.

۲- به‌منظور تعیین جایگاه هر سازمانِ مرتبط با گردشگری حلال، نگاشت نهادی و تقسیم کار بین‌دستگاهی، با تأکید بر خصوصیات بین‌بخشی‌بودنِ خدمات گردشگری حلال لازم به نظر می‌رسد.

۳- توصیه می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر نهاد خانواده که مورد توجه اسلام نیز هست تدوین شود؛ به‌عنوان‌مثال فعالیت‌های برخی تورهای داخل کشور با محوریت فرد صورت می‌گیرد و خانواده در این نوع از تورها جایگاهی ندارد یا اکثر هتل‌های کشور اتاق‌های خود را به‌صورت تک‌نفره[1] یا دونفره[2] ساخته‌اند و این موضوع برای خانواده‌هایی که با تعداد بیش از دو نفر هستند چالش رزرو اتاق را ایجاد می‌نماید. در این راستا ساماندهی تورها با محوریت خانواده و ساخت هتل هایی با اتاق‌های دارای ظرفیت بالا پیشنهاد می‌شود.

۴- ایجاد برندینگ حلال در رابطه با هریک از زیرساخت‌های گردشگری کشور لازم به نظر می‌رسد که می‌توان به مواردی همچون حلال‌تور، حلال‌پارک، حلال رستوران، حلال‌هتل، حلال‌بیمارستان و... اشاره کرد که در رابطه با هر بخش تعدادی از آن‌ها به‌عنوان برند گردشگری حلال به گردشگران مسلمان معرفی و تبلیغ شوند.

۵- با توجه به اینکه غالب کشورهای همسایه ایران مسلمان هستند باید از این ظرفیت با ارزش در جهت رونق گردشگری کشور بهره برد که در این راستا می‌توان به سیاست‌هایی همچون لغو روادید با امکان‌سنجی پیشینی اشاره کرد. (امکان سنجی پیشینی به این‌منظور صورت می‌گیرد تا از پیامدهای منفی سیاست احتمالی جلوگیری شود. به‌عنوان‌مثال لغو روادید با کشورهایی همچون افغانستان و پاکستان منجر به رسوب گردشگران این کشورها در ایران می‌شود که در چنین حالتی سیاست لغو روادید نتیجه عکس خواهد داد).

1. single room
2. Double room

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

ابن بابویه، محمد (۱۳۶۱). *معانی‌الاخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن هشام، ابومحمد (۱۴۰۵ق). *السیره النبویه مغنی الادیب*. لبنان: دارالمعرفه.

بزرگ عقیده، نرگس‌خاتون (۱۳۹۹). گردشگری حلال و فرصت‌ها و چالش‌های آن در ایران. *پژوهشنامه حلال*، ۳(۲)، ۵۷-۴۳.

بهرام‌پور، اباالفضل (۱۳۹۹). *تفسیر یک جلدی مبین*. قم: نسیم حیات.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴). *نهج‌الفصاحه*. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

توشنی، صبا (۱۴۰۱). *مروری بر عوامل مؤثر در رشد گردشگری سلامت و راهکارهای توسعه آن*. نخستین کنفرانس ملی گردشگری سلامت طبیعت گردی و طبیعت درمانی بسکی، گلستان، گنبد کاووس.

جمالی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۱). *گردشگری اسلامی*. اصفهان: آرما.

جهانیان، ناصر (۱۳۷۶). مقایسه مبانی نظری توسعه اقتصادی در غرب و قانون اساسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

حرعاملی، محمد (۱۳۶۷). *وسائل‌الشیعه*. قم: آل‌البیت لاحیاءالتراث.

حسینی، میرزا حسن؛ سحر، خاوری و سلیمان‌پور، مسلم (۱۳۹۹). تبیین گردشگری حلال با توجه به آیات قرآنی. *نشریه مطالعات قرآنی*، ۳(۱۱)، ۱۶۷-۱۹۱.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القران*. قم: دفتر نشر الکتاب.

شفقی، سیروس؛ حسنوند، عباس و مصلحی، محسن (۱۳۹۱). ضرورت‌ها و ظرفیت‌های گردشگری اسلامی و رویکردهای آن (از منظر الگوهای فرهنگی اسلام و فقه اسلامی). *برنامه ریزی منطقه‌ای*، ۲(۶)، ۱-۱۳.

شمشیری، بابک؛ مرزوقی، رحمت‌الله؛ محرر، معصومه و محمدپور، صلاح (۱۴۰۱). سفر و آثار آن، آموزه‌ای مغفول در سبک زندگی اسلامی (با تأکید بر آیات قرآن و احادیث کتب اربعه و صحیحین). *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۴)، ۶۷-۷۶.

صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الأصول*. تقریرات محمود هاشمی شاهرودی.

قم: موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(علیهم‌السلام).
صفایی‌پور، مسعود و دامن باغ، صفیه (۱۳۹۶). بررسی توسعه گردشگری حلال در ایران. *میراث و گردشگری*، ۲(۶)، ۷۱-۹۷.
طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۵ق). *تفسیر المیزان*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
طبرسی، فضل (۱۳۳۸). *مجمع البیان لعلوم القران*. تهران: مکتبة العلمیه.
طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین*. تهران: مرتضوی.
عباسی، مصیب؛ راستی کردار، فاطمه و سید رضایی، سید حسن (۱۳۹۸). مبانی مدیریت و برنامه‌ریزی گردشگری فرهنگی ـ اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه. *فصلنامه نگرش‌های نو و برنامه‌ریزی گردشگری فرهنگی ـ اجتماعی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه*، ۱۱(۳)، ۳۰۳-۳۲۲.
عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان (۱۴۱۹ق). *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه*. قاهره: دارالفضیله.
فاضلی، احسان؛ کردشاکری، پرنیان و بزرگ‌زاده یزدی، نگار (۱۳۹۴). ارائه مسیرهای بهینه گردشگری شهر مشهد از طریق شناسایی و سنجش عناصر دارای پتانسیل گردشگری. *جغرافیایی فضای گردشگری*، ۴(۱۴)، ۱۳-۳۷.
فکر آزاد، سیده آزاده؛ حاجی خلیلی، سید احمد و ایمانی، مهدی (۱۳۹۵). *بهره‌گیری از ارزش‌های گردشگری اسلامی در جلب نظر گردشگران برای بازدید مجدد*. دومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبةالله (۱۴۰۷ق). *الدعوات / سلوة الحزین*. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).
قنبرپور، بهنام (۱۴۰۰). تزاحم قواعد فقهی و جوب حفظ نفس، با موازین اخلاقی، در مراقبت و درمان از بیماران مبتلا به کرونا. *اخلاق و تاریخ پزشکی*، (۱۴)، ۲۷-۳۳.
کرمی، محسن (۱۳۹۶). در باب چیستی «هنر اسلامی». *فلسفه تحلیلی (جستارهای فلسفی ـ پژوهش‌های فلسفی)*، ۱۳(۳۲)، ۱۷۹-۲۰۳.
کلینی، محمد (۱۳۸۵). *اصول کافی*. تهران: قائم آل محمد (عج).
کوهی اصفهانی، مجید؛ نیلی‌پور، سید علی‌اکبر؛ تقوایی، مسعود و نصر اصفهانی، محمدحسین (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در توسعه گردشگری سلامت. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۴(۲۸)، ۴۵-۶۰.

کیوانی هفشجانی، زهرا؛ صفانیا، علی‌محمد؛ پورکیانی، محمد و باقریان فرح‌آبادی، محسن (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی موانع و تبیین الگوی ساختاری ـ تفسیری توسعه گردشگری ورزشی ایران. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۸(۳۳)، ۱۹۱-۱۶۷.

متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق). *کنزالعمّال*. لبنان: مؤسسه الرساله.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۶). *بحارالانوار*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۸۰). *درآمدی بر گردشگری*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

محمدی میخوش، علاالدین (۱۳۹۱). نقش گردشگری فرهنگی در توسعه مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱(۴)، ۱۷۶-۱۴۷.

مشکینی، علی (۱۴۱۹ق). *مصطلحات الفقه*. قم: نشر الهادی.

مظفر، محمدرضا (۱۴۲۳ق). *اصول‌الفقه*. قم: مؤسسه النشرالاسلامی.

معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ معین*. تهران: انتشارات مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

میرحسنی، زهرا (۱۳۹۱). تحلیلی برالگوی مفهومی ترکیب منابع ملی در توسعه. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲۱(۳)، ۷۳-۱۰۶.

ناظم‌زاده‌قمی، سید اصغر (۱۳۸۷). *آئین سفر*. قم: بوستان کتاب.

نجاروظیفه‌دان، آلا؛ رهبری، سمیرا و زرین، بهار (۱۳۸۹). *بررسی امکانات و محدودیت های توسعه گردشگری در کشورهای اسلامی در قالب مدل و تکنیک‌های برنامه ریزی و ارائه راهکارها*. چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان، ایران.

نوری، حسین (۱۳۶۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث.

همایون، محمدهادی (۱۳۹۱). *گردشگری؛ ارتباطات میان‌فرهنگی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

Azam, M. S. E.; Abdullah, M. A. & Razak, D. A. (2019). Halal tourism: definition, justification, and scopes towards sustainable development. *International Journal of Business, Economics and Law*, 18(3), 23-31.

Davidson, R. (1994). *Business Travel*. London: Pitman Publishing.
Duman, T. (2011, July). Value of Islamic tourism offering: Perspectives from the Turkish experience. In *World Islamic Tourism Forum* (pp. 12-13).
Henderson, J. C. (2009). Islamic tourism reviewed. *Tourism Recreation Research*, 34(2), 207-211.
International Standard Serial Number (ISSN) International Centre (2019). *Types of Tourism*.
Ryan, C. (2003). *Recreational tourism: Demand and impacts* (Vol. 11). Channel View Publications.
Song, H.; Dallen, J. T. & Huang, Y. (2013). *Meetings, conventions, and exhibitions: An overview of MICE*. Routledge.
World Tourism Organization. (1991). *Tourism: An economic and social phenomenon*. UNWTO.
World Tourism Organization. (1995). *Sustainable development of tourism*. UNWTO.
Wu, M. Y. & Wall, G. (2016). Chinese research on family tourism: Review and research implications. *Journal of China Tourism Research*, 12(3-4), 274-290.

References

The Holy Quran. (In Persian)
Najolbalagheh. (In Persian)
Abbasi, M., Rasti Kerdar, F., & Seyed Rezaei, S. H. (2019). Foundations of Cultural-Social Tourism Management and Planning from the Perspective of the Quran and Nahj al-Balagha. Quarterly Journal of New Perspectives and Cultural-Social Tourism Planning from the Perspective of the Quran and Nahj al-Balagha, 11(3), 303-322. (In Persian)
Abbasi, Musyeb, Rastikardar, Fatemeh and Seyed Rezaei, Seyed Hasan (2018). Basics of socio-cultural tourism management and planning from the perspective of Quran and Nahj al-Balagha. New Perspectives in Human Geography, 11(3), 322-303. (In Persian)
Abdul Moneim, Mahmoud Abdul Rahman (1419 AH). The dictionary of jurisprudence and jurisprudence. Cairo: Dar al-Fazilah. (In Persian)
Abdulmalik, A. (1985 A.H.). Al-Sirah al-Nabawiyyah Mughni al-Adib. Lebanon: Dar Al-Ma'rifah. (In Persian)
Abul Hasan, Muhammad Bin Al Hussein (1379). Nahj al-Balagha. Translated by Seyyed Jamaluddin Dinparvar, Tehran: Nahjul Balagha Foundation. (In Persian)
Azam, M. S. E.; Abdullah, M. A. & Razak, D. A. (2019). Halal tourism: definition, justification, and scopes towards sustainable development. International Journal of Business, Economics and Law, 18(3), 23-31. (In Persian)
Baboyeh Qomi, Muhammad (1361). Meanings of news. Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
Baboyeh Qomi, Muhammad (1416 AH). Khasal Qom: Al-Nashar al-Islami

Institute. (In Persian)
Bahrampour, Aba al-Fazl (2019). The interpretation of a clear volume. Qom: Nasim Hayat. (In Persian)
Davidson, R. (1994). Business Travel. London: Pitman Publishing.
Dehkhoda, Ali Akbar (1373). dictionary. Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University. (In Persian)
Duman, T. (2011, July). Value of Islamic tourism offering: Perspectives fro
Esfahani, Ragheb (1404 AH). Al-Mufardat fi Gharib Qur'an. Qom: Al-Kitab Publishing House.
Fadeli, Ehsan, Kordshakri, Parnian, and Bozorzadeh Yazdi, Negar. (2014). Providing optimal tourism routes in Mashhad city through identifying and measuring elements with tourism potential. Geography of Tourism Space, 4(14), 13-37. (In Persian)
Fekr Azad, S. A., Haji Khalili, S. A., & Imani, M. (2016). Using Islamic Tourism Values to Encourage Tourists to Revisit. Second National Conference on Management and Humanities Research in Iran, Tehran. (In Persian)
Great opinion, Narges Khatun. (2019). Halal tourism and its opportunities and challenges in Iran. Halal Research Journal, 3(2), 43-57.
Handi, Motaghi (1409 AH). maidservant Lebanon: Al-Rasalah Institute. (In Persian)
Harameli, Mohammad (1367). Shia means Qom: Al-Al-Bayt Lahia al-Tarath. (In Persian)
Henderson, J. C. (2009). Islamic tourism reviewed. Tourism Recreation Research, 34(2), 207-211
Homayoun, Mohammad Hadi (2011). Tourism, intercultural communication. Tehran: Imam Sadegh University Press. (In Persian)
Hosseini, M. H., Khavari, S., & Soleimanpour, M. (2020). Explaining Halal Tourism in Light of Quranic Verses. Journal of Quranic Studies, 3(11), 167-191. (In Persian)
International Standard Serial Number (ISSN) International Centre (2019). Types of Tourism.
Jahanian, Nasser (1376). Comparison of the theoretical foundations of economic development in the West and constitutional law. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (In Persian)
Jamalinejad, Mehdi (1391). Islamic tourism. Isfahan: Arma. (In Persian)
Javadi, Fazeh and Barqaei, Maryam (1400). Income generation in the form of tourism from the point of view of jurisprudence. Studies in Religious Studies, 5(10), 57-73. (In Persian)
Karmi, Mohsen (2016). About what is "Islamic art". Analytical Philosophy (philosophical essays-philosophical researches), 13(32), 179-203. (In Persian)
Kilini, Mohammad (2015). Usul al-Kafi. Tehran: Qaim Al Mohammad. (In Persian)
Kivani Hafeshjani, Zahra, Safania, Ali Mohammad, Pourkiani, Mohammad, Bagharian Farahabadi, Mohsen (2018). Identifying and prioritizing

obstacles and explaining the structural-interpretive model of Iran's sports tourism development. Social and Cultural Strategy, 8(33), 167191. (In Persian)

Kohi Esfahani, Majid, Nilipour, Seyyed Ali Akbar, Taqvai, Masoud and Nasr Esfahani, Mohammad Hossein (2014). Identifying and prioritizing effective factors in the development of health tourism. New Perspectives in Human Geography, 4(28), 45-60. (In Persian)

Mahalati, Salahuddin (1380). Income from tourism. Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian)

Majlisi, Mohammad Bagher (1376). Bihar al-Anwar Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian)

Makarem Shirazi, Nasser (2010). Sample interpretation. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian)

McKercher, Bob and Ducross, Hilary (2019). Cultural tourism. Translated by Mahmoud Abdullahzadeh, Tehran: Cultural Research Office.

Meshkini, Ali (1419 AH). Fiqh terms. Qom: Al-Hadi Publishing House. (In Persian)

Mirhosni, Zahra (1391). An analysis of the conceptual model of the combination of national resources in development. Sociocultural Strategy, 21(3), 73-106. (In Persian)

Mohammadi Mikhosh, Aladdin (1391). The role of cultural tourism in the development of relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan. Social and Cultural Strategy, 1(4), 147-176. (In Persian)

Moin, Mohammad (1363). Moein dictionary. Tehran: Amir Kabir Publishing House. (In Persian)

Muzaffar, Mohammad Reza (1423 AH). Usul al-Fiqh Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. (In Persian)

Najaruzifedan, Ala, Lehre, Samira and Zareen, Bahar (2009). Investigating the possibilities and limitations of tourism development in Islamic countries in the form of planning models and techniques and providing solutions. The 4th International Congress of Geographers of the Islamic World, Zahedan. (In Persian)

Nazimzadeh Qomi, Seyyed Asghar (1387). travel ritual Qom: Bostan Kitab. (In Persian)

Nouri, Hossein bin Mohammad Taghi (1368). Mustardak al-Wasail and Mustabt al-Masal. Qom: Al-Al-Bait Institute of Lahya Al-Tarath. (In Persian)

Payandeh, Abulqasem (1324). Nahj al-Fasaha Tehran: Javidan Publishing Organization. (In Persian)

Qanbarpur, Behnam (1400). The clash of jurisprudence rules and the requirement of self-preservation, with moral standards, in the care and treatment of patients with corona. Ethics and History of Medicine, 14, 27-33. (In Persian)

Qaraati, Mohsen (2013). Interpretation of light. Qom: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. (In Persian)

Qomi Mashhadhi, Mirza Mohammad (1381). Kanz al-Daqaq and Bahr al-Gharaib. Qom: Dar al-Ghadir. (In Persian)
Qutb al-Din Ravandi, Saeed bin Hibatullah (1407 AH). Al-Dawaat / Salawa Al-Hazin. Qom: Publications of Imam Mahdi AJ School. (In Persian)
Sadr, Muhammad Baqir (1417 AH). Researches in the science of Usul, the reports of Mahmoud Hashemi Shahroudi, Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them. (In Persian)
Safaeipour, M., & Damanbagh, S. (2017). Exploring the Development of Halal Tourism in Iran. Heritage and Tourism, 2(6), 71-97. (In Persian)
Science Tourism (2022). Definition of scientific tourism. (In Persian)
Shamshiri, Babak and Marzooqi, Rahmat Elah and Mohrhar, Masoumeh and Mohammadpour, Salah (1401). Travel and its works, a neglected teaching in the Islamic way of life (emphasis on the verses of the Qur'an and the hadiths of the Arbaa and Sahih books). Health-Oriented Islamic Lifestyle, 6 (4), 67-76. (In Persian)
Tabarsi, Fazl (1338). Al-Bayan Al-Uloom Al-Qur'an Assembly. Tehran: School of Science. (In Persian)
Tabatabai, Mohammad Hossein (1375 AH). Tafsir al-Mizan. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian)
Tarihi, Fakhreddin (1375). Majmaal-Bahreen and Teherir-e-Nireen. Tehran: Mortazavi. (In Persian)
Toshni, Saba (1401). An overview of the effective factors in the growth of health tourism and its development strategies. The first national conference on health tourism, nature tourism and nature therapy, Beski, Golestan, Kavos Dome. (In Persian)
World Tourism Organization. (1991). Tourism: An economic and social phenomenon. UNWTO.
World Tourism Organization. (1995). Sustainable development of tourism. UNWTO.

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۹۷۷-۱۰۱۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰
مقاله پژوهشی

خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام؛ از علت‌شناسی تا شناسایی راهبردهای کنترلی[1]

بهار حمزه‌زاده
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرمشناسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).
hamzezadebahar@yahoo.com 0009-0006-7679-8030
اسماعیل هادی‌تبار
دانشیار گروه حقوق دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
e.haditabar@umz.ac.ir 0000-0003-3351-2793

چکیده

خشونت‌ورزی نوجوانان در شبکه اجتماعی اینستاگرام در حال فراگیر شدن است. ابراز خشونت نوجوانان در اینستاگرام اغلب در قالب پخش زنده است. تحقیق حاضر، با روش گردآوری داده‌ها به شیوه مشاهده مشارکتی و اسنادی، علت‌شناسی خشونت فراگیر نوجوانان در فضای اینستاگرام و یافتن برخی راهبردهای کنترل خشونت را در دستور کار قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد خشونت‌ورزی نوجوانان در سه مدل متفاوت «خشونت کارناوالی»، «خشونت تصنعی» و «خشونت اعتراضی» صورت می‌گیرد. هریک از این مدل‌های خشونت به ترتیب با انگیزه‌های «سرگرمی و تخلیه هیجان»، «دیده‌شدن و جذب مخاطب» و «اعلام نارضایتی» صورت می‌گیرند و معلول عوامل خاص خود هستند. برای کنترل خشونت اینستاگرامی نوجوانان و کنترل آن به‌طور مشخص «تغییر بافت اجتماعی اینستاگرام با مسدودیت‌زدایی»، «توسل به سیاست‌های کاهش آسیب» و درعین‌حال «افزایش حتمیت و فوریت پیگردهای قضایی ـ ترمیمی» سه راهبرد پیشنهادی این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: خشونت‌ورزی، نسل شبکه، فرصت نابرابر، نوجوانان، کاهش آسیب، عدالت ترمیمی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی
doi 10.22034/scs.2024.435063.1533

CC BY OPEN ACCESS
مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول با عنوان «رفتارهای خشونت‌بار کودکان و نوجوانان در مدارس، از تحلیل جرم‌شناختی تا ارزیابی برنامه‌های پیشگیرانه» در دانشگاه مازندران است.

مقدمه و بیان مسئله

اغلب نوجوانانی که در آغاز هزاره سوم و در دوران شکوفایی فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد شخصیت و جامعه‌پذیری را در فضای مجازی تجربه نموده‌اند؛ تحت تأثیر اجتماعی شدن مجازی و زیست سایبری خود، به ارزش‌ها و هنجارهای قانونی ـ اجتماعی کم‌توجه هستند (امیریان و کشوری، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۶). تفاوت این نسل با نسل‌های قبل در خلقیات، رفتارها و سبک زندگی مورد اذعان پژوهشگران مختلف داخلی و خارجی است (Merriman, 2015, p. 1؛ حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸، ص. ۴۲). این تفاوت در زیست و سبک زندگی به‌حدی است که در ادبیات دانش جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی عناوین خاصی نظیر نسل اینترنت[1]، بومی‌های شبکه اینترنت[2] یا بومی‌های دیجیتال[3] برای تمایز این نسل از نسل‌های پیشین وضع شده است (Perensky, 2001, p. 1). یکی از اوصاف رفتاری نسل اینترنت، توسل عمومی، مستمر و مکرر به «خشونت»[4] است که به‌گونه‌ای نگران‌کننده در میان آن‌ها به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال گسترش است. موضوعی که هم در برخی پژوهش‌ها ثابت شده است (طالعی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۴۱) و هم رصد شبکه‌های اجتماعی آن را تأیید می‌کند. در میان شبکه‌های اجتماعی مجازی، اینستاگرام[5] به‌عنوان یک شبکه تصویرمحور بیش از دیگر شبکه‌ها مورد استقبال نوجوانان قرار گرفته است و ابزار پخش زنده[6] اینستاگرام به رایج‌ترین شیوه برای ابراز خشونت مجازی نوجوانان تبدیل شده است.[7]

برخلاف خشونت نوجوانان در گذشته که در فضای حقیقی بروز می‌یافت و در دو قالب خشونت فیزیکی و خشونت زبانی قابل تقسیم بود که انواع فیزیکی آن بیشتر توسط پسران و علیه پسران و انواع زبانی یا ارتباطی آنکه با هدف تخریب روابط

1. Internet Generation
2. Network Native
3. Digital Natives
4. Violence
5. Instagram

۶. پخش زنده (Live) در اینستاگرام یکی از امکانات فوق‌العاده و کم‌نظیر این شبکه اجتماعی است که به کاربر اجازه می‌دهد که با مخاطبان خود ارتباط زنده برقرار نماید و در لحظه با آن‌ها صحبت کند و احساسات خود را با طیف گسترده‌ای از مخاطبان که در آن زمان در اینستاگرام حضور دارند، در میان بگذارد.

۷. هرچند آمار معتبری در خصوص میزان استفاده نوجوانان ایرانی از اینستاگرام وجود ندارد؛ لکن آمارهای معتبر در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که بیش از ۶۸ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله از اینستاگرام استفاده می‌کنند (مرکز ملی افکارسنجی دانشجویان جهاد دانشگاهی، ۱۴۰۲).

دوستانه، شهرت و محبوبیت بزه‌دیده انجام می‌شود بیشتر توسط دختران و علیه دختران صورت می‌گرفت (فلینت، ۱۳۹۳، ص. ۵۹). امروزه خشونت‌ورزی اینستاگرامی نوجوانان دچار دگردیسی در مفهوم و تعدد در الگوها و مصادیق شده است و هر مدل آن اوصاف خاص خود را دارد. صرف‌نظر از درصدی از خشونت‌های ابراز یافته که معلول عوامل فردی، روان‌پزشکی یا زیستی نظیر اختلال خودنمایی شخصیت است، به‌طورکلی شدت و واگیری خشونت در میان نوجوانان یا به تعبیری بومیان فضای مجازی[1] به‌گونه بی‌سابقه‌ای در حال افزایش است. هرچند در میان نوجوانان ایرانی به‌جهت فرهنگ خاص جامعه ایرانی و جایگاه و کنترل‌گری نهاد خانواده در مقایسه با کشورهای غربی، درجه و گستره خشونت وضعیت مطلوب‌تری دارد؛ لکن نشانه‌های قابل‌توجهی از گسترش خشونت‌ورزی در فضای مجازی قابل مشاهده است. خشونتی که هم از جانب پسران و هم دختران نوجوان در حال وقوع است و برخلاف مدل کلاسیک خشونت، جنسیت نقشی متفاوت در نوع و میزان خشونت ایفا می‌نماید. درهرحال مقابله کارآمد با این وضعیت مستلزم کاربست تدابیر متناسب و متناظر با عوامل آن است. در حقیقت کنترل این وضعیت تا حدود زیادی به سیاست جنایی کارآمد و چندوجهی در مقابله با انحرافات فضای مجازی وابسته است؛ راهبردهای کنشی و واکنشی که متناظر با طیف گسترده علت‌های خشونت‌ورزی نوجوانان موضوع را با تلفیقی از راهبردها و راهکارهای متناسب با علل و عوامل دنبال نماید. این مهم در گذشته در وضعیت حکمرانی بر فضای مجازی ایران کمتر مورد توجه بوده است تا حدی که می‌توان گفت راهبرد روشنی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی نوپدید در قلمرو فارسی‌زبان شبکه‌های اجتماعی وجود نداشته است. لکن این موضوع از سال ۱۴۰۱ با تصویب «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی» مورد اهتمام قرار گرفته است. در بخش اهداف کلان این سند راهبردی در بند ۱۲ بر ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی و در بند ۱۳ بر تحقق زیست‌بوم فضای مجازی سالم، مفید و ایمن، تأکید شده است. در این راستا نوشتار حاضر تلاشی در جهت توسعه ادبیات پژوهشی در این زمینه است.

۱. هدف و پرسش پژوهش

پژوهش حاضر تلاش دارد به‌طور مشخص به علت‌شناسی اجتماعی ـ روان‌شناختی خشونت‌ورزی نوجوانان در شبکه اجتماعی اینستاگرام بپردازد و راهبردهایی را برای

1. Digital Natives

کنترل خشونت مطرح نماید. در این راستا پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- علل و عوامل انواع خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام چیست؟

۲- چه راهبردهایی برای کنترل خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

سابق بر این نوشتار پژوهش‌های متعددی به عوامل مؤثر بر خشونت و متأثر از خشونت کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند؛ به‌طورمثال سهراب‌زاده و سلیمان‌نژاد (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی علل و زمینه‌های خشونت نوجوانان دبیرستانی» به واکاوی عوامل دخیل در خشونت نوجوانان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد خشونت متأثر از ترکیبی از فشارهای اجتماعی، روانی و اقتصادی است و ریشه در متن مناسبات اجتماعی مختلفی دارد. در پژوهش دیگری با عنوان «نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی ـ فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری نوجوانان دختر» طاولی و زندنژاد (۱۴۰۲)، به این نتیجه دست یافتند که رابطه منفی و معناداری بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری در دختران نوجوان وجود دارد. به‌عبارتی با افزایش حمایت خانواده خشونت و قلدری نوجوان کاهش می‌یابد. نقش عوامل دیگر در خشونت‌ورزی نوجوانان از نگاه محققان دور نمانده است و پژوهشگران داخلی و خارجی متعددی مانند محمدزاده و همکاران (۱۳۹۴) یادگیری اجتماعی در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز؛ بابائی و همکاران (۱۳۹۲) نقش گسیختگی و آشفتگی خانواده و توسل به خشونت؛ گلچین و حیدری (۱۳۹۱) همبستگی بین یادگیری اجتماعی در بستر محیط اجتماعی و خشونت رفتاری؛ پارسامهر و همکاران (۱۳۸۹) تعلق به جامعه و نهادهای آن و کاهش خشونت؛ فاضل (۱۳۸۷) پیوند اجتماعی خانواده و کاهش خشونت؛ سهامی (۱۳۸۳) تحقیر نوجوانان و ارتکاب خشونت؛ واندرا و همکاران (۲۰۱۷) پایبندی به قوانین و از بین رفتن خشونت؛ گرشوف و کایلور (۲۰۱۶) خشونت فیزیکی و عاطفی بین نوجوانان؛ پاردینی و همکاران (۲۰۱۵) ارتباط رفتار پرخاشگرانه با کیفیت پایین رابطه والد ـ فرزندی؛ ساویر و همکاران (۲۰۱۵) محیط مدرسه و رفتارهای خشونت آمیز؛ توابیه و الروف (۲۰۱۰) خشونت نوجوانان مدارس و تسری آن به جامعه؛ رایت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶) مهارت‌های ارتباطی و تعدیل خشونت؛ آکرس (۱۹۹۸)، نقش رفتارهای خشونت‌آمیز بر خانواده محله و مدرسه؛ را مورد تمرکز قرار داده‌اند. با این‌همه و علی‌رغم تعدد مطالعات مربوط به خشونت نوجوانان، پژوهش داخلی که

به‌طور خاص به علت‌شناسی خشونت‌ورزی نوجوانان در شبکه اجتماعی اینستاگرام پرداخته باشد، توسط نگارندگان یافت نمی‌شود، مطالعه‌ای که نوجوانان ایرانی را که در اقسام نوین خشونت درگیر شده‌اند را مورد تمرکز قرار دهد.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۱- خشونت کارناوالی: اصطلاح رفتارهای مجرمانه کارناوالی عنوانی است که جرم‌شناسی با نام بکتین برای نخستین‌بار جهت اشاره به بخشی از زندگی پاره‌ای از افراد استفاده کرده است (آقایی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹۸). درواقع رفتارهای کارناوالی[۱] آن آن بخش از زندگی است که در دنیای رسمی و منطقی و نیز به‌وسیله قانون‌گذاران و سیاست‌مداران پذیرفته شده نیست. این قلمرو محیط مناسبی برای تجربه رفتارهای متهورانه، غیرمنطقی و آزادی از نظام‌های ارزشی و هر قیدوبندی است.

۲- خشونت تصنعی: خشونت تصنعی، گونه‌ای خاص از خشونت‌ورزی است که جنبه واقعی ندارد و برای دیده‌شدن صورت می‌گیرد در این نوع از خشونت، شخص در حقیقت خالی از هرگونه خشم و عصبانیت است و ابراز خشم جنبه نمایشی دارد.

۳- خشونت اعتراضی: گونه دیگری از خشونت که برخلاف خشونت تصنعی جنبه واقعی دارد این نوع از خشونت‌ورزی، مقاصد خاصی را دنبال می‌کند و با اهداف اعتراض یا انتقاد نسبت به وضع موجود یا اقدامات دیگران صورت می‌پذیرد. در خشونت اعتراضی، شخص با معیارهای خاص خود دیگر افراد یا موضوعات را به قضاوت می‌گذارد و چون با مطلوب و معیار وی فاصله دارند، با آنها به نحو خشونت‌آمیزی مخالفت می‌شود.

۳-۲. مبانی نظری

در سال ۱۹۹۰ میشل گات فردسون و تراویس هیرشی نظریه‌ای درباره جرم را منتشر کردند؛ با این ادعا که تمامی انواع جرم را می‌توان توسط خودکنترلی پایین همراه با فراهمی فرصت‌ها تبیین نمود. به باور ایشان ارتکاب جرم اغلب مستلزم کام‌روایی ساده و آنی امیال بوده و بهره‌های بلندمدت اندک دارند؛ برانگیزاننده و خطرپذیرند و به مهارت یا طرح‌ریزی اندکی نیاز دارند؛ و اغلب بهره‌های اندکی را

---

۱. شاید وجه‌تسمیه این عنوان آن باشد که در زمان‌های برگزاری کارناوال در بسیاری از جوامع انجام رفتارها و حرکاتی که در حالت عادی در زندگی، اجتماعی غیرمجاز و ممنوع است جواز انجام می‌یابند.

نصیب مجرم می‌گردانند درحالی‌که برای بزه‌دیده درد و رنج به ارمغان می‌آورند (ولد، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۰). این نظریه به‌خوبی قابلیت بهره‌برداری در تحلیل علت‌شناختی خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام را دارد چه آنکه تمام ویژگی‌های مذکور در این بزه موجود است. بر مبنای این نظریه پرورش ناکارای کودک مهم‌ترین نقش را در خودکنترلی پایین دارد و پرورش مناسب و کافی کودک که به خودکنترلی بالا در وی منجر می‌شود، هنگامی رخ می‌دهد که رفتار کودک زیر نظر گرفته‌شده و هرگونه کژروی تشخیص داده شود و تنبیه گردد. در حقیقت واپایش‌های بیرونی بر روی رفتار کودک و درنهایت در فرایندی که تحت عنوانِ اجتماعی شدن توصیف می‌گردد درونی می‌شوند. علاوه‌براین برخی وضعیت‌ها یا ویژگی‌های ساختاری ـ ابزاری اینستاگرام، هیجانات طبیعی را به سمت شدت‌یافتن، خارج شدن از حالت عادی و طبیعی خود و مخاطره‌آمیز شدن سوق می‌دهد. یکی از این وضعیت‌ها، «فردیت‌زدایی» شدید در اینستاگرام است. فردیت‌زدایی نوعی از رهاشدگی است که به علت از دست رفتن هویت فردی هنگام حضور در جمع مشاهده می‌شود. فردیت‌زدایی با کاهش خودآگاهی موجب می‌گردد تا اعضای گروه به پیامدهای منفی عمل خود توجه نکنند، مهارگری شناختی در آنها کاهش یابد، به هنجارهای درونی برای کنترل رفتار خود متوسل نشوند و در نتیجه رفتارهای خشونت‌آمیز برانگیخته‌وار آنان افزایش یابد (دادستان، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۱). مطابق نظریه موسوم به نظریه فردیت‌زدایی افراد پس از وارد شدن به یک گروه و در ضمن عضویت در گروه اندک‌اندک هویت فردی خود را به فراموشی می‌سپارند و هویت فردی و شخصیت ایشان به‌حدی در داخل گروه تحلیل می‌رود که می‌توان از بی‌ارادگی آن‌ها سخن گفت. به‌طور مشخص دو عنصر «گمنامی» و «شمار اعضای گروه» درجه فردیت‌زدایی را تعیین می‌کند.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر تلاش نموده است به تحلیل علت‌شناسی خشونت‌ورزی نوجوانان بپردازد. روش انتخابی در این پژوهش قوم‌شناسی لحظه‌ای است. قوم‌شناسی لحظه‌ای یعنی درگیری عمیق محقق در لحظات کوتاه جرم با عضویت یا همراهی با برخی افراد یا گروه‌های معارض قانون. این روش را می‌توان گونه‌ای از قوم‌نگاری مجازی به‌حساب آورد که محقق با افراد مورد مطالعه در لحظات ارتکاب بزه یا رفتار ناهنجار به‌صورت مجازی همراهی می‌نماید. در این روش از رهگذر توجه دقیق به

سبک زندگی روزمره افراد تحت مطالعه، زمینه‌ای فراهم می‌آید که از طریق آن ویژگی‌ها و احساسات لحظه‌ای در وجود اجراکننده رفتارها و بطن نمایش جرم و تخلف به دیگران نمایش داده شود (آقایی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۹). ابزار گردآوری داده‌ها علاوه‌بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مشارکتی در شبکه اجتماعی اینستاگرام بوده است. به این‌ترتیب که در بازه زمانی آذر و دی ماه ۱۴۰۲ با جست وجوی کلیدواژه محاوره‌ای (#لایو_بی_اعصاب) ۲۸۹ پخش زنده آمیخته با خشونت که اجرا و ذخیره شده بود، یافت شد که بیشتر این تعداد به دلایلی همچون سن و محتوا و... مرتبط با موضوع نبود. در این میان ۵۷ مورد مرتبط با موضوع تشخیص داده شد و مربوط به نوجوانان با بازه سنی حدود ۱۴ تا ۱۸ ساله بود. با بررسی تمام ۵۷ پخش زنده مرتبط با موضوع و عدم یافت داده‌های جدید، اشباع نظری حاصل شد و به‌جهت تشابه بسیاری از مصادیق با یکدیگر، با این پیش‌فرض که احتمالاً میان خشونت‌ورزی پسران و دختران تفاوت وجود دارد، ۱۸ مورد از پخش زنده‌های پسران و ۱۸ مورد از پخش زنده‌های دختران به‌صورت تصادفی انتخاب و مورد رصد و تحلیل تماتیک قرار گرفت.

۵. یافته‌ها

در گذشته عموماً خشونت نوجوانان، پرخاشگری یا خشم فراتر از حدی در نظر گرفته می‌شد که نوجوان نتواند برانگیختگی خود را مهار کند[۱] و کمتر نویسندگانی مانند ولفگانگ[۲] و فراکوتی[۳] (۱۹۶۷) کنش خشونت نوجوانان را شیوه‌ای برای دستیابی به منزلت در خرده‌فرهنگ‌ها در نظر می‌گرفتند (Wolfgang & Fracucuti, 1967). لکن امروزه با ظهور و رواج فضای مجازی و به‌ویژه شبکه اجتماعی اینستاگرام، خشونت‌ورزی نوجوانان دچار یک دگردیسی مفهومی شده است و برخلاف خشونت در معنای رایج گذشته که غالباً، احساسی ناخواسته و نمود بیرونی خشم و عصبانیت بود، امروزه بر گستره مصادیق خشونت‌ورزی افزوده شده و صرفاً برخی از خشونت‌ها، برای اعلام نارضایتی و مخالفت است. در موارد بسیاری، خشونت نوجوانان از پیش برنامه‌ریزی شده و با هدف سرگرمی و تخلیه هیجان است، در مواردی نیز خشونت به قصد دیده‌شدن، خودنمایی و افزایش دنبال‌کنندگان است. به

۱. این مدل مفهومی خشونت که خط اصلی پژوهش‌ها در زمینه رابطه شخصیت با خشونت را ترسیم نموده توسط مگارگی (۱۹۸۲) مطرح شده است.

2. Wolfgang
3. Fracucuti

این‌ترتیب رایج‌ترین مدل‌های خشونت‌ورزی نوجوانان را می‌توان در سه مدل «خشونت کارناوالی»، «خشونت تصنعی» و «خشونت اعتراضی» متمایز ساخت. مبنای این تمایز، در درجه اول انگیزه مجری خشونت است که بر شیوه، نوع و درجه خشونت و بازخورد دیگران نیز تأثیر می‌گذارد.

۵-۱. خشونت کارناوالی

در بسیاری از موارد خشونت‌ورزی نوجوانان در بستر اینستاگرام ماهیتاً از سنخ خشونت کارناوالی است و نوجوانان مرتکب خشونت جهت تخلیه هیجانات لحظه‌ای و ترشح آدرنالین به خشونت‌ورزی متوسل می‌شوند. در این مدل غالباً خشونت‌ورزی به‌صورت گروهی انجام می‌شود. به این صورت که یا پخش زنده جمعی است و یا افراد مختلف در یک پخش زنده حضور دارند، خشونت‌ورزان و بزه‌دیدگان خشونت با یکدیگر آشنایی قبلی دارند. مخاطب خشونت، فردی معین و اغلب هم‌سال و هم‌بازی با مرتکب یا مرتکبان است که یا با تصمیم جمعی و یا به‌صورت نوبتی و یا به شیوه تصادفی و شانس انتخاب می‌شود. گاه این مدل خشونت در قالب دوربین مخفی انجام می‌شود و موجب خشم طرف مقابل یا خنده وی می‌گردد. سطح خشونت نسبتاً شدید است و در مواردی که افراد جمعاً در یک مکان هستند ممکن است به کتک کاری تحقیرآمیز[۱] نیز بیانجامد.

۱. کتک‌کاری تحقیرآمیز (Happy Slapping) شامل فیلم گرفتن از حمله فیزیکی به بزه‌دیده و انتشار متعاقب آن برای تحقیر عمومی بزه‌دیده می‌باشد (Chan & et al., 2012, p. 44).



تصویر (۱): نمونه‌ای از خشونت کارناوالی



شکل (۱): مدل‌واره خشونت کارناوالی

در میان ۱۸ پخش زنده خشونت‌آمیز پسران، ۱۱ مورد قابل جای‌گذاری در این مدل بود و در میان ۱۸ پخش زنده دختران، صرفاً ۲ مورد ماهیتاً از این مدل قلمداد می‌شود.

جدول (۱): فراوانی خشونت کارناوالی بر مبنای جنسیت

جنسیت	درصد
پسران	۶۱
دختران	۱۱

۵-۲. خشونت تصنعی

در سال‌های اخیر «دیده شدن» به‌واسطه شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش‌ازپیش امکان یافته است. در میان شبکه‌های اجتماعی مختلف اینستاگرام به‌عنوان یک شبکه مبتنی بر تصویر بیش از دیگر شبکه‌های اجتماعی «امکان دیده‌شدن» را فراهم نموده است. الگوریتم خاص این شبکه به‌گونه‌ای است که موضوعات عامه‌پسند[1] که کاربران بیشتری با آن تعامل اعم از پسند[2]، اظهارنظر[3] و... برقرار نموده‌اند، به‌صورت تصاعدی انتشار می‌یابد و بیش از دیگر محتواها امکان دیده‌شدن و جذب مخاطبان را به همراه دارد. نوجوانان پُرشماری با درک تجربی این الگوریتم تمام تلاش خود را برای جذب مخاطبان و دنبال‌کنندگان بیشتر به‌کار بسته‌اند و با ابراز خشونت و محتوای خشونت‌آمیز، سعی در دیده‌شدن و جذب مخاطبان و افزایش شمار دنبال‌کنندگان دارند. انگیزه‌های این مدل از خشونت‌ورزی گاه جنبه اقتصادی و گاه ماهیت روان‌شناختی دارد. درواقع برخی از نوجوانان با خشونت به جلب نظر مخاطب برای افزایش دنبال‌کنندگان خود می‌پردازند تا بتوانند صفحه شخصی خود را از حیث تعداد دنبال‌کنندگان آماده یک فعالیت اقتصادی یا تبلیغات یک محصول نمایند. برخی دیگر خواهان توجه مخاطبان به‌خودی‌خود هستند و به نظر می‌رسد چندان افزایش تعداد دنبال‌کنندگان برای اهدف اقتصادی را در نظر ندارند.[4] این مدل از خشونت‌ورزی اغلب به‌صورت انفرادی صورت می‌گیرد و شخص حتی مخاطب دیگری که به‌صورت هم‌زمان و تعاملی پخش زنده را پیش ببرند، ندارد. مخاطبان چنین پخش زنده‌ای غالباً افراد ناشناسی هستند که صفحه شخص را به‌صورت اتفاقی

1. popular topics
2. like
3. comment

۴. البته باید توجه داشت که تفکیک این دو دسته زمانی که شمار دنبال‌کنندگان بالا رفته است چندان ساده نیست چون غالب صفحه‌های اینستاگرامی پربازدید به‌سرعت صبغه اقتصادی می‌گیرند.

دنبال می‌کنند و برخلاف مدل قبلی اغلب ارتباط و آشـنایی غیرمجـازی بـین ایشـان وجود ندارد. سطح خشونت‌ورزی در این مدل خاص، پایین است و به‌خوبی جنبه‌های تصنعی یا نمایشی بودن آن هویداست.



تصویر (۲): نمونه‌ای از خشونت تصنعی



شکل (۲): مدل‌واره خشونت تصنعی

بر خلاف مدل قبلی در این مدل تعداد دختران به‌مراتب بیشتر از تعداد پسران است. به‌گونه‌ای‌که در میان ۱۸ پخش زنده خشونت‌آمیز پسران تنها ۳ مورد از این نوع به‌حساب می‌آید در مقابل در میان ۱۸ پخش زنده دختران ۱۳ مورد در این مدل جای می‌گیرد.

جدول (۲): فراوانی خشونت تصنعی بر مبنای جنسیت

جنسیت	درصد
پسران	۱۶
دختران	۷۲

در این مدل خاص از خشونت تعامل دیگر کاربران با نوجوان موضوعی در خور توجه است؛ زیرا با ارزیابی بازخوردهای دیگران می‌توان میزان احساس رضایت نوجوان در جلب‌نظر دیگران را ارزیابی نمود؛ موضوعی که به‌شدت بر استمرار خشونت نوجوان به‌شدت مؤثر است. تفاوت‌های قابل‌توجهی در این نوع از

خشونت‌ورزی از جهت تعامل دیگر کاربران بین دختران و پسران وجود دارد. مشاهده‌ها و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که اغلب اظهارنظرهای دیگر کاربران برای خشونت‌ورزی تصنعی دختران، جنبه تحریکی و تشویقی دارد؛ و اغلب با عباراتی کوتاه نظیر «*دقیقاً، درستشم همینه، خوب کردی و...*» یا با تصاویر گل و علامت‌های مثبت مورد تأیید و پسند قرار می‌گیرد. لکن اظهارنظرها نسبت به خشونت‌ورزی پسران بیشتر با سرزنش یا خشونت متقابل همراه است. این به آن معنا نیست که خشونت‌ورزی پسران مورد تشویق قرار نمی‌گیرد بلکه به‌طور میانگین از مجموع بازدیدهایی که پخش زنده خشونت پسران داشته است، ۱۶ درصد با تشویق و بازخوردهای مثبت همراه بوده است. ۵۱ درصد بازدیدکنندگان هیچ تعاملی با محتوای خشونت‌آمیز نداشته‌اند و ۳۳ درصد کاربران نیز بازخوردهای منفی نسبت به این خشونت‌ورزی داشته‌اند. درحالی‌که بازدیدهایی که از محتوای خشونت‌آمیز دختران به عمل آمده است، به‌طور میانگین ۵۵ درصد با تشویق و بازخوردهای مثبت همراه بوده است. ۳۲ درصد بازدیدکنندگان هیچ تعاملی با محتوای خشونت‌آمیز نداشته‌اند و تنها ۱۳ درصد کاربران نیز بازخوردهای منفی نسبت به این خشونت‌ورزی داشته‌اند.

جدول (۳): تعامل کاربران با خشونت‌ورزی پسران

	بازخوردهای مثبت	بی‌واکنش	بازخوردهای منفی
پخش زنده خشونت‌آمیز	۱۶ درصد	۵۱ درصد	۳۳ درصد

جدول (٤): تعامل کاربران با خشونت‌ورزی دختران

	بازخوردهای مثبت	بی‌واکنش	بازخوردهای منفی
پخش زنده خشونت‌آمیز	۵۵ درصد	۳۲ درصد	۱۳ درصد

۵-۳. خشونت اعتراضی

اینستاگرام به‌مثابه یک تریبون در گستره‌ای به اندازه قلمرو جغرافیایی کاربران هم زبان در جهان گسترش یافته است. تریبونی که به دلایل مختلف بیش از آنکه محل گفت‌وگو از تفاهم‌ها و همدلی‌ها باشد، صبغه اعتراضی دارد. درواقع اغلب بیانات این تریبون اعتراضی است هرچند موضوع و مخاطب بسته به قائل اعتراض متفاوت است. در مواردی که معترض یک نوجوان است، اغلب ابراز نارضایتی نسبت به فردی خاص

غالباً از اعضای خانواده است و بعضاً ساختارها، دولت و جامعه موضوع انتقاد و اعتراض است. انگیزه‌های این مدل از خشونت اعتراضی، اغلب عاطفی است و کمتر جنبه تصنعی دارد. به‌صورت انفرادی ابراز می‌شود و مخاطبان و مستمعان این اعتراض ترکیبی از افراد آشنا و غیرآشنا هستند که نوجوان بدون ملاحظه حریم خصوصی خود و خانواده‌اش شروع به درددل با آن‌ها می‌نماید. سطح خشونت‌ورزی پایین و دارای نوسان است به‌گونه‌ای‌که در ابتدای پخش زنده، خشونت بیشتر است و در انتها به‌شدت از خشونت کاسته می‌شود.



تصویر (۳): نمونه‌ای از خشونت اعتراضی



شکل (۳): مدل‌واره خشونت اعتراضی

برخلاف دو مدل قبل که به ترتیب در مدل اول خشونت پسران و در مدل دوم خشونت دختران به نحو معناداری بیشتر بود، در این مدل نسبت خشونت دختران و پسران تقریباً مشابه است و از ۱۸ کاربر پسر، ۴ کاربر و از ۱۸ کاربر دختر، ۳ کاربر به انتقاد و اعتراض پرداختند؛ البته موضوعات مورد اعتراض هر دسته تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد.

جدول (۵): فراوانی خشونت اعتراضی بر مبنای جنسیت

جنسیت	درصد
پسران	۲۳
دختران	۱۷

۶. تحلیل علت‌شناختی مدل‌واره‌ها

انحراف خشونت نوجوانان پدیده‌ای پیچیده و با متغیرهای متعدد است؛ لذا علت‌شناسی تک‌عاملی در خصوص آن ره به مقصود نمی‌برد، به‌ویژه آنکه بستر

ارتکاب این انحراف یعنی شبکه اجتماعی اینستاگرام به‌عنوان پدیده‌ای نوین و پویا بر پیچیدگی‌های مسئله افزوده است؛ بنابراین بایسته است برای تحلیل علت‌شناسی خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام، رهیافت‌ها و آموزه‌های نظریات مختلف به‌صورت تلفیقی به‌کار بسته شود. درعین‌حال جهت تدقیق بیشتر، متناظر با تفاوت‌های انواع مدل‌های خشونت، علت‌شناسی انواع خشونت به‌صورت مجزا مورد بحث قرار گیرد؛ لکن باید توجه داشت که ممکن است برخی علل و عوامل و تبعاً برخی نظریات در چند مدل قابل طرح باشند.

۶-۱. علت‌شناسی خشونت کارناوالی

به‌طورکلی رفتار خشونت کارناوالی، بیش از همه مختص کسانی است که از جامعه طرد شده و یا به حاشیه‌نشینی محکوم شده‌اند؛ یعنی آن‌هایی که با توجه به تفسیری که از ماهیت زندگی خود دارند خود را قربانی و فاقد هرگونه قدرت، امتیاز و جایگاهی در جامعه قلمداد می‌کنند (آقایی، ۱۳۹۷، ص. ۳۰۰). از این رهیافت بر مبنای یک استدلال کل به جزء می‌توان نتیجه گرفت، نوجوانانی که موفقیت و شکوفایی کمتری را در زندگی شخصی تجربه نموده‌اند، بیشتر مستعد انجام خشونت کارناوالی هستند هرچند قطعیت و صحت این موضوع در خصوص خشونت نوجوانان به این‌جهت که مورد بررسی علمی و تجربی مستقل قرار نگرفته است، قابل خدشه است لکن این نتیجه همسو با رهیافت‌های نظریه پسران بزهکار کوهن است که خرده‌فرهنگ بزهکاری پاسخ دسته‌جمعی افرادی است که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی داشته و برای کسب موقعیت اجتماعی بالا و مزایای مادی‌ای که به‌تبع این موقعیت حاصل می‌شود احساس ناتوانی می‌کنند و انتخاب خرده‌فرهنگ بزهکار به‌طور دسته‌جمعی راه‌حلی است برای کسب موقعیت اجتماعی فرد بر اساس معیارهایی که از طرف آنان پذیرفته شد و انجام آن‌ها برایشان امکان‌پذیر است (احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۷۳). نوجوانانی که خود را عاجز از فرصت‌های ابراز خود می‌بینند، ارزش‌های تعیین‌شده و مسلط فرهنگی جامعه را نه رد می‌کنند و نه دگرگون می‌سازند بلکه صرفاً برگونه‌هایی خاص از ارزش‌های زیرزمینی تأکید دارد ارزش‌هایی همچون خطرپذیری، ماجراجویی سرگرمی و تفریح ارزش‌هایی که بخشی از جامعه متعارف را تشکیل می‌دهد اما گاه در عمل به آن‌ها بیش‌ازحد زیاده‌روی می‌شود حاصل آنکه واکنش افراد جوان و نوجوان در پاسخ به محدودبودن امکان دسترسی به فرصت‌ها متوسل شدن به‌گونه‌هایی از هیجان خودساخته است که به

خود آنان اختصاص دارد (وایت و هینز، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۲) و با هدف فرار از واقعیت‌ها و دنیای منطق و استدلال صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که درهرحال قسمتی از علل خشونت کارناوالی را با محدودیت‌های رسمی یا غیررسمی حاکم بر جامعه واقعی ارتباط داد. چه آنکه اگر نوجوانان بتوانند هیجانات نوجوانی را در محیط‌های واقعی بروز دهند، جذابیت و سهم فضای مجازی و به‌طور خاص اینستاگرام برای تخلیه احساسات و هیجانات کاسته می‌گردد. از همین جهت است که گفته شده است فضای مجازی کشورهای بسته، مستعد خشونت‌ورزی بیشتری نسبت به کشورهای آزاد و لیبرال است (Jaishankar, 2008, p. 290). شدت و فزایندگی درجه خشونت اینستاگرامی نوجوانان در خشونت کارناوالی را نیز می‌توان به مجازی بودن ارتباط و سهولت خنثی‌سازی کنترل‌گرهای درونی در روابط مجازی ارتباط داد، چه آنکه در فضای مجازی امکان خنثی‌سازی کنترل‌گرهای درونی نیز در آن بیشتر است و برای ابراز خشم و خشونت تقریباً هیچ مانع خاصی وجود ندارد.



شکل (٤): مؤلفه‌های جرم‌شناختی دخیل در خشونت کارناوالی

۶-۲. علت‌شناسی خشونت تصنعی

نوجوانانی که در تلاش برای ابراز وجود و دیده‌شدن برمی‌آیند اغلب چیزی برای عرضه کالاهایی که بازار رسانه بر آن‌ها تأکید دارد، در اختیار ندارند چه آنکه نوجوانان اغلب فاقد ویژگی‌های اکتسابی خاص نظیر تحصیلات، تخصص، ثروت و...

هستند؛ لذا برای دیده‌شدن عموماً به رفتارهای خلاف عرف، اخلاق و قانون متوسل می‌شوند. یکی از در دسترس‌ترین ابزارهای کودکان و نوجوانان برای دیده‌شدن انجام رفتارهای غیرعادی در قالب خشونت‌ورزی است به‌جهت آنکه عموماً خشونت از یک کودک یا نوجوان مورد انتظار نیست، بیشتر مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد و اغلب بازخوردهای فراوانی به همراه دارد. زمانی که فرد نوجوان خشونت تصنعی را آغاز می‌کند در مواردی که با بازخوردهای مثبت و تشویق دیگران مواجه می‌شود؛ لذا می‌توان واکنش‌های دیگران را یک عامل استمرار خشونت تصنعی به‌حساب آورد (Bandura, 1965, p. 592). آنچه که بر نگرانی‌ها می‌افزاید سرایت بالای این پدیده در میان کودکان و نوجوانان است که بعضاً به‌واسطه درآمدزایی و منفعت اقتصادی حاصل از جذب دنبال‌کنندگان بیشتر، موضوع مورد حمایت و تشویق دیگران و والدین نیز قرار می‌گیرد.

از منظر دیگری می‌توان بر مبنای نظریه «خودکنترلی پایین»، کودک‌پروری ناصحیح را به‌عنوان عامل خشونت تصنعی مطرح نمود. تطبیق رهیافت‌های نظریه خودکنترلی پایین با فرزندپروری رایج خانواده‌ها در مقطع فعلی که بر ارضای حداکثری نیازهای کودک استوار است، نشان می‌دهد که به‌وضوح می‌توان بخشی از علل خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام را به خودکنترلی پایین نوجوانان مربوط ساخت. توضیح آنکه به‌طور عمومی تفاوت قابل‌توجهی که تربیت این نسل با نسل‌های گذشته دارد بیش از آنکه مربوط به تفاوت‌های فردی ـ زیستی باشد معلول نحوه تعامل والدین است که به‌صورت حساب‌نشده‌ای توأم با افراط‌وتفریط است. در دوران کودکی والدین عموماً در مقام ارضای تمام تمایلات و خواهش‌های کودکان برمی‌آیند لکن در دوران نوجوانی افسار تربیت به‌گونه‌ای نامتوازن کنترل می‌شود به‌گونه‌ای که سخت‌گیری‌ها در فضای حقیقی افزایش و در فضای مجازی نوجوان کاملاً به حال خود رها می‌شود؛ بنابراین عجیب نیست که نوجوان رها شده در فضای اینستاگرام که از خودکنترلی پایینی برخوردار است، برای جلب نظر دیگران به هر رفتاری و از جمله خشونت متوسل شود.[۱]

۱. به اعتقاد الیوت و همکارانش هنگامی‌که یک فرد فشارقوی و کنترل ضعیفی را تجربه می‌کند بزهکاری و خشونت در بالاترین حد ممکن قرار می‌گیرد (ولد، ۱۳۹۱، ص. ۴۰۶).



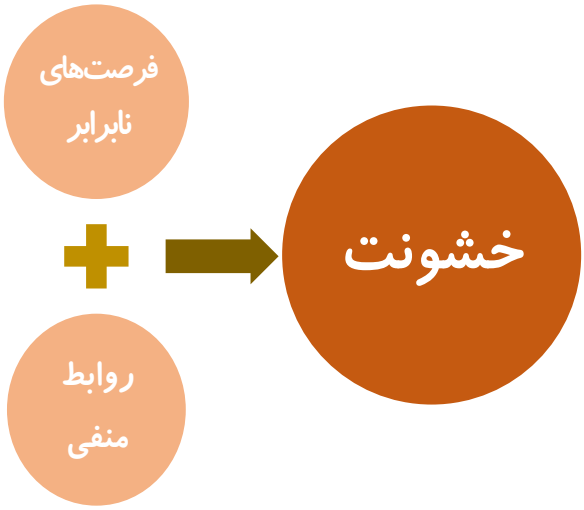
شکل (۵): مؤلفه‌های جرم‌شناختی دخیل در خشونت کارناوالی

۶-۳. علت‌شناسی خشونت اعتراضی

اینستاگرام علاوه‌براینکه با قابلیت‌ها و ابزارهای ویژه و منحصربه‌فردش کاربران یا شهروندان فضای مجازی را شیفته خود کرده است، امکان دسترسی به اطلاعات و جزئیات زندگی دوستان، آشنایان و حتی غریبه‌ها و چهره‌های مشهور را افزایش داده است. این دسترسی امکان بیشتری برای کاربران به‌وجود آورده تا زندگی خود را با دیگران مقایسه کنند. این مقایسه به‌جهت اینکه افراد بهترین لحظات خود را با بیشترین جلوه‌های ویژه از بهترین زاویه منعکس می‌کنند، اغلب شخص را به مأیوس شدن از وضعیت خود دچار می‌سازد. احساس ناکامی و محرومیت برآمده از این مقایسه اجتماعی، ترس از دست دادن و جاماندن را در افراد افزایش می‌دهد؛ و به تشدید احساس فومو می‌انجامد. فومو[1] یا ترس از بقیه جا ماندن[2] یک احساس روانی است که در نتیجه آن فرد خود را در مقایسه با گروه رقیب یا دوستان که در نظر او در حال پیشرفت یا انجام فعالیت‌های جالب و لذت‌بخش هستند، کم‌خاصیت، جامانده و مأیوس از رقابت می‌بیند. یافته‌های حاصل از برخی پژوهش‌های تجربی با قاطعیت نشان داده

1. FOMO
2. Fear of missing out

است عضویت در اینستاگرام با فراهم‌آوردن امکان مقایسه اجتماعی و ایجاد احساس محرومیت، نگرانی و اضطراب ممکن است به ظهور یا گسترش فومو در عموم کاربران قطع‌نظر از سن و سال بیانجامد (مقدس و قاسمی‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۷)؛ زیرا مشاهده و تعقیب پست‌های مثبت از تجربیات خاص مثل موفقیت‌های شغلی، ارتقای تحصیلی، سفرهای تفریحی، گذران اوقات فراغت به شیوه‌های خاص، جشن‌های تولد و امکانات لوکس زندگی خواه‌ناخواه دنبال‌کنندگانی که خود امکان و یا فرصت بهره‌مندی یا تجربه‌ای از این‌دست را ندارند، متأثر و مأیوس می‌سازد. درحقیقت آن‌گونه که آگنیو در نظریه «فشار عمومی» بیان می‌دارد چنین روابط منفی به هیجانات منفی می‌انجامد (Agnew, 1992, p. 57). در خصوص نوجوانان احساس فومو انتقال‌یافته در نتیجه حضور در اینستاگرام بیشتر است چه آنکه نوجوانان شناخت کمتری از واقعیت‌های زندگی دارند و فضای مجازی را فراتر از واقعیت باور دارند؛ لذا این چنین است که در آن‌ها نوعی احساس رنجش، ناکامی و ناراحتی پدید می‌آید که مسبب آن را در درجه اول اطرافیان خود و سپس ساختار اجتماعی و دولت می‌بینند و با ابراز خشونت انتقادی در مقام واکنش به این وضعیت برمی‌آیند.



شکل (٦): مؤلفه‌های جرم‌شناختی دخیل در خشونت کارناوالی

۷. راهبردهای کنترل خشونت نوجوانان در اینستاگرام

خشونت نوجوانان در اینستاگرام به‌سرعت به سمت خارج شدن از کنترل و سرایت به

دیگر همسالان سوق پیدا می‌کند؛ لکن آنچه که درحال‌حاضر فوریت دارد کنترل سرایت و گستره خشونت‌ورزی و استقرار حالت پایدار است. درحقیقت در وضعیت کنونی برای مهار خشونت‌ورزی نوجوانان و ممانعت از گسترش آن لازم است: اولاً، در الگوواره سیاست جنایی مشارکتی، شهروندان جامعه را به مشارکت اجتماعی در مقابله با جرم فراخواند؛ ثانیاً، برمبنای رویکرد «کاهش آسیب» به کنترل صدمات نظر داشت و ثالثاً، با «واکنش‌های فوری و متناسب» به هرج‌ومرج و بی‌هنجاری‌های این شبکه اجتماعی خاتمه داد.

۷-۱. افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان با مسدودیت‌زدایی

پس از مسدودسازی اینستاگرام و دشواری استفاده از این شبکه اجتماعی هرچند از شمار کاربران چندان کاسته نشده است؛ لکن بافت اجتماعی فعال در این شبکه اجتماعی دچار تغییرات معناداری شد، به‌گونه‌ای‌که از شمار کاربران بزرگ‌سال و افرادی که پایبندی بیشتری به مقررات یا ارزش‌های اجتماعی دارند، کاسته شد. شاهد سخن آنکه در سال ۱۴۰۰ بیش از ۲۷ درصد افراد بالای ۵۰ سال در این شبکه اجتماعی فعالیت داشتند؛ لکن در سال ۱۴۰۲ این آمار به ۱۷ درصد کاهش یافته است (مرکز ملی افکارسنجی دانشجویان، ۱۴۰۲). با این تغییر در بافت اجتماعی، نوع محتواهای بارگذاری شده و نوع استفاده از این شبکه نیز متفاوت شده است. پیش از مسدودسازی محتواها و پخش زنده‌های آموزشی، مباحثات سیاسی ـ اجتماعی و موارد مشابه دیگر سهم قابل‌توجهی از محتوای این شبکه داشت پس از مسدودسازی، اینستاگرام به طرز قابل‌ملاحظه‌ای به فرهنگ توده‌ای و عامه‌پسند نزدیک شده است و هرزه‌نگاری، برهنگی، نفرت‌پراکنی و خشونت جایگزین موضوعات پیشین شد. هرچند به لحاظ پلتفرمی شبکه‌های اجتماعی جهانی و خارج از اراده حاکمیت ایران است؛ لکن به آن‌جهت که عموم تعاملات ایرانیان در قلمرو فارسی زبان این شبکه‌ها است؛ لذا سیاست‌گذاری‌های متصدیان فضای مجازی ایران در این‌خصوص مؤثر است و با قاطعیت می‌توان گفت که مسدودسازی اینستاگرام موجب حذف شهروندان شریف، دینداران و حتی عموم بزرگسان شده است و به‌تبع این موضوع قلمرو فارسی‌زبان اینستاگرام علی‌رغم غنای فرهنگی جامعه ایران اسلامی نسبت به دیگر کشورها که مسدودسازی ندارند، به‌مراتب مسموم‌تر و ضد اخلاق‌تر است؛ به‌عنوان‌نمونه یک مطالعه تجربی که بر موضوع تنوع جوک‌های فارسی قبل و بعد از مسدودسازی تمرکز نموده است، نشان می‌دهد مسدودسازی باعث بیان بیشتر جوک‌های سیاه به‌خصوص در مقوله جنسیتی و کاهش جوک‌های سفید با هدف

خنده صرف شده است (طالبی میرزایی و مهدوی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱۳)؛ لذا همان طورکه دیگر پژوهشگران نیز بیان داشته‌اند باید اذعان نمود مسدودسازی به‌عنوان یک ابزار اجتماعی اثربخش برای جلوگیری از حریم‌شکنی‌های فضای سایبر عمل نخواهد کرد (معراجی اسکوئی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۲۴۰؛ حاجی ده‌آبادی؛ سلیمی و دهقانی، ۱۴۰۱)، بلکه برعکس با مسدودیت‌زدایی می‌توان ضمن جلب مشارکت فرهنگی کاربران بزرگ‌سال یا والدین، صیانت هرچه بیشتر از فضای سایبر را با به جریان انداختن مشارکت عمومی از طریق نهی از منکر تأمین نمود. چه آنکه وقتی پدر و مادر نوجوان در فضای اینستاگرام حضور داشته باشند، علاوه‌براینکه نوجوان کمتر اقدامات هنجارشکنانه انجام می‌دهد در فرض انجام چنین اقداماتی، والدین نیز سریع‌تر متوجه موضوع شده و آن را کنترل می‌کنند. همچنین وقتی افراد پایبند به دیانت و شریف در این فضا بیشتر باشند محتوای جذاب سالم بیشتر تولید و پسند[1] می‌شود و به این‌ترتیب بازدید محتواهای سالم بالا رفته و بازدید محتوای ناسالم کمتر می‌شود. این در حالی است که با سیاست فعلی مسدودسازی می‌توان اذعان داشت که اغلب این افراد از اینستاگرام خارج شده‌اند.

باید توجه داشت که مسدودسازی‌زدایی لازم؛ لکن ناکافی است و علاوه‌برآن باید بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی کاربران در فضای مجازی را کاست. یکی از دلایل عدم اقدام شهروندان در مقابله با رفتارهای خشونت‌آمیزی که در فضای مجازی مشاهده می‌نمایند ناشی از کثرت ناظران است. مطابق با نظریه‌مداخله ناظران[2] اگر ناظر خشونت تنها باشد احتمال مداخله وی برای توقف خشونت بالا می‌رود ولی اگر چند نفر با هم ناظر وقوع خشونت باشند، احتمال مداخله پایین خواهد آمد. به دیگر سخن پُرشماری ناظران سبب می‌شود تا احساس مسئولیت در میان ایشان تقسیم شود (مریسان، ۱۳۹۳، ص. ۸۰). در فضای مجازی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی که شمار متعددی از افراد حضور دارند این وضعیت به‌مراتب بیشتر محقق است؛ لذا ضروری است با تفهیم اهمیت مشارکت فرهنگی شهروندان در فضای اینستاگرام که امروزه زیستگاه اول کودکان و نوجوانان شده است، مشارکت اجتماعی مؤثر ایشان به جریان افتد. چه آنکه با تغییر بافت اجتماعی اینستاگرام و افزایش مشارکت اجتماعی کاربران به‌سادگی می‌توان از ابزارهای موجود در این شبکه برای کنترل خشونت‌ورزی استفاده نمود.[3]

1. Like
2. The intervention of observers
۳. یکی از این امکانات ابزارهای محدود کردن «Restrict» یا مسدود کردن «block» با گزارش مرتکبان خشونت توسط دیگر کاربران است.

۷-۲. کاربست سیاست‌های کاهش آسیب

کاهش آسیب[1] یکی از راهکارهای مراقبت از سلامت عمومی است و به سیاست‌ها و برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که هدف اولیه آن‌ها کاهش آثار، عواقب و عوارض انحراف یا بزه‌کاری است. در حقیقت کاهش آسیب سیاستی است که جایگزین نوینی برای جلوگیری از آسیب‌های بالقوه در رفتارهای پُرخطر افراد جامعه است (رحیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۸۸). رویکردکاهش آسیب مبتنی بر مبانی واقع‌گرایی است و در مواجهه با مسائل اجتماعی این واقعیت را می‌پذیرد که دفع یا کنترل کامل انحراف یا بزهکاری ممکن نیست؛ لذا با تمرکز بر اقداماتی که صدمات ناشی از بزهکاری را کمتر می‌کند درصدد مهار عواقب منفی انحرافات یا جرایم است. این رویکرد، آسیب‌ها را از دو جنبه بررسی می‌کند آسیب‌هایی که از اقدام فرد به خودش وارد می‌شود و آسیب هایی که فرد با رفتار انحرافی یا جرم خود به جامعه وارد می‌کند. هرچند سیاست‌های کاهش آسیب، بیشتر برای جرایم مواد مخدر[2] مطرح می‌شود (رحیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۶۵۲). لکن هیچ مانعی وجود ندارد تا از این تدابیر برای کنترل دیگر انحرافات مانند خشونت نوجوانان در فضای سایبر استفاده شود. با عنایت به علل خشونت‌ورزی نوجوانان یکی از تدابیر کاهش آسیب قابل طرح، پذیرفتن مکان‌هایی برای تخلیه هیجان و ابراز «خشونت کنترل‌شده»[3] نوجوانان است؛ به‌عنوان‌نمونه حضور در ورزشگاه‌ها که ممکن است آسیب‌ها و بدآموزی‌های احتمالی متعددی برای نوجوانان به همراه داشته باشد بدان جهت که کنترل‌پذیری بیشتری نسبت به فضای رهای اینستاگرام دارد، گزینه مناسبی در راستای سیاست‌های کاهش آسیب است. چه آنکه در صورتی که نوجوان شرایط حضور و تخلیه هیجان و خشم خود را در مکان‌هایی نظیر ورزشگاه‌ها مساعد ببینند، از خشونت‌های کارناوالی خود در فضای اینستاگرام می‌کاهد. فراتر از این تسهیل صدور مجوز و اجازه دسترسی کم‌هزینه به آن دسته از بازی‌های غیربرخط ویدئویی که خشونت محدود دارد می‌تواند گزینه مناسبی برای کاهش آسیب‌های خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام باشد. چراکه: اولاً، سطح خشونت و تعاملات نوجوانان را در قالب چنین بازی‌هایی بهتر و بیشتر می‌توان کنترل و مهار نمود؛ ثانیاً، آسیب‌های بازی‌های خشن ویدئویی درهرحال فقط متوجه بازیکن

1. Damage reduction

۲. به‌عنوان نمونه دولت‌ها برای مصرف امن مواد مخدر مکان‌ها و مواد استریل را در اختیار معتادان قرار می‌دهند تا عوارض فردی مصرف مواد مخدر (بیماری‌های هپاتیت و ایدز) و آثار نامطلوب اجتماعی ناشی از آن (هنجارشکنی و تحریک دیگران به مصرف) کنترل شود.

3. Controlled violence

می‌شود و با این تدبیر از آسیب‌های اجتماعی ناشی از خشونت اجتناب می‌شود.

باید توجه داشت که کاربست سیاست کاهش آسیب در خصوص این موضوع به‌جهت حساسیت آن، خالی از مخالفت نخواهد بود و یکی از مهم‌ترین دلیل عدم تمایل سیاست‌گذاران در جامعه ایران به اتخاذ رویکردهایی همچون «سیاست کاهش آسیب» که از حیث عقلانی قابل توجیه و مبتنی بر هزینه ـ فایده منطقی موانع شرعی است. لیکن در تقابل میان رویکرد سنتی (با هدف تنبیه و درمان) و سیاست کاهش آسیب (با هدف ارتقاء بهداشت فردی و اجتماعی) مباحث اصولی «ضدّ»، «اجتماع امر و نهی» و «تزاحم» در توجیه سیاست کاهش آسیب قابل طرح است و تبیین مطالب اصولی نشان می‌دهد که مباحث «تزاحم» و «اجتماع امر و نهی» در غالب موارد حکم به ترجیح سیاست کاهش آسیب بر رویکرد سنتی می‌دهد (رحیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۱)؛ لذا توسعه چنین سیاست‌هایی در خصوص موضوع خشونت با مانع فقهی و اصولی خاصی مواجه نیست.

۳-۷. حتمیت و فوریت واکنش قضایی ـ ترمیمی

خشونت‌ورزی نوجوانان در برخی از مدل‌های رایج خود مانند خشونت تصنعی با معیارهای «عقلانیت هدف ـ وسیله‌ای»[1] یا «عقلانیت ابزاری»[2] منطبق است و بسیاری از نوجوانان در توسل به خشونت عقلانی عمل می‌کنند و خشونت‌ورزی آن‌ها را می‌توان به‌عنوان یک رفتار عقلانی مورد تحلیل قرار داد (طالعی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۴۵). در این معنا نوجوان کارآمدترین ابزار را برای رسیدن به هدفی که دارد برگزیده است. ابزاری که به بهترین صورت ممکن، ترجیحات و منافع وی را محقق می‌سازد و درعین‌حال کمترین هزینه را برای وی دربردارد. باید توجه داشت که یک روی این انتخابِ عقلانی توجه به هزینه‌های احتمالی است. در وضعیت فعلی که عملاً به جهات فنی و تعدّد مصادیق و محتوای مجرمانه توجه خاصی به خشونت ورزی نوجوانان در اینستاگرام صورت نمی‌گیرد و اغلب واکنش خاصی متوجه این نوجوانان نمی‌شود، هزینه‌های خشونت‌ورزی در ارزیابی نوجوان بسیار پایین در نظر گرفته می‌شود؛ لذا علاوه‌بر خشونت‌ورزی‌هایی که توسط «نوجوانان بی‌تفاوت به خطر»[3] و «نوجوانان خطرپذیر»[4] صورت می‌گیرد «نوجوانان خطر گریز»[5] نیز چون

1. Means-End Rationality
2. Instrumental Rationality
3. Risk Neutral teenagers
4. Risk Lover teenagers
5. Risk Averter teenagers

برای خشونت‌ورزی، عاقبت ناخوشی را تخمین نمی‌زنند، با خیالی آسوده به خشونت اینستاگرامی می‌پردازند. با این مبنا؛ برای مهار اپیدمی خشونت نوجوانان در اینستاگرام درهم‌شکستن این محاسبه نوجوانان با افزایش حتمیت و فوریت واکنش به خشونت ضروری است. در این میان مسئله اصلی اصل واکنش فوری به موضوع است و نوع واکنش در درجه دوم اهمیت قرار دارد که می‌تواند از سنخ تدابیر ترمیمی نظیر میانجی‌گیری، نشست‌های خانوادگی یا ابتکارهای دیگری نظیر آموزشگاه‌های جایگزین[1] باشد. همچنین ممکن است تدابیر واکنشی از سنخ تدابیر قضایی مانند اقدامات تربیتی یا مجازات‌های نقصان یافته باشد که با توجه به رویکرد مناسب قانون‌گذار به بزهکاری اطفال و نوجوانان و نهادهای ارفاقی متناسب نباید با نگرانی از اقدامات قضایی، بی‌واکنشی در خصوص خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام را ادامه داد. چه آنکه: اولاً، واکنش‌های موجود در نظم کنونی قوانین کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان مطلوب و مناسب است و نباید این واکنش‌ها را سخت‌گیرانه تلقی نمود؛ ثانیاً، هزینه‌های عدم واکنش نسبت به نوجوانان بزهکار و سایر نوجوانان متأثر از این وضعیت بسیار بالاست. درحقیقت نمی‌توان از آثار منفی انفعال در این خصوص غفلت ورزید؛ لذا در کنار تدابیر فوق‌الذکر، وجود تدابیر قضایی نیز در منظومه مقابله با گسترش خشونت‌ورزی نوجوانان ضروری است.

نتیجه‌گیری

نوجوانان به‌گونه‌ای بی‌سابقه در معرض انحراف از اخلاق و قانون قرار گرفته‌اند. یکی از رفتارهای رایج آن‌ها در فضای مجازی و به‌ویژه اینستاگرام توسل به خشونت است.

---

۱. بهره‌برداری از «آموزشگاه‌های جایگزین» برای دانش‌آموزان نابه‌هنجار تدبیری است که در برخی کشورها دنبال می‌شود. این آموزشگاه‌ها به عنوان یک اقدام تربیتی می‌توان در قالب پیشگیری ثالث با تمرکز بر دانش‌آموزان دارای پیشینه خشونت آموزش‌ها لازم و اختصاصی را با قوت بیشتری به‌کار بست. این آموزشگاه‌ها درواقع گونه‌ای از برنامه پیشگیری از جرم آموزشگاه‌محور هستند که بر پایه آن دانش‌آموزان نابه‌هنجار از آموزشگاه‌های معمولی جدا شد و در آموزشگاه‌های کوچک‌تری مشغول به تحصیل می‌شوند که امکان حمایت بیشتر از ایشان وجود داشته باشد هرچند مدل استاندارد واحدی از آموزشگاه‌های جایگزین برای کودکان بزهکار وجود ندارد ولی باور عمومی بر آنست که این آموزشگاه‌ها بتوانند فضای آموزشی مثبت‌تری به نسبت آموزشگاه‌های معمولی برای این کودکان مهیا کنند آموزشگاه‌های جایگزین در ابتدا برای دانش‌آموزان بسیار موفق و تیزهوش بنا شد؛ لیکن در عمل این رویکرد مورد توجه جرم‌شناسی نیز قرار گرفت. پژوهش‌های مختلفی اثبات نموده‌اند چنین آموزشگاه‌هایی توفیقات نسبی در پیشگیری سطح ثالث داشته‌اند بر پایه تحقیق استیفن کاکس درباره آموزشگاه‌های جایگزین برخی از آموزشگاه‌های جایگزین توانستند به اهدافی مانند بهبود وضعیت تحصیلی تمایل به درس و آموزشگاه و بالا بردن اعتمادبه‌نفس و کاستن از سطح انحراف و خشونت موفق عمل نمایند (Cox & et al., 1995).

ساختار کنترل گریز و محدودیت‌ناپذیر اینستاگرام فرصت خشونت‌ورزی را بیش‌ازپیش تسهیل نموده است. هنگامی‌که گمنامی بی‌نظیر کاربران در اینستاگرام با همراهی جمعیت متراکم نوجوانان در این فضا همراه می‌شود به‌گونه‌ای تصاعدی رفتارهای مخرب و ناهنجار از سوی نوجوانان بروز می‌یابد. گویی ترکیبِ «گمنامی بالا» و «جمعیت متراکم» در فضای اینستاگرام توهمِ رویین‌تن‌پنداری و در اکثریت بودن را به نوجوانان القا می‌کند و آن‌ها را آماده ارتکاب هر نوع خشونت‌ورزی می‌نماید. علاوه‌بر بستر و ساختار خاص اینستاگرام، ابراز خشونت توسط کاربران نوجوان در فضای مجازی معلول عوامل مختلف فردی و اجتماعی است که این عوامل در ترکیب و تعامل با یکدیگر تشدیدیافته و به‌صورت مضاعفی موجبات خشونت‌ورزی نوجوانان را فراهم می‌نماید. خشونت‌ورزی نوجوانان اغلب در سه مدل مختلف «خشونت کارناوالی»، «خشونت تصنعی» و «خشونت اعتراضی» انجام می‌شود. خشونت کارناوالی با انگیزه‌های ماجراجویی و تخلیه هیجان صورت می‌گیرد. این مدل خشونت‌ورزی که بیشتر در میان پسران شایع است اغلب به‌صورت گروهی انجام می‌شود علت اصلی رخداد چنین خشونتی بیش از همه به فقدان فرصت شکوفایی برای این دسته از نوجوانان مربوط می‌شود زمانی که این بی‌فرصتی با محدودیت‌های شدید جامعه برای شادی و نشاط اجتماعی همراه می‌شود، تخلیه هیجان به‌صورت زیرزمینی صورت می‌گیرد و یکی از گزینه‌های در دسترس نوجوان برای خشونت زیرزمینی اینستاگرام خواهد بود. مدل دیگر خشونت‌ورزی، خشونت تصنعی یا نمایشی است که با انگیزه دیده‌شدن صورت می‌گیرد. برخلاف مدل قبل این مدل خشونت، بیشتر در میان دختران شایع است و اغلب به‌صورت انفرادی انجام می‌شود. عوامل مختلفی در وقوع این نوع از خشونت‌ورزی مداخله دارند به‌طور مشخص «خودکنترلی پایین» که اغلب ناشی از تربیت ناصحیح والدین است و «تشویق دیگران» مهم‌ترین عوامل پیدایش این مدل نوین خشونت یعنی خشونت نمایشی یا تصنعی شده است. بی‌تفاوتی خانواده‌ها و تشویق دیگران بر دمیده شدن در شعله‌های این خشونت بسیار مؤثر است؛ زمانی که دیده‌شدن در فضای مجازی منفعت اقتصادی برای نوجوان دارد، رفتارهای ضدارزش نوجوان توسط والدین نادیده گرفته می‌شود ازسوی‌دیگر، عموم کاربران به رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان بازخوردهای مثبتی نشان می‌دهند و این موضوع انگیزه‌های نوجوانانی را که ممکن است در فضای واقعی چندان مورد توجه قرار نگرفته باشند، برای استمرار رفتارهای خشونت‌آمیز دوچندان می‌سازد. در این مدل خشونت‌ورزی دختران بیش از پسران امکان

درگیرشدن در رفتارهای توأم با خشونت را دارند؛ درواقع دختران به هم‌جهت فطری و هم به‌دلیل کم‌توجهی و تبعیض جنسیتی در خانواده بیشتر نیاز به دیده‌شدن دارند و زمانی که اقدامات آن‌ها بازخوردهای مثبت بیشتری را به همراه دارد، میل بیشتری به ادامه رفتارها خواهند داشت. مدل سوم خشونت یعنی خشونت اعتراضی نوجوانان در نتیجه کنترل شدید خشم و نارضایتی فروخورده از جامعه یا خانواده است. این مدل به نحو تقریباً برابری در میان دختران و پسران وفور دارد. مدل خشونت‌ورزی اعتراضی، بیش‌ازهمه معلول روابط و تعاملات اجتماعی منفی نوجوان با خانواده یا جامعه است که به هیجانات و احساسات منفی در درون وی منجر می‌شود و فضای مساعد و در دسترس اینستاگرام راهی برای تسکین این هیجان در نظر گرفته می‌شود. نباید نادیده گرفت که قسمتی از این هیجانات منفی ناشی از احساس فومو یا جاماندن از دیگران است که از پرسه‌زنی طولانی در اینستاگرام و مقایسه وضعیت واقعی نوجوان و وضعیت نمایشی دیگران بر نوجوان عارض می‌شود، قسمت دیگر مربوط به روابط ناصحیح نوجوان با خانواده یا عدم درک وی توسط اعضای خانواده و بخشی هم ناشی از ساختارهای اجتماعی است که به نظر نوجوان ناعادلانه می‌آید.

ازآنجاکه مجموعه‌ای از علل و عوامل در رخداد خشونت اینستاگرامی نوجوانان مؤثر است برای مقابله با گسترش این خشونت و سرایت آن به دیگر نوجوانان کاربست مجموعه مرتبط، مکمل و منظمی از تدابیر یا به تعبیری منظومه‌ای از تدابیر و اقدامات ضروری است؛ بنابراین در منظومه مقابله با گسترش خشونت نوجوانان در اینستاگرام باید در درجه اول بر «فرهنگ‌سازی» در سطوح مختلف تأکید گردد؛ زیرا رفتار افراد اساساً به وسیله ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی انتظام‌یافته راهنمایی می‌شود و خشونت و بزهکاری تصویری از عجز نظام ارزشی، اخلاقی و فرهنگی است. برای خشونت‌ورزانی که به زندگی دوم پای می‌گذارند توسل به هر رفتاری، ولو جرم یا خشونت مجاز می‌شود چه آنکه در این بخش تمامی مفاهیم و ارزش‌های دنیای واقعی به پوچی گراییده و بنیان‌های بایدهای فرهنگی سست‌شده و یا کاملاً از بین رفته است. پس از اهتمام به مقوله فرهنگ بایسته است با رویکردی واقع‌گرایانه با اتخاذ رویکرد مسدودسازی‌زدایی در اینستاگرام، بافت اجتماعی آن را از حالت فعلی خارج و زمینه مداخله و مشارکت فرهنگی کاربران شریف جامعه فراهم شود. چه آنکه موضوعات فرهنگی ـ اجتماعی در درجه اول پاسخ‌های هم‌سنخ و هم‌جنس با خود را می‌طلبند و تدابیر محدودیت‌افزا در فضای مجازی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند راه چاره یا قسمتی از آن باشد. همچنین ضروری است از سیاست‌های

محدودسازی و کنترل‌گرایی افراطی بر نوجوانان در فضای واقعی دست کشید. توضیح آنکه در شرایطی که برخی قوانین رسمی و هنجارهای عرفی، کمتر اجازه بروز و ظهور احساسات، هیجان، شادی و فعالیت پُرنشاط اجتماعی را به کودکان و نوجوانان می‌دهد، کودکان و نوجوانانی که اجازه تخلیه احساس و هیجان خود را در فضای واقعی مسدود می‌بینند به اینستاگرام به‌عنوان یک منطقه آزاد از هنجارها و قوانین محدودکننده، پناه آورده و در این فضا شور و هیجان خود را بروز می‌دهند؛ لذا ضروری است برمبنای «کاهش آسیب» به حداکثر گزینه‌های ممکن برای تخلیه انرژی، هیجان و خشونت‌های طبیعی دوران نوجوانی توجه داشت. باید توجه داشت که اتخاذ رویکرد کاهش آسیب به معنای عدم مقابله فرهنگی ـ قانونی با خشونت نیست بلکه صرفاً بدان جهت است که در منظومه سیاست جنایی نباید از مهار آسیب‌ها غافل شد. برای بسته‌شدن دربهای زندگی دوم یا کارناوالی باید گروه‌های حاشیه‌ای را درک کرده و از روند زیرزمینی شدن آنها جلوگیری به عمل آورد و درنهایت در منظومه مقابله با خشونت‌ورزی نوجوان در اینستاگرام باید به بی‌واکنشی به رفتارهای انحرافی در فضای اینستاگرام خاتمه داد. ازاین‌روی نباید از «حتمیت و فوریت واکنش‌های قضایی ـ ترمیمی» غفلت نمود. بنا بر آنچه گفته شد، راهبردهای سه‌گانه مقابله با خشونت نوجوانان در فضای اینستاگرام به‌طور مشخص عبارت‌اند از:

۱- با کاستن از مسدودسازی‌های غیرضروری، زمینه حضور بزرگسالان و شهروندان قانونمدار و تغییر بافت اجتماعی موجود در شبکه اینستاگرام فراهم گردد؛

۲- با رویکردی واقع‌گرایانه و توسل به سیاست‌های کاهش آسیب، بیش‌ازپیش اجازه بروز و تخلیه احساسات و هیجانات نوجوانان، در قالب فعالیت‌های اجتماعی مشروع داده شود؛

۳- پاسخ‌های قضایی و مددکاری به انحرافات نوجوانان در فضای اینستاگرام به‌صورت قطعی و فوری انجام شود و هیچ انحراف اجتماعی در این فضا بدون پاسخ باقی نماند؛

با شناسایی علل و عوامل متعددی از معضل خشونت‌ورزی اینستاگرامی نوجوانان و توسل به راهبردهای سه‌گانه کنترل خشونت که در این نوشتار مورد تمرکز قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود دیگر پژوهشگران متناظر با علت‌های شناسایی‌شده در این نوشتار و دیگر پژوهش ها، مجموعه‌ای از راهبردها و تدابیر مقابله‌ای با خشونت‌ورزی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی را مطرح نمایند.

فهرست منابع

آقایی، سارا (۱۳۹۷). *تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: انتشارات میزان.

احمدی، حبیب (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهرن: انتشارات سمت.

امیریان، امین و کشوری، الهام (۱۴۰۱). تحلیل جرم‌شناختی قانون‌گریزی با چشم‌انداز سایبری (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهرستان اصفهان در بازه زمانی سال ۱۳۹۵). *نشریه علوم خبری*، ۱۱(۴۳)، ۱۳۵-۱۶۰.

بابایی، محبوبه و دیگران (۱۳۹۲). عوامل و ریشه‌های خشونت در دانش‌آموزان دبیرستانی آذرشهر. *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۰(۳۹)، ۱-۱۲.

پارسامهر، مهربان؛ سعیدی مدنی، سیدمحسن و دیوبند، فائزه (۱۳۸۹). رابطه پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده با خشونت میان فردی نوجوانان پسر در شهر یزد. *خانواده پژوهی*، ۶(۱)، ۷۱-۸۶.

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان (۱۳۹۸). بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت؛ از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم ترمیمی. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۹(۱), ۴۱-۶۳.

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان و دهقانی، پرویز (۱۴۰۱). پالایش محتوا در سنجه حق‌های بنیادین و رهیافت‌های جرم‌شناختی؛ نقد وضع موجود و درآمدی بر وضعیت مطلوب. *حقوق فناوری‌های نوین*، ۳(۶).

دادستان، پریرخ (۱۳۸۹). *روان‌شناسی جنایی*. تهران: انتشارات سمت.

رحیمی‌پور، ایمان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و امیدی، جلیل (۱۳۹۷). تبیین سیاست کاهش آسیب از منظر اصول فقه. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۲)، ۱۴۱-۱۷۰.

رحیمی‌پور، ایمان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ محقق داماد، مصطفی؛ فرجیها، محمد و امیدی، جلیل (۱۳۹۵). سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر «مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۰(۳)، ۸۴-۱۱۰.

سهامی، سوسن (۱۳۸۱). بزهکاری و خرابکاری. *تازه‌های روان درمانی*، ۵(۱۸-۱۷)، ۱۰۶-۱۲۳.

سهراب‌زاده، مهران و سلیمان‌نژاد، محمد (۱۳۹۹). مطالعه کیفی علل و زمینه‌های خشونت نوجوانان دبیرستانی. *توسعه اجتماعی*، ۱۴(۳)، ۶۱-۹۰.

طالبی، محمدعلی؛ میرزایی، خلیل و مهدوی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۹). تنوع‌پذیری

جوک‌های فارسی تلگرامی قبل و بعد از محدودسازی استفاده کاربران از این پیام‌رسان در ایران. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۶(۲۱)، ۲۱۳-۲۴۶.

طالعی، علی؛ اسمعیلی، معصومه؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا؛ کاظمیان، سمیه و برجعلی، احمد (۱۳۹۸). خشونت و پرخاشگری در شبکه‌های اجتماعی مجازی از دیدگاه نوجوانان: یک مطالعه پدیدارشناسی. *مشاوره کاربردی*، ۹(۱)، ۲۹-۴۸.

طاولی، آزاده و زند نژاد، فاطمه (۱۴۰۲). نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی ـ فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری نوجوانان دختر. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۹(۳)، ۴۵-۶۵.

فاضل، رضا (۱۳۸۷). رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید و توسل به آن در کودکان. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۵(۵۴)، ۳۳-۵۶.

فلینت، گیل (۱۳۹۳). *زورگویی، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*. برگردان: مهدی سیدزاده ثانی، زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

گلچین، مسعود و حیدری، علی‌حیدر (۱۳۹۱). خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه: مطالعه‌ای اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه نورآباد (لرستان). *مسائل اجتماعی ایران*، ۳ (۱)، ۲۱۲-۱۷۷.

مرکز ملی افکارسنجی دانشجویان جهاد دانشگاهی (۱۴۰۲). *پیام‌رسان‌ها و رسانه‌های اجتماعی محبوب ایرانیان معرفی شد*. قابل دسترس در: https://www.ispa.ir/

مریسان، الیزابت (۱۳۹۳). *مداخله ناظران، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*. برگردان: مهدی سیدزاده ثانی، زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.

معراجی اسکوئی، شلاله؛ محمدخانی، کامران؛ دلاور، علی و فرهنگی، علی‌اکبر (۱۴۰۱). حریم‌شکنی‌های فرهنگی سایبری و ابزار کنترل اجتماعی ادراک‌شده در میان کاربران ایرانی اینستاگرام. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۸(۳۱)، ۲۴۷-۲۱۱.

مقدس، اعظم و قاسمی‌پور، فرزانه (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عضویت در شبکه اجتماعی اینستاگرام در بروز سندرم فومو میان کاربران (مطالعه موردی جمعی جوانان ۱۸ تا ۴۰ ساله شهر مشهد). *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۱(۱)، ۲۴۵-۲۷۰.

وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۹۲). *جرم و جرم‌شناسی، مجموعه مطالعات کج‌روی و*

کنترل اجتماعی. ترجمه: علی سلیمی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری (۱۳۹۱). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه: علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت.

Agnew, Robert (1992). Foundation For A General Strain Theory Of Crime And Delinquency. *Criminology*, 30(1), 47-88.

Akers, R. (1998). *Social learning and social structure: a general theory of crime and deviance.Boston*, MA: Northeastern University Press.

Bandura, A. (1965). Influence of models' reinforcement contingencies on the acquisition of imitative responses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1(6), 589–595.

Chan, S.; Khader, M.; Ang, J.; Tan, EMY.; Khoo, K. & Chin, J. (2012). Understanding Happy Slapping. *International Journalof Police Science And Management*, 14(1).

Cox. S. M.; Davidson, W. S. & Bynum, T. S. (1995). A Meta-Analytic Assessment Of Delinquency-Related Outcomes Of Alternative Education Programs. *Crime & Delinquency*, (41), 219-234.

Gershoff E. T. & Grogan-Kaylor A. (2016). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses. *Journal of Family Psychology, Advance online publication*.

Jaishankar, K. (2008). *Space Transition Theory Of Cyber Crimes*. In F. Schmalleger & M. Pittaro (Eds.), Crimes Of The Internet (pp. 283−301). Upper Saddle River, Nj.

Merriman, M. (2015). *What If The Next Big Disruptor Isn'ta What But A Who*. Gen Z Is Connected, Informed And Ready For Business.

Pardini, D.; Waller, R. & Hawes, S. (2015). *Familial influences on the development of serious conduct problems and delinquency, In J. Morizot & L. Kazemian (Eds.)*. The development of criminal and antisocial behaviour, 201-220.

Prensky (2001). Digital Natives; Digital Immigrants. *On The Horizon*, 9(5).

Sawyer, A. M.; Borduin, C. M. & Dopp, A.R. (2015). *Long-term effects of prevention and treatment on youth antisocial behavior: a meta-analysis*. Clin. Psychol. Rev.

Thawabieh, A. M. & Ahmed Al-rofo, M. (2010). Vandalism at boys scholls in jordan. *journal of educational science*, 2(1), pp:41-46.

Wandera & et al. (2017). Violence against children perpetrated by peers: A cross-sectional. *School-Based Survey in UgandaChild Abuse & Neglect*, 68(2017), 65–73.

Wolfgang, M. E. & Ferracuti, F. (1967). *The Subculture Of Violence: Towards An Integrated Theory In Criminology*. London: Tavistock.

Wright, Darlene R. & Kevin M. Fitzpatrick (2006). Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*, 84(3), 1435-1453.

References

Aghaei, S. (2018). Crime Analysis in Cultural Criminology. Tehran: Mizan Publications. (In Persian)

Agnew, R. (1992). Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency. Criminology, 30(1), 47-88.

Ahmadi, H. (2013). Sociology of deviance. Tehran: Samt Publications, Sixth edition. (In Persian)

Akers, R. (1998). *Social learning and social structure: a general theory of crime and deviance.Boston*, MA: Northeastern University Press.

Bandura, A. (1965). Influence of models' reinforcement contingencies on the acquisition of imitative responses. Journal of Personality and Social Psychology, 1(6), 589-595.

Bernard, TJ.; Snipes, JB. & Gerould, AL. (2012). Theoretical Criminology, Translated by Ali Shojaei, Tehran: Samt Publications, Fifth edition. (In Persian)

Chan, S.; Khader, M.; Ang, J.; Tan, EMY.; Khoo, K. & Chin, J. (2012) Understanding "Happy Slapping". International Journal of Police Science and Management, 14(1), 42-57.

Cox, SM., Davidson, WS. & Bynum, TS. (1995). A Meta-Analytic Assessment of Delinquency-Related Outcomes of Alternative Education Programs. Crime & Delinquency, 41(2), 219-234.

Dadsetan, P. (2009). Criminal Psychology. Tehran: Samt Publications, Eighth edition. (In Persian)

Fereell, J.; Hayward, K. & Young, J. (2008). Cultural Criminology. London: SAGE Publications Ltd, First Published.

Flint, G. (2014). Bullying, Encyclopedia of victimology and crime prevention, Translated by Mehdi Seyedzadeh Sani, Under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran: Mizan Publications, Vol.1, first edition, pp.58-63. (In Persian)

Flint, G. (2014). The intervention of observers, Encyclopedia of victimology and crime prevention, Translated by Mehdi Seyedzadeh Sani, Under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran: Mizan Publications, Vol.1, first edition, pp.80-84. (In Persian)

Gershoff E. T. & Grogan-Kaylor A. (2016). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses. *Journal of Family Psychology, Advance online publication*.

Haji Dehabadi, MA. & Salimi, E. (2019). Delinquency and Victimization of Digital Natives; from Etiology to Response in the Restorative Justice Paradigm. Criminal Law and Criminology Studies, 49(1), 41-63. (In Persian)

Haji Dehabadi, MA.; Salimi, E. & Dehghani, P. (2022). Legal-Criminological Pathology of Cyberspace Refinement in Iran. Modern Technologies Law, 3(6), 77-94. (In Persian)

Jaishankar, K. (2008). Space Transition Theory Of Cyber Crimes. In F. Schmalleger & M. Pittaro (Eds.), Crimes Of The Internet (pp. 283−301). Upper Saddle River, Nj.

Karuppannan, J. (2008). Space Transition Theory of Cyber Crimes, In book: Crimes of the Internet, Edited by Frank Schmalleger & Michael Pittaro, Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall, pp.283-301. (In Persian)

Keshavari, E. & Amiriyan, A. (2022). Criminological analysis of law evasion with a cyber-perspective (a case study of 18-29-year-old youth of Isfahan city in the period of 2015). News Science, 11(43), 135-160. (In Persian)

Megargee, EI. (1982). Psychological Determinants and Correlates of Criminal Violence. Edited by Marvin E Wolfgang & Neil Alan Weiner, Beverly Hills: Calif Sage.

Meraji Oskuie, S.; Mohamadkhani, K.; Delavar, A. & Farhangi, AA. (2022). Perceived Cybercultural Transgressions and Social Control Means among Iranian Instagram Users. New Media Studies, 8(31), 211-247. (In Persian)

Merriman, M. (2015). What If the Next Big Disruptor Isn'ta What But a Who? Gen Z Is Connected, Informed and Ready for Business, pp.2-3.

Moghadas, A. & Ghasemipour, F. (2021). The study of Instagram membership on arising Fomo syndromecollective case study of 18-40 youth in Mashhad. Media and Culture Journal, 11(1), 245-270. (In Persian)

Pardini, D.; Waller, R. & Hawes, S. (2015). *Familial influences on the development of serious conduct problems and delinquency, In J. Morizot & L. Kazemian (Eds.)*. The development of criminal and antisocial behaviour, 201-220.

Prensky, M. (2001). Digital Natives; Digital Immigrants. On the Horizon, 9(5), 1-6.

Rahimipoor, I.; Habibzadeh, MJ.; Mohaghegh Damad, SM. & Farajiha, M. (2016). A Comparative Study of Iran Legislative Policy with Portugal and Canada. Comparative Law Researches, 20(3), 85-110. (In Persian)

Rahimipour, I. (2018). Harm reduction policy analysis from the perspective of Kingdon's multi-flow model, Encyclopedia of Criminology (Empirical Criminology), Tehran: Mizan Publications, Vol. 4. (In Persian)

Saadipour, E. (2014). Digital world with an emphasis on teenagers, Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)

Sawyer, A. M.; Borduin, C. M. & Dopp, A.R. (2015). *Long-term effects of prevention and treatment on youth antisocial behavior: a meta-analysis*. Clin. Psychol. Rev.

Talebi, MA.; Mirzaee, KH. & Mahdavi, MS. (2020). The variability of the jokes of Persian telegram before and after the telegram filtering in Iran. New Media Studies, 6(21), 213-246. (In Persian)

Taleei, A.; Esmaeili, M.; Falsafinejad, MR.; Kazemian, S. & Borjali, A. (2019). Violence and aggression in virtual social networks from the perspective of teenagers: A phenomenological study. Applied Counseling, 9(1), 25-28. (In Persian)

Thawabieh, A. M. & Ahmed Al-rofo, M. (2010). Vandalism at boys

scholls in jordan. *journal of educational science*, 2(1), pp:41-46.

The National Center for Opinion Survey of Academic Jihad Students (2023) Messengers and social media popular among Iranians was introduced, available at: https://www.ispa.ir/. (In Persian)

Wandera & et al. (2017). Violence against children perpetrated by peers: A cross-sectional. *School-Based Survey in UgandaChild Abuse & Neglect*, 68(2017), 65–73.

White, RD. & Haines, F. (2013). Crime and Criminology: Textbook of theories of crime and deviance, Translated by Ali Salimi, Tehran: Research Institute of the Field and University, Fifth edition. (In Persian)

Wolfgang, ME. & Ferracuti, F. (1967). The Subculture of Violence: Towards an Integrated Theory in Criminology, Edited by Franco Ferracuti & Marvin E. Wolfgang. London: Tavistock Publications.

Wright, Darlene R. & Kevin M. Fitzpatrick (2006). Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*, 84(3), 1435-1453.

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۰۱۱-۱۰۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

مقاله پژوهشی

نقش رسانه‌های محلی در تحقق حکمرانی خوب شهری در ایران

علی رجبی
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
ali.rajabi@ut.ac.ir 0009-0006-7831-0158
علی دارابی
دانشیار گروه مدیریت رسانه، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.
adarabi@iribu.ac.ir 0000-0003-4373-2669
علی‌اکبر رزمجو
استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.
arazmjoo@iribu.ac.ir 0000-0002-8541-8857

چکیده

رسانه‌های محلی می‌توانند نقش نهادی مهمی را در راستای حکمرانی خوب شهری ایفاء کنند که توجه به آن، احتمالاً به اثرگذاری بهتر این نهاد میانجی اجتماعی منجر شود. بر این مبنا، موضوع این نوشتار بررسی نقش رسانه‌های محلی در راستای نیل به حکمرانی خوب شهری است. ازاین‌رو اهدافی به مانند: شناخت نقش رسانه‌ها در تحقق حکمرانی خوب شهری؛ بررسی نقش رسانه‌های محلی در تحقق حکمرانی خوب شهری؛ و ذیل آن، شناخت چالش‌ها و موانع پیش‌روی رسانه محلی در جایگاه نهاد اجتماعی مورد توجه بوده است. سپس با استفاده از مفاهیم دیگری مثل کارکردگرایی اجتماعی، رسانه محلی و مسئولیت اجتماعی رسانه، به موضوع پرداخته شد. در ادامه با استفاده از نماگرهای احصاء شده از دل مطالعات نظری و با استفاده از روش پژوهشی مصاحبه عمیق و شیوه تحلیلی تحلیل مضمون، از طریق نرم‌افزار MAXQUDA به سؤالات مدنظر پاسخ داده شد. درنهایت آنکه، خروجی پژوهش حاکی از نقش اثرگذار رسانه در حکمرانی بوده است. با وجود اینکه به علت ساختارهای موجود در ایران، توانایی رسانه رسمی برای ابزار مردمی بودن کم است، اما درعین‌حال توان آن در پاسخگونمودن مسئولان بالاست. از طرفی توانمندشدن مردم در کلیت حکمرانی توسط رسانه، خصوصاً توسط رسانه‌های غیررسمی با وجود تهدیدها و آسیب‌ها وجود دارد. همچنین نقش نظارتی و همیشگی رسانه در پایش و نظارت اجتماعی، خصوصاً درباره مسائل شهری قابل ذکر است که امکان این کارویژه با وجود دشواری‌ها برای رسانه محلی فراهم است. در نتیجه می‌توان کارویژه رسانه‌های محلی را در راستای حکمرانی خوب شهری در ایران در سه مقوله فراگیر (پاسخگوکننده مسئولان؛ چشم ناظر بر شهر؛ عامل مردمی در حکمرانی) برشمرد.

کلیدواژه‌ها: ارتباطات شهری، رسانه محلی، حکمرانی، حکمرانی خوب شهری، کارکردگرایی اجتماعی، مسئولیت اجتماعی رسانه.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.415649.1494

OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

رویکرد حکمرانی در ایران، امروزه بیش‌ازپیش مورد توجه دستگاه‌های حاکمیتی و نخبگان دانشگاهی و سیاسی قرار گرفته است. دلیل این امر چه برداشت و مصادره به مطلوب برای اعتباربخشی به حکومت‌کردن باشد، چه مردمی‌سازی اداره امور عمومی برای رسیدن به خیر جمعی که در لسان مقامات عالی کشور هم بیان می‌شود. به‌هرحال تلاشی است برای اثرگذاری بهتر و گذر از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به حکمرانی که صرفاً سویه‌های تک‌بُعدی مثلاً اقتصادی نداشته و تمامی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... را دربربگیرد. مفهومی که در ابتدا مقابل حکومت‌کردن طرح شد. اگرچه، برایان مک لالین[1] اولین نظریه‌پردازی بوده است که در دهه ۱۹۷۰م آن را مطرح نمود؛ اما عملاً بسط آن در دهه ۱۹۸۰م و در کشورهای آفریقایی بود است که بانک جهانی در مطالعات خود دریافت، شیوه اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان موضوع اصلی توسعه است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، ص. ۴۷). پس، بحث بیشتر بر شکل و فرایند مطلوب اداره امور اجتماعی توسط نهادهای تنظیم‌گر است. موضوعی که اقتضائات کنونی کشور و دنیا توجه به آن را بیش‌ازپیش کرده است.

پس از آن است که مفهوم *حکمرانی خوب شهری*[2] یا به‌عبارتی (حاکمیت شایسته) مطرح می‌شود. مفهومی در ادامه مفهوم حکمرانی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ و در پی نارضایتی نسبت به رویکرد دولت حداقل شکل گرفت و از پایان آن دهه بود که رویکرد حکمرانی خوب مورد استقبال گسترده قرار گرفت (میدری، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۷). در تعریف آن گفته‌اند: فرایندی از حکمرانی در شهر بوده که از ارتباط سه بخش دولتی، مدنی و شهروندان با یکدیگر در مسائل مختلف شکل گرفته و مؤلفه‌هایی چون شفافیت، پاسخ‌گویی و... را دربردارد. یعنی در فرایندی دیالکتیکی و بعضاً تعاملی، مابین شهروندان و نهادهای شهری است که حکمرانی خوب قوام می‌یابد. صورتی توافق‌گونه که ماحصل تصادم و درنهایت استحاله منافع و تصمیم‌های مختلف در شکلی تجمیع‌شده بین همه بازیگران تأثیرگذار و تأثیرپذیر از برنامه‌ها است.

حال، مسائل به‌وجود آمده سال‌های اخیر در حوزه مدیریت شهری، اعم فسادها و ناکارآمدی‌ها از لواسان، ساری و ... گرفته تا شهریار، تبریز و.... ضرورت تجدیدنظر در نگاه به مقوله مدیریت شهری کشور را ضروری ساخته است. نمونه‌های آشنا برای

1. Brayan Mac Lain
2. Good Urban Governance

مخاطب دهه نود ایران که بهتر از نوشتن چند بند درباره وظایف قانونی شهرداری‌ها، نمایانگر کاستی‌های موجود است (موحد، ۱۳۸۷، ص. ۲۲). این موضوع باعث خدشه بر میزان اعتماد مردم به دستگاه حاکمیت، مشروعیت آن و کاهش مشارکت مردم می‌شود. چراکه صور سنتی اداره امور شهری در ایران را دیگر توان پاسخگویی به مسائل عدیده در جامعه پیچیده کنونی نیست. اگرچه مشکلات نظام مدیریت شهری ایران از زمان شکل‌گیری نهادها، شهرداری‌ها و شهرنشینی معاصر از عصر پهلوی تا به حال به انحاء مختلف وجود داشته است؛ اما به مدد رسانه‌ها بالاخص رسانه‌های نوین بود که این ناکارآمدی‌ها بیش‌ازپیش بازنمایی شد. به‌عبارتی نظام دیوان‌سالار از بالا به پایین مدیریت شهری ایران که به دور از نظارت همگانی است، دچار نوعی استبداد نخبگانی ـ دیوان‌سالاری و شاید شکاف‌ساز بین مردم و حاکمیت بوده است. حال این مسئله با فلسفه ارزشی نظام اسلامی چون مردم‌سالاری دینی، خدمت، مطالبه‌گری و... در تضاد بوده و به شکاف بیشتر جامعه با حاکمیت منجر می‌شود. خصوصاً در جایی که انقلاب اسلامی ایران را هم اساساً انقلابی شهری می‌نامند که بعضاً اعتراضی اساسی بود بر مشکلات عدیده در بحث مسکن، حاشینه‌نشینی و.... در اینجاست که رسانه در حکمرانی نقش نهاد اجتماعی تنظیم‌گر، در کنار سایر اجزاء سازمان اجتماعی نقش ایفا می‌کند. با چنین پیش‌فرضی می‌توان مسئله نقش رسانه در حکمرانی را بررسی نمود.

بدین‌ترتیب مسئله خاص ما در این پژوهش، بررسی نقشی بوده است که رسانه‌ها (به‌طور خاص رسانه‌های محلی) به‌عنوان نهاد اجتماعی میانجی و تنظیم‌گر در شیوه حکمرانی خوب شهری می‌توانند ایفا کنند. موضوعی که می‌توان آن‌را هم ذیل مبحث ارتباطات شهری یا شهر ارتباطی، یعنی در نقطه تلاقی و اشتراک مفهومی بین رسانه و شهر قرار داد. شهر ارتباطی[1] توجه خود را بر الگوهای ارتباطی، ارتباطات مردم در شهر و رابطه بین زمینه شهری با پدیده ارتباط قرار می‌دهد. به‌بیان‌دیگر تأثیر متقابل ارتباطات را بر برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهرها و شهروندان، بررسی می‌کند (Jeffres, 2010, p. 99)؛ ضمن آنکه برای فهم بهتر موضوع لازم است ابتدا به مشخص کردن منظورمان از رسانه‌ی محلی بپردازیم.

الی نوام[2] می‌گوید: رسانه‌های محلی دارای بعد محلی بوده و اطلاعات را در حوزه‌ی محلی منتشر می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۵، ص. ۲۲). مقصود ما از محلی در

1. Communicative city
2. Eli Noam

اینجا، نه تعاریف متداول در شهرسازی از محله یا تعاریف اقتصادی ـ سیاسی یا مرکز ـ پیرامون بلکه منطقه تحت اداره نهادهای سیاسی ـ حاکمیتی محلی به مانند شهرداری‌ها می‌باشد که گستره و شعاع آن می‌تواند از یک شهر کوچک تا یک کلان‌شهر را شامل شود. رسانه محلی در اینجا، رسانه‌ای است که برای محدوده جغرافیایی مشخص تولید محتوا می‌کند. این پرسش بنیادین که رسانه چگونه می‌تواند ایفاگر نقش نظارت‌گر خود در حفظ تعادل و ثبات و درعین‌حال پویایی جامعه باشد. ضمن اینکه تلاش شده تا حکمرانی خوب شهری با وجود رسانه (رسانه محلی) مورد ارزیابی قرار بگیرد. بی‌توجهی به موضوع اهمیت رسانه و تأثیرات آن در مسائل محلی (از یک شهر کوچک و روستا گرفته تا کلان‌شهرها) هم، نه‌تنها کارکرد نظارتی و نگهبانی رسانه بر جامعه را دچار ضعف و نقصان کرده بلکه درنهایت باعث کاهش اعتماد عمومی و فرصت یافتن جریان‌های معاند و مخالف خواهد شد. همین‌طورکه در نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه بیان می‌شود، رسانه‌ها علاوه‌بر اطلاع‌رسانی، سرگرمی و فروش، باید موجب تضارب آراء شوند و مباحثه را رشد دهند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، ص. ۴۴۵). همچنان‌که یکی از مقولات مهم در نظریات متأخر مدیریت شهری، ناظر به شفافیت و پاسخگویی نهادهای شهری و مشارکت شهروندی است.

از بُعد دیگر، نفوذ روزافزون رسانه‌ها بر تمامی شئون زندگی اجتماعی، توجه به ارتباط این دو در حوزه مشترک عملکردی را لازم می‌سازد. با این اوصاف، پژوهش حاضر به‌دنبال یافتن نقش رسانه در حکمرانی خوب شهری با تأکید بر رسانه محلی است. چراکه رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان نگهبان ارزش‌های جامعه، تسهیل‌کننده همبستگی اجتماعی، مشارکت مردم در امور اجرایی، عامل افزایش حس تعلق شهروندان به شهر و منطقه خود باشند. به‌عبارتی، رسانه‌ها ابزار گفت‌وگو مابین شهروندان با مدیریت شهری هستند و رسانه‌ای شدن راهی برای «توسعه مشارکت مردم» در زندگی شهری است (فاضلی، ۱۳۹۲، ص. ۲۶۴).

پس برای افزایش کیفیت مدیریت شهری و درنهایت افزایش کیفیت زندگی، توجه به همه ابعاد اثرگذار بر آن ضروری است که رسانه هم می‌تواند ابزاری در این راستا باشد. درنهایت امر این اتفاق می‌تواند، عدالت شهری، حفظ و حراست از زیست بوم‌های شهری، ارتقاء مشارکت شهری، افزایش حس تعلق و مشارکت شهروندان و افزایش اعتماد آنان به نهادهای شهری به‌طور اخص نهادهای حاکمیتی شهری را در پی داشته باشد.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

یک هدف این پژوهش شناخت نقش رسانه‌ها (به‌طورکلی) در تحقق حکمرانی خوب شهری بوده است. هدف دیگر نوشتار، بررسی نقش رسانه‌های محلی در تحقق حکمرانی خوب شهری می‌باشد که هدف فرعی ذیل آن، شناخت چالش‌ها و موانع پیش‌رو رسانه محلی در جایگاه نهاد اجتماعی برای تحقق حکمرانی خوب شهری در ایران است. بدین‌ترتیب، سؤال‌هایی که پژوهش حاضر به‌دنبال آن است شامل موارد زیر است:

۱- نقش رسانه در تحقق حکمرانی خوب در ایران چیست؟

۲- نقش رسانه‌های محلی برای حکمرانی خوب شهری در ایران چیست؟

۳- چالش‌ها و فرصت‌های رسانه محلی در جایگاه نهاد اجتماعی برای تحقق حکمرانی خوب شهری در ایران چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهش‌های متعددی با محوریت رویکرد حکمرانی خوب در ایران صورت پذیرفته که ارتباط رسانه را هم با آن مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما خلأ پرداختن به نقش رسانه محلی در حکمرانی خوب شهری در این رابطه احساس می‌شود. در ایران ازجمله محققانی به مانند برک‌پور (۱۳۸۱)، تقوایی و تاجدار (۱۳۸۸) به موضوع حکمرانی و صلواتیان و خوش‌بیان (۱۳۹۷)، کریمی (۱۳۸۵) به موضوع رسانه‌های محلی و در تحقیقات خارجی، دونو (۲۰۱۳) در رابطه با رسانه و حکمرانی خوب شهری، به پژوهش پرداخته‌اند.

ناصر برک‌پور (۱۳۸۱) در رساله دکترای خود تحت عنوان «گذر از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران؛ موردپژوهی: همدان ـ اسلامشهر»، ضمن تعریف مفهوم جدید در آن سال‌ها یعنی حکمرانی که وی تحت عنوان حاکمیت و حکمروایی از آنها نام برده است. تقریباً اولین پژوهش جدی داخلی در این زمینه را با مرور زمینه‌های شکل‌گیری این رویکرد در دنیا انجام داده است. وی در ادامه با استفاده از چهارچوب روشی شامل: مصاحبه اکتشافی، پیمایش، مفهوم‌سازی و مدل‌سازی، نماگرهای رویکرد حکمرانی خوب را با در نظرگرفتن شرایط بومی ایران، در مورد دو شهر همدان و اسلامشهر به شکل آماری و با آزمون فرضیه‌ها سنجیده است. نتیجه پژوهش وی که هدف اصلی آن بر بومی کردن این مفهوم و سنجش وضعیتش در شهرهای کشور استوار بوده است، در گام اول توصیف و تبیین نظام

مدیریت و اداره عمومی شهر در ایران شده که نمره پایین حکمرانی را برای دو شهر مذکور نشان داده است. در گام دوم با مدل‌سازی‌های صورت داده بر اساس ضعف‌ها و تهدیدات، نقاط قوت و فرصت‌ها، به ارائه راهکارها برای گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری پرداخته است.

علی‌اکبر تقوایی و رسول تاجدار (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی» به بیان تعاریف نظری و اسنادی از مفهوم حکمرانی خوب پرداخته و با هدف بررسی الزامات این نوع حکمرانی مدیریت شهری ایران شاخص‌های مربوطه را بررسی کرده‌اند. درنهایت آنها با تحلیل مفاهیم و اصول مرتبط با حکمروایی خوب شهری و بررسی نمونه‌ای از تجارب داخلی مرتبط با این رویکرد، به ارائه راهکارهایی برای حکمرانی خوب شهری در ایران پرداخته‌اند که درنهایت پیشنهادی مدیریت مجموعه‌های شهری در نظام مدیریت شهری کشور را بر اساس رویکرد «حکمروایی خوب شهری» به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعلام کرده است. این سه پژوهش از جهت آنکه به زمینه حکمرانی خوب شهری در ایران و بررسی این مفهوم پرداخته‌اند با این پژوهش قرابت دارند.

محمود کریمی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه تحت عنوان «تحلیل محتوای اخبار ساعت ۲۳ شبکه استانی زنجان بر اساس کارکردهای رسانه محلی و اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری»، ابتدا با هدف تعریف رسانه محلی و تدوین کارکرد آن به تحلیل محتوای شبکه مذکور بر اساس اصول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای هم پرداخته است. وی این کار را با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام داده است. در انتها نیز چهارچوبی از کارکردهای رسانه محلی برشمرده و درنهایت به ارائه پیشنهادها و راهکارهایی در این زمینه اقدام کرده است. نتیجه این پژوهش حاکی از عملکرد ضعیف شبکه اشراق به‌مثابه رسانه محلی و عملکرد ضعیف‌تر آن در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بوده است. این پژوهش از جهت تعریف و ارائه کارکردهای رسانه محلی با پژوهش ما همسو است، ولی زمینه و چهارچوب مورد بررسی و نیز روش پژوهش باهم متفاوت است.

سیاوش صلواتیان و ابوذر خوش‌بیان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تدوین راهبردهای مطلوب برای شبکه‌های تلویزیونی استانی صداوسیما از دیدگاه مدیران رسانه ملی و کارشناسان رسانه»، با هدف پیشنهاد راهبردهای مطلوب برای شبکه‌های تلویزیونی استانی صداوسیما و با استفاده از روش مصاحبه و فراتحلیل به ارائه راهکارهای مطلوب از طریق ماتریس SOWT برای شبکه‌های استانی صداوسیما

اقدام کرده‌اند. مهم‌ترین نتیجه این پژوهش علاوه‌بر اهداف اولویت‌داری چون ارتقاء جایگاه شبکه‌های استانی با افزایش رضایت و اعتماد آنان، در کنار حفظ خرده‌فرهنگ‌های محلی، لزوم بازتعریف سازمانی این مراکز، لزوم توجه به ذائقه و نیاز مخاطبان در کنار نیاز به افزایش و تأمین بودجه برای آنها بوده است. این پژوهش نیز از آن‌جهت که رسانه‌های محلی (مراکز صداوسیما) را مسئله خود قرار داده، به پژوهش ما نزدیک بوده است، با این تفاوت که دو پژوهش آخر، مسئله شهر و بررسی تأثیرات رسانه‌های محلی بر مدیریت مطلوب شهری و به‌طورکلی حکمرانی، موضوعشان نبوده است.

ایفئوما دونو[1] (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی خوب در نیجریه: نقش رسانه‌ها چیست؟»، با روش پیمایش و انجام آزمون‌های آماری، و با طرح این سؤال که چرا و چگونه رسانه‌ها بخش حیاتی در شکل‌دادن به حکومت هستند، به بیان فرصت‌ها و چالش‌های اصلی به بیان نقش رسانه‌ها در رسیدن به حکمرانی خوب پرداخته است. در متن مقاله نویسنده از شرایطی نام می‌برد که در آن رسانه‌ها صدای شهروندان هستند. علاوه‌براین بیان می‌دارد، همچنین رسانه‌ها می‌توانند ترجیحات و اولویت‌های حکومت را برای شهروندان بیان کنند.

وی نتیجه می‌گیرد که سهم و وظایف رسانه‌ها با در نظرگرفتن و بازنمایی اصول حکمرانی خوب ازجمله مؤلفه‌هایی به مانند مسئولیت‌پذیری، دسترس‌پذیری، شفافیت و عینیت در انجام وظایف، و اصول اساسی میهن‌پرستی در کنار حقیقت و انصاف می‌باشد. این پژوهش از جهت کاوش وظایف رسانه در حکمرانی خوب، شباهت بیشتری با کلیت پژوهش ما دارد؛ اما تفاوت آن حوزه مکانی و زمینه متفاوت دو پژوهش است (Dunu, 2013, p. 178).

در بررسی اغلب تحقیقات مرتبط، خصوصاً تحقیقات مشابه داخلی، شاهد بودیم که محققان، بیش از آنکه به جنبه‌های اجتماعی ـ ارتباطی رسانه‌ها در حوزه مسائل شهری بپردازند، به نقش فنی و ابزاری، فناوری‌های ارتباطی که در حوزه IT[2] و ICT[3] قرار می‌گیرد، پرداخته‌اند. به‌عبارتی، غالب این تحقیقات در زمینه‌های علمی متفاوت با علوم ارتباطات، به‌طورمثال در رشته‌های شهرسازی، جغرافیا و مدیریت انجام شده بودند. درنتیجه، این تحقیقات بیش از آنکه نقش رسانه را مسائل شهری از دید

1. Ifeoma Dunu

۲. فناوری اطلاعات

۳. فناوری ارتباطات و اطلاعات

ارتباطات اجتماعی ببینند، بر جنبه‌های فنی رسانه‌ها بدون توجه عمیق به تأثیرات اجتماعی آن تأکید داشته‌اند. دیگر آنکه ماحصل مطالعه این تحقیقات استوار گشتن مفهوم نهاد میانجی اجتماعی در راستای تحقق حکمرانی خوب شهری بوده است؛ البته که استفاده از روش تحلیل مضمون با محوریت روش مصاحبه عمیق، به‌علاوه پرداخت همزمان به رسانه‌های محلی و موضوع حکمرانی، وجه تمایز این پژوهش با آن پژوهش‌هاست.

۳. ملاحظات نظری

۳-۱. مبانی نظری

۳-۱-۱. حکمرانی خوب

حکمرانی خوب گذر از سمت محوریت نهادهای دولتی به سمت نهادهای اجتماعی است. به‌واقع سیر تکامل و تطوری است که با حکومت شروع و رشد می‌یابد. یعنی تجاربی که پس از بحران‌های بزرگ اقتصاد لیبرال، افول کمونیسم و اتفاقات این چنین رخ داد، دوره را رقم زد که با گذر از دولت حداقل و پس از آن دولت بزرگ به دوره سوم یعنی حکمرانی خوب رسیده‌ایم (میدری، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۸) . در این رابطه نیز نهادهای بین‌المللی چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، برنامه توسعه ملل متعهد و سازمان ملل دست به تعریف چیستی و حدود و ثغور آن زدند. تا بدان‌جا که درکنار بخش خصوصی و جامعه با توازن، تعاملی در شبکه‌ای هم‌عرض با یکدیگر داشته باشند. اندیشمندان نظریه‌پرداز در این حوزه بیشتر اقتصاددانانی چون داگلاس نورث، رونالد کوز و بیش از همه استگلیتز بودند که همگی بیشتر به مکتب نهادگرایی تعلق داشته‌اند (میدری، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۷)؛ اما درباره این رویکرد کم‌کم حوزه‌های دیگر علوم انسانی به علت اهمیت بحث دولت، شهروندان، رابطه دولت و شهروندان و سایر نهادها هم به‌وجود آمد. به‌عبارتی نیاز به شاخه‌های چون مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و... هم احساس شد. باوجوداین، اگرچه در کشور ما وقتی صحبت از حکمرانی می‌شود، بیشتر تداعی‌کننده اراده حکومت[1] و دولت[2] است. درحالی‌که غالباً مراد از دولت همان governant است و state حکومت خوانده می‌شود. آنچه گاهاً در رویکردهای پژوهشی به‌خصوص سیاست‌گذاران دولتی مدنظر است و دانشگاهیان بعضاً هنگامی که صحبت از حکمرانی می‌کنند، اشاره و

1. Governant
2. State

منظور ایشان نقش دولت در حکمرانی است. درحالی‌که همان‌طورکه گفته شد دولت خود از بازیگران مهم در عرصه حکمرانی است که در این مسیر تنها نبوده و احتیاج به جامعه توانمند و اثرگذار هم دارد (غفاری، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۹).

حکمرانی خوب[1] پیوند سیاست و اداره جامعه است که هدفش ارتقاء کارآمدی نظام سیاسی در اداره امور است (نبی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱۸). یعنی در فرایند دیالکتیکی مابین شهروندان و نهادهای شهری است که حکمرانی خوب قوام می‌یابد. صورتی توافق‌گونه که ماحصل تصادم و درنهایت استحاله منافع و تصمیمات مختلف در شکلی تجمیع شده بین همه بازیگران تأثیرگذار و تأثیرپذیر از برنامه‌ها است.

از طرفی حکمرانی خوب شهری گونه‌ای از سطوح مختلف حکمرانی خوب است که در محدوده جغرافیایی یک شهر اعمال می‌شود. چراکه حکمرانی خوب از سطوح فراملی تا سطح محلی قابل سطح‌بندی است. حکمرانی بسته به سطح آن (ملی، منطقه‌ای، محلی) مجموعه‌ای از بازیگران اثرگذار بر تصمیم‌ها را دربرمی‌گیرد (نبی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱۸).

در تعریف اینکه نسبت حکمرانی خوب با رهیافت‌های نظری مختلف چیست، باید گفت که... اساساً این رویکرد به‌جهت اتکایی که بر لزوم رسیدن به توافق و اجماع برای عملکردی مطلوب دارد، بازهم بیشتر در قالب الگوواره کارکردگرایی قابل تفسیر است تا رهیافت تضاد. گرچه، می‌توان اشاراتی که دیدگاه‌های انتقادی به نقش پُررنگ نهادهای قدرت و ثروت بر روندهای توسعه شهری دارند را هم مصادقی دانست در تلاش برای رسیدن به قدرت برابر همه آحاد مردم، به‌گونه‌ای‌که صدای فقیرترین فقرا هم در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر طرح‌ها شنیده شود. از طرفی، در حکمرانی محلی مطلوب که حکمرانی خوب شهری نماد آن است، به اولویت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که ماحصل فرایند اجماع و توافق ذی‌نفعان و عاملان بخش‌های مختلف (شوراها و نهادهای مدنی، بخش خصوصی، مقامات اداری، گروه‌های بانفوذ محلی است) توجه می‌شود که این امر به عدالت اجتماعی کمک خواهد کرد. چراکه حکمروایی خوب تنها از طریق تعاملات متنوع ذی‌نفعان گوناگون میسر می‌شود (علاءالدینی و سادات پورمیرغفاری، ۱۳۹۷، ص. ۳۱).

درنهایت می‌توان کارویژه عام حکمرانی خوب شهری را در هشت نماگر اصلی زیر

1. Good Urban Governance

خلاصه کرد.

۱. **پاسخ‌دهی[1] و پاسخ‌گویی[2]**: مؤلفه‌ای که دو معنای متفاوت اما درعین‌حال مرتبط به هم دارند که آن‌ها را همچون دو روی یک سکه در نظر گرفته‌ایم. چراکه می‌توان آن‌را مطالبه‌گری یعنی هم اشاره به وظیفه و هم حقی در نظر گرفت که مردم در موضع سؤال و مطالبه در برابر مسئولان داشته و از طرفی به مسئولیت قانونی، شرعی، عرفی نهاد و افراد مسئول در حکومت اسلامی نسبت به مردم اشاره دارد. هرچند دو واژه accessibility و accountability در زبان انگلیسی بار معنایی متفاوتی دارد. قابلیت وصول و در دسترس بودن معنای واژه اول و دومی به معنای ذیحساب بودن و جوابگویی است. پاسخگویی، الزام به اینکه مقامات بر اساس قدرت و وظایف‌شان به ذی‌نفعان جواب دهند، بر مبنای انتقادات عمل کنند. پاسخگویی دارای دو بُعد می‌باشد: جوابگویی و قابلیت مجازات که به آن قابلیت کنترل هم گفته می‌شود (نبی‌زاد و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱۸).

۲. **شفافیت**: پُرواضح است که منظور از شفافیت چیست. شفافیت در تمامی فرایند طرح، تصویب و اجرای برنامه‌ها، در دسترس بودن تمامی قراردادها و توافقنامه‌ها است که میزان فساد نظام‌مند و روابط ناصواب را در نظام مدیریت شهری کاهش دهد. شفافیت به معنای وجود اطلاعات قوی و در دسترس برای بازیگران داخل و خارج از عملیات دولت می‌باشد که این اطلاعات در ارزیابی عملکرد مؤسسه‌ها تأثیرگذار است (نبی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱۸). قانون نشر آزادانه اطلاعات عمومی مصوب مجلس شورای اسلامی می‌تواند مصداق مناسبی در این زمینه، برای حصول شفافیت باشد. حکمروایی خوب مستلزم شفافیت در تصمیم‌گیری و گردش آزادانه اطلاعات قابل فهم برای همگان است (علاءالدینی و سادات پورمیرغفاری، ۱۳۹۷، ص. ۲۸).

۳. **مشارکت و تعامل**: این شاخص به اهمیت مشارکت شهروندان و تمامی نهادهای مدنی در فرایند اداره شهر اشاره دارد. به‌عبارتی مشارکت به فرایندی اشاره می‌کند که در آن شهروندان دارای قدرت برابر و یکسان با مسئولان شهری در مدیریت و اداره‌ی امور شهر هستند و مدیریت شهری نه الگوی از بالا به پایین، بلکه در رفت‌وبرگشت و تعامل بین عناصر حاکمیتی، نهادهای مدنی و شهروندان

1. Accessibility
2. Accountability

است. مشارکت را می‌توان هم به‌عنوان حقوق و هم تکلیف شهروندی محسوب نمود. مشارکت به مفهوم حق این است که حکومت و نهادهای اجتماعی چون شهرداری زمینه مشارکت شهروندان را در جامعه فراهم سازند و مشارکت به‌مثابه تکلیف به این معنا است که شهروندان چنان خود را متقاعد و آماده کرده باشند که مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری، اجراء، نظارت و بهره‌گیری را در حوزه وظایف و مسئولیت خود تعریف کنند (غفاری، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۲). مشارکت یکی از کلیدواژه‌های اساسی حکمرانی است.

۴. **کارایی:** این مقوله به مناسب‌ترین نوع استفاده از منابع موجود در جهت تأمین نیازهای شهروندان تأکید دارد. همین‌طور در این زمینه می‌توان به ابعاد دیگری همچون آموزش مستمر مدیران و شهروندان، داشتن نگرش سیستمی، درآمد پایدار و... اشاره کرد. اثربخشی نقش‌ها و وظایف به معنای استفاده درست از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان در ارائه خدمات شهری و رضایت مردم است (نبی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱۸).

۵. **برابری و عدالت:** این بُعد، به امکان حضور و مشارکت همه اقشار و گروه‌های شهری در فرایند اداره‌ی شهر و وجود فرصت‌های برابر و نیز تخصیص عادلانه منابع مابین همه اقشار و گروه‌ها اشاره دارد. حکمرانی خوب به‌عنوان ارائه امور عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و دیوان‌سالار پاسخگو تعریف شده است که به موجب آن در همکاری مابین همه عناصر جامعه توسعه پایدار حاصل خواهد شد (نبی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱۸).

۶. **بینش راهبردی:** درنهایت داشتن نگاهی کل‌نگر و راهبردانه که فراتر از پروژه‌محوری، مسئله‌محوری را در دستور کار خود قرار دهد. یعنی نگاهی بلندمدت به آینده با در نظرگرفتن نیازهای آتی توسعه که مستلزم نوعی نگاه فراتر از مسائل و نیازهای روزمره شهری است.

اما ازآنجاکه رسانه‌های جمعی خود یکی از عناصر نهادی جامعه هستند، در این رابطه نقش اصلی را به‌عنوان یک بازیگر مهم در عرصه حکمرانی مطلوب محلی عهده دارند. رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان نگهبان ارزش‌های جامعه، تسهیل‌کننده همبستگی اجتماعی، مشارکت مردم در امور اجرایی، عامل افزایش حس تعلق شهروندان به شهر و منطقه خود باشند و این نماگرها را در کنار مأموریت‌های اختصاصی خود دنبال کنند. بدین‌ترتیب رسانه نه‌تنها نقشی منفعل بلکه نقش میانجی عاملیت‌دار را

می‌تواند در ثبات، و هم‌زمان پویایی جامعه بازی کند. به‌عبارتی رسانه به همراه دیگر اجزاء جامعه به مانند سنسورهای چرخ‌دنده‌های یک تله‌کابین، عامل ثبات و پایداری خط، در یک جامعه می‌شود.

۳-۲. تعریف مفاهیم

۳-۲-۱. کارکردگرایی اجتماعی

رسانه با درنظر گرفتن همین نگاه نهادی در قالب رویکرد کارکردگرایی اجتماعی هم قابل رهگیری است. در کارکردگرایی که از رهیافت‌های[1] بنیادین در جامعه‌شناسی است، عملکرد جامعه به‌مثابه عملکرد ارگانیک زنده در نظر گرفته می‌شود که هریک از اجزای آن در خدمت کل سیستم عمل می‌کنند. یعنی اهداف و نیازهای جامعه، فلسفه وجودی ـ عملکردی هریک از اجزاء سازنده آن است که درنهایت این موضوع به تعادل و نظم اجتماعی منجر می‌شود. ساختارگرایی بر آن است که بگوید اصول و ساختارهای سازمان‌دهنده‌ای در پس رفتار فرهنگی وجود دارد که در تمام مصنوعات فرهنگی ذاتی است (ویلیامز، ۱۴۰۰، ص. ۸۹). نظریه کارکردگرایی ساختاری به همراه کارکردگرایی اجتماعی رهیافت کلان اتخاذ می‌کند و بر این اساس بر تأثیر اجزا بر کل تأکید دارد. بدین‌ترتیب جامعه ایدئال آن عوامل متعدد نظارتی را دارد که از برخوردی دوستانه تا مجازات‌های سنگین را شامل می‌شود (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰، ص. ۷۳). این نقش نظارتی را رسانه‌ها هم عهده دارند. همان‌طورکه جامعه رشد می‌کند و پیچیده‌تر می‌شود، داشتن نگهبان و ناظر بر محیط اهمیت می‌یابد تا بقیه گروه‌ها در جامعه بتوانند به سایر فعالیت‌های کارکردی بپردازند. جوامع پیچیده برای نظارت گسترده‌تر به ارتباطات جمعی اتکا دارند و این کار را با گزارش‌های خبری انجام می‌دهند (پرس، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۱).

بر همین منوال نیز، نظریاتی در رابطه با رسانه‌های جمعی در مطالعات رسانه، وجود دارد که ماهیتاً به رهیافت‌های کارکردی ـ ساختاری باز می‌رسد؛ مثلاً لسول[2] وظایفی چون: ۱) حراست از محیط، ۲) همبستگی بین اجزای جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی، ۳) انتقال میراث اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، را برای وسایل ارتباط جمعی به‌مثابه سازمان اجتماعی که در خدمت کلیت جامعه است، برمی‌شمارد. به‌عبارتی سازمان‌های ارتباطی باید خود را بر اساس نیاز جامعه

1. Paradaim
2. lasswell

هماهنگ سازند. مرتن و لازارسفلد[1] نیز معتقدند آثار و کارکردهای وسایل ارتباط جمعی شامل این موارد است: وظیفه اخلاقی (حمایت از هنجارهای اجتماعی)، امکان اعطای پایگاه اجتماعی (این وسایل با دادن معروفیت به اشخاص و گروه‌ها به آشکار کردن یا ارتقای پایگاه‌های آنان می‌پردازند) و همچنین برخی وظایف نامطلوب (نظیر تخدیر اجتماع با ایجاد نوعی مشارکت خیالی در واقعیت و درعین‌حال با جانشینی بر عمل و فعالیت اجتماعی).

۳-۲-۲. مسئولیت اجتماعی رسانه

پس با فرض نقش نهادی رسانه، نظریه مسئولیت اجتماعی مطبوعات را هم که بعدها به تمام رسانه‌های جمعی تعمیم‌یافته را می‌توان در همین راستا و پاسخی به مشکلات موجود در رویکرد رسانه‌های آزاد یا لیبرال دانست. به‌عبارتی، اگر لیبرالیسم در کنه خود به‌معنای اباحه‌گری و آزاد گذاشتن افراد برای کسب منفعت و آمال فردی باشد، ضرورت و الزامی هم توجه افراد به امور اجتماعی را در این رویکرد به‌وجود می‌آورد. یعنی توجه به موقعیت و کنشی در راستای منافع جامعه. در این رویکرد، تأکید بر حداکثر استقلال برای رسانه‌ها است. این نظریه سعی می‌کند سه مقوله به ظاهر متعارض آزادی فرد، آزادی رسانه و تعهد رسانه به جامعه را با هم سازگار کند (مک‌کوئیل، ۱۳۸۲، صص. ۱۶۹-۱۷۱). مواردی چون: الف) تعهد رسانه به جامعه که این تعهدات شامل مواردی به مانند استانداردهای حرفه‌ای، آگاهی‌بخشی، حقیقت، دقت، عینیت و تعادل می‌شود. ب) عمل کردن رسانه‌ها در چهارچوب قانون و نهادهای مستقر خودگردان برای اجرای تعهدات. پ) مقابله با جرم و خشونت و بی‌نظمی اجتماعی و یا تهاجم به گروه‌های اقلیت توسط رسانه‌ها. ت) کثرت‌گرا بودن رسانه‌ها جهت پوشش گونه‌گونی‌های موجود در جامعه و دسترسی به نقطه‌نظرهای گوناگون. ج) مردم و جامعه حق بهره‌مندی از بهترین استانداردها را دارند، ازاین‌رو دخالت برای تضمین در عرضه این کالاهای عمومی قابل توجیه است. چ) پاسخگو بودن متخصصان رسانه در مقابل جامعه، کارفرمایان و بازار (مک‌کوئیل، ۱۳۸۲، صص. ۱۶۹-۱۷۱)؛ فلذا، در این رویکرد رسانه همچون سایر اجزاء نهادی، رسالت دفاع از جامعه و نظارت بر آن را عهده‌دار می‌باشد که رسانه محلی یکی از بازیگران عهده‌دار چنین نقشی است.

1. Merton and Lazarsfeld

۳-۲-۳. رسانه محلی

رسانه‌ها را می‌توان بر اساس مقسم شعاع عملکردی، تقسیم‌بندی نمود. بر همین منوال، رسانه محلی کوچک‌ترین عنصر در شعاع عملکرد و اثرگذاری است که چون نهاد محلی می‌تواند عمل نماید. اگرچه شاید هنوز تعریف جامع و نظریه مبین رسانه‌های محلی وجود نداشته باشد. با این‌حال از یک ایستگاه رادیویی کوچک در یک روستا تا یک شبکهٔ تلویزیونی استانی با چندصد کارمند را می‌توان رسانه محلی[1] دانست. رسانه‌هایی که به تولید محتوا پیرامون یک منطقه جغرافیایی یا یک گسترهٔ فرهنگی خاص می‌پردازند (صلواتیان و خوش‌بیان، ۱۳۹۷، ص. ۹). به‌نوعی رسانه محلی در برابر رسانه ملی یا منطقه‌ای یا حتی فراملی قرار می‌گیرد که کوچک‌ترین عنصر در این دایره عملکردی است. توضیح رسانه محلی به‌مثابه نهاد هم در قالب کارکردگرایی قابل و تفسیر و معنا دادن می‌شود. اگر از عنصر جذب‌کننده مخاطب برای رسانه محلی نام ببریم، این عنصر چیزی نیست جز عنصر مجاورت که مخاطبان را به‌سوی رسانه محلی سوق می‌دهد. به‌نوعی افراد به اخبار پیرامون خودشان بر اساس (عنصر خبری مجاورت) بیشتر از سایر اخبار علاقه دارند (شکرخواه، ۱۳۸۴، ص. ۳۴). پس رسانه محلی اگر محلی از اِعراب داشته باشد، محلِ مناسبِ جهانی اندیشیدن اما، محلی عمل کردن است. جام‌جهان‌بین شاید همین رسانه محلی است.

با وجود تعاریف مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با موضوع که در خطوط بالا و ذیل مبحث ملاحظات نظری انجام شد، این نوشتار با محوریت نظریه حکمرانی خوب، پیش رفته است. به‌عبارتی مضمون اصلی روش به‌کار گرفته شده، تحلیل یافته‌ها و بخش نتیجه‌گیری، رویکرد حکمرانی خوب شهری می‌باشد.

۴. روش پژوهش

۴-۱. روش و مدل مدنظر

روش تحقیق اتخاذ شده در این پژوهش از نوع روش کیفی است. یعنی برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و برای تحلیل آنها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تحقیق کیفی از حیث الگوواره‌ای منبعث از رویکردهای تفسیری ـ برساختی است. در این روش پژوهشی برخلاف روش کمّی، برای فهم و بررسی مسائل از آمار و ارقام استفاده نمی‌کنیم بلکه در پی تفسیر معانی هستیم که

1. local Media

برساخته سوژه‌ها از پدیده‌هاست. به‌بیان‌ساده‌تر روش کیفی به معانی ذهنی که افراد و جوامع به پدیده‌ها می‌دهند، توجه دارد. حال آنکه رسیدن به این معانی و تحلیل آن با روش‌هایی غیر از محاسبات آماری صورت می‌پذیرد. به‌زعم اشتراوس و کوربین[1]، تحقیق کیفی هرگونه شکلی از تحقیق است که یافته‌های آن با شیوه‌های کمّی و آماری کسب نشده است (سلطانی، ۱۳۹۶، ص. ۷۵). این غیرکمّی‌بودن در مرحله تحلیل داده‌ها بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد؛ مثلاً محقق با انجام مصاحبه یا مشاهده، داده‌هایی را کسب می‌کند، بعد این داده‌ها را از طریق مقوله‌سازی، بررسی ارتباط مفاهیم باهم و دیگر ابزارهای کیفی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

برای دستیابی به داده‌ها در روش کیفی سازوکارهایی وجود دارد که در آنها غالباً محقق نقش مداخله‌گرایانه دارد. داده‌های تحقیق کیفی از سه طریق مشاهده، مصاحبه و مشارکت أخذ می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۰، ص. ۹۰). با این تقسیم‌بندی، مصاحبه می‌تواند هم خود روش تحقیق قلمداد شود، هم روش گردآوری داده‌ها. گرچه بعضی محققان عقیده دارند روش‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق بیشتر شیوه گردآوری داده‌ها هستند تا نوعی روش کیفی مستقل (محمدپور، ۱۳۹۰، ص. ۹۰). به‌هرحال با هرگونه تعریف و تقسیم‌بندی، مصاحبه خود یک روش کیفی در پژوهش است که متون روشی هم، گونه‌شناسی‌های مختلفی را برای کرده‌اند. تمام اشکال مصاحبه را که در این کتاب‌ها آمده، می‌توان در این تقسیم‌بندی خلاصه کرد: ۱) مصاحبه ساخت‌یافته و منظم، ۲) مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و نیمه‌منظم، ۳) مصاحبه باز یا ساخت‌نیافته (محمدپور، ۱۳۹۰، ص. ۹۰).

با تعریف بالا مصاحبه عمیق را نیز می‌توان در دسته مصاحبه‌های باز یا ساخت‌نیافته جای داد. جایی که در آن محقق بدون طرح سؤال‌های از پیش تعیین‌شده، با مفاهیم و سؤال‌های اصلی که از پی‌رنگ تحقیق وی تشکیل شده، با متخصص حوزه مدنظر به گفتگو می‌نشیند. حسن روش مصاحبه غنای داده‌هاست که ماحصل اجماع نظرهای افراد متخصص، کارکرده و آشنا به موضوع تحقیق در زمینه خاص خود است. پس، یکی از کاربردهای مصاحبه انتقال دانش کارشناسانه درباره میدان تحقیق است (سالدانیا، ۱۳۹۵، ص. ۳۸).

۴-۲. جامعه آماری

برای پاسخ به سؤال‌ها و اهداف، این پژوهش از روش کیفی مصاحبه عمیق با

1. Strauss and Corbin

متخصصان، اعم از فعالان رسانه، شهرساز و پژوهشگر امور شهری استفاده کرده که درنهایت با ۱۴ نفر از آنها مصاحبه شده است.

۴-۳. نحوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل از روش «تحلیل مضمون» استفاده کرده‌ایم، به این شکل که ابتدا و پس از اشباع نظری داده‌ها، به استخراج مضامین از طریق کدگذاری اقدام کرده و در ادامه به امر مقوله‌بندی (تم‌سازی) آنها و درنهایت استخراج راهکارها پرداختیم. مضمون عبارت است از: عبارت یا جمله بسط‌یافته که مشخص می‌کند یک واحد از داده‌ها درباره چیست یا به چه معناست (سالدانیا، ۱۳۹۵، ص. ۲۶۷). به تعبیری هدف تحلیل مضمون، بالا رفتن از نردبان انتزاع است. جایی‌که شما در آن ایده‌های مصاحبه‌شوندگان و تجارب زیسته آنان و مضمون‌های بی‌شمار را در قالب‌های کلی‌تر مفهومی روایت می‌کنید. این روش فرایند ذهنی (اما قاعده‌دار) است که در آن روابط مفهومی بین متغییرها و مضامین شناسایی می‌شود (میرباقری، ۱۴۰۲، ص. ۴۹۵). از حیث مضمون‌بندی داده‌ها این روش به مانند تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل مضمون امکان آن را فراهم می‌کند که مقوله‌ها از دل داده‌ها و به شیوه استقرایی استخراج شود؛ البته که مضمون هرگز به راحتی تکوین نمی‌یابد. مضمون فرآورده تفسیر است (سالدانیا، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۵). در تحقیق کیفی در غایت کار این محقق است که معنا را با رعایت اصولی کشف می‌کند. مضمون‌بندی این امکان را برایتان فراهم می‌کند که با تأمل و تعمق در معنای کدهای کوتاه‌شده، ذات آنها را استخراج کنید (سالدانیا، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۵). تحلیل محتوا به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران روش تحقیقی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های مشخص در متن یا مجموعه‌ای از آنها استفاده می‌شود (میرباقری، ۱۴۰۲، ص. ۴۹۵). پس، مضمون‌سازی نیز راهی برای استخراج معنا از دل متن است. درنهایت، هدف نهایی از مضمون‌بندی داده‌ها استحصال یک مضمون فراگیر از پیکره داده‌ها، یا رسیدن به مضمونی جامع است که مضمون‌های مختلف را در تاروپود روایتی منسجم درهم ببافد (سالدانیا، ۱۳۹۵، ص. ۳۳۹). این مرحله از تحقیق به‌خاطر تناسب شیوه تحلیل داده موضعی یا تماتیک با مصاحبه عمیق، تم‌های اصلی را از طریق تحلیل مضمون اکتشاف کرده و در ادامه برای ارائه نتایج، شیوه روایتی و گزارش‌نویسی عام را در نظر گرفته است.

۴-۴. روایی و پایایی

قابلیت اعتماد یا روایی پژوهش یعنی آنکه تحقیق آن چیزی را به محقق نشان دهد که وی دنبال آن بوده است. درصورتی‌که با استفاده از ادبیات موجود، تعاریف نظری به شکل منطقی ارائه شده باشد، تحقیق دارای اعتبار صوری است (هرمزی‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۵)؛ البته که لازم است در استفاده از سنجه‌های پژوهش‌های قبلی محتاط بود و آنها را با دید انتقادی به‌کار گرفت (رایف؛ لیسی و جی.فیکو، ۱۳۸۱، ص. ۸۸). چنانچه ما در این پژوهش دو مؤلفه پاسخ‌دهی و پاسخ‌گویی را یکی انگاشته‌ایم. همین‌طور ازآنجاکه پایایی شرط اعتبار است؛ اما شرط کافی برای وجود آن نیست، مشخصاً استانداردهای اعتبار یا روایی اولویت بیشتری از استانداردهای پایایی دارد (کریپندورف، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۷). چیزی که در این نوشتار سعی بر توجه به آن شده بود، استفاده از سنجه‌های نظری در تحقیقات مشابه قبلی و ادبیات نظری موجود در رابطه با موضع پژوهش بوده است.

در ادامه با شیوه تحلیل مضمون و بهره‌مندی از نرم‌افزار مکس‌کی‌یودی‌ای[1]، این مصاحبه‌های تحلیل مضمون شدند. محتوای تحلیل شده برای هر مصاحبه به‌صورت جداگانه با مصاحبه‌شونده‌ها بررسی شد که تماماً با نمره بالای ۷ از ۱۰ به نزدیک بودن تحلیل صورت گرفته با آنچه مدنظرشان بود اشاره کردند. این کار برای رسیدن به قابلیت اطمینان که خاصه تحقیق کیفی است و به شکلی جایگزین اعتبار و پایایی است انجام شد. به‌عبارتی با اتکا به پدیدارشناسی ارتباطات، به نظر می‌رسد فهم یکسان و مشترک بالای ۶۰ درصد رقم خوبی جهت اطمینان و اعتبار به تحلیل، در شیوه تحقیق کیفی و گفتگوهای انسانی است.

۵. یافته‌های پژوهش

پس از بیان روش تحقیق و پیش از ارائه یافته‌ها، لازم است اشاره شود در این پژوهش ابتدا با استفاده از نرم‌افزار به‌کار رفته‌شده، مضمون‌های اولیه را که تعداد ۷۸۸ مضمون شده بودند، با سامان دادن از طریق ادغام مضامین مشابه و استحاله مضامین درهم، به شبکه مضامینی به ۱+۷۳ مضمون رسیده است (از مضامینی که در ارتباط با قسمت دیگری از پژوهش بود، صرف نظر شد. این نوشتار بخشی از آن است). درنهایت تمامی مضامین مرتبط در ۵ سازه نظری فراگیر (طبقه‌بندی کلی) جای گرفتند.

1. MAXQUDA

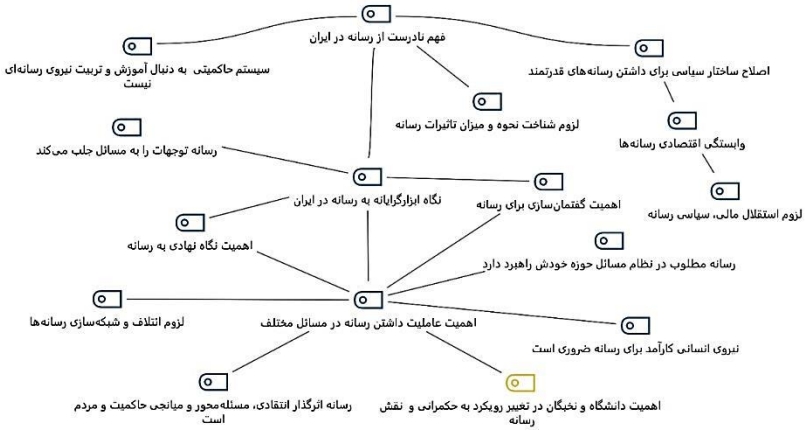
این ۵ سازه اصلی که در واقع برچسب اصلی مقولات بوده‌اند، شامل: ۱) وضعیت رسانه به‌طورکلی (در ایران)، ۲) وضعیت رسانه رسمی و رسانه غیررسمی (در ایران)، ۳) ماهیت رسانه محلی، ۴) وضعیت شهر در حکمرانی خوب، و درنهایت ۵) نقش رسانه محلی و حکمرانی خوب شهری، می‌باشد.

۵-۱. پاسخ به سؤال: نقش رسانه در تحقق حکمرانی خوب در ایران چیست؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا باید مستقلاً خود رسانه را بررسی می‌کردیم. رسانه به‌عنوان نهاد میانجی اجتماعی به علت فهم نادرست از ماهیت میانجیگرانه‌اش بعضاً دچار کژکارکردی‌هایی می‌شود که این موضوع شاید لزوم اصلاح ساختار سیاسی برای در اختیار داشتن رسانه‌های قدرتمند مستقل چه به‌لحاظ مالی چه به‌لحاظ سیاسی برای اثرگذاری بیشتر ایجاب کند. در این بین حاکمیت می‌تواند نقش اساسی را در آموزش و تربیت نیروی رسانه‌ای ایفاء کند. اهتمام به تربیت نیروی دغدغه‌مند و نخبه بومی توسط دولت لازمه این کار است.

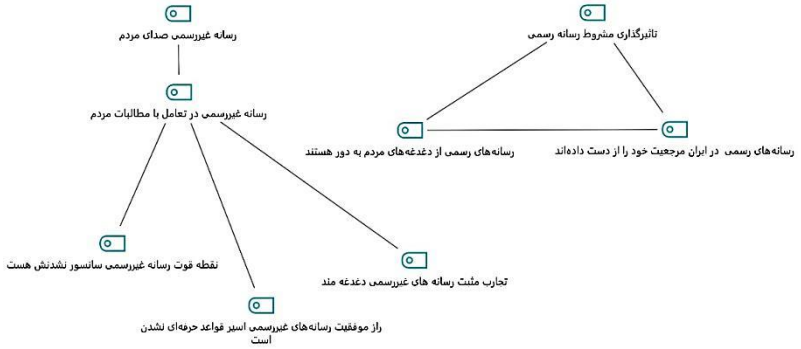
یعنی رسانه‌ها در عرصه کنونی اجتماعی برخلاف تصور رایج که عمدتاً برخلاف اعتقاد اهالی رسانه و محققان این عرصه است، تأثیرات قدرتمند، سریع و جادویی ندارد. یعنی به عقیده غالب مصاحبه‌شوندگان و تحقیقات سالیان اخیر رسانه تأثیرخود را به‌صورت مشروط و مرحله‌ای بر افکار عمومی می‌گذارد. به‌واقع ذهن مخاطب به‌سان لوح سفیدی نیست که به راحتی از سمت ارباب رسانه شکل‌پذیر شود. افکار عمومی، طبقه و قشر اجتماعی، صاحبان قدرت اجتماعی، نزدیکان و... هم عاملیت خود را در این بین بازی می‌کند. باوجوداین رسانه مطلوب با عاملیت خود، راهبردی عمل می‌کند. حال در حکمرانی، گذر از این نگاه که رسانه‌های رسمی ما را به روابط عمومی دستگاه‌ها تبدیل کرد، دست‌کم می‌تواند مشکل مرجع نبودن و دور بودن آنها از دغدغه‌های مردم را تعدیل کند. باوجوداین رسانه‌های رسمی در ایران توانایی بالقوه‌ای در پاسخگو کردن مسئولان و دستگاه‌های حاکمیتی دارند. از طرفی ظهور و گسترش رسانه‌های غیررسمی در کنار دوربودن رسانه‌های رسمی کشور از دغدغه‌های مردم، باعث از دست رفتن مرجعیت رسانه‌های غیررسمی شده است. در این بین رسانه‌های غیررسمی اعتماد بیشتری را از مردم جلب کرده که عملاً به تعامل با مطالبات مردم بودن آنها منجر می‌شود. از دلایل موفقیت این رسانه‌ها اسیر قواعد حرفه‌ای نبودن، سانسور نشدن و یا کمتر مورد اعمال نفوذ گشتن آنهاست که

برای رسانه‌های دغدغه‌مند و مسئله‌محور خصوصاً در حوزه مسائل شهری امتیاز صدای مردم بودن را به همراه داشته است؛ البته که ناشی بودن خبرنگاران این حوزه به علت حرفه‌ای نبودن، خراب کردن وجه خبرنگاران و رسانه در بین مردم و حکمرانان را هم به همراه دارد. ضمن اینکه خطر مرعوب، ملعوب و مطموع عناصر قدرت و ثروت شدن، برای این رسانه‌ها و افراد فعال در آن وجود دارد. به‌طور کلی برای اثرگذاری بیشتر رسانه لازم است با دوری از نگاه ابزارگرایانه به رسانه و با درنظرگرفتن عاملیت آن گفتمان مناسب برای رسانه شکل گیرد. که این رسانه می‌تواند توجهات را به مسائل مختلف و نیز (حکمرانی) جلب کند. این رسانه عاملیت‌دار با راهبرد مناسب در حوزه مسائل خودش و نیز جذب نیروی انسانی کارآمد، رسانه‌ای انتقادی، مسئله‌محور را می‌تواند بسازد که میانجی حاکمیت و مردم می‌شود.



شکل (۱): نگاره مضامین سازمان‌دهی شده مربوط به رسانه به‌طورکلی

اما تقسیم رسانه‌ها به دو دسته رسانه‌های رسمی و رسانه‌های غیررسمی بر اساس تأمین‌کننده مالی آن صورت می‌گیرد. رسانه رسمی، رسانه‌هایی را شامل می‌شود که تأمین‌کننده مالی آن عمدتاً نهادهای رسمی دولتی هستند. رسانه‌های غیررسمی، رسانه‌هایی هستند که بیشتر مرتبط با اقشار و گروه‌های مختلف مردمی بوده و ارتزاقی از بودجه عمومی ندارند. دسته اول رسانه‌های عمدتاً سنتی مانند تلویزیون و روزنامه را شامل می‌شود و رسانه‌های غیررسمی بیشتر بر روی بسترهای نوین رسانه‌ای فعال هستند. مانند کانال‌های تلگرامی، گروه‌های واتساپ و ...

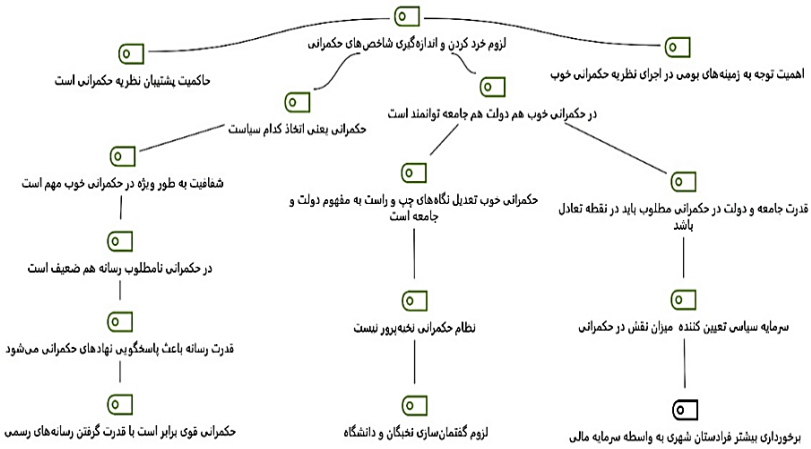


شکل (۲): نگاره مضامین سازمان‌دهی‌شده مربوط به رسانه رسمی و رسانه غیررسمی

۵-۲. پاسخ به سؤال: چالش‌ها و فرصت‌های رسانه محلی در جایگاه نهاد اجتماعی برای تحقق حکمرانی خوب شهری در ایران چیست؟

پرداختن به مسئله چالش‌ها و فرصت‌ها نگاه ترازی از موضوع را به ما می‌دهد که می‌توانیم مسئله را در تعادل بهتری ببینیم. در همین رابطه تحلیل یافته‌ها حاکی از این است که در حکمرانی نامطلوب رسانه هم ضعیف است. به مدد قدرت گرفتن و تقویت نظام حکمرانی که ناظر به قدرت همه بخش‌های جامعه است، رسانه هم می‌تواند نهادهای حکمرانی را پاسخگو کند. نکته دیگر به تعادل رسیدن قدرت جامعه و دولت در حکمرانی خوب است. جنبه مثبت اینجاست که حاکمیت در ایران پشتیبان نظریه حکمرانی است. گرچه لازم است با زدودن اغشاش نظری از آن و با توجه به زمینه‌های بومی سیاست مناسب اتخاذ شود. اگر با عینک رسانه‌ای بنگریم، شفافیت به‌طور ویژه در حکمرانی اهمیت می‌یابد. جایی که در حکمرانی مطلوب، رسانه باعث پاسخگویی نهادهای حکمرانی می‌شود.

در این حکمرانی خوب که قدرت جامعه و دولت در نقطه تعادل است، یک چالش برخورداری بیشتر فرادستان شهری به‌واسطه سرمایه سیاسی و سرمایه مالی آنها در تحقق امیال و اهدافشان در نظام حکمرانی شهری ایران است. جایی‌که نیاز به عدالت رسانه‌ای بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد. به‌هرحال در همین وضع، نخبگان می‌توانند در رسیدن به وضع مطلوب در حکمرانی نقش مهمی ایفاء کنند. ازاین‌رو اهتمام نظام حکمرانی به گفتمان‌سازی و نخبه‌پروری در این زمینه نیاز است.



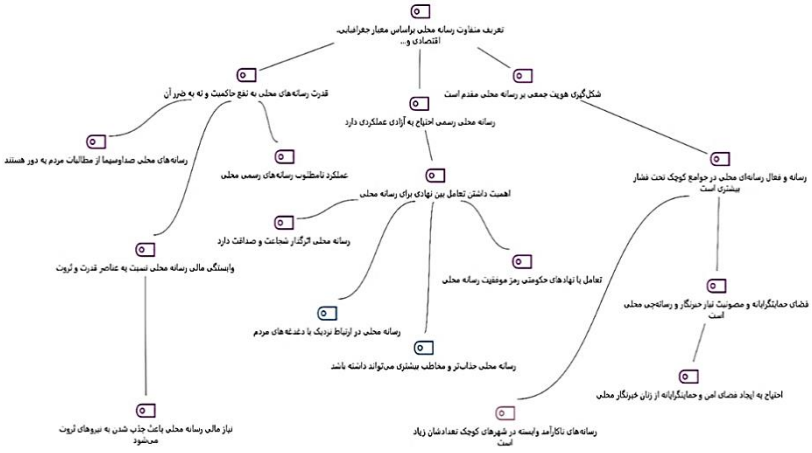
شکل (۳): نگاره مضامین سازمان‌دهی‌شده مربوط به حکمرانی خوب و شهر

از طرفی، تعریف رسانه محلی می‌تواند از حیث سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی متفاوت باشد. می‌توان این فرض را در مورد جامعه و رسانه محلی در نظر داشت که هر اجتماعی که اساس و بنیان هویتی خاص و متمایزکننده‌ای به نسبت دیگری دارد، یک نوع جامعه هویتی مستقل است. که گاه این هویت در مرزبندی‌های سیاسی ـ جغرافیایی یک کشور نمود می‌یابد. پس با این نگاه، رسیدن به هویت محلی مقدم بر رسانه محلی است. پس از آنکه می‌توان با تعامل با نهادهای حکومتی، شبکه‌سازی با سایر رسانه‌ها و داشتن صداقت و شجاعت که پیش‌نیازش آزادی عملکردی است در فضای حمایت‌گرانه بر اساس قانون و ساختار درست رسانه محلی مطلوب و اثرگذار را داشت.

اما فشارهای بیشتر و فضای کار سخت‌تر برای رسانه‌های در محیط‌های کوچک‌تر مشخصاً رسانه‌های غیررسمی، لزوم شکل‌گیری فضای حمایت‌گرانه برای این رسانه‌ها و فعالان رسانه در این حوزه را به‌وجود می‌آورد. به‌خصوص اینکه رسانه‌های وابسته ناکارآمد که جذب قدرت و ثروت می‌شوند، در فضای محلی و خصوصاً شهرهای کوچک زیادتر بوده و این کار را برای رسانه‌های متعهد و دغدغه‌مند سخت‌تر می‌کند. در چنین فضایی رسانه محلی باید برای اثرگذاری بهتر تعامل خوب نهادی با سایر نهادها برقرار کرده تا صداقت و شجاعت و حرفه‌ای‌گری بتواند اثرگذاری بیشتری بر امور محلی و شهری به‌واسطه نزدیک بودنش به دغدغه مردم بر اساس جذابیتش برای مخاطبان داشته باشد.

به هرترتیب قدرت رسانه‌های محلی به نفع حاکمیت است. چیزی که اکنون

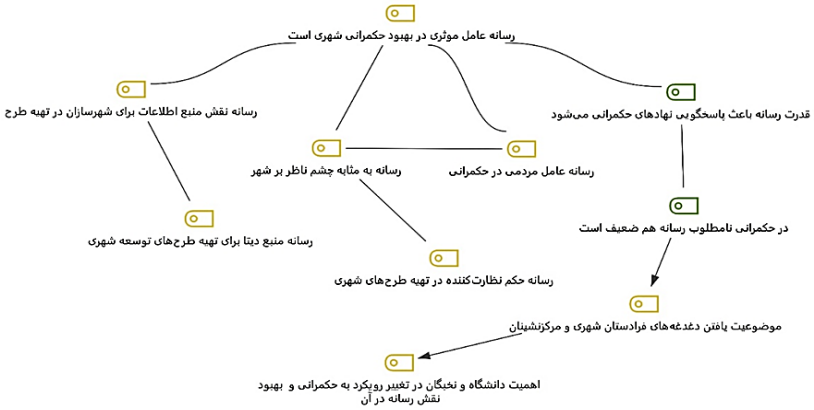
شاهد هستیم غالباً رسانه‌های محلی صداوسیما و به‌تبع آن رسانه‌های رسمی از مطالبات مردم به دور هستند. این در حالی است در جایی که آنان مطالبات مردم را پیگیری کرده‌اند به پاسخگویی مسئولان منجر شده است.



شکل (٤): نگاره مضامین سازمان‌دهی‌شده مربوط به رسانه محلی

۵-۲-۱. نقش رسانه‌های محلی برای حکمرانی خوب شهری در ایران چیست؟

درنهایت، قسمت یافته‌های پژوهش را با این جمع‌بندی با محوریت سؤال آخر به پایان می‌بریم که از مصاحبه‌های صورت پذیرفته شده، برای نقش رسانه در حکمرانی خوب شهری، چهار مقوله کلان: «۱. قدرت رسانه باعث پاسخگویی نهادهای حکمرانی می‌شود، ۲. رسانه به‌مثابه عامل مردمی در حکمرانی، ۳. رسانه چشم ناظر بر شهر، ۴. رسانه منبع کسب اطلاعات برای شهرسازان در تهیه طرح‌های توسعه» استخراج شد. سه مورد اول کارویژه‌ای است که رسانه در آن اثرگذار فعال خواهد بود و مورد آخر هم تأثیری است که به شکل غیرمستقیم حاصل می‌شود و در دسته عملکردی برای رسانه محلی قرار نمی‌گیرد؛ اما خروجی عملکرد مثبت آن خواهد بود. ازاین‌رو مورد چهارم در این نوشتار جای نگرفته است. شرح مابقی مضامین نیز پیش‌تر رفته است.



شکل (۵): نگاره مضامین سازمان‌دهی‌شده مربوط به نقش رسانه محلی در حکمرانی خوب شهری



شکل (٦): نگاره مضامین اولیه با تکرار بیش از ۱۰ بار در مصاحبه‌ها

نتیجه‌گیری

این پژوهش با این پیش‌فرض که حکمرانی خوب شهری با حضور رسانه معنا و

خروجی متفاوتی می‌یابد، آغاز شد. این رویکرد را از آن‌جهت که امروزه در کشور بیش‌ازپیش مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد، انتخاب شده است. چراکه مسائل عدیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی حال حاضر ایران بدون توجه به شیوه مناسب و مقتضی از حکمرانی محکوم به شکست و ایجاد بحران‌های اجتماعی است. یکی از این بحران‌ها، مسائل مربوط به مدیریت شهری در سال‌های اخیر بوده است. آنچه در این پژوهش مدنظر بود، بررسی نقش رسانه، خاصه رسانه محلی در ارتقاء حکمرانی خوب شهری بوده است. در خروجی پس از تحلیل داده‌ها آنچه عیان شد، نقش مستقل و اثرگذار رسانه را در حکمرانی است. به‌عبارتی لازم است به استقلال رسانه در این خصوص توجه شود. در تحقیقات پیشین بعضاً محققان به نقش دوسویه رسانه هم به‌عنوان ابزار شهروندان و هم به‌عنوان ابزار حکومت اشاره کرده‌اند؛ اما آنچه در این تحقیق به علت تحدید موضوع و مسئله به شکل دقیق‌تری مستفاد شد، این بوده است که رسانه بیش از آنکه ابزار حکومت باشد ابزار شهروندان در حکمرانی است. درست است که حکومت می‌تواند در فرایند آموزش شهروندی، اطلاع‌رسانی و... از رسانه استفاده کند؛ اما در ید کامل نهادهای حکومتی مثل شهرداری و امثالهم قرار گرفتن رسانه بیشتر به تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا) می‌انجامد تا نهاد میانجی اجتماعی که ابزار اتصال حکومت، نهادهای اجتماعی و شهروندان باهم است. پس در ساحت حکمرانی نقش رسانه با کارکردهای ویژه آن در دیگر ساحت‌ها کمی متفاوت می‌شود. یعنی بیش از آنکه عملکردی دوطرفه داشته باشد، عامل به تعادل رسیدن قدرت شهروندان در مقابل دیگر نهادهای اجتماعی خصوصاً نهادهای حکومتی است. با این نگاه به نقش رسانه در حکمرانی در حوزه پژوهش حاضر، توان رسانه در پاسخگونمودن مسئولان، خصوصاً رسانه‌ها رسمی و مشخصاً صداوسیما، خصوصاً به علت ساختارهای سیاسی موجود در ایران، استنباط شد. از طرفی توانمندشدن مردم در کلیت حکمرانی توسط رسانه که این موضوع توسط رسانه‌های غیررسمی امکان‌پذیرتر بوده است. اگرچه تهدیدها و ضعف‌هایی هم در این حوزه وجود دارد. ولیکن با هر زاویه دید که بنگریم، رسانه می‌تواند ابزار مردمی در حکمرانی باشد. درنهایت نیز باید به نقش نظارتی و همیشگی رسانه در پایش و نظارت اجتماعی اشاره کرد که البته این موضوع در بحث‌های نظری و پژوهش‌های پیشین هم به آن اشاره شده است که از حیث اهمیت در اینجا ذکر شد که این موضوع در حوزه مسائل شهری کارویژه سهل‌الوصول‌تر و اساسی‌تری هم می‌تواند باشد. با عنایت به اینکه حتی مشکلات و مصائب زیادی برای رسانه و فعال رسانه‌ای محلی خصوصاً در

جوامع کوچک وجود دارد که شاید بررسی‌های این تحقیق گره‌ای از آن باز کند.

پیشنهادهای آتی و توصیه‌ها

آنچه از این پژوهش به‌دست آمد، پیشنهادهای عملیاتی جهت گذر به وضعیت مطلوب برای جستجوگران مسئله بیان شده، و علاقه‌مندان به فعالیت در این حوزه عرضه داشته که در سه بند زیر ارائه شده است:

۱- در نظر گرفتن چند شاخص از نماگرهای مختص به حکمرانی خوب به‌عنوان متر و معیار سنجش برنامه‌ها؛ مثلاً همان‌طورکه در ارائه خبر به ارزش‌ها و عناصر خبر توجه می‌شود به چگونگی عملیاتی شدن نماگرهای حکمرانی خوب در برنامه‌های مخصوص به مسائل شهری اندیشیده شود.

۲- خروجی این پژوهش چهار حوزه تأثیر رسانه بر حکمرانی خوب شهری را مشخص ساخت؛ به‌طورنمونه در مورد مؤلفه پاسخگو نمودن مسئولان و نهادهای حکمرانی، ژورنالسیم تحقیقی بیشترین تأثیر را خواهد گذاشت که این علاوه‌بر ناظر جامعه بودن رسانه، می‌تواند درنهایت عامل پاسخگویی مسئولان نیز بشود.

۳- خبرنگار و فعال رسانه‌ای در این حوزه، باید به نقش مردمی رسانه خود و تأثیرگذاری‌اش بر کلیت حکمرانی آگاه بوده و مراقب تطمیع و فریب باشد تا اثرگذاری مناسبی را در بهبود حکمرانی داشته باشد.

فهرست منابع

احمدزاده کرمانی، روحا... (۱۳۹۰). *بازاندیشی در فرهنگ و رسانه*. تهران: چاپار.

برک‌پور، ناصر (۱۳۸۱). *گذر از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران (موردپژوهی: همدان ـ اسلامشهر)*. (رساله دکتری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پرس، الیزابت ام. (۱۳۹۳). *اثرات رسانه‌ای و جامعه*. ترجمه منتظر قائم و احسان شاه‌قاسمی، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.

تقوایی، علی‌اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۲۳(۱۰)، ۴۵-۵۸.

رایف، دانیل؛ لیسی، استفن و جی فیکو، فردریک (۱۳۸۱). *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق*. ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: سروش.

سالدانیا، جانی (۱۳۹۵). *راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی*. ترجمه عبدا... گیویان، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

سلطانی، حنیف (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی اخبار اعتراضات زمستان ۱۳۹۶*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.

سورین، ورنر جی و تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شکرخواه، یونس (۱۳۸۴). *خبرنویسی مدرن*. تهران: خجسته.

صلواتیان، سیاوش و خوش بیان، ابوذر (۱۳۹۷). تدوین راهبردهای مطلوب برای شبکه‌های تلویزیونی استانی صداوسیما از دیدگاه مدیران رسانه ملی و کارشناسان رسانه. *مجله رسانه*، ۱۱۱(۲۹)، ۹-۳۰.

علاءالدینی، پویا و سادات پورمیرغفاری، مریم (۱۳۹۷). مدیریت محله و شورایاری در تهران: ارزیابی حکمروایی خوب شهری در حسن‌آباد زرگنده. *نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱(۷)، ۲۵-۵۲.

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳). *مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری*. تهران: تیسا.

فاضلی، نعمتا... (۱۳۹۲). *فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهر*. تهران: تیسا.

کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*. ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.

کریمی، محمود (۱۳۸۵). *تحلیل محتوای اخبار ساعت ۲۳ شبکه استانی زنجان بر اساس کارکردهای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *ضدروش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی*. تهران: انتشارات لوگوس.

مک‌کوئیل، دنیس (۱۳۸۲). *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*. ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

موحد، ضیاء (۱۳۸۷). *البته واضح و مبرهن است که... رساله‌ای در مقاله‌نویسی*. تهران: نیلوفر.

میدری، احمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۶(۲۲)، ۲۶۱-۲۸۷.

میرباقری، سیدمحسن (۱۴۰۲). شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا. *نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲(۲)، ۴۸۴-۵۲۶.

نبی‌زاده، تکتم؛ توحیدفام، محمد؛ داوودی، علی‌اصغر و صفاوردی، سوسن (۱۴۰۲). سنجش تأثیر رابطه رفتارهای غیراخلاقی در کاهش اعتماد اجتماعی شهروندان به حکمرانی خوب؛ مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد. *نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲(۲)، ۷۱۶-۷۴۳.

ویلیامز، کوین (۱۴۰۰). *فهم نظریه رسانه‌ها*. ترجمه احسان شاه‌قاسمی و گودرز میرائی، تهران: جامعه‌شناسان.

هرمزی‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۸). *جزوه درس روش تحقیق*. نوشته علی رجبی، دانشکده ارتباطات و رسانه: دانشگاه صداوسیما.

Dunu, Ifeoma (2013). Jood governance in Nigeria: what roll for the media. Europan scientific journal, 9(32), 178-196.

Jeffres, leo w. (2010). The Communicative City: Conceptualizing, Operationalizing, and Policy Making. *Journal of Planning Literature*, 25(2), 99-110.

References

Ahmadzadeh Kermani, R. (2018). Rethinking culture and media, Tehran: Chapar. (In Persian)

Alaedini, Poya & Sadat Pourmirghafari, Maryam (2017). Neighborhood management and councilorship in Tehran: evaluation of good urban governance in Hassan Abad Zargandeh. Motaleat va tahghighat-e ejtemaei dar Iran, 1(7), 25-52. (In Persian)

Barakpour, N. (1381). Transition from urban government to urban governance in Iran (case study: Hamadan-Islamshahr). Doctoral Thesis: University of Tehran. (In Persian)

Dunu, Ifeoma (2013). Good governance in Nigeria: what roll for the media. Europan scientific journal, 9(32), 178-196.

Fazeli, N. (2012). culture and city; Cultural turn in city discourses. Tehran: Tisa. (In Persian)

Ghaffari, Gholamreza. (2013). Proceedings of the Scientific Conference on Good Urban Governance. Tehran: Tisa. (In Persian)

Hormazizadeh, Mohammad Ali (2018). Research method course booklet. Written by Ali Rajabi. Faculty of Communication and Media: IRIB University. (In Persian)

Jay Sorin, Werner, and James Tankard. (1979). Communication theories. Translated by Alireza Dehghan, Tehran: Tehran University Press. (In Persian)

Jeffres, leo W. (2010). The Communicative City: Conceptualizing, Operationalizing, and Policy Making. journal of Planning Literature,

25(2), 99-110.
Karimi, Mahmoud (1385). Analysis of the content of news at 11 pm of Zanjan provincial network based on the functions of professional journalism. Master's thesis. IRIB University. (In Persian)
Krippendorf, Kloss (1980). Content analysis: methodological basics. Translated by Hoshang Naibi, Tehran: Nashr-e ney. (In Persian)
M. Press, Elizabeth (2001). Media and society effects. Translated by Mehdi Montazeral ghaem and Ehsan Shahghasmi, Tehran: markaz tahghighat sedavasima. (In Persian)
McQuail, Dennis (1983). An introduction to mass communication theory. Translated by Parviz Ajlali, Tehran: markaz tahghighat sedavasima. (In Persian)
Midari, A. (2015). Introductions to the theory of good governance. refah-e ejtemaei Research Quarterly, 6(22), 261-287. (In Persian)
Mirbagheri, S. M. (1402). Identifying governance methods using social content analysis and social cultural tools. Rahbord ejtemaei va farhangi journal, 12(2), 484-526. (In Persian)
Mohammadpour, Ahmad (2010). Anti-Methodology: Philosophical Backgrounds and Scientific Procedures in Qualitative Methodology. Tehran: Logos Publications. (In Persian)
Movahed, Z. (2007). It is clear and obvious that... treatises on essay writing. Tehran: Nilofar. (In Persian)
Nabizadeh, T.; Tohidfam, M.; Davoudi, A. A. & Safaverdi, Sosan (1402). Measuring the impact of unethical behavior in reducing social trust in good governance; Case study: Mashhad metropolis. Rahbord ejtemaei va farhangi journal, 12(2), 716-743. (In Persian)
Rife, Daniel; Stephen, Lacey & Frederick J. Fico (1998). Analysis of media messages, application of quantitative content analysis in research. Translated by Mahdekht Boroujerdi Alavi, Tehran: Soroush. (In Persian)
Saldana, Johnny (2013). A Coding Guide for Qualitative Researchers. Translated by A Givian, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
Salvatian, Siavash & Abozar khoshbayan (2017). Compilation of optimal
Shokarkhah, Yunus (1384). Modern journalism. Tehran: khojaste. (In Persian)
Soltani, Hanif (2016). Pathology of the news of protests in winter 2016. Master's thesis. IRIB University. (In Persian)
strategies for Sedaosima provincial TV channels from the point of view of national media managers and media experts. resane Journal, 111(29), 9-30. (In Persian)
Taqavai, A. A. & Rasool Tajdar. (1388). An introduction to good urban governance in an analytical approach. Modiriat-e shahri Quarterly, 23(10), 45-58. (In Persian)
Williams, Kevin (2003). Understanding media theory. Translated by Ehsan Shahghasmi and Gudarz Miraei, Tehran: Sociologists. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۰۳۹-۱۰۷۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

مقاله پژوهشی

بررسی جریان‌های فکری بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران

علیرضا پیروزمند
استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
andishe.ar@gmail.com 0000-0000-0000-0000
محسن زنگنه
دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
mzmg2021@gmail.com 0009-0001-8096-9780
امیرحسین ذوالانواری
دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی، تهران، ایران.
zolanvari.ah@gmail.com 0000-0000-0000-0000

چکیده

مهم‌ترین صفت جداکننده و وجه تمایز مکاتب غرب و شرق، وجود تفکر سکولاریسم است. از این تفکر به‌عنوان جنگ نرم و اسب تروا، و پرورش‌دهنده نیروی دشمن در داخل کشور یاد نموده‌اند. روشنفکران در هر دوره، با جامه‌های مثل اصلاح‌طلبی، نوگرایی، تجدیدنظرطلبی و... خود را نمایان می‌کنند. روشنفکران سکولاریسم با اندیشه‌های غرب‌زده خود در معادلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور از زمان تولد در دوره قاجار تاکنون مؤثر بوده و بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران، جریان‌ساز تفکر غیراسلامی‌اند. سکولاریسم‌ها، درپی ایجاد تغییرات اساسی در اصول مسلمانی‌اند. رسوب تفکرات سکولاریسم در بعضی از لایه‌های مدیریت راهبردی و کلان فعلی کشور و شناختن اصل این تفکر و اندیشه‌های شرقی و غربی می‌تواند ما در حوزه‌های گوناگون مصون نماید. هدف اصلی پژوهش: بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران دارای چه تفکری بودند و جریان فکری و خاستگاه فکریشان از کجا سرچشمه می‌گرفت؟ مقاله در صدد است نوع نگرش جریان را از منظر نفوذ فرهنگی در سه حوزه دین، علم و فناوری و الگوی پیشرفت بررسی نماید. روش پژوهش، از نوع توصیفی ــ تحلیلی، با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. نتیجه پژوهش؛ خاستگاه فکری سکولار در ایران مکتب مارکسیسم، لیبرالیسم بوده و با تأکید بر مردم‌سالاری و نفی دین بر اهمیت جدایی دین از سیاست و جهت بی‌راهه کشاندن توده‌های مسلمان و تحقیر علمای اسلامی و غرب باوری و رواج مکتب ناسیونالیسم و لیبرال و عقاید پوزیتیویستی و آیین باستان زرتشت فعالیت داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: جریان‌شناسی فکری، سکولاریسم، روشنفکر، بنیان‌گذاران، ایران.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.419676.1507

CC BY OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

روشنفکر و جریان روشنفکری، یک دیگری در میان خود است. نشانه‌ها و خاستگاه پیدایش سکولاریسم در غرب به‌عنوان روشنفکر، به قرن شانزدهم میلادی برمی‌گردد که نهضت دینی پروتستانیسم با اصلاحات دینی در اروپا آغاز و تغییراتی در جهان مسیحیت به‌وجود آورد. پروتستان به معنی معترض می‌باشد و در مسیحیت دو گروه «کاتولیک سنتی» و پروتستان یعنی «پویا معترض به حالت سنتی» به‌وجود آورد. پیروان این نهضت کسانی بودند که غرض اصلی آنها اصلاح دستگاه کلیسا و دیانت مردم بود و این عکس‌العمل، واکنشی بود در مقابل استبداد و حاکمیت ظالمانه کلیسا و دستگاه انگیزیسیون (تفتیش عقاید) در قرون وسطی. در غرب، تفکر کلیسایی مانعی در برابر رشد و شکوفایی فناوری و علم جدید بود و به‌همین‌دلیل این مانع را روشنفکران غرب کنار زدند و حاصل آن جدایی دین از سیاست و تسلط ماده‌گرایی بر جوامع غربی بود. در ایران هم با اعزام تعدادی از رجال در دوره قاجار توسط عباس میرزا به اروپا برای تحصیل و أخذ تجربه اروپاییان در استفاده از جنگ‌افزارها در مقابل حمله دشمنان، پس از برگشت این گروه شاهد پیدایش و تولد و ظهور جریان روشنفکری سکولاریسم با اندیشه غربی در مناسب حکومتی آن دوران هستیم. ازآنجایی‌که اسلام و فرهنگ امامت و ولایت در ایران محکم‌ترین سد در مقابل استعمارگران بود، روشنفکران داخلی به تأسی از اربابان خود همیشه در مقابل دین و اسلام و فرهنگ امامت و ولایت فقیه بایستند تا این مانع را از جلوی پای استعمارگران بردارند. روشنفکرانی چون آخوندزاده تحت تأثیر فرهنگ غربی و بدون توجه به زمینه‌های چنین حرکتی در غرب و عدم وجود این زمینه‌ها معتقد به ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در اسلام و ایران می‌شوند و به اصطلاح پروتستانیسم اسلامی شناخته می‌شوند تا در اسلام مواردی را بیابند که از نظر آنها بایستی مورد تجدیدنظر و در دین را از زندگی اجتماعی محو سازند. سلب کارایی و مفید بودن اسلام، از وظایف اصلی روشنفکران بوده و می‌خواهند اسلام را مکتبی معرفی نمایند. جریان روشنفکری همواره فرهنگ غرب را یا غرب‌زدگی یا افکار غیرمذهبی ترویج و روشنفکر خود را تافته‌ای‌جدابافته می‌داند، چراکه از دیار غرب معتقد است مهد تمدن و مردم‌سالاری و آزادی است الهام می‌گیرد و ملت و توده‌های مردم را عناصری سنتی، عقب‌مانده و بی‌نصیب از تفکری روشن می‌داند و درواقع پیوندی با فرهنگ اسلام و ایران و ارتباطی با مردم ندارد و اگر از اسلام یا ملیت ایرانی سخن بگوید اسلام غربی یا ملیت غربی پایه سخن اوست

(بادامچیان، ۱۳۸۷).

«آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه این ۱۵۰ تا۲۰۰سال اخیر را درست خوانده‌اند یا نه؟ تاریخچه این ۱۵۰-۲۰۰ سال اخیر از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ چه حوادثی بر این کشور گذشته است؛ اما غربِ مسلّطِ به فناوری و علم، روزی که خواست در ایران، پایگاه تسلّط خودش را مستحکم کند، از راه روشنفکری وارد شد. از میرزا ملکم‌خان‌ها تا تقی‌زاده‌ها، این روشنفکریِ دوران قاجار است. روشنفکری ایران، متأسفانه بیمار و وابسته متولّد شد. چند نفری هم که آدم‌های سالم و خالصی بودند، گم شدند. بقیه، وابسته بودند. بعضی وابسته به روسیه آن روز مثل میرزافتحعلی آخوندزاده یا وابسته به اروپا و غرب مثل‌میرزا ملکم‌خان و امثال این‌ها بودند. این کارها در داخل ایران شده بود؛ لکن بُردی نداشت» (بیانات رهبرانقلاب در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۵/۲۱).

با بررسی تاریخ صدساله و نه‌چندان دور در ایران، تأثیر جریان فکری سکولار را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران به وضوح می‌بینیم.

گرچه سکولاریسم در ابتدا در دنیای مغرب زمین رشد کرد؛ اما طولی نکشید که دامنه خود را گسترش داد و به دیگر سرزمین‌ها و کشورها نیز نفوذ کرد. در کشور ما هم برخی روشنفکران غرب‌زده درصدد وارد کردن این اندیشه به داخل کشور برآمدند و در بومی‌سازی آن کوشیدند. سکولاریسم در ایران به اوایل عصر قاجار باز می‌گردد که برخی از منورالفکران آن زمان مطرح کردند، بعد از آن در زمان رضاخان و محمدرضا شاه شاهد حاکمیت سکولاریسم هستیم. سکولاریسم در زمان رضاخان به‌عنوان یک سیاست ملی از طرف حکومت اجرا شد و غربی کردن ایران کلید خورد که نمونه‌های آن را در کشف حجاب اجباری و برداشتن چادر زنان و گذاشتن ریش را برای مردان و برگزاری مراسم مذهبی محرم و عاشورا را غیرقانونی اعلام کرد. سرانجام انقلاب اسلامی را باید نقطه آغاز افول سکولاریسم برشمرد. انقلاب اسلامی معلول تقابل دو نوع تفکر دینی و سکولار بود که درنهایت به غلبه تفکر دینی با رهبری امام راحل انجامید که نتیجه آن عقب‌نشینی و انفعال سکولاریسم بود؛ اما چند سالی است که برخی از روشنفکران درصدد معارضه با حکومت دینی برآمده و به جانبداری از سکولاریسم و جداسازی نهاد دین از قدرت سیاسی می‌پردازند؛ لذا با نگرش به خاستگاه اصلی این تفکر که غرب بوده و ازآنجایی‌که تاریخ در هر دوره‌ای تکرار و بروز و ظهور می‌کند و فقط اشکال و روش‌های آن متفاوت می‌شود و محتوی بدون تغییر است و آگاهی و شناخت بنیاد و مبدأ و ریشه هر جریانی، مثل جریان

سکولاریسم در ایران، می‌تواند مدیران راهبردی و تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان کشور را در مورد مسائل مشابه در کشور آگاه و مصون نموده و از تکرار تاریخ جلوگیری کرده و با تبیین تفکرات مؤسسان و تأثیرگذاران این جریان، نسبت به موضوع دین، علم، الگوی پیشرفت که از پایه‌های توسعه و پیشرفت هر کشور می‌باشند را از بروز و ورود مجدد این جریان و تفکراتش به سطوح راهبردی کشور و مناصب تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر جلوگیری به عمل آورد. با بررسی نظریات متفکران و اندیشمندان داخلی و خارجی ازجمله مقام معظم رهبری در مورد روشنفکر و سکولارها، این مقاله درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که منورالفکران نسل دوم مشروطه که به‌عنوان بنیان‌گذاران و برجسته‌ترین چهره‌های جریان سکولاریسم ایران ازجمله میرزا ملکم‌خان، آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف، کسروی به سه مقوله علم و فناوری، دین و الگوی پیشرفت چه دیدگاهی داشته و خاستگاه فکریشان از کجا سرچشمه می‌گرفته است؟

۱. هدف پژوهش

بررسی و شناخت جریان فکری بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران.

۲. سؤال‌های اصلی پژوهش

۱- بنیان‌گذاران جریان فکری سکولاریسم نسبت به موضوع دین چه تفکر و نگرشی داشتند؟

۲- بنیان‌گذاران جریان فکری سکولاریسم نسبت به موضوع علم و فناوری چه تفکر و نگرشی داشتند؟

۳- بنیان‌گذاران جریان فکری سکولاریسم نسبت به موضوع الگوی پیشرفت چه تفکرو نگرشی داشتند؟

۳. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نتیجه تحقیق	محقق / محل	سال
۱	تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، نقش روشن فکران وابسته، (میرزا ملکم‌خان)، جلداول	جریان روشنفکری در ایران، از مفهوم و محتوای حقیقی خود خالی بوده است و به‌جای نقش مثبتی که می‌توانسته در حیات و اعتلای ملت داشته باشد، به تخریب فرهنگ اسلامی، ملی و باورهاو توانایی‌های ملت ایران	قدر ولایت	۱۳۸۶

ردیف	عنوان	نتیجه تحقیق	محقق / محل	سال
		پرداخته و در خدمت سیاست‌های استکباری، به‌ویژه در بعد تحمیل فرهنگ مبتذل و مغایر با مصالح ملت، قرارگرفته‌اند. به‌طورکلی مخالف روحانیت در جامعه و دین را مؤلفه کارآمدی نمی‌پذیرد.		
۲	تاریخ تهاجم، آخوندزاده، جلد ۳	به جدایی دین از سیاست اعتقاد و دین را عامل عقب‌ماندگی می‌دانست. تفسیر و برداشت شخصی از دین را در هر عصری را معتقد بود.	قدر ولایت	۱۳۸۶
۳	تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، آقاخان کرمانی، جلد ۶	کرمانی با نگاه به وضعیت اروپا و مقایسه آن با ایران در این دوره به کنکاش در باب علل عقب‌ماندگی پرداخت. او با آگاهی‌یافتن از مؤلفه‌های حکومت‌مندی مدرن به انتقاد از وضعیت جامعه سنتی ایران پرداخت و سعی کرد تا با طرح ایده حکومت مدرن، آن را راهکار خروج ایران از عقب‌ماندگی نشان دهد.	قدر ولایت	۱۳۸۶
۴	پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان، میرزا ملکم‌خان	در واقع بنیان‌گذار غرب‌زدگی شبه مدرن و تجدد مآبی سطحی و تقلیدی بود او را چهره برجسته روشنفکری لائیک لیبرال مسلک ایران در دوره مشروطه دانست. با توجه به هضم شدن افکارش در فراماسونری و روشنفکری و غرب‌زده‌شدن، نشان از بی‌اعتقادی دینی در افکار و رفتارش است.	حامد الگار، نشر مدرس	۱۳۶۹
۵	بررسی و نقد کتاب عصر سکولار	اساس نظریه سکولاریسم این است که هر چه مدرنیته (مجموعه‌ای از پدیده‌ها ازجمله علم، فناوری و اشکال عقلانی اقتدار) پیشرفت می‌کند، به‌تدریج از نفوذ دین کاسته می‌شود؛ اما چارلز تیلور بر آن است که دنیای مدرن نه‌تنها باعث ازبین‌رفتن دین نشده، بلکه در بسیاری موارد موجب رشد و بالندگی آن می‌شود.	پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی	۱۴۰۱
۶	آسیب‌شناسی مؤلفه‌های دین‌گریزی	با تبیین مؤلفه‌های دین گریزی اومانیسم، اشکالات مطرح در خصوص آن از دیدگاه	یوسفی‌مقدم و همکاران،	۱۴۰۱

ردیف	عنوان	نتیجه تحقیق	محقق / محل	سال
	اومانیسم در تفکر دینی	منابع دینی بیان شده و این مقاله تبیینی بوده، مقاله به‌دنبال آسیب‌شناسی مؤلفه‌های دین گریزی اومانیسم بوده و بر اساس منابع دینی به تبیین اشکالات مطرح در خصوص این مؤلفه‌ها می‌پردازند.	مجله نقد و نظر	
	جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام	بعد از سال‌ها سکولاریسم گسترش چندانی در بین کشورهای اسلامی ننموده است. عدم اشاعه آن در ساختار و قدرت و حکومت و نظام‌های سیاسی در کشورهای اسلامی و خاورمیانه دلایل مختلفی دارد، در مدرنیته غربی قدرت و منزلت بر اساس محوریت انسان شکل گرفت. دین اسلام قدرت متعلق به خداوند است و نمی‌تواند انسان‌محور باشد. به‌همین‌دلیل در جوامع مشرق زمین الزام‌ها و کاربست‌های سکولاریسم به‌عنوان یک جریان اندیشگی و یک نظام سیاسی ـ اجتماعی آنچنان‌که در غرب تحقق و اشاعه یافت، چندان زمینه و بستر مناسبی برای بسط و اشاعه پیدا نکرد.	ساجدی، امیر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد	۱۳۹۴

۴. نوآوری پژوهش و وجه ممیز این پژوهش با پژوهش‌های قبلی

وجه ممیز این پژوهش با پژوهش‌های قبلی در این است که پژوهش‌های قبلی صرفاً به موضوع دین و مذهب و موضوعات سیاسی و اجتماعی سکولاریسم در ایران پرداخته، ولی در این پژوهش با روش الگوی ماتریسی فرهنگ، موضوعات را در سه حوزه فرهنگ بنیادی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ عمومی که زیربنای سایر موضوعات و نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی هستند پرداخته شده و رویکرد جریان فکری سکولاریسم را در قالب الگوی معرفی شده از دریچه علم (علم و معرفت)، دین (نظام ارزش‌ها) و الگوی پیشرفت (مهارت ها) تحلیل نموده است.

۵. تعریف مفاهیم

ریشه شکل‌گیری جریان روشنفکری در ایران به دوران اصلاحات عباس‌میرزا ولیعهد فتحعلی‌شاه قاجار و قائم مقام فراهانی بازمی‌گردد. در آن زمان عباس میرزا با

شکست در مقابل نیروهای روسی و مشاهده تجهیزات نوین نظامی آن‌ها، بیش‌ازپیش به انحطاط و عقب‌ماندگی ایران نسبت به غرب پی برد. به‌همین‌دلیل شرایطی فراهم کرد تا گروهی از جوانان ایرانی که غالباً از طبقه اشراف و خاندان‌های ممتاز قاجار بودند، برای آموزش در مدارس پیشرفته به اروپا بروند. به‌همین‌دلیل پس از مدتی، قشر نوظهوری در جامعه ایران به‌وجود آمد که علاوه‌بر فناوری‌های جدید و دانش علمی، طرز تفکر جدیدی را با خود به همراه آورده بودند (اصیل، ۱۳۵۶).

۵-۱. تعریف روشنفکری از نگاه لغوی

«روشنفکردر اصطلاح لغوی به اشخاصی گفته می‌شود که توانایی فکری روشن‌بینی و درک مسائل و نگرش عمیق نسبت به حوادث و رویدادها و آگاهی و ژرف‌اندیشی نسبت به محیط و زمان خود را دارند. در ایران نخستین ویژگی‌های یک روشنفکر در عرف مردم عبارت بود از فرنگ رفتن، مانند فرنگیان لباس پوشیدن و حرف زدن و تقلید از آنها در همه شئون، تحصیل کردن در فرنگ و ریشخندزدن و عدم پایبندی به اصول اخلاقی و اعتقادات دینی. وقتی تحصیل‌کرده فرنگی به وطن بازمی‌گشت و در کنار ادعاهای علم، روش و آموخته‌های وی مشاهده می‌شد که نحوه سلام‌علیک و برخورد او و رابطه اجتماعی او با اشخاص تغییر یافته، لباسش عوض شده و رعایت موازین شرعی در او ازبین‌رفته یا کم‌رنگ شده است، و به زندگی با نگاه اشرافی و تجملاتی می‌نگرد» (بادامچیان، ۱۳۸۷).

روشنفکری یعنی جهان‌نگری و تفکری است که بازتاب و تبلور روح اومانیستی، سکولاریستی مدرنیته را در دوران تثبیت از خود بروز و ظهور می‌دهد. سکولاریسم و قدس‌زدایی از امور و دنیوی تعریف کردن همه‌چیز ازجمله سیاست تعلیم‌وتربیت اخلاقیات فردی و اجتماعی. روشنفکر از واژه انتلکتویل فرانسوی به معنی فهمیده، فهیم و انسان روشن و با فهم و ترجمه کلمه منورالفکر دوران مشروطه بوده و به‌عنوان یک پدیده علمی و از عناوین استعماری وارد کشور شده و آن را برای روشن شدن ذهن‌ها اندیشه‌ها به‌کار برد و هدفش از بین بردن و حذف هویت ملی و دینی و بی‌هویت نمودن یک ملت و بهره‌برداری کردن جهت منافع استعماری و استثماری و سرمایه‌داری است (بادامچیان، ۱۳۸۷).

۵-۲. تعریف روشنفکری از نگاه اندیشمندان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی

جریان فکری و روشنفکری در ادبیات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی واژه‌های هستند

که در بطن خود، زیرشاخه‌های دیگری برای خود به‌وجود آورده‌اند. جریان فکری را به معنی جمعیت و گروه اجتماعی، تشکل معینی که علاوه‌بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است را تعریف نموده‌اند. دارا بودن تشکل و جمعیت، اجتماعی بودن و برخورداری از نوعی رفتار ویژه اجتماعی، برخورداری از اندیشه مشخص و رفتار معین مرتبط ویژگی‌های جریان فکری می‌باشند. جریان‌شناسی یعنی «شناخت منظومه و گفتمان و چگونگی شکل‌گیری و معرفی مؤسسان، چهره‌های علمی و تأثیرگذار در گروه‌های فکری، سیاسی و اقتصادی، فرهنگی است» (خسروپناه، ۱۳۸۹، ص. ۹).

جریانی که در سطح فلسفی و ادبی مشغول به فعالیت است و بر تحقیق دقیق و علمی درباره مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأکید دارد. دین را به‌عنوان ابزاری برای پیاده‌نمودن تفکر و اهداف غربی در کشور، پوشاندن لباس دین به تفکر سکولاری خود و نهان خود اعتقادی به دین نداشتند. خواستار اصلاحات در دین با رویکرد غربی و منافع شخصی و رویکرد خردگرایی بودند. این جریان خود برحسب نوع تفکر به سه قسمت روشنفکران لامذهب و ضدمذهب و غرب‌زده تقسیم می‌شوند. روشنفکران لامذهب، گمان می‌کنند نباید هیچ مذهبی را قبول داشته باشند به تصور آنها روشنفکر آدمی است که به سنت و مذهب اعتقاد ندارد و اساساً دین برای او معنایی ندارد؛ اما با وجود عدم اعتقاد به دین و مذهب به عقاید دیگران احترام می‌گذارند و بر این باورند که خیلی می‌فهمند و بسیار روشن هستند و احساس می‌کنند آزادند، چون عقل سکولار دارند از دید آنها اگر عقل تابع الهیات باشد، می‌شود عقل آگوستینه. روشنفکران ضدمذهب، می‌گویند اصلاً روشنفکری من در این است که علیه مذهب حرف بزنم. اگر علیه مذهب سخنرانی نکنم، بحث نکنم، مقاله ننویسم، دیگر روشنفکر نیستم و یک آدمی هستم مثل افراد عادی جامعه. آنها ضمن اینکه دین و مذهب را قبول ندارند، روشنفکری خود را در گرو ضدیت با دین می‌دانند. شاخه روشنفکری لائیک آشکارا غیردینی و ضددینی که از مشروطه تا امروز وجود داشته و برخی نمایندگان آن را می‌توان مانند آخوندزاده میرزا آقاخان کرمانی و غیره را نام برد، شاخه روشنفکری التقاطی به اصطلاح دینی که غالباً خود را روشنفکری دینی می‌نامند و اگرچه در ظاهر و شعار و برخی وجوه نظری به الفاظ و تعابیر دینی و شرعی و اسلامی و بعضی وجوه ظاهری دیانت اعتقاد دارند و این اعتقاد نشان می‌دهند رویکردی التقاطی است که برخی ظواهر الفاظ و تعابیر دینی و شرعی معانی و بواطن قدسی را تابع اوهام و خرافات ایدئولوژی‌های سکولاریستی می‌نماید. در خصوص جریان

روشنفکری به اصطلاح دینی ایران از عبدالرحیم طالبوف و کسروی و غیره... می‌توان نام برد که اندیشه التقاطی مقلدانه نسبت به مارکسیسم داشتند. عبدالرحیم طالبوف تبریزی از روشنفکران التقاطی سوسیال دموکراتیک است و مروج روح و باطن سکولاریستی بوده و در عین اعتقاد به الفاظ، تعابیر و ظاهر شریعت که از خود نشان می‌داد، و مقلد برخی شعارهای سوسیال دموکراتیک بود. روشنفکر غرب‌زده، مغز و فکر و چشم آنها حیران غرب است و سلطه غرب کاری کرده است که غیر از غرب و غربی را نمی‌توانند ببینند (بادامچیان، ۱۳۸۷).

«جلال آل احمد در کتاب «خدمت و خیانت روشنفکران»، در مشخصات روشنفکر می‌گوید: نخست مشخصات، مشخصات عوامانه روشنفکر: اول مخالفت کردن با دین و مذهب یعنی روشنفکر باید با دین مخالف باشد، دوم علاقه داشتن به آئین و رسوم غربی و اروپا رفته باشد و سوم هم درس خوانده باشد. یعنی اگر کسی متدین شد، چنانچه علامه دهر هم باشد، هنرمند درجه یک هم باشد، بزرگ‌ترین فیلسوف هم باشد، روشنفکر نیست» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲)؛ «روشنفکری واقعی آن است که در آن فکر علمی باشد، نگاه به آینده باشد، فرزانگی، هوشمندی و احساس درد در مسائل اجتماعی به‌خصوص آنچه که مربوط به فرهنگ است مستتر است؛ اما روشنفکری در کشور ما ایران بیمار متولد شد، چون کسانی که روشنفکران اول تاریخ ما هستند، آدم‌هایی ناسالمند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان آموزش و پرورش، ۱۳۷۱/۵/۲۵)؛ «روشنفکری ما در همان فضای روشنفکری غربی فکر کرده، تأمل کرده، حرف‌زده و قضاوت نموده است. اینکه می‌گوییم روشنفکر در ایران بیمار متولد شد، معنایش همین است» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲).

روشنفکری وجه جدید منورالفکری است که در آخر قرن ۱۹پدید آمد و بیشتر متضمن نقد سیاست و فرهنگ موجود است. منورالفکران هم نقاد بودند؛ اما خود را وجدان بیدار جامعه و مامور جلوگیری از انحراف و خطا در کاربرد اصول نمی‌دانستند. روشنفکری را باید صورت بیشتر سیاسی شده منورالفکری بدانیم. تفاوت بین منورالفکری و روشنفکری در این است که منورالفکر ناظر به قوام تجدد و طراحی جهان متجدد است. به‌نوعی او را می‌توان ایده‌پرداز فکری برای طراحی محیط جدید است، ولی روشنفکر در زمانی به‌وجود می‌آید در راه تحقق در عمل و سیاست مشکلی به‌وجود آمده باشد که در آغاز این مشکل نبود و روشنفکر را مدعی‌العموم و ناظر بر حکومت و تذکر بر اصول تجدد است (داوری اردکانی، ۱۳۹۲).

۶. روش پژوهش

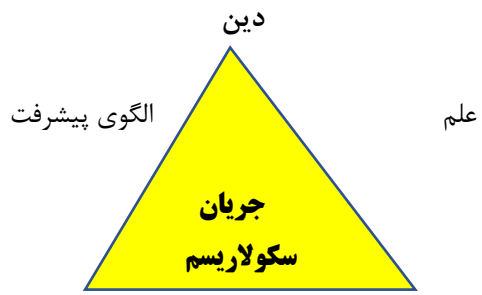
بر اساس مدل پیاز پژوهش ساندرز، روش پژوهش مقاله، توصیفی، تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها از نوع اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و از نوع کیفی و رویکرد آن استقرایی و به‌لحاظ هدف توسعه‌ای می‌باشد. در این مقاله به سراغ نظرات و دیدگاه‌های منورالفکران نسل دوم مشروطه که به‌عنوان بنیان‌گذاران و برجسته‌ترین و شاخص‌ترین چهره‌های جریان سکولاریسم ایران ازجمله میرزا ملکم‌خان، آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف، کسروی در قالب الگوی ماتریسی نظام‌مند فرهنگ پرداخته‌ایم و دلیل انتخاب این نفرات به‌خاطر شاخص بودن در بین سایر سکولارها و اظهارنظر در خصوص سه موضوع مهم دین و علم و الگوی پیشرفت بوده است. اندیشه‌ها و تفکرات این شخصیت‌ها و مطالب مرتبط به آن از طریق اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و اینترنت استخراج و مطالب به‌صورت نظام‌مند در قالب الگوی ماتریسی فرهنگ در سه زیر عنوان دین (قلمرو دین، معرفت دینی، روحانیت) و علم (جدایی علم از دین ـ پیروی از تمدن غرب به‌خاطر پیشرفت علمی آنها و تنوع نیازها و رفع آنها با علم) و الگوی پیشرفت (توسعه اقتصادی ـ توسعه فرهنگی ـ توسعه سیاسی - توسعه اجتماعی) تجزیه‌وتحلیل و نتیجه‌گیری شده است.

برخی نیز فرهنگ را به سه سطح یا نوع تقسیم می‌کنند: ۱. فرهنگ عمومی، ۲- فرهنگ تخصصی، ۳- فرهنگ بنیادی (زاهد، ۱۳۸۴، ص. ۶۳). مراد آنها از فرهنگ عمومی، مجموعه نیازهای فرهنگی است که عموم جامعه با آن روبه‌رو و به آن مبتلایند. زاهد این مفهوم را در مقابل فرهنگ تخصصی قرار می‌دهد و تولیدکننده و مصرف‌کننده آن را عموم مردم می‌داند. از نگاه وی، مجموعه اطلاعات تخصصی بر روی‌هم، فرهنگ تخصصی جامعه را تشکیل می‌دهد و درمجموع، پاسخگویی به مشکلات، معضلات و ناهنجاری‌های پیچیده‌تر جامعه را امکان‌پذیر می‌سازد. از دیدگاه وی، فرهنگ تخصصی عبارت است از آن دسته پذیرش‌های اجتماعی است که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن، افراد محدودی از جامعه هستند که سطح تحصیلات و سواد بالاتری دارند. از دیدگاه زاهد فرهنگ بنیادی، مجموعه اموری است که امکان تحول و بالندگی در فرهنگ تخصصی جامعه را فراهم می‌نماید. ارزش‌ها و اخلاق هر جامعه، بنیادهای فرهنگ‌ها را تشکیل می‌دهد. ازاین‌رو آن را لایه بنیادی فرهنگ می‌خوانیم. لایه عقلی که عمدتاً توسط متخصصان و اندیشمندان جامعه دریافت و جمع‌بندی می‌شود، دربرگیرنده علم و معرفت آن جامعه است و آن را فرهنگ تخصصی می‌نامیم. لایه حسی که آشکار می‌گردد و در رفتارهای عموم تجلی

می‌یابد، آداب و رسوم و همه رفتارهای جمعی است که فرهنگ عمومی نامیده می‌شود. منطق سیستمی، معرفت‌شناسی سه‌وجهی و موضوع فرهنگ دارای سه لایه و سه بُعد، اتخاذ روش استفاده از الگو را پیش‌روی ما قرار می‌دهد (زاهد، ۱۳۸۴، ص. ۶۳). برای شناخت دقیق و علمی نظرات بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران، با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و مقالات علمی و با استخراج تفکر و نگرش مؤسسان در سه حوزه، علم و دین و الگوی پیشرفت از الگوی ماتریسی فرهنگ استفاده کرده‌ایم. برای ترسیم و رسیدن به الگوی فرهنگی هر جامعه، سه لایه فرهنگ را در سه بُعد فرهنگ (تخصصی و عمومی بنیادی) ضرب کنیم، الگوی فرهنگ طبق جدول زیر به‌دست می‌آید. در این پژوهش با نظریه ماتریسی الگوی فرهنگ (طبق جدول ذیل) می‌خواهیم، رویکرد جریان فکری سکولاریسم را در قالب الگوی معرفی شده از دریچه علم (علم و معرفت) و دین (نظام ارزش‌ها و والگوی پیشرفت (مهارت‌ها) تحلیل می‌کنیم. ماتریس یا الگوی فرهنگ (زاهد، ۱۳۸۴، ص. ۸۵). ازآنجاکه سیستم فرهنگ دارای سه لایه بنیادی، تخصصی و عمومی است و هریک از این لایه‌ها، سه بُعد نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی (دین) و نظام علم و معرفت و نظام فناوری و مهارت‌ها دارند، برای شناخت تفکر و نگرش بنیان‌گذاران سکولاریسم ایران در قالب الگوی ماتریسی سه‌درسه فرهنگ، در پژوهش حاضر به سه بُعد فرهنگ به‌صورت اجمالی پرداخته می‌شود و دین (شامل قلمرو دین، معرفت دینی، روحانیت) و علم (شامل جدایی علم از دین ـ پیروی از تمدن غرب به‌خاطر پیشرفت علمی آنها ـ تنوع نیازها و رفع آنها با علم) و الگوی پیشرفت (شامل توسعه اقتصادی ـ توسعه فرهنگی ـ توسعه سیاسی ـ توسعه اجتماعی) در قالب این الگو به تجزیه‌وتحلیل گذاشته می‌شود.

جدول (۱)

ابعاد و لایه‌های فرهنگ	نظام ارزش‌ها و اخلاق جمعی	علم و معرفت	فناوری و مهارت‌ها
بنیادی	نظام ارزش‌ها و اخلاق بنیادی	علوم و معارف بنیادی	فناوری و مهارت‌ها بنیادی
تخصصی	نظام ارزش‌ها و اخلاق تخصصی	علوم و معارف تخصصی	فناوری و مهارت‌ها تخصصی
عمومی	نظام ارزش‌ها و اخلاق عمومی	معرفت عمومی	فناوری و مهارت‌ها عمومی



شکل (۱)

۷. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در سه حوزه دین و علم و الگوی پیشرفت، تأثیرات و تغییرات اساسی در جامعه ایران داشته‌اند و نشان می‌دهد که خاستگاه فکری بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران، مکاتب غرب مارکسیسم، لیبرالیسم و کشور انگلستان بوده و با تأکید بر مبانی مردم‌سالاری و نفی دین بر اهمیت جدایی دین از سیاست و جهت بی‌راهه‌کشاندن توده‌های مسلمان و خوارکردن علمای اسلامی و غرب‌باوری و رواج مکتب ناسیونالیسم و لیبرال، درواقع با «ناسیونالیسم باستانگرا» و عقاید پوزیتیویستی و آئین باستان زرتشت در ایران فعالیت داشته‌اند. طراحان به‌دنبال دورکردن مردم از هویت «ایران باستان» در «تمدن شکوفای آریایی» ساختن یک مفهوم موهوم و بی‌اساس به نام اسلامی بوده و همچنان هستند. آنها این باستان‌گرایی نژادپرستانه و موهوم را حمل صورت غرب‌زدگی شبه‌مدرن قرار می‌دهند. یادآور می‌شویم به سؤالات پژوهش (بنیان‌گذاران جریان فکری سکولاریسم نسبت به موضوع دین و علم و فناوری و الگوی پیشرفت چه تفکرو نگرشی داشتند؟) در ذیل پاسخ می‌دهیم.

۸. پاسخ سؤال اول پژوهش: بنیان‌گذاران جریان فکری سکولاریسم نسبت به موضوع دین چه تفکرو نگرشی داشتند؟

جریان روشنفکری سکولار یا به تعبیر دوران مشروطیت منورالفکرهای سکولار که به اجتماع دین و سیاست و مدرنیته اعتقادی ندارد و برحفظ مدرنیته اصرار دارد و دین را عامل انحطاط و بدبختی جامعه و مسلمین می‌داند، این از خودبیگانگی در جریان روشنفکری سکولار وجود دارد در این بیماری انسان روشنفکر، قدرت تشخیص و انتخاب ندارد و مطیع و مقلد فرهنگ غرب است (شریعتی، ۱۳۵۶).

به‌طورکلی روشنفکران دوران مشروطه نسبت به دین دو نوع رویکرد داشتند؛ یا اصل اسلام را مانع پیشرفت می‌دانستند و یا با نگاهی اصلاح‌طلبانه به دین، تنها روحانیت و برخی از عقاید خرافی را رد می‌کردند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰، ص. ۱۶۸). به‌طورکلی در نظر این افراد هر آن چیزی که با عقل و منطق علمی در تضاد بود به‌مثابه خرافه در نظر گرفته می‌شد. افکار روشنفکران مشروطه به‌شدت تحت تأثیر متفکران غربی است که با سنت‌های اجتماعی و فرهنگی ایران در تضاد است. روشنفکران همانند مصلحان حکومتی پیشین پیشرفت را تنها در آیینه غرب می‌دیدند و عقب‌ماندگی ایران را با آن سنجش می‌کردند؛ ازهمین‌رو پیروی و تقلید از غرب را یگانه راه پیشرفت معرفی می‌کردند. آنان تقلید را به‌عنوان یک محصول می‌دیدند درحالی‌که از فهم و شناخت فرایندها و تحولات مدرنتیه غافل بودند. در نقد از دین به درهم‌تنیدگی اسلام با هویت ایرانی مردم غافل بودند. در نقد از خط رایج شیوه الفبایی را عامل عقب‌ماندگی معرفی می‌کردند، درحالی‌که ژاپن به‌عنوان یک کشور شرقی پیشرفته دارای خطی به‌مراتب دشوارتر است و نیز در در پی ارائه طرح تغییر خط هیچ‌گونه طرح عملی که قابلیت اجرا داشته باشد را پیشنهاد نمی‌کنند. بازگشت به دوران باستان ناشی از دو نوع شناخت نادرست است: یکی ارائه تصویری آرمانی از ایران باستان و دیگری نفی تمام پیشرفت‌هایی که در قرون اولیه اسلام در زمینه علوم وجود داشته است و طرح بازگشت به اصول ایران باستان ناشی از درک نادرست از هویت به‌منزله ساختاری پویا است که اجرای این طرح به‌منزله نفی بخشی از هویت و تاریخ ایران و ایرانیان است؛ اما روشنفکران ملی‌گرا در ایران اصل را بر نفی کردن و طرد کردن کل آداب و عادت‌ها و رسوم اسلامی و متوسل‌شدن به آداب و رسوم و عادات قومی قبل از اسلام قرار داده بودند و ستایش‌گر آیین باستان و زرتشت شدند (مددپور، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۵). برخلاف دین زردشت، دین اسلام را مناسب قبیله‌های وحشی و سارق مزاج بود که برای امرار و معاش زندگی، جز غارت‌کردن چاره‌ای نداشتند و غیر از طریق فحشا و فسق‌وفجور و بی‌باکی راهی نمی‌پیمودند و انواع فحشا و ظلم در میانشان شایع و رایج بوده است. ویژگی ملکم‌خان، کرمانی، آخوندزاده و طالبوف، روشنفکران ناسیونالیسم باستان‌گرایی بودند که توجه نکردن به دین و دشمنی از ویژگی‌های آنهاست. در دوره رضاخان هم آئین باستان را با تأثیر از این روشنفکران احیا کردند. این نگاه، ادامه تفکر آقاخانی است که می‌گفت: با اسلام، لباس‌های زیبنده ایرانیان به عباهای دامن فراخ قباهای بی‌قواره تغییر و زنان در پرده حجاب، مستور و در خانه‌ها مهجور شدند (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۲۵۵).

۸-۱. رویکرد ملکم‌خان[۱]

۸-۱-۱. قلمرو دین

به‌دنبال رنسانس اسلامی مدنظر غرب یا همان پیرایش اسلام بود. در عمل او از دین به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف مدرنیته و غرب‌گرایی خود که همان فراماسونری بود بهره می‌برد و دین پوسته کار خود بود چون او پی برده بود که تنها به‌وسیله دین می‌تواند افکار تجددخواهی و تحولی اروپایی خود را در ایران پیاده کند. او در تبعید به بغداد و ترکیه از اسلام دست برداشت. به تبعیت از فیلسوفان دین‌ستیز غربی، عقل و خردگرایی و علم را می‌ستاید و (اصالت داشتن انسان) را به‌جای (اصالت داشتن خدا) قرار می‌دهد و (دین و مذهب) را از پنجره علوم غربی می‌بیند و عقل وابسته را نیازمند اصلاح و پالایش می‌بیند؛ البته رویکرد کاملاً سلبی به دین نداشت و برابر اظهار و اعتقاد خود برای پیاده کردن مدرنیته در ایران از دین به‌عنوان ابزار اجرایی آن استفاده نماید و نه‌تنها دین را مانعی نبوده بلکه ابزاری برای گسترش مدرنیته و تجددگرایی می‌دانست. طرحی ریختم که عقل سیاست مغرب‌زمین را با خرد دیانت مشرق زمین به‌هم آمیزم، چنین دانستم که تغییر ایران به‌صورت اروپا کوشش بی‌فایده‌ای است؛ ازاین‌رو؛ فکر ترقی مادی را در لفاف دین عرضه داشتم تا هم‌وطنانم آن معانی را نیک دریابند (آدمیت، ۱۳۵۷، ص. ۲۵۵).

میرزا ملکم با گرایش غربی در باطن به اسلام بی‌اعتقاد بود و اساساً هر نوع تفکر دینی را نمی‌پذیرفت؛ اما در جامعه حکومتی ایران به مسلمان بودن تظاهر می‌کرد. از باورهای ملکم دین‌گریزی و علم‌زدگی بود. ملکم به‌شدت تحت تأثیر آثار آرای نویسندگان لیبرال غربی مثل آدام اسمیت، استوارت میل و پوند قرار گرفته بود و به تقلید و الگوبرداری از آنها از آرای آنها می‌پرداخت. اساس فکری و مبانی اندیشه‌ای افکار ملکم و آیاتی که جستجو می‌کرد از اساس مبتنی بر متون و مشهورات مدرنیستی و در مخالفت با تفکر دینی و مذهبی بود و به‌لحاظ اعتقادی فردی سکولاریسم و حتی لائیک و آتئیست بود. در رساله کتابچه غیبی خود پیشنهاد می‌کند احکام شریعت بایستی به‌طور منظم جمع‌آوری و تابعیت و ذیل شرایط قانون و ترکیب آنها با قانون حکومت و دولت را می‌دهد. این بیان همان تفسیر مدرنیستی از احکام دینی است.

---

۱. ملکم‌خان متولد اصفهان و یکی از سیاست‌مداران و روشنفکران و سفیران ایران در دوره ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه بود و مؤسس فراموش‌خانه یا فراماسونی در ایران است. اولین گروه از تحصیل‌کردگان ایرانی مانند میرزا ملکم‌خان و طالبوف بیشتر طرفدار حکومت بودند؛ زیرا اولاً، از داخل قشر حاکمه بودند و ثانیاً، توسط دولت رشد کرده بودند (میرزا ملکم‌خان، ۱۳۸۶، ج۱).

میرزا ملکم آشکار دعوت به تقلید تمام‌عیار از غرب نوین می‌کرد و در واقع بنیان‌گذار غرب‌زدگی شبه‌نوین و تجددمآبی سطحی و تقلیدی بود او را چهره برجسته روشنفکری لائیک لیبرال مسلک ایران در دوره مشروطه دانست. باتوجه به هضم‌شدن افکارش در فراماسونری و روشنفکری و غرب‌زده‌شدن، نشان از بی‌اعتقادی دینی در افکار و رفتارش است. میرزا ملکم‌خان در سخنرانی خود در لندن «قران در واقع چیزی بیش از یک انجیل تجدیدنظر شده نیست و تمام اصول و مبانی دین اسلام نمی‌باشد. ما باید اصولی را که شالوده ان در اروپا ریخته شده و ریشه تمدن شما را تشکیل می‌دهد به‌نحوی اتخاذ نماییم، ولی به‌جای اینکه آنها را از لندن یا پاریس کسب کنیم، به‌جای اینکه بگوییم که فلان موضوع مثلاً از جانب فلان سفیر القا می‌شود یا فلان دولت، که به‌هیچ وجه قبول نمی‌کنند، خیلی آسان‌تر و سهل‌تر خواهد بود که بگوییم این اصول از اسلام ناشی می‌شود و به‌زودی در عمل به اثبات خواهد رسید» (الگار، ۱۳۶۹).

۸-۱-۲. معرفت دینی

در معرفت دینی بر این اعتقاد بود که مقصود اصلی دین، اخلاق بوده و اعتقادات، عبادات، فرع بر اخلاق هستند و معرفت دینی از معرفت علمی تبعیت می‌کند. برای شناخت دین باید ابتدا به شناخت علمی در آن موضوع از طریق تجربه علمی رسید تا آن مورد تأیید و استفاده قرار گیرد. عبادات و اعتقاد به مبدأ و معاد محرک پیدایی، اخلاق حسنه و نفی گناهان است . در مورد عقلانیت دین و عقلانیت دینی معتقد است که معرفت دینی، موضوعیتی ندارد.

۸-۱-۳. روحانیت

البته با احتیاط در این مقام قدم می‌نهاد و گاهی هم چون پدرش میرزا یعقوب طرح اصلاحات در اسلام را مطرح می‌کرد، ولی با صراحت بیشتری علیه روحانیت و علمای اسلام به مخالفت می‌ورزید. با تلاش‌های پیش‌گفته ملکم‌خان بر تغییر خط اسلام اصرار می‌ورزید و فراموش‌خانه و مجمع آدمیت را در ایران بنیان گذاشت. فکر لیبرال و تساهل و تسامح دینی از اصول تعالیم آدمیت بود. رویکرد ملکم‌خان به روحانیت به‌طور کلی مخالف روحانیت در جامعه بودند و در نگاه به دین‌شناسی و کارآمدی آن، دین را مؤلفه کارآمدی نمی‌پذیرد و نقش آن را در جامعه مضر می‌داند. ولی با صراحت بیشتری علیه روحانیت و علمای اسلام به مخالفت می‌ورزید. با به‌راه‌اندازی تشکیلات فراماسونری در ایران به اسلام‌ستیزی زیرکانه برخاست و به نام آزادی، برادری، برابری و

قانون، راه پیشرفت و پیروزی، راه اسلام و دین‌باوران آزادخواه را بست. این حرکت‌های روشنفکری با اهداف و انگیزه جاسوسی و ماسونی جهت استواری جدایی دین از سیاست، عقب نگه‌داشتن ایران از راه وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شکاف میان روحانیت و مردم، پدیدآوردن کجروی در اصول اسلام و انحرافات دیگر فعالیت می‌کردند. ملکم‌خان با آزمون تلخی که از علما با فراموش‌خانه داشت به این نکته پی برد که با مخالفت و رویارویی علما، سازمان فراماسونری نمی‌تواند در ایران ریشه بدواند. وی برای فریب مردم تعدادی عمامه به سر روحانی‌نمای بی‌سواد و سست‌پایه مانند جمال اصفهانی، یحیی دولت‌آبادی، ناظم‌الاسلام کرمانی، تقی‌زاده، حاج سیاح و غیره گذاشت و آنها را وارد سازمان کرد و بازار دین‌سازی و آیین‌تراشی را رونق بخشید. روشنفکران و ماسون‌ها در نهضت مشروطه تندترین شعارها را سر داده و علما و رهبران روحانی مشروطه را به محافظه‌کاری و سازشکاری متهم می‌ساختند. به‌گونه‌ای که سیدمحمد طباطبایی ناگزیر شد قرآن را از بغل درآورده و قسم یاد کند که ما پول نگرفته و ساکت نخواهد خواهیم شد (خسروپناه، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۴).

۸-۲. رویکرد آخوندزاده

آخوندزاده[۱] با گرایش غربی و ناسیونالیست سکولار مروج غرب‌زدگی شبه‌نوین در اغراض خود دنبال تغییر زبان و یا الفبای فارسی بود. ارکان اندیشه‌های آخوندزاده عبارت از: ترویج ایده‌های لیبرالی و مشروطه به سبک رژیم بریتانیا بر پایه «حقوق طبیعی» و سکولاریسم، الحاد و دشمنی صریح و بی‌اعتقادی به معرفت وحیانی، دشمنی شدید و صریح با اسلام و روحانیت و اعراب مسلمان، ماتریالیسم و اعتقاد بر سیطره عقل انسان به‌جای وحی الهی، ترویج فرهنگی تغییر خط الفبای فارسی، اشاعه ناسیونالیسم توخالی و بی‌ریشه باستان‌گرا و اندیشه التقاطی و اومانیستی پروتستانیزم اسلامی، اعتقاد به نظریه توسعه و پیشرفت و تقلید از نویسندگان عصر روشنگری و ترویج علم‌گرایی پوزیتیویستی بود.

۸-۲-۱. معرفت دینی

آخوندزاده در «مکتوبات» دشمنی خود را با دین اسلام و روحانیت و اساساً هر نوع رویکرد دینی آشکار می‌سازد. آنچه آخوندزاده تحت عنوان پروتستانیزم اسلامی

۱. یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های ایرانی مؤثر بر جریان روشنفکری ایرانی و از سکولارهای افراطی، میرزا فتحعلی آخوندزاده (آخوندوف) بود. سکولاریسم مهم‌ترین محور اندیشه آخوندزاده بود (آدمیت، ۱۳۵۷).

می‌گوید یعنی نابودی کامل دین است. آخوندزاده در طرح پیشنهادی خود برای پروتستانیزم اسلامی به تعبیر روشنفکران امروزی نوعی «عصری‌کردن دین» را مطرح می‌کند و در کتاب ملحقات نسخه کمال‌الدوله می‌نویسد حرف و سخن نگارنده این است که دین اسلام بنابر تقاضای عصر و اوضاع و احوال زمانه به پروتستانیزم یا اصلاحات دینی محتاج است. به ضرورت «اصلاح دینی» یا «پروتستانیزم اسلامی» می‌پردازد تا دین را از درون و باطن تهی و تابع عصر و عقلانیت نوین و به تعبیر دقیق‌تر گسسته فردی شبه‌نوین نماید. آخوندزاده بین دین اسلام و استبداد تلازم ذاتی قائل است نیز مسلمانان را به‌صورت افرادی خرافه‌پرست و راهزن و قاچاقچی نشان می‌دهدو علت عقب‌ماندگی مسلمانان را اسلام می‌داند و به‌شدت به روحانیت و مذهب شیعه حمله می‌نماید. سرهنگ آخوندزاده در راه اسلام‌زدایی، بی‌بندوباری، باستان‌گرایی، نکوهش خداپرستی، و دوری‌گزینی از مسجد و مرجعیت و روحانیت و رواج اندیشه فراماسونری تلاش فراوان نمود. وی به بهانه عقل‌گرایی ضد تقلید از مرجعیت دینی شعار می‌داد (خسروپناه، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۳). به جدایی دین از سیاست اعتقاد داشت و دین را عامل عقب‌ماندگی می‌دانست. تفسیر و برداشت شخصی از دین را در هر عصری را معتقد بود. اندیشه نفرت از روحانیت را میرزاشفیع در ذهن او پرورش داده بود. شیوه عمل آخوندزاده، بررسی اندیشه‌های دینی در ظرف تاریخی و محک آن‌ها به‌واسطه آزمون است که به اصلاح دینی منتهی می‌گردد.

۸-۲-۲. قلمرو دین

در این راه آخوندزاده تحت تأثیر روشنفکران غربی مثل ارنست رنان و باکل است. اصلاحات دینی و تفکیک آن از باقی بنیان‌های جامعه از منظر آخوندزاده انتحار یا حذف دین نیست بلکه ارائه تفسیر و قرائتی جدید از دین است که بتواند خود را با روح زمانه و تحولات آن تطبیق نماید. آخوندزاده با آگاهی از اندیشه سیاسی مدرنیته، تناقض سیاست غربی و شریعت سنتی را مشخص می‌کند و جدایی آن دو را عنصری مهم ارزیابی می‌کند و با هرگونه تلفیق میان سنت و مدرنیته به مقابله برمی‌خیزد. ازهمین‌روی است که مادیت فلسفه نوین را در برابر انگاره‌های متافیزیکی گذشته قرار می‌دهد. در مورد تعزیه و عزاداری امام حسین (علیه‌السلام)، آخوندزاده اعتقاد داشت که این تعزیه برای روزگارهایی قدیمی مثل دیلمیان و صفویان بوده و آنها به‌خاطر اقتضای پلیتیکی خودشان دادند و تاریخ انقضای این مراسمات گذشته است و این جهات بی‌فایده بوده و تعزیه برای ما فایده‌ای ندارد. در نمایشنامه کیمیاگر، به ضدیت با

آخوند و دین می‌پردازد و در نمایشنامه مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه به لزوم أخذ تمدن غربی می‌پردازد.

۸-۲-۳. روحانیت

آخوندزاده مخالف دخالت روحانیون در سیاست بود. آخوندزاده با تنظیم مکتوبات کمال‌الدوله که متضمن انتقاد شدید از اسلام و توهین به مقدسات مسلمانان بود، اوج تأثیرپذیری خود از فرهنگ غربی را به نمایش گذاشت. جان استوارت دو مانع عمده آزادی را برمی‌شمارد: «مانع سیاسی» که از ستم حکمرانان ناشی می‌شود و «مانع پیشوایان دینی مردم». روحانیون از طریق حاکمیت احکام دینی در جامعه به‌وجود می‌آید. آخوندزاده با الهام از اندیشه‌های استوارت میل، می‌اندیشد که «هر فرد در عالم هستی باید به حکم عقل سلیم از نعمت حریت کامل بهره‌مند شود و حریت کامله را در دو جز حریت روحانیه و حریت جسمانیه معرفی می‌کند». در زبان فرانسه به اولی به‌عنوان لیبرته مورال و دومی را لیبرته فیریق می‌گویند و فقدان آزادی را به معنای سلطه استبداد و فقدان قانون را عجز عقل می‌داند. آخوندزاده معتقد است که حریت روحانی ما را اولیای دین اسلام و روحانیت از دست ما گرفته و حریت جسمانی ما را حکومت اسلام با برقراری استبداد از دست ما گرفته است. همچنین است در مملکت‌داری و ملت‌پروری باید از پطر کبیر و فرید ریخ تبعیت کنیم که این پادشاهان در ایام حیات خود محبوب ملت خودشان بوده‌اند. تحولات فکری شکل‌گیری عقاید آخوندزاده توسط میرزا شفیع که خود از علمای اهل تسامح بود و نسبت به دین و روحانیت نظر مساعدی نداشت، انجام شد و در مرحله بعد تحت تأثیر تفکرات و اندیشه خاچاطور آبوویان نویسنده ارمنی ارمنی و درنهایت با تأثر از اندیشه‌های میرزا ملکم‌خان، این دیوان فکری‌اش در نفی دین و روحانیت کامل می‌شود. «از میرزا فتحعلی آخوندزاده، آن‌چنان تجلیل می‌کنند، که گویی از پیامبری تجلیل می‌کنند، برای اینکه میرزا به برکت ضدّیتش با دین و مبارزه‌اش با اسلام، هم رفت سر سفره تزارها نشست و نان آنها را خورد و کمک آنها را قبول کرد و هم بعداً وقتی که بلشویک‌ها و کمونیست‌ها به خامنه ما آمدند، به نام میرزا فتحعلی آخوندزاده کنسرت راه انداختند» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲).

۸-۳. رویکرد طالبوف

جهان‌بینی طالبوف[۱] با گرایش غربی نحوی لیبرالیسم سوسیال دموکراتیک مبتنی بر معرفت‌شناختی پوزیتیویستی دانست. درواقع اساس اندیشه اسلامی را در پرتو مشهورات مارکسیستی تحریف می‌کرده‌اند. نگاه طالبوف با اصول دیانت اسلام ناهمخوانی داشت. طالبوف هرچند اهل نماز و حج بود ولی بعضی از اندیشه‌های دینی را خرافه می‌دانست و باورش بر این بود که اندیشه‌های دینی باید بر مبنای علوم تجربی و دانش زمان، مورد دخل‌وتصرف قرار گیرند و برخی از مفاهیم دینی کنار گذاشته شوند. اعتقاد داشت احکام دینی ما قدیمی شده و باید دگرگون شود و بر این اساس مخالفت شدیدی با روحانیت می‌ورزید و حتی به حکمای اسلامی مانند میرداماد ناسزا می‌گفت و از فرهنگ فلسفه اسلام، اظهار تنفر می‌نمود. (فریدون آدمیت، اندیشه‌های طالبوف تبریزی)، طالبوف به‌دلیل ترویج رویکرد التقاطی به دین در آثارش توسط آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری تکفیر گردید.

۸-۴. رویکرد میرزا آقاخان کرمانی

میرزا آقاخان[۲] با گرایش غربی به‌لحاظ نظری آمیزه‌ای از ناسیونالیسم ایرانی و شوونیستی، اصول سوسیالیسم غربی و آرای سوسیال دموکراتیک و ماهیت باستان‌گرایی او نیز غرب زده داشت (کرمانی، ۱۳۸۶، ج۶).

۸-۴-۱. معرفت دینی

بر این باور بود که خدایی مردم را نیافریده بلکه مردم خدایی، آفریده‌اند. وی همانند آخوندزاده به آیین عزاداری و سوگواری بر شهدای کربلا و بزرگداشت عاشورا تاخته و با همکاری ماسون‌ها با الفبای فارسی ـ عربی مبارزه کردند (خسروپناه، ۱۴۰۱، ص. ۲۸۳). اعتقادات او به این شرح است: روی‌آوردن به تعقل اروپایی و تمدن غرب و گسستن از وحی و غیب و ماوراءطبیعت، احساس بی‌نیازی از انبیاء با وجود حکما و اهل علم، جانشینی علم به‌جای اعتقاد، توانایی انسان در وضع احکام تکلیفی و بی‌نیازی

---

۱. در اواخر دوران ناصرالدین‌شاه روزنامه‌های ممنوعه که در خارج از کشور به چاپ رسیده و در داخل ایران مخفیانه پخش می‌شد نقش مهمی در جریان روشنفکری داشتند. به‌ویژه سه شخصیت، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم‌خان و طالبوف تبریزی (آدمیت، ۱۳۵۷).

۲. وی از سران لیبرال مسلک است که در کرمان به دنیا آمد و در تبریز کشته شد. گرایش زرتشتی و تصوف اهل حق بود. او از آثار روشنفکران و فیلسوفان نوین فرانسوی و انگلیسی به‌ویژه روسو، ولتر و اسپنسر بهره گرفت (خرم‌رویی، ۱۳۹۱).

از وحی، دین زائیده ترس و واجب‌الوجود امر توهمی است، مخالفت با اسلام و احکام آن به‌ویژه حجاب، مخالفت با عزاداری سید الشهدا، هتاکی نسبت به علمای اسلام، ناسیونالیسم و ملی‌گرایی ایرانی. آقاخان که بر این امر همت گماشت می‌گوید: گمان نمی‌کنم هیچ کیشی و دینی تاکنون به طبع ایرانیان موافق‌تر و نزدیک‌تر از دین زرتشت شده باشد (آقاخان کرمانی، ۱۳۸۶).

۸-۴-۲. قلمرو دین

اساس اندیشه میرزا آقاخان ماتریالیستی است. همچون دیگر منورالفکران سکولار رئالیسم ماتریالیست به وحی بی‌اعتقاد بود و تفسیری خودبینانه از عقل در مقابل وحی ارائه می‌داد و در کتاب ۷۲ ملت، دین را به‌گونه‌ای ماتریالیستی تفسیر کرده و آن را محصول ترس بشر می‌نامد. در تفکر طبیعت‌گرایی غرب که منشأ آن مارکسیسم و سرمایه‌داری است، هر دو ریشه دین را ترس بشر و ضعف او از تفسیر و مهار طبیعت دانسته‌اند که با پیشرفت علم و ممکن شدن تفسیر و مهار طبیعت خودبه‌خود دین موضوعیت خود را از دست داده است (کرمانی، ۱۳۸۶، ج۶). آقاخان در کتاب صد خطابه، کیش زرتشتی را سازگارترین آیین با طبع ایرانیان می‌نامد.

۸-۴-۳. روحانیت

او طالب رهایی از دین و شریعت بود و راه حل نهایی را در براندازی دین از طریق تغییر در خط و الفبا می‌دانست. آن دسته از روشنفکرانی که روحانیت و علمای دینی را باعث عقب‌ماندگی جامعه می‌دیدند بر این باور بودند که می‌بایست با ارائه نوعی سکولاریسم، از دخالت روحانیون در سیاست جلوگیری کرد. میرزا آقاخان کرمانی ظلم فقیهان را کمتر را از ستمگری فرمانروایان، عامل فاسدی افکار ایرانیان نمی‌داند (اکبر، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۶).

۸-۵. رویکرد احمد کسروی

۸-۵-۱. معرفت دینی

معرفت دینی کسروی[۱] با گرایش غربی و اندیشه الحادی نمونه از سکولارهای افراطی

۱. سیّداحمد حُکم‌آبادی (۸ مهر ۱۲۶۹ ـ ۲۰ اسفند ۱۳۲۴) که بعدها نام خانوادگی کَسرَوی را برگزید، تاریخ‌نگار، زبان‌شناس، پژوهشگر، حقوق‌دان و اندیشمند ایرانی بود. وی استاد ملی‌گرای رشته حقوق در دانشگاه تهران و وکیل دعاوی در تهران بود. بعد از صدور حکم ارتداد وی توسط علمای آن زمان، توسط گروه فدائیان اسلام ترور شد (کتاب زندگانی من).

و از منتقدین به متون کلاسیک ادبی فارسی و دین و مذهب بود و حتی که با قلمی تند و جدی به انتقاد از آنها می‌پرداخت در نگارش تجدیدنظرطلبانه دین اسلام را به کلی از ریشه زد. اعتقاد داشت که دین تابع مقتضیات زمان است و در مراحل مختلف تاریخ بشر ضرورت پیدایش دین نو با اخلاقی نو و سلاح عقلی اجتناب‌ناپذیر است. این همان رویکرد و نگرش قرن نوزدهمی غرب به فلسفه و تمدن و دین است. به همین علت است که کسروی برخلاف اکثر اصلاح‌طلبان رجعت به اسلام اولیه و سلف را توصیه نمی‌کند و حتی آن را امری غیرممکن محال و می‌شمارد. آنچه برای او مهم است، گرفتن پیام‌های اصلی دین است. «اعتقاد داشتن به آفریدگار جهان، هدف‌دار بودن جهان هستی، اعتقاد به زندگی آینده داشتن و به رسم و آیین زندگی خردکردن»، این موارد از اساس و اصول مشترک همه ادیان الهی است (اصیل، ۱۳۵۶، ص. ۵۰). در دوره پس از رضاخان به‌خصوص از زمانی که احساس کرد دین و روحانیت دوباره در صدد بازگشت به صحنه هستند، به نقد تشیع پرداخت و در سال ۱۳۲۲ کتابی با عنوان «شیعی‌گری» را نگارش نمود و به تندی به شعائر شیعه به‌عنوان خرافه‌گری تاخت. کسروی که از سران اصلاح‌طلب عصر رضاشاهی و در این جریان پیشگام بود از اینکه می‌دید تمام تلاش او و رضاشاه و دستگاه استبداد نوین از میان رفت سخت خشمگین شد و این خشم خویش را در تألیف کتاب شیعی گری نشان داد.

۸-۵-۲. روحانیت

دشمنی با روحانیت و مخالفت با آنها قبل از نوشتن کتاب شیعی‌گری با نگارش کتاب درباره دین اسلام سعی کرده بود نشان دهد که در دوره ما از اسلام چیزی نمانده و آنچه که هست فرهنگ مکتب غربی است که در زمینه‌های مختلف نظام‌سازی و ساختارسازی نموده است؛ اما در این کتاب با قلمی بسیار تندوتیز و با نفرت و خشمی چند برابر که در واژه‌هایش مشخص بود با تمام توان به اصول دین اسلام مثل امامت و آئین رسوم و جامعه روحانیت حمله بی‌امانی نمود. او اصلاً دین سنتی را قبول نداشت؛ اما با اعتماد به نفس کاذبی که داشت، تلاش نمود تا نبوت را به معنای تفکرسازی معرفی و خود را هاتف و ندادهنده مکتب جدیدی معرفی کند. به تعبیر حاج سراج لباس نبوت و مبعث و برانگیختگی را آنچنان کوتاه کند که به قد و قامتش اندازه بیاید؛ اما در حدوقواره این لباس نبود. کتاب کسروی در چهار فصل با عنوان فصل اول شیعی‌گری چگونه پیدا شده؟ فصل دوم ایرادها و خرده‌هایی که به شیعی‌گری می‌توان گرفت و فصل سوم

زورگویی‌هایی که ملایان می‌کنند و فصل چهارم دیدگاه فقها درباره حکومت در عصر غیبت و فصل پنجم ضرر و زیان‌هایی که از این کیش برمی‌خیزد.

۸-۵-۳. قلمرو دین

او روشنفکری التقاطی‌اندیش یونان لیبرالیسم بود. مسئله زیارت و عزاداری ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، مراسم تاسوعا و عاشورا و غیره را منکر و مورد تمسخر قرار داد. با سیاست و نیرنگ آیین عبادی اسلام را نیز مورد شک قرار داد و پاک‌دینی را به‌عنوان اصل مشترک میان ادیان الهی و مورد قبول کرد. این ظاهر قضیه بود والا آیین پوزتیویستی و عقل‌گرایی که در غرب بود و کسروی از آن تغذیه فکری می‌کرد مخالف و ضد دین و مذهب بود. به‌عنوان یک روشنفکر پاک‌دینی را ابداعی خود و جانشین اسلام می‌نامید و او برای خود جایگاه و شأن و رسالت هدایت بشریت را قائل بود. در رساله خود با عنوان «من چه می‌گویم» خود را طبیبی می‌داند که بر سر بیمار سخت رنجوری فرا رسیده است. به جهت تفکر روشنفکری دین را ذیل عقل‌گرایی وجداً از وحی تعریف می‌کرد و منکر معاد جسمانی بوده و نحوی تلقی خاص از وحی داشته و ختم نبوت را قبول نداشت.

۸-۶. رویکرد حکمی‌زاده

با گرایش شرقی متأثر از افکار احمد کسروی بود. او باورش بر این بود که خرافات وارد دین اسلام شده و شیعیان به‌نام دین‌داری انجام می‌دهند، خرافه‌ای بیش نیست. حکمی‌زاده در تألیفاتش به انتقاد از بیشتر عقاید و اعمال شیعیان که به اسم دین رواج یافته بود پرداخت. در سال ۱۳۲۲ رساله‌ای با عنوان (اسرار هزارساله) نوشت و عقاید و اعتقادات شیعیان را مورد نقد قرار داد. در این رساله تعداد ۱۳ سؤال را مطرح کرد و خواستار پاسخگویی به این سؤال‌ها توسط حوزه علمیه و علما شد. او در این کتاب بعضی از اعمال شیعیان را خرافه‌پرستی می‌نامید و با این کتاب در جایگاه دفاع از اسلام خود را مطرح می‌کرد. او باور داشت از خدا تنها نامی در جامعه اسلامی مانده است و اختیاراتش میان امامان و امامزادگان تقسیم شده است. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در پاسخ به این سؤال‌ها، کتاب کشف‌الاسرار را نوشت. بعدها او در مقاله بت‌پرستی تلویحاً احترام به مراقد ائمه و امامزادگان (علیهم‌السلام) و توسل به آنان را شرک خوانده و مورد مذمت قرار داد. پس از این موضاعات، اعتراضاتی علیه او شد و پس از فشارهای حوزه علمیه مجبور به خلع لباس روحانیت شد.

۹. پاسخ سؤال دوم پژوهش: بنیان‌گذاران جریان فکری سکولاریسم نسبت به موضوع علم و فناوری چه تفکرو نگرشی داشتند؟

۹-۱. رویکرد ملکم‌خان

در آثارش، پیشرفت غرب را در باسوادی مردم و ترویج علوم می‌دانست و علت عقب‌ماندگی مسلمین را در بی‌سوادی و علت بی‌سوادی را در مسائل خط و الفبا می‌دانست. او پیش‌روی اصلاحات، نوسازی و مروج ایده‌ها و نهادهای نوین بود. کرمانی، ملکم‌خان را بیدارکننده ایران و از رهبران نهضت آزادی می‌نامد و او را هم‌ردیف ویکتور هوگو، ولتر و ژان ژاک روسو می‌دانست. در رویکرد علمی ملکم، مدنیت غربی را مختومه تاریخ و از شرایط تکامل و سعادت جامعه می‌دانست و نسبت به آن تسلیم محض بود. ملکم‌خان علم را در مقابل دین قرار می‌دهد و خدا را موجودی خیالی و علوم را پشتوانه اکتساب اخلاق معرفی می‌کند. اخلاقیات را به وسایل غیرمذهبی حفظ کند و علم بهترین وسیله‌ای است که او برای جایگزینی پیشنهاد می‌کند (ملکم‌خان، ۱۳۸۶، ج۱). دین‌گریزی و علم‌زدگی از صفات بارز ملکم‌خان بوده است.

۹-۲. رویکرد طالبوف

معتقد بود چون روحانیت به علوم قدیمی دل بسته‌اند، نمی‌تواند از علم و علوم جدید بهره‌مند شود و این باعث دوری ایرانیان از علم جدید است. به‌هیچ‌وجه خواستار وابستگی ایران به غرب به‌خاطر بهره‌مندی از فناوری و علم جدید غربی‌ها نبود و استفاده از علم را فقط برای توسعه اقتصادی باور داشت. معتقد بود زیاد شدن نیازها و متنوع بودن آن به‌دلیل توسعه علم نو است و باعث و ضرورت یافتن و تقلید و دنبال کردن تمدن غربی می‌شود. توسعه و پیشرفت غربی‌ها را دو چیز می‌دانست: نخست خورشید علم و صنعت از مغرب زمین طلوع کرده شده و دوم قانون آنهاست که ملت برای مصلحت امور خود وضع می‌کند و حاکمیت آن را اجرا می‌کند. طالبوف استفاده از راه‌آهن، تلگراف، و بهره‌مندی از نتایج غرب را در حد ضرورت قبول داشت.

۹-۳. رویکرد احمد کسروی

نگاه کسروی به همه‌چیز نگاه پوزیتیویستی و علم‌گرایانه از نوع قرن نوزدهمی آن بود. این به‌رغم آن بود که وی ادعای ضدغربی بودن هم داشت؛ اما دایره‌ای وسیع‌تر یک سیونالیست یا خردگرایی به تمام معنا بود. کسروی شیفته غرب و معتقد بود: الفبای

زبان فارسی به تقلید و روگرفت از کلمات عربی می‌باشد. اگرچه فردی سکولاریست بود، نقش چندانی برای دین در امر حکومت قائل نبود.

۱۰. پاسخ سؤال سوم پژوهش: بنیان‌گذاران جریان فکری سکولاریسم نسبت به الگوی پیشرفت و سبک زندگی چه تفکر و نگرشی داشتند؟

روشنفکری اعتقاد به اصل پیشرفت یا اصل ترقی است. بر اساس این نگرش پیشرفت در مفهوم رفاه‌زدگی دنیوی و انباشت سرمایه و افزایش بیش‌ازپیش ساختار تکنیکی و تکنوکراسی تعریف می‌گردد و مفهوم مادی ناسوتی پیشرفت، جانشین مفهوم معنوی رستگاری و فلاح و کمال به‌عنوان غایت زندگی و تاریخ می‌گردد.

۱- توسعه اقتصادی: بر این اساس هر جامعه به میزان بهره بردن از سکولاریسم و ایدئولوژی‌های اومانیستی و شاخص‌های کمی انباشت سرمایه و فناوری پیشرفته و مترقی تلقی می‌گردد و هر جامعه‌ای که دارای این ویژگی‌ها نبوده و یا در سطح پایینی از نظر سیطره تکنوکراسی و سرمایه‌سالاری و بهره‌مندی ایدئولوژی‌های نوین قرار گرفته باشد، عقب‌مانده و توسعه‌نیافته فرض می‌گردد. بر همین قیاس افراد دارای جهان‌بینی سکولاریستی و اومانیستی و ملحد و یا معتقد به اندیشه دینی تحریف شده به نفع مدرنیته، اشخاصی مترقی و خردگرا و روشنفکر نامیده می‌شوند، و هر انسان دینی که غایت زندگی را در کمال انسانی و قرب الهی و رستگاری جستجو نموده و به سکولاریسم و اومانیسم بی‌اعتقاد باشد، مرتجع و تاریک‌اندیش نامیده می‌شود. نداشتن آگاهی و شناخت کامل از غرب و شناخت سطحی و ظواهر غرب و کم‌خودبینی و بزرگ‌شمردن غرب و هژمونی ذهنی و عملی غرب تحت تأثیر قرارگرفتن شاهان قاجار در سفر به فرنگ و تبلیغ وزرا و دولتمردان وابسته به غرب و شکست‌های اقتصادی و سیاسی و نفوذ روشنفکران غرب‌زده در لایه‌های حکومت، باعث انفعال و مدح همراه با جذابیت را برای شاهان قاجار و عوام فراهم آورده بود.

۲- مدرنیسم: برخی جریان‌های غیراسلامی معتقد بودند که الگوی پیشرفت و سبک زندگی باید بر پایه اصول مدرنیته قرار گیرد. آن‌ها به‌دنبال اصلاحات اجتماعی و سیاسی، توسعه فرهنگی، تکامل علم و فناوری، تمدن و تحقق آرمان‌های غربی بودند. آن‌ها تأکید داشتند که پیشرفت و توسعه اجتماعی باید با رهبری نخبگان نوین آغاز شود.

۳- ملی‌گرایی: جریان‌های ملی‌گرایی غیراسلامی از اصول محافظه‌کاری و حقوق خودژرفی خاصی برخوردار بودند. آن‌ها به‌عنوان دفاع از هویت و فرهنگ ایرانی، در برابر

تأثیرات غربی و استعماری می‌ایستادند. ارزش‌های ملی، سنت‌ها و ارثیه‌های فرهنگی مورد اهتمام و پیشرفت و سبک زندگی با توجه به ارزش‌های ملی و منطقه‌ای شکل می‌گرفت.

۴- توسعه سیاسی: این گروه از سکولارها به‌عنوان یک راه‌حل برای توسعه و پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شدند. آنها بر اهمیت فناوری، علم و دانش، تغییرات اجتماعی و مدرنیزاسیون تأکید می‌کردند و به‌دنبال اصلاح سیستم سیاسی و اجتماعی ایران بر اساس اصول غیردینی بودند. این افراد مفاهیمی همچون حکومت مشروطه، آزادی، قانون و مجلس را به درون جامعه ایرانی وارد کردند و برای مدت‌ها تلاش می‌کردند تا در مقاله‌ها و کتاب‌های خود، ویژگی‌های مثبت این اندیشه‌ها را برای ایرانیان شرح دهند، چراکه از مدت‌ها قبل به این نتیجه رسیده بودند که ریشه تمام پیشرفت‌های غرب در محدودکردن قدرت استبدادی حکومت‌هایشان بوده است. به نفی کامل دین اعتقاد داشتند و راه تمدن و فرهنگ غربی را، تنها راه ترقی ملت و جامعه ایرانی می‌دانستند و تحصیل آن را نیز جز با حذف اساسی عقاید دینی ممکن نمی‌دانستند. چراکه معتقد بودند که به مدد احکام شرعی، آزادی و آزادی‌خواهی و مشروطه غربی در ایران نهادینه نخواهد شد. می‌توان به رویکرد همگانی بودن، رد دین و ارزش‌های اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی، حمایت از جنبش‌های چپ و شورشی، انکار یا کاهش اهمیت فرهنگ و هویت ملی و قومی و تمرکز بر ایدئولوژی‌های خارجی اشاره کرد.

۱۰-۱. رویکرد ملکم‌خان

رویکرد ملکم‌خان نسبت به الگوی پیشرفت در نگاه ایشان الگوی پیشرفت و توسعه ایران پذیرش نظام حکومتی غرب است. هم در نوشتار و هم در عمل، غرب باوری و تقلید بی‌چون و چرا از غرب را تبلیغ می‌کند و مسائل فناوری را با مسائل فرهنگی و آداب و رسوم جامعه را برای رسیدن به اهداف غربی خود ماهرانه پیوند می‌دهد (ملکم‌خان، ۱۳۸۶، ج۱). پیشرو اصلاحات، نوسازی و مروج ایده‌ها و نهادهای نوین بود. نسبت به بقیه روشنفکران قاجار مردم را به پیشرفت‌های غرب و تمدن غرب و نحوه حاکمیت ملی و منفعت داشتن قانون آگاه می‌کرد و باعث تأثیرپذیری در افکار مردم و پیدایش مشروطیت بود.

یکی از راه‌هایی که برای نفوذ غرب در ایران که ملکم‌خان دنبال می‌کرد تغییر خط بود. او قانون و مقررات را به ایران وارد کرد و به ملکم قانونی معروف شد. توسعه

فرهنگی و سیاسی وی، تقلید تمام و کمال از غرب در حکمرانی و مملکت‌داری را می‌خواست. ملکم‌خان می‌گوید: «در گرفتن اصول تمدن جدید و مبانی توسعه عقلی و فکری، حق نداریم در صدد اختراع باشیم، باید از فرنگی سرمشق بگیریم و در همه صنایع از باروت تا کفش‌دوزی نیازمند سرمشق غرب بوده و هستیم» (آدمیت، ۱۳۵۶، ص. ۱۰۳). «ایران نه آدم و نفر متخصص دارد و نه کارخانه آدم‌سازی و متخصص نمودن افراد که بتواند مستقیماً مباشر اجرای نقشه توسعه اقتصادی و پیشرفت خود شود».[۱] فرستادن شاگردانی به فرنگستان برای تحصیل علوم و فنون و اعطای امتیازات اقتصادی به شرکت‌های بزرگ غرب برای احیا و ترقی مملکت از افکار او بود. در زمینه علت ناراحتی ایرانیان و راه نجات آنان کتاب‌های زیادی دارد. اسرار عقب‌ماندگی ایران را ناتوانی تفکر و فرهنگ سیاسی سنتی و راز ترقی و پیشرفت غرب را پیدایش و رشد علم سیاست می‌دانست.

ملکم‌خان نتیجه می‌گیرد که آنچه جهان غرب در دانش و فن و جلوه‌های گوناگون مدنیت پدیدآورده، ثمره دانش تجربی (علم کسبی) است، و اکنون که چنین اندوخته عظیم و ارزشمندی در اختیار غرب است، بخردانه آن است که ایرانیان دستاوردهای فرهنگ را تقلید کنند.... از دید ملکم، پیشرفت غرب در دانش و فن به او مرجعیتی بخشیده که سایر بخش‌های جهان را به پیروی از آن ناگزیر ساخته است. در حقیقت او پدیده مدرنیته را دارای گسترشی ناگزیر می‌داند و در این عقیده چنان جزمیتی نشان می‌دهد که سیاست دست‌اندازی غرب را به سرزمین‌های دیگران، موافق آیین و حکمت خداوندی می‌داند که سرنوشت آن را مقرر داشته است (اصیل، ۱۳۸۴).

توسعه سیاسی نگرش ملکم‌خان علت عقب‌ماندگی، نظام فرهنگی استبدادی و استبدادپرور است. او عوامل پیدایش این نظام فرهنگی را بیان نساخت و ازطرف‌دیگر به نقش استعمار و توطئه‌های غربیان و جنایت و خیانت روشنفکران در پیدایش نظام فرهنگی استبدادپرور سخنی نمی‌راند (طباطبایی، ۱۳۲۷). اصول تعلیم‌وتربیت ما خراب می‌باشد. بدون اصلاح خط، تعلیم‌وتربیت اصلاح‌پذیر نمی‌شود. بدون اصلاح تعلیم‌وتربیت، تمدن و ترقی امکان ندارد، الفبای عربی باعث استبداد سیاسی سرزمین اسلام و فقر و ناتوانی و عقب‌ماندگی فکری است. هدف از تشکیل فراموش‌خانه تجدید سازمان اقتصادی کشور برطبق نمونه اروپایی وابستگی به غرب بود (الگار، ۱۳۶۹).

---

۱. نامه ملکم‌خان به صدر اعظم میرزا حسین‌خان سپهسالار در تاریخ ۱۲۹۳ قمری.

۱۰-۲. رویکرد طالبوف

رویکرد طالبوف در برابر تقلید و الگوبرداری و از آثار مادی تمدن غربی، موضعی انتقادی داشت. زیربنای تفکر او قانون و آزادی و ناسیونالیسم بود. او به‌خاطر حس وطن‌دوستی و عشق و علاقه به میهن و وطن، منتقد تقلید و الگو گرفتن از غرب بود. مخالفت با نفوذ استعمار و پذیرش تمدن غرب مهم‌ترین اصل او بود. یکی از مدافعان پذیرش تمدن غربی در ایران به‌دلیل عقب‌ماندگی جامعه ایران و تحت تأثیر پیشرفت کشورهای غربی بود. قبول تمدن غربی در دوران قاجار را راهی برای رسیدن به پیشرفت و توسعه در ابعاد فرهنگی سیاسی و اجتماعی و اصلاح نظام اجتماعی می‌دانست. در کتاب مسالک المحسنین به دفاع از مدرنیته و ستایش از کشورهای غربی چون فرانسه، انگلیس و ایتالیا پرداخته و به تخطئه روحانیت و احکام اسلامی و ضرورت معاصری نمودن احکام و تحکیم حکم زکات و قربانی سخن رانده و اشاره می‌کند احکام شرعی ما برای هزار سال قبل خوب بوده است و او مثل ملکم و آخوندزاده، علت عقب‌ماندگی در الفبای مندرس ایران جستجو کرده و از تغییر الفبا سخن می‌گوید.

۱۰-۳. رویکرد آخوندزاده

وی که الگوی سیاسی حاکم در مملکت‌داری و ملت‌پروری مورد نظر خود را در پادشاهان مستبد روشنفکر و مدرنیست قرن هجدهم یعنی فردریک پادشاه مطلق‌العنان پرووس و پتر کبیر مستبد و غرب‌گرای روسیه جستجو می‌کند، اظهار داشت که این پادشاهان در ایام حیات خود محبوب ملت خودشان بوده‌اند. خط اسلام را عامل عقب‌ماندگی مسلمین از تمدن غربی قلمداد می‌کند. سه نظریه خط و الفبا، اسلام و چیرگی عرب را از عوامل مهم عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمین می‌داند و چیرگی عرب و ایران را علت بنیادین و آغازین هدایت معرفی می‌کند. دوران ایران باستان را دوران سربلندی و درخشندگی و سرفرازی و دوران اسلامی را دوران تاریکی و ظلمت معرفی می‌کند. اعتقاد به پروتستانیسم و دیسم به معنای نفی حقوق الهی و تکالیف عبادالله و جایگزینی حق‌الناس و انکار معجزات و کرامات الهی و حقایقی مانند ملائکه و جن و شیطان و در یک کلام آزادی از اعتقادات دینی و اصالت دادن به دنیای مدرنیته و اندیشه لیبرالیسم و لزوم تغییر خط و الفبای ممالک اسلامی جهت تغییر فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی اسلامی و توصیه به الفبای جدید و شمردن دین به‌عنوان مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی و مانع علم و معرفت و مخالفت

با مراسم تعزیه و عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) و بی‌فایده دانستن آن و مخالفت با روحانیت و تفکرات حوزه‌های علمیه داشت. آخوندزاده بدون توجه به نقش استعمار در انحطاط مسلمین و آشنایی اندک و سطحی‌اش نسبت به فلسفه و علوم اسلامی و تأثیرپذیری ناقص از اندیشه‌های غربی آن به نبرد با دین و روحانیت پرداخته و اندیشی ملی‌گرایی را طرح کرد (الگار، ۱۳۶۹، ص ۳۰۵-۳۰۷). در رساله خود با عنوان «الفبای جدید» اهداف خودش را تغییر الفبا و خط در ایران، توسعه و ترقی و پیشرفت ایران و شبیه اروپایی شدن می‌داند. نسبت به الگوی پیشرفت؛ نسبت به تسلط فرهنگ دینی و عربی و مذهبی خواستار ناسیونالیسم‌گرایی و ملیت‌خواهی و دوباره در اوج قرار گرفتن مثل دوران ایران باستان را شده است و این به‌خاطر تحقیر شدن در برابر پیشرفت و توسعه ملت‌های دیگر به‌وجود آمده است. وی اندیشه‌ساز ناسیونالیسم جدید طبق اصول مشروطیت و حکومت قانون و سیاست عقلی عرفی و تفکیک مطلق سیاست از شریعت است. ازاین‌جهت پیشرو همه متفکران ایران و مصر و عثمانی می‌باشد. مدار فکری او جدایی دین از سیاست بود... قانون‌گذاری ـ اعتقاد به آزادی زنان ـ آزادی، لغو تعدد زوجات ـ تعلیم‌وتربیت ـ آزادی حجاب زنان ـ ناسیونالیسم از تفکرات وی بود.

۱۰-۴. رویکرد میرزآقاخان کرمانی

او آغازگر ناسیونالیسم در ایران نبود، ولی ناسیونالیسم را به سر حد افراطی رساند و به تعبیر طبری، ناسیونالیسم وی به «شوونیسم» گرایش یافته است. او را می‌توان زمینه‌ساز پیدایش ناسیونالیسم شاهنشاهی رضاشاه و تئوریسین و نظریه‌پرداز دستگاه استبدادی رضاخانی دانست (طبری، ۱۳۹۵).

۱۰-۵. رویکرد حکمی‌زاده[۱]

رویکرد حکمی‌زاده نسبت به الگوی پیشرفت: از سیاست‌های غربی‌سازی رضاشاه حمایت می کرد. حکمی‌زاده و دوستانش غرب را منشأ رواج کارهای غیراخلاقی دانسته و مثل کسروی شرق‌گرا بودند. حکمی‌زاده از اقدامات رضاشاه برای کشف حجاب و ترویج لباس فرنگی و اصلاح دین در ایران حمایت کرد.

۱. حکمی‌زاده در خانواده‌ای روحانی در قم به دنیا آمد. «حکمی‌زاده» خواهرزاده سیدمحمود طالقانی از روشنفکران شرق‌گرا که بیشتر به مکتب کمونیستی و سوسیالیستی گرایش داشت. فن بیان قوی در سخنوری داشت. در سال ۱۳۲۴ وقتی معلم او یعنی احمد کسروی توسط حزب توده ترور شد، او نیز منزوی شد و به‌کار مرغداری پرداخت و در زمان جمهوری اسلامی هم خلع لباس بود.

۱۰-۶. رویکرد احمد کسروی

کسروی از لحاظ سیاسی طرفدار لیبرالیسم مبتنی بر مشروطه بوده و از طرفداران رضاخان در اصلاحات اجتماعی ازجمله کشف حجاب و پیروی و تقلید از غرب در راه پیشرفت کشور بود. در رساله خود با عنوان (مشروطه بهترین شکل حکومت) به نظریه‌پردازی و بیان آرای خود پرداخته و تجددگرایی سطحی ذیل ایدئولوژی ناسیونالیسم به پیش گرفتن رویکرد مبتنی بر (اندیشه پیشرفت ناسوتی) بوده است.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به هدف پژوهش و شناخت دیدگاه و تفکرات بنیان‌گذاران شاخص‌ترین افراد سکولاریسم ایران در سه حوزه دین و علم و الگوی پیشرفت، در تفسیر سه حوزه مذکور به روش استدلال علمی و منطقی، از منظر الگوی فرهنگ، فرهنگ‌ها سه‌لایه دارند: ۱- مفروضات اساسی (عقاید و باورها)، ۲- ارزش‌ها، ۳- نمادها یا رفتارها. در لایه اول که اعتقادات و عقاید و باورهاست که با پیام ضمنی منتقل می‌شوند و دین در این لایه قرار می‌گیرد. در لایه دوم که ارزش‌هاست و یا همان بایدها و نباید جامعه یا اصول جامعه است که علم و فناوری را در این لایه می‌توان دید، و در لایه سوم یا بیرونی نمادها و رفتارها هستند یا به تعبیری دیگر لایه مادی فرهنگ هم گفته می‌شود که الگوی پیشرفت و توسعه را می‌توان در این لایه تفسیر کرد. فرهنگ مثل کوه یخی است که نوک آن بیرون و لایه‌های اصولی و مبانی در آب است یا مثل درخت که ریشه‌ها مبانی، تنه درخت ارزش‌ها و شاخ و برگ، نمادها هستند.

در این پژوهش با بررسی سه موضوع اساسی به این نتیجه می‌رسیم که بنیان‌گذاران سکولار در ایران با زیر سؤال بردن سه موضوع اصلی و بنیادین فرهنگ یک کشور، در صدد غربیزه کردن ایران بودند و در بعضی موارد هم موفق شدند و بعضی موارد هم با مقاومت ملت و روحانیت مواجه شدند. زیر سؤال بردن باورهای مذهبی و اعتقادات دینی مردم و اصولی چون امامت، صاحب الزمان و مرجعیت و تقلید و روحانیت و حوزه‌های علمیه و فقه و دین و رواج اندیشه‌های ناسیونالیستی و باستان‌گرایی در برابر فرهنگ و تمدن اسلامی و از بین بردن روح حماسه استقلال مقاومت و توانایی‌های فکری ملت به‌خصوص جوانان با پرداختن به لزوم تقلید بی‌چون و چرا از غرب می‌دانند.

آنها با زیر سؤال بردن اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی جامعه و حذف دین در صدد رسیدن به اهداف غربی خودشان بودند و می‌خواستند فرهنگ و الگوی غرب را

بدون توجه به شرایط دینی و مذهبی و فرهنگ مردم عیناً در کشور پیاده کنند. آنها با بنیاد نهادن دهها انجمن محفل سازمان و حزب سیاسی و وابسته به محافل سری غرب برای جذب جوانان و تربیت آنها طبق الگوهای غربی و رخنه در جنبش‌های اسلامی و کوشش برای ایجاد انحراف در آنها و پشت‌کردن به آنها در لحظات حساس و حمایت سرسختانه از استبداد شاهی و رضایت به ظلم و جور آنها به‌خاطر رضایت شاهان به حضور فرهنگ بیگانه و مزدورانی چون آنان در دستگاه اداره کشور و جلوگیری از به قدرت رسیدن روحانیت و اجرای احکام الهی و دریک کلام غرب‌گرایی و غرب‌زدگی و دین‌ستیزی یا نفی دین و خود برتربینی که روشنفکران را از مردمی‌گرایانه بودن باز داشته‌اند.

در لایه بعدی که همان علم بود، سکولارها وابستگی علمی به غرب را بدون چون و چرا پذیرفته بودند و پیرو و مقلد اساتید غربی خود بودند و علم غرب را به‌عنوان وحی منزل می‌دانستند و این‌چنین به آنها القاء شده بود که علم فقط در غرب است و کشورهای جهان سوم نمی‌توانند علم تولید کنند، و در نگاه روشنفکران، روشنفکری به علوم جدید با رویکرد پوزوتیویستی است و علم تجربی یا ساینس را صورت نهایی علم و معرفت می‌داند و می‌کوشد تا همه امور را بر اساس خط‌کش علم و جهان‌بینی علمی بسنجد. روشنفکران غرب‌زده بیشتر از طریق تأثیرگذاری در سیاست‌ها، ساختارها و آموزش عالی، تلاش می‌کردند تا نقش اسلام در زمینه علمی و آموزشی را کاهش دهند و به‌جای آن، رویکرد سکولار و غیرمذهبی را در جامعه پیش برند. معتقد بودند که علم و دانش باید مستقل از دین باشد و مذهب نباید روی علم و استناد به دانش تأثیری داشته باشد. آنها به تحلیل و تفسیر موضوعات علمی از منظر سکولاریسم پرداخته و سعی می‌کردند، نقش دین و مذهب در تعریف و استفاده از علم را کاهش دهند و علم را با آرمان‌های خود هماهنگ کنند. این گروه‌ها تمایل داشتند تا علم و دانش را در چهارچوب‌های سکولار خود تعریف کنند و استفاده از آن را بر اساس ارزش‌ها و اصول غیرمذهبی خود محدود کنند. معتقد بودند که علم باید بر اساس منطق و روش‌های علمی پیشرفت کند و نباید تحت تأثیر باورها و آیین‌های مذهبی قرار گیرد. آن‌ها به‌دنبال جداکردن علم از تعصبات مذهبی و تأکید بر توجیهات علمی و منطقی بودند. معتقد بودند که علم و فناوری می‌توانند راهبردی برای پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی باشند و باید در تمامی حوزه‌های زندگی مردم به‌کار گرفته شوند.

سوءاستفاده استعمار غرب از سکولارها در ایران در مقاطع مختلف تاریخی و وابستگی در دیدگاه‌ها و عدم استقلال در بینش و تفکر غرب‌گرایانه به ملیت و فرهنگ

ایرانی، انحراف و التقاط در باورها و عقاید و ابزارشدن برای فرهنگ و سیاست‌های غرب، خیانت‌های انفرادی و جمعی، عدم شجاعت و عدم قاطعیت و بی‌بهره بودن از روحیه ایثار از ویژگی‌ها و عملکردهای این بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران بوده است.

در لایه سوم یا الگوی پیشرفت، پیشرفت غرب و تحت تأثیر ظواهر غرب قرار گرفتن، بزرگ‌ترین آفت تفکری بنیان‌گذاران سکولاریسم در ایران بوده و از طرفی افراد سکولار به‌خاطر قرارگرفتن در مناصب دولتی و حکومتی و مقایسه وطن خود با اروپا و از همه مهم‌تر تحت نفوذ ایادی انگلیس بودن و فروختن وطن به آنها در قبال قراردادهایی منفعت‌طلبانه شخصی در صدد واردکردن الگوی پیشرفت و تجهیزات اروپایی به داخل ایران بودند. این افراد با دسترسی به پست‌های حساس و دخالت استعمارگران ازجمله انگلیس و روسیه، به‌جای پیشرفت و توسعه ایران با تفکری روشن و آگاه از تحولات کشورهای اروپایی، در نقش مزدور و خائن عمل کرده و بدون تفکر و اندیشه عمیق و بدون توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی در پیاده نمودن اهداف و افکار غرب در ایران شدند. همین روشنفکران در بدو تولد متأثر از تحولات غرب و در راستای تحقق خواسته‌های آنان، وظیفه مهم و اولیه خویش را تغییر جهت اسلام از لحاظ محتوایی تعیین نمودند و نسل بعدی آنها نیز در همین جهت عمل نمود. پایه‌های فکری که این روشنفکران غرب‌زده در ایران بنیان نهادند، بعدها در مقاطع مختلف تاریخی کشور آثارش به‌وضوح دیده شد و همچنان از اول انقلاب اسلامی تا کنون کسانی هستند که سنگ روشنفکری را با تأسی از این خائنان بر سینه می‌زنند. امروزه صحبت از جنگ نرم و قدرت نرم در دنیا می‌کنیم، قطعاً یکی از مهم‌ترین کارگزاران این عرصه همین روشنفکران هستند. باید با دقت و مراقبت عالمانه و نه احساسی و غیرعالمانه، برای مواجهه با آنها راهبرد مناسبی داشت. اگر این روند پیش برود، ما می‌توانیم در حوزه روشنفکری تحولات دقیقی را شاهد باشیم. متأسفانه جریان روشنفکری در ایران از مفهوم ذاتی و حقیقی خود که می‌توانست نقش مثبت در زندگی مردم و الگویی ارزشمند در پیشرفت دولت و کشور داشته باشد، به تخریب فرهنگ اسلامی ایرانی و اعتقادات و باورها و مبانی، توانایی‌ها پرداخته و همچنین در صدد تربیت و پرورش و القای ذهنی «ما نمی‌توانیم» ایرانیان بوده و در خدمت سیاست‌های استکباری و استعماری و در پی تحمیل و ازبین‌بردن فرهنگ اسلامی و جایگزنی فرهنگ غربی توسط عناصر خودفروخته‌ای بودند. جریان سکولاریسم مثل موریانه در هر دوره ازتاریخ ایران، از درون، پایه‌های حکومتی را جویده است. این پژوهش ازاین‌جهت دارای اهمیت و ضرورت است که اولاً، از قاجار تاکنون، جریان

روشنفکری و روشنفکران به‌عنوان یکی از کنشگران مطرح جامعه و از جریان‌های تأثیرگذار در کشور محسوب می‌شوند که در تحولات عرصه‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی کشور جریان‌ساز بوده‌اند و بیشترین دلیل عقب‌ماندگی ایران از کشورهای دنیا مربوط به دوره قاجار می‌باشد که روشنفکری در ایران به‌وجود آمد. ثانیاً، رسوب تفکر و اندیشه‌های بنیان‌گذاران این جریان و درحال‌حاضر در بعضی از لایه‌های مدیریتی راهبردی و کلان و اجتماعی کشور وجود دارد و نگاه به غرب و شرق و عدم توجه به ظرفیت‌های داخل کشور از نمونه‌های بارز آن است و یا در قالب‌های دیگر ممکن است خودنمایی نماید.

لذا شناختن اصل این تفکر و اندیشه‌های شرقی و غربی می‌تواند ما در حوزه‌های گوناگون مصون نماید و آگاهی از این تفکرات باعث کاهش هزینه‌ها به نظام انقلاب اسلامی، از انتخاب و انتصاب مدیران و تصمیم‌گیران خرد تا کلان جامعه مؤثر خواهد شد. این جریان با قرارگرفتن در مناصب حکومتی و قانونی می‌توانند در پیشرفت و توسعه کشور اثرگذار بوده و کشور را به اقتدار و غرور ملی در همه عرصه برسانند یا کشور در همه زمینه‌ها و نظامات اقتصادی و فرهنگی وابسته و مرید و مقلد کشورهای استعمارگر نموده و سربازان وطنی این کشورها شوند. ما را به خاستگاه و ریشه این تفکرات آگاه می‌نماید و به این دلیل دارای اهمیت است که مسئله سکولاریسم همچنان در لایه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز کشور وجود داشته و عدم شناخت این مسئله و خاستگاه فکری بنیان‌گذاران سکولار و نپرداختن به آن باعث دورشدن از آموزه‌های دین اسلام و ترویج و پیاده نمودن تفکر و تمدن غرب در کشور باشیم.

نگارنده در این مقاله با معرفی مؤسسان جریان سکولاریسم و منظومه فکری آنان در ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری فرهنگی ایران و چگونگی شکل‌گیری، اصول و مبانی اندیشه شخصیت‌های اصلی و تأثیرگذار، سعی و تلاش نمود تا گامی اندک برای اعتلای مهندسی فرهنگی کشور بردارد، چراکه برخی از جریان‌های فکری به مرور زمان رنگ عوض کرده و به جریان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تبدیل می‌گردند و شناخت دقیق این جریان‌ها، می‌تواند برای مدیران راهبردی، راهگشا بوده و باعث بصیرت‌افزایی آنان گردد.

فهرست منابع

آخوندزاده، میرزافتحعلی (۱۳۸۶). *تاریخ تهاجم فرهنگی غرب نقش روشنفکران وابسته*. ج ۶، تهران: نشر قدر ولایت.

آدمیت، فریدون (۱۳۵۷). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران: نشرپیام.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). *روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*. تهران: نشر اجتماع.

اصیل، حجت‌الله (۱۳۵۶). *سیری در اندیشه سیاسی کسروی*. تهران: امیر کبیر.

اکبر، علی (۱۳۹۵). *گفتمان عقب‌ماندگی نزد روشنفکران ایرانی*. تهران: نشر فروزان.

الگار، حامد (۱۳۶۹). *پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان، میرزا ملکم‌خان*. ترجمه جهانگیر عظیما، تهران: نشر مدرس.

بادامچیان، اسداله (۱۳۸۷). *روشنفکری و روشن اندیشی در ایران*. تهران: نشر اندیشه ناب.

خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی: KHAMENEI.IR

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹). *جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها*. تهران: انتشارات تعلیم‌وتربیت اسلامی.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۱). *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*. تهران: نشر معارف.

داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۲). *سیری در تاریخ روشنفکری در ایران و جهان*. تهران: نشر سخن.

زاهد، سیدسعید (۱۳۸۴). *راهبرد یاس، در باب توسعه فرهنگی در ایران*. شماره ۳.

ساجدی، امیر (۱۳۹۴). جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد*، ۱۱(۳۱).

شریعتی، علی (۱۳۵۶). مجموعه آثار، بی‌جا:بی‌نا.

طباطبایی، محیط (۱۳۲۷). *مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان*. تهران: انتشارات علمی.

کرمانی، میرزا آقاخان (۱۳۸۶). *تاریخ تهاجم فرهنگی غرب نقش روشنفکران وابسته*. تهران: نشر قدر ولایت.

ملکم‌خان، میرزا (۱۳۸۶). تاریخ تهاجم فرهنگی غرب نقش روشنفکران وابسته. تهران: نشر قدر ولایت.

یوسفی مقدم، محمدصادق و غرسبان، مرتضی (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی مؤلفه‌های دین‌گریزی اومانیسم در تفکر دینی. *مجله نقد و نظر*. ۲۷(۱۰۷)، ۱۴۹-۱۷۵.

Reference

Abutalebi Yazdi, M. & et al. (2022). Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs, 22(4). (In Persian)

Admit, F. (1977). Social and Political Thoughts in the Qajar Era: The Thoughts of Mirza Agha Khan Kermani. Nasrpiam. (In Persian)

Akbar, A. (2015). Discourse of backwardness among Iranian intellectuals. 1st ed. Tehran: Forozan Publishing House. (In Persian)

Algar, H. (1990). A Research on the Modernism of Iranians: Mirza Mulkam Khan. Translated by Jahangir Azima. Modares Publishing House. (In Persian)

Aseel, H. (1977). A Journey Through Kasravi's Political Thought. Tehran: Amir Kabir, 1st ed. (In Persian)

Aseel, H. (2005). Mirza Malkam Khan Nazim-ud-Doulah and the Theorizing of Iranian Modernity. Nashkarvir, pp. 35-100. (In Persian)

Azad Aramaki, T. (2018). Intellectuals and the Intellectual Paradigm of Backwardness in Iran. First edition. Tehran: Publishing House. (In Persian)

Badamchian, A. (2017). Enlightenment and Enlightenment in Iran. Pure Thought Publishing House. (In Persian)

Davari Ardakani, R. (2013). A Journey in the History of Intellectualism in Iran. Vajan, Nashresakhon. (In Persian)

Information Base of the Office of Preservation and Publication of the Works of Khamenei, A. (Madzala Al-Ali). Cultural Research Institute of the Islamic Revolution. KHAMENEI.IR. (In Persian)

Jafarian, R. (2011). Iran's Religious and Political Currents and Organizations. Nashralam. (In Persian)

Khosropanah, A. (2010). Flowology of Countercultures. Islamic Education Publications. (In Persian)

Khosrupanah, A. (2022). Contemporary Iran's Intellectual Currents. Neshr Ma'arif, 5th ed.. (In Persian)

Sajdi, A. (2014). Azad University Political Science Quarterly, 11(31). (In Persian)

Shariati, A. (1977). Collection of Works. (12). (In Persian)

Tabatabai, M. (1948). Collection of Works: Mirza Malkam Khan. 1st ed. Scientific Publications, Bita. (In Persian)

The History of the Cultural Invasion of the West: The Role of Affiliated Intellectuals. (2007). Vol. 6, Mirza Agha Khan, Qadr Velayat Publications. (In Persian)

The History of the Cultural Invasion of the West: The Role of Related Intellectuals. (2007). (Mohammed Ali Foroughi), Vol. 2, Qadrwalayat

Publishing House. (In Persian)
The History of the Cultural Invasion of the West: The Role of Related Intellectuals. (2007). (Mirza Fateh Ali Akhundzadeh), Vol. 6, Qadrulait Publishing House. (In Persian)
The History of the Cultural Invasion of the West: The Role of Related Intellectuals. (2007). (Syed Hasan Taghizadeh), (4), Qadrulait Publishing House. (In Persian)
The History of the Cultural Invasion of the West: The Role of Related Intellectuals. (2016). (Mirza Hossein Khan Sepehsalar), Qadrulait Publishing House. (In Persian)
The History of the Cultural Invasion of the West: The Role of Related Intellectuals. (2007). (Mirza Agha Khan Kermani), (6), Ghadrolait Publishing House. (In Persian)
The History of the Cultural Invasion of the West: The Role of Related Intellectuals. (2007). (Mirza Mulkam Khan), (1), Qadrulait Publishing House. (In Persian)
Yousefi Moghadam & et al. (2022). Naqd wa Nazar Magazine, 27th year, Autumn, (3). (In Persian)
Zahid, S. (2005). Yas Strategy: About Cultural Development in Iran, (3). (In Persian)
Zarshenas, Sh. (2017). A Brief Look at the History of Intellectuals in Iran, (1), 3rd ed. Sobh Publishing House. (In Persian)
Zarshenas, Sh. (2017). A Brief Look at the History of Intellectuals in Iran, (2), 3rd ed. Sobh Publishing House. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۰۷۵-۱۱۲۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

مقاله پژوهشی

طراحی الگوی تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان در راستای بند ۱۱ سیاست‌های کلی خانواده (مورد مطالعه: شهر تهران)

بهراد منافی
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
behrad.manafi@srbiau.ac.ir 0000-0003-4619-5475
باقر ساروخانی
استاد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
bagher.sarookhani@soore.ac.ir 0009-0007-4684-3221
حسین آقاجانی مرسا
دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
a_marsa1333@yahoo.com 0009-0005-9603-5447

چکیده
هدف این پژوهش، طراحی الگوی تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان با روش تحقیق آمیخته است. در بخش کیفی، با روش نمونه‌گیری نظری، ۵۳ نفر از مدیران و والدین اعضای انجمن انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، از رویکرد نظریه داده‌بنیاد و روش اشتراوس و کوربین با نرم‌افزار MAXQDA استفاده و مدل مفهومی طراحی گردید. در بخش کمی با نمونه‌گیری احتمالی، پاسخ‌های ۴۷۷ نفر به پرسشنامه‌ای برخط با نرم‌افزار SMART-PLS به روش مدلسازی معادلات ساختاری تحلیل و برازش مدل تأیید گردید.
نتایج: عواملی چون؛ نگرش و انگیزه مدیر مدرسه، اولیاء و اعضای انجمن، مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر نقش انجمن در اداره کارآمدتر و حل مشکلات مدرسه، تعدیل انتظارات خانواده‌ها از مدرسه و بهبود روابط اولیاء و مربیان مؤثرند. راهبردهایی مانند؛ ارتباط حضوری و دعوت اولیاء به مراسم، آموزش خانواده، فرهنگسازی اهمیت انجمن و تعامل، گزارش برنامه‌ها و عملکرد مالی مدرسه به خانواده‌ها، اعتمادسازی، جلسات هدفمند با کارگروه‌های تخصصی و پیگیری مصوبات انجمن، تقدیر از مدیر و اعضاء انجمن موجب تحقق اهداف آموزشی و پرورشی، افزایش شناخت از دانش‌آموز و سرمایه اجتماعی اقتصادی مدرسه می‌شود؛ البته در این فرایند شرایط و عملکرد نامطلوب مدرسه، ناسازگاری و ترجیح منافع فردی اولیاء، برگزاری فرمالیته انجمن، فقدان قدرت اجرایی انجمن، سیاست دوگانه دولت در دریافت کمک مالی از اولیاء، شرایط شغلی اولیاء، مسافت خانه تا مدرسه، همکاری متقابل و دولتی یا غیردولتی بودن مدرسه، تأثیر دارند.

کلیدواژه‌ها: تعامل، خانواده و مدرسه، انجمن اولیاء و مربیان.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی
doi 10.22034/scs.2024.447474.1552

OPEN ACCESS
مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

تعامل یا مشارکت والدین با مدارس یکی از اساسی‌ترین موضوع‌ها جهت ارتقاء و بهبود کیفیت آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود (Epstein, 2013). نظر به اهمیت بالای موضوع، در بند ۱۱ سیاست‌های کلی خانواده، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ابلاغی مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۹۵ /۰۶/۱۳، «تقویت و تشویق خانواده در جهت جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی» آورده شده است. از طرفی، در ایران تعامل بین خانواده و مدرسه با چالش‌هایی مواجه است. فرهنگ، اقتصاد و مشکلات خانواده در مشارکت اولیاء در امور مدارس تأثیر دارند (سبحانی‌نژاد و یوزباشی، ۱۳۹۲). انجمن اولیاء و مربیان به‌عنوان پلی بین این دو نهاد، نقشی بسیار مهم و راهبردی در ایجاد هماهنگی و همکاری برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش و بهبود ارتباطات بین دو عامل اصلی تربیت دانش‌آموزان، یعنی خانواده و مدرسه، ایفا می کند. این انجمن‌ها به‌واسطه برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مشترک می‌توانند به توسعه مهارت‌ها و استقلال فکری دانش‌آموزان کمک کرده و در موفقیت آنها نقش مؤثری داشته باشند؛ اما وجود چالش‌هایی مانند مشکلات مالی، عدم تمایل و حضور فعال والدین برای تعامل با مدرسه و عضویت در انجمن، مدیریت ناکارآمد، تفاوت‌های دیدگاه و نظرهای اعضای انجمن، عدم شناخت صحیح از نقش والدین در مدرسه و... مانع از ایفای آنها می‌شود. همچنین وجود کاستی‌هایی در ساختار تشکیلاتی و انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش در این خصوص تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد در موارد بسیاری انجمن‌ها به شکل صوری تشکیل می‌شوند (متین، ۱۳۹۱).

به نظر می‌رسد در ایران انجمن‌های اولیاء و مربیان نهادینه نشده‌اند و در متن جامعه ایران پذیرفته نیستند و پیامشان شنیده نمی‌شود. در اکثر موارد جلسات آن به‌صورت تشریفاتی برگزار شده و تصمیمات آن در عمل به‌کار گرفته نمی‌شود. متأسفانه در بسیاری از موارد هم از انجمن برداشت سوء می‌شود؛ مانند برای گرفتن پول و انجام کار رایگان برای مدرسه. درنتیجه نوعی زدگی نسبت به انجمن ایجاد شده و انجمن از رسیدن به اهداف خود بازمی‌ماند. با تعامل به موقع و اثربخش با خانواده‌ها و حمایت از این دانش‌آموزان آسیب‌پذیر، ضمن کاهش آمار ترک تحصیل و افت تحصیلی دانش‌آموزان، به افزایش کیفیت آموزش و پرورش و تحقق ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین دست خواهیم یافت.

در راستای بند ۱۱ سیاست‌های کلی خانواده، مسئله پژوهش حاضر این است که برای جلب مشارکت خانواده‌ها در پیشبرد اهداف و برنامه‌های نهاد آموزش (تعامل اثربخش بین خانواده و مدرسه) چه چالش‌هایی وجود دارد؟ الگوی مطلوب تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن چیست؟ و تحلیل جامعه‌شناختی و بررسی عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر، راهبردهای دستیابی به نتایج و عوامل مؤثر بر راهبردهای آن مهم است؛ بنابراین پژوهش ما به شناسایی «آنچه هست» و «آنچه بهتر است باشد»، در شیوه‌های مدرسه و انجمن کمک می‌کند تا مشارکت خانواده‌ها در آموزش و پرورش فرزندان خود به‌واسطه تعامل اثربخش بین خانواده‌ها و مدرسه افزایش و اهداف و برنامه‌های کشور تحقق یابد.

۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

۱-۱. اهداف پژوهش

۱- طراحی الگوی مطلوب تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان؛

۲- شناخت عوامل علّی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن؛

۳- تقویت تعامل اثربخش بین خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

۱- الگوی مطلوب تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان چست؟

۲- عوامل علّی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن کدامند؟

۳- چگونه می‌توان تعامل اثربخش بین خانواده و مدرسه را با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان تقویت نمود؟

۲. پیشینه پژوهش

جدول (۱): پیشینه داخلی و خارجی پژوهش

نویسنده	عنوان	نتایج
محسنی؛ علی‌حسینی و قلی قورچیان، ۱۴۰۱	ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان	شرایط علی: عامل ساختاری و عامل فرهنگی راهبردها: گسترش امکان مشارکت والدین، گسترش اخلاق حرفه‌ای، وضع قوانین و مقررات و فرهنگ‌سازی پیامدها: عوامل اجتماعی، عوامل آموزشی؛ زمینه‌ای: تجارب دانش‌آموزان، نقص مدیریتی، نقش تربیتی خانواده و شرایط مداخله‌گر شامل: عدم همکاری خانواده با مربیان، کمبود منابع مالی خانواده، کمبود نیروی متخصص
آمیقی رودسری و شریفیان، ۱۳۹۷	بررسی موانع تعامل اولیاء با معلمان با تأکید بر جایگاه معلم، والدین و مدیریت مدرسه	کمبود اعتماد به نفس، قدرت‌طلبی، احساس برتری و حالت دفاعی برخی معلمان در برابر والدین. نگرش‌ها و سواد والدین در مورد مشارکت، شرایط شغلی والدین، سن دانش‌آموزان، مشکلات رفتاری فرزندان، درگیری برای تأمین معاش، ترجیح منافع فردی بر منافع گروهی، تأکید بر توفیق‌های مادی، کمبود تجربه مشارکتی، کمبود اعتماد متقابل و عدم توانایی مدیریت مدارس در برقراری روابط با اولیا.
گوهری و دیگران، ۱۳۹۴	شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان	عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه، تغییرات سریع برنامه‌های درسی و آموزشی و عدم شناخت والدین و ناتوانی آنها در تطبیق با برنامه‌ها، کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره، ساختار نظام آموزشی کشور، وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها، عدم آگاهی والدین از پیامدها و فواید مترتب بر امر مشارکت، عدم تبلیغات رسانه‌ها در ترویج فرهنگ مشارکت
زنجانی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰	مشکلات و موانع مشارکت والدین در مدارس	این موانع گاهی به ساختارهای نظام آموزشی کشور و در مواقعی به عدم آگاهی خانواده‌ها از فواید مشارکت در آموزش، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، اعتماد، توانایی برای کنش‌های مشارکتی، رضایت، انسجام اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی برمی‌گردد.
رجائی‌پور و دیگران،	بررسی راه‌های بهبود مناسبات خانه و مدرسه از	از نظر آموزگاران ویژگی‌های شخصی مدیران از قبیل ظاهر آراسته، حسن خلق، خوشرویی و رعایت عدالت

نویسنده	عنوان	نتایج
۱۳۸۷	دیدگاه آموزگاران	در برخورد با افراد مختلف و مهارت‌های فنی مدیر، شامل آشنایی با امور اداری مدرسه، نظارت صحیح بر امور مالی، ارتباط با آموزگاران و اولیا، در بهبود رابطه خانه و مدرسه تأثیر دارد.
قاسمی پویا، ۱۳۸۰	مشارکت مردمی در آموزش و پرورش	کاستی‌های درونی از عوامل انسانی و به خصوص نگرش مسئولان نسبت به مفهوم مشارکت و نقایص مرتبط با برنامه‌ریزی و مشارکت‌های آنان و کاستی‌های بیرونی نیز مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی ـ فرهنگی، کاستی‌های ناشی از برنامه‌های دولت و تبعات حاصل از آن.
Stroetinga & et al., 2019	همکاری معلمان دبستان با والدین در امر تربیت: مروری بر ادبیات تجربی	عوامل مثبت یافت شده مربوط به شیوه‌های حرفه‌ای معلمان است، مانند آغاز گفتگو، ایجاد روابط گرم، اعتماد و اتخاذ چهارچوب‌های جایگزین برای گسترش درک آنها از همکاری معلم و والدین و شیوه ها و باورهای تربیتی جایگزین.
Vicente & et al., 2019	تحلیل مشارکت خانواده در انجمن‌های اولیاء دانش‌آموزان و شورای مدرسه	میزان مشارکت مرتبط در نیمی از خانواده‌ها، علاقه اندک به عضویت در هیئت مدیره و مشارکت محدود در فعالیت‌های سازمان‌دهی شده توسط انجمن. عدم امکان تعادل کار و زندگی به‌عنوان مانع اصلی. مشارکت بسیار کم و صلاحیت محدود آنها برای توسعه نمایندگی در این ارگان است. مشارکت رسمی خانواده در مرحله آموزش ابتدایی و در مدارس دولتی به‌طور معناداری بالاتر است.
Vigo-Arrazola & Dieste-Gracia, 2019	انگیزه‌های والدین برای مشارکت در آموزش کودکان: آزمون تجربی مدل نظری مشارکت	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده شامل باورهای انگیزشی والدین در مورد مشارکت، ادراکات دعوت به مشارکت از سوی دیگران، متغیرهای زمینه‌ای؛ نشان داد که سازه‌های مدل بخش‌های قابل‌توجهی از واریانس را در مشارکت والدین در خانه و مدرسه پیش‌بینی می کنند. هنگام کنترل وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده. قدرت پیش‌بینی سازه‌های مدل خاص برای والدین دبستانی و راهنمایی متفاوت بود.
Hampden-Thompson & Galindo, 2017	روابط مدرسه و خانواده، رضایت از مدرسه و پیشرفت تحصیلی جوانان	روابط مثبت مدرسه و خانواده پیش‌بینی کننده پیشرفت است، این ارتباط با میزان رضایت والدین واسطه می‌شود. روابط قوی مدرسه ـ خانواده و سطح

نویسنده	عنوان	نتایج
		بالای رضایت از مدرسه باعث افزایش موفقیت تحصیلی می‌شود؛ بنابراین، سیاست‌ها و شیوه‌های مدرسه که روابط با خانواده‌ها و سطح رضایت والدین را بهبود می‌بخشد، می‌تواند برای همه جوانان، از جمله جوانان با پیش‌زمینه‌های فقیر، مفید باشد.
Enueme, 2013	کمک‌های انجمن اولیاء و معلمان به مدیریت مدارس در نیجریه: دیدگاه مدیران	در ادراک مدیران زن و مرد، انجمن تا حدودی به مدرسه کمک می‌کند؛ اما سهم زیادی در ارتقای لحن اخلاقی مدرسه داشته است.
Hornby & Lafaele, 2011	موانع مشارکت والدین در آموزش و پرورش	موانع فردی والدین و خانواده. عوامل کودک؛ عوامل والدین ـ معلم و عوامل اجتماعی در مورد وضعیت فعلی دخالت والدین، مهم هستند، فشارهای وارده بر والدین به دلیل کاهش حمایت از خانواده‌ها از سوی سازمان‌ها به این معناست که مدارس نقش‌های گسترده‌تری در حمایت از والدین دارند.
Tschannen-Moran, 2001	همکاری و نیاز به اعتماد	سطح همکاری با سطح اعتماد مرتبط است. بین همکاری با مدیر و اعتماد به مدیر، همکاری با والدین و اعتماد به والدین ارتباط معناداری وجود داشت. همبستگی متعارف اهمیت اعتماد را در پیش‌بینی سطح کلی همکاری در مدرسه تقویت کرد. همکاری با والدین قوی‌ترین متغیر همکاری در این تحلیل بود. این یافته‌ها اهمیت اعتماد در پرورش روابط مشارکتی را اثبات می‌کند.

۲-۲. جمع‌بندی نتایج پژوهش‌های پیشین

اکثر پژوهش‌های پیشین، بیشتر به موانع، مشکلات و روش‌های بهبود مشارکت و تعامل اولیاء با مدرسه پرداخته و یا اغلب رابطه و تأثیر مشارکت اولیاء با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را بررسی نموده‌اند. تعداد کمی از پژوهش‌ها هم با هدف تقویت کارکرد انجمن اولیاء و مربیان و تحلیل مشارکت والدین در انجمن‌های اولیاء و مربیان انجام گرفته‌اند. در پژوهش‌های پیشین، بیشتر عوامل فردی و روان‌شناختی تعامل بین خانواده و مدرسه بررسی شده و به‌ندرت عوامل و زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر طرفین تعامل، همزمان با عوامل فردی مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش‌های قبلی، شهرهای کوچک یا یک منطقه از مناطق نوزده‌گانه آموزش

و پرورش کلان‌شهر تهران و یک پایه تحصیلی و حداکثر یک مقطع تحصیلی را شامل می‌شوند. درحالی‌که جامعه آماری پژوهش حاضر تمام مناطق تهران و همه مقاطع تحصیلی است. هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین همانند پژوهش حاضر، نقش راهبردی انجمن در تعامل بین خانواده و مدرسه را تحلیل و بررسی ننموده است. در پژوهش حاضر با تلفیق آخرین نظریه‌ها و مدل‌های مفهومی تعامل خانواده و مدرسه، مشارکت والدین در آموزش مدرسه و پایه قراردادن نظریه تعامل اجتماعی جاناتان ترنر، یک مدل نظری جدید از تعامل خانواده و مدرسه ارائه و با پژوهش کیفی و کمّی اعتبارسنجی شده است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. مبانی نظری

ادبیات تحقیقاتی گسترده وجود دارد که نشان می‌دهد روابط قوی بین خانواده و مدرسه برای موفقیت دانش‌آموزان در تمام مراحل آموزشی مورد نیاز است (Henderson & Mapp, 2002) و به‌ویژه در آموزش در دوران کودکی (Epstein, 2013). ارتباط بین مدرسه و خانه به‌صورت یک‌طرفه یا دوطرفه شناسایی می‌شود. ارتباطات یک‌طرفه مکتوب، مانند صفحات وب و خبرنامه، اطلاعات را با والدین به اشتراک می‌گذارد و آن‌ها را در مورد رویدادهای کلاس و مدرسه آگاه می‌کند. ارتباط در آموزش اغلب یک‌طرفه است (Epstein, 2013)؛ اما ارتباط دوطرفه بین معلمان و والدین ضروری است (Berger, 2000).

ارتباطات، مشارکت خانواده را افزایش می‌دهد (Galindo & Sheldon, 2012). با افزایش تعاملات، والدین ایده‌های جدیدی برای کمک به فرزندانشان در یادگیری، ارتباط مثبت با مدرسه، افزایش اعتماد به نفس و افزایش تمایل به جستجوی آموزش بیشتر به‌دست آوردند. برای معلمان و مدارس ارتباط جمعی با والدین منجر به روابط بهتر والدین و جامعه، کمک بیشتر در اجرای برنامه‌های آموزش و بهبود یافتن روحیه معلم شد (به نقل از: Laho, 2019).

هو و همکاران ارتباط والدین ـ مدرسه را به‌عنوان «فرایندی که اطلاعات را برای ایجاد اجماع، هماهنگی اقدامات، برآوردن نیازهای ذی‌نفعان و دستیابی به اثربخشی اهداف یادگیری مبادله می‌کند» تعریف می‌کنند (Ho; Hung & Hung, 2013). هدف از ارتباط مدرسه و خانه درنهایت خیر و صلاح دانش‌آموز است (Johnson, 2013). ارتباط مؤثر و مداوم بین مدارس و اولیاء نشان داده است که پیشرفت

تحصیلی کودکان را افزایش می‌دهد (Moore, 2015 به نقل از: Goodall, 2016).

ساختن یک FSR[1] قوی از طریق درگیر کردن والدین در یادگیری کودکان، پیشرفت و عملکرد کودکان را افزایش می‌دهد (Galindo & Sheldon, 2012). شایستگی‌های عاطفی و اجتماعی آنها را توسعه می‌دهد (Sheridan & et al., 2012). به آنها کمک می‌کند تا از یادگیری خود احساس رضایت بیشتری داشته باشند (Kalin & Steh, 2010) و رفتارهای مخرب را کاهش دهند (Sheridan & et al., 2012).

اصطلاح FSR به‌عنوان «ایجاد و حفظ روابط مولد و کاری بین خانواده‌ها و مدارس برای تسهیل یادگیری کودکان تعریف می‌شود» (Esler; Godber & Christenson, 2002). این اصطلاح برای بررسی تلاش‌های مشترک خانواده‌ها و مدارس برای حمایت از رشد و یادگیری کودکان استفاده می‌شود. رایج‌ترین شکل مشارکت خانواده می‌تواند مدرسه‌محور یا خانگی باشد (Hindman & et al., 2012). چنین مشارکتی، چه در خانه باشد چه در مدرسه، بدون ایجاد یک رابطه قوی و مشارکتی بین این دو طرف (خانه و مدرسه) امکان‌پذیر نیست. رابطه مؤثر بین خانواده و مدرسه مستلزم اعتماد و احترام متقابل است (Epstein, 2013).

۳-۲. مدل‌های ارتباطی خانواده و مدرسه

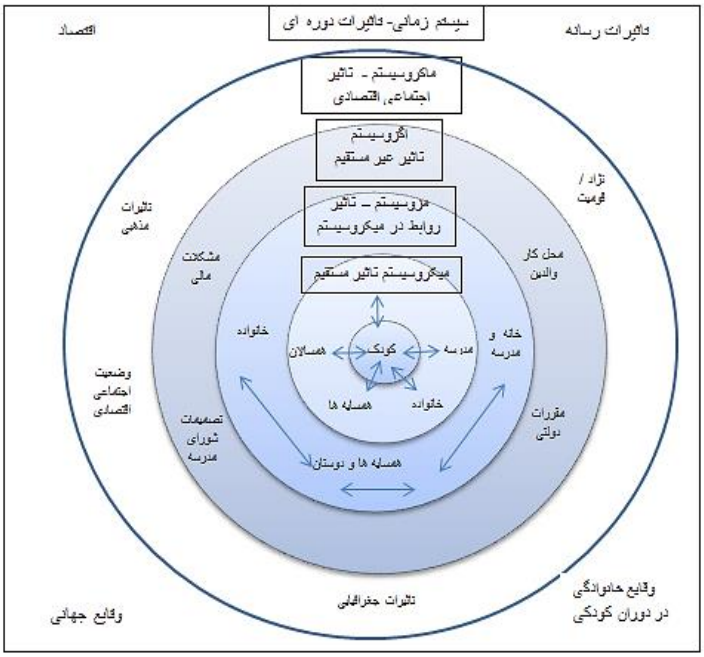
چهارچوب‌های نظری یا مدل‌های مختلف FSR در ادبیات مشارکت والدین برای نشان دادن ماهیت چندبُعدی مشارکت خانواده پدیدار شده‌اند.

۳-۲-۱. مدل سیستم‌های بوم‌شناختی یوری برونفنبرنر[2]

برونفنبرنر نظریه اکولوژیکی را برای توضیح چگونگی رشد و عملکرد کودکان در یک سیستم خانواده و در بافت وسیع‌تر جهان پیشنهاد کرد. وی مدلی از «زمینه‌ها» را توسعه داد که کودکان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. کودک در مرکز تنظیمات مختلف قرار دارد. در نظریه سیستم‌های خانواده، نمی‌توان بخشی از یک سیستم را جدا کرد بلکه باید در کلیت سیستم مورد مطالعه قرار گیرد. تمام سطوح نفوذ متقابل هستند و یک‌طرفه نیستند. زمینه‌های مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اولین سطح نفوذ به‌عنوان میکروسیستم شناخته می‌شود که شامل تماس‌های مستقیم در دنیای کودک مانند اعضای خانواده، دوستان، همسایگان و معلمان است. سطح

1. Family School Relationship
2. Bronfenbrenner

بعدی، مزوسیستم، با میکروسیستم مرتبط است؛ زیرا شامل تأثیرات همه روابط یا پیوندهایی است که در میکروسیستم وجود دارد؛ به‌عنوان‌مثال، اگر پدربزرگ و مادربزرگ به‌عنوان مراقب کودک خدمت کنند، ممکن است تأثیر پدربزرگ و مادربزرگ در زندگی کودک قوی باشد. سومین سطح تأثیر یا زمینه، اگزوسیستم است که شامل تأثیرات بر زندگی کودک از افراد یا مؤسساتی است که ارتباط مستقیمی با کودک ندارند؛ اما باوجوداین، بر کودک تأثیر می‌گذارند؛ برای‌مثال، محل کار والدین. چهارمین سطح تأثیر، کلان سیستم است که تأثیر اجتماعی بزرگ‌تر باورها و ارزش‌های فرهنگی است. کلان سیستم می‌تواند شامل تأثیرات نژاد، قومیت، زبان، مذهب، وضعیت اجتماعی ـ اقتصادی و مکان‌های جغرافیایی باشد. سطح پنجم، سیستم زمانی است که زمانی است که کودک در آن زندگی می‌کند. هر زمان تاریخی بر نسلی که در آن زمان بزرگ شده‌اند تأثیر می‌گذارد (Bronfenbrenner, 1994 به نقل از: Grant & Ray, 2010).



Source: (Grant & Ray, 2018)

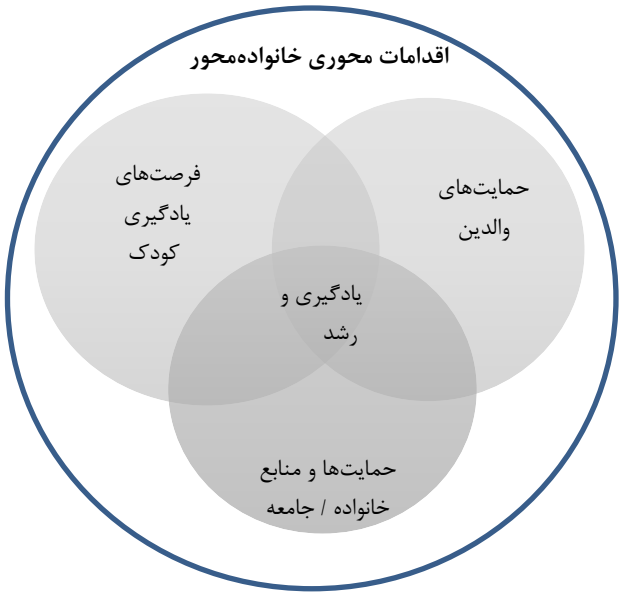
شکل (۱): مدل سیستم‌های بوم‌شناختی برونفنبرنر برای چگونگی رشد و عملکرد کودکان در خانواده و بافت وسیع‌تر جهان

۳-۲-۲. مدل‌های توانمندسازی خانواده: کارل دانست[1]

مدل‌های توانمندسازی خانواده در مشارکت خانواده در مدارس تشخیص می‌دهند که یادگیری و رشد دانش‌آموزان به‌شدت تحت تأثیر تجربیات خانوادگی آنها است. کودکان زمانی موفق‌تراند که در خانواده‌هایی پرورش یابند که منابع کافی داشته باشند، جایی‌که بزرگسالان و کودکان مشارکت فعالی در یادگیری کودکان دارند و اعضای خانواده به‌طور فعال در تعیین هدف و تصمیم‌گیری در مورد فرزندان خود مشارکت دارند (Dunst, 2002).

در شکل ۲ دایره بزرگ نشان‌دهنده شیوه‌های خانواده‌محور است که بر مشارکت والدین در تصمیم‌گیری در مورد تحصیلات فرزندشان و استفاده از شیوه‌هایی که بر نقاط قوت خانواده تمرکز دارد و به فرهنگ و پیشینه آن‌ها احترام می‌گذارد. سه دایره داخلی، نشان‌دهنده اجزای اصلی مدل است. فرصت‌های یادگیری کودکان شامل فعالیت‌هایی است که بر اساس علایق و دارایی‌های آنها شکل می‌گیرد. این فرصت‌ها در محیط‌ها و زمینه‌های مختلف رخ می‌دهند و زمانی مؤثر هستند که دانش‌آموزان به‌طور فعال مشارکت کنند (Dunst, 2002; Raab, 2005). فرصت‌های یادگیری روزمره ممکن است شامل برنامه‌های معمول خانوادگی، مانند مراقبت از حیوان خانگی، حضور در رویدادهای اجتماعی؛ یا شرکت در یک تیم ورزشی باشد. حمایت‌های والدین شامل تجربیات بسیار متنوعی است که دانش و مهارت‌های فرزندپروری خانواده‌ها را تقویت می‌کند و بر دانش و مهارت‌های موجود برای افزایش اعتماد به نفس و شایستگی والدین استوار می‌شود (ویلسون، ۲۰۰۵). حمایت‌ها و منابع خانواده یا جامعه شامل تمام منابع غیررسمی و رسمی است که به خانواده‌ها در دستیابی به اهدافشان کمک می‌کند. این‌ها شامل منابع درون خانواده، مانند قابلیت‌های اعضای خانواده یا جامعه شامل شبکه‌های اجتماعی غیررسمی خانواده‌ها مانند دوستان، اعضای خانواده، اعضای کلیسا، اعضای گروه‌های اجتماعی و همچنین حمایت رسمی از متخصصان و سازمان‌های اجتماعی می‌شود (Mott, 2006; Mott, 2006 به نقل از: Grant & Ray, 2010).

1. Dunst



Source: (Grant & Ray, 2010)

شکل (۲): مدل ساده شده چهارچوب یکپارچه برای توانمندسازی خانواده در مشارکت در مدارس

۳-۲-۳. مدل جویس اپستاین و همکاران

نظریه همپوشانی حوزه‌های تأثیر[1] بر تعاملات مدرسه، خانواده و اجتماعات محلی متمرکز است و بر اساس آن برنامه‌های مدرسه و شیوه‌های تأثیرگذار بر رفتار والدین و موفقیت دانش‌آموزان در مدرسه طراحی و توسعه می‌یابد. فرض این نظریه این است که دانش‌آموزان زمانی موفق می‌شوند که والدین، مربیان و اعضای اجتماع محلی برای هدایت و حمایت از یادگیری و رشد آنها، همکاری کنند. ازاین‌رو این سه حوزه باهم همپوشانی دارند و تأثیرات آن بر دانش‌آموزان از طریق تعاملات والدین، مربیان و ذی‌نفعان اجتماع محلی و دانش‌آموزان در این زمینه‌ها ترکیب می‌شود. اپستاین با الهام از مدل بوم‌شناختی برونفنبرنر، در مدل مفهومی خود، با تأکید بر

1. Overlapping spheres of influence

روابط مؤثر و مفید خانواده، مدرسه و اجتماع محلی، هرکدام از این سه حوزه را یک کره در نظر می‌گیرد که می‌توانند به‌سمت یکدیگر حرکت یا از هم فاصله بگیرند. فصل مشترک این وضعیت، کودکان هستند که با نزدیکی عوامل یاد شده به همدیگر، سهم بیشتری از موفقیت تحصیلی دریافت می‌کنند.

در این مدل جویس اپستاین و همکارانش شش نوع رابطه مشارکتی به‌منظور تشویق یک رویکرد جامع به مشارکت مدرسه ـ خانواده ـ جامعه، اپستین توصیه می‌کنند:

۱- آموزش والدین: از نقش اساسی خانواده در تشویق یادگیری کودکان در هر سنی و در ایجاد روابط مثبت والدین و فرزند حمایت کنید.

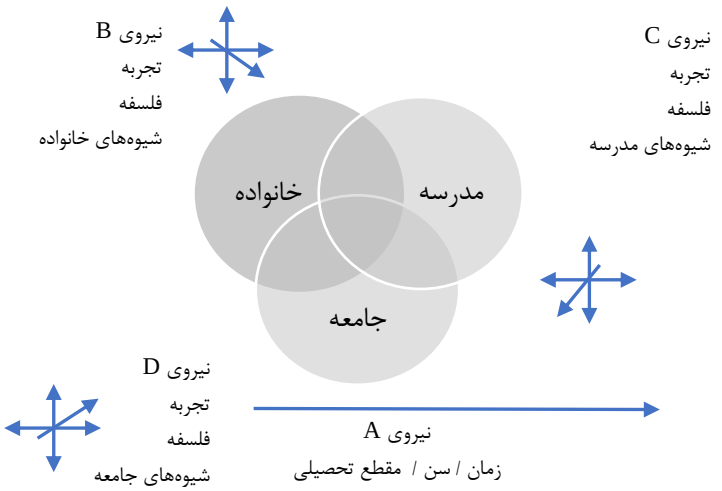
۲- برقراری ارتباط و ایجاد فضای خوشایند: ارتباط مستمر، واضح، معنادار و دوطرفه را در مورد برنامه‌های مدرسه و یادگیری دانش‌آموزان ترویج دهید و روابط شخصی را بین کارکنان مدرسه، خانواده‌ها، دانش‌آموزان و اعضای جامعه توسعه دهید.

۳- داوطلب شدن: خانواده‌ها را در آموزش و حمایت، چه در مدرسه و چه خارج از آن و در ایجاد یک فضای دوستانه خانواده در مدرسه مشارکت دهید.

۴- حمایت از یادگیری در خانه: خانواده‌ها را در فعالیت‌های یادگیری و غنی‌سازی در خانه و جامعه که با استانداردهای علمی مرتبط است، مشارکت دهید.

۵- تصمیم‌گیری و وکالت: فرصت‌هایی را برای خانواده‌ها فراهم کنید تا نقش‌های رهبری خود را در تصمیم‌گیری‌های مدرسه، به‌ویژه تصمیم‌گیری‌های مربوط به عملکرد دانش‌آموزان و بهبود مدرسه، توسعه و تقویت کنند.

۶- همکاری با جامعه: دسترسی هماهنگ به منابع جامعه را فراهم کنید، به‌عنوان منبعی برای جامعه عمل کنید و فرصت‌هایی را برای خدمات اجتماعی ارائه دهید (Epstein & et al., 2018).

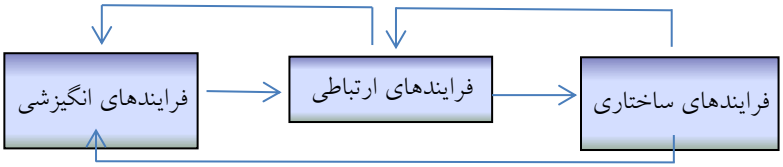


Source: (Epstein & et al., 2018)

شکل (۳): مدل همپوشانی حوزه‌های تأثیر جویس اپستاین و همکاران

۳-۳. عناصر ارتباطات اجتماعی

جاناتان ترنر[1] (۱۹۸۸) ارتباطات اجتماعی را به سه فرایند مجزا تقسیم و بیان می‌کند که ارتباطات اجتماعی باید به‌عنوان سه فرایند مجزا؛ اما آشکارا مرتبط با یکدیگر دیده شود: انگیزشی، ارتباطی و ساختاری. سپس برای این سه فرایند مدل‌ها و اصول جداگانه‌ای ایجاد کرد.



Source: (Turner, 1988)

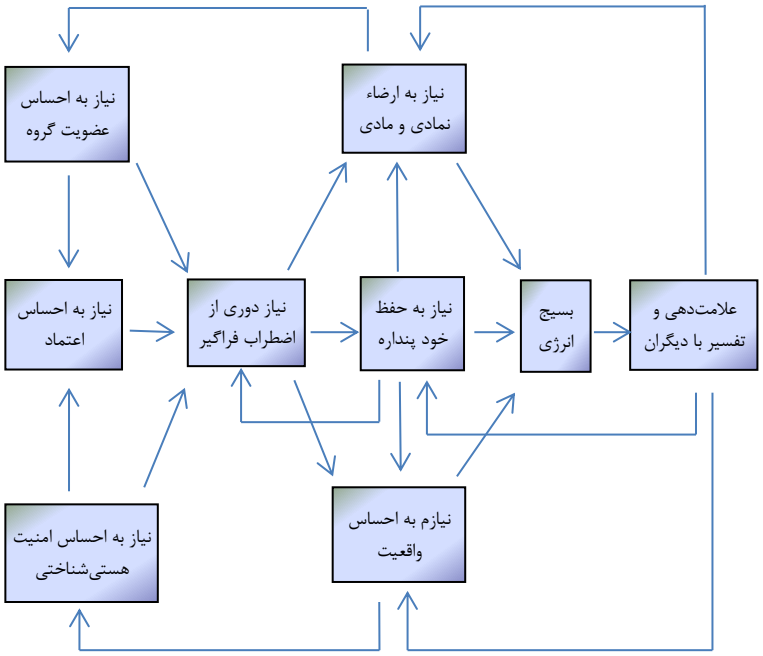
شکل (٤): عناصر ارتباطات اجتماعی

منظور ترنر از فرایندهای انگیزشی این است که افراد به درجات و طرق مختلف در ارتباطات خود با دیگران انرژی می‌گیرند و بسیج می‌شوند. فرایندهای ارتباطی،

1. Turner, J. H.

آنچه را که افراد واقعاً انجام می‌دهند، هنگامی که بر رفتار یکدیگر تأثیر می‌گذارند، نشان می‌دهد. او فرایندهای انگیزشی و ارتباطی را از هم جدا می‌کند تا درک ما از ارتباطات اجتماعی کاهش نیابد. اصطلاح «ساختارسازی» به این حقیقت اشاره دارد که ارتباطات اجتماعی اغلب در طول زمان تکرار و در فضای فیزیکی سازمان‌دهی می‌شوند. اینکه مردم چگونه علامت می‌دهند و تفسیر می‌کنند با انرژی‌های انگیزشی آنها مرتبط است. به‌نوبه‌خود، انگیزه با ترتیبات ساختاری غالب و همچنین با سیر علامت‌دهی و تفسیر محدود می‌شود، و ساختار یک ارتباطات تا حد زیادی توسط نیمرخ‌های انگیزشی افراد تعیین می‌شود؛ زیرا این‌ها بر علامت‌دهی و فعالیت‌های تفسیری آنها تأثیر می‌گذارد.

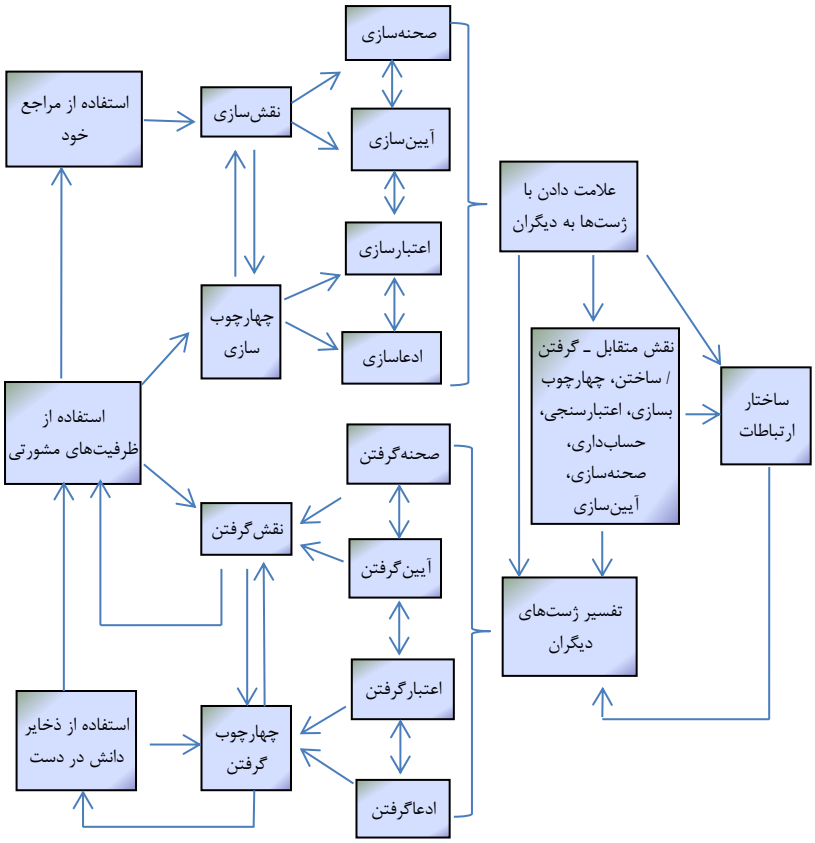
ترنر با ترکیب نظریه‌ها و مدل‌های فایده‌گرایی، رفتارگرایی، مبادله، مدل رفتار اجتماعی مید، مدل روانکاوی فروید، مدل همبستگی اجتماعی دورکیم از انگیزش، همچنین مدل روانکاوی گیدنز، روش‌شناسی قومی و مدل زنجیره‌های آیینی ارتباطات کالینز یک مدل نظری جدید از فرایندهای انگیزشی ارائه نمود.



Source: (Turner, 1988)

شکل (۵): یک مدل ترکیبی از انگیزه

خودپنداره افراد یک نیروی حیاتی در امور بین فردی است. انسان‌ها دارای یک خودپنداره اصلی هستند که نه‌تنها از تعاریف شناختی بلکه از احساسات و عواطف قدرتمند در مورد خود تشکیل شده است. طبق مدل پویایی انگیزشی در شکل ۵ آن فرایندهای علامت‌دهی، تفسیر و ساختاری که: ۱) حس مشارکت گروهی، اعتماد و امنیت را ترویج می‌کند، ۲) اضطراب را کاهش می‌دهد، ۳) رضایت مادی و نمادین را فراهم می‌کند، ۴) حس واقعی بودن، ایجاد می‌کند و ۵) خودپنداره‌های تأییدی در کارنامه رفتاری افراد حفظ می‌شود و در مقاطع بعدی از زمان تکرار می‌شود؛ بنابراین بازیگران را قادر می‌سازد تا ارتباطات خود را در طول زمان و مکان ساختار دهند. برعکس، آن دسته از ارتباطات و ساختارهایی که این نیازها را برآورده نمی‌کنند، کمتر در کارنامه افراد باقی می‌مانند و ساختار ارتباطات کمتر اتفاق می‌افتد؛ البته ارتباطات یا ساختار نادری وجود دارد که می‌تواند همه این نیازهای انگیزشی را به‌طور کامل و همزمان برآورده کند. ازآنجایی‌که انتقال منابع حول محور برآوردن برخی از اساسی‌ترین نیازهای انگیزشی انسان می‌چرخد، تثبیت آنها نیروی بسیار قدرتمندی بر انتشار مراسمی اعمال می‌کند که ماهیت و نرخ مبادله موجود را تقویت می‌کند. برای تثبیت روابط اجتماعی، بازیگران باید نسبت منابع مبادله‌شده را منصفانه و معقول بپذیرند. ترنر همچنین برای فرایندهای ارتباطی با ترکیب مدل ارتباطات مید، مدل بین ذهنی شوتز، نظریه نقش ترنر، نظریه گافمن در مورد آیین‌ها و چهارچوب‌ها، مفهوم‌سازی هابرماس از قانون گفتار ایدئال و نظریه کارفینگل، یک مدل پویا از فرایندهای ارتباطی ارائه نمود.



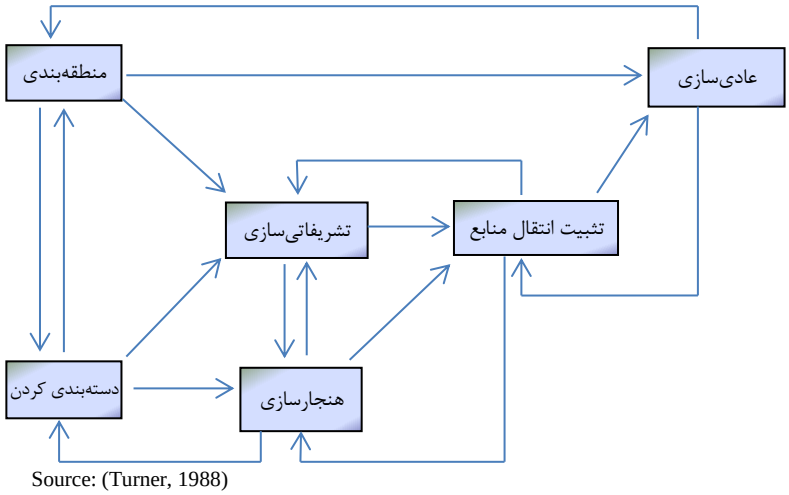
Source: (Turner, 1988)

شکل (٦): یک مدل ترکیبی از پویایی‌های ارتباطی

شکل ۶ آخرین متغیر را در شکل ۵ توضیح می‌دهد، یعنی علامت‌دهی و تفسیر. همان‌طورکه بازیگران انرژی را بسیج می‌کنند، آنها بر حسب پویایی که در اینجا ذکر شده است، علامت می‌دهند و تفسیر می‌کنند. بازیگران از ظرفیت‌های مشورتی خود برای ارائه ارجاع به خود در یک موقعیت استفاده می‌کنند. افراد با ترسیم از خود هسته‌ای و پیرامونی، در موقعیتی ارجاعاتی به خود ایجاد می‌کنند که فرایندهای نقش‌آفرینی، صحنه‌سازی، آیین‌سازی، و به درجه‌ای کمتر از چهارچوب را هدایت می‌کند. بازیگران در استفاده از ظرفیت‌های مشورتی خود برای ارائه ارجاع به خود، از ذخایر دانش خود استفاده می‌کنند و در حین انجام این کار، از دارایی خود برای تحمیل چهارچوبی بر یک موقعیت استفاده می‌کنند که به‌نوبه‌خود به آنها کمک می‌کند تا مفاهیم نقش مرتبط و رویه‌ها، روش‌های قومی، و ادعاها را انتخاب کنند.

چنین ساختاری، یا ترتیب ارتباطات در زمان و مکان، می‌تواند بازخورد و فرایندهای تفسیر و علامت‌دهی را محدود کند. درواقع، بیشتر ارتباطات در یک زمینه ساختاریافته رخ می‌دهد که در آن نقش‌ها، چهارچوب‌ها، ادعاها، گزارش‌ها، مراحل و آیین‌های مرتبط و مناسب شناخته و درک می‌شوند و درنتیجه تفسیر و علامت‌دهی را تا حد زیادی تسهیل می‌کنند.

ترنر با ترکیب نظریه‌های: وبر، دورکیم، اسپنسر و گافمن از ساختار بین‌فردی، نظریه زیمل از تبادل ساختارها، الگوی ارتباطات و جامعه مید و مدل شوتز از ارتباطات و ساختارهای اجتماعی، نظریه مبادله ضمنی ساختاری پارسونز و نظریه‌های مبادله معاصر، مدل آیینی ارتباطات کالینز، مدل ارتباطات‌گرایانه در مورد ساختارسازی و نظریه ساختاری گیدنز یک مدل ترکیبی از پویایی‌های ساختاری ارائه داد.



Source: (Turner, 1988)

شکل (۷): مدل ترکیبی پویایی‌های ساختار

ساختار اولیه یک ارتباطات متوالی شامل منطقه‌بندی و طبقه‌بندی، سپس تشریفات و هنجارسازی، و سپس تثبیت انتقال منابع و عادی‌سازی پاسخ‌ها می‌شود. این امر حاکی از این فرضیه است که شروع ساختاردهی بدون طبقه‌بندی و منطقه بندی دشوار خواهد بود. درمجموع، ساختار ارتباطات به ظرفیت متقابل بازیگران برای دسته‌بندی، منطقه‌بندی، هنجارسازی، تشریفات، عادی‌سازی و تثبیت پاسخ هایشان نسبت به یکدیگر بستگی دارد. این ظرفیت مستلزم این است که افراد دارای ذخایر اطلاعاتی در مورد این دینامیک‌ها هستند و می‌توانند از آنها به‌طور مناسب در

فعالیت‌های علامت‌دهی و تفسیر خود استفاده کنند. به‌طورکلی، درجه‌ای که یک ارتباطات بین افراد در فضا و در طول زمان مرتب می‌شود، یک تابع مثبت و افزایشی از میزان طبقه‌بندی، منطقه‌ای‌کردن، هنجارسازی، نظم‌بخشیدن، عادی‌سازی و تثبیت انتقال منابع توسط این افراد است.

۳-۴. چهارچوب نظری

بر اساس نظریه ترنر، عناصر تشکیل‌دهنده ارتباطات خانواده و مدرسه را می‌توان به فرایندهای انگیزشی، ارتباطی و ساختاری دسته‌بندی کرد. فرایندهای انگیزشی، نیروهایی هستند که اولیاء و مربیان را برای تأمین بخشی از نیازهای مادی و نمادی، بسیج می‌کنند. درواقع خانواده و مدرسه برای تبادل منابع مادی و نمادی اساسی و ارزشمند با هم ارتباط برقرار می‌نمایند. در برخی از این اهداف و نیازها مانند موفقیت دانش‌آموزان، با هم اشتراک دارند ولی در برخی دیگر ندارند؛ مانند جمع‌آوری کمک‌های مالی به مدرسه؛ البته صرف وجود نیازها و اهداف مشترک آنها را به همکاری و ارتباطات با همدیگر سوق نمی‌دهد بلکه درک وجود منابع مادی و نمادی ارزشمند در طرف مقابل است که انگیزه و نیروی لازم را فراهم و مبادله و انتقال منابع را از طریق ارتباطات امکان‌پذیر می‌کند. اینکه چه منابع مادی و نمادی، مهم و ارزشمند تعریف می‌شوند به شرایط و زمینه اجتماعی خاص طرفین مربوط می‌شود. برای تثبیت و بقای این ارتباطات، طرفین باید نسبت‌های مبادله شده را منصفانه و معقول ارزیابی نمایند. در غیر این‌صورت انگیزه خود برای ارتباطات واقعی و سازنده را از دست داده و در صورت وجود یا احساس اجبار به سازوکارهای دفاعی مانند کناره‌گیری، بی‌تفاوتی، ارتباطات صوری و... روی خواهند آورد.

فرایندهای ارتباطی، آنچه را که اولیاء و مربیان واقعاً انجام می‌دهند، هنگامی که بر رفتار یکدیگر تأثیر می‌گذارند، نشان می‌دهد. فرایندهای ساختاری به این اشاره دارد که ارتباطات خانواده و مدرسه اغلب در طول زمان تکرار می‌شوند و در فضای فیزیکی سازمان‌دهی می‌شوند. اینکه طرفین چگونه علامت می‌دهند و تفسیر می‌کنند با انرژی‌های انگیزشی آنها مرتبط است. به‌نوبه‌خود، انگیزه با ترتیبات ساختاری غالب و همچنین با سیر علامت‌دهی و تفسیر محدود می‌شود و ساختار ارتباطات تا حد زیادی توسط نیمرخ‌های انگیزشی طرفین تعیین می‌شود؛ زیرا این‌ها بر علامت‌دهی و فعالیت‌های تفسیری آنها تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال برای خانواده‌ای که تحصیلات، نیاز مادی و نمادی آن را برطرف نمی‌کند و به‌عبارتی پایگاه اجتماعی

و اقتصادی آن را ارتقاء نمی‌دهد، آموزش و تحصیلات (منابع اصلی مدرسه) ارزش و اهمیت پایینی دارد و ارتباطات با مدرسه را معقولانه و منصفانه نمی‌بینند که وقت خود را صرف آن نماید؛ بنابراین تمایلی هم به ارتباطات با مدرسه نخواهد داشت و با بالارفتن سن دانش‌آموز، ترجیح خواهد داد دانش‌آموز ترک تحصیل و وارد بازار کار شود. پایین بودن ارزش علم و تحصیلات در نظر آن خانواده هم با شرایط و ساختار اقتصادی و اجتماعی خانواده و زمینه بزرگ‌تر یعنی جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی ارتباط دارد.

بنابراین آن فرایندهای علامت‌دهی، تفسیر، و ساختاری که نیازهای انگیزشی مانند حس مشارکت گروهی، اعتماد و امنیت را تقویت می‌کند، اضطراب را کاهش می‌دهد، رضایت مادی و نمادین را فراهم می‌کند و خودپنداره‌های تأییدی خانواده و مدرسه را حفظ می‌کند، در مقاطع بعدی از زمان تکرار می‌شود و ارتباطات را طول زمان و مکان ساختار می‌دهد. هرچه تعداد نیازهای اساسی که در ارتباطات بین خانواده و مدرسه تحقق می‌یابد کمتر باشد، احتمال تکرار آن در مقاطع زمانی بعدی کمتر و تمایل طرفین به ترک ارتباطات بیشتر خواهد بود.

خانواده و مدرسه (اولیاء و مربیان) نیاز دارند از احساس ناشی از عدم تأیید خودپنداره، عدم اعتماد یا عدم پیش‌بینی پاسخ‌های همدیگر اجتناب کنند. این نیازها به آنها انرژی می‌دهند تا از ظرفیت‌های مشورتی خود برای ارجاع به خود در موقعیت‌های ارتباطات استفاده می‌کنند. این ارجاعات به خود به دلیل تشدید اضطراب و فقدان قابلیت پیش‌بینی، آنها را به نقش‌آفرینی از طریق تشریفات و صحنه‌سازی برمی‌انگیزد. به این‌معنا که آنها از مراسم، چهارچوب‌ها و تشریفات استفاده می‌کنند تا نقشی را ایفا کنند که به بهترین شکل جنبه‌های برجسته خود را تأیید کند؛ بنابراین هرچه خانواده و مدرسه نیاز بیشتری به اعتماد متقابل، کاهش اضطراب و تأیید خود داشته باشند، احتمال بیشتری وجود دارد از تشریفات و صحنه‌سازی برای نقش‌آفرینی برای خود استفاده کنند؛ البته خانواده و مدرسه هر چقدر هم که انگیزه داشته باشند میزان علامت‌دهی و تفسیر آنها به زمان و انرژی فیزیکی که می‌توانند و یا می‌خواهند صرف کنند بستگی دارد. خانواده و مدرسه از کلمات، نشانه‌های غیرکلامی، لوازم فیزیکی و غیره برای علامت‌دادن استفاده می‌کنند. هر چقدر خانواده و مدرسه بتوانند به‌طور متقابل بر روی نقش‌ها، چهارچوب‌ها، صحنه‌ها، حساب‌ها و ادعاها به توافق برسند انرژی و زمان کمتری در ارتباطات مورد نیاز است. خانواده و مدرسه به‌دنبال کاهش اضطراب ناشی از نیازهای

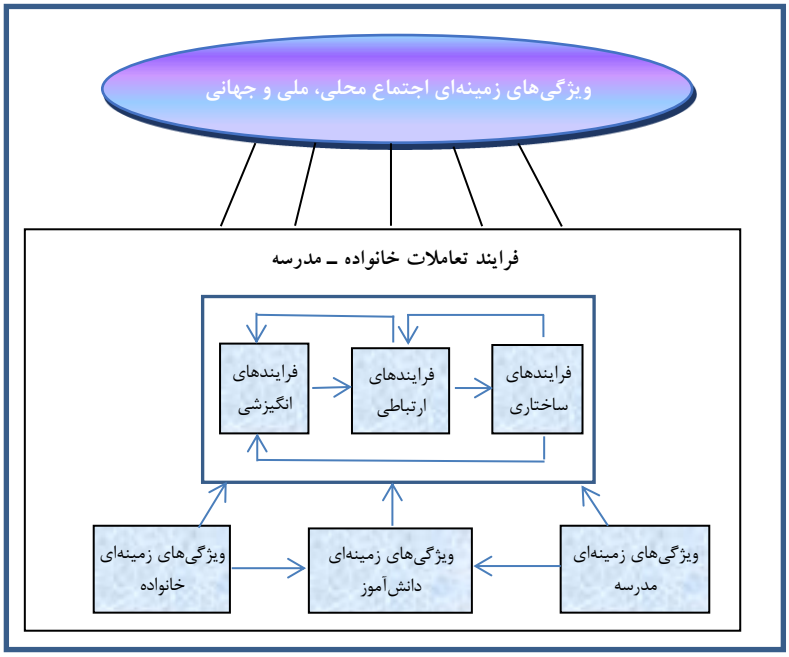
برآورده نشده هستند و ایجاد و گرفتن نقش، چهارچوب‌سازی، حسابداری، اعتبارسنجی و تشریفات برای ساختاردادن به ارتباطات است تا اضطراب را کاهش دهند؛ بنابراین فرایندهای ارتباطی و ساختاری برای کاهش زمان و انرژی در ارتباطات و جلوگیری از فرسودگی فیزیکی و عاطفی عمل می‌کنند.

خانواده و مدرسه باید به توافق برسند که انواع فضاهای مدرسه، اندازه آنها و تقسیم به مناطق کلاس، دفاتر، راهروها، اتاق جلسات، تجهیزات و اشیاء درون آنها، شکل برگزاری مراسم، جشن‌ها، مناسبت‌ها، جلسات با خانواده‌ها، انجمن اولیاء و مربیان و... به چه معناست و تعداد و توزیع جمعیت دانش‌آموزان، پرسنل و حرکت افراد در موقعیتی مثل کلاس درس و دفتر معاونت چه چیزی را نشان می‌دهد تا فضای مدرسه و کارکنان آن ساختار ارتباطی داشته باشد. منطقه‌بندی با ارائه نشانه‌های استاندارد شده اکولوژیکی و جمعیتی، جریان ارتباطات و از سرگیری آن در زمان آینده را راحت‌تر می‌کند.

ساختار ارتباطات به ظرفیت متقابل خانواده و مدرسه برای دسته‌بندی، منطقه بندی، هنجارسازی، تشریفات، عادی‌سازی و تثبیت پاسخ‌هایشان نسبت به یکدیگر بستگی دارد. این ظرفیت مستلزم این است که افراد دارای ذخایر اطلاعاتی در مورد این پویایی‌ها هستند و می‌توانند از آنها به‌طور مناسب در فعالیت‌های علامت‌دهی و تفسیر خود استفاده کنند. درواقع، بیشتر ارتباطات در یک زمینه ساختاریافته رخ می دهد که در آن نقش‌ها، چهارچوب‌ها، ادعاها، گزارش‌ها، مراحل و آیین‌های مرتبط و مناسب شناخته و درک می‌شوند و در نتیجه تفسیر و علامت‌دهی را تا حد زیادی تسهیل می‌کنند. به‌طورکلی، درجه‌ای که ارتباطات بین افراد در فضا و در طول زمان مرتب می‌شود، یک تابع مثبت و افزایشی از میزان طبقه‌بندی، منطقه‌ای کردن، هنجارسازی، نظم بخشیدن، عادی‌سازی و تثبیت انتقال منابع توسط این افراد است. از این موضوع، پیامدهای زیر و خاص‌تر حاصل می‌شود. اولیاء و مربیان در ذخایر دانش هنجاری خود دارای هنجارهای هستند که به‌عنوان معیاری برای ارزیابی انتقال منابع به‌کار می‌روند. اگر یک مبادله در چهارچوب دستورالعمل‌های این هنجارها قرار گیرد، آنگاه ارتباطات راحت‌تر تثبیت می‌شود، زمانی که طرفین موقعیت‌ها را طبقه‌بندی می‌کنند، هنجارهای مربوط به انصاف بدون تأمل زیاد مورد استناد قرار می‌گیرند. تثبیت انتقال منابع با آداب و رسوم و هنجارها، روال عادی شدن یک ارتباطات را تسهیل می‌کند، اگر روال‌ها با تغییر چشمگیر در نسبت بازده مبادله مختل شوند، به منبعی برای تخریب خود رابطه مبادله و شاید هنجارها، آیین‌ها

تبدیل می‌شوند.

در شکل ۸ ما با تلفیق انواع مدل‌ها و نظریات تعاملات خانواده و مدرسه و همچنین نظریه تعامل اجتماعی جاناتان ترنر یک مدل تلفیقی نوینی ارائه نموده‌ایم. این مدل عناصر مهم و حیاتی مدل‌های ارتباطی قبلی را با درنظرگرفتن عناصر تعامل اجتماعی به‌صورت یکپارچه درآورده است، و به‌عنوان چهارچوب نظری پژوهش، مبنای عمل ما قرار گرفته است.



منبع: (ارائه شده توسط نویسندگان)

شکل (۸): مدل تلفیقی تعاملات خانواده و مدرسه

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش آمیخته است. در بخش کیفی با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، مدلی جامع که شامل عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن اولیاء و مربیان تدوین شد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از شیوه نظام‌مند و سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و

کدگذاری انتخابی به‌وسیله نرم‌افزار مکس کیودی‌ای استفاده نمودیم. در بخش کمّی، از روش پیمایشی با پرسشنامه‌ای برخط استفاده شد. در ساخت پرسشنامه از اصطلاحات و کدهای باز مصاحبه‌ها در بخش کیفی استفاده گردید. داده‌های کمی، با نرم‌افزار SMART-PLS و روش مدلسازی معادلات ساختاری مورد تجزیه‌وتحلیل و الگوی به‌دست آمده در بخش کیفی پژوهش، اعتبارسنجی شد.

۴-۱. جامعه مورد مطالعه و انتخاب مشارکت‌کنندگان

جامعه مورد مطالعه ما تمام اولیاء عضو انجمن و مدیران و معاونان مدارس شهر تهران در بهار و تابستان سال ۱۴۰۲ می‌باشند. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی و کمّی شامل تمام مدیران یا معاونان مدارس تهران و اولیاء عضو انجمن اولیاء و مربیان مدارس تهران است.

در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند و حجم نمونه نیز بر اساس حاصل شدن اشباع نظری در پژوهش تعیین شد. به این ترتیب که شهر تهران به ۵ خوشه (شمال، شرق، غرب، جنوب و مرکز) تقسیم و از تمام خوشه‌ها نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و مصاحبه‌ها صورت گرفت. در بخش کمی، با توجه با گستردگی بالای جامعه آماری، ما حجم جامعه را نامحدود و برای اطمینان بیشتر حجم نمونه را حداقل ۴۰۰ نفر در نظر گرفتیم و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای با احتمال متناسب با حجم خوشه استفاده شد؛ البته بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص، داده‌های ۴۷۷ عدد مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

۵. یافته‌ها

۵-۱. بخش کیفی

۵-۱-۱. بررسی کدگذاری باز، محوری و انتخابی (فایل‌های مصاحبه)

کدگذاری باز، محوری و انتخابی در پاسخ به سؤال(عوامل علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن کدامند؟) می‌باشد. در جداول زیر بر اساس بخش‌های کدگذاری شده این مقوله‌بندی ارائه شده است.

الف) شرایط علی

در پژوهش حاضر، در پاسخ به سؤال «چه مشکلات و موانعی از برقراری یک تعامل

اثربخش بین خانواده‌ها و مدرسه و ایفای نقش انجمن اولیاء و مربیان جلوگیری می‌کند؟» مطرح شده است.

جدول (۲): عوامل و شرایط علی مؤثر بر تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کد فرعی کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
شرایط علی	انگیزه	انگیزه مدیر	عدم مسئولیت‌پذیری	۴
			بی‌حوصلگی و بی‌انگیزگی کادر مدرسه	۲
			کارشکنی مدیر و مسئولان مدرسه	۳
			انجام اقدامات در حد رفع تکلیف و فرمالیته	۲
		انگیزه اولیاء	عدم رغبت برای عضویت و همکاری با انجمن	۸
			عدم مسئولیت‌پذیری اولیاء	۶
			عدم وجود فضای با نشاط و توام با آرامش و ایمنی	۶
			احساس عدم نیاز به تعامل و خاطر جمع‌بودن از مدرسه	۴
			عدم کمک به حل مشکلات مدرسه با نیت کسب ثواب اخروی	۲
		انگیزه اعضای انجمن	عدم رغبت اعضای انجمن به مشارکت فعال	۴
			عدم صرف وقت و عدم حضور فعال اعضای انجمن	۵
	نگرش	نگرش مدیر	عدم اهمیت مدیر به انجمن و نظرهای اعضای انجمن	۱۸
			نگرش منفی و عدم اشتیاق مدیر به مشارکت و تعامل با اولیاء	۱۶
			برخورد سرد و رفتار طردکننده مدیر	۸
			فقط توقع مالی داشتن مدیر از انجمن	۴
			باور و نگرش منفی مدیر نسبت به اثربخشی و فایده انجمن	۱۲
			خودمحوری و مستبدی مدیر	۴
		نگرش اولیاء	احساس عدم صداقت و عدم اعتماد به مسئولان مدرسه	۱۵

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کد فرعی کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
			مترادف دانستن دعوت به مدرسه با دریافت کمک مالی	۱۳
			داشتن تفکر و تجربه بی‌ثمری و بی‌فایده بودن تعامل	۸
			ترس اولیاء از انتقاد	۴
			عضویت در انجمن را مساوی با دریافت کمک مالی می‌دانند	۳
			چون شهریه می‌دهند فکر می‌کنند مدرسه همه کارها را انجام می‌دهد	۱
			کم‌رنگ‌شدن نقش تربیتی مدرسه در نظر اولیاء	۱
		نگرش اعضای انجمن	خودرایی و خودمحوری و فقط انتقادکننده بودن اعضای انجمن	۸
			مچ‌گیری و سنگ‌اندازی اعضای انجمن	۴
			ناسپاسی و اعتراض اولیاء بجای قدر دانی و تشکر از انجمن	۱
		اجتماعی	مشکلات عاطفی خانواده از قبیل طلاق والدین و ...	۷
			گزارش صداوسیما از تخلف برخی مدارس در زمان ثبت نام	۳
			کاهش ارزش تحصیلات در جامعه	۶
			تعطیلی غیر منتظره آموزش حضوری بدلایلی مانند کرونا، آلودگی	۱
			اختلاف طبقاتی زیاد بین خانواده ها	۲
		فرهنگی	تضاد ارزشی و تفاوت فرهنگی خانواده و مدرسه	۶
			تفاوت اهداف و شیوه‌های تربیتی مدرسه و خانواده	۴
			تضاد فرهنگی، عقیدتی بین اعضای انجمن	۷
			عدم آموزش به اولیاء در مورد انجمن (اهمیت، وظایف و کارکردها)	۱۹

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کد فرعی کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
			نداشتن مهارت‌های تشکیل خانواده و فرزند پروری اولیاء	۳
			عدم توجه مدرسه به تفاوت‌های فرهنگی خانواده‌ها	۱
			عدم همراهی و همدلی اعضای انجمن و درک واقع‌بینانه از شرایط مدرسه	۳
			سواد کم اولیاء	۵
		اقتصادی	مسائل و مشکلات مالی خانواده ها	۱۳
			ترس اولیاء از افتادن مشکلات مالی مدرسه به دوش آنها	۵
			عدم اختصاص بودجه به مدارس دولتی و نیاز به کمک مردمی	۷
			کار زیاد و کمبود نیروی انسانی مدرسه	۴
			عدم وجود اتاق انجمن در مدرسه	۱

ب) عوامل مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر در پاسخ به سؤال «چه عوامل و شرایطی باعث می‌شود اقدامات مدرسه و انجمن برای برقراری تعامل اثربخش بین خانواده‌ها و مدرسه بی‌اثر باشد؟» ارائه شده‌اند.

جدول (۳): شرایط و عوامل مداخله‌گر تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدفرعی کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
	ناسازگاری اولیاء و ترجیح منافع فردی	ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی	پیگیری منافع فردی به‌جای منافع جمعی توسط اعضای انجمن	۶
			فراهم‌نمودن امکانات و شرایط بهتر در مدرسه برای فرزند خود	۵
			عضویت در انجمن با هدف کسب امتیاز و منافع شخصی	۴

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدفرعی کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
عوامل مداخله‌گر			سوء استفاده از روابط برای کسب منافع شخصی	۳
			ارضاء نیاز به روابط و منزلت اجتماعی	۲
			تبدیل مشکل شخصی فرزند به موضوع عمومی و طرح در انجمن	۲
			پا فراتر گذاشتن اعضا انجمن از حدود وظایف و اختیارات	۲
			جبهه‌گیری اولیاء موقع ارجاع به مشاور	۲
			ساز مخالف‌زدن اولیاء و انتظارات نابجا	۴
			دخالت بیجا و غیر تخصصی اولیاء در امور آموزشی و پرورشی	۶
			تشکیل گروه‌های مجازی غیررسمی و حاشیه‌سازی علیه مدرسه	۲
	شرایط و عملکرد نامطلوب مدرسه‌ای		عدم انتقادپذیری مسئولین مدرسه	۱۱
			مهارت کم مدیر و کادر مدرسه	۹
			نداشتن برنامه منظم تعامل از طرف مدرسه	۳
			زمان و مکان نامناسب دیدار با اولیاء	۳
			نبود مشاور در مدرسه	۱
		عدم شناسایی و انتخاب اعضای کارآمد برای انجمن	عدم انتخاب اعضای کارآمد و متخصص در امور آموزشی و پرورشی	۱۸
			عدم شناسایی و ارزیابی اولیاء توانمندو فعال قبل از انتخابات انجمن	۱۰
			عدم شناخت کافی اولیاء از کاندیداها قبل از انتخابات	۲
			بزرگنمایی و معرفی غیر واقعی کاندیداهای انجمن	۱
		اجرای نادرست انتخابات	ناسالم بودن انتخابات	۵
			عدم نظارت آموزش و پرورش بر انتخابات و فعالیت انجمن	۳
			عدم وجود شرایط و معیارهای درست برای کاندیدای انجمن	۲
			عدم انتخاب نماینده کلاس به‌عنوان عضو انجمن	۲
			اعضا انجمن از هر دو جنس باشند	۲

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدفرعی کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
			برهه زمانی نامناسب انتخابات انجمن در سال تحصیلی	۱
			اعضا انجمن از صنوف مختلف باشند	۱
			تغییر روش انتخاب اعضای انجمن از مدرسه‌ای به کلاسی	۱
	محدودیت حاصل از اسناد بالادستی		سیاست دوگانه دولت در جمع‌آوری کمک مالی از اولیاء	۷
			موانع قانونی دریافت هزینه خدمات اختیاری از اولیاء	۳
			وجود موانع قانونی بر سر راه برخی مصوبات انجمن	۲
			قدرت اجرایی نداشتن انجمن	۸
	فرمالیته بودن انجمن		برگزاری جلسات انجمن به‌صورت فرمالیته و برای رفع تکلیف	۹
			مدیر ارائه‌کننده طرح و برنامه و اولیاء فقط تأییدکننده هستند	۷

پ) پیامدها

پیامدها در پاسخ به سؤال «به نظر شما وجود یک تعامل اثربخش بین خانواده‌ها و مدرسه با راهبری انجمن چه نتایجی به همراه دارد؟» می‌باشد.

جدول (٤): پیامدهای تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
پیامدها	تحقق اهداف آموزشی و پرورشی مدرسه	قرار گرفتن در یک مسیر و نتیجه‌گیری بهتر	۴
		رشد و پیشرفت علمی و اجتماعی دانش‌آموزان	۴۰
		تحقق آسانتر و سریع‌تر اهداف و برنامه‌های مدرسه	۳۷
		افزایش کیفیت آموزش و پرورش	۶
		افزایش انگیزه دانش‌آموزان، اولیاء و مربیان	۴
		شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان و مربیان	۵
		تربیت افراد کارآمد برای جامعه	۳
	افزایش سرمایه اجتماعی	افزایش میزان رضایتمندی طرفین	۵
		برآورده شدن خواسته‌ها	۴
		افزایش احساس آرامش، آسودگی خاطر و امنیت توسط اولیا	۸
		ایجاد همدلی بین اولیاء و مربیان	۳

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
	شناخت بیشتر اولیاء و مربیان از دانش‌آموز در خانه و مدرسه	آگاهی از مشکلات دانش‌آموزان در خانه و مدرسه	۱۱
		شناخت استعدادهای پنهان دانش‌آموزان	۳
		حل مشکلات دانش‌آموزان	۳
		آشنایی با فرهنگ و ارزش‌های خانواده دانش‌آموزان	۱
		تأمین نیازهای دانش‌آموزان	۱
		جلوگیری از سوء استفاده دانش‌آموز برای رسیدن به خواسته‌هایش	۱
		جلوگیری از افت تحصیلی	۱
	افزایش سرمایه اقتصادی	تأمین نیازها و هزینه‌های مدرسه با کمک اولیاء	۸
		جذب بودجه و انجام امور عمرانی از طریق خیرین	۷

ت) راهبردها

راهبردها در پاسخ به سؤال «مدرسه و انجمن برای عملیاتی کردن تعامل اثربخش بین خانواده‌ها و مدرسه چه اقداماتی انجام می‌دهند؟» می‌باشد.

جدول (۵): راهبردهای تعامل اثربخش بین خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
راهبردها	شفاف‌سازی	گزارش از فعالیت‌ها و برنامه‌های مدرسه و معلمان به اولیاء	۲۱
		گزارش از عملکرد مالی مدرسه به اولیاء و اعضای انجمن	۷
		گزارش از عملکرد و رفتار دانش‌آموز در مدرسه به اولیاء	۱
	ارتباط حضوری و غیرحضوری با اولیا	برگزاری جلسات دیدار اولیاء با مربیان به‌صورت حضوری	۳۲
		دعوت انفرادی از اولیاء برای رسیدگی به امور دانش‌آموزان	۶
		کسب شناخت از فرهنگ خانوادگی دانش‌آموز	۲
		تبدیل مدرسه به کانون تربیتی محله	۱
		درخواست و دعوت مکرر مدرسه از اولیاء	۱
		ارتباط اعضای انجمن با اولیاء	۲
		فعالیت در گروه‌ها و کانال‌های مجازی	۱۲
	آموزش و	برگزاری جلسات آموزش خانواده با حضور مشاور و	۲۹

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
	فرهنگ‌سازی برای خانواده ها	روان‌شناس	
		فرهنگ‌سازی در رسانه‌ها در مورد اهمیت تعامل خانواده و مدرسه	۱۲
	اعتماد سازی	ایجاد رضایتمندی از معلمان و کادر مدرسه	۶
		کسب شناخت بیشتر اولیاء و مربیان از هم	۲
		انتخاب نماینده برای هر کلاس	۳
		پاسخگویی و رسیدگی به مشکلات اولیاء	۵
		تفاوت قائل نشدن مدرسه بین اولیاء	۲
		عمل به وعده‌ها توسط مدیر	۱
	دعوت اولیاء به مراسم، برگزاری مسابقات و جشنها	همکاری با شهرداری، سرای محله و مساجد	۵
		برگزاری اردوها و جشنواره‌های مختلف	۱۵
		ایجاد فضای شاد و امن مدرسه	۱
	برنامه ریزی	آرمانی نبودن مصوبات و قابلیت اجرایی داشتن برنامه‌ها	۵
		داشتن دستور کار و جلسات منظم و هدفمند	۵
	سازمان‌دهی	پیگیری و اجرای مصوبات انجمن	۱۰
		تشکیل کارگروه، کمیته‌های تخصصی و تقسیم‌کار در انجمن	۵
		آموزش اعضای انجمن اعم از مربیان و اولیاء	۲
		رای‌گیری مخفی از اعضای انجمن در جلسات	۱
		قرار دادن اولیاء در کمیته‌های تخصصی مشارکت	۱
	پاداش	تقدیر و تشکر از اعضای انجمن	۳
		تشویق مدیر توسط آ.پ با توجه به میزان فعالیت در انجمن	۲

ث) شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای در پاسخ به سؤال «با وجود چه شرایط و زمینه‌هایی اقدامات مدرسه و انجمن برای ایجاد تعامل اثربخش بین خانواده‌ها و مدرسه به نتیجه می‌رسند؟» می‌باشد.

جدول (٦): شرایط زمینه‌ای تعامل اثربخش بین خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
شرایط زمینه‌ای	شرایط شغلی اولیاء و بعد مسافت	مشغله زیادکاری خانواده	۱۵
		کمبود وقت والدین	۴
		شاغل‌بودن هر دوی والدین	۴
		ترافیک شهری	۱
		دوری مسیر خانه تا مدرسه	۱
	همکاری متقابل	تمایل به همکاری متقابل بین مدرسه و اولیاء	۶
		وجود احترام متقابل بین اولیاء و مربیان مدرسه	۵
		برخورد از موضع درست	۳
		دعوت به همکاری و مشارکت از اولیاء	۹
		آگاهی اولیاء از خواسته‌ها و برنامه‌های مدرسه	۵
		خواسته‌های معقول اولیاء از مدرسه	۷
		مشکلات دانش‌آموز	۲
	نوع مدرسه	نقش مهم تر انجمن در مدارس دولتی نسبت به غیردولتی	۳۷
		مشکلات کمتر مدارس غیردولتی نسبت به مدارس دولتی	۱۴

ج) پدیده‌محوری

پدیده‌محوری در پاسخ به سؤال «در شکل‌گیری یک تعامل اثربخش بین خانواده‌ها و مدرسه، انجمن چه نقشی دارد؟» می‌باشد.

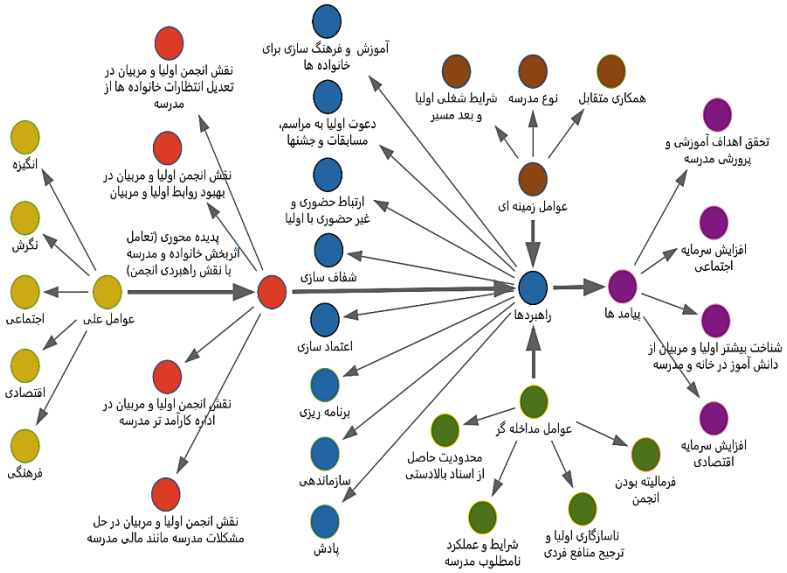
جدول (۷): پدیده‌محوری (تعامل اثربخش بین خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
پدیده‌محوری	نقش انجمن اولیاء و مربیان در اداره کارآمدتر مدرسه	تبادل نظر، همفکری و برنامه‌ریزی در امور مدرسه	۲۶
		کمک به عملیاتی نمودن تصمیم‌ها و برنامه‌ها	۹
		موجب دانش‌افزایی و توان‌افزایی می‌شود	۴
	نقش انجمن اولیاء و	نظارت بر امور مالی، آموزشی و پرورشی	۱۰

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	تعداد
	مربیان در تعدیل انتظارات خانواده‌ها از مدرسه	پذیرش آسان‌تر مسائل از زبان انجمن چون از جنس اولیاء هستند	۷
	نقش انجمن اولیاء و مربیان در بهبود روابط اولیاء و مربیان	پل ارتباطی، انتقال مشکلات، نیازها و پیگیری خواسته‌های اولیا	۲۶
	نقش انجمن اولیاء و مربیان در حل مشکلات مدرسه مانند مالی مدرسه	حل آسان‌تر مشکلات به بهترین شکل	۱۳
		حل مشکلات مالی و رفاهی مدرسه	۱۲
		بازشدن دریچه‌های جدید و دریافت پیشنهادات جدید	۴

۵-۱-۲. طراحی الگوی پارادایمی

در این بخش به طراحی الگوی پارادایمی پژوهش حاضر مبنی بر تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن می‌پردازیم. درواقع، با طراحی مدل زیر، به سؤال الگوی مطلوب تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن چیست؟ پاسخ داده می‌شود.



شکل (۸): الگوی پارادایمی تعامل اثربخش خانواده و مدرسه با نقش راهبردی انجمن

بر اساس الگوی فوق، شرایط علی روی پدیده‌محوری که تعامل اثربخش خانواده

و مدرسه با نقش راهبردی انجمن می‌باشد به‌طور مستقیم تأثیر گذاشته و به آن ختم می‌شود. عامل پدیده‌محوری روی راهبردها تأثیر گذاشته و اجرای آن حصول پیامدهای فوق را تسهیل بخشیده و در این جریانات، ۲ عامل شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر وجود دارد که به‌طور مستقیم روی راهبردها و پیاده‌سازی آن تأثیرگذار هستند. عوامل مداخله‌گر همان محدودیت‌ها بوده و عوامل زمینه‌ای به همان زیرساخت و بستر فعلی آن اشاره دارد.

۵-۲. بخش کمی

۵-۲-۱. مدل اندازه‌گیری

الف) پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری

نتایج آزمون مدل اندازه‌گیری در جدول ۱۰ مقادیر آلفا کرونباخ و مقادیر پایایی مرکب برای متغیرهای پژوهش را بالاتر از معیار ۷۰/۰ نشان داد؛ بنابراین، همسانی درونی (پایایی) آیتم‌های هر سازه مطلوب است. همچنین *AVE* به‌عنوان شاخص روایی درونی مدل اندازه‌گیری (همگرا) برای همه متغیرها بالاتر از ۴۰/۰ هستند. بنابراین مدل اندازه‌گیری از روایی همگرا مناسب برخوردار هستند.

جدول (۱۰): آلفا کرونباخ و پایایی مرکب

متغیر	پایایی کرونباخ	پایایی مرکب	AVE
اجتماعی	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۷۷
اقتصادی	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۸۰
انجمن اولیاء و مربیان	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۷۵
انگیزه	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۸۴
راهبردها	۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۵۲
شرایط شغلی و بعد مسافت	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۷۷
شرایط و عملکرد نامطلوب مدرسه	۰/۸۳	۰/۸۷	۰/۵۸
فرمالیته بودن انجمن	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۸۴
فرهنگی	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۷۴
محدودیت حاصل از اسناد بالادستی	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۸۶
ناسازگاری اولیاء و ترجیح منافع فردی	۰/۷۶	۰/۸۸	۰/۵۷

متغیر	پایایی کرونباخ	پایایی مرکب	AVE
نوع مدرسه	۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۸۱
نگرش	۰/۷۸	۰/۸۱	۰/۶۹
همکاری متقابل	۰/۸۸	۰/۹۳	۰/۶۲
پیامدها	۰/۸۷	۰/۹۲	۰/۷۲

درنهایت، معیار فورنل ـ لارکر نشان داد که جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر پنهان بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر پنهان با سایر متغیرهای پنهان است؛ بنابراین، روایی واگرا نیز برقرار است.

جدول (۱۱): روایی واگرا (آزمون فورنل لارکر)

	اجتماعی	اقتصادی	انجمن	انگیزه	راهبردها	شرایط شغلی	شرایط نامطلوب	فرمالیته	همکاری	فرهنگی	اسناد	ناسازگاری	نوع مدرسه	نگرش	پیامد
اجتماعی	۰/۸۷۸	-	-	-	-	-	-		-	-	-	-	-	-	-
اقتصادی	۰/۴۹۸	۰/۹۰۰	-	-	-	-	-		-	-	-	-	-	-	-
انجمن	۰/۷۳۳	۰/۵۷۲	۰/۸۶۹	-	-	-	-		-	-	-	-	-	-	-
انگیزه	۰/۷۳۰	۰/۵۴۲	۰/۷۸۲	۰/۹۱۶	-	-	-		-	-	-	-	-	-	-
راهبردها	۰/۳۷۹	۰/۳۱۵	۰/۴۵۳	۰/۳۸۳	۰/۷۲۷	-	-		-	-	-	-	-	-	-
شرایط شغلی	۰/۳۴۱	۰/۳۰۶	۰/۴۲۴	۰/۴۱۰	۰/۵۱۳	۰/۸۸۲	-		-	-	-	-	-	-	-
شرایط نامطلوب	۰/۲۸۴	۰/۱۴۷	۰/۲۲۹	۰/۱۹۷	۰/۴۱۰	۰/۱۱۲	۰/۷۶۷		-	-	-	-	-	-	-
فرمالیته	-۰/۱۳۵	-۰/۱۴۶	-۰/۱۵۸	-۰/۱۴۴	-۰/۶۱۷	-۰/۳۷۲	-۰/۱۰۶	۰/۹۱۷							

	اجتماعی	اقتصادی	انجمن	انگیزه	راهبردها	شرایط شغلی	شرایط نامطلوب	فرمالیته	همکاری	فرهنگی	اسناد	ناسازگاری	نوع مدرسه	نگرش	پیامد
فرهنگی	۰/۳۴۲	۰/۳۴۶	۰/۴۸۹	۰/۳۸۶	۰/۳۱۸	۰/۲۴۰	۰/۱۳۷	۰/۱۹۵	۰/۸۶۵	-	-	-	-	-	-
اسناد بالادستی	۰/۳۳۸	۰/۲۰۳	۰/۴۴۴	۰/۳۱۸	۰/۵۶۵	۰/۳۲۴	-۰/۲۴۴	۰/۳۶۴	۰/۲۲۳	۰/۹۲۹	-	-	-	-	-
ناسازگاری	۰/۱۰۴	۰/۰۸۶	۰/۱۴۹	۰/۱۱۲	۰/۵۴۵	-۰/۴۰۹	۰/۱۰۲	۰/۴۵۳	۰/۰۸۹	۰/۵۰۴	۰/۷۶۱	-	-	-	-
نوع مدرسه	۰/۱۲۴	۰/۱۷۹	۰/۱۶۱	۰/۱۴۵	۰/۶۵۹	۰/۳۷۹	-۰/۱۲۸	۰/۷۸۰	۰/۱۸۴	۰/۳۰۷	۰/۴۲۱	۰/۹۰۵	-	-	-
نگرش	۰/۶۶۲	۰/۳۴۹	۰/۶۴۸	۰/۶۱۶	۰/۳۸۴	۰/۲۲۹	-۰/۲۹۴	-۰/۱۰۹	۰/۲۹۱	۰/۳۷۲	۰/۱۳۰	۰/۱۲۵	۰/۸۳۳	-	-
همکاری	۰/۱۴۳	۰/۱۵۸	۰/۱۴۱	۰/۱۵۴	۰/۵۳۳	۰/۳۰۸	-۰/۱۳۹	-۰/۴۸۴	۰/۱۵۳	۰/۳۸۵	۰/۳۴۸	۰/۴۹۲	۰/۱۲۹	۰/۷۹۲	-
پیامدها	۰/۱۵۸	۰/۱۸۲	۰/۱۵۶	۰/۱۴۳	۰/۵۹۶	۰/۵۰۶	-۰/۱۲۹	-۰/۴۷۸	۰/۱۶۰	۰/۳۶۶	۰/۶۶۳	۰/۴۹۱	۰/۱۴۰	۰/۴۱۲	۰/۸۵۱

ب) پیش نیاز آزمون معادلات ساختاری

۱- مفروضه طبیعی بودن داده‌ها: با توجه به اینکه حجم نمونه بالاست و در نمونه‌های بزرگ آزمون‌های کلموگراف ـ اسمیرنف و شاپیرو ـ ویک مرتکب خطای نوع اول می‌شوند؛ بنابراین، بر اساس نظریه حد مرکزی و بر اساس مقادیر کجی و کشیدگی در جدول ۹ که تمام مقادیر بین ۲- تا ۲+ هستند. توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق را می‌توان طبیعی فرض کرد.

۲- مفروضه هم‌خطی چندگانه: نتایج جدول۱۲ نشان داد که مقادیر آماره عامل تورم واریانس (*VIF*) در متغیرهای تحقیق کمتر از معیار ۱۰ است؛ بنابراین، بین هیچ‌یک از متغیرهای تحقیق هم‌خطی چندگانه وجود ندارد.

جدول (۱۲): مقادیر VIF

متغیر	*VIF*
اجتماعی	۲/۶
اقتصادی	۱/۵
انگیزه	۲/۵
شرایط شغلی	۱/۵۳
شرایط نامطلوب مدرسه	۱/۰۹
همکاری	۱/۴
فرهنگی	۱/۲
محدودیت حاصل از اسناد بالادستی	۱/۸
ناسازگاری والدین	۱/۶
نوع مدرسه	۲/۷
نگرش	۱/۹
فرمالیته بودن انجمن	۲/۷

پ) نتایج تحلیل مسیر

جدول (۱۳): ضرایب و مقادیر مدل ساختاری برای مسیرهای مستقیم بین عوامل

مسیر	*B*	*SE*	*T*	*P*
اجتماعی ـ انجمن اولیاء و مربیان	۰/۲۱	۰/۰۴۵	۴/۸۰	۰/۰۰۰
اقتصادی ـ انجمن اولیاء و مربیان	۰/۱۴	۰/۰۴۰	۳/۵۴	۰/۰۰۰
انگیزه ـ انجمن اولیاء و مربیان	۰/۳۷	۰/۰۵۳	۷/۰۷	۰/۰۰۰
فرهنگی ـ انجمن اولیاء و مربیان	۰/۱۷	۰/۰۳۵	۴/۹۳	۰/۰۰۰
نگرش ـ انجمن اولیاء و مربیان	۰/۱۷	۰/۰۳۴	۵/۲۱	۰/۰۰۰
شرایط شغلی و بُعد مسافت ـ راهبردها	۰/۱۰	۰/۰۳۴	۲/۹۸	۰/۰۰۳
نوع مدرسه ـ راهبردها	۰/۳۰	۰/۰۴۲	۷/۲۶	۰/۰۰۰
همکاری متقابل ـ راهبردها	۰/۱۴	۰/۰۳۵	۴/۰۵	۰/۰۰۰
شرایط نامطلوب مدرسه ـ راهبردها	-۰/۲۳	۰/۰۳۶	۶/۶۶	۰/۰۰۰
محدودیت حاصل از اسناد بالادستی ـ راهبردها	-۰/۱۲	۰/۰۳۹	۳/۰۶	۰/۰۰۲
ناسازگاری والدین ـ راهبردها	-۰/۱۶	۰/۰۳۵	۴/۸۲	۰/۰۰۰

مسیر	B	SE	T	P
فرمالیته‌بودن انجمن ـ راهبردها	-۰/۰۹	۰/۰۳۷	۲/۵۴	۰/۰۱۰
انجمن اولیاء و مربیان ـ راهبردها	۰/۱۹	۰/۰۳۹	۴/۸۹	۰/۰۰۰
راهبردها ـ پیامدها	۰/۵۹	۰/۰۳۳	۱۷/۸۵	۰/۰۰۰

ت) سنجش اعتبار مدل

شاخص $Q2$ استون ـ گایسلر، در جدول۱۴ همگی مثبت می‌باشند؛ بنابراین، مدل ساختاری از کیفیت مناسبی برخوردار است. شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد متغیرهای پنهان درون‌زا قوی می‌باشد. مقدار R^2 برای متغیر محوری یعنی تعامل اثربخش مبتنی بر نقش انجمن اولیاء و مربیان برابر با ۰/۷۲ و برای متغیر راهبردها برابر با ۰/۷۳ است و برای متغیر پیامدها ۰/۳۵ است که شاخص متوسط تا عالی هستند؛ بنابراین، این مدل ۷۲ درصد نقش انجمن اولیاء و مربیان را در تعامل اولیاء و مربیان و ۷۳ درصد راهبردها و ۳۵ درصد از پیامدهای چنین تعاملی را توضیح می‌دهند. درنهایت، جدول ۱۴ نشان داد که شاخص نیکویی برازش (GOF) برای سنجش نهایی کل مدل برابر با ۰/۶۵ بود که بیشتر از ۰/۳۶ است و نشانه برازش قوی مدل است. یعنی مدل از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول (١٤): شاخص‌های برازش مدل

متغیر	Q^2	AVE	R^2	GOF
اجتماعی	-	۰/۷۷	-	۰/۶۵
اقتصادی	-	۰/۸۰	-	
انجمن اولیاء و مربیان	۰/۵۴	۰/۷۵	۰/۷۲	
انگیزه	-	۰/۸۴	-	
راهبردها	۰/۳۷	۰/۵۲	۰/۷۳	
شرایط شغلی	-	۰/۷۷	-	
شرایط نامطلوب مدرسه	-	۰/۵۸	-	
فرمالیته‌بودن انجمن	-	۰/۸۴	-	
فرهنگی	-	۰/۷۴	-	
محدودیت حاصل از اسناد بالادستی	-	۰/۸۶	-	
ناسازگاری والدین	-	۰/۵۷	-	

متغیر	Q^2	AVE	R^2	GOF
نوع مدرسه	-	۰/۸۱	-	
نگرش	-	۰/۶۹	-	
همکاری متقابل	-	۰/۶۲	۰/۳۵	
پیامدها	۰/۲۴	۰/۷۲		
مقدار قابل قبول	مثبت باشد			بیشتر از ۰/۳۶

نتیجه‌گیری

تعاملات خانواده و مدرسه یک فرایند اجتماعی است که شامل فرایندهای انگیزشی، ارتباطی و ساختاری می‌شود. فرایندی که اطلاعات و منابع مادی و نمادی ارزشمند را برای ایجاد اجماع، هماهنگی و برآورده‌کردن نیازهای طرفین و دستیابی به موفقیت دانش‌آموزان مبادله می‌کند. خانواده‌ها و مدارس به درجات و طرق مختلف برای تعاملات با همدیگر و دیگران انرژی می‌گیرند و بسیج می‌شوند. درک وجود منابع مادی و نمادی ارزشمند در طرف مقابل، انگیزه و نیروی لازم را برای مبادله و انتقال منابع فراهم می‌سازد. اینکه چه منابعی مهم و ارزشمند تعریف شوند به ذخایر دانش هنجاری و ارزشی، شرایط و زمینه فردی، خانوادگی و اجتماعی طرفین مربوط می‌شود. برای تثبیت و بقای این تعاملات بایستی طرفین نسبت‌های مبادله شده را منصفانه و معقول ارزیابی نمایند و در چهارچوب ذخایر دانشی و هنجاری آنها باشد در غیر این‌صورت انگیزه خود برای تعاملات واقعی و سازنده را از دست می‌دهند و در صورت اجبار، به سازوکارهای کناره‌گیری و بی‌تفاوتی روی خواهند آورد. تعاملات خانواده و مدرسه در دبستان نسبت به دبیرستان تفاوت‌هایی دارد. در دوره دبستان تعاملات بیشتر از نوع فردی و تأثیر فرایندهای انگیزشی بر معلم در تعاملات با خانواده‌ها بیشتر است. اما در دبیرستان تعاملات، بیشتر از نوع نهادی و فرایندهای ارتباطی و ساختاری تأثیر زیادی بر سازمان مدرسه برای تعاملات با خانواده‌ها دارند.

در شکل‌گیری این تعاملات اثربخش، انجمن اولیاء و مربیان مدرسه نقش راهبری دارد. نقش راهبردی انجمن شامل؛ اداره کارآمدتر مدرسه، نقش انجمن در تعدیل انتظارات خانواده‌ها از مدرسه، بهبود روابط اولیاء و مربیان و حل مشکلات مدرسه به‌ویژه مشکلات مالی می‌باشد. ایفای این نقش متأثر از عوامل متعددی مانند نگرش مثبت و انگیزه بالا در اولیاء دانش‌آموزان، اعضای انجمن و به‌ویژه مدیر مدرسه، عدم

آگاهی اولیاء از اهمیت، کارکردها و وظایف انجمن، مشکلات عاطفی و مالی خانواده‌ها، ترس اولیاء از رفتن زیر بار مشکلات مالی مدرسه، کاهش ارزش تحصیلات در جامعه، عدم اختصاص بودجه به مدارس، تعطیلی غیرمنتظره آموزش حضوری به‌دلایلی مانند کرونا، آلودگی هوا و...، عدم اختصاص بودجه به مدارس دولتی، وجود تضاد ارزشی و تفاوت در شیوه‌های تربیتی بین مدرسه و خانواده و خانواده‌ها با همدیگر و عدم توجه مدرسه و آموزش و پرورش به این تفاوت‌ها است. از دیدگاه مدیران و اولیاء عضو انجمن با توجه به تجربه و ادراک آنها عملیاتی شدن این نقش نیازمند اقدامات ذیل است:

۱- دعوت مکرر مدارس از اولیاء برای شرکت آنها در مراسم، جشن‌ها، اردوها و هر برنامه‌ای که به مناسبت‌های مختلف در مدارس اجرا می‌شود و ایجاد فضای شاد و امن در مدرسه برای اولیاء؛

۲- برگزاری جلسات آموزش خانواده با حضور مشاور و روان‌شناس، آموزش و فرهنگ‌سازی برای خانواده‌ها در مورد اهمیت تعامل خانواده با مدرسه، نقش و جایگاه انجمن برای موفقیت دانش‌آموزان؛

۳- اعتمادسازی توسط مدیر مدرسه با ایجاد رضایتمندی اولیاء از مربیان مدرسه، عمل به وعده‌ها، تفاوت قائل نشدن بین اولیاء، پاسخگویی و رسیدگی به مسائل و مشکلات اولیاء، انتخاب نماینده برای هرکلاس برای انتقال این مشکلات و نظرهای آنها به مربیان؛

۴- ارتباط حضوری و غیرحضوری (از طریق فضای مجازی) به‌منظور شناخت مربیان از فرهنگ خانواده‌ها و شناخت اولیاء از مربیان؛

۵- شفاف‌سازی عمکرد آموزشی و مالی مدرسه توسط مدیر از طریق ارائه گزارش از عملکرد مالی مدرسه، گزارش از فعالیت‌ها و برنامه آموزشی و پرورشی مدرسه و گزارش از وضعیت درسی و انظباطی دانش‌آموزان به اولیاء با دعوت انفرادی از آنها برای حضور در مدرسه؛

۶- داشتن دستور کار و جلسات منظم و هدفمند برای انجمن و تصویب برنامه‌های غیرآرمانی و قابل اجرا برای مدرسه توسط انجمن؛

۷- تشکیل کارگروه‌های تخصصی و تقسیم کار بین اعضای انجمن، پیگیری و اجرای مصوبات، رأی‌گیری مخفی از اعضاء در موضوعات چالش‌برانگیز؛

۸- تقدیر و تشکر از انجمن‌های فعال، در سطح مدرسه، منطقه، استان و کشور توسط آموزش و پرورش به‌منظور تشویق و ایجاد انگیزه برای فعالیت بیشتر و بهتر.

در پیاده‌سازی این اقدامات برای حصول نتایج می‌بایست تأثیر عوامل ذیل را در نظر داشت: عدم شناسایی و انتخاب اعضای کارآمد برای انجمن، اجرای نادرست انتخابات انجمن، مهارت کم و عدم انتقادپذیری مدیر و کادر مدرسه، زمان و مکان نامناسب دیدار با اولیاء، نبود مشاور در مدرسه، نداشتن برنامه منظم برای تعامل، ناسازگاری و ترجیح منافع فردی توسط اولیا، برگزاری جلسات انجمن به‌صورت فرمالیته و برای رفع تکلیف، قدرت اجرایی نداشتن انجمن، سیاست‌های دوگانه آموزش و پرورش در دریافت کمک‌های مردمی، شرایط شغلی اولیاء، مسافت خانه تا مدرسه، تمایل و دعوت طرفین به همکاری، آگاهی از خواسته‌های معقول همدیگر، وجود احترام متقابل بین طرفین، نوع مدرسه دولتی و غیردولتی.

درنهایت، انجمن با ایفای نقش راهبردی خود در تعامل بین خانواده و مدرسه؛ موجب موفقیت سریع‌تر و آسان‌تر، رشد علمی و اجتماعی دانش‌آموزان، شناخت بیشتر و بهتر اولیاء و مربیان از دانش‌آموزان و مشکلات آنها، برآورده شدن خواسته‌ها، افزایش رضایتمندی و آرامش و همدلی اولیاء و مربیان، حل مشکلات و تأمین هزینه‌های مدرسه با کمک اولیاء می‌شود، و اینکه انجمن‌ها در مدارس دولتی نسبت به غیردولتی از نقش مؤثرتری برخوردارند، و علت اصلی آن مسائل و نیازهای خاص مدارس دولتی نسبت به مدارس غیردولتی و انگیزه بالای مدیران این مدارس، برای حل مسائل و تأمین نیازهای مدرسه به‌ویژه مالی از طریق انجمن می‌باشد.

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که بایستی این باور در اولیاء و مربیان مدارس تقویت شود که مسئولیت مشترکی در آموزش و پرورش دانش‌آموزان دارند. مربیان مدرسه بهتر است از ویژگی‌های زمینه‌ای فردی، خانوادگی و اقتصادی و فرهنگی دانش‌آموزان و خانواده آنها آگاهی پیدا کنند و با شناخت سرمایه‌های دانش، فعالیت‌های روزمره دانش‌آموزان و اعضای خانواده آنها بتوانند تعاملات سازنده‌ای را با در نظر گرفتن دیدگاه‌ها، خواسته و شرایط آنها برقرار نمایند. ترس برخی مربیان از انتقاد اولیاء و پیامدهای منفی آن، عدم اعتماد به انگیزه‌ها و اقدامات اولیاء، نگرش منفی و ارزش قائل نشدن نسبت به ارتباط با اولیاء موجب عدم ترویج تعاملات و غیر دعوت‌کننده بودن مدارس برای ارتباط و مشارکت می‌شود و این موجب کمتر شدن ارتباط اولیاء با مدارس می‌شود؛ بنابراین با اعتمادسازی و تغییر نگرش این مربیان، تعاملات افزایش خواهد یافت.

بدون برنامه‌ریزی رسمی، زمان کافی و زیرساخت‌های ارتباطی لازم اولیاء و مربیان منفعلانه عمل می‌کنند؛ زیرا توجه خود را به وظایف دیگر معطوف می‌کنند؛

بنابراین بهتر است برای تعاملات اولیاء و مربیان به‌صورت رسمی از طریق ادارات آموزش و پرورش برنامه‌ریزی نمود و برای اجرای آن پیگیری لازم همراه با مشوق، زیرساخت‌های ارتباطی مانند فضای مناسب، بودجه، امکانات پذیرایی و زمان مناسب برای جلسات در ساعت‌هایی که امکان حضور بیشتر اولیاء وجود دارد در نظر گرفت.

پیشنهادهای برآمده از پژوهش

۱- برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده با حضور مشاور و روان‌شناس خبره خانواده به‌منظور افزایش نگرش مثبت به تعامل و نقش انجمن، ارائه راه‌حل راجع به مشکلات عاطفی خانواده‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و شیوه‌های تربیتی خانواده و مدرسه، بالا بردن ارزش تحصیلات (منبع با ارزش مدرسه) در نظر اولیاء؛

۲- برگزاری جلسات حضوری با اولیاء و دعوت آنها به مراسم و جشن‌ها برای شناخت متقابل، اعتمادسازی و شکل‌گیری همکاری متقابل، رفع ناسازگاری اولیاء با مدرسه و آگاهی‌دادن به اولیاء و اعضای انجمن راجع به حدود وظایف و اختیارات و ارجحیت منافع جمع بر فرد؛

۳- ارتباط حضوری زیاد مسئولان و معلمان مدرسه با خانواده‌ها، ارتباط اعضای انجمن با دیگر اولیاء و جلسات انفرادی با اولیاء برای رسیدگی به وضعیت دانش‌آموز در افزایش همکاری و تعامل اولیاء با مدرسه مؤثر است؛

۴- ارتباط و فعالیت کادر مدیریتی و آموزشی و انجمن مدرسه از طریق پیام رسانهایی مانند شاد، ایتا و... در فضای مجازی با خانواده‌ها در تعامل و پیوند آنها با مدرسه مؤثر است؛

۵- از طرف مدیریت مدرسه ابراز تمایل و دعوت به همکاری به‌صورت مکرر انجام شود تا اولیاء از دعوت مدرسه به همکاری مطمئن و از خواسته‌های مدرسه آگاه شوند. همچنین داشتن برنامه منظم و مدون، اختصاص زمان و مکان مناسب برای جلسات حضوری با اولیاء مهم است؛

۶- با ثبت نام از دانش‌آموزان در محدوده مدرسه، مشکل کمبود وقت اولیا، ترافیک شهری، هزینه سرویس و... برای خانواده‌ها کمتر خواهد شد؛

۷- اجرای درست انتخابات و شناسایی و انتخاب اعضای کارآمد، تشکیل کارگروه‌های تخصصی و تقسیم کار بین اعضای انجمن، داشتن دستور کار منظم و هدفمند، تصویب مصوباتی که قابلیت اجرا دارند، عدم برگزاری جلسات انجمن به‌صورت فرمالیته برای رفع تکلیف، شفاف‌سازی برنامه‌ها، عملکرد مالی و

آموزشی مدرسه از طریق انجمن برای اولیاء و پیگیری و اجرای مصوبات انجمن توصیه می‌شود؛

۸- با اختصاص بودجه مکفی به مدارس دولتی، برخی مشکلات مانند ترس اولیاء از زیر بار مشکلات مالی مدرسه رفتن به‌خاطر تعامل با مدرسه و عضویت در انجمن حل خواهد شد. چنانچه این امر ممکن نیست؛ حداقل، دولت به سیاست دوگانه عدم اختصاص بودجه و وابسته نمودن مدارس دولتی به کمک‌های اولیاء و اختیاری اعلام نمودن این کمک‌ها، پایان داده و بر تعداد مدارسی چون هیئت امنایی و... که به‌صورت رسمی بخشی از هزینه‌های مدرسه، را از خانواده‌ها دریافت می‌نمایند بیافزاید؛ زیرا وقتی مدرسه‌ای عنوان «دولتی عادی» را یدک می‌کشد خانواده‌ها انتظار دارند؛ هیچ هزینه‌های بابت تحصیل فرزندشان به مدرسه نپردازند و این مسئله با گزارش رسانه‌ها از تخلف برخی مدارس معدود مبنی بر دریافت کمک به مدرسه از اولیاء به‌صورت اجباری، تشدید می‌شود.

پیشنهادهای نظری پژوهشگران

۱- به‌کارگیری متخصصان جامعه‌شناسی ارتباطات و مسائل اجتماعی در آموزش و پرورش برای آموزش به مدیران و معاونان مدرسه به‌منظور افزایش نگرش مثبت در مورد اهمیت، اثربخشی و فایده انجمن، مهارت‌های ارتباط با اولیاء، انتقادپذیری، مسئولیت‌پذیری، تدوین برنامه منظم تعامل با اولیاء، شیوه‌های اعتمادسازی، ایجاد رضایتمندی، کسب شناخت از خانواده‌ها و تعامل با اولیاء در فضای مجازی و رفع ناسازگاری اولیاء با مدرسه؛

۲- آموزش به مدیران مدرسه راجع به نحوه شناسایی و انتخاب اعضای کارآمد برای انجمن، اجرای درست انتخابات انجمن، شیوه مدیریت جلسات انجمن و بهره‌گیری از توانایی اعضای انجمن؛

۳- با وجود مشکلات معیشتی، عاطفی و مشغله کاری خانواده‌ها، تعامل با مدارس کم‌رنگ خواهد بود. دولت می‌تواند با پرداخت مبلغی به‌عنوان یارانه تحصیلی به ازای هر دانش‌آموز به خانواده‌ها، در حل این مشکل مؤثر باشد؛

۴- مشکل کمبود وقت اولیاء برای تعامل را می‌توان از طریق تصویب و اجرای قانونی مبنی بر کاهش ساعات کاری در هفته یا افزایش مرخصی ماهانه برای کارکنان دارای فرزند دانش‌آموز مرتفع نمود؛

۵- آموزش و پرورش می‌تواند با تغییراتی در اساسنامه انجمن، قدرت اجرایی انجمن

اولیاء و مربیان را افزایش دهد؛

۶- با آموزش و فرهنگ‌سازی از طریق نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها مانند صدا و سیما؛ می‌توان اثرات مهم و اساسی تعامل بین خانواده و مدرسه در موفقیت دانش‌آموزان، اهمیت، وظایف و کارکردهای انجمن اولیاء و مربیان برای اولیاء دانش‌آموزان و مربیان مدرسه تبیین نمود تا نگرش و انگیزه آنها برای برقرای تعامل را تقویت شود.

فهرست منابع

آمیقی‌رودسری، مریم و شریفیان‌جزی، فریدون (۱۳۹۷). بررسی موانع ارتباطات اولیاء با معلمان با تأکید بر جایگاه معلم، والدین و مدیریت مدرسه. *فصلنامه مطالعات علوم تربیتی و روان‌شناسی*، (۳۷).

رجائی‌پور، فرهنگ و دیگران (۱۳۸۷). بررسی راه‌های بهبود مناسبات خانه و مدرسه از دیدگاه آموزگاران. *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۵(۱).

زنجانی‌زاده، هما و دیگران (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت خانواده‌ها در مدارس استان خراسان رضوی و عوامل مؤثر بر آن. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. (۱).

سبحانی‌نژاد، مهدی و یوزباشی، علیرضا (۱۳۹۲). بررسی موانع خانوادگی مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدارس متوسطه شهر اصفهان. *دو فصلنامه پژوهشی دانشگاه شاهد*، سال بیستم، دوره جدید، (۳).

قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۰). *مشارکت مردمی در آموزش وپرورش*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

گوهری، زهره؛ جمشیدی، لاله و امین بیدختی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، (۷).

متین، نعمت‌الله (۱۳۹۱) ضرورت مشارکت در آموزش و پرورش: کاستی‌ها و راهکارها. *دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی*، سال هفتم، شماره ۱۴.

محسنی، ندا؛ علی حسینی، محمد و قلی قورچیان، نادر (۱۴۰۱). ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان: واکاوی ابعاد و مؤلفه‌ها با رویکرد کیفی. *مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۸(۱).

Amighi Rudsari, Maryam & Sharifianjezi, Fereydoun (2017). Investigating

the barriers of communication between parents and teachers, emphasizing the position of teachers, parents and school management. *Educational Sciences and Psychology Quarterly*, (37).

Enueme, C. P. (2013). Contributions of Parents-Teachers' Association to secondary school management in Nigeria: principals' perceptions. *Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies*, 4(6), 835-841.

Epstein, J. (2013). Ready or Not? Preparing Future Educators for School. *Family, and Community Partnerships Teaching Education*, 24(2), 115-118.

Epstein, J. L.; Sanders, M. G.; Sheldon, S. B.; Simon, B. S.; Salinas, K. C.; Jansorn, N. R. ... & Williams, K. J. (2018). *School, family, and community partnerships: Your handbook for action*. Corwin Press.

Esler, A.; Y. Godber & S. Christenson (2002). Best Practices in Supporting Home School Collaborations. In Best Practices in School Psychology IV, edited by A. Thomas and J. Grimes, 389–411. Washington DC: National Association of School Psychology.

Galindo, C. & S. Sheldon (2012). School Efforts to Improve Parental Involvement and Effects on Students' Achievement in Kindergarten. *Early Childhood Research Quarterly*, (27), 90–103.

Goodall, J. S. (2016). Technology and school–home communication. *International Journal of pedagogies and learning*, 11(2), 118-131.

Grant, K. B. & Ray, J. A. (Eds.). (2018). *Home, school, and community collaboration: Culturally responsive family engagement*. Sage Publications.

Hampden-Thompson, G. & Galindo, C. (2017). School–family relationships, school satisfaction and the academic achievement of young people. *Educational Review*, 69(2), 248-265.

Henderson, A. & K. Mapp. (2002). *A New Wave of Evidence: The Impact of School, Family, and Community Connections on Student Achievement*. Austin, TX: Southwest Educational Development Laboratory.

Hindman, A.; A. Miller; L. Froyen & L. Skibbe (2012). A Portrait of Family Involvement during Head.Start: Nature, Extent, and Predictors. *Early Childhood Research Quarterly*, (27), 654–667.

Hornby, G. & Lafaele, R. (2011). Barriers to parental involvement in education: An explanatory model. *Educational review*, 63(1), 37-52.

Kalin, J. & B. Steh (2010). Advantages and Conditions for Effective Teacher-parent Co-operation. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (2), 4923–4927.

Laho, N. S. (2019). Enhancing School-Home Communication through Learning Management System Adoption: Parent and Teacher Perceptions and Practices. *School Community Journal*, 29(1), 117-142.

Sheridan, S.; J. Bovaird; T. Glover; S. Garbacz; A. Witte & K. Kwon (2012). A Randomized Trial Examining the Effects of Conjoint

Behavioral Consultation and the Mediating Role of the Parent Teacher Relationship. *School Psychology Review*, (41), 23–46.

Stroetinga, M.; Leeman, Y. & Veugelers, W. (2019). Primary school teachers' collaboration with parents on upbringing: A review of the empirical literature. *Educational Review*, 71(5), 650-667.

Tschannen-Moran, M. (2001). Collaboration and the need fortrust. *Journal of Educational administration*.

Turner, J. H. (1988). *A theory of social interaction*. Stanford University Press.

Vigo-Arrazola, B. & Dieste-Gracia, B. (2019). Building virtual interaction spaces between family and school. Ethnography and Education, 14(2), 206-222.

References

Amighi Rudsari, M. & Sharifianjezi, F. (2017). investigating the barriers of communication between parents and teachers, emphasizing the position of teachers, parents and school management. Educational Sciences and Psychology Quarterly, (37). (In Persian)

Amighi Rudsari, Maryam & Sharifianjezi, Fereydoun (2017). Investigating the barriers of communication between parents and teachers, emphasizing the position of teachers, parents and school management. *Educational Sciences and Psychology Quarterly*, (37).

Enueme, C. P. (2013). Contributions of Parents-Teachers' Association to secondary school management in Nigeria: principals' perceptions. *Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies*, 4(6), 835-841.

Epstein, J. (2013). Ready or Not? Preparing Future Educators for School. *Family, and Community Partnerships Teaching Education*, 24(2), 115-118.

Epstein, J. L.; Sanders, M. G.; Sheldon, S. B.; Simon, B. S.; Salinas, K. C.; Jansorn, N. R. ... & Williams, K. J. (2018). *School, family, and community partnerships: Your handbook for action*. Corwin Press.

Esler, A.; Y. Godber & S. Christenson (2002). Best Practices in Supporting Home School Collaborations. In Best Practices in School Psychology IV, edited by A. Thomas and J. Grimes, 389–411. Washington DC: National Association of School Psychology.

Galindo, C. & S. Sheldon (2012). School Efforts to Improve Parental Involvement and Effects on Students' Achievement in Kindergarten. *Early Childhood Research Quarterly*, (27), 90–103.

Ghasemi Pouya, I. (2010). People's Participation in Education, Tehran Research Institute of Education and Training. (In Persian)

Gohari, Z.; Jamshidi, L.; Amin Bidokhti, A. A. (2014). Identifying barriers to parents' participation in Semnan elementary school affairs, Educational Planning Studies, (7). (In Persian)

Goodall, J. S. (2016). Technology and school–home communication. *International Journal of pedagogies and learning*, 11(2), 118-131.

Grant, K. B. & Ray, J. A. (Eds.). (2018). *Home, school, and community collaboration: Culturally responsive family engagement*. Sage Publications.

Hampden-Thompson, G. & Galindo, C. (2017). School–family relationships, school satisfaction and the academic achievement of young people. *Educational Review*, 69(2), 248-265.

Henderson, A. & K. Mapp. (2002). *A New Wave of Evidence: The Impact of School, Family, and Community Connections on Student Achievement*. Austin, TX: Southwest Educational Development Laboratory.

Hindman, A.; A. Miller; L. Froyen & L. Skibbe (2012). A Portrait of Family Involvement during Head.Start: Nature, Extent, and Predictors. *Early Childhood Research Quarterly*, (27), 654–667.

Hornby, G. & Lafaele, R. (2011). Barriers to parental involvement in education: An explanatory model. *Educational review*, 63(1), 37-52.

Kalin, J. & B. Steh (2010). Advantages and Conditions for Effective Teacher-parent Co-operation. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (2), 4923–4927.

Laho, N. S. (2019). Enhancing School-Home Communication through Learning Management System Adoption: Parent and Teacher Perceptions and Practices. *School Community Journal*, 29(1), 117-142.

Mohseni, N.; Ali Hosseini, M. & Gholi Ghorchian, N. (1401).promotion of school and family interaction in the prevention of social misbehavior of adolescents: analysis of dimensions and components with a qualitative approach, Journal of Sociology of Education, 8(1). (In Persian)

Nematullah, M. (2011). The necessity of participation in education: shortcomings and solutions. Association of Sociology of Education, No. 3. Parents' participation in school affairs. Theory and Practice in the Curriculum, Year 7, (14). (In Persian)

Rajaipour, F. & et al. (2007). examining ways to improve home-school relations from the teachers' point of view, Journal of Educational Psychology Studies, 5(1). (In Persian)

Sheridan, S.; J. Bovaird; T. Glover; S. Garbacz; A. Witte & K. Kwon (2012). A Randomized Trial Examining the Effects of Conjoint Behavioral Consultation and the Mediating Role of the Parent Teacher Relationship. *School Psychology Review*, (41), 23–46.

Sobhaninejad, M. & Yuzbashi, A. (2012). Investigation of family barriers to parents' participation in Isfahan secondary schools, Shahid University's two quarterly research journals, 20th year, new period, (3). (In Persian)

Stroetinga, M.; Leeman, Y. & Veugelers, W. (2019). Primary school teachers' collaboration with parents on upbringing: A review of the empirical literature. *Educational Review*, 71(5), 650-667.

Tschannen-Moran, M. (2001). Collaboration and the need fortrust. *Journal of Educational administration*.

Turner, J. H. (1988). *A theory of social interaction*. Stanford University Press.

Vigo-Arrazola, B. & Dieste-Gracia, B. (2019). Building virtual interaction spaces between family and school. Ethnography and Education, 14(2), 206-222.

Zanjanizadeh, H. & et al. (2013). Investigating the level of family participation in Razavi Khorasan province schools and the factors affecting it, sociology of education. (1). (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۱۲۱-۱۱۵۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

مقاله پژوهشی

چالش‌ها و راهبردهای اجتماعی توسعه انحراف مثبت شغلی[۱]

زهره سمیعی
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
z1samiee@yahoo.com 0009-0001-7966-2626
خلیل میرزائی
دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
mirzaee_khalil@riau.ac.ir 0000-0001-6765-4744
ستار پروین
دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
sparvin1359@gmail.com 0000-0001-6471-4668

چکیده

منظور از انحراف مثبت در محیط کاری، رفتار داوطلبانه شاغلان است که با هدف بهبود و پیشرفت شغلی و یافتن راه‌های ابتکاری برای حل چالش‌های کاری و بهبود عملکرد انجام می‌شود. این مطالعه درصدد است تا شرایط و عوامل مؤثر بر توسعه «انحراف مثبت شغلی» را از منظر افراد نوآور و خلاق در محیط‌های کارگری به‌عنوان افراد دارای انحراف مثبت شغلی با اتخاذ رویکرد نظریه زمینه‌ای واکاوی نماید. جامعه آماری مطالعه ۱۲۶ نفر از کارگران نمونه جشنواره امتنان در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ بودند که ۱۵ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری هدفمند و با لحاظ حداکثر تنوع در ویژگی‌های سن، جنس، تأهل، تحصیلات، شغل، رشته تحصیلی و رسته فعالیت، انتخاب و با آنها مصاحبه عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته، انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سازمان توانمندساز، فرهنگ سازمانی مثبت‌گرا، حمایت‌های سازمانی و سازمان ایده‌پرور ازجمله مقولات شرایط علی مؤثر بر پدیده انحراف مثبت شغلی بوده است. سوژه‌ها همچنین با چالش‌هایی نظیر: فرهنگ منفی سازمانی، ایده‌سوزی سازمانی، موانع پشتیبانی، مدیریتی، فردی و خانوادگی مواجه بودند که راهبردهای معطوف به فرد شاغل و راهبردهای معطوف به محیط شغلی را در پیش گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: انحراف مثبت شغلی، رفتارهای انحرافی مثبت، محیط کاری، منابع انسانی مثبت‌گرا، رفتار سازمانی، سیاست‌های کلی نظام اداری.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.442365.1545

CC BY OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان تبیین جامعه‌شناختی انحراف مثبت در محیط کاری است.

مقدمه و بیان مسئله

نیروی انسانی، ارزشمندترین سرمایه و بزرگ‌ترین دارایی سازمان‌ها و محیط‌های شغلی است. رفتار شغلی کارکنان می‌تواند بر جنبه‌های مختلف سازمان و نیز تغییر و تحولات آن تأثیرگذار باشد. منابع انسانی می‌توانند در کل سازمان‌ها حیات شغلی را تداوم بخشیده و آن را به حرکت درآورده و اداره کنند. سازمان‌ها بدون وجود نیروهای انسانی نه‌تنها مفهومی ندارند بلکه اداره آن‌ها نیز میسر نخواهد بود؛ حتی با وجود فناور شدن سازمان‌ها و تبدیل آن‌ها به توده‌ای از سخت‌افزارها، همچنان نقش انسان به‌عنوان عامل حیاتی و راهبردی در بقای سازمان‌ها کاملاً مشهود است. به دیگر سخن منابع انسانی ارزشمندترین منبع سازمان‌های امروزی به‌شمار می‌روند؛ چراکه کارکنان و شاغلان به تصمیمات سازمانی شکل داده، مسائل و مشکلات محیط‌های کاری را حل می‌کنند و موجب افزایش بهره‌وری و توسعه روزافزون موفقیت‌های شغلی می‌شوند. امروزه منابع انسانی به‌عنوان منبعی که می‌توانند مزیت رقابتی داشته باشند و برای سازمان ارزش‌آفرینی نمایند، شناخته می‌شوند. درواقع این منابع انسانی هستند که تفاوت سازمان‌های مشابه را رقم می‌زنند و قابلیت و تعهد آنها، سازمان‌های موفق را از سایر سازمان‌ها متمایز می‌سازد؛ اما منابع انسانی نیز می‌توانند دچار انحراف‌های رفتاری شوند. انحراف در محیط کاری هر نوع رفتار آگاهانه و ارادی است که با هنجارها و قوانین و چهارچوب‌های محیط کاری در تضاد باشد. رفتارهای انحرافی اغلب به دو دسته منفی و مثبت تقسیم می‌شوند. اغلب مطالعات بر انحراف‌های منفی متمرکز شده است؛ درحالی‌که یکی از ابعاد انواع انحراف‌ها، انحراف مثبت است؛ رویکردی که با هدف تغییر در محیط به‌واسطه گروه‌ها یا افراد، محقق می‌شود تا تغییرات رفتاری و اجتماعی در جهت برطرف کردن مشکلات در محیط‌های مختلف اتفاق بیفتد. انحراف مثبت حکایت از وجود افراد یا گروه‌هایی دارد که رفتارها و راهکارهای غیرمعمول، آن‌ها را قادر می‌سازد تا به‌رغم داشتن مشکلات مشابه دیگران، در محیط کار یا فعالیت یا در محیط تحصیل و در محیط‌های خانوادگی، اجتماعی و در زندگی شخصی خود، شیوه‌های بهتری را جهت حل مشکلات موجود در پیش بگیرند (Wolfer & Wilson, 2019).

امروزه در شرایط پرتلاطم محیط‌های شغلی به‌جهت وجود انواع مسائل و چالش‌ها در مسیر موفقیت‌های یک سازمان، وجود افرادی به‌عنوان محرک و مقوم تغییرات مثبت در سازمان‌ها بسیار مغتنم است، ازجمله کارکنان نوآور و تحول‌آفرین

تأثیرگذار و سازنده که به‌عنوان نقطه قوت یک سازمان و محیط شغلی هستند و شایسته است عملکرد آن‌ها مورد واکاوی‌های علمی و پژوهشی قرار گیرد؛ اما بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با محیط‌های شغلی عمدتاً بر نقاط ضعف کارکنان و آسیب‌های رفتاری آن‌ها متمرکزشده و به جنبه‌های مثبت رفتار کارکنان و شاغلان و توانمندی‌ها و خروجی‌های مثبت محیط‌های کاری و شغلی توجهی نمی‌شود؛ لیکن به نظر می‌رسد تکیه‌بر عوامل و مؤلفه‌های مثبت در بین منابع انسانی، رویکرد جدیدی است که می‌تواند به ایجاد و توسعه رفتارهای سازنده و پیشرفت در محیط‌های شغلی یاری برساند. منابع انسانی مثبت‌گرا، شایسته بذل‌توجه و صرف زمان بیشتر می‌باشد و جهت تنوع محیط‌های کاری و شغلی و تنوع مسائل و چالش‌های فراروی سازمان‌ها، لازم است به محوری‌ترین عامل و هسته مرکزی سازمان‌ها که نقش اساسی در کاهش مسائل و نیز ارتقای سطح بهره‌وری دارد، توجه ویژه شود.

بی‌تردید وجود شخصیت‌های انحراف مثبت در یک محیط کاری و احساس عاملیت و تأثیرگذاری آن‌ها در بین کارکنان برای ایجاد تحولاتی اثربخش ضروری است. چنین نیروهایی می‌توانند همچون عاملی سرایت‌کننده، رفتارهای مثبت خود را در محیط‌های شغلی، پرورش و توسعه دهند. کارکنان دارای رفتار انحراف مثبت به‌عنوان نیروهای انسانی که بیش‌ازپیش به توانمندی خود اعتماد و اطمینان دارند و با اعتمادبه‌نفس لازم، در هنگام مواجهه با مشکلات کاری، بهترین راهکارها را در مقابله با چالش‌ها ارائه می‌دهند و به‌گونه‌ای عمل می‌نمایند که سازمان، کارایی و عملکرد شغلی مطلوبی داشته باشد.

همان‌طورکه ذکر شد رفتارهای انحرافی مثبت به رفتارهایی اطلاق می‌شود که در تعارض با معیارها و هنجارهای سازمان باشد، داوطلبانه بوده و انگیزه درستی در پی آن وجود داشته باشد. ازجمله این رفتارهای انحرافی رفتارهای نوآورانه شغلی است. نوآوری یعنی اجرای موفقیت‌آمیز ایده‌های خلاقانه در یک سازمان که موجب افزایش تولید و عملکرد سازمان می‌شود. ایده‌های نوآورانه ایده‌هایی هستند که به ذهن اکثریت خطور نمی‌کنند؛ بنابراین کارکنانی که ایده نوآورانه دارند، در گروه انحراف مثبت قرار می‌گیرند.

بی‌تردید ازجمله آثار وجود رفتارهای انحرافی مثبت در حوزه شغلی، افزایش اثربخشی و کارایی منابع انسانی است. در متن «سیاست‌های کلی نظام اداری» (مصوب، ۱۱/۱۵/ ۱۳۸۴) به موضوعات مهمی نظیر انعطاف‌پذیری محیط کاری با

رویکرد اثربخشی، ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، ارتقای سرمایه منابع انسانی از طریق دانش‌گرایی و شایسته‌سالاری، ایجاد زمینه بهسازی و ارتقای سطح دانش، تخصص و مهارت‌های کارکنان تأکید نموده است؛ لذا توجه به پدیده «انحراف مثبت شغلی» می‌تواند یکی از راهبردهای تحقق سیاست‌های کلی نظام اداری است.

۱. هدف و پرسش‌های پژوهش

این مطالعه با هدف تبیین پدیده انحراف مثبت شغلی در محیط‌های کارگری، رفتارهای انحراف مثبت را با بهره‌گیری از رویکرد نظریه زمینه‌ای واکاوی نموده است. مؤلفان در این نوشتار می‌کوشند تا در کنکاشی کیفی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌ای انحراف مثبت شغلی را شناسایی و مشخص نمایند که افراد دارای روحیه انحراف مثبت شغلی چه راهبردهایی را جهت تقویت این ویژگی و رفتار در پیش می‌گیرند و پیامد این راهبردها چه خواهد بود.

ازجمله سؤال‌های محوری این پژوهش عبارت‌اند از: عوامل تعیین‌کننده و شرایط مؤثر بر ایجاد و توسعه پدیده انحراف مثبت شغلی در بین افراد دارای انحراف مثبت شغلی چه بوده است؟ راهبردهای افراد دارای انحراف مثبت شغلی در محیط‌های کارگری در مواجهه با چالش‌های مربوطه چه بوده است؟ پیامدهای این وضعیت چه بوده است؟

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه انحراف مثبت پژوهش‌های معدودی به‌خصوص در سال‌های اخیر صورت گرفته است. در این میان به دلیل نوپایی مطالعات، در بسیاری از ابعاد، ضروریست پژوهش‌های وسیع‌تر و عمیق‌تر جهت توسعه ادبیات نظری انجام شود و انحراف مثبت را در محیط‌های مختلف و در بین گروه‌های مختلف اجتماعی مورد واکاوی قرار دهد. در دهه اخیر برخی پژوهش‌های داخلی رفتار انحراف مثبت را مطمح‌نظر قرار داده‌اند ازجمله:

صیرفی و طاهری‌کیا (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «ارائه مدل کارآفرینی سازمانی با رویکرد انحراف مثبت در صنایع دیجیتال نوپا»، بیان داشتند که امروزه اهمیت توجه به صنایع دیجیتال نوپا در کشورها باعث شده است تا مسائل و چالش های مختلفی مانند اشتغال و بیکاری کاهش پیدا کند. نتایج بررسی نشان داد که توجه به کارآفرینی سازمانی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن با رویکرد انحراف مثبت،

می‌تواند منجر به نتایجی همچون نوآوری، رشد و بهبود سازمانی گردد.

رنگریز و همکارانش (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «طراحی الگوی رفتارهای انحرافی مثبت کارکنان در صنعت بیمه ایران»، عنوان می‌کنند که اگرچه انحراف در محیط کار در اکثر موارد ازنظر ماهیتی مخرب است؛ اما ممکن است جنبه‌های مثبتی هم داشته باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، توجه حرکت صنعت بیمه ایران به‌سمت فضای رقابتی، اهمیت رفتارهایی از جنس رفتار سازمانی مثبت، اهمیت فزاینده‌ای دارد و در این راستا فراهم نمودن زمینه‌های بروز رفتارهایی از جنس رفتارهای انحرافی مثبت می‌تواند تسهیل‌گر دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده ازجمله کسب مزیت رقابتی باشد.

پیرامون موضوع انحراف مثبت کلیدواژه‌های دیگری ازجمله انحراف خلاق هم می‌تواند در حساسیت نظری یاریگر باشد. مطالعات ذیل در این راستا است:

طاهری‌نیا و همکارانش (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی «تأثیر انحراف خلاق بر اینرسی نوآوری با نقش میانجی هوشمندی منابع انسانی در سازمان‌های دانش‌بنیان استان لرستان» پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که انحراف خلاق بر اینرسی نوآوری و هوشمندی منابع انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

بخش دیگری از پژوهش‌های داخلی نیز با همین ادله که هر نوع خلاقیت در محیط شغلی، نوعی رفتار انحراف مثبت می‌باشد؛ می‌تواند در ادبیات پژوهشی مرور شود؛ ازجمله عبارت رفتارهای کاری نوآورانه در مطالعات ذیل:

بیرانوند و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «تأثیر جوسازمانی و تسهیم دانش بر رفتار نوآورانه کارکنان در شرکت‌های دانش‌بنیان»، بیان داشتند که هدف نهایی رفتار نوآورانه، بهبود عملکرد فرد، گروه و درنهایت کل سازمان است. عوامل بسیاری در تحقق رفتار نوآورانه کارکنان یک سازمان تأثیرگذارند که در این پژوهش به تأثیر دو عامل جوسازمانی و تسهیم دانش پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که جو سازمانی بر رفتار نوآورانه و تسهیم دانش تأثیر مستقیم و مثبت دارد.

فریاد و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود با عنوان بررسی اثر توانمندسازی روان‌شناختی بر رفتار نوآورانه کارکنان با توجه به اشتیاق شغلی آنان بیان داشتند که در محیط پویای کسب‌وکار امروزی، نقش انسان و نوع نگاه او می‌تواند سهم بسزایی در کسب موفقیت و مزیت رقابتی برای هر سازمان داشته باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه توانمندسازی روان شناختی کارکنان و اشتیاق شغلی آنان، مثبت و معنادار است و توانمندسازی روان‌شناختی به‌واسطه اشتیاق شغلی

نتیجه مثبتی در بروز و افزایش رفتارهای نوآورانه در بین کارکنان دارد.

تحقیقات خارجی نیز در حوزه انحراف مثبت با تنوع موضوعی و در حوزه‌های مختلف وجود دارد، ازجمله:

ویلیامسون[1] (۲۰۱۶) در مطالعه‌اش به بررسی عواملی می‌پردازد که موجب انحراف مثبت در مدیران می‌گردد. ارزش‌های موردتوجه رهبران یک سازمان استثنایی شامل: اولویت‌بندی، مراقبت از دیگران، توجه به ارزش‌های دیگران، ذهنیت رشد و هم‌افزایی، احساس معنا، اقدام شجاعانه، رویکرد مشترک به رهبری، هوش هیجانی و صداقت بوده است. رفتارهای این رهبران معطوف به ارتباط و مراقبت از دیگران، ذهنیت رشد و هم‌افزایی، ذهنیت یادگیری و بهبود، اقدام شجاعانه، خلاقیت، رویکرد مشترک به رهبری، هوش هیجانی بوده و نگرش‌های آن‌ها مثبت و شامل: فروتنی، فراوانی، رؤیایی، شجاعت، سپاسگزاری بوده است.

اپل بام، لاکنی و ماتوسک[2] (۲۰۰۵) پژوهشی را با عنوان رفتارهای انحرافی مثبت و منفی در محل کار انجام و نشان دادند که توانمندسازی روان‌شناختی به عنوان عامل اصلی انحراف مثبت است.

هیرشمن[3] (۱۹۷۰) مطرح می‌کند که کارکنان ۴ راه برای مقابله با ناامیدی در محل کار دارند: اعتراض شفاهی[4]، غفلت، وفاداری، یا خروج از کار. بااین‌حال، تحقیقات در مورد رفتارهای انحرافی نشان می‌دهد که انحراف مثبت، جایگزین دیگری برای سرخوردگی در محل کار است. انحراف مثبت به‌عنوان ابزاری جایگزین برای ابراز نارضایتی در محیط کار زمانی رخ می‌دهد که از شکل فرعی مخالفت به شکل هنجارهای رفتاری مشترک توسط یک گروه مرجع تبدیل می‌شود. درحالی‌که اعتراض شفاهی نشان‌دهنده ابزار مخالفت است و کارمندان ناراحت جهت تغییر، عمدتاً ارتباط برقرار می‌کنند.

همان‌گونه‌که ملاحظه می‌شود موضوع انحراف مثبت در سطح جامعه دارای اهمیت بسزایی است، به‌اندازه‌ای که مرور نظام‌مند کارهای مطالعاتی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۱ نشان از روند صعودی پرداختن به این موضوع به لحاظ پژوهشی است (Albanna & Heeks, 2019)؛ لیکن تا کنون مطالعه‌ای در خارج و داخل کشور به ارائه مفهوم انحراف مثبت شغلی و مؤلفه‌های آن نپرداخته است؛ لذا این پژوهش به

1. Williamson, B.
2. Appelbaum, S. H., Iaconi, G. D., & Matousek, A
3. Hirschman
4. voice

بسط و توسعه دانش در این خصوص یاری خواهد رساند و ازاین‌منظر، بدیع و دارای نوآوری است.

۳. ملاحظات نظری

۳-۱. تعریف انحراف مثبت

انحراف مثبت به رفتار و کنشی اطلاق می‌شود که توسط دیگران به‌طور مثبت ارزیابی و برچسب‌گذاری شده است. اسپریتزر و سوننشاین[1] (۲۰۰۳) تعریفی از انحراف مثبت ارائه می‌کنند؛ آن‌ها «انحراف مثبت» را رفتار غیرمعمولی می‌دانند که با هنجارهای مورد انتظار مطابقت ندارد؛ اما توسط یک گروه مرجع، مثبت تلقی می‌شود. آن‌ها معتقدند فردی که می‌خواهد دارای ویژگی انحراف مثبت باشد، باید ۵ ویژگی داشته باشد این عوامل «مجموعه ذهنی» را برای فرد ایجاد می‌کند تا در رفتار انحرافی مثبت شرکت کند: این عوامل عبارت‌اند از: الف) احساس معنا، ب) تمرکز دیگر، ج) خودمختاری، د) کارآمدی شخصی و هـ) شجاعت. آن‌ها معتقدند که شرایط خاصی برای رخ دادن یک رفتار انحرافی مثبت مطلقاً لازم نیست، هریک از این عوامل، به‌صورت مجزا یا با مجموعه‌ای از تمایلات و توانایی‌ها، به درگیرشدن در انحراف مثبت کمک می‌کند» (Spreitzer & Sonenshein, 2003, p. 211).

در تحقیقات جامعه‌شناسی، بیشتر به جنبه منفی انحرافات توجه می‌شود و تحقیقات بیشتر به آن‌سو تمرکز و جهت یافته است و کمتر به انحرافات مثبت توجه می‌شود. در مطالعات جامعه‌شناسی کلینارد[2] اولین کسی است که تعریف مشخصی از انحراف مثبت ارائه می‌کند. وی عنوان می‌کند: «واکنش‌ها به انحراف از هنجارهای اجتماعی می‌تواند در جهت تأیید، مدارا یا عدم تأیید، متفاوت باشد. اکثر اعضای جوامع مدرن، مقدار معینی از عدم انطباق را تشویق می‌کنند، مشروط بر اینکه در جهت تأیید انجام شده باشد.

۳-۲. رویکردهای مختلف به مقوله انحراف مثبت

چهار دیدگاه اصلی در مورد انحراف مثبت وجود دارد: آماری، فوق‌العاده، واکنشی و هنجاری.

1. Spreitzer, G. M., & Sonenshein, S. (2003).
2. Clinard, Marshall

۳-۲-۱. رویکرد آماری[1]

شاید متداول‌ترین رویکرد برای انحراف به‌عنوان انحراف آماری گفته شود (Clinard & Meier, 2001). انحراف آماری به رفتارهایی اشاره دارد که از تجربیات متوسط یا عادی متفاوت است. انحرافات به معنای آماری، درگیری عده‌ای در رفتارهایی است که اکثریت در یک گروه درگیر آن نیستند. از نظر آن‌ها، منحرفان مثبت افرادی هستند که در سمت راست توزیع عادی رفتارها یافت می‌شوند. کوین[2] (۱۹۹۶) افراد را به‌عنوان ورزشکاران کلاس جهانی متنوع می‌داند و مدیران داخلی را منحرف مثبت می‌داند. این افراد منتخب از همسالان خود ایستادگی می‌کنند؛ زیرا رفتارهای آن‌ها در سمت راست در یک منحنی عادی توزیع‌شده از یک رفتار معین قرار دارد.

۳-۲-۲. رویکرد انطباق فوق‌العاده[3]

یکی دیگر از دیدگاه‌های تعریف‌شده ادعا می‌کند که انحراف مثبت انطباق بیش‌ازحد یا فوق‌العاده با هنجارها است (Ewald & Jiobu, 1985; Hughes & Coakley, 1991). این نوع رفتار فراتر از مرزهای مناسب توسط یک گروه مرجع است (Dodge, 1985). با توجه به رویکرد انطباق فوق‌العاده، بیش‌ازحد حتی یک‌چیز خوب مانند بدن‌سازی یا دویدن از راه دور (Ewald & Jiobu, 1985) مشکل‌ساز می‌شود و می‌تواند منجر به اختلال عملکردی مانند اعتیاد شود.

۳-۲-۳. رویکرد واکنشی

در انحراف واکنشی اگر یک رفتار موجب واکنش منفی توسط مخاطبان شود، آن رفتار، انحرافی است (Dodge, 1985)؛ مانند برچسب زدن عمومی به یک فرد به دلیل درگیر شدن در رفتاری که به‌عنوان مجازات شناخته می‌شود. در انحراف واکنشی نه‌تنها نیاز به مشاهده عمل انحرافی وجود دارد بلکه هم‌زمان واکنش هم باید منفی باشد (Norland; Hepburn & Monette, 1977). با استفاده از این رویکرد نسبت به انحراف، اقدامات عالی یا بافضیلت، جزو رفتارهای انحرافی نیستند؛ زیرا انحراف، نیازمند یک واکنش منفی است؛ اما در دیدگاه انحراف مثبت، واکنش به‌طور کامل انجام نمی‌شود، زیرا در نظریه‌های انحرافی، هم نیاز به مشاهده رفتار انحرافی و هم نیاز به واکنش بعدی (به‌عنوان‌مثال، برچسب زدن) است.

1. The Statistical Approach
2. Quinn, R. E.
3. The Supraconformity Approach

۳-۲-۴. رویکرد هنجاری[1]

دیدگاه هنجاری، انحراف را به‌عنوان عزیمت از هنجارها تعریف می‌کند (Dodge, 1985). رویکرد هنجاری به انحراف، در ادبیات مطالعات سازمانی متداول است به‌طوری‌که انحراف رفتار عمدی است که به‌طور قابل‌توجهی از هنجارها دور شده است (Robinson & Bennett, 1995).

رویکرد هنجاری انحراف مثبت چندین پیامدهای مهم دارد:

اول، انحراف مثبت یک اصطلاح ارزیابی است. این رفتار را تشخیص می‌دهد که باید یا نباید اتفاق بیفتد.

دوم، این تعریف از انحراف مثبت، رابطه آن را با رفتارهای منظم یا معمولی مشخص می‌کند. یعنی یک گروه خاص (گروه مرجع) وجود دارد که انتظارات هنجاری آن‌ها رفتارهای معمولی را تعیین می‌کند.

سوم، سرانجام، اگر دیگران از رفتار مثبت و انحرافی آگاه شوند، رفتار را از بین می‌برند یا از آن تقدیر می‌کنند (Clinard & Meier, 2001).

در این نوشتار مؤلفان، رفتارهای عمدی را که علی‌الظاهر در تعارض با قواعد گروه‌ها و محیط‌های شغلی است؛ اما درعین‌حال رفتارهایی، سودمند با تأثیرگذاری مثبت در محیط‌های شغلی می‌باشد و به‌عنوان رفتار انحراف مثبت شغلی نامیده می‌شود. همچنین در این مطالعه با رویکرد هنجاری این پدیده اجتماعی در جهت توسعه اجتماعی آن مورد تبیین قرار گرفته است.

۴. روش پژوهش

مرور مطالعات پیشین نشان داد که حوزه جامعه‌شناسی با مشکل فقدان مطالعه عمیق و منسجم در حیطه موضوع «انحراف مثبت شغلی» مواجه می‌باشد و اتخاذ رویکرد اکتشافی و جامعه‌شناختی برای کشف ابعاد پنهان این پدیده ضروری است؛ لذا تلاش گردید با انجام مطالعه‌ای کیفی و با روش نظریه زمینه‌ای یا گراندد تئوری، این پدیده مورد واکاوی قرار گیرد. نظریه زمینه‌ای نظریه عام است که می‌توان هر موضوعی را بر اساس این روش مطالعه کرد. نظریه زمینه‌ای فرایندی است برای تولید نظریه از طریق دستیابی نظام‌مند به داده‌های پژوهشی اجتماعی روش زمینه ای در میدان مطالعه و با تعامل مستمر با عاملان و پرسش از تعاملات آن‌ها ساخته می‌شود. نظریه زمینه‌ای نظریه ای مسئله‌محور است و مبتنی بر ارتباط‌دادن مراحل و

1. The Normative Approach

گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مسئله کمک می‌کند. «در روش نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که احتمالاً به‌دست می‌آید، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند، محقق با نظریه‌ای از پیش انگاشته شروع نمی‌کند، ترجیحاً با حوزه‌ای از مطالعه شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه به‌وسیله داده‌ها خلق شود» (Strauss & Corbin, 1998, p. 2). به دیگر سخن محققان کیفی به‌دنبال کشف پیچیدگی‌های تعاملات اجتماعی در زندگی روزمره و معانی‌ای هستند که افراد شرکت‌کننده در این تعاملات وارد ارتباطات خویش می‌سازند (ذکایی، ۱۳۸۱، ص. ۴۹). جهت جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته[1] استفاده شده است، که با رعایت اصل رازداری و پرهیز از سوگیری، محفوظ ماندن هویت فردی مشارکت‌کنندگان و استفاده از نام مستعار مصاحبه‌ها انجام شد.

ازآنجاکه روش کیفی به‌دنبال درک و فهم عمیق تجارب افراد است، دو معیار اساسی که جهت انتخاب نمونه‌ها در این تحقیق لحاظ شده است: اول آنکه فرد دارای تجربه در مورد موضوع موردمطالعه باشد و دیگر آنکه فرد مشارکت‌کننده، مطلع و فعال باشد و با رضایت آگاهانه تمایل به مشارکت داشته باشد و به‌خوبی بتواند پدیده را توصیف نموده و به سؤال های کامل و دقیق پاسخ دهد تا توصیف غنی و جامعی از پدیده به‌دست آید. جامعه آماری مطالعه ۱۲۶ نفر از کارگران نمونه جشنواره امتنان در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ هستند که به دلیل نوآوری و اختراع به‌عنوان «کارگر نمونه» انتخاب شده بودند. در این پژوهش، نمونه‌گیری با روش هدفمند و با لحاظ حداکثر تنوع در ویژگی‌های سن، جنس، تأهل، تحصیلات، شغل، رشته تحصیلی و رسته فعالیت فردنمونه انجام شده و امکان دسترسی به‌کارگران نمونه نیز در اجرای مصاحبه‌ها مدنظر قرار گرفت. درنهایت با ۱۵ نفر از کارگران نمونه مصاحبه انجام و اشباع داده‌ها حاصل آمد.

برای دستیابی به قابلیت اعتماد از بررسی همکاران[2]، ممیزی خارجی، مثلث‌بندی و تأیید مشارکت‌کنندگان[3] استفاده شده است. همچنین، با رعایت اصول و نکات مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و پیاده‌سازی دقیق اتکاپذیری[4] مورد تأیید قرارگرفته است.

1. Semi-structured interview
2. Peer Review
3. Member Checking
4. Dependability

جدول (۱): مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

کد	نام مستعار	سن	جنس	تأهل	تحصیلات	شغل	رشته تحصیلی	رسته فعالیت
۱	رضا	۲۷	مرد	متأهل	کارشناسی	مکانیک	کارشناس فنی	صنعت
۲	احمد	۳۶	مرد	مجرد	فوق دکتری	سرپرست بخش دستگاهی	مهندسی معدن	صنعت
۳	فرهاد	۳۹	مرد	متأهل	دکتری	کارشناس	برق	صنعت
۴	لیلا	۳۸	زن	متأهل	دکتری	معاون دامپروری	دامپروری	کشاورزی
۵	علی	۲۷	مرد	مجرد	کارشناسی	برنامه‌نویس ارشد	رایانه	خدمات
۶	خسرو	۳۶	مرد	متأهل	کارشناسی‌ارشد	مسئول پروژه	نانو مهندسی شیمی	خدمات
۷	کامران	۳۹	مرد	متأهل	کارشناسی‌ارشد	مسئول قطعات برگشتی	عمران (بیو سیستم)	کشاورزی
۸	هما	۳۹	زن	مجرد	کارشناسی‌ارشد	مسئول HSE	محیط‌زیست	صنعت
۹	اصغر	۴۱	مرد	متأهل	کارشناسی‌ارشد	مدیر مهندسی و R&D	پلیمر	صنعت
۱۰	هادی	۳۵	مرد	متأهل	کارشناسی	مسئول HSE	بهداشت حرفه‌ای	صنعت
۱۱	سعید	۴۵	مرد	متأهل	کارشناسی‌ارشد	مسئول HSE	مهندسی شیمی	صنعت
۱۲	صالح	۳۸	مرد	متأهل	کارشناسی‌ارشد	کارشناس دفتر مهندسی	مکانیک	صنعت
۱۳	نیوشا	۴۰	زن	متأهل	کارشناسی‌ارشد	کارشناس فنی	بیوتکنولوژی کشاورزی	کشاورزی
۱۴	مهرداد	۳۸	مرد	متأهل	فوق دکتری	مدیر مهندسی و R&D	مکانیک	کشاورزی
۱۵	سهراب	۴۸	مرد	متأهل	کارشناسی‌ارشد	رئیس منابع انسانی	مدیریت	خدمات

۴-۱. محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش به دلیل جدید بودن موضوع پژوهش، با فقدان منابع علمی به زبان فارسی و نیز تحقیقات اندک در زمینه‌های نزدیک به پژوهش، مواجه بوده است. عدم آشنایی جامعه دانشگاهی با موضوع پژوهش جهت تصویب موضوع پژوهش از یک‌سو و متقاعدسازی پیرامون اهمیت موضوع در محیط‌های کارگری جهت دسترسی به نمونه‌های مورد مطالعه و ضعف فرهنگ پژوهش در برخی کارخانجات انجام پژوهش را با دشواری‌هایی مواجه نمود. همچنین نمونه‌های پژوهش به‌خاطر پاره‌ای ملاحظات فرهنگی از طرح برخی چالش‌های موجود در محیط کاری امتناع می‌کردند که محقق را به تلاش بیشتر جهت کشف زاوایای پنهان وادار می‌ساخت. ازسوی‌دیگر ازآنجاکه

این رفتار در نمونه موردنظر نهادینه و جزیی از شخصیت آنها شده بود، پاسخ در مورد شرایط و علل موجد و تقویت‌کننده این رفتار برای آنها، مستلزم دقت و تمرکز به ابعاد موضوع بود که مصاحبه را زمان‌بر نموده و برخی مصاحبه‌ها در چندین نوبت انجام شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش با توجه به سؤال‌های اصلی پژوهش، شرایط مؤثر بر ایجاد و توسعه پدیده انحراف مثبت شغلی شامل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای و نیز راهبردهای افراد در محیط‌های شغلی در مواجهه با چالش‌های مربوطه را تبیین می‌نماید.

۵-۱. شرایط علّی انحراف مثبت شغلی

شرایط علّی، شرایطی است که در به‌وجودآمدن پدیده موردمطالعه به‌عنوان عامل اصلی مؤثر است. مقوله‌های فرعی و کدهای مفهومی استنباط شده از علل ایجاد انحراف مثبت در محیط‌های کاری عبارت‌اند از:

جدول (۲): کدهای مفهومی و مقولات شرایط علّی

مقوله فرعی	کد مفهومی
سازمان توانمندساز	مهارت‌های ارتباطی کارکنان، دادن آزادی عمل در انتخاب محیط کار به‌کارکنان، بازخورد گرفتن از کارکنان و بازخورددهی به آنان، کمک به شکوفاسازی قابلیت‌های کارکنان، تأثیر مثبت سازمان بر عملکرد کاری و رضایت فردی، محافظت فرد در برابر فشارهای شغلی، ایجاد فرصت‌های مداوم برای رشد کارکنان، نقش همه اعضای گروه در پیشبرد هدف مجموعه، گروه‌محوری و توسعه قابلیت‌ها،
فرهنگ‌سازمانی مثبت‌گرا	کارکردگرایی و موفقیت‌گرایی مبتنی بر تلاش، انعطاف‌پذیری و حمایت‌کنندگی سازمان، احساس ارزشمندی کارکنان در سطح فردی و گروهی، احترام به تصمیمات کارمندان، شفافیت فعالیت‌ها و ارزش‌های کاری، وضعیت احساسی بسیار مثبت و خوشایند بین مدیر و زیردستان، جریان تعاملی شفاف بین همه کارکنان، نگرش حرفه‌ای و اخلاقی مثبت بین کارکنان،
حمایت‌های سازمانی	سبک رهبری همدلانه، اولویت نیازهای کارکنان، تسهیلات سازمان و حمایت مادی و معنوی از کارکنان کوشا، حمایت همه‌جانبه سرپرستان از کارکنان مثبت‌گرا، توزیع منابع سازمان به‌طور عادلانه، مراقبت از کارمندان و فراهم‌سازی مزایای خوب برای آن‌ها، بسترسازی مادی و معنوی برای مثبت‌گرایی کاری، بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان، حمایت سازمانی ادراک‌شده، تسهیل تعاملات کارکنان با مدیر، ارتقای کیفیت خدمات به‌کارکنان، توجه به امنیت شغلی کارکنان

مقوله فرعی	کد مفهومی
سازمان ایده پرور	پاسداشت موفقیت‌های کارکنان، حمایت مدیریت از خلق ایده، اعتقاد راسخ مدیر به‌کار گروهی، اعتماد به توانایی‌ها و کارآمدی کارکنان، بروز ایده‌های خلاقانه جدید، تعهد دیگران در اجرای یک ایده جدید، برخورد مشفقانه نسبت به ایده‌پردازی، رفتارهای انحرافی خلاقانه، تخطی خلاقانه از مقررات دیوان‌سالارانه و دست‌وپاگیر سازمان، عدم مقاومت در برابر نوآوری، تغییرات مثبت در سازمان‌ها و ارتقاء نوآوری، فعالیت‌های کارآفرینانه در سازمان

۵-۱-۱. سازمان توانمندساز

بهبود شایستگی‌ها و مهارت‌های موجود کارکنان و توسعه شایستگی‌های جدیدتر برای حمایت از اهداف سازمان و ارتقای دانسته‌ها و شکل‌گیری ایده‌های جدید در ذهن کارکنان و مدیران و تجربه‌نگاری از موفقیت‌ها و راه‌حل‌های آن‌ها در حل مسائل سازمان از ویژگی‌های یک سازمان توانمندساز است. امروزه توانمندسازی به‌عنوان یکی از ابزارهای سودمند ارتقاء کیفی کارکنان و افزایش اثربخشی سازمانی تلقی می‌گردد. به‌منظور کسب موفقیت در محیط‌های کاری، سازمان‌ها به دانش، نظرات، انرژی‌های مثبت و انحرافات مثبت و نیز نوآوری و خلاقیت کارکنان، اعم از کارکنان خط مقدم تا مدیران سطح بالا نیازمندند. جهت تحقق این امر سازمان‌ها باید دارای ویژگی توانمندساز باشند و به توانمندسازی کارکنان خود توجه نمایند (پاک‌طینت و فتحی‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۳۳).

ایجاد دگرگونی و تحول مثبت در میان کارکنان، مستلزم ارتقای ذهنیت کارکنان و افزایش مهارت‌های آن‌هاست تا با کسب مهارت‌های جدید و به‌کارگیری رویکردهای متفاوت، خود را ارتقا دهند. سازمان‌های توانمندساز ضمن اختصاص زمان کافی به‌کارکنان برای یادگیری مهارت‌های جدید، فرصت به‌کارگیری آن مهارت‌ها را هم فراهم می‌کند و زمینه ارتقای کارکنان ماهرتر را با مربیگری آن‌ها برای سایر کارکنان فراهم می‌نماید.

«من معتقدم باید یه عده از کارگرهای جدید بیان از تجربیات ما کارگر نمونه مستندسازی کنن. ما که دوست داریم مهارت و دانش مون را منتقل کنیم تا راندمان کار بالا بره حتی اینکه چطور تیم‌سازی کردیم و ایده‌مون را اجرایی کردیم باید به بقیه آموزش داده بشه و یه محیط کار خوب این موارد را باید لحاظ کنه» (کد شماره ۱۵).

۵-۱-۲. فرهنگ سازمانی مثبت‌گرا

فرهنگ سازمانی، شیوه مناسب رفتار کارکنان را در درون سازمان تعریف می‌کند. این فرهنگ متشکل از اعتقادها و ارزش‌های مشترک میان کارکنان است که توسط رهبر سازمان مربوطه معین می‌شوند؛ سپس از طریق روش‌های مختلف، توسعه پیدا می‌کنند و تقویت می‌شوند. فرهنگ‌سازمانی مثبت‌گرا[1] با درک و تقویت ویژگی‌های مثبت کارکنان و همچنین با شناسایی، سرمایه‌گذاری و توسعه نقاط قوت منابع انسانی سعی در افزایش عملکرد فردی و سازمانی دارد. در سازمانی که فرهنگ مثبت‌گرا حاکم باشد، ارزش‌های روشن و مسیری قطعی برای رشد وجود دارد (Janssen; Van de Vliert & West, 2004).

«از نظر من هر رئیسی به‌جای اینکه نگاه کنه ببینه زیردستش کوچک‌ترین مشکلی که داره رو پیدا کنه و با همون همیشه سرزنشش کنه، نگاه به توانمدیهاش و نکات قوت کارش کنه و سعی کنه اونا رو تشویق کنه و بهش بگه که من می‌دونم تو چه زمینه‌هایی قوتی داری اون کارگر سعی می‌کنه نکات منفیش رو هم خودش درستش کنه تا اون تعریف مدیرش از خودش رو بیشتر کنه» (کد شماره ۱۳).

۵-۱-۳. سازمان ایده‌پرور

سازمان‌های ایده‌پرور، سازمان‌هایی هستند که خلاقیت و ایده‌های جدید را در محیط کاری خود تشویق می‌کنند. سازمان‌های خلاق، به‌دنبال ترویج نوآوری‌های فردی، سازمانی، فناوری و اجتماعی بوده و افراد دارای استعداد، مهارت و منابع مختلف را در کنار یکدیگر جمع می‌کنند. در یک سازمان نوآور، ریسک‌ها مدیریت می‌شوند و سازمان می‌داند و می‌پذیرد که موفقیت آینده بر اساس مجموعه‌ای از آموخته‌های ناشی از عدم موفقیت کارکنان و تلاش‌های آنها در حل مسائل به‌دست می‌آید. در این سازمان‌ها محیط کار به‌گونه‌ای است که کارکنان تشویق می‌شوند تا ایده‌ها و راهکارهای خلاقانه خود را به اشتراک بگذارند. در چنین سازمانی، همه افراد این اعتمادبه‌نفس را دارند تا ایده‌پردازی کرده و نظرات خود را بیان کنند که این موضوع به‌نوبه‌خود باعث ترویج نوآوری در محیط کار می‌شود.

«آدمای خلاق و نوآور همیشه همه جا هستند ولی این کارخونه‌ها و سازمان‌ها هستند که میزارن آدما خلاق‌تر بشوند یا اینقدر براشون بی‌اهمیت هستش که

1. Positive organizational culture

با بی‌اهمیتی و بی‌مدیریتی خودشون آدمای خلاق را هم تبدیل به آدم‌هایی می‌کنند که مثل همه همیشه یه سری کارهایی که هر روز انجام می‌دهند رو انجام بدهند» (کد شماره ۱۰).

۵-۱-۴. حمایت سازمانی ادراک‌شده

میزان حمایت سازمانی ادراک‌شده توسط کارمندان بیانگر احساس درونی کارکنان در رابطه با مراقبت و توجه سازمان است. حمایت سازمانی ادراک‌شده میزانی است که کارکنان باور دارند ارزش‌های سازمانی در راستای بهسازی و ارضای نیازهای آن‌ها است. ازآنجاکه منابع انسانی یکی از عوامل حیاتی موفقیت سازمان‌ها است؛ بنابراین پشتیبانی از آن‌ها نیز حائز اهمیت است.

حمایت ادراک‌شده سازمانی عبارت است از اعتقاد کارمند به اینکه سازمان از تلاش‌های وی در جهت برآورده‌کردن اهداف سازمانی آگاه بوده، به آن احترام می‌گذارد و برای آن ارزش قائل است. به‌عبارت‌دیگر پشتیبانی درک شده سازمانی به این نکته اشاره دارد که سازمان به تلاش کارمندان و سهم آن‌ها در جهت نیل به اهداف سازمانی توجه کافی دارد و از سلامتی و رفاه کارمندان مراقبت می‌نماید (امیرکافی و هاشمی‌نسب، ۱۳۹۲، ص. ۵۵).

«من معتقدم همیشه سازمان‌ها و کارفرماهایی که هوای کارمنداشون را دارند هم از نظر مالی و هم از نظر اینکه براشون احترام قائل هستند و به‌موقع تشویقشون می‌کنند و قدرشون را می‌دانند باعث می‌شوند که کارمنداشون هم همه کاری بکنند تا سازمانشون رشد کند و از رشد سازمانشون خوشحال می‌شوند» (کد شماره ۶).

۵-۲. شرایط زمینه‌ای انحراف مثبت شغلی

انحراف مثبت[1] شکلی از سازگاری محیطی است. رفتار افراد هوشمند و توانا در محیط‌های مختلف متفاوت است. در محیط‌هایی که مشکلات ساختاری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و ... وجود دارد تلاش می‌کنند اثرات آن را برخود، خانواده و نزدیکان خود کاهش دهند. اینان تلاش می‌کنند با یافتن راه‌حل‌هایی نوین و خلاقانه به‌گونه‌ای جدید مشکلات را دور زده و راهی برای عملکرد، بقاء و رشد و توسعه خود بیابند (Kadetz, 2014).

1. Positive Deviance

جدول (۳): کدهای مفهومی و مقولات شرایط زمینه‌ای

مقولات	کد مفهومی
انگیزه‌های احساسی مثبت	احساس مؤثر بودن در رفع موانع دیگران، احساس مثبت‌گرایانه، درک احساسات دیگران، احساس مفید بودن و مؤثر بودن حتی در سطح کوچک، ایجاد حس رقابت مثبت، احساس لذت از انجام کار مثبت، احساس تکلیف بودن انجام کار با کیفیت،
انگیزه‌های ارزشی و هنجاری	ارزش‌مداری، دین‌محوری در نیات و اعمال، معنویت‌گرایی، جلب رضایت خدا و وجدان راحت، دارای اعتمادبه‌نفس بالا، دارای خردمندی و هدفمندی، دارای روحیه همکاری و کار گروهی، توجه به فضیلت‌های اخلاقی، مردم‌داری و به فکر مردم بودن، دارای روحیه پیگیری هدف تا حصول نتیجه، داشتن روحیه رضایت و دعای خیر خانواده، نداشتن روحیه امتیازطلبی،
مثبت‌اندیشی	خودباوری و عزم راسخ، خوش‌بینی واقع‌بینانه، دارای انگیزه پیشرفت، داشتن اهداف متعالی در زندگی، دغدغه خدمت به عموم مردم و انجام کارهای مفید و سودمند، انعطاف‌پذیری ذهنی هنگام کار کردن، قدرت مواجهه با مسائل مخاطره‌آمیز، جسارت و خطرپذیری، بی‌توجهی به هزینه‌های تعاملی مرتبط با انجام رفتارهای انحراف مثبت، دید مثبت به دیگران،
مثبت‌گرایی در رفتار	داوطلب برای انجام مسئولیت‌های بیشتر، داوطلب شدن در مواقع بحران، عملکرد فضیلت‌مدار، پیگیری فرصت‌های مناسب جهت بروز رفتار مستقل، همکارانه و حمایتی، اعتماد کارساز، رفتار خالصانه، سخت‌کوشی و پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر، دارای رفتار جامعه پسند و جامعه‌یار، مجاهدت محوری، کار جهادی و روحیه جهادی، اهل عمل بودن، توانایی و ورزیدگی در کمک و حل مسئله، مترصد یافتن فرصت‌های جدیدی برای تأثیرگذاری،

۵-۲-۱. انگیزه‌های احساسی مثبت

انگیزه[1] یک روند درونی است. چه آن را محرک و چه یک نیاز تعریف کنیم، انگیزه شرایطی است که در درون ماست و خواهان تغییر است (Reeve, 2018). انگیزه‌های احساسی مثبت همانند میل کمک‌کردن به دیگران، احساس مفیدبودن، ترس از شکست و دوست داشتن موفقیت نقش انگیزشی مثبتی در زندگی افراد ایفا می‌کنند و افراد می‌کوشند به‌جهت احساس انزجار از شکست، از اشیاء آلوده و افراد مشکل‌زا دوری نموده و رفتارهای مقابله‌ای لازم برای جلوگیری از مواجهه (یا ایجاد) شرایط موجد شکست را بیاموزند. انگیزه‌های احساسی مثبت موجب احساس اعتماد به نفس

1. Motivation

و خودباوری در فرد می‌شود. به‌گونه‌ای‌که انجام هر عمل خلاف قواعد و رویه را برای خود آسان و راحت شمرده و خود و دیگران را به انجام آن تشویق و ترغیب می‌کند (LeMahieu & et al., 2017). رویکرد انحراف مثبت معتقد است که برای اعضای جامعه مؤثرتر است که «به شیوه‌ای جدید فکر کنند تا اینکه به شیوه‌ای جدید عمل کنند» (Pascale & Sternin, 2005).

«من خودم آدمی هستم که مهم‌ترین چیزی که برای من مهمه این است که شکست در یک کار حال من را خراب می‌کند بعضی وقت‌ها به خودم میگم حتی اگر در محیط کار قدر من را ندانند به‌خاطر دل خودم هم که شده کار خودم را درست‌تر انجام بدم یا اینکه باعث بشم بقیه کارهاشون رو بهتر انجام بدهند به فرض که برام سود مالی هم نداشته باشه ولی این که حالم رو خوب می‌کنه خیلی برام ارزش داره» (کد شماره ۹).

۵-۲-۲. مثبت‌اندیشی

از نظر کارکنان دارای انحراف مثبت شغلی، هیچ مشکل و مانعی نیست که برایش راه‌حلی وجود نداشته باشد. آنها معتقدند خیلی از موانع و مشکلات کاری ناشی از همین شیوه و قوانین و مقررات جاری کار است که می‌توان با انجام شیوه‌ای دیگر آنها را انجام داد.

«همیشه هر مشکلی که تو کارمون پیش میاد به همکارا تأکید می‌کنم که ببینین شاید این مشکل خودش رو نشون داد که ما به راه‌های بهتر برسیم که خیلی وقتها هم واقعاً همون شد ما رسیدیم به اینکه تا حالا کارها رو سختش می‌کردیم و چقدر روش جدید بهتر شد برامون» (کد شماره ۲).

۵-۲-۳. مثبت‌گرایی در رفتار

کارکنان دارای انحراف مثبت، در برخورد با مشکلات و موانع از راه‌حل‌های جدید استفاده می‌کنند. از راه‌ها و روش‌هایی که در فرایند کاری، مرسوم نبوده و نمی‌باشد، استفاده می‌کنند. اگر این رفتارشان موجب موفقیت شود برایشان دانش و آگاهی جدیدی ایجاد می‌کند و تلاش می‌کنند آن را برای رفع مشکلاتشان به دیگران بیاموزند. اینان اعضای جامعه و گروهی که در آن هستند را تشویق می‌کنند تا مسئولیت و رهبری فرایند تغییرات را برعهده بگیرند و انجام دهند.

«تو زندگی همیشه هر در بسته‌ای که می‌دیدم یا دنبال کلیدی گشتم که

بازش کنم یا دنبال در دیگه‌ای که بتونم از طریق اون داخل بشم یعنی از نظر من همیشه یه راهی هست که بشه پیداش کرد و مشکل را حل کرد و کار نشد ندارد هر قسمتی هم کار کردم سعی کردم این رو به همه اثبات کنم» (کد شماره ۴).

۵-۳. شرایط مداخله‌ای انحراف مثبت شغلی

جدول (٤): کدهای مفهومی و مقولات شرایط مداخله‌ای

مقوله فرعی	کدمفهومی
فرهنگ منفی سازمانی	مضایقه از کار، رفتار غیرمولّد، بطالت آموخته‌شده در سازمان، نهادینه شدن بطالت در محیط کاری، سرقت زمان، تمایل کارکنان به راحت‌طلبی و کار یکنواخت، غفلت از کار خلاق و نو، کم ودن آستانه تحمل شنیدن انتقادات و پیشنهادات، مشاهده برخی کارشکنی‌ها و عدم همکاری بخش‌ها.
فرسایش شغلی	ابهام نقش در سازمان، استرس ناشی از انتظارات مبهم و دائماً در حال تغییر مدیریت، عدم تناسب مهارت و شغل، عدم وضوح مسئولیت‌های شغلی فرد، شکاف بین اهداف سازمان (رؤسا و مدیران) با اهداف کارمندان، تعارض و ابهام نقش، عدم وضوح و روشن نبودن اهداف شغلی، شرایط دشوار شغلی، سرخوردگی شغلی، داشتن احساس بی‌ارزشی و بی‌اهمیتی نسبت به کار، روزمرگی درمحیط کار.
ایده سوزی سازمانی	عدم توجه به رشد افراد مستعد، عدم ارتباط بین تصمیمات شرکت ها با خلاقیت و ایده های خلاقانه افراد، مقاومت در برابر تغییر و پذیرش ایده تحولی مثبت در سازمان‌ها، عدم اهمیت به ایده نو در کار، وجود فشارهای سازمانی در برابر طرح و اجرای ایده و کاهش سرعت، عدم پشتیبانی از ایده به خصوص در بخش دولتی، نادیده گرفتن فرد خلاق در سازمان، عدم تأمین بودجه به‌عنوان مهم‌ترین مانع اجرای طرح‌ها.
موانع پشتیبانی	احساس منفی به دلیل حقوق بسیار پایین، ناهمخوانی درآمد و هزینه و مخارج زندگی، سیستم نامناسب جبران خدمات، عدم شایسته‌گزینی، شایسته‌سالاری و شایسته‌پروری، عدم شایسته‌سالاری و نابودی پویایی در محیط کار، کمبود منابع و امکانات سازمان، وجود محدودیت‌های مالی سازمان، مشخص نبودن بودجه‌ها و فقدان بودجه جهت خلاقیت، وجود معضل مدرک‌گرایی، عدم تخصیص منابع و نبود نتیجه‌گرایی در سطح ملی، عدم توجه به حقوق معنوی.
موانع مدیریتی	عدم حمایت سرپرست، ضعف مدیران، مدیریت قدیمی در کار، عدم حمایت بالادستی‌ها، فقدان مدیران آگاه و با دانش کافی، رفتار و تصمیم سلیقه‌ای مدیران و مسئولان، ترک فعل برخی مسئولان و مدیران، درگیری با افراد متخلف

مقوله فرعی	کدمفهومی
	و برخورد مدیران میانی، عدم اعتماد مدیران به جوانان، احساس منفی به دلیل ارزش‌گذاری مدیران، تضعیف کارکنان توسط مدیران.
موانع فردی و خانوادگی	عجله در انجام کارها، عدم توانایی تشخیص و تحلیل مسائل در لحظه، عدم شناخت ماهیت رفتار افراد، اعتمادهای نابجا، ایجاد فشار روحی روانی، عدم تنوع وظایف روتین و تکراری بودن کار، اجرایی نمودن حمایت یک عده و مقاومت عده‌ای دیگر، واگذاری کار به دقیقه نود، سوءاستفاده بعضی از افراد از خصلت‌های خوب فرد، عدم تمرکز در کار و مشغول بودن فکر به انواع مشکلات و پرت‌شدن حواس موانع فردی.

۵-۴. شرایط مداخله‌ای انحراف مثبت شغلی

کارکنان فعال و مشارکت‌جو در هر اداره و سازمانی وجود دارند؛ اما برخی از آنها منحرف مثبت می‌شوند و رفتارها و کنش‌هایی انجام می‌دهند که از سایر کارکنان متفاوت است. مقولات فرعی و کدهای مفهومی شرایط زمینه‌ای مؤثر در سوق‌دادن کارکنان به این اقدامات عبارت‌اند از:

۵-۴-۱. فرهنگ منفی سازمانی

فرهنگ کار مثبت پایه‌ای قوی برای موفقیت می‌سازد و آرزوها و سطح انتظار سازمان را بالا می‌برد. فرهنگ یک سازمان با توجه به اینکه ترکیبی از خرده‌فرهنگ‌هاست، می‌تواند پیچیده باشد. فرهنگ سازمانی یک نقطه شروع برای حرکت و پویایی در سازمان یا یک مانع اساسی در راه پیشرفت می‌باشد. همه اعضای سازمان چه بخواهند و چه نخواهند تحت تأثیر فرهنگ سازمانی می‌باشند. این فرهنگ می‌تواند در راستای پیشرفت و افزایش بهره‌وری سازمانی و عملکرد و پیشرفت شغلی افراد شکل بگیرد که می‌تواند بسیار مفید باشد؛ اما زمانی که فرهنگ سازمانی تبدیل به مانعی برای موفقیت در سازمان شود، می‌توان به آن فرهنگ منفی سازمانی اطلاق نمود؛ نظیر: فرهنگ منع نوآوری ـ فرهنگ عدم انعطاف‌پذیری ـ فرهنگ رقابت مخرب ـ فرهنگ شایعه‌سازی ـ فرهنگ تحسین نکردن ـ فرهنگ عدم پاسخ‌گویی و....

«من هر جایی که کار کردم رئیسش نمی‌گذاشت هیچ نظری در مورد کارمون بدیم و اخلاقش این‌طوری بود که هر چیزی به شما دستور دادند همان کار را باید انجام بدهید دیگه مجموعه کارگرا براشون مهم نبود کاری کنند که

نتیجه بهتری بشود یا راه‌حل مناسب‌تری را پیشنهاد بدهند معمولاً این جور جاها بیست سال هم طول بکشد همان راه‌های قدیمی خودشان را می‌روند و برای کسی مهم نیست اوضاع کاریش یا تولید محصولش بهتر شود» (کد ۱۲).

۵-۴-۲. فرسایش شغلی

فرسایش شغلی[1] به این معنی است که فرایند کار، موجب از بین رفتن توانمندی و دانش افراد، کاهش عملکرد آنان می‌شود. ماسلاچ و همکاران[2] (۲۰۰۱) فرسایش شغلی را سندرومی روان‌شناختی شامل خستگی عاطفی، مسخ شخصیت و کاهش موفقیت فردی می‌دانند. خستگی عاطفی[3] به از بین رفتن منابع هیجانی یا تخلیه توان روحی اطلاق می‌شود. مسخ شخصیت[4]، تمایلات بدبینانه و پاسخ منفی به اشخاصی که معمولاً دریافت‌کنندگان خدمت از سوی فرد محسوب می‌شوند و کاهش موفقیت فردی[5] و کم‌شدن احساس شایستگی در انجام وظیفه شخص و ارزیابی منفی از خود در رابطه با انجام کارتلقی می‌شود.

«هر وقت در محیطی که بودم با علاقه و اشتیاق رفتم و کارم رو دوست داشتم موفق‌تر و شاداب‌تر بودم و هم کارفرما راضی‌تر بوده و هم در کارم رشد داشتم یه جور احساس رضایت دوطرفه بوده و آخرشم شد یک محیط دوست داشتنی موفقیت‌آمیز» (کد۲).

۵-۵. راهبردها

در برابر شرایط و عوامل محیطی و اجتماعی شکل‌دهنده فرهنگ و جو سازمانی، کارکنان منحرف مثبت از چه راه‌حل‌ها و رویکردهای کاری و محیطی جهت مقابله و مدیریت اوضاع استفاده می‌کنند.

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده راهبردهای مورد استفاده کارکنان در مقولات اصلی به دو دسته راهبردهای معطوف به فرد شاغل، یعنی آن دسته از راهبردها و اقداماتی که فرد شاغل از لحاظ روحی و روانی جهت مقابله با شرایط نامناسب مورد استفاده قرار می‌دهد و راهبردهای دوم، راهبردهای معطوف به محیط شغلی است. آن دسته از اقدامات و فعالیت‌هایی که فرد کارمند با توجه به شرایط محیط شغلی و

1. Job burnout
2. Maslach, C.; Wilmar, B.; Leiter, M. D.
3. Emotional Exhaustion
4. Depersonalization
5. Decreased Personal Accomplishment

سازمانی انجام می‌دهد، جزیی‌تر شناسایی و مقوله‌بندی شده است.

- راهبردهای معطوف به فرد شاغل به سه مقوله خود توسعه‌ای شغلی، تقویت خودانگیزشی شغلی و اخلاق‌مداری در شغل تجزیه شده است.
- راهبردهای معطوف به محیط شغلی به دو مقوله: ایجاد محیط توانمندساز و ایده‌پرور و یاری‌گری شغلی و یاری‌جویی در ایده تجزیه شده است.

جدول (۵): کدهای مفهومی و مقولات استراتژی‌ها و راهبردها

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کد مفهومی
راهبردهای معطوف به فرد شاغل	خود توسعه‌ای شغلی	آموزش خوش‌بینی، آموزش امیدافزایی و کسب امید اجتماعی، آموزش ارزشمندی و احساس کارآمدی، آموزش مثبت‌نگری و مثبت‌اندیشی، تقویت مسئولیت‌پذیری فردی، خودارزیابی مثبت فرد از کفایت شخصی، مشورت گرفتن از دیگران، نهادینه‌سازی داشتن تفکر مثبت در زندگی کاری، مهارت‌افزایی وآموختن مهارت‌های جدید، به‌کارگیری تجارب قبلی خود، تأمین منابع شناختی برای خود، برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف.
	اخلاق‌مداری در شغل	بالابردن سطح تحمل، برجسته‌سازی رفتارهای دوستانه، ایجاد فضیلت در سازمان، نهادینه‌سازی رفتار سازمانی مثبت در محل کار، افزایش مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی در کارکنان، بهبود بخشی ارزش‌های دگرگرا، منطقی و رفتارهای اخلاقی، انجام فعالیت‌های مثبت جهت جایگزینی حس منفی، تلاش و توکل به خدا، افزایش مقاومت در رویارویی با مشکلات کاری، فرصت دانستن موقعیت‌های پُرخطر و استرس‌زای شغلی.
	تقویت خودانگیزشی شغلی	خودجهت‌دهی و خودانگیزشی، توسعه فردی و خودیاری، رویاسازی و توجیه‌پذیری، رؤیاها، افزایش خودباوری، پرورش استقامت خود، یادآوری بیشتر خاطرات مثبت به‌جای منفی، به اشتراک گذاشتن احساسات مثبت خود، تأکید بر نقاط قوت به جای تمرکز بر نقاط ضعف، افزایش ظرفیت‌های مثبت روان‌شناختی در بین همکاران.
راهبردهای معطوف به محیط شغلی	ایجاد محیط توانمندساز و ایده‌پرور	کسب مهارت‌های خاص، قدرت‌افزایی، ایجاد گروه‌های کار خودگردان، ایجاد نظام پیشنهادها، عدم تسلیم شدن در برابر سختی‌ها، مشاوره دادن و آگاهی‌سازی استفاده بهینه از فرصت‌ها، هوشمندسازی امور، رویارویی با ناکامی‌ها با تلاش افزون‌تر، جهت‌دهی دوباره روش‌ها برای تحقق اهداف، رفع و جبران جسورانه و خلاقانه چالش‌ها و کمبودها.

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کد مفهومی
	یاری‌گری شغلی و یاری‌جویی در ایده	توجه کردن به دیگران و همراهی با آنها، شرکت در مسئولیت‌های اجتماعی، گروه‌سازی مؤثر و مفید شغلی، توسعه مشارکت‌های دیگران و هم‌افزایی با دیگران، توجه و تعامل با گروه، شناسایی ظرفیت‌های دیگران و محیط، ارائه پاداش‌های گروهی، شخصیت دادن به افراد، متقاعدسازی دیگران، احترام به توانایی‌های حرفه‌ای یکدیگر، شناسایی و همکاری با افراد خبره و مشورت با آنها در رسیدن به نتایجی جدید.

۵-۵-۱. راهبردهای معطوف به فرد شاغل

یعنی آن دسته از راهبردها و اقداماتی که فرد شاغل از لحاظ روحی و روانی جهت مقابله با شرایط نامناسب مورد استفاده قرار می‌دهد. این راهبردها به سه مقوله خود توسعه‌ای شغلی، تقویت خودانگیزشی شغلی و اخلاق‌مداری در شغل تجزیه شده است.

۵-۵-۲. خودتوسعه‌ای شغلی

خودتوسعه‌ای شغلی به معنای این است که کارکنان با توجه به الزامات و نیازهای فردی و سازمانی به یادگیری و توسعه مهارت‌ها و توانایی‌های خود اقدام کنند (Sarshar & et al., 2021). افراد تلاش می‌کنند در این دوران با شرکت در دوره‌های آموزشی و مهارتی ضمن بالا بردن دانش و آگاهی‌های خود به مهارت‌های جدیدتری برای مقابله با مشکلات دست یابد.

«همیشه من سعی کردم دنبال یادگیری چیزهای جدیدتری در شغلم باشم غیر از چیزهایی که در محل کارم یاد گرفتم در اینترنت یا جاهای مختلفی که رفتم در مورد روش‌های جدید چیزهایی که بلد نبودم تحقیق کردم و یاد گرفتم و به نظرم باعث شد خیلی موفق‌تر در کارم بشوم» (کد۱۳).

۵-۵-۳. تقویت خودانگیزشی شغلی

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رفتار و عملکرد کارکنان داشتن انگیزه شغلی است. انگیزه شغلی عامل حرکت و پویایی کارکنان می‌باشد. انگیزش یک فرایند زنجیره‌ای است که با احساس نیاز یا احساس کمبود و محرومیت شروع می‌شود، سپس خواست را به‌دنبال می‌آورد و موجب تنش و کنش به‌سوی هدفی می‌شود که محصول آن، رفتار نیل به هدف است. توالی این فرایند ممکن است منجر به ارضای نیاز شود؛ بنابراین انگیزه‌ها

موجب تشویق و تحریک فرد به انجام یک کار یا رفتار می‌شود در حالی که انگیزش یک خواست کلی را منعکس می‌نماید. در تمام تحقیقات، انگیزش هنوز جایگاه تنبیه و تشویق به‌عنوان انگیزه‌های بسیار قوی مطرح می‌باشد و در این رابطه پول به‌عنوان ابزاری برای اعطای پاداش مطرح بوده؛ اما تنها عامل انگیزشی نیست (سیدجوادین، ۱۳۸۶، ص. ۴۵۶). عوامل متفاوتی در سازمان‌ها و ادارات و کارخانجات می‌تواند عامل انگیزه شغلی باشند. نیاز به ارتقاء و پیشرفت، نیاز به احترام، کسب درآمد و...

«همیشه اینکه در ذهنم آینده‌ای را ساختم و خواستم به آن برسم باعث رشدم شده است خیلی خوب است که طوری کار کنیم که برای رسیدن به هدفی باشد و به‌خاطر آن هدف هر روز وضعیت شغلی بهتر هم خواهد شد برای هرچیزی نیاز به انگیزه قوی و بالایی داریم تا کارها موفقیت‌آمیزتر باشد این انگیزه اگر از طریق کارفرما و سازمان به زیردستانش داده شود همیشه نتیجه بهتری داده است» (کد ۸).

۵-۵-۴. اخلاق‌مداری در شغل

اخلاق را مجموعه‌ای از صفات روحی و باطنی انسان تعریف می‌کنند که به‌صورت اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان ناشی می‌شود، بروز ظاهری می‌یابد. صفات اخلاقی مانند وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری، داشتن نظم و انظباط، توکل‌مداری و... صفاتی هستند که دارندگان آن در رفتار و کردار متفاوت از دیگران فاقد این صفات رفتار می‌کنند.

«از نظر من مهم‌ترین عاملی که باعث موفقیت من در کارهام شده این است که در هر کاری وجدان کاری و اینکه با تمام وجود آن کار را انجام دهم برای من خیلی اهمیت داشت و آن را با تمام وجود انجام می‌دادم» (کد۱).

۵-۵-۵. راهبردهای معطوف به محیط شغلی

این راهبرد معطوف به ایجاد محیط‌های خلاق و ایده‌پرور است که یکی از اهداف مهم مدیران و مسئولان سازمان می‌باشد. کارکنان منحرف مثبت علی‌رغم وجود محیط‌های کاری که سایر کارکنان در آن دچار روزمرگی هستند، دست به خلاقیت و نوآوری می‌زنند. آنها تلاش می‌کنند با ایجاد خرده‌گروه‌ها و تقویت روابط، محدودیت‌ها و موانع داخلی سازمانی را کاهش دهند. با توجه به نتایج مصاحبه‌ها، اقدامات و فعالیت‌هایی که فرد با توجه به شرایط محیط شغلی و سازمانی انجام دهد به دو مقوله فرعی ایجاد محیط توانمندساز و ایده‌پرور و یاری‌گری شغلی و یاری‌جویی در ایده شناسایی شده است.

۵-۵-۶. ایجاد محیط توانمندساز و ایده‌پرور

کارکنان منحرف مثبت با کسب دانش‌های جدید معرفتی و تقویت مهارت‌ها و ایجاد روابط شغلی پایدار میان کارکنان و تبادل دانش و اطلاعات تلاش می‌کنند، ایده‌های جدید و خلاقی را ایجاد و توسعه دهند.

«از نظر من هر چقدر هم خلاق باشی و خوب کار کنی تا وقتی که با بقیه همراه نشوی و با هم کار نکنیم نتیجه خیلی خوبی را نمی‌بینیم من به همین خاطر سعی می‌کنم یه جمعی را با خودم همراه کنم و با هم بتوانیم ایده‌هامون را پیاده کنیم» (کد ۱۳).

۵-۵-۷. یاری‌گری شغلی و یاری‌جویی

این اصطلاح به معنی ایجاد همکاری و همیاری میان کارکنان است. احترام به توانایی‌های حرفه‌ای کارکنان، میدان‌دادن به نیروی انسانی، بازخوردگیری از دیگران برای اصلاح اشکالات رفتار، برنامه‌ریزی جهت جلب همکاری دیگران و...

«سازمانی که بتونه نوعی همدلی و وحدت رو بین کارکنانش ایجاد کنه طوری که افراد بکوشن تا ایرادات همدیگر رو بپوشونن و طوری بهم کمک کنن که یاریگر همدیگه تو کارها باشن، در واقع میشه بیشترین کارایی را از مجموعه کارمندان دریافت کرد» (کد ۴).

۵-۶. پیامدها

ماحصل رفتار کارکنان دارای انحراف مثبت شغلی، ایجاد رفتارهایی متفاوت از شیوه‌های مرسوم فرایند کاری است که موجب بهتر شدن فعالیت و خلاقیت و نوآوری در انجام کار می‌شود. در جدول شماره ۱۰ مقوله‌های اصلی پیامدهای این خصلت از منظر کارکنان دارای انحراف مثبت شغلی شناسایی شده است.

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده مقولات اصلی پیامد رفتار آنان به دو دسته توسعه رفتارهای انحراف مثبت در محیط کاری و توسعه محیط‌های شغلی مثبت‌گرا و نوآور دسته‌بندی شده‌اند.

جدول (٦): کدهای مفهومی و مقولات پیامدها

مقولات فرعی	کدهای مفهومی
توسعه رفتارهای انحراف مثبت در محیط کار	دستیابی به بالندگی در سازمان، رسیدن به خواسته‌ها و آرامش به دلیل نقطه امن روحی روانی، توسعه فضلیت‌مداری در محیط کار، تحریک رشد شخصی، یادگیری و توسعه فرد، کشف فرصت‌های‌جدید فردی و کاری، به‌کارگیری کلمات مشوقانه برای توسعه حرفه‌ای همکاران، تحمل شرایط ناراحت‌کننده کاری، توانایی درک مؤثر دیگران در محیط کار، ادغام منابع و فرصت‌ها و ایجاد

مقولات فرعی	کدهای مفهومی
	فرصت‌های جدید کاری، کسب تجارب مثبت و انگیزه‌های درونی و انرژی‌بخش.
توسعه محیط‌های شغلی مثبت‌گرا و نوآور	تأثیرگذاری روی زندگی، کار و فکر و آینده افراد، توسعه مهارت‌ها و توانایی‌های کارکنان، ارتقای سطح امید و انگیزه در بین کارکنان، افزایش بهره‌وری بالا و افزایش شاخص‌های رشد ملی، رفع مشکلات صنعت و عدم خروج ارز از کشور، افزایش بهره‌وری و سودآوری مجموعه، توجه مدیران به چالش‌های تحقق اهداف مثبت، تقویت رفتارهای متعهدانه در بین کارکنان، ایجاد تغییرات مثبت سازمانی، توجه به نیازهای روانی ـ اجتماعی کارکنان، توسعه توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و فضیلت‌های مثبت کارکنان و سازمان، تقویت ارزش‌های مثبت سازمانی.

۵-۶-۱. توسعه رفتارهای انحرافی مثبت در محیط کار

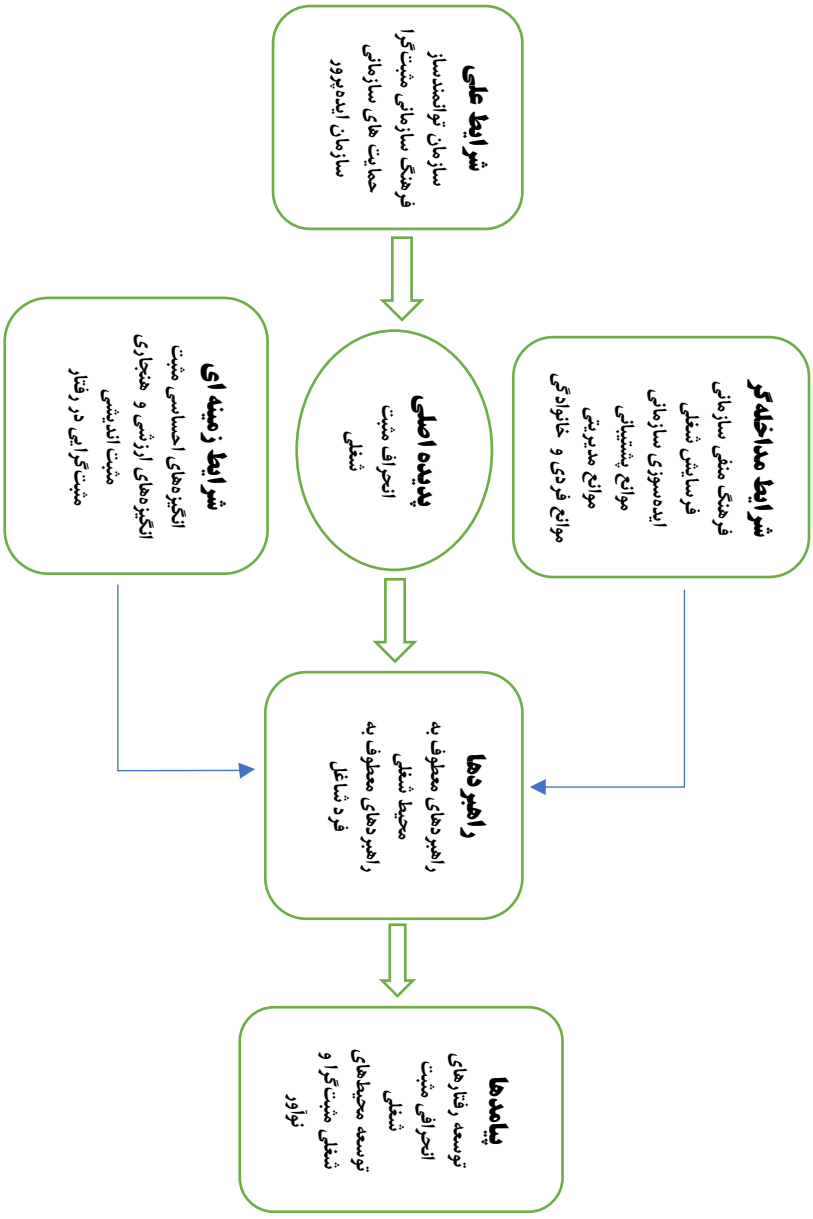
افراد مصاحبه‌شونده معتقد بودند که رفتارهای آنان در محیط‌های کاری موجب کشف فرصت‌های‌جدید فردی و کاری، ارتقاء اعتماد به نفس، احساس مسئولیت اجتماعی، توانایی درک مؤثر دیگران، وجدان کاری، همکاری و مشارکت آنان شده است.

«من همیشه در محیط‌های کاری طوری عمل کردم که هم خودم در کارها مشارکت خوبی داشته باشم و هم همکارانم را به این کار تشویق و ترغیب کنم همین باعث صمیمیت بیشتر و همکاری‌های بیشتر ما در انجام کارهایمان شد و نتیجه‌اش بیشتر شدن کارهای گروهی و نویمان بود» (کد۲).

۵-۶-۲. توسعه محیط‌های شغلی مثبت‌گرا و نوآور

به آن دسته از بازخوردهایی مربوط می‌شود که رفتار فرد منحرف مثبت در محیط‌های شغلی داشته است. افراد نمونه تحقیق در مصاحبه‌ها عنوان می‌نمودند به تناسب موفقیت‌هایشان بازخوردهای متفاوتی میان همکاران و سازمان داشته‌اند. از یک طرف موجب گسترش و روحیه خلاقیت میان کارکنان و همکاران، و از طرفی موجب تقویت رفتارهای انحراف مثبت شغلی، ترویج مثبت‌گرایی در محیط کار، ایجاد تغییرات مثبت سازمانی، افزایش بهره‌وری و کارایی سازمان و بهبود جو سازمانی محیط‌های کاری شده است.

«هر مجموعه‌ای اگر چند نفر داشته باشد که اهل کارهای نو و خلاقانه‌ای باشند انگار که این مسری است و به همه کم‌کم سرایت می‌کند و از همدیگر یاد می‌گیرند» (کد ۵).



شکل (۱): الگوواره مدل استراوس و کوربین در تبیین انحراف مثبت شغلی

نتیجه‌گیری

همیشه در همه جوامع شغلی و اقتصادی سازمان‌ها، نهادها و کارخانه‌ها با مسائل و چالش‌های متعددی درگیر هستند که وجود افرادی با خصوصیات خلاق، تحول‌آفرین، نوآورانه و تأثیرگذار نجات‌بخش محیط‌های شغلی و سازمانی خواهد شد. این افراد نوعی از انحراف شغلی را ایجاد می‌نمایند که انحرافی مثبت است. انحراف مثبت حکایت از وجود افراد یا گروه‌هایی دارد که رفتارها و راهکارهای غیرمعمول، آن‌ها را قادر می‌سازد تا به‌رغم داشتن مشکلات مشابه دیگران، در محیط کار یا فعالیت یا در محیط تحصیل و در محیط‌های خانوادگی، اجتماعی و در زندگی شخصی خود شیوه‌های بهتری را جهت حل مشکلات موجود در پیش بگیرند. این کارکنان در بسیاری از مواقع به‌عنوان نقطه قوت سازمان‌ها، چه‌بسا موجب نجات یک سازمان از شرایط سخت و بحرانی نیز خواهد شد. درحالی‌که در بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با محیط‌های شغلی عمدتاً بر نقاط ضعف کارکنان و آسیب‌های رفتاری آن‌ها متمرکزشده و به جنبه‌های مثبت رفتار کارکنان و شاغلان و توانمندی‌ها و خروجی‌های مثبت محیط‌های کاری و شغلی توجهی نمی‌شود. در این پژوهش با روش نظریه زمینه‌ای با مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته، انحراف مثبت از طریق کارکنان نوآور و تحول‌آفرین، تأثیرگذار و سازنده مورد واکاوی‌های علمی و پژوهشی قرار گرفت.

طبق یافته‌های پژوهش، سازمان توانمندساز، فرهنگ سازمانی مثبت‌گرا، حمایت‌های سازمانی و سازمان ایده‌پرور، مقوله‌های شرایط علی انحراف مثبت شغلی می‌باشند. توانمندسازی سازمانی از طریق تجربیات افراد باسابقه، دیده‌شدن نقاط مثبت کارکنان به جای نقاط منفی و مثبت‌گرایی (مطابق پژوهش: Williamson, 2016)، پرورش ایده‌های خلاق و نو (مطابق پژوهش صیرفی و طاهری کیا، ۱۴۰۱) و تشویق و قدرشناسی به اندازه و به‌موقع (مطابق پژوهش وکیلی و دیگران، ۱۳۹۷)، شرایط انحراف مثبت را ایجاد می‌نماید که به‌عنوان شرایط علی انحراف مثبت شغلی شناسایی شده است.

بر اساس یافته‌های مستخرج از مصاحبه‌ها مقولاتی همچون: انگیزه‌های احساسی مثبت، انگیزه‌های ارزشی و هنجاری، مثبت اندیشی و مثبت‌گرایی در رفتار نشانگر شرایط زمینه‌ای انحراف مثبت شغلی است که با گزاره‌هایی همچون؛ احساس مثبت انگیزاننده کار به همه چیز، نگاه مثبت و خوب داشتن، عملکرد مثبت و کارآمدی در کار (مطابق پژوهش رنگریز و دیگران، ۱۴۰۰) شناسایی شده است.

در این پژوهش مقوله‌هایی نظیر: فرهنگ منفی سازمانی، فرسایش شغلی، ایده سوزی سازمانی، موانع پشتیبانی، موانع مدیریتی و موانع فردی و خانوادگی (مطابق پژوهش Appelbaum; Iaconi & Matousek, 2005)، ذیل مقوله‌های شرایط مداخله‌ای انحراف مثبت شغلی قرار گرفتند.

سوژه‌های این مطالعه بیان داشتند سازمان‌های مانع پیشرفت و محیط‌های شغلی خسته‌کننده و فرسایش‌آور، همواره مانع رشد و بالندگی کارکنان هستند(مطابق یافته‌های پژوهش Appelbaum; Iaconi & Matousek, 2005).

گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها نشان می‌دهند که یادگیری مطالب جدیدتر و تقویت زمینه افزایش انگیزه‌ها و تقویت اخلاق و وجدان کاری همراه با ایجاد محیطی ایده‌پرور و همراه‌سازی دیگران در توانمندسازی و خلاقیت‌پروری و نیز یاری جستن و یاری رساندن در محیط کار، سه مقوله اصلی راهبردهای معطوف به محیط شغلی است. یاری‌گری شغلی و یاری‌جویی در ایده و مقوله‌های فرعی خودتوسعه‌ای شغلی، راهبردهای معطوف به فرد شاغل، تقویت خودانگیزشی شغلی (مطابق پژوهش فریاد و دیگران، ۱۳۹۵)، اخلاق مداری در شغل و ایجاد محیط توانمندساز و ایده‌پرور (مطابق پژوهش شهابی‌نسب و دیگران، ۱۴۰۰) می‌باشند که به‌عنوان راهبردهای پاسخگویان شناسایی شده است.

مصاحبه‌شوندگان این پروژه معتقد بودند وجدان کاری و خلاقانه کار کردن و نواندیشی می‌تواند محیط کاری فعال و نوگرایانه و رو به پیشرفتی را بیافریند و همه این‌ها باعث شود محیط کار، خلاقیت‌محور و توسعه‌یافته شود که می‌توان در دو مقوله توسعه رفتارهای انحراف مثبت در محیط کار، توسعه محیط‌های شغلی مثبت‌گرا و نوآور مطرح نمود که به‌عنوان پیامدهای انحراف مثبت شغلی در نظر گرفته می‌شود.

پیشنهادها

۱- تلاش انجمن‌های حامی کارگران در جهت ایجاد محیطی ایده‌پرور و توانمندسازی و خلاقیت پروری در بین کارگران،

۲- ایجاد مشوق‌های مالی در راستای تقویت رفتارهای انحراف مثبت به‌ویژه در حوزه پژوهشی و خلاقانه،

۳- ایجاد زمینه معرفی افراد دارای انحراف مثبت به‌عنوان الگوهای رفتاری در بین جوانان و الگوسازی رسانه‌ای از آنها و خلق سبک‌های نوین زندگی بر اساس انحراف

مثبت شغلی،

۴- تمهید معرفی کارگران دارای انحراف مثبت شغلی (با رویکرد انجام ابداعات و اختراعات) به‌عنوان نخبه‌های رفتاری و پژوهشی در بنیاد ملی نخبگان و ایجاد الگوی اجتماعی از آنها،

۵- کمک به توسعه و پیاده‌سازی برنامه‌های بهبود مدیریت منابع انسانی خلاق در محیط‌های کاری در جهت تقویت رفتارهای انحراف مثبت شغلی خلاقانه.

فهرست منابع

بیرانوند، علی؛ زارعی، سازناز و گلشنی، مریم (۱۳۹۹). تأثیر جو سازمانی و تسهیم دانش بر رفتار نوآورانه کارکنان در شرکت‌های دانش بنیان. *تعامل انسان و اطلاعات*، ۷(۴)، ۲۹-۱۵.

ذکایی، سعید (۱۳۸۱). نظریه و روش در تحقیقات کیفی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۹(۱۷)، ۴۱-۶۹.

رنگریز، حسن؛ پور اکبر، حسن؛ جعفری‌نیا، سعید و شیری، صالح (۱۴۰۰). طراحی الگوی رفتارهای انحرافی مثبت کارکنان در صنعت بیمه ایران. *نشریه علمی پژوهشنامه بیمه*، ۱۰(۲(پیاپی ۳۶))، ۱۰۱-۱۳۲.

شهابی‌نسب، علی؛ بهرامی، محمد؛ پیرزاد، علی و حجت‌دوست، سجاد (۱۴۰۰). تأثیر مهارت‌های کوانتومی مدیریت در شکل‌گیری رفتار کاری نوآورانه با اتکا به نقش میانجی توانمندسازی روان‌شناختی و مدیریت دانش: مطالعه موردی. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۴(۳۸)، ۸۸-۹۹.

صیرفی، محمدحسین و طاهری کیا، نفیس فریز (۱۴۰۱). ارائه مدل کارآفرینی سازمانی با رویکرد انحراف مثبت در صنایع دیجیتال نوپا. *نشریه مدیریت بهره‌وری*، ۱۶(۴(پیاپی ۶۳))، ۲۷۵-۳۰۳.

طاهری‌نیا، مسعود؛ شریعت‌نژاد، موسوی و خدابخشی، سیده نسیم (۱۴۰۰). تشویق کارکنان به انحراف خلاق از راه تقویت شهامت‌ورزی توسط رهبران اقتدارگرا. *فصلنامه علمی مطالعات منابع انسانی*، ۱۱(۲(پیاپی ۴۰))، ۱۳۹-۱۵۶.

فریاد، لعیا؛ خوراکیان، علیرضا و ناظمی، شمس‌الدین (۱۳۹۵). بررسی اثر توانمندسازی روانشناختی بر رفتار نوآورانه کارکنان با توجه به اشتیاق شغلی

آنان. *فصلنامه مدیریت توسعه و تحول*، ۸(۲۵(پیاپی۲۵))، ۱۷-۲۶.

وکیلی، یوسف؛ جعفری‌نیا، سعید و رفیعی، نسیم (۱۳۹۷). تأثیر انعطاف‌پذیری منـابع انسانی بر رفتار کاری نوآورانه: تبیین نقش میانجی سرمایه روان‌شناسی. *مطالعات رفتار سازمانی*، ۷(۴(پیاپی ۲۸))، ۳۱-۵۲.

Albanna, Basma & Heeks, Richard (2019). Positive deviance, big data, and development: A systematic literature review. THE ELECTRONIC JOURNAL OF INFORMATION SYSTEMS IN DEVELOPING COUNTRIES, 85(1).

Appelbaum, S.H.; Deguire, K.J. & Lay, M. (2005). The relationship of ethical climate to deviant.

Appelbaum, S.H.; Deguire; Iaconi, G. D. & Matousek (2005) 'The relationship of ethical climate to deviant workplace behavior. *Corporate Governance*, 5(4), 43-56.

Clinard, M. B. & Meier, R. F. (2001). *Sociology of deviant behavior* (11 ed.). Fort Worth: Harcourt.

Dodge, David (1985). The Over-Negativized Conceptualization of Deviance: A Programmatic Exploration. *Deviant Behavior*, (6), 17–37.

Ewald, K. & Jiobu, R. M. (1985). Explaining positive deviance: Becker's model and the case of runners and bodybuilders. *Sociology of Sport*, (2), 144-156.

Hirschman, Albert O. (1970). Exit, Voice, and Loyalty: Responses to Decline in Firms, Organizations, and States. Cambridge, MA: Harvard University Press. ISBN 0-674-27660-4 (paper).

Hughes, R. & Coakley, J. (1991). *Positive deviance among athletes: The implications of overconfor mity to the sport eth*.

Janssen; Van de Vliert & West. (2004). Journal of Organization Behavior/ 25(2), 129-145

Kadetz, Paul I. (2014). Unpacking Sino-African Health Diplomacy: Problematizing a Hegemonic Construction.

LeMahieu, Paul G. & et al. (2017). Networked improvement communities: The discipline of improvement science meets the power of networks. 25(1), 5-25.

Maslach, C.; Schaufeli.W.B & Leiter, M.P. (2001). JobBurnout, Annual Review of psychology. (52). 397-422.

Pascale, Richard Tanner & Sternin, Jerry (2005). Your company's secret change agents. Harvard Business Review 83(5), 72-81.

Quinn, R. E. (1996). *Deep change: Discovering the leader within*. San Francisco: Jossey-Bass.

Reeve, J. (2018). Understanding Motivation and Emotion. John Wiley & Sons.

Robinson, S. L. & Bennett, R. J. (1995). *A typology of deviant workplace behaviors: A multidimen sional scaling study*. Academy of Management J.

Seyyed Javadin Seyyed R. .(2007). Negah-e-Danesh. p:456 (In Persian)
Spreitzer, G. M. & Sonenshein, S. (2003). *Positive deviance and extraordinary organizing*. In K. Cameron, J. Dutton, & R. Quinn (Eds.),
Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (2nd ed.)*. Sage Publications, Inc.
Williamson, B. (2016). *Internal factors that enable positive deviance to occur in leaders: A phenomenological description* (Doctoral dissertation, Regent University).
Wolfer, T. A. & Wilson, B. L. (2019). Seeking champions for change: A positive deviance approach for social work. Families in Society, 100(2), 151–163.

References

Adibpoor, Mohammadreza, Daneshvar, Mohammadreza, Deylami Dehghanan, Hamed (1995). The relationship between Person-job fit, Person-organization fit and Innovative Work behavior: by emphasizing on the Mediating role of Innovation Trust, Quarteriy Journal of Public Organizations management 4(3), jul-sep 2016 (105-118). (In Persian)
Albanna, Basma & Heeks, Richard (2019). Positive deviance, big data, and development: A systematic literature review. THE ELECTRONIC JOURNAL OF INFORMATION SYSTEMS IN DEVELOPING COUNTRIES, 85(1).
Amirkafi, M. & HashemiNasab, F. (2013). The effect of organizational justice, perceived organizational support and organizational trust on organizational commitment. Iran's social issues. (1). (In Persian)
Appelbaum, S.H., Deguire, Iaconi, G. D. & Matousek, (2005). The relationship of ethical climate to deviant workplace behavior'', Corporate Governance, 5(4), 43-56
Appelbaum, S.H.; Deguire, K.J. & Lay, M. (2005). The relationship of ethical climate to deviant
Appelbaum, S.H.; Deguire; Iaconi, G. D. & Matousek (2005) 'The relationship of ethical climate to deviant workplace behavior. Corporate Governance, 5(4), 43-56.
Biranvand A.; Zareei S. & Golshani, M. (2021). The effect of Organizational clomate and knowledge sharing on the Innovative behavior of employees in knowledge-based Companies.Human Information Interaction, 7(4). (In Persian).
Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, (3),77-101.
Brianna Bowman, M.A. (2013). Positive Deviance in the Workplace: Expanding the Boundaries of Dissent.

Cameron, Kim (2011). Positive leadership strategies for outstanding performance, Hoveida, Reza, Frohar, Mohammad, Jamshidian, AbdAlRasoul, Payam Alavi publications, Isfahan. (In Persian)

Clinard, M. B. & Meier, R. F. (2001). Sociology of deviant behavior (11 ed.). Fort Worth: Harcourt.

Cohen, A. & Ehrlich, S. (2019). Exchange variables, organizational culture and their relationship with constructive deviance. Management Research Review, 42(12), 1423-1446.

Dehler, G. E. & Welsh, M. A. (1998). Problematizing deviance in contemporary organizations: A critical perspective. In R. F. Griffin, A. O'Leary-Kelly, & J. M. Collins (Eds.) Dysfunctional Behavior in Organizations: Violent and Deviant Behavior, 23(a), 241-269. Stamford, CT: JAI Press.

Dodge, David (1985). The Over-Negativized Conceptualization of Deviance: A Programmatic Exploration. Deviant Behavior, (6), 17–37.

Dziuban, C. D.; Tango, R. A. & L. Hynes, M. (1994). An Assessment of the Effect of Vocational Exploration on Career Decision Making. Journal of Employment counseling, 31(3), 127-136.

Elangovan, A. R. & Shapiro, D. (1998). Betrayal of trust in organizations. Academy of Management Review, 23(3), 547-566.

Elliott Aaronson, Timothy D. Wilson, Rubin M. Eckert (2005). Social Psychology. Translation By Sheikhal-Islamzadeh Afsaneh. Tehran, ma va shoma. (In Persian).

Ewald, K. & Jiobu, R. M. (1985). Explaining positive deviance: Becker's model and the case of runners and bodybuilders. Sociology of Sport, (2), 144-156.

Faryad Laya, Khorakian Alireza, Nazemi Shamseddin (2016). Examining The Effect of Psychological Empowerment On The Innovative Behavior of Employees According To Their Job Enthusiasm. Quarterly Jornal of Development & Evolution Management. (25)8, 17-26. (In Persian)

Gholipour, Arian(2007), Management of organization behavior(Individual behavior), Samt publication Tehran. (In Persian)

Hirschman, Albert O. (1970). Exit, Voice, and Loyalty: Responses to Decline in Firms, Organizations, and States. Cambridge, MA: Harvard University Press. ISBN 0-674-27660-4 (paper).

Hughes, R. & Coakley, J. (1991). Positive deviance among athletes: The implications of overconfor mity to the sport eth.

Jalali, R (2012). Sampling in qualitative research, Journal of qualitative research in health sciences, 1(4), 310-320. (In Persian)

Janssen; Van de Vliert & West. (2004). Journal of Organization Behavior/ 25(2), 129-145

Kadetz, Paul I. (2014). Unpacking Sino-African Health Diplomacy: Problematizing a Hegemonic Construction.

Kargar Shouraki Mohammad ali Haji, Jahromi Meghdad, Nazeri Ali, Rashidi Mohammad Mahdi (2016). Examining Effects of Personality

on Knowledge SHARING And Innovative Work Behavior of Employees (Case Study: The Research Industry). Strategic Studies in the Oil and energy industry. 7 (28), 29-53. (In Persian)

Khakzadian M, Fattahi M, Salehi M (2020). Presenting An Entrepreneurial Marketing Model to Improve Innovative Performance From The Perspective of University Faculty Members: Qualitative Paradigm. Education In Law Enforcement. (25)7, 223-249. (In Persian)

Khakzadian M, Fattahi M, Salehi M. Presenting An Entrepreneurial Marketing Model to Improve Innovative Performance From The Perspective of University Faculty Members: Qualitative Paradigm. Education In Law Enforcement. (25)7, 223-249. (In Persian)

Khalilipour Hatam, Khonfar Hosein. (2017). Examining Structural Effects Procedural Justice And Work Engagement on Knowledge Sharing And Innovative Work Behavior. Organizational Behavior Studies Quarterly. (24)4, 27-52. . (In Persian)

LeMahieu, Paul G. & et al. (2017). Networked improvement communities: The discipline of improvement science meets the power of networks. 25(1), 5-25.

Lewis, J. (2009). Positive deviance: A case study in finding and harnessing the wisdom of organizational communities. Business Information Review, 26(4), 282-287.

Luthans, F. & Avolio, B.J. (2007), Positive Psychological Capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. Personnel Psychology, (60).

Maslach, C.; Schaufeli.W.B & Leiter, M.P. (2001). JobBurnout, Annual Review of psychology. (52). 397-422.

Mehdad Ali, Minaeian Shiv (2021). Mediating Role of Achievement Motivation On Relationship of Conscientiousness With Role Performance.Career & Organization Counseling, (43)12, 73-90. (In Persian)

Molavi Zeinab, Noori Leila (2022). Positive Deviant Behaviors And Among Government Agencies Employees, Case Study: Public Organizations In Qom Province, (39)3, 75-86. (In Persian)

Mousavi Nejad Seyed Hadi, Vahdati Hojjat, Hakkak Mohammad, Nazarpoor Hooshang (2019). Designing a Model for Explaining Creative Deviance in the Oil Company. Public Administration Perspective. (37)10, 15-38. (In Persian)

Naman, Sharma (2021). Using Positive deviance to enhance employee engagement: an interpretive structural modeling approach. Indian institute of foreign trade. Kolkata, India.

Nazary Somaye,Eidipour Kamran, Nazary Sahram.The Effect of Person-Job Fit On Innovative Work Behaviour With The Mediating Role of Person-Organization Fit Among Ministry of Sports And Youth Staff. Applied Research In Sport Management.(2020)(30)2: 101-108. (In Persian)

Norland, S.; Hepburn, J. R. & Monette, D. (1977). The effects of labeling

and consistent differentia tion on the construction of The Normative Approach

Obermeit, Tina & Fink, Susann (2012). The Effects of the Positive Deviance Approach on Cultural Diversity Management. Submission to IACCM 2012, at Naples, Italy.

Paktinat, E. & Fathizade, A. (2008). Empowering employees: needs and solutions. Management Quarterly, (11). (In Persian)

Pascale, Richard Tanner & Sternin, Jerry (2005). Your company's secret change agents. Harvard Business Review 83(5), 72-81.

Quinn, R. E. (1996). Deep change: Discovering the leader within. San Francisco: Jossey-Bass.

Rangriz, Hasan, Hasanpoor Akbar, Jafarnia Saeed, Shiri Saleh (2021). Designing A Model of Employees. Positive Deviand Behaviors In Insurance In Dustry.

Reeve, J. (2018). Understanding motivation and emotion (7th ed.). Hoboken, NJ: Wiley.

Reeve, J. (2018). Understanding Motivation and Emotion. John Wiley & Sons.

Reyhani Farzaneh, Hosseingholizadeh Rezvan, Khorakiyan Alireza (2021). Investingating The Status of Knowledge Sharing and Its Relationship with Innovative work Behavior of Employees (Case Study: Manufacturing Company). (In Persian)

Rezaei Hamid, Zamani Mahsa (2020). The Impact of Work Spirituality And Perceived organizational Support On Innovative Work Behavior: Explaning The Mediating Role of Member-Organization Compatibility. Management And Development Process. (33) 4 :115-139. (In Persian)

Robinson, S. L. & Bennett, R. J. (1995). A typology of deviant workplace behaviors: A multidimen sional scaling study. Academy of Management J.

Sarshar, N. (2021). Development of human resources by designing a self-development behavior pattern. Supervision and Inspection Journal, 15(55), 47-70. (In Persian)

Sepahvand Reza, Fathi Chgnifar Fariborz, Salimi Najme (2020). Managerial Assertiveness And Constructive Deviance: Eplaining The Mwdiating Role of Political Networking In Iranian State Universities. Organizational Behavior Studies Quarterly. (2020)(35)3, 85-104. (In Persian)

Seyyed Javadin Seyyed R. .(2007). Negah-e-Danesh. p:456 (In Persian)

Shahabi Nasab Ali, Bahrami Mohammad, Pirzad Ali, Hojatdoost Sajad (2020). The Effect of Quantum Management Skills On The Formation of Innovative Work Behavior Based On The Mediating Role of Psychological Empowerment And Knowledge Management: A Case Study. Accounting And Management Vision, (38)4, 88-99. (In Persian)

Shoenberger, N.; Heckert, A. & Heckert, D. (2012). Techniques of neutralization theory and positive deviance. Deviant Behavior, 33(10), 774-791.

Sirafi Mohammad Hosein, Taherikia Fariz (2020). Providing an Organizational Entrepreneurship Model With A Positive Deviance Approach In The Fleding Digital Industry. Prroductivity Management. (63)4, 275-303. (In Persian)

Spreitzer, G. M. & Sonenshein, S. (2003). Positive deviance and extraordinary organizing. In K. Cameron, J. Dutton, & R. Quinn (Eds.),

Strauss, A. & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (2nd ed.). Sage Publications, Inc.

Taherinia Masoud, Shariat Nejade Ali, Mousavi Sayedeh Nasim, Khodabakhshi Akbar(2016). Encouraging Creative Deviation by Authoritarian Leaders via Empowering Employees. Quarterly Jornal of Human Resource Studies, 2(40). 139-156. (In Persian)

Vakili Yousef, Jafarinia Saeed, Rafiee Nasim. The Effect of Human Resources Flexibility On Innovatine Work Behavior: Explaining The Mediating Role of Psychological Capital. Organizational Behavior Studies Quarterly. (2019) (28)4, 31-52. (In Persian)

Vigoda, E. (2000). Internal Politics in Public Administration Systems: An Empirical Examination of its Relationship with Job Congruence. Organizational Citizenship Behavior, and In-Role Performance, 29(2).

Vishlaghi, M., Rastgar, A. (2022). The Influence of Idio Syncretic Deals on Creative Deviation: Analysis of The Mediating Role of Psychological Entitlement and Constructive Employee Voice (Case Study Mobin net Communication company). ORMR , 11 (4): 159-181 (In Persian).

Williamson, B. (2016). Internal factors that enable positive deviance to occur in leaders: A phenomenological description (Doctoral dissertation, Regent University).

Wolfer, T. A. & Wilson, B. L. (2019). Seeking champions for change: A positive deviance approach for social work. Families in Society, 100(2), 151–163.

workplace behavior’’, Corporate Governance, Vol. 5 No. 4, pp. 43-56.

Zakai Saeed (2002). Theory and Method in Qualitative Research.(2002). Social Science Quarterly. (17)9, 41-69. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۱۵۷-۱۱۸۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشینان (مورد مطالعه: مناطق مرزی غرب استان کردستان)

صالح شفیعی‌نیا
دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
shafee56@gmail.com 0009-0005-1349-9474
عبدالرضا ادهمی
دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
adhamiab@yahoo.com 0000-0000-0000-0000
طلیعه خادمیان
استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
khademian@iau-tnb.ac.ir 0000-0000-0000-0000

چکیده

هدف از مطالعه حاضر بررسی «ابعاد چهارگانه پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مناطق مرزی غرب استان کردستان» است. پژوهش با اهداف کاربردی و با رویکرد روش کمّی و به‌لحاظ زمانی مقطعی می‌باشد که با استفاده از روش پیمایش و استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش ساکنان روستاهای سقز، بانه، مریوان و سروآباد در مناطق مرزی استان کردستان است که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این مناطق در مجموع ۲۲۲۱۷۴ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شد. نمونه‌گیری بر اساس طبقه‌بندی انجام شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. پردازش، تجزیه‌وتحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (جدول‌های توزیع فراوانی، آزمون‌های همبستگی، رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر) انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد سهم پایبندی مذهبی و ابعاد چهارگانه پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی عبارت‌اند از: پایبندی مذهبی (۰/۴۱۷)، بُعد اعتقادی ۰/۲۹۸، بُعد مناسکی ۰/۴۴۲، بُعد عاطفی ۰/۳۵۴ و بُعد پیامدی ۰/۳۷۴ می‌باشد؛ لذا مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر مشارکت اجتماعی را تبیین و هریک از ابعاد مربوطه فوق در میزان و سطح مشارکت اجتماعی مرزنشینان مناطق مذکور تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: پایبندی مذهبی، اعتقادی، مناسکی، عاطفی، پیامدی و مشارکت اجتماعی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.416190.1499

OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

در هر جامعه‌ای یکسری باورهایی وجود دارد که با بر اساس آن رفتارها و عملکردهای خاصی مطلوب و مورد قبول شناخته می‌شوند. اعتقادات مذهبی نیز به‌عنوان نظامی از باورهای که از سوی خدواند در قالب شریعت مشخص شده می‌باشند و در خیلی از جوامع هنوز نقش دین و باورهای مذهبی معیار رفتارهای به‌هنجار را در جامعه معرفی می‌کند. هرچند امروز با گسترش سیطره عصر نوین و با قرار گرفتن در عرصه جهانی و ورود عناصر نوسازی (مدرنیته) در جامعه، شاهد کم‌رنگ‌شدن باورهای دینی در میان بخشی از اقشار جوامع هستیم.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، دین به‌عنوان یک نماد اجتماعی دارای کارکردهای اساسی مانند انضباط، انسجام و نقش خوشبختی‌آفرینی در نظر گرفته می‌شود که نبود آن بقای جامعه را مخدوش می‌سازد. دین غالباً می‌تواند عامل نیرومندی تعیین‌کننده پدیده‌های اجتماعی باشد، به نهادها شکل بدهد، بر ارزش‌ها تأثیر بگذارد و روابط را زیر نفوذ خود بگیرد (ذاکرمن، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۵). دین با نقش اجتماعی روشنی که دارد زندگی فردی و اجتماعی را سامان می‌بخشد (رضادوست، ۱۳۹۰، ص. ۴). الوود معتقد است که دین ارزشی والا است که بر روحیات و نوع عملکرد افراد در زندگی اثر گذاشته و مهم‌ترین پیامد دین در جامعه، تحکیم روابط اجتماعی افراد جامعه است (الوود، ۱۳۹۳، ص. ۳۰۷). در ایران نیز دین به‌عنوان نهادی با نفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی همواره مطرح بوده است (پوراحمد، ۱۳۹۱، ص. ۷).

پایبندی مذهبی با مؤلفه‌های همچون مشارکت اجتماعی مرتبط است. بحث درباره مشارکت نه‌فقط در ادبیات توسعه اهمیت زیادی دارد بلکه اساساً می‌توان آن‌را فرایندی تلقی کرد که ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و ابعاد آن در طی زمان و برحسب الزامات دوره‌های مختلف تاریخ دگرگون و متکامل شده است (زتومپکا، ۱۳۸۴، ص. ۱۳). مفهوم مشارکت نیز در معنای به‌صورت با همدیگر عمل کردن، برعهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن، بخشی از چیزی را برعهده داشتن و عمل متقابل اجتماعی تعریف شده است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص. ۲۱). مشارکت فرد در امور اجتماعی با تقویت همبستگی اجتماعی رابطه‌ای دوسویه بین فرد و جامعه دارد و از منظر جامعه‌شناسی نیز مشارکت به‌عنوان فرایند تعاملی چندسویه مطرح است که مداخله و نظارت مردم و قابلیت اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۰).

مشارکت‌ها می‌توانند به‌صورت رسمی و غیررسمی باشند. برگزاری مراسم‌های مذهبی در ایام خاص، ساختن مساجد و حسینیه‌ها، کمک‌های متقابل در عروسی‌ها، جشن‌ها و سوگ‌ها و مشارکت‌های مردمی را می‌توان به‌عنوان مصداق‌هایی از مشارکت غیررسمی در جامعه ایران بر شمرد. همان‌طورکه اشاره شد پایبندی مذهبی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی افراد در جامعه از نوع شهری یا روستایی محسوب می‌گردد. پایبندی مذهبی ارتباط تنگاتنگ با مشارکت اجتماعی در جوامع دارد؛ پایبندی مذهبی خود موجب کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کیفیت تصمیم‌گیری در مناطق روستایی و مرزی است و سطح آن را افزایش می‌دهد و در نبود یا ضعف مشارکت مردمی، از پویایی فعالیت‌های فردی و گروهی می‌کاهد و شکوفایی جوامع را با دشواری مواجه می‌سازد. از طرفی با توجه به ضرورت مشارکت اجتماعی افراد در تمامی عرصه‌های مختلف زندگی و درهم‌تنیدگی اعتقادات مذهبی با عملکرد و رفتار افراد در سطح فردی و اجتماعی، آشنایی با اثرگذاری پایبندی مذهبی در میزان و سطوح مشارکت اجتماعی بسیار با اهمیت است.

توجه به پایبندی مذهبی یکی از عوامل مؤثر در ایجاد مشارکت مردمی است. بی‌تردید در مشارکت اجتماعی، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها روند توسعه را کُند کرده یا مانع از تحقق آن می‌گردد. امروزه تأثیر و اهمیت نقش مؤثر مردم و مشارکت آنها در حرکت به سمت توسعه پایدار به‌ویژه در مناطق مرزی به‌دلیل موقعیت خاص بر کسی پوشیده نیست، اگر می‌خواهیم به سمت توسعه‌ای پویا و پایدار حرکت کنیم و توسعه برای مردم امروز و نسل‌های آینده باشد باید خود مردم از دسترسی به فواید توسعه احساس رضایت کنند (حامد مقدم، ۱۳۷۰، ص. ۱۰). شناخت تأثیر مؤلفه‌های پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی روستاییان مناطق مرزی غرب ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی خاص و سوق‌الجیشی بودن این خطه از کشور از این حیث مهم است که این مناطق به عنوان چتر امنیتی و دروازه اقتصادی کشور شناخته می‌شوند؛ بنابراین تحلیل عوامل اصلی مؤثر در مشارکت اجتماعی در این مناطق مهم و ضروری می‌باشد.

در پژوهش حاضر، پایبندی مذهبی (متغیر مستقل) در چهار بُعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی، پیامدی و مشارکت اجتماعی (متغیر وابسته) در بُعد رسمی و غیررسمی در روستاهای مناطق مرزی غرب کشور بررسی می‌شود. پاسخ به اصلی‌ترین پرسش «آیا پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مناطق مرزی غرب استان کردستان مؤثر است؟» اولویت و دغدغه پژوهش حاضر است.

۱. اهداف پژوهش

۱-۱. هدف اصلی

۱- شناخت تأثیر پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشیان استان کردستان.

۱-۲. اهداف فرعی

۱- شناخت تأثیر بُعد اعتقادی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشیان استان کردستان.
۲- شناخت تأثیر بُعد مناسکی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشیان استان کردستان.
۳- شناخت تأثیر بُعد عاطفی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشیان استان کردستان.
۴- شناخت تأثیر بُعد پیامدی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشیان استان کردستان.

۲. سؤال‌های پژوهش

۲-۱. سؤال اصلی

۱- آیا پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مناطق مرزی مؤثر است؟

۲-۲. سؤال‌های فرعی

۱- آیا بُعد اعتقادی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی اثر دارد؟
۲- آیا بُعد مناسکی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است؟
۳- آیا بُعد عاطفی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است؟
۴- آیا بُعد پیامدی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

۱- به نظر می‌رسد پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است.
۲- به نظر می‌رسد بُعد اعتقادی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است.
۳- به نظر می‌رسد بُعد مناسکی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است.
۴- به نظر می‌رسد بُعد عاطفی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است.
۵- به نظر می‌رسد بُعد پیامدی پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مؤثر است.

۴. پیشینه پژوهش

حبیب احمدی (۱۳۹۶) در پژوهش بررسی نقش پایبندی به دین در پیشگیری از رفتارهای پُرخطر در میان جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرستان‌های استهبان و فسا؛ بر اساس یافته‌های این پژوهش بین متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، تأهل، سطح تحصیلات، میزان ارتباط با افراد متمایل به رفتارهای پُرخطر، گرایش دوستان به رفتارهای پُرخطر، میزان گرایش به باورهای دینی و میزان انجام اعمال و فرایض دینی با متغیر وابسته که گرایش به رفتارهای پُرخطر است، رابطه معنادار وجود دارد.

پژوهش محمدرضا مولائی (۱۳۹۲) با عنوان «تعیین نقش رفتارهای نوع دوستانه و گرایشات مذهبی در پیش بینی مشارکت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اردبیل»، نشان می‌دهد که افزایش سطح رفتارهای نوع‌دوستانه و تقویت گرایشات مذهبی، می‌تواند مشارکت اجتماعی و سیاسی را افزایش دهد.

فتحی و میرزاپوری (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «عوامل تأثیر گذار بر مشارکت اجتماعی»، بیان می‌کنند که وضعیت شغلی، تحصیلات، درآمد و پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی ازجمله عوامل تأثیرگذار بر این موضوع محسوب شده‌اند. درحقیقت، میزان مشارکت اجتماعی براساس وضعیت شغلی افراد، میزان تحصیلات، میزان درآمد و پایگاه اقتصادی اجتماعی ایشان متفاوت است.

انصاری و تاج‌الدین (۱۳۹۳)؛ در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان شهر اصفهان»، به بررسی رابطه معناداری بین متغیرهای اعتماد نهادی، رضایت اجتماعی، امنیت اجتماعی و مدت زمان سکونت با متغیر مشارکت اجتماعی پرداختند.

خادمیان و پوررضا کریم‌سرا (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی»، اشاره می‌کنند اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز همکاری و مشارکت اعضای جامعه است. نتایج نشان داد که شهروندان در فعالیت‌هایی که جنبه مردمی دارد مانند امور مساجد و هیئت‌های مذهبی نسبت به اموری که بیشتر جنبه دولتی دارد فعالیت و همکاری بیشتری دارند.

سیدنجم‌الدین موسوی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش دین‌داری در اعتماد و مشارکت اجتماعی»، نشان دادند که در سطح اطمینان ۹۵ درصد دین‌داری تأثیر مثبت و معناداری بر اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان دارد و اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اجتماعی

دانشجویان می‌گذارد. ازاین‌رو، می‌توان بیان کرد افـرادی کـه نسـبت بـه انجـام‌دادن اعمال دینی خود مصمم ترند، از اعتماد بیشتری در روابط اجتماعی خـود نسـبت بـه سایر افراد برخوردارند. همچنین، افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند، خود را موظف خواهند دانست که در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند؛ زیـرا از نگاه دینی، فرد در مقابل خدایش، خـودش و جامعـه‌اش موظـف اسـت نسـبت بـه سرنوشت خود حساس باشد و در صحنه اجتماع مشارکت فعال داشته باشد.

در پژوهش‌های انجام شـده عمـدتاً بـه بیـان کلـی از عوامـل مـؤثر بـر مشـارکت اجتماعی اشاره و موضوع دین و مذهب بر مشارکت اجتماعی به‌صورت مشخص مورد بررسی قرار نگرفته است. در ایـن پـژوهش سـعی شـد ضـمن پـرداختن بـه ارتبـاط پایبندی مذهبی و مشارکت اجتماعی مرزنشیان، ابعاد پایبندی مذهبی نیـز احصـاء و مورد بررسی علمی در چهارچوب گویه‌های تعریف شده قرار گیرد.

۵. ملاحظات نظری

۵-۱. تعریف مفاهیم

۵-۱-۱. تعریف دین

در تعریف دین تاکنون اتفاق‌نظری بـین صـاحب‌نظـران نیسـت؛ چراکـه برداشـت از دیـن به‌صورت‌های بسیار متنوعی می‌باشد و طبقه‌بندی‌هایی که از این تعاریف شده، هـیچ‌کـدام تعریفی قانع‌کننده از دین نیست؛ چون هریک، یـا جنبـه‌ای از دیـن را در نظـر داشـته یـا اینکه به‌کلی از مفهوم آن به دور افتاده‌اند؛ یکی از این طبقه‌بندی‌ها، تعریفی اسـت کـه بـر حسب وجوه مشترک ادیان به عمل آورده‌اند و عناصر مشترک دین‌های موجود را بررسـی کرده و تعریـف فراگیـری از دیـن ارائـه داده‌انـد. از سـویی سـختی ترجمـه واژه دیـن در زبان‌های گوناگون نیز بر مشکل تعریف دین افزوده است (Sashot, 1991, pp. 355-394).

۵-۱-۲. پایبندی مذهبی

عبارت است از مجموعه شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و ثابـت نسـبت به دین که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشـته باشـد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی جذاب جهان (خداوند)، خـود جامعـه و تـاریخ بـه ظهور برسد. در تعریفی ساده‌تر می‌توان گفت دین‌داری عبارت خواهد بود از پـذیرش تمام یا بخشی از عقاید اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیـن‌دار خـود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (یگانه، ۱۳۹۳).

۵-۱-۳. مشارکت

واژه مهمی است که به مفهوم عام آن، قدمتی به اندازه تاریخ انسان دارد چراکه بقاء نوع انسان در گرو همیاری و همکاری آنها با یکدیگر در مقابله با حوادث طبیعی و حیوانات از یک‌سوی و در دوستی، خانواده، همسر و فرزندان و گروه‌های همنوع خویش ازسوی‌دیگر بوده است (ازکیا، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۳). به‌تدریج با گسترش معنای مشارکت در راه یافتن آن به تمام عرصه‌های زندگی، امروزه سخن از شرایطی که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند (علوی‌تبار، ۱۳۸۲، ص. ۲). مشارکت را می‌توان نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او دانست که در جهت نیل به هدف‌های معین و از پیش تعیین شده است. مشارکت‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ذکر شده که هریک دارای ویژگی‌های می‌باشند (حبیبی، ۱۳۸۵، ص. ۷۰).

۵-۱-۴. مشارکت اجتماعی

مفهومی گسترده است که متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی است. مشارکت اجتماعی در بردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است و حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را دربرمی‌گیرد (غفاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۴۷). مشارکت اجتماعی در دو سطح قابل بررسی است:

الف) مشارکت غیررسمی: افراد قادرند به شیوه‌ای غیررسمی با دوستی‌ها و انواع پیوندهای شبکه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند؛ به‌بیان‌دیگر، هر فردی شبکه اجتماعی دارد که این شبکه ممکن است شامل تنوع رابطه نظیر دوستی یا پیوندهای عاطفی، نزدیکی در فضا مانند همسایگی یا مجاورت مکانی در اداره روابط خویشاوندی و مانند آن باشد.

ب) مشارکت رسمی: در این نوع از پیوند که مشارکت به شیوه رسمی است، فرد با عضو شدن در انجمن‌ها وگروه‌های داوطلبانه با دیگران در ارتباط باشد که برخی به آن مشارکت انجمنی نیز می‌گویند. لازم به ذکر است که پیوندهای رسمی و شبکه‌های غیررسمی بر حسب پیوند یا مشارکت بین افراد تعریف می‌شوند ولی ادامه حیات پیوندهای رسمی فراتر از شبکه اجتماعی درونی است. مشارکت رسمی یا انجمنی به تعداد تعامل‌هایی نسبت داده می‌شود که پیامد برخورد با سازمان‌ها در جامعه است (Glynn, 2011, p. 334).

۵-۲. چهارچوب نظری

امروزه در تعریف مشارکت اجتماعی و پایبندی مذهبی همانند دیگر مفاهیم، در جامعه‌شناسی میان نظریه‌پردازان این رشته اتفاق نظری وجود ندارد. در مقاله نظریه‌های توضیح داده می‌شود که از تحقیق پشتیبانی می‌کنند؛ لذا در ادامه به نظریات چند اندیشمند به‌صورت ترکیبی به‌عنوان چهارچوب نظری اشاره می‌شود.

امیل دورکیم: معتقد است یکی از عناصر عمده تشکیل‌دهنده انسجام اجتماعی، همبستگی و پیوستگی عمل متقابل اعضای گروه با همدیگر است، از نظر او در جوامع امروزی که پیچیده هستند از طریق وابستگی متقابل افراد و نقش‌هایشان به‌دست می‌آید و حفظ می‌شود (کوزر، ۱۳۷۳، ص. ۱۹۰). دورکیم بر روی عملکردهای مذهبی تأکید دارد که اعتقاد به هستی‌های روحانی را مستلزم باور به موجودات فراطبیعی می‌دانند؛ مقصود از رویکرد جامعه‌شناختی، بیان تعاریفی است که دین را برحسب علل اجتماعی یا آثار آن بر روی مسائل جامعه و انسان و کارکردهای اجتماعی بررسی می‌کند؛ دین، نظام یکپارچه‌ای از باورها و عملکردها و اصول مشترک از تکالیف مرتبط به چیزهای مقدس و جدا از دیگر امور می‌باشد. این باورداشت‌ها، عملکردها و اصول مشترک امور مقدس همه کسانی را که به آن‌ها عمل می‌کنند و در یک اجتماع اخلاقی واحد همبسته می‌کند. به نظر دورکیم، دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست. دین نظام فکری است که افراد جامعه را به‌وسیله آن به خداشان جلب، و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه‌شان را با جامعه از این طریق بیان می‌کنند. دین، زاییده مناسک و از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکار می‌شود و مفهومی جهانی در جامعه بشری است (دورکیم، ۱۳۹۱، ص. ۴۷).

فوکویاما[1]: در تعریف مشارکت اجتماعی به نمودهای آن اشاره دارد و مشارکت اجتماعی را شکل و نمونه ملموس از هنجاری غیررسمی می‌داند که موجب ترویج همکاری بین دو یا چند نفر می‌شود. هنجارهای تشکیل‌دهنده مشارکت اجتماعی می‌تواند از هنجار روابط متقابل دو دوست تا آموزه‌های پیچیده را دربرگیرد (غفاری، ۱۳۸۰، ص. ۷۰).

جیمز فریزر[2]: از نگاه فریزر مشارکت با توسل به انگیزه‌های اقتصادی و مادی، عامل کنش تعریف می‌شود؛ هرچند معتقد است فرهنگ نیز می‌تواند در آن سهمی داشته

1. Fukuyama
2. James George Frazar

باشد. بر اساس این دیدگاه، اگر رضایت متقابل حاصل نشود، هیچ نوع مشارکتی ایجاد نخواهد شد و هر فرد برای دستیابی به سود باید بهایی بپردازد (علفیان، ۱۳۷۹، ص. ۹۰).

زتلر[1]: زتلر معتقد است علاقمندی به آموزه‌های دینی و گرایش‌های مذهبی در بین افراد بر سطح مشارکت آنها اثرگذار است. درواقع گرایش مذهبی در جوامعی که از فرهنگ دینی و مذهبی برخوردارند بر سطح مشارکت افراد مؤثر و بر کیفیت و عمق نفوذ، باور، نگرش و تلقی و نوع رفتار فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار است و می‌تواند در روند شکل‌گیری و جهت‌گیری تعاملات و رفتارهای اجتماعی نقشی تعیین‌کننده ایفا نماید (Zettler, Hilbig & Haubrich 2011). با الهام از رویکردهای مرتبط و پیشینه پژوهش‌های انجام شده، برای تیین و تفسیر مسئله اصلی: تأثیر پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مرزنشینان، چهارچوب نظری را بر اساس نظریه زتلر قرار می‌دهیم.

<table>
<tr><th colspan="2">مدل مفهومی پژوهش</th></tr>
<tr><td colspan="2">ابعاد چهارگانه پایبندی مذهبی</td></tr>
<tr><td colspan="2">اعتقادی ـ مناسکی ـ عاطفی ـ پیامدی</td></tr>
<tr><td colspan="2">  </td></tr>
<tr><td colspan="2">سطوح مشارکت اجتماعی</td></tr>
<tr><td>سطح غیررسمی</td><td>سطح رسمی</td></tr>
<tr><td>- شرکت در مراسم هاو جشن‌های محلی و ملی
- شرکت در مراسم‌های مذهبی و دینی
- شرکت در کارهای عام‌المنفعه و خیر
- کمک به فقرا و آسیب‌دیدگان</td><td>- مشارکت سیاسی
- مشارکت اجتماعی
- مشارکت محلی
- مشارکت در تشکل‌های اجتماعی یا تعاونی‌ها
- تصمیم‌گیری در امور عمومی روستا</td></tr>
</table>

۴. روش پژوهش

پژوهش از نوع روش کمّی، از نظر میزان ژرفایی پهنانگرانه، به‌لحاظ هدف کاربردی و به‌لحاظ زمانی مقطعی است. به‌لحاظ اجرا از نوع پیمایشی و استفاده از پرسشنامه، پس از شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها (یعنی تدوین مدل مفهومی نهایی)، در مرحله کمّی،

1. Zettler

به اعتباریابی (تبیین) مدل پرداخته شد. جامعه مورد مطالعه کلیه ساکنان روستاهای سقز (۵۸۰۹۲ نفر)، بانه (۴۳۳۶۵ نفر)، مریوان (۸۴۰۷۴ نفر) و سروآباد (۳۶۶۴۳ نفر) در استان کردستان که طی سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت روستایی در مجموع ۲۲۲۱۷۴ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شد. نمونه‌گیری بر اساس طبقه‌بندی انجام و تعداد نمونه‌ها بر اساس سهم جمعیتی در هر روستا توزیع و پرسشنامه‌ها به شکل تصادفی بین آن‌ها توزیع شد. روش نمونه‌گیری در مرحله اول نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و پردازش و تجزیه‌وتحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (مشتمل بر جدول‌های توزیع فراوانی، آزمون‌های همبستگی، رگرسیون چندمتغیری و تحلیل مسیر) صورت پذیرفت.

برای برآورد پایایی گویه‌های متغیرهای پنهان مدل اندازه‌گیری انعکاسی پژوهش حاضر از روش آلفای کرونباخ و پایایی مرکب استفاده شده است. پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از جامعه آماری مشخص مورد سنجش قرار گرفت. برای آزمون روایی ابزار پژوهش، از روش صوری استفاده شد؛ به این‌منظور پرسشنامه تدوین و در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرها، اصلاحات لازم انجام شد. نتایج حاصل از آلفای کرونباخ حاکی از آن است که ضرایب به‌دست‌آمده برای متغیرهای پنهان در مدل اندازه‌گیری بالاتر از ۶/۰ بوده و در حد قابل‌قبولی می‌باشد.

جدول (۱): نتایج آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

ابعاد	مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
پایبندی مذهبی	اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی	۱۵	۰/۹۵۰
مشارکت اجتماعی	رسمی و غیررسمی	۱۲	۰/۸۹۹

۴-۱. تعریف عملیاتی ابعاد متغیر مستقل پایبندی مذهبی

مجموعاً ۱۵ گویه مربوط به بُعد پایبندی مذهبی بوده و نحوه نمره‌گذاری این متغیر بدین‌شکل است که هرچه فرد نمره بیشتری در این متغیر کسب کند از پایبندی مذهبی قوی‌تر برخوردار است. پس از جمع نمرات پاسخگو در پاسخ به این گویه‌ها، پایبندی مذهبی فرد در یکی از سه طیف قوی؛ متوسط و ضعیف دسته‌بندی می‌شود.

جدول (۲): تعریف عملیاتی ابعاد پایبندی مذهبی

بعد		شماره گویه	میزان باور و پایبندی شما به هرکدام از امور زیر چقدر است؟					
پایبندی مذهبی	اعتقادی	۱	اعتقاد به خدای یگانه	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۲	اعتقاد به حقیقت محض بودن کلام قرآن	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۳	اعتقاد کامل به معاد و قیامت	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۴	اعتقاد به فرستاده شدن پیامبران برای هدایت افراد	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
	مناسکی	۵	عبادت کردن	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۶	نماز خواندن	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۷	شرکت در مراسم دینی	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۸	روزه گرفتن	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
	عاطفی	۹	ترس نداشتن از مرگ به‌دلیل ایمان به خدا	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۱۰	گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۱۱	حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۱۲	مورد اعتماد خدا واقع شدن و مورد عنایت خداوند بودن	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
	پیامدی	۱۳	کمک به مستمندان	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۱۴	پذیرش حجاب	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد
		۱۵	احترام به پدر و مادر	اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد

۴-۲. تعریف عملیاتی ابعاد متغیر وابسته مشارکت اجتماعی

برای عملیاتی کردن متغیر مشارکت اجتماعی دوازده گویه در طیف لیکرت طراحی شد. نحوه نمره‌گذاری این متغیر بدین شکل است که هرچه فرد نمره بیشتری در این متغیر کسب کند عملکرد بهتری در زمینه مشارکت اجتماعی دارد. پس از جمع نمرات پاسخگویان در پاسخ به این گویه‌ها، نمره مشارکت اجتماعی آن‌ها در سه وضعیت مطلوب؛ نیمه‌کارآمد و نامطوب دسته‌بندی می‌شود. برای اندازه‌گیری این متغیر دو سطح در نظر گرفته شده است.

جدول (۳): تعریف عملیاتی ابعاد متغیر مشارکت اجتماعی

بُعد		شماره گویه	میزان مشارکت خود در هریک از امور زیر چقدر است؟					
مشارکت اجتماعی	سطح غیر رسمی	۱۶	کمک به فقرا و آسیب‌دیدگان	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۱۷	شرکت در مراسمات مذهبی	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۱۸	شرکت در کارهای خیر و عام‌المنفعه	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۱۹	شرکت در مراسمات محلی (عروسی، عزا و ...)	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۲۰	شرکت در مراسم و جشن‌های ملی	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۲۱	مشارکت و گفتگو پیرامون مسائل و مشکلات روستا	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
	سطح رسمی	۲۲	مشارکت در انتخابات شورای روستا	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۲۳	مشارکت و اقدام در حفاظت از اراضی و مراتع روستا	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۲۴	همکاری با مسئول	خیلی	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً

بُعد		شماره گویه	میزان مشارکت خود در هریک از امور زیر چقدر است؟					
			خانه بهداشت روستا	زیاد				
		۲۵	مشارکت مالی در خدمات و هزینه‌های مربوط به روستا	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۲۶	مشارکت در طرح‌های عمرانی روستا	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً
		۲۷	مشارکت و همکاری با تعاونی‌های فعال روستا	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی‌کم	اصلاً

جهت سنجش متغیر مستقل پایبندی مذهبی در این پژوهش چهار بُعد (متغیر پنهان مرتبه اول) با تعداد ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل حاکی از آن است که ۱۵ گویه سازه پایبندی مذهبی قابل تقلیل به چهار عامل اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی می‌باشد. و همچنین برای سنجش متغیر وابسته مشارکت اجتماعی در این پژوهش نیز دو بُعد (متغیر پنهان مرتبه اول) با تعداد ۱۲ گویه در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل حاکی از آن است ۱۲ گویه سازه مشارکت اجتماعی قابل تقلیل به دو عامل فوق می‌باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های توصیفی پژوهش

از بین ۳۸۴ نفر شرکت‌کنندگان در پژوهش، ۲۱/۶ (۸۳ نفر) از پاسخگویان ساکن روستاهای توابع شهرستان سقز، ۱۶/۱ درصد (۶۲ نفر) از پاسخگویان ساکن روستاهای شهرستان بانه، ۴۰/۹ درصد (۱۵۷ نفر) از پاسخگویان ساکن روستاهای شهرستان مریوان و ۲۱/۴ درصد (۸۲ نفر) از پاسخگویان ساکن روستاهای شهرستان سروآباد بوده‌اند. از نظر سنی، از بین مجموع ۳۸۴ نفر شرکت‌کنندگان در پژوهش، ۲۳/۲ درصد (۸۹ نفر) در دامنه سنی ۲۵ سال و کمتر، ۲۸/۱ درصد (۱۰۸ نفر) در دامنه سنی ۲۶ تا ۳۳ سال، ۳۳/۳ درصد (۱۲۸ نفر) در دامنه سنی ۳۴ تا ۴۱ سال، ۸/۹ درصد (۳۴ نفر) در دامنه سنی ۴۲ تا ۴۹ سال و ۶/۵ درصد (۲۵ نفر) در دامنه

سنی ۵۰ سال و بیشتر قرار داشتند. از نظر وضعیت تأهل، از بین مجموع ۳۸۴ نفر پاسخگویان شرکت‌کننده در این مطالعه، ۶۵/۱ درصد (۱۵۰ نفر) متأهل، ۳۲/۸ درصد (۱۲۶ نفر) مجرد و ۲/۱ درصد (۸ نفر) جدا از همسر خود زندگی می کنند. به‌لحاظ وضعیت شغلی، از بین مجموع ۳۸۴ نفر پاسخگویان شرکت‌کننده در این مطالعه، ۲۹/۴ درصد (۱۱۳ نفر) شاغل در بخش دولتی، ۲۴/۵ درصد (۹۴ نفر) شاغل در بخش آزاد، ۲۶/۳ درصد (۱۰۱ نفر) دارای وضعیت شغلی بیکار، ۱۷/۷ درصد (۶۸ نفر) خانه‌دار و ۲/۱ درصد (۸ نفر) بازنشسته و مستمری‌بگیر بوده‌اند.

۵-۱-۱. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای وابسته و مستقل

جدول (٤): توزیع پاسخگویان بر حسب پاسخگویی به گویه‌های مقیاس پایبندی مذهبی

شماره گویه	سؤال‌ها		خیلی‌کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱	اعتقاد به خدای یگانه	فراوانی	۴	۱۰	۱۱	۶۲	۲۹۷	۴/۶۶
		درصد	۱	۲/۶	۲/۹	۱۶/۱	۷۷/۳	
۲	اعتقاد به حقیقت محض بودن کلام قرآن	فراوانی	۱۲	۱۵	۲۷	۶۱	۲۶۹	۴/۴۶
		درصد	۳/۱	۳/۹	۷	۱۵/۹	۷۰/۱	
۳	اعتقاد کامل به معاد و قیامت	فراوانی	۱۹	۱۶	۱۸	۵۲	۲۷۹	۴/۴۵
		درصد	۴/۹	۴/۲	۴/۷	۱۳/۵	۷۲/۷	
۴	اعتقاد به فرستاده شدن پیامبران برای هدایت افراد	فراوانی	۲۵	۸	۲۸	۴۷	۲۷۶	۴/۴۲
		درصد	۶/۵	۲/۱	۷/۳	۱۲/۲	۷۱/۹	
۵	عبادت کردن	فراوانی	۲۱	۲۶	۷۸	۸۱	۱۷۸	۳/۹۶
		درصد	۵/۵	۶/۸	۲۰/۳	۲۱/۱	۴۶/۴	
۶	نماز خواندن	فراوانی	۳۷	۱۷	۷۲	۷۴	۱۸۴	۳/۹۱
		درصد	۹/۶	۴/۴	۱۸/۸	۱۹/۳	۴۷/۹	
۷	شرکت در مراسم دینی	فراوانی	۵۲	۵۸	۶۸	۸۷	۱۱۹	۳/۴۲
		درصد	۱۳/۵	۱۵/۱	۱۷/۷	۲۲/۷	۳۱	
۸	روزه گرفتن	فراوانی	۳۰	۱۶	۵۵	۸۸	۱۹۵	۴/۰۵
		درصد	۷/۸	۴/۲	۱۴/۳	۲۲/۹	۵۰/۸	
۹	ترس نداشتن از مرگ به‌دلیل ایمان به خدا	فراوانی	۲۴	۲۶	۵۸	۱۲۲	۱۵۴	۳/۹۳
		درصد	۶/۳	۶/۸	۱۵/۱	۳۱/۸	۴۰/۱	
۱۰	گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق	فراوانی	۱۹	۲۱	۳۹	۵۴	۲۵۱	۴/۲۹

شماره گویه	سؤال‌ها		خیلی‌کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
	به او	درصد	۴/۹	۵/۵	۱۰/۲	۱۴/۱	۶۵/۴	
۱۱	حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا	فراوانی	۷	۲۵	۴۵	۵۲	۲۵۵	۴/۳۶
		درصد	۱/۸	۶/۵	۱۱/۷	۱۳/۵	۶۶/۴	
۱۲	مورد اعتماد خدا واقع شدن	فراوانی	۱۵	۵	۶۳	۷۳	۲۲۸	۴/۲۹
		درصد	۳/۹	۱/۳	۱۶/۴	۱۹	۵۹/۴	
۱۳	کمک به مستمندان	فراوانی	-	۲۹	۹۸	۱۱۱	۱۴۶	۳/۹۷
		درصد	-	۷/۶	۲۵/۵	۲۸/۹	۳۸	
۱۴	پذیرش حجاب	فراوانی	۳۹	۴۱	۹۲	۷۶	۱۳۶	۳/۶۰
		درصد	۱۰/۲	۱۰/۷	۲۴	۱۹/۸	۳۵/۴	
۱۵	احترام به پدر و مادر	فراوانی	-	-	۲۹	۷۵	۲۸۰	۴/۶۵
		درصد	-	-	6/7	۱۹/۵	۷۲/۹	

با توجه به یافته‌های جدول فوق:

در پاسخ به گویه شماره ۱ با محتوای (اعتقاد به خدای یگانه) ۱ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۲/۶ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲/۹ درصد گزینه تا حدودی، ۱۶/۱۱ درصد گزینه زیاد و ۷۷/۳ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۴۶ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲ با محتوای (اعتقاد به حقیقت محض بودن کلام قرآن) ۳/۱ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۳/۹ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۷ درصد گزینه تا حدودی، ۱۵/۹ درصد گزینه زیاد و ۷۰/۱ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۴۶ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۳ با محتوای (اعتقاد کامل به معاد و قیامت) ۴/۹ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۴/۲ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۴/۷ درصد گزینه تا حدودی، ۱۳/۵ درصد گزینه زیاد و ۷۲/۷ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۴۵ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۴ با محتوای (اعتقاد به فرستاده شدن پیامبران برای هدایت افراد) ۶/۵ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۲/۱ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۷/۳ درصد گزینه تا حدودی، ۱۲/۲ درصد گزینه زیاد و ۷۱/۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۴۲

بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۵ با محتوای (عبادت کردن) ۵/۵ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۶/۸ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۰/۳ درصد گزینه تا حدودی، ۲۱/۱ درصد گزینه زیاد و ۴۶/۴ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۹۶ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۶ با محتوای (نماز خواندن) ۹/۶ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۴/۴ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۱۸/۸ درصد گزینه تا حدودی، ۱۹/۳ درصد گزینه زیاد و ۴۷/۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۹۱ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۷ با محتوای (شرکت در مراسم دینی) ۱۳/۵ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۵/۱ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۱۷/۷ درصد گزینه تا حدودی، ۲۲/۷ درصد گزینه زیاد و ۳۱ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۴۲ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۸ با محتوای (روزه گرفتن) ۷/۸ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۴/۲ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۱۴/۳ درصد گزینه تا حدودی، ۲۲/۹ درصد گزینه زیاد و ۵۰/۸ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۰۵ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۹ با محتوای (ترس نداشتن از مرگ به‌دلیل ایمان به خدا) ۶/۳ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۶/۸ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۱۵/۱ درصد گزینه تا حدودی، ۳۱/۸ درصد گزینه زیاد و ۴۰/۱ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۹۳ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۰ با محتوای (گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او) ۴/۹ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۵/۵ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۱۰/۲ درصد گزینه تا حدودی، ۱۴/۱ درصد گزینه زیاد و ۶۵/۴ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۲۹ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۱ با محتوای (حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا) ۱/۸ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۶/۵ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۱۱/۷ درصد گزینه تا حدودی، ۱۳/۵ درصد گزینه زیاد و ۶۶/۴ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۳۶ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۲ با محتوای (مورد اعتماد خدا واقع شدن و مورد عنایت

خداوند بودن) ۳/۹ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱/۳ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۱۶/۴ درصد گزینه تا حدودی، ۱۹ درصد گزینه زیاد و ۵۹/۴ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۲۹ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۳ با محتوای (کمک به مستمندان) ۷/۶ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۵/۵ درصد گزینه تا حدودی، ۲۸/۹ درصد گزینه زیاد و ۳۸ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۹۷ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۴ با محتوای (پذیرش حجاب) ۱۰/۲ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۰/۷ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۴ درصد گزینه تا حدودی، ۱۹/۸ درصد گزینه زیاد و ۳۵/۴ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۶۰ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۵ با محتوای (احترام به پدر و مادر) ۶/۷ درصد گزینه تا حدودی، ۱۹/۵ درصد گزینه زیاد و ۷۲/۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۴/۶۵ بوده است.

جدول (۵): توزیع پاسخگویان از حیث میزان پایبندی مذهبی

پایبندی مذهبی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی	میانگین	انحراف استاندارد
قوی	۲۸۹	۷۵/۳	۷۵/۳	۶۲/۴۱	۱۲/۸۶
متوسط	۷۰	۱۸/۲	۹۳/۵		
ضعیف	۲۵	۶/۵	۱۰۰		
کل	۳۸۴	۱۰۰			

همان‌طورکه در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ارزیابی پاسخگویان از حیث میزان پایبندی مذهبی نشان می‌دهد که ۷۵/۳ درصد از پاسخگویان از این حیث در وضعیت قوی، ۱۸/۲ درصد از پاسخگویان در وضعیت متوسط و ۶/۵ درصد از پاسخگویان در موقعیت ضعیف قرار دارند. میانگین و انحراف معیار ارزیابی پاسخگویان از نظر میزان پایبندی مذهبی ۱۲/۸۶ ± ۶۲/۴۱ بوده است.

جدول (٦): توزیع پاسخگویان بر حسب نحوه پاسخگویی به گویه‌های مقیاس غیررسمی مشارکت اجتماعی

شماره گویه	سؤال‌ها: میزان مشارکت خود در هریک از امور زیر چقدر است؟		اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱۶	کمک به فقرا و آسیب‌دیدگان	فراوانی	۱۱	۳۷	۱۱۲	۱۵۱	۷۳	۳/۶۲
		درصد	۲/۹	۹/۶	۲۹/۲	۳۹/۳	۱۹	
۱۷	شرکت در مراسمات مذهبی	فراوانی	۵۲	۷۰	۱۰۱	۱۱۲	۴۹	۳/۰۹
		درصد	۱۳/۵	۱۸/۲	۲۶/۳	۲۹/۲	۱۲/۸	
۱۸	شرکت در کارهای خیر و عام‌المنفعه	فراوانی	۱۵	۳۶	۱۳۵	۱۲۵	۷۳	۳/۵۳
		درصد	۳/۹	۹/۴	۳۵/۲	۳۲/۶	۱۹	
۱۹	شرکت در مراسمات محلی (عروسی، عزا و ...)	فراوانی	۱۳	۴۸	۹۹	۱۳۹	۸۵	۳/۶۱
		درصد	۳/۴	۱۲/۵	۲۵/۸	۳۶/۲	۲۲/۱	
۲۰	شرکت در مراسم و جشن‌های ملی	فراوانی	۳۶	۶۹	۹۲	۱۱۰	۷۷	۳/۳۲
		درصد	۹/۴	۱۸	۲۴	۲۸/۶	۲۰/۱	
۲۱	مشارکت و گفتگو پیرامون مسائل و مشکلات روستا	فراوانی	۴۶	۶۶	۱۲۷	۷۷	۶۸	۳/۱۴
		درصد	۱۲	۱۷/۲	۳۳/۱	۲۰/۱	۱۷/۷	

با توجه به یافته‌های جدول فوق:

در پاسخ به گویه شماره ۱۶ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر - کمک به فقرا و آسیب‌دیدگان ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۲/۹ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۹/۶ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۹/۲ درصد گزینه تا حدودی، ۳۹/۳ درصد گزینه زیاد و ۱۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۶۲ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۷ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر - شرکت در مراسم‌های مذهبی ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۱۳/۵ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۸/۲ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۶/۳ درصد گزینه تا حدودی، ۲۹/۲ درصد گزینه زیاد و ۱۲/۸ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب

کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۰۹ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۸ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ شرکت در کارهای خیر و عام المنفعه- به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۳/۹ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۹/۴ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۳۵/۲ درصد گزینه تا حدودی، ۳۲/۶ درصد گزینه زیاد و ۱۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۵۳ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۱۹ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ شرکت در مراسم‌های محلی (عروسی، عزا و...) ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۳/۴ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۲/۵ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۵/۸ درصد گزینه تا حدودی، ۳۶/۲ درصد گزینه زیاد و ۲۲/۱ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۶۱ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲۰ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ شرکت در مراسم و جشن‌های ملی ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۹/۴ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۸ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۴ درصد گزینه تا حدودی، ۲۸/۶ درصد گزینه زیاد و ۲۰/۱ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۳۲ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲۱ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ مشارکت و گفت‌وگو پیرامون مسائل و مشکلات روستا ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۱۲ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۷/۲ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۳۳/۱ درصد گزینه تا حدودی، ۲۰/۱ درصد گزینه زیاد و ۱۷/۷ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۱۴ بوده است.

جدول .Error! No text of specified style in document(**۷**)**: توزیع پاسخگویان بر حسب نحوه پاسخگویی به گویه‌های مقیاس رسمی مشارکت اجتماعی**

شماره گویه	سؤال‌ها: میزان مشارکت خود در هریک از امور زیر چقدر است؟		اصلاً	خیلی‌کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۲۲	مشارکت در انتخابات شورای روستا	فراوانی	۸۶	۶۸	۸۷	۷۸	۶۵	۲/۹۲
		درصد	۲۲/۴	۱۷/۷	۲۲/۷	۲۰/۳	۱۶/۹	
۲۳	مشارکت و اقدام در حفاظت از اراضی و مراتع روستا	فراوانی	۵۶	۷۵	۱۰۸	۸۶	۵۹	۳/۰۴
		درصد	۱۴/۶	۱۹/۵	۲۸/۱	۳۳/۴	۱۵/۴	
۲۴	همکاری با مسئول خانه بهداشت روستا	فراوانی	۷۸	۷۶	۱۰۷	۸۱	۴۲	۲/۸۳
		درصد	۲۰/۳	۱۹/۸	۲۷/۹	۲۱/۱	۱۰/۹	
۲۵	مشارکت مالی در خدمات و هزینه‌های مربوط به روستا	فراوانی	۶۶	۸۴	۱۱۸	۷۸	۳۸	۲/۸۴
		درصد	۱۷/۲	۲۱/۹	۳۰/۷	۲۰/۳	۹/۹	
۲۶	مشارکت در طرح‌های عمرانی روستا	فراوانی	۷۶	۸۴	۹۷	۹۹	۲۸	۲/۷۹
		درصد	۱۹/۸	۲۱/۹	۲۵/۳	۲۵/۸	۷/۳	
۲۷	مشارکت و همکاری با تعاونی‌های فعال روستا	فراوانی	۸۴	۵۵	۱۲۵	۷۶	۴۴	۲/۸۵
		درصد	۲۱/۹	۱۴/۳	۳۲/۶	۱۹/۸	۱۱/۵	

با توجه به یافته‌های جدول فوق:

در پاسخ به گویه شماره ۲۲ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ مشارکت در انتخابات شورای روستا ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۲۲/۴ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۷/۷ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۲/۷ درصد گزینه تا حدودی، ۲۰/۳ درصد گزینه زیاد و ۱۶/۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۲/۹۲ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲۳ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ مشارکت و اقدام در حفاظت از اراضی و مراتع روستا ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۱۴/۶ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۹/۵ درصد پاسخگویان

گزینه کم، ۲۸/۱ درصد گزینه تا حدودی، ۳۳/۴ درصد گزینه زیاد و ۱۵/۴ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۳/۰۴ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲۴ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ همکاری با مسئول خانه بهداشت روستا ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۲۰/۳ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۹/۸ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۷/۹ درصد گزینه تا حدودی، ۲۱/۱ درصد گزینه زیاد و ۱۰/۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۲/۸۳ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲۵ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ مشارکت مالی در خدمات و هزینه‌های مربوط به روستا ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۱۷/۲ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۲۱/۹ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۳۰/۷ درصد گزینه تا حدودی، ۲۰/۳ درصد گزینه زیاد و ۹/۹ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۲/۸۴ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲۶ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ مشارکت در طرح‌های عمرانی روستا ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۱۹/۸ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۲۱/۹ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۲۵/۳ درصد گزینه تا حدودی، ۲۵/۸ درصد گزینه زیاد و ۷/۳ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۲/۷۹ بوده است.

در پاسخ به گویه شماره ۲۷ با محتوای (میزان مشارکت شما در هرکدام از امور زیر ـ مشارکت و همکاری با تعاونی‌های فعال روستا ـ به کدام گزینه مقابل آن نزدیک‌تر است؟) ۲۱/۹ درصد پاسخگویان گزینه خیلی‌کم، ۱۴/۳ درصد پاسخگویان گزینه کم، ۳۲/۶ درصد گزینه تا حدودی، ۱۹/۸ درصد گزینه زیاد و ۱۱/۵ درصد گزینه خیلی‌زیاد را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره پاسخگویان در پاسخ به این گویه ۲/۸۵ بوده است.

جدول (۸): توزیع پاسخگویان از حیث مشارکت اجتماعی

	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تراکمی	میانگین	انحراف استاندارد
مطلوب	۷۹	۲۰/۶	۲۰/۶	۳۷/۵۸	۹/۸۲
نیمه کارآمد	۱۸۱	۴۷/۱	۶۷/۷		
نامطلوب	۱۲۴	۲۳/۳	۱۰۰		
کل	۳۸۴	۱۰۰			

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ۲۰/۶ درصد پاسخگویان از حیث مشارکت اجتماعی در وضعیت مطلوب، ۴۷/۱ درصد پاسخگویان در موقعیت نیمه‌کارآمد و ۲۳/۳ درصد پاسخگویان در موقعیت نامطلوب قرار دارند. میانگین و انحراف معیار مشارکت اجتماعی پاسخگویان ۹/۸۲ ± ۳۷/۵۸ بوده است.

۵-۲. یافته‌های استنباطی پژوهش

در این بخش یافته‌های استنباطی پژوهش شامل نتایج و گزارش آزمون فرضیات تحقیق و ارزیابی برازش مدل پژوهش ارائه شده و در این بخش، روابط متغیرهای تحقیق به‌صورت دو به دو و بر طبق فرضیات پژوهش بررسی شده‌اند. بدین‌منظور از آزمون ضرایب همبستگی استفاده شده است. متغیرهای پژوهش در اینجا، با یکدیگر در ارتباط گذاشته شده و شدت و جهت روابط و نیز معناداری روابط موجود بین آن‌ها بررسی شده است. جدول ۹ ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۹): ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	معناداری
پایبندی مذهبی	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۰/۴۱۷**	۰/۰۰۰
** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).				

نتایج جدول Error! No text of specified style in document. نشان می‌دهد بین پایبندی مذهبی و مشارکت اجتماعی روستاییان رابطه وجود دارد. مقدار این رابطه ۰/۴۱۷ و جهت آن مثبت است و از لحاظ آماری معنادار است ($p\leq$۰/۰۵)؛ لذا این فرضیه تأیید می‌شود و در نتیجه داده‌های آماری این تحقیق موید تأثیر مثبت پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی روستاییان ساکن غرب استان کردستان است.

همچنین بررسی رابطه بین ابعاد پایبندی مذهبی با مشارکت اجتماعی روستاییان نشان می‌دهد بین هر چهار بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی با مشارکت اجتماعی روستاییان رابطه معناداری به‌ترتیب با مقادیر مثبت ۰/۲۹۸، ۰/۴۴۲، ۰/۳۵۴ و ۰/۳۷۴ وجود دارد (p≤۰/۰۵).

جدول .Error! No text of specified style in document(۱۰): **ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش**

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	معناداری
پایبندی مذهبی	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۰/۴۱۷**	۰/۰۰۰
بُعد اعتقادی	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۰/۲۹۸**	۰/۰۰۰
بُعد مناسکی	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۰/۴۴۲**	۰/۰۰۰
بُعد عاطفی	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۰/۳۵۴**	۰/۰۰۰
بُعد پیامدی	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۰/۳۷۴**	۰/۰۰۰
** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).				

جدول (۱۱): بررسی رابطه بین متغیر مستقل پایبندی مذهبی و ابعاد مشارکت اجتماعی (ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	معناداری
پایبندی مذهبی	مشارکت اجتماعی غیررسمی	۳۸۴	۰/۴۰۰**	۰/۰۰۰
	مشارکت اجتماعی رسمی	۳۸۴	۰/۳۶۳**	۰/۰۰۰
** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).				

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد بین پایبندی مذهبی و ابعاد مشارکت اجتماعی روستاییان رابطه معناداری وجود دارد. مقادیر این رابطه به‌ترتیب برای بُعد غیررسمی و بُعد رسمی مشارکت اجتماعی ۰/۴۰۰ و ۰/۳۶۳ است (p≤۰/۰۵). در نتیجه داده‌های آماری این پژوهش مؤید تأثیر مثبت پایبندی مذهبی بر ابعاد غیررسمی و رسمی مشارکت اجتماعی روستاییان ساکن غرب استان کردستان است.

نتیجه‌گیری

همان‌طورکه قبلاً اشاره شد پایبندی مذهبی به‌عنوان یک پدیده‌ای اجتماعی است که ضعیف شدن روند پایبندی مذهبی در ابعاد مختلف آن، از یک‌سوی هزینه‌های تعامل‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد و ازسوی‌دیگر موجب اختلال در مشارکت

اجتماعی می‌شود. پایبندی مذهبی یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی افراد در هر جامعه‌ای اعم از شهر و روستا است؛ اما این موضوع در جوامع مناطق مرزی، ارتباط تنگاتنگ‌تری با مشارکت اجتماعی دارد؛ زیرا موجب کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کیفیت تصمیم‌گیری می‌شود و سطح و کیفیت آن را افزایش می‌دهد. هنگامی که از مشارکت بحث می‌کنیم اشاره به‌صورت‌های رسمی و غیررسمی آن است. تقریباً تمامی مناطق مرزی از تجربه مشارکت‌های غیررسمی که سابقه دیرینه‌ای دارد، برخوردارند. مردم این مناطق، سابقه برگزاری مراسم مذهبی در ماه‌ها و ایام خاص، ساختن مساجد و حسینیه‌ها، کمک‌های متقابل در مراسمات عروسی، جشن‌ها و سوگ‌ها دارند. بررسی تأثیر مؤلفه‌های پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی مناطق مرزی غرب ایران به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خاص و سوق‌الجیشی بودن این مناطق به‌عنوان سپر امنیتی در برابر خطرهای احتمالی از سوی کشورهای دیگر را باید شناخت و در نظر گرفت. تجارب تاریخی این مناطق نشان داده که به‌طور ناخواسته به‌عنوان اولین نقاط شناخته شده در معرض بسیاری از حوادث و اتفاقات غیرطبیعی هستند؛ بنابراین تحلیل سطوح مشارکت در این مناطق، قابل تأمل و البته مهم و ضروری می‌باشد.

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش، بین ابعاد چهارگانه پایبندی مذهبی در مشارکت اجتماعی روستاییان رابطه وجود دارد. مقدار این رابطه ۰/۴۱۷ و جهت آن مثبت است و از لحاظ آماری معنادار است ($p\leq ۰/۰۵$)؛ نتیجه داده‌های آماری این پژوهش، مؤید تأثیر مثبت پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی روستاییان ساکن مناطق مرزی استان کردستان است. رابطه بین ابعاد پایبندی مذهبی با مشارکت اجتماعی روستاییان نشان می‌دهد بین هر چهار بُعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری به‌ترتیب با مقادیر مثبت ۰/۲۹۸، ۰/۴۴۲، ۰/۳۵۴ و ۰/۳۷۴ وجود دارد ($p\leq ۰/۰۵$). مقادیر این رابطه به‌ترتیب برای بُعد غیررسمی و بُعد رسمی مشارکت اجتماعی ۰/۴۰۰ و ۰/۳۶۳ است ($p\leq ۰/۰۵$). در نتیجه داده‌های آماری این پژوهش مؤید تأثیر مثبت پایبندی مذهبی بر ابعاد غیررسمی و رسمی مشارکت اجتماعی است. ارزیابی پاسخگویان از حیث میزان پایبندی مذهبی نشان داد ۷۵/۳ درصد از پاسخگویان از این حیث در وضعیت قوی، ۱۸/۲ درصد از پاسخگویان در وضعیت متوسط و ۶/۵ درصد از پاسخگویان در موقعیت ضعیف قرار دارند. میانگین و انحراف معیار ارزیابی پاسخگویان از نظر میزان پایبندی مذهبی ۱۲/۸۶ ± ۶۲/۴۱ بوده است. مطابق با نظر زتلر، علاقه‌مندی به

آموزه‌های دینی و گرایش‌های مذهبی افراد بر سطح مشارکت آنها اثرگذار است. درواقع گرایش مذهبی در جوامعی که از فرهنگ دینی و مذهبی برخوردارند بر سطح مشارکت افراد جامعه تأثیر مثبت دارد. گرایش‌های مذهبی و اعتقادی افراد می‌تواند بر کیفیت و عمق نفوذ، باور، نگرش و تلقی و نوع رفتار فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار بوده و در روند شکل‌گیری و جهت‌گیری تعاملات و رفتارهای اجتماعی نقشی تعیین‌کننده ایفا نماید.

از نظر مردم مناطق مرزی شهرستانهای سقز، بانه، مریوان و سروآباد، پایبندی مذهبی مردم مهم است و بر اساس یافته‌ها رتبه بالایی را به خود اختصاص داده است. آنان معتقدند عامل اعتقاد و باور به مذهب موجب می‌شود تا افراد متعهدتر و مسئولیت‌پذیرتر باشند. چراکه این امر سبب می‌شود تا افراد خود را ملزم به حضور در عرصه اجتماع از طریق مشارکت اجتماعی بدانند. اگر به مناطق غربی و مرزی کشور نگاهی جامعه‌شناسانه داشته باشیم، درمی‌یابیم که مردمان این مناطق مرزی به علت موقعیت خاص و مشکلات مرزی، حضور اشرار و گروهک‌ها در منطقه، کوهستانی و صعب‌العبور بودن برخی از این مناطق، مشکلات معیشتی و اشتغال، افزایش مهاجرت به شهرهای اطراف و یا دیگر شهرهای بزرگ که خود مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی زیادی را به همراه داشته است. درواقع بروز مشکلات و مسائلی که نام برده شد خود به‌عنوان مجموع مسائلی هستند که به عوامل متعددی وابسته است و فائق آمدن بر همه آنها مستلزم مشارکت اجتماعی ساکنان همین مناطق است و از مسئولان به‌تنهایی کاری ساخته نیست. تقویت این بخش از مناطق مرزی کشور می‌تواند نقش مؤثری در مشارکت مردم داشته باشد و آنها را در حرکت به سمت توسعه پایدار یاری رساند.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات محمدرضا مولائی (۱۳۹۲) «تعیین نقش رفتارهای نوع‌دوستانه و گرایشات مذهبی در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اردبیل»؛ فتحی و میرزاپوری (۱۳۹۵) «عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی»؛ انصاری و تاج‌الدین (۱۳۹۳) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان شهر اصفهان»؛ خادمیان و پوررضا کریم‌سرا (۱۳۹۰) «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی»؛ سیدنجم‌الدین موسوی (۱۳۹۷) «بررسی نقش دین‌داری در اعتماد و مشارکت اجتماعی» همسو است.

پیشنهادها و راهکارها

۱- با توجه به اینکه در این پژوهش، پایبندی مذهبی به‌عنوان یکی از عوامل مهم در میزان مشارکت افراد شناسایی شده است. درک شرایط کنونی جامعه و شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی در عصر کنونی می‌تواند به‌عنوان عامل مهم و اساسی در زمینه شکل‌گیری مشارکت‌های واقعی مردم در این مناطق در نظر گرفته شود.

۲- با توجه به تأثیر مثبت مؤلفه‌های پایبندی مذهبی بر مشارکت اجتماعی که موجب افزایش روند توسعه اجتماعی در این مناطق از کشور می‌شود، نیاز جدی است تا شرایط و بسترهای مناسب برای سوق دادن افراد به درگیرشدن در رویدادهای اجتماعی ایجاد شود. به نظر می‌رسد که یکی از شیوه‌های مؤثر، گسترش سازمان‌ها و نهادها و انجمن‌های داوطلبانه و غیردولتی است

۳- به نظر از مهم‌ترین مسئولیت‌های نهادهای دینی و نیز شورایاری‌ها، رفع موانع قانونی، ساختاری و اعتقادی بر سر راه مشارکت حداکثری افراد با هدف ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در آنان می‌باشد.

۴- پیشنهاد می‌شود ترویج آموزه‌های دینی مانند صداقت، اعتماد، امانتداری، شور، هم‌فکری، مساعدت به دیگران، مشارکت و... که از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی هستند، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

۵- پیشنهاد می‌شود از ظرفیت‌های موجود برنامه‌های رسانه‌های ملی و محلی در جهت تقویت باورهای مذهبی ترغیب‌کننده اقشار برای مشارکت در تمامی ابعاد به ویژه مشارکت اجتماعی استفاده گردد.

فهرست منابع

احمدی، حبیب و شاحسنی، عبدالله (۱۳۹۶). بررسی نقش پایبندی به دین در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در میان جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرستان‌های استهبان و فسا. *علوم اجتماعی شوشتر*، سال یازدهم، (۱)، ۱-۳۴.

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکل‌های تولیدی. *جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۴)، ۴۹-۷۲.

امیل دورکیم (۱۳۹۱). *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل.

انصاری، ابراهیم و تاج‌الدین، حمید (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهر اصفهان). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال چهارم، (۱۲).

پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۱). بررسی رابطه دین‌داری و احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال اول، (۱).

چارلز الوود (۱۳۹۳). *دین و کنترل اجتماعی*. ترجمه امیرحسین لطیفی، تهران: نشر فاطمی.

حامد مقدم، احمد (۱۳۷۰). *مشارکت و توسعه روستایی*. مجموعه مقالات همایش جامعه‌شناسی توسعه، تهران: سمت.

حبیبی. سیدمحسن و سعیدی رضوانی. هادی (۱۳۸۵). *شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران*. هنرهای زیبا.

خادمیان، طلیعه و پوررضا کریم‌سرا، ناصر (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال نهم، (۳۳).

دورکیم، امیل (۱۳۹۱). *صورت‌های ابتدایی حیات مذهبی*. تهران: امیرکبیر.

ذاکرمن، فیل (۱۳۸۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*. ترجمه قشایار دیهیمی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رضادوست، کریم؛ حسین‌زاده، علی حسین و شعبانی، ناهید (۱۳۹۴). تأثیر دین‌داری بر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). *فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی*، ۱(۳)، ۱۰۳-۱۳۲.

زتومپکا، پیوتر (۱۳۸۴). *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*. ترجمه غلامرضا غفاری،

تهران، نشر شیراز.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.

ساشوت (۱۹۹۱). دین/خرافه، تاریخ یک واژگونی و یک بازگشت. *مجله بررسی‌های تاریخ دین*، ۲۵۳(۴)، ۳۵۵-۳۹۴.

علفیان. مسعود (۱۳۷۹). *مشارکت در دیدگاه‌های نو در مدیریت شهری*. همایش همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، تهران.

علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۸۲). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهداری‌های کشور.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان. *نامه علوم اجتماعی*، (۱۷).

فتحی، سروش و میرزاپوری ولوکلا، جابر (۱۳۹۵). بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی بر مشارکت اجتماعی (مورد پژوهش: جوانان شهر بابل). *جامعه‌شناسی مطالعات جوان*، ۷(۲۲)، ۸۷-۱۰۰.

کوزر، لوئیس (۱۳۹۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

موسوی، سیدنجم‌الدین (۱۳۹۷). بررسی نقش دین‌داری در اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه لرستان. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۵(۴)، ۶۴۳-۶۴۹.

مولائی، محمدرضا (۱۳۹۴). نقش رفتارهای نوع‌دوستانه و گرایشات مذهبی در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان دبیرستان‌های اردبیل. *فصلنامه روانشناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۴(۲)، ۱۱۷-۱۰۴.

نوروزی، فیض‌اله و بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *مجله راهبرد*، ۱۸(۵۳).

یگانه، محمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه دینداری و خودشکوفایی. *مطالعات توسعه اجتماعی ـ فرهنگی*، (۳). ۲۹-۵۲.

Elwood, A. (1993). The Social Function of Religion. *American Journal of Sociology, 19(3).*

Glynn. M. A. (2011). Innovative Genius, a framework for relating individual and organizational intelligence to innovation. *Academy of management*, (21),1081-1082.

Zettler, I.; Hilbig, B. E. & Haubrich, J. (2011). Altruism at the ballots: Predicting political attitudes and behavior. *Journal of Research in Personality*, 45(1), 130-133.

References

Ahmadi, Habib & Shahsani, Abdullah (2016). Shushtar Social Sciences, Year 11, Spring, (1), (36 in a row). (In Persian)

Ahmadi, Habib (2014), theories of social deviations, Shiraz, Zar Ahmadi Publications. (In Persian)

Alavi Tabar, Alireza (1382). Examining the pattern of citizens' participation in the administration of city affairs, Tehran: Organization of Municipalities and Districts of the country. (In Persian)

Ansari, Ebrahim and Tajuddin, (2013) Urban Sociological Studies, Fourth Year, (12). (In Persian)

Azkia, Mustafa (1387). Social capital and its role in production organizations. *Sociology of Iran*, 5(4), 49-72 .(In Persian)

Charles Ellwood (2013). Translated by Amir Hossein Latifi, Religion and Social Control, Tehran, Fatemi Publishing House. (In Persian)

Durkheim, Emile (1391). The Elementary Forms of Religious Life, Amir Kabir Publications. (In Persian)

Emile Durkheim (1391). On the division of social work, translated by Bagher Parham, Babol: Babol Bookstore. (In Persian)

Fathi, Soroush & Mirzapuri Volukla, Jaber (2015). Investigating the impact of socio-economic base on social participation (research case: youth of Babol city). Sociology of youth studies. (In Persian)

Ghafari, Gholamreza (2008). Investigating the relationship between trust and social participation in the rural areas of Kashan. Journal of Social Sciences, (17). (In Persian)

Habibi. Seyed Mohsen & Saidi Rizvani, Hadi (1385). Participatory urban development, a theoretical exploration in the conditions of Iran, Fine Arts. (In Persian)

Hamed Moghadam, Ahmed (1370). Participation and rural development, Proceedings of the Development Sociology Conference, Tehran, Samt, Volume II. (In Persian)

Herbs Massoud (2009). Participation in new perspectives in urban management, conference on sustainable development management in urban areas, Tehran. (In Persian)

Khadamiyan, Talia & Pourreza Karim-Sera, Nasser (2010). Investigating the impact of social trust dimensions on social participation, Iranian Social Science Studies, 9th year, 33rd issue. (In Persian)

Kozer, Louis (2013). The lives and thoughts of great sociologists. translated by Mohsen Talasi, Tehran: Scientific Publications, fifth edition. (In Persian)

Moulai, Mohammad Reza (2014). School and Education Psychology Quarterly, 4(2). (In Persian)

Mousavi, Seyyed Najmuddin (2017) Investigating the role of religiosity in the trust and social participation of Lorestan University students, social capital management, 5(4), winter 2017, 643-649. (In Persian)

Nowrozi, Faiz Elah & Bakhtiari, Mahnaz (2008). Social participation and

social factors affecting it, Strategy Magazine, 18(53). (In Persian)
Pour Ahmad, Ahmad & et al. (2012) Investigating the relationship between religiosity and sense of security in urban and rural areas, Strategic Researches on Security and Social Order, Year 1, Issue 1. (In Persian)
Rezadoust, Karim, Hosseinzadeh (2014). The effect of religiosity on lifestyle (study: students of Shahid Chamran University of Ahvaz). Lifestyle Sociology Quarterly, (2), 103-132. (In Persian)
Sarukhani, Baqir (2010). Encyclopedia of Social Sciences. Tehran: Kayhan Publications. (In Persian)
Sashot (1991) Religion/superstition, the history of a reversal and a return. Journal of Religious History Studies, 253(4), 355-394.
Sashot (1991). Religion/superstition, the history of a reversal and a return. Journal of Religious History Studies, 253(4), 355-394. (In Persian)
Yeganeh, Mohammad (2014) Investigation of the relationship between religiosity and self-actualization, studies of social-cultural development, third period. (In Persian)
Zakerman, Phil (2004). An introduction to the sociology of religion, translated by Qashyar Dehimi, published by the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
Zetumpka, Piotr (2004). Trust: Sociological Theory. translated by Gholamreza Ghafari, Tehran, Shiraz Publishing House. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۱۸۷-۱۲۱۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

مقاله پژوهشی

تحلیل مضمون الگوی راهبردی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا جمشیدیها
استاد تمام دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
gjamshidi@ut.ac.ir 0000-0003-4639-5346
سید محمدجواد قربی
کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه متفکران مسلمان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
ghorbi68@yahoo.com 0009-0007-2235-997x

چکیده

هویت زبانی به‌مثابه یکی از شاهکله‌های همبستگی و اتحاد ملی، نیازمند گزینش سیاست‌گذاری مناسب برای پاسداشت از هویت زبان محلی و قومی در کنار زبان رسمی می‌باشد. (موضوع) ازآنجایی‌که اصل پانزدهم قانون اساسی به مسائل زبانی اشاره می‌کند، این مقاله برای شناسایی و بررسی الگوی هویت زبانی در ایران تلاش می‌کند تا به بررسی سیاست هویتی در این اصل قانونی بپردازد. (هدف) تلاش بر این است به سؤال زیر پاسخ داده شود: بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی ایران، در خصوص زبان رسمی و هویت‌های زبانی چه سیاستی اتخاذ شده است؟ برای پاسخگویی به سؤال‌های مقاله از مطالعات اسنادی ـ کتابخانه‌ایی و روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. (روش) تجزیه‌وتحلیل اصل پانزدهم نشان می‌دهد الگوی مطلوب هویت زبانی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی، «وحدت‌گرایی در عین پذیرش تکثر زبانی» می‌باشد و دولت موظف است مانعی در راستای سیاستِ آموزش زبان‌های محلی و قومی ایجاد نکند. بر اساس الگوی سیاست زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی نباید زبان‌های محلی و قومی به حاشیه رانده شوند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل مضمون، قانون اساسی، زبان فارسی، اقلیت زبانی، اتحاد ملی، هویت زبانی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی
doi 10.22034/scs.2024.420475.1509

OPEN ACCESS
مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

جوامع مختلفی با پدیده چندزبانی و تکثر گویش‌ها در یک واحد جغرافیایی مواجه هستند و اقلیت‌ها و گروه‌های قومی مختلف در این محیط‌های جغرافیایی زیست می‌کنند که از زبان و گویش مربوط به خود برخوردارند. برخی از نظام‌های سیاسی برای ایجاد همبستگی اجتماعی در سده‌های گذشته، بر وحدت زبانی تأکید کردند و کثرت‌گرایی زبانی در یک سرزمین را به‌مثابه تهدید در نظر می‌گرفتند. در طرف مقابل، برخی از واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل، پذیرای چندفرهنگی بودن جامعه بودند و به‌همین‌دلیل، از کثرت زبانی حمایت کردند. به‌عبارتی، برخی نظام‌های سیاسی با اینکه از آن‌ها با عنوان جوامع چندفرهنگی یاد می‌شود، از گویش‌ها و زبان‌های موجود حمایت کرده و در سیاست‌گذاری زبانی، حقوقی را برای زبان‌ها و گویش اقلیت، قومیت و فرهنگ‌های مختلف قائل هستند که دولت موظف به تأمین حقوق زبانی این گروه‌ها می‌باشد. جامعه ایرانی دارای فرهنگ‌های متنوعی است که در هر گوشه از ایران با زبان و گویش‌های مختلف روبه‌رو هستیم. در برخی از سیاست‌های فرهنگی عصر پهلوی نسبت به این سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بی‌توجهی شد و حتی الگوی سیاست زبانی وحدت‌گرایانه با تمرکز بر زبان فارسی به‌عنوان زبان معیار و رسمی انتخاب گردید که این مسئله، نادیده گرفتن حقوق زبانی اقلیت‌ها و قومیت‌های ایرانی بود. توضیحات فوق‌الذکر به اهمیت سیاست زبانی در جامعه ایران اشاره دارد و ازآنجایی‌که یکی از بسترهای شناسایی حقوق زبانی[1]، قوانین ملی و اسناد فرادستی در هر کشوری می‌باشد، با تحلیل قوانین ملی می‌توان به شناخت الگوی سیاست‌گذاری زبانی دست یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی، به مسئله زبان در قانون اساسی توجه شد. برای شناسایی الگوی هویت زبانی در جمهوری اسلامی ایران، مقاله حاضر تلاش دارد هویت زبانی در جامعه ایرانی را بر اساس ظرفیت‌های قانون اساسی بررسی نماید. مفروض اصلی به این قرار می‌باشد که قانون اساسی به اصل زبان رسمی و غیررسمی توجه دارد و علاوه‌بر تأکید بر زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی، اقلیت‌های زبانی را به‌رسمیت شناخته است.

1. Linguistic rights

۱. هدف پژوهش

هدف اصلی مقاله حاضر، تبیین سیاست و هویت زبانی در فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی با تأکید بر اصل پانزدهم است.

۲. سؤال‌های پژوهش

برای دستیابی به هدف پژوهش، لازم است به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

۱- فارسی در اصل پانزدهم قانون اساسی اشاره به چه مواردی دارد؟

۲- زبان فارسی چه نقشی در وحدت ملی بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی دارد؟

۳- مسئله اقلیت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چگونه بازتاب یافته است؟

۴- الگوی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چه می‌باشد؟

۳. پیشینه پژوهش

کعبی در گزارشی با عناوین «تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران: تحلیل مبانی اصل پانزدهم قانون اساسی»، به بررسی مبانی، اصول و مؤلفه‌های اصل پانزدهم قانون اساسی پرداخته است (کعبی، ۱۳۹۴). این گزارش تلاش دارد ریشه‌های تاریخی و اعتقادی این اصل را با تأکید بر مشروح مذاکرت مجلس قانون اساسی بررسی نماید. فتحی در پژوهش «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان: بررسی اصل پانزدهم»، به بررسی نظریات شورای نگهبان نسبت به مسئله زبان در فصل دوم قانون اساسی می‌پردازد (فتحی، ۱۳۹۳). این گزارش، دیدگاه اعضای شورای نگهبان نسبت به زوایای مختلف مسئله زبان در جمهوری اسلامی ایران را نمایان می‌نماید. آیینه‌نگینی در پژوهش «شرح مبسوط قانون اساسی؛ شرح اصل پانزدهم قانون اساسی»، تلاش داشت به بررسی مبانی فقهی و دینی اصل پانزدهم به همراه تاریخچه طرح این مسئله در جلسات خبرگان قانون اساسی بپردازد (آیینه‌نگینی، ۱۳۹۴). هوشنگی در مقاله «برداشت‌های سیاستی و اجرایی از اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تأکید می‌ورزد نکته تحلیلی اصل پانزدهم قانون اساسی، اصالت خط و زبان فارسی است که هم تفسیر اصل و هم برداشت‌های آن باید با رعایت این نکته صورت پذیرد (هوشنگی، ۱۳۹۹). به غیر از این آثار، مقالات علمی دیگری منتشر نشده است. مقاله حاضر تلاش دارد با بررسی مسئله هویت زبانی، الگوی سیاست زبانی و هویت ناشی از آن را در اصل ۱۵ قانون اساسی استخراج نماید. نوآوری اثر حاضر، تحلیل مضمون اصل پانزدهم قانون اساسی و استخراج الگوی مفهومی سیاست زبانی در این اصل بوده است.

۴. چهارچوب مفهومی

۴-۱. هویت زبانی

زبان[1] به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال فرهنگ و میراث گذشته، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و سامان‌دهی افکار و اعتقادات افراد جامعه دارد که این عامل یکی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل هویت محسوب می‌شود (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴، ص. ۸۹). کمتر کشوری است که از تنوع زبانی برخوردار نباشد. چندین سند بین‌المللی نظیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی[2]، مقاوله‌نامه حقوق کودک[3] و اعلامیه جهانی حقوق زبانی[4] در جهت ترویج و حمایت از تنوع فرهنگی و به‌ویژه حقوق زبانی به تصویب رسیده‌اند. توجه به زبان در نظام حقوقی کشورهایی که از تنوع زبانی برخوردارند ضروری به نظر می‌رسد. در نظام حقوقی ایران نیز حقوق زبانی به صورت محدود در اصل ۱۵ قانون اساسی به‌رسمیت شناخته شده است؛ اما سازوکارهای اجرایی این حقوق در قوانین و مقررات پیش‌بینی نشده است (محمودی، ۱۳۹۵، ص. ۱). نباید نادیده گرفت که تحلیل نظریه‌ها و مصداق‌ها مؤید نقش مهم زبان در ایجاد هویت قومی و ملی است و احترام گذاشتن به زبان قومیت‌ها به‌منزله ابزار مهم ارتباط دولت با ملت و ریسمان اتحاد و انسجام اقوام مختلف در نظر گرفته می‌شود (قمری و حسن‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۴).

هویت دارای اقسام زبانی، قومی، ملی، دینی و حتی جهانی است. به سبب وجود حس هویت‌یابی در انسان، شناسایی عوامل مؤثر بر هویت ازجمله زبان نیز راهبردی و دارای ارزش سیاست‌گذاری است. یکی از مهم‌ترین نقش‌های زبان، ایجاد هویت است. زبان هویت را نمادپردازی می‌کند و نشان‌دهنده هویت گویشورانش است. افراد با استفاده از زبانی که به‌کار می‌برند، نشان می‌دهند چه کسانی هستند، چه کسانی نیستند و چه کسانی نمی‌توانند باشند؛ یعنی هویت زبانی خود را نشان می‌دهند. همچنین مردم دیگران را بر اساس زبانی که با آن صحبت می‌کنند، طبقه‌بندی می‌کنند. در عصر حاضر، زبان به فراگیرترین عنصر هویتی تبدیل شده است که دیگر مقوله‌های هویت‌ساز را درنوردیده است و در میان عناصر هویت‌ساز، زبان در رتبه اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد. سخنگویان هر زبانی با لهجه، واژگان و

1. Language
2. The international covenant on civil and political Rights
3. Convention on the Rights of the Child
4. Universal Declaration on Linguistic Rights

الگوهای کلامی که به‌کار می‌برند، هویت خود را ساخته و به‌عنوان اعضای یک جامعه زبانی یا گفتمانی خاص شناخته می‌شوند (سجادی، ۱۳۹۵، ص. ۴). از میان همه شکل‌های تعامل اجتماعی، زبانی که مردم به آن سخن می‌گویند، مؤثرترین و جاودانه‌ترین منبع هویت است. شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی از طریق عامل زبان هویدا می‌شوند. زبان با آفرینش نظام معنایی فهمیدنی در تعامل اجتماعی، مهم‌ترین ابزار ارتباطی و از عناصر مشترک هویتی به‌شمار می‌آید. این ابزار می‌تواند تا حد زیادی انتقال دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و در توالی نسل‌ها برعهده بگیرد. پس، رابطه‌ای دوسویه میان زبان و هویت وجود دارد. زبان و گویش هر جماعت، معرف بخشی از هویت آن است و به‌طور مشخص، زبان واحدی که برای همگان فهمیدنی باشد، از لوازم اولیه و گریزناپذیر تکوین ملت و کشور و از لوازم اولیه همبستگی آن به‌حساب می‌آید (میرزائی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۰)؛ البته برخی باور دارند هویت زبانی[1] نوعی واپس‌گرایی و نابهنجاری تاریخی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۹)؛ اما باید تأکید شود انسان به‌دلیل اجتماعی بودن به گروه‌هایی در جامعه وابسته است که هرکدام از این گروه‌ها از زبان و اصطلاحات خاص خودشان استفاده می‌کنند. هویت‌های اجتماعی هر فرد، ابعاد مختلف یک زبان را نشان می‌دهند؛ اما ضرورت داشتن هویت‌های گوناگون ممکن است نیازمند کاربرد زبان دوم باشد که بحث تداخل دو زبان را پیش می‌آورد. ازسوی‌دیگر، هر زبانی فرهنگ خود را گسترش می‌دهد و مقابله دو یا چند زبان در یک جامعه موجب طبقه‌بندی آنها از نظر ارزش استفاده می‌گردد (عیلانی، ۱۳۹۱، ص. ۱).

نظریه‌پردازان هویت اجتماعی مانند اوکز[2] بر این باورند که عضویت در گروه به تشخص، احساس یکی‌شدن و شکل‌گیری نوعی طبقه‌بندی در میان انسان‌ها منجر می‌شود؛ یعنی اعضای هر گروه در هر موقعیتی جانب گروه خود را می‌گیرند و هنگام مقایسه بین گروه خود و گروه‌های دیگر، ابعادی را برای مقایسه برمی‌گزینند که باعث شود نتایج مقایسه در پایان به‌نفع گروهی رقم بخورد که به آن تعلق دارند. به‌بیان‌دیگر، انسان‌ها شاخص‌هایی را برای مقایسه بین گروه خود و دیگر گروه‌ها انتخاب می کنند که به برتری و پیروزی گروه آنها در فرایند مقایسه بینجامد. به‌همین‌دلیل، نظریه هویت قومی ـ زبانی برای تبیین و تشریح استفاده از زبان به‌منزله شاخصی برای هویت گروهی مطرح شد. این نظریه تأکید دارد که انسان،

1. Linguistic identity
2. OAkes

جهان را به گروه‌های اجتماعی مختلف طبقه‌بندی می‌کند و دراین‌میان برای رقم‌زدن هویت اجتماعی مثبت برای خود از شاخص‌هایی استفاده مـی‌کنـد کـه یکـی از آنهـا می‌تواند زبان باشد. زبان بنابر اوضاع‌واحوال تاریخی و اجتماعی هر جامعه می‌توانـد از مؤلفه‌های هویتی آن جامعه باشد. پیوند نقش‌های ابـزاری و عـاطفی زبـان مـی‌توانـد زمینه‌ساز تبدیل زبان به نمادی هویتی باشد (میرزائی، ۱۳۹۳، صص. ۱۱۰-۱۱۲).

۴-۲. الگوهای هویت زبانی[1]

هویت زبانی به‌طور عمده یک موضوع سیاسـی بـوده (Rajagopalan, 2001, p. 17) و جزء چشم انداز فرهنگی محسوب می‌شود و خانواده‌های زبانی سبب پیدایش هویـت فرهنگی گونـاگون مـی‌شـود (جـردن و راونتـری، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۷). دربـاره نسـبت زبان‌های رسمی و زبان محلی، رویکردهای مختلفی در کشورهای دنیـا وجـود دارد و سیاست هویت زبانی در جوامع مختلف متمـایز مـی‌باشـد (کعبـی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴). الگوهای هویت زبانی مترصد تبیین پدیده گوناگونی‌هـای قـومی ـ زبـانی و چگـونگی پیوند آن با هویت ملی هستند (مدرسـی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۹). جـوزف[2] معتقـد اسـت الگوی سیاست هویت زبانی همانند شمشیر دوطرفه است؛ زیـرا درحـالی‌کـه در یـک روش مثبت و سازنده برای تأمین احساسات متعلق به افراد عمل می‌کنـد، مـی‌توانـد روند تعریف یک «ما» در مخالفت با «آنهـا» را مشـخص سـازد (Joseph, 2006, P. 261). از منظر سیاست‌گذاری هویت زبانی، عدم وجود زبان مشترک، و پافشـاری هـر یک از اقوام شکل‌دهنده ملت بر حفظ زبـان مـادری بـدون توجـه بـه زبـان معیـار و رسمی، موجب بروز نوعی ناهمسانی و تضعیف هویت مشترک و افتراق ملی می‌شـود؛ بنابراین، هویت‌سازی زبانی و ارتقاء سطح انسجام و اتحـاد در بسـیاری از کشـورهای نامتجانس و ناهمگون، به مقوله‌ای جنجـالی و پُرمناقشـه مبـدل مـی‌شـود (طـاهری، ۱۳۹۲، ص. ۳۷). دولت نقش بسیار مهمی در فرایند مدیریت شکاف‌های هویت زبانی قومیت‌ها و سیاست‌گذاری زبانی دارد (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳، ص. ۹) و هر دولتـی، الگوی خاص برای سیاست‌گذاری زبانی دارد. در ادامه بـه برخـی از الگوهـای هویـت زبانی اشاره می‌شود.

کشورهای زیادی با فرهنگ‌ها، زبـان‌هـا و اقـوام متفـاوت وجـود دارنـد کـه ایـن تفاوت‌ها و تمایزات را برنمی‌تابند و سعی در همسان‌سازی، به حاشیه رانـدن و حتـی

1. Patterns of linguistic identity
2. Joseph

حذف هویت‌های زبانی قومیت‌ها و اقلیت‌ها دارند (عزیزی، ۱۳۹۵، ص. ۵). در این الگو، زبان‌های محلی، قومی و اقلیت‌ها به‌رسمیت شناخته نمی‌شود و به‌همین‌دلیل، هویت زبانی محلی، قومی و اقلیت‌ها به‌رسمیت شناخته نمی‌شود و سیاست‌گذاری‌ها صرفاً مترصد تقویت هویت زبان رسمی و واحد در جامعه هستند. سرکوب هویت زبانی محلی و قومی باعث ایجاد شکاف فرهنگی و زبانی در نواحی مختلف زبانی می‌شود. تأکید بر الگوی همسان‌سازی زبانی را می‌توان نوعی سیاست‌گذاری مبتنی بر سرکوب هویت زبانی دانست که برخلاف حقوق انسانی است.

بسیاری از کشورها، تفاوت‌های قومی و زبانی را به‌مثابه یک فرصت و نه تهدید می‌نگرند. این کشورها در عرصه سیاست هویت زبانی نیز فرهنگ‌ها و زبان‌های متمایز را به‌عنوان دستاورد مشترک جامعه بشری تلقی نموده و برای حفظ، رشد و شکوفایی آن‌ها نهایت تلاش خود را می‌نمایند. سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی به اهمیت ممانعت از جلوگیری از نابودی زبان‌ها پی برده و آموزش نظام‌مند به زبان مادری را از اولویت رهنمودهای خود قلمداد نموده و آموزش چندزبانه را به‌عنوان مهم‌ترین پیشنهاد خود برای کشورهای دارای تکثر فرهنگی و زبانی ارائه می‌دهند (عزیزی، ۱۳۹۵، ص. ۵). به اعتقاد مارتین مارجر[1]، سیاست ایجاد کثرت زبانی و فرهنگی می‌تواند از حالت یک سیاست دوفاکتو[2]، به مجموعه‌ای از قوانین رسمی و مصوب در نظام سیاسی بدل شود، به‌گونه‌ای‌که این سیاست‌گذاری هویت زبانی نیز همانند یک عامل مهم در تمامی تصمیم‌گیری‌های سطح ملی مطرح باشد (مارجر، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۵). پاسداشت هویت زبانی نیز بخشی از مطالبات و خواسته‌های اقوام و اقلیت‌های مذهبی می‌باشد و برای تقویت همگرایی و هم‌افزایی زبان قومی و مذهبی، انجام برنامه‌ریزی‌های کلان در چهارچوب الگوی تکثّرگرایی در حوزه‌های مختلف لازم است (رضاپور و نادری، ۱۳۹۳، ص. ۷۸).

۵. روش پژوهش

پیچیدگی محیط سیاست‌گذاری فرهنگی به‌خصوص مبحث هویت زبانی، ابعاد مختلف مسائل سیاستی و عوامل متفاوت تأثیرگذار بر متغیرهای مورد مطالعه در حوزه زبان در جوامع مختلف ایجاب می‌کند که تحلیل‌گران سیاست‌گذاری، مجهز به رویکردهای روش‌شناسی مناسب باشند تا بتوانند این پدیده‌های غامض را در

1. Martin N. Marger
2. DeFacto policy

چهارچوب و زمینه خاص خود مطالعه و بررسی نمایند. در این میان، تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌ها است. این روش، داده‌ها را سازمان‌دهی و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌نماید (کمالی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۹). بویاتزیس[1] (۱۹۹۸) تحلیل مضمون را روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی می‌داند. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می کند. تحلیل مضمون فرایندی است که می تواند برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص و غیره مورد استفاده قرار بگیرد (درخشه و دیگران، ۱۳۹۴، صص. ۵۲-۵۳). با توجه به ماهیت مقاله حاضر، بعد از مشاهده متن قانون اساسی با تأکید بر فصل دوم، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط ارائه می‌شود و بستر مناسب برای تحلیل اطلاعات کیفی از طریق مشاهده نظام‌مند فراهم می‌شود.

کلیدواژه‌ها در اصل پانزدهم از یکدیگر تفکیک شده و ارتباط معنادار آنها با یکدیگر مشخص شده و با چیدمان کلمات اصل پانزدهم در کنار یکدیگر، رویکرد سیاستی مرتبط با هویت زبانی استخراج گردید. از منظر روش تحلیل مضمون، برای انجام مقاله حاضر بعد از آشنایی با داده‌های کیفی و مشخص کردن کدهای اولیه بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی، مضامین سازنده در حوزه سیاست هویت زبانی استخراج و تبیین می‌شود. بعد از استخراج مضامین مربوط به هویت زبانی در اصل مزبور، تم‌های اصلی استخراج شده تعریف و تشریح می‌شوند.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی

قانون اساسی مهم‌ترین سند حقوقی ـ سیاسی در امر سیاست‌گذاری و راهنمای عمل حکومت است. ازجمله مهم‌ترین مباحث مندرج در قانون اساسی تبیین اهداف کلی نظام و مبانی وفاق و همبستگی ملی، پیش‌بینی راهکارهای کلی ایجاد پیوند دولت و جامعه و گروه‌های اجتماعی، فائق آمدن بر پراکندگی‌ها و تفرق گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی است (حق‌پناه، ۱۳۹۴، ص. ۷۲). قانون اساسی ایران با در نظر گرفتن تنوع‌های زبانی و قومی در ایران، حاوی فصولی است که مهترین مرجع و مبنای تدوین سیاست هویت زبانی می‌باشد. فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

1. Boyatzis

که اصول پانزدهم تا هجدهم را بـه خـود اختصـاص داده (قـانون اساسـی ج.ا.ایـران، ۱۴۰۰، صص. ۳۶-۳۷)، دربردارنده اصول شکلی حکومـت جمهـوری اسـلامی ایـران است. در این فصل نمای بیرونی و شکل ظـاهری نظـام جمهـوری اسـلامی در قالـب زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی مشخص می‌گردد (کعبی، ۱۳۹۴، ص. ۳).

۶-۲. الگوی هویت زبانی

در این بخش تلاش می‌شود تا به سؤال «الگوی هویت زبانی در اصل پـانزدهم قـانون اساسی چیست» پاسخ مناسب داده شود.

۶-۲-۱. «فارسی» به‌عنوان زبان رسمی در اصل پانزدهم

در این بخش به سؤال «فارسی در اصل پانزدهم قانون اساسی اشاره به چـه مـواردی دارد؟» پاسخ داده می‌شود. زبان مهم‌ترین و کامل‌تـرین وسـیله نـه‌تنهـا بـرای ایجـاد ارتباط همزمان میان افراد، بلکه به‌منظور ارتباط بین نسل‌ها و فرهنـگ‌هـای مختلـف در گذشته، حال و آینده نیز به‌کار می‌رود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، صـص. ۱۵-۱۷). زبان به‌عنوان هسته اصلی فرهنگ و مؤلفه کلیدی مؤثر در شکل‌دهـی هویـت مطـرح است (نیازی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۹). زبـان نظـامی از نشـانه‌هاسـت کـه خـود، نظامی صاحب ارزش فرهنگی تلقی می شود. کاربران زبان خود و دیگران را از طریـق کاربرد زبان می شناسند و زبـان خـود را نمـاد هویـت اجتمـاعی خـویش مـی‌داننـد. گویشوران هر زبانی منع کاربرد زبانشان را اغلب مخالفت با گروه اجتماعی و فرهنگی خود تلقی می‌کنند؛ بنابراین، می‌توانیم بگوییم که زبان نماد واقعیـت فرهنگـی اسـت (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴، صص. ۹۲-۹۳). زبان رسمی و مشترک هر ملت در کنار ممیزاتی چون دین، مذهب و قومیت به‌عنوان شاخصی هویـت‌بخـش و متمایزکننـده ملت‌ها در برابر سایر ملل از اهمیت بالایی در ایجاد وحـدت و انسـجام ملـی در یـک کشور برخوردار است (آیینـه‌نگینـی، ۱۳۹۴، ص. ۳). زبـان جهـانی بـه‌کـار تعامـل و ارتباط‌سازی با ملت‌ها می‌آید و زبان ملی وظیفه‌اش ایجـاد پیونـد و همـاهنگی میـان همه گروه‌ها و اقوام با زبان‌ها و لهجه‌های گوناگون درون یک کشور اسـت و سـرانجام زبان قومی به‌منظور ایجاد پیوند و ارتباط‌سازی میان اعضای گروه قومی به‌کار می‌رود. تقویت هرکدام از این زبان‌ها، به رشد وحدت و همدلی کمک خواهـد کـرد (اجلالـی، ۱۳۹۳، ص. ۷). لاجرم، زبان علاوه‌بر کارویژه ارتباطی، عامـل همبسـتگی و اتحـاد در سـامان سیاسـی و اجتمـاعی اسـت و زبـان رسـمی، عامـل یکپـارچگی در جوامـع

چندفرهنگی خواهد بود.

بر اساس تحلیل مؤلفه‌های مربوط به زبان در قانون اساسی می‌توان تأکید داشت که زبان و خط در جامعه ایران یکی از عناصر شاخص و بارز هویتی جامعه به‌شمار می‌رود و نشانه هویت نظام، اجتماع و تاریخ آن جامعه محسوب می‌شود و از سوی اعضای جامعه در قبال دیگران، نمود و نمایش پیدا می‌کند. زبان و خط فارسی به‌عنوان شناسنامه ملت، اولین راه ارتباطی میان فرهنگ‌های مختلف است؛ به‌عبارتی، اولین تجلی هویت یک مجموعه را در زبان و خط آنها می‌توان یافت که خود به‌نوعی گویای اهمیت زبان و خط خواهد بود. در هر جامعه‌ای ممکن است چندین زبان مختلف مورد استفاده قرار گیرند و ارتباطات میان‌فرهنگی در جهان امروز، باعث تغییر تدریجی زبان و خط مردم یک جامعه گردد. انتخاب یک یا چند زبان به‌عنوان زبان رسمی در کشور، اقدام مهم و ضروری در جهت تثبیت ماهیت فرهنگی و تمدنی جامعه برای تثبیت هویت ملی در مقابل ملت‌های دیگر خواهد بود (کعبی، ۱۳۹۴، ص. ۷).

در بسیاری از کشورهای دنیا، یک زبان به دلایل مختلف و بر اساس سابقه و اشتراک جامعه بر آن، به‌عنوان زبان رسمی انتخاب شده تا همه تلاش‌ها در جهت حفظ، تثبیت و مراقبت از این رکن هویتی جامعه صورت گیرد. هر جامعه‌ای به غیر از زبان رسمی احتمالاً دارای زبان‌های محلی گوناگونی نیز خواهد بود و درباره چگونگی برخورد حاکمیت متمرکز با زبان‌های محلی رویکردهای متعددی وجود دارد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده از زبان‌های محلی و قومی را در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی را آزاد شمرده است (کعبی، ۱۳۹۴، صص. ۷-۸). بر اساس قانون اساسی ایران، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است» (قانون اساسی، ۱۳۸۷، اصل ۱۵). بر اساس این اصل، متون رسمی کشور هم باید بر اساس زبان فارسی تنظیم شوند (فتحی، ۱۳۹۳، ص. ۵). زبان رسمی در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه تعریف می‌شود؛ «زبان رسمی به آن زبانی می‌گویند که در مؤسسات دولتی معمول است و احکام دولتی و امثال این‌ها باید با آن زبان باشد... زبان رسمی یعنی متون و احکام، یعنی کتاب‌های درسی که به زبان فارسی است، احکامی را که دولت صادر می‌کند، اسنادی را که مبادله می‌کند، متون قوانین همه به زبان فارسی است» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج۱، ص. ۵۷۵).

در خصوص چرایی انتخاب زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی در قانون اساسی باید اشاره شود که علت این انتخاب را بایستی در رواج و دامنه نفوذ آن در اکثریت مطلق کشور و سابقه تاریخی استفاده مردم ایران در استفاده از این زبان به‌عنوان زبان مشترک دانست؛ و هیچ‌کدام از زبان‌های دیگر در ایران، قابلیت معرفی به‌عنوان زبان مشترک را ندارند. انتخاب زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی از نظر مبانی فقهی نیز با مانعی برخورد نمی‌کند؛ چراکه از یک‌سو در قرآن کریم اختلاف زبان‌ها نه‌تنها به‌رسمیت شناخته شده است بلکه از نشانه‌های قدرت الهی دانسته شده است؛ البته رسمیت زبان فارسی به‌هیچ‌عنوان به‌معنای ستیز با زبان عربی به‌عنوان زبان دین اسلام نیست و در جهت حذف آن قرار ندارد؛ چون استفاده از زبان فارسی در اسناد و مکاتبات رسمی، منافاتی با استفاده از زبان عربی در حیطه واجب آن یعنی قرآن کریم، عبادات و بعضی از عقود خاص ندارد و فراگیری زبان عربی برای استفاده در این امور در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است (کعبی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳).

۶-۲-۲. اولویت زبان مشترک در مسیر اتحاد ملی

این بخش به سؤال «زبان فارسی چه نقشی در وحدت ملی بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی دارد؟» می‌پردازد و در زمینه چرایی تدوین اصل پانزدهم با موضوع «زبان» و «خط» در بنیادی ترین سند حقوقی و سیاسی کشور باید گفت که مردم ایران قبل از هرگونه تعلق فرهنگی و قومی، عضو و متعلق به کشور ایران هستند. به یقین حفظ و تلاش در استحکام وحدت اعضای این واحد کل (کشور ایران) امری ضروری و مورد توجه قانون‌گذار اساسی است. در اصل نهم قانون اساسی، حفظ وحدت به‌عنوان وظیفه دولت و آحاد ملت عنوان شده است و در تحقق این هدف، تأکید بر مشترکاتی چون زبان و خط مشترک که اسناد رسمی و کتب درسی به آن خط و زبان نگارش یابد، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ موضوعی که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده و از نوشتن کتب درسی به‌صورت واحد و به زبان فارسی در سراسر کشور، به‌عنوان حلقه اتصالی برای ایجاد وحدت ملی یاد شده است (آیینه‌نگینی، ۱۳۹۴، ص. ۶). در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است که زبان فارسی در تقویت وحدت ملی، بر سایر زبان‌ها اولویت دارد: «یک حلقه اتصالی برای حفظ وحدت ملی در مملکت لازم داریم. اگر بنا شود در هر منطقه‌ای کتاب‌های درسی به زبان آن منطقه تنظیم بشود، از هم فاصله می‌گیریم؛ بنابراین وحدت ملی متزلزل

می‌شود» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج۱، ص. ۵۷۷). این مسئله نشان می‌دهد که اعضای شورای تصویب قانون اساسی به موضوع نقش‌آفرینی زبان ملی در تأمین اتحاد جمعی و وحدت ملی تأکید داشته‌اند و این مسئله در اصل پانزدهم بازتاب داشته است.

تجربه تاریخی ایران در زمان رژیم پهلوی نشان می‌دهد که تأکید بر زبان رسمی و بی‌توجهی به زبان‌های قومی، محلی و اقلیت‌ها، می‌تواند وحدت ملی را خدشه‌دار نماید. با توجه به اهمیت بالای گسترش زبان واحد در رسیدن به وحدت ملی، حکومت پهلوی اول کوشید با تأسیس مدارس جدید، استخدام معلمان غیربومی، ارسال مجلات رایگان و تشکیل مجالس سخنرانی زبان فارسی را در مناطق مختلف ایران که دارای اقوامی با گویش‌ها و زبان‌های مختلف بودند، گسترش دهد و درعین‌حال با جدیت و استفاده از جبر، تمام تلاش خود را برای تضعیف و محو سایر زبان‌های ایرانی و غیرایرانی و گویش‌های محلی به‌کار گرفت. این سیاست علاوه‌بر ایجاد تنفر و بیزاری اقوام ایرانی از حکومت پهلوی، باعث افزایش تمایلات ملی‌گرایی قومی شد و بعد از سقوط رضاشاه خود را به شکل تلاش برای کسب خودمختاری نشان داد. این امر اثبات کرد که با توجه به آنکه زبان مهم‌ترین عنصر هویت یک جامعه و دربرگیرنده حافظه تاریخی آن جامعه است، هرگونه تلاش برای تضعیف، نفی و محو زبان‌ها و گویش‌های رایج در ایران نه‌تنها امری عقلانی به نظر نمی‌آید بلکه مسلماً فرایند وحدت ملی را با دشواری‌ها و خطرهای بزرگی مواجه می‌سازد. با مدنظر قرار دادن شکست سیاست یکسان‌سازی فرهنگی و زبانی در دوران پهلوی، می‌توان گفت استفاده از الگوی سیاست تکثرگرایی فرهنگی و زبانی، با توجه به پیش‌زمینه‌های تاریخی و بومی جامعه‌ای چندقومی همچون ایران، می‌تواند کارساز و یکی از روش‌های مفید برای حفظ انسجام و همبستگی ملی باشد (رسولی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۹۳)؛ بنابراین، باید پذیرفت که هویت زبانی در ورای مرزها و محدودیت‌ها به‌صورت سیال ایجاد می‌شود و قوم‌نگاری جمعیت‌ها نشان می‌دهد که تنوع زبانی ارتباط نزدیکی با موجودیت و هویت اجتماعی دارد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۲۱۷).

در مورد زبان و خط فارسی ممکن است راجع به وصف «مشترک» این فرضیه به ذهن متبادر شود که هدف این اصل قانونی از ذکر این واژه نیز اعلان و اخباری از واقع بوده است. این فرضیه با بررسی فرهنگ، زبان و خط همه اقوام ایرانی رد می‌شود؛ چراکه در برخی از مناطق کشور اقوام و اقلیت‌هایی بوده و هستند که با

زبانی غیر از فارسی تکلّم می‌کنند و حتی بعضاً نمی‌توانند به زبان فارسی سخن بگویند و یا به قلم فارسی نگارش کنند. فرضیه دیگر این است که مقصود از «مشترک» آن است که زبان و خط مردم ایران باید فارسی باشد؛ نه آنکه در زمان تدوین قانون اساسی این مهم واقع بوده باشد. بر اساس این تفسیر نوعی تکلیف به آموزش و یادگیری زبان فارسی برای افراد جامعه ایجاد می شود. راجع به این فرضیه، مقصود آن نیست که با آموزش زبان فارسی این زبان به کلی و به صورت تحمیلی جایگزین زبان‌های محلی اقوام و گروه‌ها شود بلکه مقصود وجود یک نقطه اشتراکی است که ارتباطات افراد در جامعه را سهل کرده و به عنوان یک رمز اتحاد ملی بر قوام و گسترش انسجام ملی بیفزاید. یکی از مقاصد قانون‌گذار اساسی در موصوف کردن زبان و خط فارسی به وصف مشترک، تلاشی در راستای عملیاتی‌کردن وحدت در جامعه است (آیینه‌نگینی، ۱۳۹۴، صص. ۲۴-۲۵).

۶-۲-۳. به‌رسمیت شناختن اقلیت زبانی به‌مثابه حق انسانی

در این بخش «مسئله اقلیت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چگونه بازتاب یافته است؟» مورد بررسی و مداقه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین موارد در قانون اساسی که در آن به حقوق خاص قومی پرداخته می‌شود، مسئله آزادی فرهنگی و امکان حفظ هویت زبانی قومیت‌ها است که در این‌خصوص می‌توان به اصول پانزدهم، نوزدهم، بیستم، بیست و چهارم و بیست و ششم اشاره کرد. اصل پانزدهم قانون اساسی، بعد از اعلام و تعیین زبان رسمی، آزادی‌های متنوعی را برای استفاده از زبان‌های «محلی و قومی» ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: آزادی به‌کارگیری این زبان‌ها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، و تدریس زبان و ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی. این سیاست‌گذاری زبانی و حقوقی که در نوع خود جلب توجه می‌نمایند، امکان تداوم فرهنگی را برای گروه‌های زبانی و قومی فراهم می‌آورند (قاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۸۶۸).

باید پذیرفت که تمام جوامع به درجات متفاوت چندزبانه هستند و تصور یک جامعه تک‌زبانه بیشتر زاده وهم است تا واقعیت. در کنار تمدن‌های هند و آفریقا، فلات ایران از درخشان‌ترین نمونه‌های تاریخی همزیستی و هم‌آمیختگی زبانی می‌باشد (کلان، ۱۳۹۷، ص. ۱). تکلم به زبان قومیتی و مادری از یک خواسته به یک حق تبدیل شده است. حاکمیت در مقابل این خواسته مشروع نیازمند اتخاذ سیاست هایی است که برخورداری از حق گویش به زبان مادری را تضمین کند. ایران همواره کشوری

همراه با تنوع قومیتی بوده است. ثبات جامعه ایرانی، فراتر از سیاست‌های دولت ـ ملت‌سازی از طریق سرکوب زبان‌های قومیتی است. زبان‌های قومیتی ظرفیت ملی برای ترویج رواداری تلقی می‌شود. پس، زبان مادری و قومیتی به‌عنوان یکی از حقوق شهروندان ایرانی قابل احترام است. یکسان‌سازی با توسل به اجبار نمی‌تواند سیاست پایدار در حوزه زبان باشد. افزایش تنوع در برنامه‌های حمایتی آموزش زبان یک سیاست زبانی خواهد بود (ناظمی، ۱۳۹۷، صص. ۲۴۷-۲۴۹).

بیشترین تنوع اقلیتی ایران، ناظر به اقلیت‌های زبانی است؛ نظر به اینکه برابر اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان و خط رسمی مردم ایران فارسی است، هر دسته بزرگ جمعیتی یا گروه بزرگی از شهروندان که به زبانی غیر از فارسی تکلم یا مکاتبه نماید، اقلیت زبانی تلقی می‌گردد. مهم‌ترین اقلیت‌های زبانی ایران به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند؛ اقلیت زبانی ترکی آذری، اقلیت زبانی کردی و اقلیت زبانی عربی. البته در ترکیب جمعیتی ایران، گروه‌های نسبتاً بزرگی از ارامنه، مسیحیان و یهودیان در شهرهای مهمی مانند تهران، تبریز، اصفهان، ارومیه و یزد جای گرفته‌اند. این گروه‌ها را علاوه‌بر دسته‌بندی در اقلیت‌های دینی، در اقلیت‌های زبانی نیز می‌توان قرار داد. به‌عبارت‌دیگر، افراد متعلق به گروه‌های جمعیتی فوق، علاوه‌بر حق برخورداری از چتر حمایتی اقلیت‌های دینی، از حقوق مربوط به آزادی زبان بر اساس اصول قانون اساسی به‌خصوص اصل پانزدهم نیز منتفع هستند (آریامنش، ۱۳۹۰، صص. ۷۸-۸۱).

به‌کارگیری مفهوم «قومی» در اصل ۱۵ برای آموزش ادبیات مشخصاً برای اقلیت‌های دینی ارمنی، کلدانی، آشوری و کلیمی است و ربطی به موضوع اقوام ایرانی یا زبان‌های کردی، اورامی، لکی، کلهری، آذری، قشقایی، تالشی، لری بختیاری، لری لرستانی، بلوچی سرحدی، بلوچی مکرانی، عربی و غیره ندارد؛ چراکه برای این گروه‌ها از عبارات «زبان‌های محلی» استفاده شده بود و صرفاً به‌دلیل درخواست نماینده ارامنه است که با توجه به نداشتن محل و مکانی به نام ارمنی یا آشوری‌ها در ایران (همچون مثلاً آشورستان و غیره) واژه «قومی» به اصل پانزدهم اضافه شد. پاسخ آقای دکتر بهشتی چنین بود؛ «نایب رئیس (بهشتی) ـ آقا می‌گویند ارامنه محل مشخصی ندارند و حال آنکه زبانی دارند و می‌خواهند یک مجله‌ای را به زبان ارمنی منتشر کنند؛ بنابراین اگر ما قومی را اضافه کنیم تکمیل می‌شود و چیزی هم کم نمی‌شود» (هوشمند، ۱۳۹۲، ص. ۱). نمایندگان مجلس خبرگان بررسی پیش‌نویس قانون اساسی نیز با پیشنهاد دکتر بهشتی موافقت می‌کنند و واژه «قومی» در کنار جمله پیشین

یعنی زبان‌های محلی به قانون اساسی جمهوری اسلامی اضافه می‌شود. درنهایت اصل پانزدهم با اضافه‌شدن مفهوم زبان‌های قومی برای رعایت حقوق هموطنان ارمنی، کلدانی، آشوری و کلیمی در قانون اساسی اصلاح شد و رأی آورد. امروز در ایران ده‌ها مدرسه برای آموزش هموطنان ارمنی، کلیمی، آشوری و کلدانی در حال فعالیت هستند. در این مدارس برای اجرایی‌شدن این بخش از قانون اساسی یعنی آموزش زبان‌های قومی، اقدامات کاملی صورت گرفته است. پس می‌توان نتیجه گرفت که زبان‌های قومی، آن‌گونه‌که مراد قانون نویسان بوده (و نه آن‌گونه‌که مقصود جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در تعریف این مفهوم یعنی قوم و اقوام ایرانی است) در ایران اجرایی شده است (هوشمند، ۱۳۹۲، ص. ۱).

با توجه به شیوه نگارش اصل پانزدهم قانون اساسی، نظر به اینکه زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی اعلام شده است؛ اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به فارسی باشد. این امر مانع از آزادی آموزش و تدریس زبان‌های دیگر نیست؛ به موجب اصل فوق، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات، رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در کنار زبان فارسی، در مدارس آزاد شناخته شده است. اصل فوق به‌لحاظ شکلی با مفاد بند سوم ماده ۴ حقوق اقلیت‌ها مطابقت دارد و ناظر به حق بهره‌مندی از زبان مادری برای آموزش است؛ زیرا دولت مکلف گردید امکاناتی را فراهم سازد تا اقلیت‌های زبانی، کتب درسی یا آموزش درسی را تا حد ممکن به زبان مادری و محلی دریافت کنند و برابر اصل ۱۵ قانون اساسی، تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی در مدارس پیش‌بینی شده است (آریامنش، ۱۳۹۰، ص. ۸۶).

۶-۲-۴. الگوی راهبردی وحدت‌گرایی در عین پذیرش کثرت‌گرایی زبانی

در این بخش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که الگوی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چه می‌باشد؟ باید در نظر داشت ایران سرزمینی است با تنوع طبیعی ـ فرهنگی بسیار بالا که می‌توان از آن به نحو مطلوبی در روند توسعه و قدرتمندتر شدنش بهره برد؛ تکثر زبان‌ها و قومیت‌ها یکی از اشکال این تنوع است که به‌رغم تصویری که عموماً به‌صورت منفی از آن ایجاد شده و گاه آن را به‌مثابه مشکلی احتمالی برای انسجام و فرایند شکل‌گیری روحیه و ساختارهای دولت ملی مطرح کرده‌اند، می‌تواند درست برعکس به‌مثابه ابزاری اساسی برای تقویت این فرایند به‌کار گرفته شود (فکوهی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۷). قانون اساسی هم در اصل پانزدهم به‌گونه‌ای

اشاره می‌کند که کثرت‌گرایی زبانی را می‌پذیرد و نگرش قانون‌گذار به زبان اقوام و مناطق مختلف نیز هرگز برداشتی مبنی بر تهدید بودن چندزبانی و رواج زبان‌های محلی و قومی را نشان نمی‌دهد.

بررسی اصل پانزدهم قانون اساسی نشان می‌دهد که دو رویکرد به‌صورت توأمان در زمینه زبان در این اصل وجود دارد: وحدت‌گرایی زبانی و کثرت‌گرایی زبانی. ازاین‌رو، الگوی سیاست‌گذاری هویت زبانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وحدت‌گرایی (تأکید بر زبان رسمی) در عین کثرت زبانی (احترام به حقوق زبانی اقلیت‌ها، قومیت‌ها و...) می‌باشد.

جدول (۱): الگوی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی

ردیف	رویکردهای زبانی	گزاره‌ها در اصل پانزدهم
۱	وحدت‌گرایی زبانی	زبان رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است
		خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است.
		اسناد باید با زبان و خط فارسی باشد.
		مکاتبات با زبان و خط فارسی باشد.
		متون رسمی باید با زبان و خط فارسی باشد.
		کتب درسی باید با زبان و خط فارسی باشد.
۲	کثرت‌گرایی زبانی	استفاده از زبان‌های محلی در مطبوعات
		استفاده از زبان‌های محلی در رسانه‌های گروهی
		تدریس ادبیات زبان‌های محلی در مدارس.
		استفاده از زبان‌های قومی در مطبوعات
		استفاده از زبان‌های قومی در رسانه‌های گروهی
		تدریس ادبیات زبان‌های قومی در مدارس.
۳	وحدت‌گرایی در عین کثرت‌گرایی زبانی	زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

باید توجه داشت که الگوی زبانی وحدت‌گرا دارای مشکلاتی نظیر احساس تبعیض قومی و زبانی میان اقلیت‌ها، مشکلات نظام آموزشی تک‌زبانه برای اقلیت‌ها

به‌ویژه در سال‌های نخست تحصیل همچون بالا رفتن نرخ بی‌سوادی در مناطق قومی و زوال سرمایه‌های قومی می‌باشد. درعین‌حال، تأکید فراوان بر روی سیاست‌گذاری هویت زبانی کثرت‌گرا، منجر به تقویت روحیه جدایی‌طلبی و محلی‌گرایی، تقویت احساس تعلق قومی، تضعیف وحیه ملی، ایجاد مانع در برابر توسعه و مشکلات اداری برای نظام‌های آموزشی چندزبانه می‌شود. ازاین‌رو، پذیرش الگوی ترکیبی در سیاست‌گذاری هویت زبانی می‌تواند راهگشا باشد. الگوی ترکیبی عبارت است از انتخاب بیش از یک زبان رسمی و منطقه‌ای در کنار یک زبان مشترک در سطح ملی تا به این ترتیب، هم به حقوق زبانی گروهای قومی ـ زبانی مناطق مختلف یک کشور احترام گذاشته شود و هم از طریق یک زبان رسمی مشترک به‌عنوان نماد ملیت، همبستگی و هویت ملی، حفظ و برجسته شود. الگوی ترکیبی با پوشش دادن محدودیت‌های ایجاد شده توسط دو الگوی یاد شده، با پیوند دادن میان احساس تعلق قومی و همبستگی ملی، کارآمدتر می‌باشد (عیوضی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸). یکسان‌سازی زبانی دارای دو شکل ساختاری و فرهنگی است و در اثر آن مهم‌ترین هویت فرد، هویت ملی وی شده و هویت‌های قومی، زبانی و مذهبی وی به نفع هویت ملی کم‌رنگ می‌شود. البته این به معنای از بین رفتن فرهنگ قومی خاصی نیست (ابراهیمی، ۱۳۹۲، صص. ۲۶-۲۷).

نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی برای تبیین دو مؤلفه هویت و زبان در حقوق اساسی است. جامعه آماری این مقاله، اصل پانزدهم در فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد مداقه در اصل پانزدهم نشان می‌دهد که نوعی الگوی هویت زبانی قابل استخراج است که برای جامعه چندزبانی و چندفرهنگی ایران مناسب می‌باشد و باید به‌صورت مبسوط‌تری در سایر اسناد فرادستی و قوانین ملی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یابد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که قانون‌گذار اساسی، ضمن تأکید بر زبان رسمی، هویت‌های زبانی دیگر را به‌رسمیت می‌شناسد و بر اساس تأکید بر زبان‌های قومی و محلی، سیاست زبانی مندرج در قانون اساسی را نمایانگر می‌سازد و چنین به‌دست می‌آید که از منظر هویت زبانی، اصل پانزدهم بر احترام به حقوق زبانی اقلیت‌های زبانی تأکید دارد و به‌مثابه یک حق انسانی، زبان‌هایی که در مناطق مرزی یا توسط اقوام مختلف به‌کار گرفته می‌شوند می‌توانند در جامعه زبانی به حیات خود ادامه دهند و در کنار زبان رسمی، مورد استفاده قومیت‌ها و شهروندان مناطق مختلف

کشور قرار گیرند و حتی از حیث سیاست‌گذاری آموزش زبانی، تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی آزاد می‌باشد و در کنار ادبیات فارسی به‌عنوان زبان رسمی و معیار در جمهوری اسلامی ایران، زبان‌های قومی و محلی هم از فرصت تدریس و آموزش برخوردار خواهند بود و دولت وظیفه دارد که در این مسیر، هیچ مانعی را به‌وجود نیاورد. در بُعد مطبوعات و رسانه‌های گروهی نیز، اصل پانزدهم این اجازه را به گویشوران محلی و قومی می‌دهد تا آزادانه به فعالیت بپردازند و هیچ منعی پیش روی این مسئله وجود ندارد؛ البته زبان‌های محلی و قومی در رسانه‌های دیداری، شنیداری و مطبوعات نباید برخلاف اصول قانون اساسی و مصالح جمعی و منفعت ملی ایرانیان عمل نمایند. الگوی هویت زبانی در قانون اساسی، سیاست یکسان‌سازی زبانی است که می‌توان نمونه آرمانی آن را وحدت‌گرایی در عین پذیرش کثرت‌گرایی زبانی می‌باشد. به این‌معنا که زبان رسمی و مشترک ایرانیان فارسی می‌باشد و در اسناد، مکتوبات، متون رسمی و کتب درسی، زبان معیار نیز زبان فارسی می‌باشد؛ اما این تأکید بر وحدت‌گرایی زبانی، منجر به نفی کثرت زبانی در جامعه چندزبانی و دارای تنوع فرهنگی نمی‌شود؛ در این مسیر، زبان‌های محلی و قومی امکان بروز در عرصه‌های مختلف را خواهند یافت. ترکیب این دو رویکرد وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی، منجر به شکل‌گیری سیاست‌گذاری عادلانه، مسئولانه و نافع در حوزه هویت زبانی می‌شود؛ به این معنا که قانون اساسی می‌پذیرد اقلیت‌ها، قومیت‌ها و نواحی مختلف دارای هویت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زبانی و... هستند و در این میان، پیوند میان هویت و زبان بسیار راهبردی است و نباید هویت زبانی اقوام و اقلیت‌ها را نادیده گرفت. اصل پانزدهم، هویت‌های زبانی غیر از زبان فارسی را می‌پذیرد و تأکید دارد که دولت نباید مانعی در مسیر سیاست هویتِ زبانی ایجاد نماید.

راهبردها

برخی از راهبردهای برای توسعه هویت زبانی که در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته، به قرار زیر است:

۱- تأکید بر زبان فارسی در اسناد، مکاتبات و متون رسمی با بهره‌گیری از برنامه‌های رسانه‌ای صوتی و تصویری؛

۲- توسعه زبان‌های محلی از طریق حمایت از نشریات بومی و محلی؛

۳- تولید محتوای مورد نیاز جامعه با توجه به مخاطبان قومی در مناطق مختلف کشور؛

۴- بسترسازی تدریس زبان‌های قومی و محلی در مدارس و آموزش معلمان برای ترویج صحیح گویش و زبان‌های قومی و محلی؛
۵- وضع قوانین برای توسعه زبان قومی در مناطق دارای پراکندگی قومیت‌ها و حمایت از فعالیت‌های آموزشی در این زمینه؛
۶- تخصیص اعتبارات لازم برای پیشرفت کمّی و کیفی برنامه‌های زبان‌آموزی؛
۷- حمایت راه‌اندازی، تقویت و توسعه مطبوعات محلی و قومی؛
۸- افزایش برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی استانی با محوریت زبان‌های محلی و قومی؛
۹- برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیت‌های روزنامه‌ای با زبان‌ها و گویش‌های محلی در کنار کاهش دادن محدودیت‌های پیش‌روی آنها.

فهرست منابع

آذرشب، محمدعلی و همایونی، سعدالله (۱۳۹۴). واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های/ برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان. *فصلنامه علم زبان*، ۳(۵)، ۸۹-۱۱۶.

آریامنش، بشیر (۱۳۹۰). حقوق اقلیت‌ها از منظر قانون اساسی و موازین بین‌المللی. *فصلنامه تعالی حقوق*، ۴(۱۳و۱۴)، ۷۷-۹۴.

آیینه‌نگینی، حسین (۱۳۹۴). *شرح مبسوط قانون اساسی؛ شرح اصل پانزدهم قانون اساسی*. تهران: شورای نگهبان.

ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۲). *سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸؛ بررسی اصل پانزدهم*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

اجلالی، پرویز (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و زبان فارسی. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۸(۳)، ۶-۲۷.

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مجلس شورای اسلامی.

ترابی، یوسف و مجیدی، یوسفعلی (۱۳۹۳). بررسی چگونگی مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش راهبردی سیاست*، ۳(۱۱)،

۹-۲۹.

جردن، تری و راونتری، لستر (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگ*. ترجمه تولایی و سلیمانی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

حسینی‌بهشتی، ملوک‌السادات (۱۳۹۶). *اصطلاح‌شناسی و واژه‌سازی در زبان آلمانی*. تهران: نشر چاپار.

حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۱(۲)، ۶۹-۸۸.

درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر و ردادی، محسن (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۶(۱۷)، ۵۳-۷۲.

رسولی، حسین و دیگران (۱۳۹۵). سیاست‌های زبانی پهلوی اول در کردستان و پیامدهای آن. *مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۸(۳۰)، ۷۷-۹۶.

رضاپور، محمد و نادری، محمود (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۱۷)، ۵۵-۹۱.

سجادی، سید مهدی (۱۳۹۵). زبان و هویت. *ماهنامه چپا*، (۱۵).

طاهری، غزاله (۱۳۹۲). طراحی و تبیین الگوی ملّت‌سازی پایدار. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۲(۷)، ۳۴-۶۷.

عزیزی، امین (۱۳۹۵). آموزش و پرورش چندزبانگی: سوئیس. *ماهنامه چپا*، (۱۵).

عیلانی، رزیتا (۱۳۹۱). *از هویت زبانی تا پایداری فرهنگی*. در همایش زبان مادری. گرگان: دانشگاه آزاد گرگان.

عیوضی، یاور و دیگران (۱۳۹۷). مروری بر مطالعات قومی در ایران. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۱(۴۲)، ۱-۳۶.

فتحی، محمد (۱۳۹۳). *اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان: اصل پانزدهم*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). نقش زبان و هویت‌های قومی و محلی در توسعه نظام آموزش عالی. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۹)، ۱۲۷-۱۶۰.

قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۲). اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۶(۴)، ۸۵۳-۸۷۲.

قانون اساسی ج.ا.ایران (۱۴۰۰). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و تتمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸*. به کوشش: جهانگیر منصور، تهران: نشر دوران.

قمری، محمدرضا و حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۹). نقش زبان در هویت ملی. *فصلنامه زبان‌پژوهی*، ۲(۳)، ۱۵۳-۱۷۲.

کعبی، عباس (۱۳۹۴). *تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل مبانی اصل پانزدهم قانون اساسی*. تحقیق و تنقیح محسن ابوالحسنی، تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان.

کلان، امیر (۱۳۹۷). *چه کسی از آموزش چند زبانه می‌هراسد؟* ترجمه هیوا ویسی، بی‌جا: نشر الکترونیکی.

کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۲)، ۱۸۹-۲۰۸.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.

مارجر، مارتین (۱۳۷۷). سیاست قومی. *مطالعات راهبردی*، ۱(۱)، ۱۵۳-۱۸۲.

محمودی، سهیلا (۱۳۹۵). *مفهوم، مبانی و مؤلفه‌های حقوق زبانی در اسناد بین‌المللی و ترسیم الگوی مطلوب در نظام حقوقی ایران*. تبریز: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تبریز.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۴). پلورالیسم قومی ـ زبانی و هویت ملی. *انسان‌شناسی*، ۴(۷)، ۱۲۹-۱۴۶.

میرزائی، حسین (۱۳۹۳). مطالعه انسان‌شناختی هویت زبانی مهاجران افغان در ایران. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۸(۳)، ۱۰۹-۱۲۸.

ناظمی، امیر (۱۳۹۷). سیاست زبان در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸(۲۶)، ۲۴۱-۲۵۰.

نیازی، محسن و دیگران (۱۳۹۲). زبان و هویت. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹(۳۰)، ۲۲۹-۱۹۹.

هوشمند، احسان (۱۳۹۲). معنای آموزش زبان‌های قومی در قانون اساسی. *روزنامه ایران*، (۵۵۸۷).

هوشنگی، حمید (۱۳۹۹). برداشت‌های سیاستی و اجرایی از اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات ملی*، ۲۱(۸۴)، ۳-۲۴.

Joseph, J. E. (2006). Linguistic identities. *Language Problems and Language Planning*, 30(3), 261-267.

Rajagopalan, K. (2001). The politics of language and the concept of linguistic identit. *CAUCE, Revista de Filología y su Didáctica*, (24), 17-28.

References

Ailani, Rosita (1391). From linguistic identity to cultural stability, in the mother tongue conference. Gorgan: Gorgan Azad University. (In Persian)

Aryamnesh, Bashir (1390). The rights of minorities from the perspective of the constitution and international standards, the quarterly of excellence in law, 4(13-14), 77-94. (In Persian)

Ayeneneghini, Hossein (2014). Detailed description of the Constitution; Description of the fifteenth article of the constitution. Tehran: Guardian Council. (In Persian)

Azarshab, Mohammad Ali & Homayouni, Saadullah. (2014). Analyzing culture and its role in language teaching policies/planning, Linguistics Quarterly, 3(5), 116-89. (In Persian)

Azizi, Amin (2015). Multilingual Education: Switzerland, Chepa Monthly, (15). (In Persian)

Ebrahimi, Mehdi (2012). A series of detailed re-reading sessions of the Parliament's deliberations on the final review of the 1358 Constitution; Examining the fifteenth principle. Tehran: Guardian Council Research Institute. (In Persian)

Ejjali, Parviz (2013). Globalization and Persian language. Iran Social Studies, 8(3), 6-27. (In Persian)

Eyvazi, Yavar and others. (2017). A review of ethnic studies in Iran. Iran Cultural Research, 11(42), 1-36. (In Persian)

Fakuhi, Naser (1386). The role of language and ethnic and local identities in the development of the higher education system. Quarterly Journal of Cultural and Communication Studies, 3(9), 127-160. (In Persian)

Fathi, Mohammad (2013). The principles of the Constitution in the light of the views of the Guardian Council: the fifteenth principle. Tehran: Guardian Council Research Institute. (In Persian)

General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council (1364). Annotated form of the deliberations of the Parliament of the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Islamic Council. (In Persian)

Ghasemi, Mohammad Ali (1382). Minorities in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Strategic Studies Quarterly, 6(4), 853-872. (In Persian)

Golmohammadi, Ahmed (1381). Globalization, culture, identity. Tehran: No publication. (In Persian)

Haqpanah, Jafar (2014). Ethnic politics in the Islamic Republic of Iran. Public Policy, 1(2), 69-88. (In Persian)

Hoshangi, Hamid (2019). Political and executive perceptions of Article 15 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. National Studies, 21(84), 24-3. (In Persian)

Hoshmand, Ehsan (2012). The meaning of teaching ethnic languages in the constitution, Iran newspaper, (5587). (In Persian)

Hosseinibeheshti, MolukalSadat (2016). Terminology and word formation in German language. Tehran: Chapar Publishing. (In Persian)

Jordan, Terry & Rowntree, Leicester (1380). An introduction to the geography of culture. Translated by Tolai and Soleimani, Tehran: Culture, Art and Communication Research Institute. (In Persian)

Joseph, J. E. (2006). Linguistic identities. Language Problems and Language Planning, 30(3), 261-267.

Kabi, Abbas (2014). Analysis of the foundations of the system of the Islamic Republic of Iran; Analysis of the basics of the fifteenth article of the constitution. Mohsen Abolhosni's research and revision, Tehran: Office of Islamic Systemization Studies, Guardian Council Research School. (In Persian)

Kalan, Amir (2017): Who is afraid of multilingual education?, translated by Hiva Visi, Bija: electronic publication. (In Persian)

Kamali, Yahya (2017). Content analysis methodology and its application in public policy studies. Public Policy Quarterly, 4(2), 189-208. (In Persian)

Madrasi, Yahya (1384). Ethno-linguistic pluralism and national identity. Anthropology, 4(7), 129-146. (In Persian)

Mahmoudi, Soheila (2015). The concept, foundations and components of linguistic rights in international documents and drawing the ideal model in Iran's legal system, Tabriz: Tabriz University Faculty of Law and Political Sciences. (In Persian)

Marger, Martin (1377). Ethnic Politics. Strategic Studies, 1(1), 153-182. (In Persian)

Mirzai, Hossein (2013). Anthropological study of the linguistic identity of Afghan immigrants in Iran. Social Studies of Iran, 8(3), 109-128. (In Persian)

Nazimi, Amir (2017). Language Policy in the Islamic Republic of Iran. Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies, 8(26), 241-250. (In Persian)

Niazi, Mohsen & et al. (2012). Language and Identity. Cultural and Communication Studies, 9(30), 199-229. (In Persian)

Qamari, Mohammad Reza & Hassanzadeh, Mohammad (1389). The role of language in national identity. Linguistics Quarterly, 2(3), 153-172. (In Persian)

Rajagopalan, K. (2001). The politics of language and the concept of linguistic identit. CAUCE, Revista de Filología y su Didáctica, (24), 17-28.

Rasouli, Hossein & et al. (2015). Language policies of the first Pahlavi in Kurdistan and its consequences. Cultural History Studies, 8(30), 77-96. (In Persian)

Rezapour, Mohammad & Naderi, Mahmoud (2013). Globalization and ethnic pluralism in Iran. Strategic Studies of Public Policy, 5(17), 55-91. (In Persian)

Sajjadi, Seyyed Mehdi (2015). Language and Identity. Chapa Monthly,

(15). (In Persian)
Seifaldini, Salar (2013). Pathology of interpretations of Article 15 of the Constitution. Tehran: Public Policy Studies Network, 25th Mehr. (In Persian)
shine, glory; Eftekhari, Asghar & Redadi, Mohsen (2014). Thematic analysis of trust in the thought of Ayatollah Khamenei. Contemporary Political Studies, 6(17), 53-72. (In Persian)
Taheri, Ghazaleh (2012). Designing and explaining the model of sustainable nation building. Strategic policy researches, 2(7), 34-67. (In Persian)
The Constitution of Iran (1400). The Constitution of the Islamic Republic of Iran: the Constitution approved in 1358, amendments and changes and completion of the Constitution approved in 1368. Edited by: Jahangir Mansour, Tehran: Doran Publishing. (In Persian)
Turabi, Yusuf & Yousafali, Majidi. (2013). Investigating how to manage ethnic divides in Kurdistan, Islamic Republic of Iran. Strategic Policy Research, 3(11), 9-29. (In Persian)
Warai, Seyed Javad (1385). Fundamentals and documents of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Secretariat of the Council of Leadership Experts. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۲۱۱-۱۲۴۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴
مقاله پژوهشی

بررسی سواد انقلابی بر اساس گفتمان امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و آیت‌الله خامنه‌ای[1]

فرهنگ کدخدایی
دانشجوی دکتری، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
0000-0001-6752-638X farhangkadkhodaei@gmail.com
اسمعیل کاووسی
استاد گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
0000-0001-7234-5380 ekavousy@gmail.com
جعفر حسین‌پور سعادت‌آبادی
دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
0000-0002-8046-0466 j.sadat95@gmail.com
مصطفی حیدری هراتمه
دانشیار گروه اقتصاد و مدیریت، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.
0000-0001-9724-2644 heidarimu@yahoo.com
محسن عامری شهرابی
استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
0000-0002-1638-709X m_ameri_shahrabi@iau-tnb.ac.ir

چکیده

با ظهور انقلاب اسلامی، ارزش‌های دینی به عرصه عمل وارد شد و از آن زمان تجربیات یگانه‌ای در تمامی عرصه‌های سازمانی و مدیریتی به‌دست آمد؛ هدف از انجام این پژوهش بررسی سواد انقلابی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری می‌باشد. این پژوهش به‌لحاظ هدف کاربردی و به‌لحاظ روش کیفی و از نوع گراند تئوری می‌باشد. این پژوهش به‌دنبال مفهوم‌سازی سواد انقلابی از بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و همچنین سخنان مقام معظم رهبری است به این معنا که داشتن سواد انقلابی می‌تواند نشان از توان رشد و مهارت‌های پیش‌نیاز رفتارهای انقلاب اسلامی باشد که به‌صورت تمام‌خوانی تا رسیدن به اشباع نظری مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج نشان داد از سه نوع شناسه‌گذاری (مفهوم‌سازی) باز، محوری، انتخابی، ۴۵۰ گزاره، ۵۰ شناسه و مفهوم، ۲۰

۱. مقاله فوق مستخرج شده از رساله دکتری فرهنگ کدخدایی می‌باشد.

مقوله و ۶ فرامقوله به نام متغیرهای علی، محوری، مداخله‌گر، راهبردی، زمینه‌ساز و پیامدی به‌دست آمد. مفهوم «سواد انقلاب اسلامی» به‌عنوان مقوله‌محوری انتخاب شد و عوامل مورد نظر مرتبط در الگوی به‌دست‌آمده ارائه گردید. عوامل عبارت است از بصیرت انقلابی، ایمان انقلابی و تعالی‌گرایی به‌عنوان عوامل‌محوری؛ معنویت‌گرایی، خودسازی، آخرت‌گرایی و اسلام‌گرایی به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز؛ روحیه انقلابی، عزم راسخ، انسجام انقلابی و تعهد انقلابی به‌عنوان عوامل راهبردی؛ حافظ انقلاب، قانونمندی، عمل‌گرایی، خدمتگزاری و مدیریت جهادی به‌عنوان عوامل پیامدی؛ بینش انقلابی و ویژگی انقلابی به‌عنوان عوامل مداخله‌گر؛ تفکر انقلابی و آگاهی انقلابی به‌عنوان عوامل علی.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، سواد انقلاب اسلامی، سیدروح‌الله خمینی، سیدعلی خامنه‌ای، نظریه داده‌بنیاد.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

10.22034/scs.2023.421372.1510

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

عصر حاضر با مشخصه‌هایی همچون پیشرفت‌های سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، تولید و توسعه روزافزون دانش، تغییرات و تحولات پیچیده شناخته شده است. در این شرایط بمباران اطلاعاتی ملت‌های انقلابی از جانب استکبار جهانی و ایادی مزدورشان باعث فاصله‌گیری احاد جامعه به‌خصوص جوانان از اصول انقلابی می‌گردد. پرورش جوانان انقلابی و مکتبی بر اساس شاخصه‌های انقلابی‌گری نشئت گرفته از اصول انقلاب برای حفظ و تداوم انقلاب از ضروریات می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین راهبردهای نظام سلطه طی ۳۷ سال گذشته جهت مواجهه با ایران را باید تلاش برای «تغییر هویت انقلاب اسلامی» دانست که بخشی از آن در بعد «تخاصم با استکبار، یاری رساندن به مظلوم و ایستادگی در مقابل ظالم» معنا پیدا می‌کند و یقیناً حذف گام به گام چنین مؤلفه‌ای از گفتمان انقلاب اسلامی به‌معنای تن‌دادن به نظامی اسلامی است که خاصیت و مؤلفه‌های اساسی خود را از دست داده و چیزی جز پوسته آن باقی نمانده است. چنین هدفی در دو سال اخیر شکل جدی‌تری به‌خود گرفته و طی ۲۰ ماه مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ مصادیق فراوانی را می‌توان برای آن پیدا کرد. جریان‌های همسو با غرب همچنین در ادامه به کمک رسانه‌های وابسته به‌خود تلاش کرده با به‌کارگیری ابزارهای عملیات روانی، روحیه «انقلابی‌گری» را مساوی با تندروی و افراطی‌گری القا کند و نگرش‌های مبتنی بر ایستادگی در مقابل نظام سلطه را تقبیح و ضدارزش جا بیندازد. نکته دیگری که مورد توجه این جریان قرار دارد، این نکته است که آن‌ها تلاش می‌کنند افکار عمومی داخلی به این نتیجه برسد که غرب به سردمداری آمریکایی‌ها آنقدر هم ترسناک و خطرناک نیست که طی ۳۷ سال اخیر برای مردم جا انداخته‌ایم.

ازسوی‌دیگر سواد کلید ورود ما به دنیاست و باعث شناخت بهتر ما از زندگی و جامعه می‌شود. طی سال‌های اخیر، تغییرات زیادی در دیدگاه ما در مورد سواد ایجاد شده است و امروزه ما به اهمیت سواد بیش از قبل آگاه هستیم. در گذشته، سواد را بیشتر توانایی خواندن و نوشتن می‌دانستند؛ اما در عصر جدید برخی از صاحب‌نظران منظور از سواد را توانایی و آمادگی افراد برای مشارکت در سرنوشت خود و پیشرفت و توسعه جامعه می‌دانند؛ بر همین اساس سواد شالوده آگاهی و تفکر انسان‌هاست (سرینی واسولو، ۱۳۷۸).

سواد انقلابی چگونگی حفظ عملکرد پایداری و ماندگاری در انقلاب است. سواد

انقلابی شامل محتوا، نگرش و شناخت‌های فردی، اجتماعی، دینی و سازمانی است که مدیران باید درک کنند تا قادر به ماندگاری در انقلاب جمهوری اسلامی ایران باشند. نیروهای اجتماعی در هر انقلابی شامل رهبران نهضت، شخصیت‌های حاکمیت، احزاب، طبقات، اقشار و مدیران نظام است که در تحولات انقلابی و سیاسی نقش دارند. وضعیت و کیفیت نیروهای اجتماعی در پیروزی، تداوم، حفظ، بی‌ثباتی و ثبات، تحقق و یا عدم تحقق اهداف و آرمان‌ها نقش محوری دارد. خواص در انقلاب‌ها، همواره نقش بسیار تعیین‌کنندهای همچون هدایت افکار عمومی، ترجمان اندیشه‌های رهبری، برخورداری از محبوبیت در زمینه آماده‌سازی مردم و تحقق انقلاب ایفا می‌کنند. حرکت خواص و مدیران و ایفای نقش تعیین‌کننده آنان در فرایند شکل‌گیری انقلاب، مقاطع حساسی را پدید می‌آورد که از الزام‌های آن، آزمون خواص و آسیب‌شناسی تفکر و رفتار آنان است؛ زیرا در هر انقلابی، مراحل و مقاطع حساسی هست که زمینه‌ساز ثبات و یا تغییر وضعیت در خواص می‌شود (سعیدی شاهرودی و دیگران، ۱۳۹۵). تحلیل مفهومی سواد انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که منظومه معرفتی سواد انقلاب اسلامی تلاش می‌کند زمینه‌های شناختی و توانایی لازم را به‌منظور تصمیم و کنش در قالب صلاحیت‌هایی برای مدیران انقلاب آموزش دهد (عامری و فاضلی، ۱۳۹۸، ص. ۳۲).

امروز در سطح کشور و در میان آحاد مردم از یک طرف و در سطوح احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های رسمی و شناخته‌شده ارزشی از طرف دیگر، ظرفیت‌های بالایی وجود دارد که متعلق به جریان فرهنگی مؤمن و انقلابی است؛ لکن جزیره‌ای عمل کردن این مجموعه‌ها و بعضاً انجام اقدامات تکراری و غیرضرور، باعث شده تا این جریان نتواند از ظرفیت‌های خود به‌خوبی استفاده کند؛ بنابراین موفقیت جریان فرهنگی مؤمن و انقلابی در کشور، در گرو جبهه‌ای و منسجم عمل کردن آنان با رویکرد هم‌افزایی ظرفیت‌هاست. نیروهای فعال در عرصه فرهنگی سیاسی کشور با توجه به ویژگی‌ها و شاخص‌های نیروهای مؤمن و انقلابی از منظر انقلاب اسلامی و مکتب امام و رهبری، باید یکدیگر را شناسایی کرده و در مسیر همگرایی و انسجام با یکدیگر پیش‌قدم شده و با رسیدن به سازوکارهای مناسب، معقول و منطقی، در نهایت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را تشکیل دهند. ملاک همگرایی تمامی تشکل‌ها و گروه‌های فرهنگی سیاسی در کشور، باید همین شاخص‌ها و ویژگی‌ها باشد.

انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی ازجمله موضوع‌هایی است

که از زوایای مختلف و در چهارچوب نظریات و الگوهای گوناگون مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. محوریت اصلی بیشتر تحقیقات، پردازش و تحلیل علل و عوامل دخیل در شکل‌گیری انقلاب بوده است. خلأ تحقیقاتی که در این بین هست، توجه نکردن به مسئله تداوم انقلاب اسلامی و تحلیل علل و عوامل و ارائه نظریه‌ای مبنی بر دخالت در آن است. هرچند با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش حاضر، مطالعات متعددی در حوزه مدیریت، انقلاب و سواد صورت گرفته است؛ اما کاوشی از مفاهیم سواد انقلاب اسلامی بر محور منظومه فکری مقام معظم رهبری صورت نگرفته است. برای نهادینه‌سازی و شناخت نحوه تأثیر این مؤلفه‌ها بر جامعه، طراحی مدل و ارائه مدل، ضروری می‌باشد. این موضوع پژوهشگر را بر آن داشت که در فکر طراحی مدلی باشد تا بتواند علاوه‌بر به‌هنگام‌سازی و تبیین مؤلفه‌های سواد انقلابی، به‌کارگیری آنها را در نظام اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و حتی گروه‌ها و تشکل‌های همسو در خارج از مرزهای ایران اسلامی تسهیل نماید.

۱. اهداف پژوهش

۱- تبیین مؤلفه‌های سواد انقلابی در نظام انقلاب اسلامی؛

۲- مفهوم‌سازی تا سنجش‌پذیری سواد انقلابی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری.

۲. سؤال‌های پژوهش

۱- مؤلفه‌های سواد انقلابی در نظام انقلاب اسلامی کدامند؟

۲- مفهوم‌سازی تا سنجش‌پذیری سواد انقلابی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری چگونه است؟

۳. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های پیشین انجام شده مفاهیم حوزه سواد انقلابی مورد بررسی قرار گرفته است که خلاصه‌ای از این تحقیقات در جدول ۱ آورده شده است.

جدول (۱): پیشینه پژوهش

ردیف	محقق/ سال	عنوان	نتایج
۱	کچویان و همکاران (۱۴۰۱)	انقلابات؛ ظهور جمعی امر قدسی و تأسیس	دورکیم در پاسخ به این مسئله از تجربه جامعه به‌عنوان عنصر پیونده‌دهنده ارزشی نام می‌برد و وبر کاریزما را به‌عنوان ارزش‌گذاری می‌داند که افراد از

ردیف	محقق/ سال	عنوان	نتایج
		نظم اجتماعی	طریق تسلیم یا ایمان به‌کاریزما با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند. مفاهیمی مانند امر قدسی، غلیان جمعی، جوش‌وخروش جمعی، کاریزما و خلسه‌های جمعی در دورکیم و وبر با یکدیگر همپوشانی دارند که امکان فهم تغییرات بزرگ اجتماعی به‌واسطه ترکیب این مفاهیم را مهیا می‌کنند.
۲	محقق (۱۴۰۱)	راهکارهای تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب و آیت‌الله مصباح یزدی	با مراجعه به آثار و سخنان این دو اندیشمند اسلامی به این نتیجه رسیده‌ایم که راهکارهایی را که این دو متفکر اسلامی برای تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی مطرح و ارائه کرده‌اند، به دو بخش تقسیم می‌شود: راهکارهای بنیادی و علمی و راهکارهای عملی که با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی این راهکارها مورد تحقیق و بازخوانی قرار گرفته است.
۳	کوهساری و همکاران (۱۴۰۱)	تحلیل و جستاری ناظر بر چیستی و چگونگی تحقق نظام انقلابی	این نوشتار می‌کوشد به روش کیفی و با استفاده از منابع اسنادی، ضمن بررسی انتقادی نظریات مهم انقلاب و جنبش‌های اجتماعی و با تکیه بر نظریه جنبش اجتماعی و نگاه بدیع و خلافِ آمد امام خمینی به انقلاب اسلامی، امتناع همزیستی انقلاب و نظام به‌مثابه یک قاعده کلی را رد کرده و چیستی و چگونگی همزیستی انقلاب و نظام در ایران را بررسی کرده و مدلی برای توضیح چگونگی تحقق نظام انقلابی ارائه بدهد.
۴	حاجی ناصری و همکاران (۱۴۰۱)	اندیشه نوسازی در بستر دولت مدرن و جنبش انقلابی در ایران معاصر	با تکیه بر جامعه‌شناسی تطبیقی ـ تاریخی نمایاندیم که اندیشه نوسازی هم‌راستا با دولت مدرن بروز یافت و این‌همانی میان این دو مفهوم شاید از نتایج سال‌های پسامشروطه بود؛ اما اندیشه نوسازی و دولت نوین در سال‌های پس از ۱۳۲۰ و به‌ویژه دو دهه ۵۰-۱۳۴۰ با نقد روشنفکران روبه‌رو شد؛ نقدی که دولت نوین را با تمام سازوبرگ‌هایش

ردیف	محقق/ سال	عنوان	نتایج
			فرسود و این نقد منطقاً با نقد اندیشه نوسازی هم‌معنا بود.
۵	وحیدی‌نژاد (۱۴۰۱)	توحیدگرایی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و جامعه‌سازی	نتیجه به‌دست‌آمده حاکی از آن است که التزام امام به توحیدگرایی نوعی خاص از کنش‌گری اجتماعی را در ایشان به‌وجود آورد که سبب تحول درونی مردم ایران شد. امام با توحیدگرایی خود سطح بالایی از کنش‌گری اجتماعی در مردم را به‌وجود آورد که به‌واسطه آن توانست به شکل‌دهی ساختاری جدیدی از جامعه بر مبنای توحید دست پیدا کند.
۶	داناهر و همکاران (۲۰۲۲)	اهمیت هنجاری انقلاب‌های اخلاقی آینده	هدف ما این نیست که هیچ‌یک از این پاسخ‌های هنجاری ادعایی را صحیح بدانیم. در عوض، هدف ما طبقه‌بندی و هم‌دید است: ما مروری بر پاسخ‌های متفاوتی ارائه می‌دهیم که چشم‌انداز انقلاب‌های اخلاقی آینده به آنها منجر می‌شود و تحلیل می‌کنیم که چگونه این پاسخ‌ها با قضاوت‌های قطعیت و عدم قطعیت تعدیل می‌شوند، خواه از نظر عملی یا معرفتی جهت‌گیری شوند، و تا چه حد به مفروضات اخلاقی و فرااخلاقی بستگی دارند.

با ملاحظه سوابق پژوهشی مرتبط، موضوعاتی از قبیل انقلابات؛ ظهور جمعی امر قدسی و تأسیس نظم اجتماعی، راهکارهای تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب و آیت‌الله مصباح یزدی، تحلیل و جستاری ناظر بر چیستی و چگونگی تحقق نظام انقلابی، اندیشه نوسازی در بستر دولت مدرن و جنبش انقلابی در ایران معاصر، اهمیت هنجاری انقلاب‌های اخلاقی آینده و توحیدگرایی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و جامعه‌سازی پرداخته شده است اما به‌صورت جامع و کاربردی در مورد مؤلفه‌های سواد انقلابی در نظام انقلاب اسلامی و نحوه ارتباط مؤلفه‌های سواد انقلابی با یکدیگر و همچنین شیوه یا شیوه‌های مورد

توجه قرار دادن مؤلفه‌های سواد انقلابی به‌منظور افـزایش اثربخشـی اهـداف انقـلاب اسلامی تحقیق جامعی صـورت نگرفتـه کـه در پـژوهش حاضـر بـه ایـن موضـوعات پرداخته شده است.

۴. ملاحظات نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

۴-۱-۱. سواد انقلاب اسلامی

سواد یعنی توانایی خواندن و نوشتن؛ این اولین مفهومی است که با رویارویی با این واژه غالباً به ذهن متبادر می‌شود. مفهوم سواد با مفهوم اکتساب در پیوند است. اکتساب بیانگر این است که مهارت‌ها و توانایی‌های متناظر با سواد، اموری نیست که زیستی و در فرایند رشد خودبه‌خودی در انسان ایجاد شود.

در نگاه نخست «سواد انقلاب اسلامی»را می‌توان ترکیبی از اصطلاح انقلاب اسلامی و سواد دانست. قرارگیری واژه سواد در کنار انقلاب اسلامی بدین‌معناست که کنش‌های انقلاب اسلامی را به‌نوعی توانش وابسته سازد که مانند دیگر سوادها قابل اکتساب است؛ بنابراین واژه «سواد» می‌تواند نشان از توان رشد و مهارت‌های پیشنیاز رفتارهای انقلاب اسلامی باشد (عامری و فاضلی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵).

اگرچه هیچ‌گونه شواهدی در ادبیات انقلاب، دال بر ارائه الگوی سواد انقلاب اسلامی و نظریاتی درباره آن نیست به نظر می‌رسد سواد انقلاب اسلامی را می‌توان مجموعه‌ای از مهارت‌ها و نگرش‌ها و دانش‌های لازم به‌منظور درک و فهم شناخت و پایداری در امتداد انقلاب نامید. سواد انقلابی پایه سازمان شناختی است که مدیران را در مقابل تهدیدات و چالش‌های پنهان انقلاب محفوظ دارد؛ بدین‌منظور ارتقای مهارت‌شناختی، توسعه تفکر خلاقانه و تقویت رفتارهای مانایی از مهم‌ترین مباحث مورد نیاز مدیران به‌منظور حرکت در گام دوم انقلاب تلقی می‌شود. سواد انقلابی، چگونگی حفظ عملکرد پایداری و ماندگاری در انقلاب است. سواد انقلابی شامل محتوا، فرایندها و نگرش‌هایی است که مدیران باید درک کنند تا قادر به ماندگاری در انقلاب جمهوری اسلامی ایران باشند.

سواد انقلابی را می‌توان در آگاهی مدیران از شرایط انقلاب، شناخت رفتارهای انقلابی و درک و تعلق به انقلاب تعریف کرد. تفکر، پایه و اساس رفتارهای انسانی، و درک و شناخت ریشه تفکر است. با افزایش درک و شناخت مدیران نسبت به انقلاب، شاهد رفتارهای پایدارتر و مسئولانه‌تری در برابر انقلاب خواهیم بود. سواد انقلاب

اسلامی به شناخت و درک عمیق و ژرف‌نگر در حوزه عملکردی اشاره می‌کند که مستلزم نگرشی کلی‌نگر به مسائل انقلاب است. کل‌نگری در مسائل انقلاب بدین‌معناست که مشکلات را جدا از متن کلان و بدون ارتباط با دیگر مسائل نمی‌توان مورد بررسی و کاوش قرار داد. بدیهی است باید انتظار داشت مدیران شناخت عمیقی درباره انقلاب و موضوعات مرتبط با آن فرا گیرند تا نسبت به خطرهای بالقوه و وقوع چالش‌های آسیب‌پذیر به انقلاب کنجکاو و به‌صورت پرسش‌گرانه فعال باشند (عامری و فاضلی، ۱۳۹۸، ص. ۴۸).

به نظر می‌رسد مفهوم دیگر مستتر در مفهوم سواد، مفهوم صلاحیت باشد. مفهوم صلاحیت، نوعی از سطح قابل و ضروری در یادگیری مطرح می‌سازد که باید از طریق انواع روش‌های ارزشیابی از تحقق آن اطمینان یافت. سپس، می‌توان فرد را باسواد تلقی نمود. علاوه‌براین، مفهوم دیگری که می‌توان در مفهوم صلاحیت بازشناخت، مفهوم توانش است. مفهوم توانش یا قابلیت که اشاره به قابلیت توانمندی فرد دارد، لزوماً به امری به ظهور رسیده و کاملاً مصرح نیست بلکه دلالت بر نوعی بالقوه و نهفته بودن دارد که در آینده می‌تواند به ظهور برسد. بر این اساس مفهوم دیگری که در مفهوم صلاحیت می‌توان یافت، مفهوم نهفتگی و بالقوگی است (سجادیه، ۱۳۹۴، ص. ۹۱).

لذا با توجه به مفاهیم ذکر شده به چهار شاخصه اصلی سواد انقلابی و مؤلفه‌های مرتبط اشاره خواهد شد:

۱- رابطه با خدا: الف) ایمان و تدین؛ ب) تقوا و طهارت؛ ج) توکل و اعتماد به خدا؛ د) عدل و عدالت‌طلبی؛ هـ) تلاش با نیت الهی.

۲- رابطه با مردم: الف) صداقت و راستگویی؛ ب) سلامت و امانت‌دار؛ ج) تعهد به مردم؛ د) مردم‌داری و دلسوزی؛ هـ) برخورد با مخالف (مدارا).

۳- رابطه با خود: الف) مسئولیت‌پذیری؛ ب) صبر و استقامت؛ ج) اعتماد به نفس.

۴- کار و تلاش: الف) حرکت با برنامه؛ ب) عقل و علم و حکمت درکارها؛ ج) تشویق نیروهای با استعداد؛ د) آمادگی و استعداد انجام کار؛ و) همت مجاهدانه و پشتکار؛ ز) پایبندی به اوامر ولی زمان؛ ح) استفاده از ظرفیت کارشناسی «مشورت با دیگران».

۴-۲. چهارچوب نظری پژوهش

کلیدواژه «انقلابی‌گری» و «انقلابی‌بودن» از همان روزهای نخست مبارزات انقلابی بین مردم رواج داشت، انقلاب اسلامی با توجه به خصوصیات منحصربه‌فردی که دارد، از

دیگر انقلاب‌های جهان ممتاز بوده و مفهوم جدیدی از انقلاب به‌دست می‌دهد. برخی از این خصوصیات عبارت‌اند از: برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف اسلامی، استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان، بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد بشری، حاکم‌سازی فرهنگ توحیدی به‌جای فرهنگ الحادی و استبدادی. انقلاب، جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت‌های موجود، به‌دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است. نظور از انقلاب و انقلاب اسلامی چیست علت وقوع، ارکان و نقش انقلاب اسلامی در جهان چیست ازآنجاکه اقدام انقلابی همیشه با موفقیت همراه نیست، گروهی از اندیشمندان درعین‌حال که می‌کوشند انقلاب را از سایر اشکال تحولات خشونت‌آمیز متمایز سازند، سعی دارند تعریف انقلاب را به‌گونه‌ای مطرح کنند که شامل انقلاب‌های ناموفق نیز بشود؛ لذا بر نیات انقلابیون به همراه اهداف آنها تأکید می‌کنند. انقلاب نوعی عصیان و طغیان است علیه نظم موجود و وضع حاکم به‌منظور برقراری نظمی مطلوب. در این پژوهش به روش اسنادی توصیفی و با رویکرد قرآنی روایی نتیجه می‌گیرد که انقلاب اساساً یک پدیده نوین و بخشی از فرهنگ سیاسی نوین است. گرچه نمونه‌های مشابه آن را از قدیم عمدتاً در نهضت پیامبرانی که حرکت سیاسی داشته‌اند مثل پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سراغ گرفته‌اند، ولی به‌طورکلی در دنیای پیش‌نوین، انبوهی شورش از شورش‌های بردگان تا شورش‌های دهگانی را مشاهده می‌کنیم، که معمولاً هم سرکوب می‌شوند و به تغییر روابط سلطه نمی‌رسند. انقلاب پدیده‌ای است که ما در دنیای نوین روبه‌رو هستیم؛ چون بر مقدمات و مبانی نوینی استوار است. در همین عصر است که حق الهی پادشاهی مورد انکار قرار گرفت، شوریدن بر علیه پادشاه ظالم نه‌تنها تقبیح نشد، که مورد توصیه و ترویج قرار گرفت. در همین عصر بود که امتیازات ذاتی و انحصاری اشراف مورد تردید و بلکه تهدید قرار گرفتند و طبقه متوسط و اشراف جدیدزاده شدند.

در تبیین و تفسیر حقیقت انقلاب امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) باید گفت: با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، دنیا شاهد رخداد یک معجزه عظیم الهی بود، و این واقعیتی است که بارها پیر و مرادمان بر آن تأکید نمودند: یک تحول روحی در جامعه پیدا شد که من غیر از آنکه بگویم یک معجزه بود یک اراده الهی بود، نمی‌توانم اسم دیگری رویش بگذارم و باز می‌فرماید: در این‌جا حساب الهی است، اینجا دست خداست، اشخاص نمی‌توانند یک همچو قدرتی ایجاد کنند. این اراده

الهی است که تمام حساب‌های حساب‌گران مادی را باطل کرد. امام (رحمت‌الله‌علیه) در تعریف و تعیین اهداف انقلاب اسلامی، رهبری جریان مبارزه، مواجهه با قدرت‌های افزون‌طلب و تاکتیک‌ها و روش‌های حفظ و استمرار دستاوردهای انقلاب اسلامی، دارای دکترین سیاسی ویژه و منحصربه‌فرد بودند، دکترین سیاسی امام بر پایه مبانی ثابت و استوار و خدشه عمیق به غیب و امداد غیبی، ایمان خلل‌ناپذیر به تعالیم اسلام و وحی، اتکا و توکل راسخ بر قدرت لایزال الهی، و تکلیف‌مداری مطلق و... قرار داشت، دکترین سیاسی که به اعتراف غریبان غرب از شناخت آن عاجز مانده است. به تعبیر دقیق‌تر، اندیشه سیاسی امام که پایه اصلی و عنصر حیاتی شروع و استمرار جریان انقلاب اسلامی بوده است نتیجه منطقی تفسیر عرفانی ایشان از هستی و معنی وجودی انسان و... می‌باشد. امام با بهره‌گیری از اندیشه نو و ریشه‌دار الهی خود در صحنه سیاست بین‌المللی نه‌تنها با توفیق در سرنگونی رژیم قدرتمند پهلوی به هدایت جریان جهانی انقلاب اسلامی پرداخت بلکه با ارائه تفکری جدید و فرهنگی و کاملاً دینی و الهی و نفی آموزه‌های مکاتب مادی مدنیت غرب را نیز به چالش کشاند. به این لحاظ، نوآوری امام نسبت به دنیای معاصر، قبل از آنکه در سطح عمل سیاسی باشد در افق اندیشه سیاسی است، اندیشه سیاسی حضرت امام درنسبت با دنیای معاصر دارای نوآوری‌های فراوانی است و می‌شود گفت که نقطه عطفی را برای اندیشه سیاسی معاصر به‌وجود آورد.

شناخت شاخصه‌های انقلابی ماندن در تبیین ابعاد شخصیتی و فکری فرد انقلابی اهمیت دارد در این مقاله تلاش شده است این شاخصه‌ها با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) معرفی شود ابتدا به ویژگی‌های شخصیتی و فردی و سپس به مبانی فکری این شخصیت پرداخته شده است. و برای تبیین این شاخص‌ها به بررسی الگوهای معرفی شده در قرآن کریم توجه شده است و درنهایت شش مورد شاخصه فردی، شامل (سلامت فکری، شجاعت در اقدام وآمادگی برای ایثار، تدین و تقوا، ساده زیستی، وفاداری، صداقت، ثبات و ایستادگی بر موضع حق) و سه مورد از اصول و مبانی فکری (عدالت‌خواهی، مقابله با استکبار، کفر و نفاق، حفظ ارزش‌ها و پایبندی به انقلاب) که لازمه انقلابی ماندن می‌باشد، برداشت شده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در سال ۵۷ شیوه‌های جدید در مدیریت کشور و جامعه مطرح گردید که بازتاب بازگشت به نهضت اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌باشد. در مدیریت انقلابی که از سوی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و در بیانات مقام معظم رهبری مکرر به آن

توصیه شده، تحقق آرمان‌های انقلابی مدنظر است و رسیدن به جامعه‌ای که تخصص با تعهد همراه باشد. تعهدی که به‌دنبال خودش یک جریان مطلوب را در اداره‌ها، سازمان‌ها و نهادها ایجاد می‌کند و وجدان کاری سایر افراد را نیز بیدار می‌کند و به خدمت وامیدارد، خدمتی که در آن رفتن به‌سوی جامعه‌ایی پویا و خودکفا مدنظر است. شناخت و تبیین مدیریت انقلابی اسلامی که لازمه پیشبرد اهداف یک انقلاب می‌باشد از آن جهت امری لازم و ضروری است که در متون شرع مقدس و مباحث اسلامی و از زبان امامان شیعه مخصوصاً حضرت علی (علیه‌السلام) و اخلاف راستین این پیشوایان همام همچون مقام معظم رهبری سفارشات موکدی شده است؛ لذا نگارنده در این مقاله، به شیوه توصیفی و به روش تحلیل اسنادی در خصوص بررسی مؤلفه‌های مدیریت انقلابی، روایات نقل شده از امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه را استخراج نموده و ضمن گزارش روایات و سخنرانی‌ها به تبیین موضوع و تحلیل محتوا پرداخته است. بررسی نهج‌البلاغه این موضوع را اثبات می‌نماید که این کتاب برنامه مدیریتی جامع و کامل برای ملت‌ها داشته و شناخت بیشتر ابعاد مختلف شخصیتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه به‌عنوان الگوی مدیریت اسلامی برای مدیران انقلابی است. ازجمله موارد قابل ذکر در مدیریت انقلابی نهج‌البلاغه می‌توان به رابطه با خدا، ایمان و تدین، تقوا و طهارت، توکل و اعتماد به خدا، تلاش با نیت الهی، صداقت و راستگویی، سلامت و امانت‌داری، مردم‌داری و دلسوزی، مسئولیت‌پذیری، صبر و استقامت، اعتماد به نفس، کار و تلاش، حرکت با برنامه، همت مجاهدانه و پشتکار و غیره اشاره نمود.

اسلام، تنها مکتب جامع و توحیدی است که با داشتن طرحی کامل برای زندگی بشر، می‌تواند عدالت صلح، امنیت، آزادی و ارتقای معنوی انسان را تضمین کند. مردم بر اساس اعتقاد به امامت و تداوم آن و ایمان به مسونیت عمومی در زمینه ایجاد حاکمیت قانون و ارزش‌های الهی، هرگونه رابطه و همکاری با نظام‌های غاصب را نامشروع دانسته و نافرمانی در برابر حامیان این نظام‌ها و ریشه‌کن کردن نهادهای وابسته به آن‌ها را فریضه‌ای اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌کنند. انقلاب اسلامی یعنی انقلاب و مبارزه‌ای که هدف آن صرفاً برقراری ارزش‌های اسلامی است و احیای ارزش‌های اسلام راستین، را صحیح حرکت انقلاب ماست. شاخصه اصلی انقلاب اسلامی ایران، همان مکتبی و اسلامی بودن آن است. این مقاله برآن است تا مبنا و محورهای انقلابی ماندن را بر اساس آیات و روایات بررسی نماید. اگر فرد انقلابی، طرق آموزهای قرآن و روایات پیش رود و تمام معیارهای آن را رعایت نماید، مبنا و اساس انقلابی ماندن حفظ می‌شود.

۵. روش پژوهش

این پژوهش به‌لحاظ هدف کاربردی و به‌لحاظ روش کیفی و از نوع گراندد تئوری خواهد بود. در این پژوهش گردآوری داده‌ها با استفاده از بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی در صحیفه ۲۱ جلدی و همچنین سخنان مقام معظم رهبری انجام خواهد شد. راهبرد مورد استفاده در این پژوهش «نظریه داده‌بنیاد» می‌باشد محدوده زمانی این پژوهش مربوط به سخنان رهبری نیمه دوم سال ۱۳۹۸ می‌باشد.

در این پژوهش جهت سنجش‌پذیری سواد انقلابی از منظر حضرت امام و مقام معظم رهبری، خبرگان جامعه علمی و متخصصان دانشگاهی در حوزه‌های مدیریت فرهنگی و انقلاب اسلامی بودند که از سوابق اجرایی در سطوح تصمیم‌گیری برخوردار بوده و در زمینه ریشه‌یابی انقلاب آثاری از خود به چاپ رسانده باشند که به اصطلاح خبرگان آگاه نام دارند.

پژوهش پیش‌رو سعی دارد تا با روش تحلیل مضمون و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به سؤال‌های پژوهش پاسخ دهد و برای این مهم با احصای ۳۵ سخنرانی مستقیم آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و یک پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و تحلیل قالب مضامین فرمایشات ایشان و کدگذاری مضمون‌ها، مضامینی که در ابتدا در میان این ۳۵ سخنرانی ناپیدا بودند از متن استخراج شدند و در گام اول جملاتی که در متن وجود داشته‌اند مورد تحلیل قرار گرفتند و مضامین درونی آن‌ها استخراج شد و این مضامین ترکیب، ادغام و باز سازمان‌دهی شدند و به مفاهیم انتزاعی‌تری به نام مضامین سازمان‌دهنده دست یافته شد و مضامین فراگیر که عام‌ترین نوع مفاهیم موجود در متن مورد بررسی بود از این مضامین سازمان‌دهنده استخراج شدند. نتایج حاصل از این مرحله به دلیل وسعت مطالب و گستردگی مفاهیم در قالب جداول و محورهایی به‌صورت تلخیص شده ارائه می‌شود.

تحلیل موجود در این متن ما را به الگویی رساند که توضیح‌دهنده ساختار و منطق کلی متن است و بر این اساس، مبنای سؤال‌های اولیه مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته به‌صورت ساختارمند و کاملا مشخص شکل گرفت و این مرحله در دو زیرمجموعه به تبیین یافته های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و صاحب‌نظران مدیریت تصویر امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) پرداخت. به‌نحوی‌که در اولین زیرمجموعه مرحله مصاحبه ارزیابی مصاحبه‌شوندگان از وضعیت کنونی و آسیب‌شناسی مدیریت تصویر امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در تلویزیون صورت

پذیرفت تا پاسخی برای سؤال های فرعی پژوهش باشد و در زیر مجموعه دوم یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مصاحبه‌شوندگان در قالب جداولی که به صورت مقوله و زیرمقوله ترسیم شده‌اند، خلاصه شده است تا از این طریق به فهرستی از راهنمای عمل مدیریت تصویر امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) دست‌یافته و به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شود.

۶. یافته‌های پژوهش

سؤال اول: مؤلفه‌های سواد انقلابی در نظام انقلاب اسلامی کدامند؟

پاسخ به سؤال اول: پس از جمع‌آوری، تحلیل شبکه‌ای مضامین و کدگذاری داده‌های ۳۵ سخنرانی مستقیم آیت‌الله خامنه‌ای، انبوهی از کدهای اولیه به‌دست آمد که با توجه به تکرار شماری از آن‌ها و همپوشانی این داده‌ها، مضامین اصلی این فرمایشات به‌صورت کل به جزء در قالب جداولی طبقه‌بندی شد. شایان ذکر است که مضامین و محورهای این جداول، زیرشاخه‌ها و مضمون‌های فرعی متعددی را نیز شامل می‌شوند.

به یافته‌های ذیل در خصوص مؤلفه‌های اصلی سواد انقلابی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای دست پیدا کرده‌ایم که در جدول (۲) در قالب محورهای کلی و مصادیق فرمایشات ایشان به‌صورت مختصر آمده است.

جدول (۲): قالب محورهای کلی و مصادیق فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای

ردیف	مؤلفه‌های اصلی سواد انقلابی	نقل‌وقول
۱	صیانت از نهضت انقلاب اسلامی	ختام سخن آن است که دوران ده‌ساله حیات مبارک امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، الگو و نمونه حیات جامعه انقلابی ماست و خطوط اصلی انقلاب، همان است که امام ترسیم فرموده است. امام خمینی، یک حقیقت همیشه زنده است. نام او پرچم این انقلاب، و راه او راه این انقلاب، و اهداف او اهداف این انقلاب است. امام اصول انقلاب و چهارچوب ها را آن چنان مستحکم و دقیق و روشن ترسیم کرد تا جریان های مسئله عالم نتوانند این انقلاب را مثل بقیه تحولات سیاسی در هاضمه فرهنگی خود هضم کنند و از بین ببرند. نقشه راه هم در مقابل ما است. ما نقشه راه داریم . نقشه راه

ردیف	مؤلفه‌های اصلی سواد انقلابی	نقل‌وقول
		ما چیست؟ نقشه راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه بر آن توانست آن ملت عقب افتاده سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه راه ما را تشکیل می‌دهد. هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چهارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی ملل هضم شود. شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، یا شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی که تعالیم امام و خط اشاره انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب متکی به اصول ثابت و مستحکمی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه آن روز شرق ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه داری لیبرال اردوگاه غرب. امام ما برای حیات دوباره اسلام، درست همان راهی را پیمود که رسول معظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیموده بود؛ یعنی راه انقلاب را. در انقلاب، اصل بر حرکت است؛ حرکتی هدف‌دار، سنجیده، پیوسته، خستگی‌ناپذیر و سرشار از ایمان و اخلاص. نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، به پیروی از شیوه نبی اعظم و رسول خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و قله آفرینش عالم و آدم، حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در قالب یک انقلاب تمام‌عیار ظاهر شد و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌ای درست و منطقی استوار باشد، همچون آتش‌فشان، زلزله در تمام ارکان محی پدید می‌آورد و همه‌چیز و همه‌جا و همه‌کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد.
۲	حرکت به‌سوی معنویت‌گرایی	حقیقت اول که کسی منکر آن نیست و هیچ منصفی نمی‌تواند آن را انکار کند، این است که امام بزرگوار ما به اسلام و مسلمین قوّت و عزت بخشید. دشمنان اسلام، اسلام را ضعیف

ردیف	مؤلفه‌های اصلی سواد انقلابی	نقل‌وقول
		می‌خواستند. آن‌ها تلاش کرده بودند تا اسلام را از صحنه عمل بلکه از ذهن ملت‌های مسلمان چه برسد به غیر آن‌ها خارج کنند؛ متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده بودند. در این سیاست پلید، حکومت های فاسد و وابسته، با استکبار و شبکه جهانی دشمنان اسلام هماهنگی کامل داشتند.
۳	اسلام خواهی	اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، داشتن سواد انقلابی مستلزم مسئله اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان.
۴	هویت سازی و هویت بخشی	در حقیقت امام بزرگوارِ ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی.
۵	انحراف از خط امام	کسی که سواد انقلابی داشته باشد، قطعاً از خط امام (رحمت‌الله‌علیه) عدول نخواهد کرد. چالش درونی برای ملت ما عبارت است از اینکه روحیه و جهت نهضت امام بزرگوار را از نظر دور بداریم و فراموش کنیم و آن را از دست بدهیم؛ این بزرگ‌ترین خطر است. در شناخت دشمنمان اشتباه کنیم؛ در شناخت دوستمان اشتباه کنیم؛ جبه دشمن و دوست را باهم مخلوط کنیم، نفهمیم دشمن کیست؛ دوست کیست؛ یا در شناخت دشمن اصلی و فرعی اشتباه بکنیم، این هم خطر است. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزش های اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ این‌ها برای کشور ما خطر است. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این جاده پیش بروی. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقب گرد می‌رساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده

ردیف	مؤلفه‌های اصلی سواد انقلابی	نقل‌وقول
		است و در جاده پیشرفت قرار گرفته است. با این روشی که امام در پیش گرفته بود و در گفتار و کردار او منعکس بود، نمی‌شود انسان خود را در خط امام بداند، دنباله‌روِ امام بداند، اما باکسانی که صریحاً پرچم معارضه با امام و اسلام را بلند می‌کنند، خودش را در یک جبهه تعریف کند.
۶	درس آموزی از امام و مکتب امام	من آنچه نیازِ امروز می‌دانم، ایستادگی بر اصول انقلاب در درجه اوّل است. اصول انقلاب هم همان چیزهایی است که در وصیت‌نامه و بیانات امام وجود دارد؛ این‌ها پایه‌ها و ستون‌های انقلاب است. آنچه در اختیار ملت ایران و در معرض دید و فکر ملت ها در سراسر عالم است، ساخته و پرداخته آن دست توانا است. ما برای اینکه راه را درست بروی، باید نقشه معمار را بدانیم. اگر در یک بنای متعارف معمولی، نقشه در اختیار نباشد، نقشه اصلی معلوم نباشد، سازندگان و بنایان هرچه هم چیره‌دست باشند، ممکن است اشتباه کنند. امام بزرگوار ما، مجسمه‌ای از ارزش‌های انقلاب ما بود. از یکی از همسران پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خواستند که آن بزرگوار را توصیف کند. در جواب گفت: (کان خلقةالقران) یعنی قرآن مجسم بود. ما امروز درباره امام بزرگوارمان باید عرض کنیم که او اسلام انقلابی مجسم، اسلام ناب مجسم در زندگی و اخلاق و احساسات و تصمیم‌گیری ها و نیز فانی برای خدا بود. خدای متعال هم به او پاداش داد. کاری که به دست این بزرگوار در این دوران انجام گرفت، کاری بی‌نظیر بود. بعد از کار پیامبران اولوالعزم، کسی چنین حرکت عظیمی انجام نداده بود. من امروز مایلم یک نکته را در باب انقلابمان و در باب تأثیر عمل این عبد صالح خدا، به ملت ایران و به ملت‌های مسلمان عالم و به همه کسانی که در سطح جهان، نامی از انقلاب ما و از امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بزرگ ما

ردیف	مؤلفه‌های اصلی سواد انقلابی	نقل‌وقول
		شنیده‌اند، بگویم. این، مبنا و قاعده حرکت ماست. بر اساس همین بینش، ما زندگی و مبارزه و حرکت می‌کنیم. آن‌جمله این است که با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و با مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر عظیم الشانش، برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیاتی متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آمد. این عصر و این دوران جدید را باید دوران امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نامید. راه این ملت بزرگ ما که پرورده بیانات امام و هدایت‌های امام است، برای رسیدن به اوج اعتلا و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت ملی را در همه عرصه‌ها حفظ کند.
۷	اصل عدالت اجتماعی	کسی که سواد انقلابی داشته باشد راه امام (رحمت‌الله‌علیه) را ادامه می‌دهد. راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است. نکته چهارم در بُعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرفدار جدّی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدّت و حدّت رد می‌کرد؛ اشرافی‌گری را با تلخی رد می‌کرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود؛ طرف‌داری از مستضعفان شاید یکی از پُرتکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است. در دنیا هرجا که ندای عدالت‌خواهی بلند شده است، این انقلاب آنجا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حق جویان و عدالت‌خواهان عالم، همراهی کرده است. بسیاری از عدالت‌خواهان، آزادی‌خواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنج‌گانه عالم، می‌گویند: ما از انقلاب شما این درس را آموختیم و راست می‌گویند! این هم یک پیام است، پیام عدالت‌خواهی. امام حقایق فراموش شده اسلام را احیا کرد، عدالت‌خواهی اسلام را سر دست بلند کرد، ضدیت اسلام را با تبعیض و

ردیف	مؤلفه‌های اصلی سواد انقلابی	نقل‌وقول
		اختلاف طبقاتی و اشرافیت‌ها، علنی کرد. آخرین نکته که به‌عنوان شاخصه مکتب سیاسی امـام عـرض می‌کنم، مسئله عدالت اجتماعی است.

بر اساس فرمایشات و متن سخنرانی مقام معظم رهبری، مؤلفه‌های سواد انقلابی از نظر ایشان: صیانت از نهضت انقلاب اسلامی، حرکت به‌سوی معنویت‌گرایی، اسلام خواهی، هویت‌سازی و هویت‌بخشی، انحراف از خط امام، درس‌آموزی از امام و مکتب امام و اصل عدالت اجتماعی می‌باشد.

به دلیل اینکه هیچ‌کدام از مقوله‌های پژوهش از دیگر مقوله‌ها انتزاعی‌تر نبود برای پدیده‌محوری نام متناسب با موضوع پژوهش انتخاب می‌شود و سواد انقلابی به‌عنوان پدیده‌محوری در قلب دیگر مقولات در قالب الگوی پارادایم قرار گرفت.

جدول (۳): شرایط‌محوری

مفاهیم	فراوانی	زیرمقولات	مقوله اصلی
اسلام‌خواهی	۱۵	ایمان انقلابی	سواد انقلابی
اصل عدالت اجتماعی	۸	تعالی‌گرایی	
حرکت به‌سوی معنویت‌گرایی	۱۰		
هویت‌سازی و هویت‌بخشی	۶		
صیانت از نهضت انقلاب اسلامی	۷	بصیرت انقلابی	
انحراف از خط امام	۸		
درس‌آموزی از امام و مکتب امام	۱۰		

جدول (٤): شرایط علّی

مفاهیم	فراوانی	زیرمقولات	مقوله اصلی
لزوم نشر ماهیت تفکر کردن مسئولان در انقلاب	۱۵	تفکر انقلابی	شرایط علّی
تأکید بر تدبر در فعالیت‌های انقلابی	۱۳		
آگاهی از نقش انقلاب در مدیریت سازمانی	۱۰	آگاهی انقلابی	
درک و شناخت مفاهیم انقلاب	۱۸		
آگاهی از اثرات انقلاب در اداره امور	۷		

جدول (۵): شرایط محیطی

مفاهیم	فراوانی	زیرمقولات	مقوله اصلی
گرایش به معنویت و ذکر و توسل و حفظ روح معنوی	۱۰	معونت‌گرایی	شرایط زمینه‌ساز
توجه خاص مسئولان به خدای متعال و ایمان به خداوند	۱۲		
تأکید بر دوری از مادیات و جاه‌طلبی و پست و مقام	۸	خودسازی	
اهمیت تهذیب نفس و خودکنترلی	۶		
دین‌داری و تدین	۷		
نگاه مقصد الهی به کارها	۵	آخرت‌گرایی	
اعتقاد به نظارت الهی در کارها و عمل به تکلیف	۱۰		
وجود روحیه خدمت به اسلام	۱۱	اسلام‌گرایی	
نگاه اسلامی در کارها و محیط سازمان	۸		

جدول (٦): شرایط راهبردی

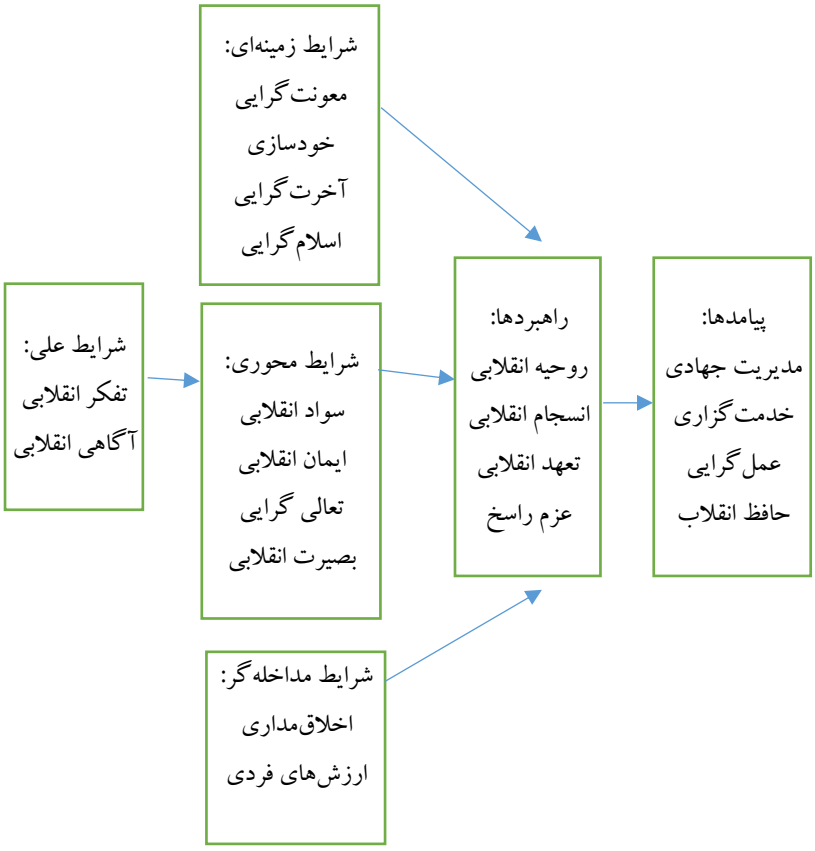
مفاهیم	فراوانی	زیرمقولات	مقوله اصلی
نقش انقلاب در تحولات روحی مسئولان	۱۰	روحیه انقلابی	شرایط راهبردی
تأکید بر حفظ حالت و شور انقلابی	۸		
نقش همدلی مسئولان در پیشرفت انقلاب	۶	انسجام انقلابی	
نقش وحدت کلمه در موفقیت مسئولان	۵		
پرهیز از بروز اختلاف سلیقه و برقراری ارتباط صمیمی	۷		
اهمیت و باور مسئولان نسبت به مسئولیت‌پذیری و تعهد	۸	تعهد انقلابی	
تأکید بر نقش تعهد و وظیفه‌شناسی مسئولان	۹		
تأکید بر ایستادگی و مقاومت و پایداری در انقلاب	۱۰	عزم راسخ	
داشتن حس عزت و قدرت در کارها	۵		

جدول (۷): شرایط پیامدی

مفاهیم	فراوانی	زیرمقولات	مقوله اصلی
اولویت منافع انقلاب بر منافع فردی	۵	مدیریت جهادی	پیامدها
کوشش و تلاش بی وقفه در کارها	۸		
خدمت‌گذاری شاخص سنجش مسئولان	۶	خدمت‌گذاری	
اعتقاد به روحیه خدمت کردن به مردم به‌عنوان عبادت	۱۰		
تأکید بر همسانی عمل و گفتار	۱۲	عمل‌گرایی	
اهمیت تحقق وعده‌های مسئولان در انقلاب	۱۵		
تأکید بر حفظ قانون اساسی و رعایت نظم و مقررات	۹	حافظ انقلاب	
تلاش در پیشبرد اهداف نظام اسلامی	۸		

جدول (۸): شرایط مداخله‌گر

مفاهیم	فراوانی	زیرمقولات	مقوله اصلی
پرهیز از انحطاط اخلاقی	۸	اخلاق‌مداری	مداخله‌گر
داشتن رفتار و گفتار اسلامی	۹		
لزوم و اهمیت صداقت و پاسخگویی به مردم	۱۰	ارزش‌های فردی	
تأکید بر اهمیت نقش امانتداری	۱۲		
نقش اخلاص در عملکرد و موفقیت	۱۵		



شکل (۱): الگوی پارادایمی سواد انقلابی

سؤال دوم: مفهوم‌سازی تا سنجش‌پذیری سواد انقلابی از منظر حضرت امام و مقام معظم رهبری چگونه است؟

پاسخ به سؤال دوم پژوهش: سنجش‌پذیری الگوی مفهومی سواد انقلابی در ایران اسلامی

یکی از شاخص‌ها و اهداف مهم توسعه در یک جامعه، افزایش میزان با سوادی آن است، تغییر در این عامل، نتایج و آثار دیگری را به‌دنبال دارد، زیرا نیازها و حوایج یک فرد تحصیل‌کرده و باسواد با یک نفر بی‌سواد تفاوت دارد. علاوه‌براین، اثر متقابل مؤلفه سواد بر محیط پیرامون کاملاً مشهود است. تغییر ذائقه‌های افراد باسواد در یک جامعه در حال تحول، نوع برداشت از مسائل سیاسی ـ اجتماعی، نحوه تصمیم‌گیری رجوع به مرجع تصمیم و... را دستکاری کرده و فرد قایل بر حقوق شهروندی می‌شود. افراد باسواد ضمن آنکه احساس استقلال بیشتری نموده، حس مشارکت جویی فراوانی در مسایل پیرامونی خود دارند و قاعدتاً با نگاه انتقادی به مسائل می‌نگرند.

جدول (۹): مقولات سیاست‌گذاری با هدف حرکت تدریجی

ردیف	مقوله	زیرمقوله
۱	تربیت نیروی انسانی	تربیت و جذب نیروی انسانی مجرب، انقلابی و دغدغه‌مند برای طراحی و اجرای راهبرد محتوایی. ایجاد سازوکار رفتاری بر مبنای دروس و اصول اخلاقی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) برای کارکنان سیما. نیاز به متخصصان فلسفه، عرفان، فقه، سیاست، جامع‌شناس و سیاست برای مشاوره و نظارت کیفی برنامه‌های تخصص‌محور پیرامون موضوع امام.
۲	بازخوردگیری	ارزیابی مستمر معانی و برداشت های موجود از برخی تصاویری که از امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در رسانه‌ها منعکس می‌شود. ارتباط با گروه های متخصص در حوزه امام‌شناسی پیرامون برنامه‌های تولیدشده. ارزیابی تخصصی از جریانات مختلف فکری، اجتماعی و سیاسی به‌صورت جزءبه‌جزء برای ارائه تحلیل کلان. سنجش افکار عمومی درون سازمانی به منظور بازیابی مسائل مرتب با امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) به‌منظور ارائه راهکارهای مناسب به مدیریت .

ردیف	مقوله	زیرمقوله
		تعامل بیش‌ازپیش با خانواده امام و میراث‌داران ایشان. پوشش تبلیغی تبیینی ساختمان ها و فضاهای عمومی سیما در گرامیداشت ـ ایام و مناسبت‌های ویژه مرتب با امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نظیر ۱۴ خرداد، دهه فجر و.... تولید اپلیکیشن‌های متنوع در فضای اجتماعی با موضوع امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و بهره‌گیری از این ظرفیت مغفول.

برازش مدل مفهومی در سه سطح برازش مدل بیرونی، برازش مدل درونی و برازش کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

روایی همگرا در سطح متغیر آشکار توسط شاخص بارعاملی متغیرها اندازه‌گیری شد تمامی سؤالات ضرایب بالاتر از ۰/۴ دارند که نشان از روایی مناسب پرسشنامه این پژوهش دارد.

روایی همگرا در سطح متغیر پنهان شاخص AVE[1] اندازه‌گیری می‌شود. این معیار نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته‌شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است.

جدول (۱۰): مقادیر AVE

ردیف	متغیرها	AVE
۱	سواد انقلابی	۰/۶۶۴
۲	عملکرد مدیریت	۰/۶۰۱
۳	سیاست‌گذاری با هدف حرکت تدریجی	۰/۵۸۶

روایی واگرا در سطح متغیرهای آشکار با بار عاملی متقابل سنجیده شد. بار عاملی (یا ضریب همبستگی) هر متغیر آشکار با متغیر پنهان خودش بالاتر از بارعاملی (یا ضریب همبستگی) آن متغیر آشکار با سایر متغیرهای پنهان (موجود در مدل) است.

1. Average Variance Extracted

جدول (۱۱): جدول فورنل ـ لارکر

	سیاست‌گذاری با هدف حرکت تدریجی	عملکرد مدیریت	سواد انقلابی
سیاست‌گذاری با هدف حرکت تدریجی	۰/۸۸۰		
عملکرد مدیریت	۰/۸۷۲	۰/۹۲۳	
سواد انقلابی	۰/۸۰۴	۰/۷۷۵	۰/۷۶۶

همان‌گونه‌که در جدول (۱۱) مشاهده می‌گردد همبستگی یک متغیر با سازه‌های خود در مقایسه با سایر متغیرها بیشتر است که نشان از روایی واگرای قابل قبول پرسشنامه این پژوهش دارد.

برای سنجش پایایی پرسشنامه در این پژوهش از معیارهای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد.

جدول (۱۲): مقادیر آلفای کرونباخ و ترکیبی

ردیف	متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
۱	سواد انقلابی	۰/۸۱۷	۰/۸۷۹
۲	عملکرد مدیریت	۰/۹۰۵	۰/۹۲۳
۳	سیاست‌گذاری با هدف حرکت تدریجی	۰/۹۳۶	۰/۹۴۴

همان‌گونه‌که در جدول (۱۲) مشاهده می‌شود تمامی متغیرهای این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ برخوردارند که نشان از پایایی مناسب پرسشنامه این پژوهش دارد. تمامی متغیرهای این پژوهش از پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷ برخوردارند که نشان از پایایی مناسب پرسشنامه این پژوهش دارد.

جدول (۱۳): ضرایب رگرسیون

ردیف	مسیر	ضرایب رگرسیون
۱	سواد انقلابی	۰/۳۱۳
۲	عملکرد مدیریت	۰/۸۷۲
۳	سیاست‌گذاری با هدف حرکت تدریجی	۰/۶۴۹

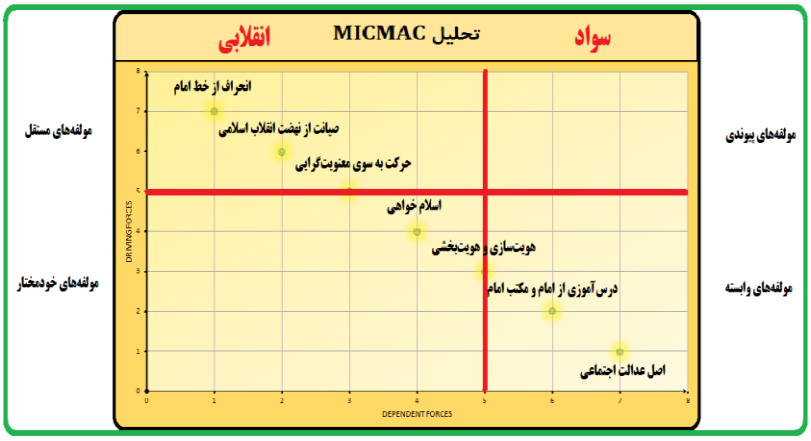
جمع‌آوری داده ها از ۳۵ سخنرانی مستقیم آیت‌الله خامنه ای پیرامون سواد انقلابی و بررسی وصایای امام خمینی (رحمت الله علیه) در این زمینه تعداد زیادی از کدهای اولیه به دست آمد که با تحلیل مضامین طبقه‌بندی شده و طی فرایند تجمیع و تلخیص کدهای مشابه و مترادف، به ۲۳ مضمون کلی تحت عناوین زیر رسیده شد:

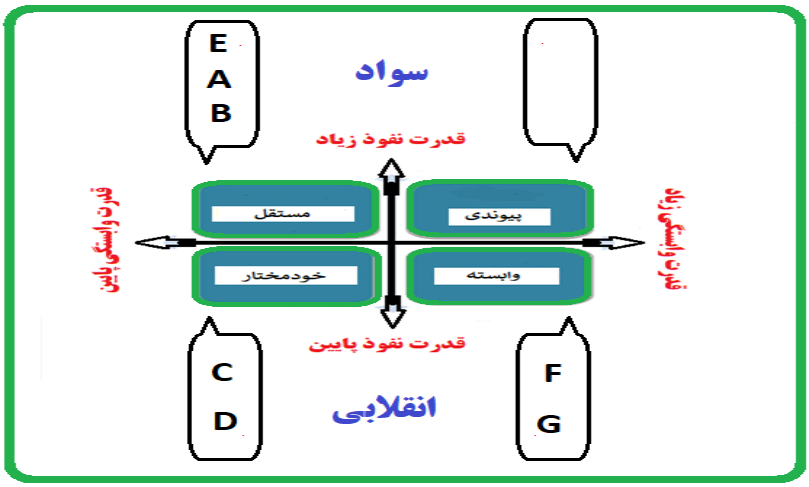
- ✓ دفاع از اقتدار و امنیت ملی
- ✓ پایبندی و پاسداری نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌ها
- ✓ پایبندی به رفتار و گفتار امام
- ✓ ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافی‌گری
- ✓ عدالت‌خواهی، آزادگی و دفاع ازمظلومان عالم
- ✓ تقوای فردی و جمعی
- ✓ بصیرت دینی و سیاسی
- ✓ تدین و پایبندی به تکلیف شرعی
- ✓ خدمت خالصانه و بدون منت
- ✓ استکبارستیزی و ایستادگی قاطع در مقابل کفر، نفاق، طمع و سلطه
- ✓ ایستادگی و ثبات در اصول انقلاب اسلامی
- ✓ مرزبندی شفاف با دشمنان دین و انقلاب
- ✓ اعتماد به مردم، صداقت و وفاداری
- ✓ عدم اجازه دخالت اجانب در مقدرات کشور
- ✓ داشتن باور و اعتماد به نفس و نفی خودباختگی
- ✓ پاکدستی
- ✓ بر خورداری از سلامت اخلاقی و فکری
- ✓ مبارزه واقعی با فقر، فساد و تبعیض
- ✓ قانون‌پذیری و عمل به قانون
- ✓ حفظ حدود و ثغور (عدم وجود هرج‌ومرج)
- ✓ وحدت
- ✓ داشتن روحیه استقلال‌طلبی و نداشتن وابستگی
- ✓ دفاع از محرومان و مستضعفان

در روش مدلسازی ساختاری تفسیری روابط متعامل و مؤثر بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های سطح‌ها نمایش داده می‌شود و در اتخاذ تصمیم‌ها توسط مدیران اهمیت زیادی دارد. و برای شناخت مؤلفه‌های کلیدی میزان و درجه نفوذ و وابستگی آنها در

ماتریس نهایی شکل می‌گیرد. مؤلفه‌ها در این تحلیل بر اساس میزان قدرت نفوذ و میزان قدرت وابستگی به چهار نوع؛ وابسته، خودمختار، مستقل و پیوندی تفکیک شده که هرکدام تفسیر خودشان را دارند: «مؤلفه‌های خودمختار» دارای میزان قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف یا پایین هستند و به‌طور کلی تعامل اندکی با سایر مؤلفه‌ها دارند در واقع خودمختار و سوا از سیستم رفتار می‌کنند. «مؤلفه‌های وابسته» دارای قدرت نفوذ کم؛ اما دارای نیروی وابستگی بالاتری نسبت به مؤلفه‌های دیگر هستند. «مؤلفه‌های پیوندی» حاوی قدرت نفوذ و قدرت وابستگی زیادی بوده و ضمن اینکه بر تمامی مؤلفه تأثیرگذار می‌باشند؛ از تمامی مؤلفه‌های دیگر نیز تأثیرپذیر خواهند بود، و نهایتاً «مؤلفه‌های مستقل» که از قدرت نفوذ زیاد؛ اما قدرت وابستگی کم برخوردار می‌باشند و با تغییر هریک از این مؤلفه‌ها می‌توان سایر مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرار داد. پس از تعیین قدرت نفوذ و قدرت وابستگی مؤلفه‌ها، می‌توان تمامی مؤلفه‌ها را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش *MICMAC* قرار داد.

بر اساس میزان نفوذ و وابستگی آن‌ها، هیچ مؤلفه‌ای به‌عنوان مؤلفه پیوندی شناخته نشد؛ اما هر هفت مؤلفه به‌عنوان مؤلفه‌های مستقل، خودمختار و وابسته تعیین شدند.





شکل (۲): قدرت نفوذ ـ وابستگی نهایی

از یافته‌های پژوهش می‌توان به نتایج به این نکته اشاره کرد در این ماتریس مؤلفه‌های سواد انقلابی با توجه به قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر مؤلفه به مؤلفه‌های دیگر سطح‌بندی شده است. سطح‌بندی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که هر یک از هفت مؤلفه در یک سطح قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بر اساس فرمایشات و متن سخنرانی مقام معظم رهبری و تحلیل سخنان حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، مؤلفه‌های سواد انقلابی از نظر ایشان: صیانت از نهضت انقلاب اسلامی، حرکت به‌سوی معنویت‌گرایی، اسلام‌خواهی، هویت‌سازی و هویت‌بخشی، انحراف از خط امام، درس‌آموزی از امام و مکتب امام و اصل عدالت اجتماعی.

با مراجعه به نظرات سایر صاحب‌نظران در این زمینه، انقلاب اسلامی دارای خصوصیات منحصربه‌فردی است، برخی از این خصوصیات عبارت‌اند از: برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف اسلامی، استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان، بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد بشری، حاکم‌سازی فرهنگ توحیدی به‌جای فرهنگ الحادی و استبدادی و همچنین برای فرد انقلابی شش مورد شاخصه فردی، شامل (سلامت فکری، شجاعت در اقدام و آمادگی برای ایثار، تدین و تقوا، ساده‌زیستی، وفاداری، صداقت، ثبات و ایستادگی بر موضع حق) و سه مورد از

اصول و مبانی فکری (عدالت‌خواهی، مقابله با استکبار، کفر و نفاق، حفظ ارزش‌ها و پایبندی به انقلاب) ذکر گردیده است که لازمه انقلابی ماندن می‌باشد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که از سه نوع شناسه‌گذاری (مفهوم‌سازی) باز، محوری، انتخابی، ۴۵۰ گزاره، ۵۰ شناسه و مفهوم، ۲۰ مقوله و ۶ فرامقوله به نام متغیرهای علّی، محوری، مداخله‌گر، راهبردی، زمینه‌ساز و پیامدی به‌دست آمد. مفهوم «سواد انقلاب اسلامی» به‌عنوان مقوله‌محوری انتخاب شد و عوامل مورد نظر مرتبط در الگوی به‌دست‌آمده ارائه گردید. عوامل عبارت است از: بصیرت انقلابی، ایمان انقلابی و تعالی‌گرایی به‌عنوان عوامل محوری؛ معنویت‌گرایی، خودسازی، آخرت‌گرایی و اسلام‌گرایی به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز؛ روحیه انقلابی، عزم راسخ، انسجام انقلابی و تعهد انقلابی به‌عنوان عوامل راهبردی؛ حافظ انقلاب، قانونمندی، عمل‌گرایی، خدمتگزاری و مدیریت جهادی به‌عنوان عوامل پیامدی؛ بینش انقلابی و ویژگی انقلابی به‌عنوان عوامل مداخله‌گر؛ تفکر انقلابی و آگاهی انقلابی به‌عنوان عوامل علّی.

با در نظر گرفتن فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن و نقاط ضعف و قوت نسل جوان، تقویت سواد انقلابی و بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان و بها دادن به تفکر و تبیین صحیح از دین و دستورات حیاتبخش آن برای جوانان باعث می‌شود که آنها به دین و مسائل معنوی متمایل شوند؛ همچنین درونی کردن ارزش‌های اصیل انقلابی، دینی و اسلامی از طریق فرهنگ‌سازی و اصلاح فرایند انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل جدید و معرفی الگوها و اسطوره‌های معنوی و اخلاقی نیز پیشنهاد می‌شود. جوانان بخشی از هویت خویش را در پیروی از الگوها و اسطوره‌ها می‌یابند، وجود یک رابطه سیال و پایدار اطمینان بخش میان آحاد مردم و گروه‌های مرجع می‌تواند تضمین‌کننده وفاق و اتصال نسلی باشد.

با وجود اهمیت موضوع، اطلاعات کمی از نحوه استفاده از عبارت‌های احتیاط‌آمیز و تأکیدی در سخنرانی‌های سیاسی وجود دارد. همچنین به‌دلیل اینکه فهرست جامع و کاملی برای شاخص‌ها و ابعاد سواد انقلابی وجود ندارد برخی از اشکال عبارت‌های احتیاط‌آمیز و تأکیدی در سخنرانی‌های سیاسی، در فرایند تجزیه و تحلیل شناسایی شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. علاوه‌برآن چون هیچ معیار صوری و از پیش تعیین شده‌ای برای تشخیص عبارت‌های احتیاط‌آمیز و تأکیدی وجود ندارد.

به‌دلیل اهمیت سخنرانی‌های سیاسی برای برقراری ارتباط با جامعه مخاطبان و همین‌طور گستردگی مخاطبان از نظر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، استفاده صحیح و

مؤثر از عناصر فراگفتمانی به‌خصوص عبارت‌های احتیاط‌آمیز و تأکیدی می‌تواند به‌مقدار زیادی به کیفیت سخنرانی‌ها و استاندارد شدن آنها کمک کند؛ اما ازآنجاکه آموزش‌های اندکی پیرامون استفاده از عبارت‌های احتیاط‌آمیز و تأکیدی صورت گرفته است؛ لذا پژوهش‌ها و مطالعات بیشتر در این زمینه می‌تواند به‌منظور آموزش و ارتقاء سطح و کیفیت سخنرانی‌ها، بهبود سطح انتقال مفاهیم و ارتقاء سطح جامعه مخاطبان، مورد استفاده قرار بگیرد.

فهرست منابع

سجادیه، نرگس (۱۳۹۴). نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی. *مجله پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، سال پنجم، (۲).

سرینی واسولو (۱۳۸۷). سواد رایانه‌ای و اطلاعاتی: چالش‌های پیش روی اطلاع‌رسانان مدرن در آستانه قرن بیست و یکم. ترجمه حمیدرضا جمالی مهموئی. *پیام کتابخانه*، ۹(۶۲).

سعیدی شاهرودی، علی و مرادی، عزیز مراد (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل نفوذپذیری انقلاب‌های توحیدی. *فصلنامه امنیت ملی*، سال ششم، (۲۲).

عامری، محسن و فاضلی، محمدرضا (۱۳۹۸). *سواد انقلابی*. قم: انتشارات بدرا.

References

Ameri, Mohsen & Fadeli, Mohammad Reza (2018). Sovad Revolutioni, Qom, Badra Publications. (In Persian)

Bashiriya, Hossein (1372). Revolution and political mobilization, Tehran: University of Tehran. (In Persian)

Khomeini, Ruhollah (1365). Sahifa Noor, Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute. (In Persian)

Motahari, Morteza (1362). A critique of Marxism. Qom: Sadra. (In Persian)

Saidi Shahroudi, Ali & Moradi, Aziz Murad (2016). Investigation and Analysis of the Penetration of Monotheistic Revolutions, National Security Quarterly, 6th year, 22nd issue. (In Persian)

Sajjadieh, Narges (2014). criticism and review of the approach of moral literacy from the perspective of human agency, Journal of Research on Basics of Education, Year 5, (2). (In Persian)

Salvatian, Siavash; Haqvardi Taleghanaki, Maitham & Gudarzi, Gholamreza (2016). Martyr Seyyed Morteza Avini's leadership model

in media activities (2016), Islamic Management, p. 25. (In Persian)
Sirini, Vasulu (2007). Computer and information literacy: challenges facing modern informants on the threshold of the 21st century" translated by Hamidreza Jamali Mehmoi. Message of the library, 9th period, 62. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۲۴۳-۱۲۷۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

مقاله پژوهشی

ارائه مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران

شاهین وجدی
دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
shahinvajdi0921@gmail.com 0009-0008-1602-9357

معصومه مجیدی‌پرست
استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).
m.majidiparast@basu.ac.ir 0000- 0002-2313-8438

علی اصغری صارم
استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
a.sarem@basu.ac.ir 0000- 0002-1839-0620

محمد جلیلوند
استادیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
jalilvandmohammad@iauh.ac.ir 0000- 0002-1530-2744

چکیده

نقش‌آفرینی فرهنگی ازجمله مهم‌ترین ویژگی‌های باشگاه‌های ورزشی است، ولی تاکنون در تحقیقات گذشته توجه ویژه‌ای به این مهم نشده است، ازاین‌رو پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران انجام شده است. پژوهش حاضر به‌لحاظ فلسفه از نوع تفسیرگرایانه، به‌لحاظ هدف از نوع بنیادی، به‌لحاظ رویکرد از نوع استقرایی، به‌لحاظ راهبرد از نوع نظریه داده‌بنیاد رهیافت نظام‌مند، به‌لحاظ انتخاب پژوهش از نوع تحقیق کیفی و به‌لحاظ بازه زمانی از نوع مقطعی بود. مشارکت کنندگان پژوهش، ۱۵ نفر از مدیران و مسئولان باشگاه‌های ورزشی، پیشکسوتان ورزشی، اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران و متخصصان حوزه فرهنگ و ورزش، مربیان و ورزشکاران بودند که به‌صورت هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و در تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، بعد از توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، کدگذاری داده‌ها و مراحل مختلف آن ارائه گردید. نتایج پژوهش نشان داد که مدل پژوهش با مقوله‌محوری نهادینه‌سازی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای تحت تأثیر عوامل علّی (تخصص، ویژگی‌های شخصی، ایجاد هویت و وابسته‌سازی)، عوامل زمینه‌ای (مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی و رسانه‌ها) و عوامل مداخله‌گر (عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل مدیریتی و عوامل فرهنگی ـ اجتماعی)

قرار دارد که با به‌کارگیری راهبردهای ارائه‌شده (شناختی، آموزشی، مالی و مدیریتی) می توان به پیامدهای تعیین‌شده (توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه رفتاری، توسعه نشاط و توسعه سلامتی) رسید؛ بنابراین مسئولان مربوطه می‌توانند از مدل ارائه شده در این پژوهش، جهت نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران بهره بگیرند.

کلیدواژه‌ها: باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای، مدل نهادی، نقش‌آفرینی فرهنگی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

10.22034/scs.2024.427187.1522

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

ورزش به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، دارای اهمیت فرهنگی در جوامع مختلف است و می‌تواند ابعاد مختلف روانی و جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی را که جزء عوامل تأثیرگذار در توسعه فرهنگی ورزش هستند، تقویت کند؛ اما به نظر می‌رسد در باشگاه‌های حرفه‌ای ایرانی جنبه‌های فرهنگی به حاشیه رفته و ابعاد دیگر فعالیت‌های ورزشی و باشگاهی در متن قرار گرفته است. به‌عبارت‌بهتر باشگاه‌های ورزشی بیش از آنکه خود را به‌عنوان نهادهای فرهنگی ـ ورزشی بدانند، خود را قائل و متعهد به موفقیت‌های ورزشی می‌دانند. این در صورتی است که باشگاه‌های ورزشی در امر فرهنگی نقش ویژه‌ای دارند و شاید پُر بی‌راه نباشد که بگوییم موفقیت‌های فرهنگی باشگاه‌های ورزشی دوشادوش موفقیت‌های ورزشی آن‌ها در امر نهادینه کردن ورزش در جامعه دخیل هستند. امری که نیازمند واکاوی و پژوهش بیشتر است.

ورزش پدیده‌ای فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که با مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌ها و نیز ساختارهای اجتماعی پیوند قوی دارد (Kalynychenko & et al., 2022). به‌بیانی‌دیگر، دستاوردهای ورزشی و فعالیت‌های مرتبط با آن عموماً یک شاخص فرهنگی در زمینه‌های مختلف به‌شمار می‌رود (Aminiroshan & et al., 2022; Chersulich Tomino & et al., 2020). ورزش از دیدگاه فرهنگی، نقش زیادی در یک جامعه دارد (Hindman & Walker, 2020). همان‌طورکه جوامع پیوسته در حال تکامل هستند، درک اینکه این جوامع به‌هم‌پیوسته از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مردم تأثیر می‌گذارند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند، مهم است (Razavi & et al., 2020). درواقع ورزش به‌عنوان یکی از مصادیق بارز صلح‌جویی در هزاره سوم توانسته جایگاه ویژه‌ای در میان برنامه‌های صلح‌جویانه و فرهنگی کشورهای مختلف ایفا کند و این کشورها از ورزش به‌عنوان اهرم و ابزاری برای بیان خواسته‌های خود از جامعه جهانی استفاده کرده‌اند (Nazemi & Shariati Feizabadi, 2017).

یکی از عوامل محیطی مؤثر بر موفقیت باشگاه‌های ورزشی، سنت و فرهنگ است (Smith & et al., 2019) و نادیده گرفتن آن می‌تواند مخرب باشد، درنتیجه مدیران باشگاه‌های مذکور باید از فرهنگ حاکم بر باشگاه و سنت‌های آن آگاه باشند (Bakhrom, 2022). فرهنگ مقوله‌ای پرمفهوم است که حاوی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در جامعه بشری و همچنین علم، اعتقادها، استعدادها، مقررات، آیین و

رسم‌ها، قابلیت‌ها و عادت‌های افراد یک گروه یا جامعه است (Ratnapalan, 2008). این نکته حائز اهمیت است که فرهنگ عاملی زیربنایی در ساختار جامعه است و بر تمامی عوامل روبنایی جامعه اعم از هنر، سیاست، اقتصاد، ورزش و غیره تأثیر خواهد گذاشت (Abdurahiman & et al., 2023). ازاین‌رو رابطه فرهنگ با سایر مؤلفه‌ها رابطه‌ای دوسویه است (Bahodirovna, 2022). ولی به علت ماهیت اساسی فرهنگ، تأثیر آن از تأثیر سایر موضوعات بیشتر است؛ بنابراین باید سعی کنیم همه عوامل روبنایی جامعه ازجمله مقوله ورزش را مناسب و سازگار با فرهنگ بدانیم و در صورت انجام آن در شرایط متفاوت، عامل روبنایی مورد نظر دچار ضعف و کاستی می‌شود که تأثیر ضعیف فرهنگ بر ورزش جامعه مثالی از آن است (Veisia & et al., 2023). به اعتقاد سانگ و ژانگ[1] (۲۰۱۷) ارتباط فرهنگ و ورزش ارتباطی متقابل است که تحت تأثیر عوامل و متغیرهای مختلفی است و نهادهای ورزشی ملزم هستند اقداماتی را انجام دهند که با ارزش‌های فرهنگی جامعه سازگار باشد (Song & Zhang, 2017).

ارزش‌های فرهنگی جامعه پیشینه‌های بنیادی از رفتار انسان هستند که نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (Mothersbaugh & Hawkins, 2016). علاوه‌براین، ارزش‌ها یکی از اساسی‌ترین عواملی هستند که رفتار انسان را در هر جامعه‌ای هدایت می‌کنند (Achim & et al., 2022; Innis, 2022) و نقشی دوگانه در فرهنگ جامعه و رفتار انسانی دارند. آن‌ها از یک‌سو نیروی ساختاری رفتار انسان تلقی می‌شوند و ازسوی‌دیگر الگویی به‌شمار می‌روند که فرهنگ حاکم بر جامعه آن را ساخته است، درواقع ارزش‌ها درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان هستند و شناخت بهینه واقعیت‌های درونی هر فرد به شناخت ارزش ها و گرایش‌های ارزشی او بستگی دارد (Ahmadi, 2014).

سازمان‌های دولتی، کانون اصلی مطالعات اجتماعی ـ فرهنگی بوده‌اند (Yousefi Amiri & et al., 2022). فعالیت‌های فرهنگی ـ اجتماعی بر نهادهای دولتی مانند قوای سه‌گانه متمرکز است. سیاست کلی زمانی است که توسط چندین نهاد دولتی اتخاذ و اجرا شود. دولت به سیاست مشروعیت می‌بخشد و با در دست داشتن قوه مجریه سیاست‌های اتخاذ شده را در سطح جامعه برای همه اتخاذ می‌کند. ساختار نهادهای دولتی هم در تدوین و هم در اجرای سیاست‌ها نقش فعالی دارد. رویکرد

1. Song & Zhang

نهادی لزوماً رویکردی توصیفی نیست. تأثیر سازمان نهادی بر سیاست عمومی را می توان به‌عنوان یک موضوع تجربی بررسی کرد. ساختار و سیاست هر دو تحت تأثیر نیروهای اقتصادی و اجتماعی است و این امر در مورد جامعه و صنعت ورزش نیز صدق می‌کند (Shabani & et al., 2023). نهادها، یک دسته فرایندهایی هستند که اعضای جامعه، به‌صورت خودکار به اصول حاکم آن می‌پیوندند و نقش‌هایی را که «محوّل» نام‌گذاری شده است، ایفاء می‌کنند تا به هدف‌های مورد نظر آن‌ها نائل شوند (Scott, 2013). نهادها توسط جامعه پذیرفته و به‌رسمیت شناخته می‌شوند و مردم به ارزش‌ها، اصول، قواعد و هنجارهای آن پایبند هستند. درحالی‌که این نوع پذیرش و پایبندی در مورد سازمان‌ها کمتر است (Kostova & et al., 2020).

با اقتباس از آنچه که بیان شد مشخص می‌شود که به ارزش‌های فرهنگی جامعه همواره به‌منزله متغیر مستقل و مؤثر در فهم افکار و رفتارهای انسانی و همچنین تغییرات جامعه نگاه می‌شود؛ اما مسئله این است که ارزش‌های فرهنگی جامعه نه‌تنها بر مقوله‌ها و گروه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد بلکه از آن نیز تأثیر می‌پذیرد. چراکه گروه‌ها و نهادهای اجتماعی هویت جمعی را شکل می‌دهند و این هویت بر ترجیح‌های ارزشی افراد تأثیر مستقیم دارد. با تأیید این گزاره که باشگاه‌های ورزشی یک نهاد فرهنگی هستند و اقدامات فرهنگی آن‌ها هم تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی جامعه قرار دارد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد، لازم است تبیین شود چگونه باشگاه‌های ورزشی می‌توانند خودشان را با ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه منطبق و سازگار کنند. شایان ذکر است یکی از مشکلات عمده باشگاه‌های ورزشی در ایران این است که آن‌ها از کارهای فرهنگی و اخلاقی مغفول مانده‌اند و کارهای فرهنگی که در آن‌ها انجام می‌شود بیشتر از اینکه ریشه‌ای و عمیق باشد، سطحی است و این خود زمینه ساز کج‌روی فرهنگی در محیط ورزش شده است. در این راستا پورکیانی و همکاران (۱۴۰۱) با مطالعه کج‌روی‌های فرهنگی در محیط ورزش نشان دادند به علت عوامل رفتاری (اقدامات رسانه، ضعف مدیریتی، ضعف نظارت و کنترل، ضعف برنامه‌ریزی، تبعیض)، عوامل ساختاری (ناهمسویی شناختی، ناهمسویی نهادی، تغییر پارادایمی، نبود شایسته‌سالاری) و عوامل زمینه‌ای (شرایط نابسامان، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی، ضعف قانون، تنزل اخلاق‌مداری و تنزل جایگاه و نقش فرهنگ) دو نوع کج‌روی بالقوه و کج‌روی بالفعل پدیدار شده است که لازم است از طریق اقدامات بازسازی شناختی، انطباق و سازگاری و اثربخشی اقدامات مرتفع شوند (Pourkiani & et al., 2022). قابل ذکر است که طیف گسترده‌ای از زیرفرهنگ‌ها مانند زبان و

قومیت در باشگاه‌های ورزشی وجود دارد که در صورت عدم درک صحیح این تفاوت ها، نهادینه‌سازی فرهنگی از طریق ورزش با مشکل روبه‌رو می‌شود. این مسئله مشکلات زیادی را متوجه ذی‌نفعان ورزش کرده است و درعین‌حال زمینه‌ساز مشکلات فرهنگی در جامعه شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد ارائه مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای به حل این مسئله کمک کند. لازم به ذکر است پیش‌تر سند راهبردی جهت توسعه فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه ای ارائه نشده است و مشخص نیست باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای از چه طریقی می‌توانند نقش‌آفرینی فرهنگی خود را نهادینه کنند. ازاین‌رو مطالعه حاضر با هدف ارائه مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران انجام شد.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

۱-۱. اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش ارائه مدل نهادیِ نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران بود. همچنین اهداف اختصاصی پژوهش حاضر شامل موارد زیر بود:

۱- شناسایی شرایط علی مؤثر بر نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه ای؛

۲- شناسایی شرایط زمینه‌ای مؤثر بر نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای؛

۳- شناسایی شرایط مداخله‌گر مؤثر بر نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای؛

۴- شناسایی مقوله‌محوری مدل نهادیِ نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای؛

۵- شناسایی راهبردهای نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای؛

۶- شناسایی پیامدهای حاصل از کاربست راهبردهای نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای.

۱-۲. سؤال‌های پژوهش

در پژوهش حاضر سؤال‌های مدنظر عبارت‌اند از:

۱- شرایط علی مؤثر بر نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای کدامند؟

۲- شرایط زمینه‌ای مؤثر بر نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای

کدامند؟

۳- شرایط مداخله‌گر مؤثر بر نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای کدامند؟

۴- مقوله‌محوری مدل نهادیِ نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای کدام است؟

۵- راهبردهای نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای کدامند؟

۶- پیامدهای حاصل از کاربست راهبردهای نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

ازجمله پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور که در حوزه پژوهش حاضر انجام شده‌اند، پژوهش والکلاتی و وات[1] (۲۰۲۲) است که نشان دادند تخصص ورزشی می‌تواند نتایج مثبتی برای جوانان و جوامع آن‌ها داشته باشد. همچنین مشخص شد ایجاد یک فرهنگ ورزش دوستانه با تمرکز بر تخصص‌های ورزشی در مدارس به ورزشکاران جوان برای تبدیل شدن به افراد بهتر کمک می‌کند (Walklate & Watt, 2023). در پژوهشی دیگر ژیا و همکاران[2] (۲۰۲۲) نشان دادند که رویدادهای ورزشی نه‌تنها می‌تواند توسعه فرهنگی و تبادل فرهنگی را ارتقاء دهد بلکه می‌تواند قدرت نرم فرهنگی شهرها را نیز افزایش دهد (Xia & et al., 2022). همچنین استراندبو و همکاران[3] (۲۰۲۲) نشان دادند که بین فرهنگ ورزش خانواده و مشارکت نوجوانان در ورزش‌های باشگاهی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (Strandbu & et al., 2020) و گودریان[4] (۲۰۲۲) نیز نشان داد فرهنگ بدنی بر بهبود رفاه، شکل‌گیری توانایی‌های بدنی و رشد همه‌جانبه فرد مؤثر است. افزون بر این مطالعه مذکور نشان داد فرهنگ بدنی حوزه‌ای از فرهنگ در نظر گرفته می‌شود که امکان استفاده از ابزار و روش‌های خاص را برای آشکار کردن توانایی‌های یک فرد فراهم می‌کند (Qodirjan, 2022).

در داخل کشور نیز به پژوهش‌های مختلفی در حوزه پژوهش حاضر می‌توان اشاره کرد. در همین ارتباط شبانی و همکاران (۱۴۰۱)، نشان دادند که وزارت ورزش

1. Walklate & Watt
2. Xia & et al.
3. Strandbu & et al.
4. Qodirjan

و جوانان، فدراسیون فوتبال، باشگاه‌های فرهنگی ـ ورزشی و مجموعه پلیس و نیروهای انتظامی به‌عنوان متولیان مستقیم و مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، رسانه‌ها، نهاد مذهب، وزارت آموزش و پرورش، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خانواده‌ها، شهرداری‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان‌های مردم‌نهاد و چهره‌های سرشناس به‌عنوان متولیان غیرمستقیم می‌توانند در الگوسازی فرهنگی و توسعه آداب حضور افراد در استادیوم های فوتبال دخیل باشند (Shabani & et al., 2023). عابدی و دوستی (۱۴۰۱)، نیز نشان دادند که مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی دیپلماسی‌عمومی و قدرت نرم در گردشگری ورزشی ایران چهار مؤلفه شامل فرهنگ ورزش، صلح و دوستی، ارزش‌های بنیادین و پرستیژ و برندینگ بین‌المللی بودند (Abedi & dosti, 2022). در پژوهش محمدی و کلاته سیفری (۱۴۰۱)، بیان شد که یاددهی رفتارهای درست اخلاقی ـ رفتاری به طرفداران، سردسته‌های (لیدرهای) هواداری، ورزشکاران، داوران و مربیان و همچنین اقدام به انجام پژوهش‌هایی به‌صورت کیفی بیشتر و جامع‌تر برای تفهیم بهتر مسائل فرهنگی در باشگاه‌ها ضروری است (Mohamadi & kalateh Seyfari, 2023). در پژوهشی دیگر نقوی و همکاران (۱۴۰۱)، نشان دادند که آموزش، برنامه ریزی، سازمان‌دهی، کنترل و نظام سیاسی، نظام قانونی، نظام فرهنگی و نظام مذهبی نقش اساسی در ارتقای فرهنگ عمومی اماکن ورزشی و استادیوم شهر تهران دارند (Naghavi & et al., 2023). نودهی و همکاران (۱۴۰۱)، نیز نشان دادند که هفت مانع مختلف شامل مشکلات اجتماعی، انگیزشی، اعتقادی، اقتصادی، ساختاری ـ مدیریتی، علمی ـ آموزشی و قانونی بر عدم توسعه فرهنگ وقف و امور خیریه ورزشی در سطح استان گلستان تأثیرگذار است (Noudehi & et al., 2022).

به‌طورکلی بررسی پژوهش‌های گذشته و پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی نشان می‌دهد پیش‌تر پژوهشی پیرامون ارائه مدل نهادیِ نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران انجام نشده است. از طرفی در پژوهش‌های گذشته به بررسی این مسئله که چه شرایطی در نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران مؤثر هستند و با کاربست چه راهبردهایی می‌توان پیامدهای مطلوب را برای آن به ارمغان آورد، پرداخته نشده است. درواقع در پژوهش‌های گذشته صرفاً از جنبه هواداری به مباحث فرهنگی پرداخته شده است و توسعه فرهنگ هواداری مدنظر قرار گرفته شده است که همین پژوهش‌ها نیز نه به شکل نهادی و نه به شکل کل‌نگر به مسائل فرهنگی باشگاه‌های ورزشی ورود پیدا نکردند. همچنین در برخی

تحقیقات نیز به توسعه راهبردهای کلی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای پرداخته شده است و به مسائل فرهنگی به‌طور اختصاصی اشاره نکرده است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. فرهنگ

فرهنگ مقوله‌ای پرمفهوم است که حاوی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در جامعه بشری و همچنین علم، اعتقادات، استعدادها، مقررات، آیین و رسم‌ها، قابلیت‌ها و عادات افراد یک گروه یا جامعه است (Ratnapalan, 2008).

۳-۱-۲. باشگاه ورزشی

سازمان‌های ورزشی هستند که به‌صورت چندمنظوره با کارمندان تمام وقت و بودجه‌های شش‌گانه و گاهی اوقات در سال میلیون دلار، به صدها و حتی هزاران بازیکنی که در سطوح ملی و حتی بین‌المللی تمرین و به رقابت می‌پردازند خدمات ارائه می‌دهند (Robinson, 2010).

۳-۱-۳. نقش‌آفرینی نهادی

منظور اقدامات فرهنگی متناسب با ارزش‌های فرهنگی جامعه است (Ratnapalan, 2008).

۳-۲. مبانی نظری

فرهنگ سازمانی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، احساسات مشترک و اخلاق حرفه‌ای گفته می‌شود (Abdurahiman & et al., 2023). این فرهنگ توسط اقدامات اجتماعی در شرایط خاص اجتماعی ـ اقتصادی صورت می‌گیرد که توسط اعضای سازمان پیروی می‌شود. فرهنگ سازمانی حالتی منحصربه‌فرد از مدیریت فرهنگی است که ارزش را به‌عنوان هسته در نظر می‌گیرد. این نوع فرهنگ در فرایند توسعه سازمان ایجاد شده است. فرهنگ سازمانی مهم‌ترین ابزار مدیریت شرکت است و از بالاترین سطوح مدیریت انسانی سازمان‌ها به‌شمار می‌آید. فرهنگ سازمانی یکی از ابزارهای مهم مدیریت منابع انسانی است (Achim & et al., 2022; Innis, 2022). تعیین رابطه بین فرهنگ و توسعه با توجه به تعاریف بسیار زیاد فرهنگ و عدم وجود تعریفی جامع و مورد توافق همه نظریه‌پردازان و اندیشمندان این حوزه، دشوار به

نظر می‌رسد. توسعه بر پایه گسترش سنت‌ها و تجارب گذشته استوارو نیازمند انگیزه ها، خواسته‌ها و ارزش‌های جدید فردی و نهادهای نوین اجتماعی است؛ بنابراین مفهوم آن از مفهوم هویت فرهنگی جدا نیست. ازسوی دیگر اهمیت فرهنگ در شکل گیری توسعه مطلوب در هر جامعه‌ای انکارناپذیراست؛ زیرا هر جامعه برای پیشرفت و توسعه نیازمند نگرش خاصی به فرهنگ است، این نگرش باید مبتنی بر توافق بین فرهنگ و توسعه یا به‌عبارتی بر توسعه فرهنگی در تمامی ابعاد جامعه استوار باشد (Achim & et al., 2022; Innis, 2022) و در جامعه ورزشی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است (Strandbu & et al., 2020). ورزش مدرسه‌ای ایدئال برای زندگی است. مهارت‌هایی که از طریق بازی، تربیت بدنی و ورزش فراگرفته می‌شوند برای رشد و توسعه عمومی و اخلاقی بسیار اساسی تلقی می‌شود. ورزش به جهت جاذبه زیاد آن همواره مورد ستایش بوده است. این امر به این معنا است که جوانان با جنسیت، نژاد و ملیت‌های مختلف از طریق ورزش می‌آموزند که ارزش‌های یکدیگر را بپذیرند و به ارزش‌های فرهنگی جامعه احترام بگذارند (Walklate & Watt, 2023). در ایران کهن ورزش و مسئولیت اخلاقی همزاد و همراه بوده‌اند. پاسداری از زندگی خانوادگی و قومی و ملی در برابر تجاوزات بیگانگان بدن نیرومند و چابک و مقاوم را ایجاب می‌کرده و این امر بدون درک مسئولیت اخلاقی به خاطر دفاع از مقدسات و نوامیس انسانی نمی‌توانست میسر باشد. به‌طورکلی تاریخ ورزش ایران تاریخ حماسه پهلوانان و جوانمردان بوده است و ورزشکاران ایرانی هم در کسب فضایل اخلاقی و هم در کسب توانایی و رسیدن به اهداف نظامی و اجتماعی می‌کوشیدند. در دوران تمدن اسلامی نیز با توجه به اهمیت فعالیت‌های ورزشی در تأمین سلامتی جسمی و روحی انسان‌ها که در مکتب تربیتی اسلام، سلامتی بالاترین نعمت‌ها به‌شمار آمده است (الصحه الفضل النعم حضرت علی (علیه‌السلام)) و شاهد شکل‌گیری فعالیت‌های ورزشی در غالب آیین فتوت در لنگرگاه‌ها، ورزشخانه یا زورخانه‌ها بوده‌ایم؛ بنابراین ورزش در جامعه امروزی نیز می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ جامعه و تعیین ارزش‌ها و هنجارهای آن داشته باشد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ الگووارهای از نوع تفسیرگرایانه، به‌لحاظ هدف از نوع بنیادی، به‌لحاظ رویکرد از نوع استقرایی، به‌لحاظ روش، از رهیافت مدل نظام‌مند نظریه داده بنیاد که توسط اشتراوس و کوربین (۱۹۹۷) ارائه شده است، استفاده شد. به لحاظ

انتخاب پژوهش از نوع تحقیق کیفی و به‌لحاظ بازه زمانی از نوع مقطعی در سال ۱۴۰۲ بود. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را مدیران و مسئولان باشگاه‌های ورزشی، پیشکسوتان ورزشی، اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران و متخصصان حوزه فرهنگ و ورزش، مربیان و ورزشکاران در سطح کشور تشکیل دادند. برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری هدفمند با در نظر گرفتن اصل اشباع نظری و همچنین اصل تنوع در نمونه‌گیری بهره گرفته شد و بر مبنای اشباع نظری تعداد مشارکت‌کنندگان (۱۵ نفر) مشخص شد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در مصاحبه، در جدول ۱ توصیف شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

متغیر	جنسیت				
گروه	زن			مرد	
فراوانی	۴			۱۱	
درصد	۲۶/۶۶			۷۳/۳۳	
متغیر	**سن**				
گروه	کمتر از ۴۰ سال		۴۰-۵۰ سال		بیشتر از ۵۰ سال
فراوانی	۶		۶		۳
درصد	۴۰/۰		۴۰/۰		۲۰/۰
متغیر	**میزان تحصیلات**				
گروه	کارشناسی ارشد			دکتری	
فراوانی	۳			۱۲	
درصد	۲۰/۰			۸۰/۰	
متغیر	**وضعیت تأهل**				
گروه	مجرد			متأهل	
فراوانی	۰			۱۵	
درصد	۰/۰			۱۰۰/۰	
متغیر	**شغل**				
گروه	مدیر عامل باشگاه	پیشکسوت ورزشی	استاد دانشگاه	مربی ورزشی	ورزشکار

	ورزشی				
فراوانی	۴	۲	۷	۱	۱
درصد	۲۶/۶۶	۱۳/۳۳	۴۶/۶۶	۶/۶۶	۶/۶۶

برای جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و از معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا[1] (۱۹۸۵) (اعتبار، انتقال، قابلیت اعتماد و تأییدپذیری) به‌منظور بررسی کیفیت و اعتباربخشی به نتایج پژوهش بهره گرفته شد. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، علاوه‌بر بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، وارد فرایند کدگذاری شدند. به‌همین‌منظور، از جمع‌آوری لایه‌به‌لایه داده‌ها استفاده شد و محقق بلافاصله پس از انجام اولین مصاحبه، آن را پیاده، کدگذاری و مورد تجزیه‌وتحلیل دقیق قرار داد. نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل اولین مصاحبه در انتخاب نفر دوم و اینکه چه سؤال‌های دیگری علاوه‌بر سؤال‌های از پیش تعیین‌شده از او پرسیده شود، تأثیرگذار بود. به‌همین‌ترتیب نفرات بعدی نیز انتخاب شده و تا دستیابی به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. فرایند انجام کدگذاری‌های نیز به این‌صورت بود که ابتدا صوت‌های ضبط شده مصاحبه‌ها به‌صورت باز کدگذاری شدند و پس از مشخص شدن کدهای اولیه و حذف کدهای تکراری، کدگذاری محوری انجام شد و پس از آن با انجام کدگذاری انتخابی، فرایند کدگذاری به پایان رسید و تمامی مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای اولیه در جداول مربوطه تنظیم شدند.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش به نتایج کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) که موجب شناسایی ابعاد مدل پژوهش متشکل از عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله گر، راهبردها و پیامدها در قالب مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای اولیه شده است، پرداخته شده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش ۲۲ مقوله، ۵۱ مفهوم و ۱۵۰ کد اولیه به‌دست آمد.

۵-۱. عوامل علّی

مقوله‌های مربوط به شرایطی که بر مقوله‌محوری تأثیر می‌گذارند را عوامل علّی می نامند. در این پژوهش عوامل علّی عبارت‌اند از تخصص، ویژگی‌های شخصی، ایجاد

1. Lincoln & Guba

هویت و وابسته‌سازی که جزئیات آن در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول (۲): عوامل علّی

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
نبود افراد متخصص در بخش‌های فرهنگی	فرهنگی	تخصص
تخصص پایین متولیان فرهنگ		
سپردن امور به افراد غیرفرهنگی		
وجود مدیران غیرمتخصص در باشگاه‌های ورزشی	مدیریتی	
عملکرد ضعیف مدیران در سال‌های گذشته در امور فرهنگی		
عدم توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مخاطبان در باشگاه‌های ورزشی	دموگرافیک	ویژگی‌های شخصی
تحصیلات غیرمرتبط افراد دخیل در امور فرهنگی باشگاه‌های ورزشی		
تحصیلات پایین افراد دخیل در امور فرهنگی باشگاه‌های ورزشی		
درک پایین افراد دخیل در امور فرهنگی باشگاه‌های ورزشی از نقش‌آفرینی فرهنگی	اخلاقی-رفتاری	
برخورد نامناسب افراد دخیل در امور فرهنگی باشگاه های ورزشی با مخاطبان		
هویت برند	هویت سازمانی	ایجاد هویت
هویت گروهی		
هویت قومیتی	هویت مشتریان	
تأثیر بالای باشگاه‌های ورزشی در تشکیل هویت مردم به‌ویژه جوانان		
هویت جغرافیایی		
هویت اجتماعی		
دخیل نبودن جامعه در تصمیم‌های باشگاه‌ها	بیرونی	وابسته‌سازی
درگیر نبودن مردم با باشگاه‌ها		
هوادار مالک نبودن هوارادان		
سهم نداشتن جامعه در مالکیت باشگاه‌ها		

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
حس وابستگی اجتماعی کارکنان به باشگاه‌های ورزشی	درونی	
همسو بودن ویژگی‌های فرهنگی کارکنان باشگاه‌های ورزشی		
وابستگی مالی کارکنان به باشگاه‌های ورزشی		

۵-۲. عوامل زمینه‌ای

سلسله شرایط خاصی که در آن فرایندها و تعاملات برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد را عوامل زمینه‌ای یا بسترهای حاکم می‌نامند. در این پژوهش عوامل زمینه‌ای عبارت‌اند از: مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی و رسانه‌ها که جزئیات آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول (۳): عوامل زمینه‌ای

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
عدم استفاده از شیوه‌های نوین در امور فرهنگی	به روز نبودن	مدیریتی
وجود مدیران مسن با عقاید کهنه در باشگاه‌های ورزشی		
داشتن تعصب به شیوه‌های پیش‌پاافتاده و کم‌اثر		
ناتوانی در تشخیص کاری که باید انجام شود	سازمان‌دهی	
ناتوانی در تفویض اختیار مطلوب		
ناتوانی در تقسیم کار مناسب در امور فرهنگی		
نبود سخت‌افزار مناسب جهت انجام امور فرهنگی	سخت‌افزاری	زیرساختی
ضعف سخت‌افزاری رسانه‌ها		
نداشتن برنامه مناسب در رابطه با امور فرهنگی	نرم‌افزاری	
هم‌راستا نبودن برنامه‌های فرهنگی با سلایق نسل جوان		
داشتن تنوع فرهنگی در کشور	تنوع	فرهنگی
وجود ظرفیت لازم برای پذیرش افراد با فرهنگ‌های مختلف در جامعه		
لزوم احترام به افراد با فرهنگ‌های مختلف در باشگاه های ورزشی	انعطاف	

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
ایجاد محیطی منعطف جهت رفع نیازهای فرهنگی افراد با فرهنگ‌های مختلف		
تأثیر بالای رسانه‌ها در نهادینه‌سازی فرهنگی	فرهنگ‌سازی	رسانه‌ها
تنوع راه‌های فرهنگ‌سازی از طریق رسانه		
حمایت رسانه‌ها برای پرداختن به امور فرهنگی ـ ورزشی	حمایتی	
عدم اختصاص عادلانه رسانه‌ها برای باشگاه‌های ورزشی مختلف		

۵-۳. عوامل مداخله‌گر

بستری که باعث تخفیف یا تشدید پدیده‌ها شود را عوامل مداخله‌گر می‌نامند. در این تحقیق عوامل مداخله‌گر عبارت‌اند از: عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل مدیریتی و عوامل فرهنگی ـ اجتماعی که جزئیات آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول (٤): عوامل مداخله‌گر

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
دخالت افراد پرنفوذ سیاسی در ورزش و تعیین صلاحیت	داخلی	عوامل سیاسی
سوءمدیریت ناشی از سیاسی‌کاری مسئولان یا اختلافات سیاسی مسئولان در سطوح عالی		
انتخاب مدیران حاکم بر ورزش ایران با نظر مثبت دولت مردان		
وجود دو شغله‌های سیاسی در سازمان‌های ورزشی		
استفاده ابزاری از ورزش در سیاست به‌عنوان عاملی برای رشد سیاسیون		
محدودیت‌های سیاسی جهت انجام امور فرهنگی در سازمان‌های ورزشی		
مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سازمان‌های ورزشی به دلیل اعمال تحریم‌ها	خارجی	
ترویج فرهنگ‌های بیگانه توسط عوامل خارجی		
خصوصی نبودن بسیاری از باشگاه‌ها	خصوصی‌سازی	عوامل اقتصادی

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
مشکلات مالی باشگاه‌های خصوصی		
عدم حمایت مالی دولت از کارهای فرهنگی در باشگاه های دولتی		
ناتوانی باشگاه‌ها در پیش‌بینی هزینه کارهای فرهنگی به دلیل تورم بالا	تورم	
هزینه بسیار بالای کوچک‌ترین اقدامات فرهنگی به دلیل تورم بالا		
نگرش منفی مدیران باشگاه‌ها به نتیجه‌بخش بودن امور فرهنگی	نگرش منفی	عوامل مدیریتی
نگرش منفی مردم به امور فرهنگی باشگاه‌ها		
نگرش منفی مدیران دولتی به امور فرهنگی باشگاه‌ها		
اولویت دادن به نتیجه به‌جای اهمیت دادن به عملکرد و روند توسط مدیران باشگاه‌ها	نتیجه‌گرایی	
اهمیت دادن به هدف و نادیده گرفتن مسیر رسیدن به هدف		
وجود روحیه همدلی در باشگاه‌های ورزشی	نوع‌دوستی	عوامل فرهنگی- اجتماعی
وجود حس نوع‌دوستی به‌عنوان یکی از الزام‌های هر سازمان ورزشی		
روحیه گروهی بالای باشگاه‌های ورزشی		
گرایش سازمان‌های ورزشی به انجام امور فرهنگی	علاقه	
علاقه مردم به شرکت در مراسم و رویدادهای اجتماعی ـ فرهنگی		

۵-۴. مقوله‌محوری

مقوله‌محوری، اساس و محوریت موضوع پژوهش می‌باشد که در روند مصاحبه بیشترین تأکید بر آن مقوله می‌باشد. در این پژوهش، نهادینه‌سازی فرهنگی باشگاه های ورزشی حرفه‌ای به‌عنوان مقوله‌محوری شناسایی شد که جزئیات آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول (۵): مقوله‌محوری

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
ترویج فرهنگ‌های غنی قومیتی	فرهنگ بومی	نهادینه‌سازی فرهنگی باشگاه های ورزشی حرفه‌ای
حفظ سنت‌های شیرین بومی		
ترویج فرهنگ‌های سبک زندگی ایرانی		
آموختن اصول و قواعد زندگی اسلامی	فرهنگی اسلامی	
فرهنگ‌سازی سبک زندگی سالم		
بها دادن به آیین‌ها و عقاید مذهبی اسلامی		
نشر مزایای پرداختن به سبک زندگی اسلامی		
تقویت روحیه ورزشی	فرهنگ ورزشی	
تقویت و حفظ روحیه جهادی		
ترویج و توسعه سبک زندگی سالم		
احترام به پیشکسوتان		
ترویج اخلاق پهلوانی به‌ویژه در قشر جوان		

۵-۵. راهبردها

رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف‌داری که تحت تأثیر عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ای، حاصل می‌شوند را راهبردها می‌نامند. در این پژوهش راهبردها عبارت‌اند از: شناختی، آموزشی، مالی و مدیریتی که جزئیات آن در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول (٦): راهبردها

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
شناسایی آسیب‌های فرهنگی	آسیب‌شناسی	شناختی
ریشه‌یابی آسیب‌های فرهنگی موجود		
پیش‌بینی آسیب‌های احتمالی آینده		
شناسایی و حذف کج‌روی‌ها		
شناسایی و اصلاح فرهنگ‌های بیگانه		
شناسایی نیازهای باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای در زمینه امور فرهنگی	نیازسنجی	

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
شناسایی جامعه در زمینه امور فرهنگی		
شناسایی نیازها و اولویت‌بندی آن‌ها بر اساس اهمیت		
انتخاب و به‌کارگیری اهداف و فعالیت‌ها مطابق نیاز		
آموزش اخلاق شهروندی	آموزش فرهنگی	آموزشی
آموزش حقوق شهروندی		
برگزاری دوره‌های آموزشی جهت مهارت‌افزایی باشگاه های ورزشی در رابطه با امور فرهنگی	دوره‌های آموزشی	
تعلیم و تربیت افراد خبره در زمینه فرهنگ‌سازی		
تعلیم و تربیت مدیران به روز		
برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی		
افزایش حقوق افرادی که در امور فرهنگی پیشتاز باشند	طرح‌های تشویقی	مالی
دادن وام کم‌بهره به پیشتازان در امور فرهنگی		
سایر طرح‌های تشویقی مالی مانند معاف از مالیات بودن و غیره		
بهره بردن از حامیان مالی در زمینه فرهنگی	حامی مالی	
نشان دادن حامیان مالی به‌عنوان توسعه‌دهنگان فرهنگ		
تخصیص هزینه‌های بیشتر در زمینه فرهنگی	افزایش هزینه	
اختصاص بودجه مشخص در دوره زمانی مشخص برای امور فرهنگی		
بهره‌مندی از تجارب سازمان‌های موفق	تجربه	مدیریتی
به‌کارگیری افراد با تجربه		
عبرت‌گرفتن از تجربیات گذشته خود و دیگران		
بهره بردن از افراد بومی در انجام فعالیت‌های فرهنگی	بومی‌سازی	
استفاده از الگوهای فرهنگی بومی		
به‌کارگیری افرادی که آشنایی بالایی از فرهنگ بومی دارند		
پرداختن به امور فرهنگی هم‌سو با علاقه بومیان		

۵-۶. پیامدها

ثمره و حاصل فرایندها و تعاملات را پیامدها می‌نامند. در این پژوهش پیامدها عبارت اند از: توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه رفتاری، توسعه نشاط و توسعه سلامتی که جزئیات آن در جدول ۷ گزارش شده است.

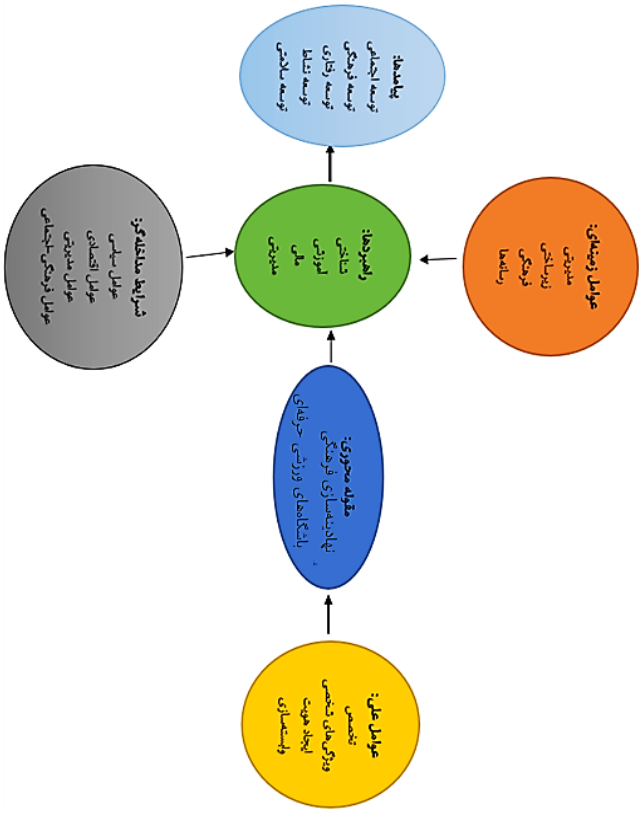
جدول (۷): پیامدها

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
کاهش آسیب‌های اجتماعی	کاهش آسیب‌ها	توسعه اجتماعی
کاهش سردرگمی		
کاهش افسردگی		
کاهش بزهکاری‌های اجتماعی		
افزایش حمایت مردم از باشگاه‌ها	افزایش حمایت اجتماعی	
ایجاد ارتباط قوی بین باشگاه‌ها با جامعه		
بالا رفتن محبوبیت در جامعه		
افزایش حمایت اجتماعی دولت از باشگاه‌ها		
افزایش روحیه همدلی	افزایش حس نوع‌دوستی	
افزایش حس نوع‌دوستی		
افزایش روحیه تیمی		
بالا رفتن پذیرش فرهنگ‌های مختلف	فرهنگ‌پذیری	توسعه فرهنگی
کاهش همسان‌سازی فرهنگی		
بالا رفتن انعطاف‌پذیری فرهنگی		
توسعه فرهنگ‌های بومی ـ محلی	توسعه فرهنگ بومی	
حفظ سنت‌های و آیین‌های بومی		
بهبود فرهنگ‌های سبک زندگی اصیل ایرانی		
نهادینه شدن اصول و قواعد زندگی اسلامی در جامعه	توسعه فرهنگ اسلامی	
توسعه سبک زندگی سالم		
توسعه آیین‌ها و عقاید مذهبی اسلامی در جامعه		
بهره‌مندشدن جامعه از مزایای پرداختن به سبک زندگی اسلامی		

کدهای اولیه	مفهوم	مقوله
افزایش روحیه ورزشی	توسعه فرهنگی ورزشی	
توسعه و حفظ روحیه جهادی		
توسعه سبک زندگی فعال		
بالا رفتن جایگاه بزرگان و پیشکسوتان		
توسعه اخلاق پهلوانی به‌ویژه در قشر جوان		
افزایش وفاداری کارکنان به باشگاه‌ها	بهبود وفاداری	توسعه رفتاری
افزایش وفاداری مشتریان به باشگاه‌ها		
افزایش بازگشت هزینه	سودآوری	
افزایش بازگشت مجدد مشتریان		
افزایش درآمد به دلیل افزایش وفاداری مشتریان		
بهبود عملکرد ورزشی	بهبود عملکرد	
بهبود عملکرد اقتصادی		
بهبود عملکرد فرهنگی		
افزایش شور و نشاط در کارکنان	نشاط فردی	توسعه نشاط
افزایش شور و نشاط در مشتریان		
به وجود آمدن محیط با نشاط در باشگاه‌ها	نشاط سازمانی	
بالا رفتن نشاط و شادی در برنامه‌های سازمانی		
با نشاط شدن جامعه	نشاط اجتماعی	
کاهش ناامیدی در جامعه		
کاهش غم و اندوه در جامعه		
افزایش سلامت جسمانی افراد	سلامت فردی	توسعه سلامتی
افزایش سلامت روحی ـ روانی افراد		
افزایش شاخص سلامت عمومی در جامعه	سلامت اجتماعی	
کاهش شکایات		
کاهش آسیب‌های جسمی و روحی-روانی در جامعه		

با توجه به نتایج به‌دست آمده از کدگذاری‌ها و پس از آنکه ابعاد مختلف نقش آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران شناسایی شدند، مدل پژوهش

طراحی شد که در شکل ۱ به نمایش گذاشته شده است.



شکل (۱): مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل علّی نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران شامل تخصص، ویژگی‌های شخصی، ایجاد هویت و وابسته‌سازی است. نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قاسمیان و همکاران (۱۴۰۱) و رضوی و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. در پژوهش قاسمیان و همکاران (۱۴۰۱) نشان داده شد که ۹ مقوله اصلی اعم از مفاهیم رایج در ورزش همگانی، وضعیت‌سنجی، انسجام ملی اقوام، عوامل رفتاری، سازمانی، تمایز ورزشی اقوام، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ قومی و اطلاع‌رسانی منجر به توسعه

فرهنگی ورزش اقوام می‌شوند (Ghasemian & et al., 2022). همچنین رضوی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود نشان دادند که توسعه فرهنگ هواداری در لیگ برتر فوتبال ایران تابع ارزش‌های فردی، تخصص‌گرایی، هویت برند و هویت مشترک به‌عنوان شرایط علّی می‌باشد (Razavi & et al., 2020). از دلایل و ضرورت پرداختن به توسعه و بهبود موضوعات مرتبط با نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای می‌توان به نبود افراد متخصص در بخش‌های فرهنگی و سپردن امور به افراد غیرفرهنگی اشاره کرد. همچنین درک پایین افراد دخیل در امور فرهنگی باشگاه‌های ورزشی از نقش‌آفرینی فرهنگی و برخورد نامناسب افراد دخیل در امور فرهنگی باشگاه‌های ورزشی با مخاطبان یکی دیگر از نقایص موجود در زمینه نقش‌آفرینی فرهنگی است که باید به آن پرداخته شود. تأثیر بالای باشگاه‌های ورزشی در تشکیل هویت مردم به‌ویژه جوانان و همسو بودن ویژگی‌های فرهنگی کارکنان باشگاه‌های ورزشی و وابستگی مالی آنان به باشگاه‌های ورزشی از دیگر دلایل و ضرورت پرداختن به موضوع نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای است.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که عوامل زمینه‌ای نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران شامل مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی و رسانه‌ها است. نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات باتوانی و همکاران (۱۴۰۱)، پورکیانی و همکاران (۱۴۰۱) و رضوی و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. باتوانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش فرهنگ سازمانی مؤثر واقع شده است و میانگین نمرات فرهنگ سازمانی، نوآوری و بهره‌وری در پس آزمون به‌طور معناداری افزایش پیدا کرده است. همچنین مطالعه مذکور نشان داد تأثیر میانجی گری متغیر نوآوری و مؤلفه‌های توجه به جزئیات، جسارت، ریسک‌پذیری و ثبات فرهنگ‌سازی بر بهره‌وری نیروی انسانی جزئی است، درحالی‌که تمام اثر فرهنگ سازمانی با نقش میانجی نوآوری بر بهره‌وری منوط به مؤلفه‌های خلاقیت فردی، گروه‌گرایی، توجه به افراد و نتیجه‌گرایی بود (Batavani & et al., 2023). پورکیانی و همکاران (۱۴۰۱) نیز نشان دادند که در ورزش دو نوع کج‌روی بالقوه و کج‌روی بالفعل وجود دارد. کج‌روی بالقوه شامل کج‌روی پنهان، طبیعی و ناآگاهانه است و کج‌روی بالفعل شامل کج‌روی کلامی، وندالی، آگاهانه و فیزیکی است (Pourkiani & et al., 2022). در همین ارتباط رضوی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که شرایط زمینه‌ای توسعه فرهنگ هواداری در باشگاه‌های ورزشی شامل مقوله‌های بسترهای فرهنگی، بسترهای اجتماعی، بسترهای رسانه‌ای، بسترهای زیرساختی و کیفیت می

باشند (Razavi & et al., 2020). از مشکلات زمینه‌ای موجود در بخش مدیریتی باشگاه‌های ورزشی در جهت نقش‌آفرینی فرهنگی می‌توان به‌روز نبودن مدیران و سازمان‌دهی نامطلوب اشاره کرد. همچنین باشگاه‌های ورزشی کشور همواره با مشکلات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مواجه هستند که خواه یا ناخواه هر فعالیتی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ اما در زمینه فرهنگی وجود تنوع فرهنگی بالا در جامعه ایرانی و به‌ویژه جامعه ورزشی کشور نکته مثبتی است که می‌تواند در فعالیت های فرهنگی کمک‌کننده باشد و قطعاً در این زمینه رسانه‌ها می‌توانند نقش عمده‌ای ایفا کنند.

دیگر نتایج پژوهش نشان داد که عوامل مداخله‌گر نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران شامل عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل مدیریتی و عوامل فرهنگی ـ اجتماعی است. نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات نودهی و همکاران (۱۴۰۱)، رضوی و همکاران (۱۳۹۹) و حیدری و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. نودهی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود ۷ مانع مختلف شامل مشکلات اجتماعی، انگیزشی، اعتقادی، اقتصادی، ساختاری ـ مدیریتی، علمی ـ آموزشی و قانونی بر عدم توسعه فرهنگ وقف و امور خیریه ورزشی در سطح استان گلستان را برشمردند (Noudehi & et al., 2022). در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۹) نشان داده شد که وضعیت بد اقتصادی، مشکلات قانونی، ضعف سازمان‌های دولتی و مشکلات مربوط به فناوری از بزرگ‌ترین موانع توسعه باشگاه‌داری حرفه‌ای باشگاه والیبال پیام مشهد هستند (Heydari & et al., 2022) و رضوی و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان دادند که شرایط مداخله‌ای توسعه فرهنگ هواداری باشگاه‌های فوتبال شامل افراد مشهور، سیاسی، نگرش، اقتصادی و گرایش و علاقه‌مندی است (Razavi & et al., 2020). بر اساس نتایج پژوهش حاضر از عواملی که می‌توانند موجب تضعیف نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای شوند می‌توان به دخالت افراد پرنفوذ سیاسی در ورزش و تعیین صلاحیت و سوءمدیریت ناشی از سیاسی‌کاری مسئولان یا اختلافات سیاسی مسئولان در سطوح عالی اشاره کرد. همچنین مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سازمان‌های ورزشی به دلیل اعمال تحریم‌ها، ناتوانی باشگاه‌ها در پیش‌بینی هزینه کارهای فرهنگی به دلیل تورم بالا، نگرش منفی مردم، مدیران و دولت به امور فرهنگی باشگاه‌ها نیز می‌تواند مانعی بر سر راه نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای باشد. در طرف مقابل وجود روحیه همدلی و حس نوع‌دوستی در باشگاه‌های ورزشی و علاقه مردم به

شرکت در مراسم و رویدادهای اجتماعی ـ فرهنگی می‌تواند زمینه شکل‌گیری نقش آفرینی فرهنگی را فراهم کند.

مقوله‌محوری شناسایی شده در این پژوهش، نهادینه‌سازی فرهنگی در باشگاه های ورزشی حرفه‌ای ایران بود. در تبیین این نتیجه پژوهش می‌توان بیان کرد که نهادینه‌سازی فرهنگی می‌تواند با انجام فعالیت‌هایی نظیر ترویج فرهنگ‌های غنی قومیتی، حفظ سنت‌های شیرین بومی، ترویج فرهنگ‌های سبک زندگی ایرانی، بها دادن به آیین‌ها و عقاید مذهبی اسلامی، تقویت روحیه ورزشی و ترویج اخلاق پهلوانی به‌ویژه در قشر جوان که می‌توان آن‌ها را در سه بخش فرهنگ بومی، فرهنگ اسلامی و فرهنگ ورزشی خلاصه کرد، اتفاق بیافتد.

راهبردهای نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران که در این پژوهش شناسایی شدند شامل راهبردهای شناختی، راهبردهای آموزشی، راهبردهای مالی و راهبردهای مدیریتی بودند. نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات نقوی و همکاران (۱۴۰۱)، هاشمی و همکاران (۱۴۰۰)، رضوری و همکاران (۱۳۹۹) و حیدری و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. در پژوهش هاشمی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده شد که پیشران‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی فرهنگ مطلوب هواداری شامل پیشران‌های اخلاقی، تشویقی و قانونی، پرورشی و آموزشی، زیربنایی و پایه و رسانه‌های اجتماعی هستند (Hashemi & et al., 2022). نقوی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که آموزش، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، کنترل و نظام سیاسی، نظام قانونی، نظام فرهنگی و نظام مذهبی نقش اساسی در ارتقای فرهنگ عمومی اماکن ورزشی و استادیوم شهر تهران دارند (Naghavi & et al., 2023). در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۹) نیز راهبردهای مختلف مالی مانند جذب حامی‌های مالی (اسپانسرها)، راهبردهای مدیریتی مانند در اختیار داشتن تجهیزات و امکانات مطلوب و راهبردهای آموزشی مانند توجه کردن به استعدادیابی و داشتن آموزشگاه (آکادمی) تخصصی مناسب در جهت توسعه باشگاه‌داری حرفه‌ای باشگاه والیبال پیام مشهد ارائه شده بود (Heydari & et al., 2022). رضوی و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان دادند که راهبردهای توسعه فرهنگ هواداری باشگاه‌های فوتبال شامل آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی، به‌کاربردن مدل‌های بومی فرهنگ‌سازی، مهارت‌آموزی و یاددهی و حمایت و پشتیبانی است (Razavi & et al., 2020). در تبیین این بخش از نتایج پژوهش چنین می‌توان بیان کرد که باید آسیب‌شناسی و نیازسنجی مناسبی در زمینه فرهنگی صورت بگیرد تا با شناسایی معایب و نیازها و به‌دست آوردن نقاط

قوت و ضعف اقدامات مؤثرتری انجام داد و همچنین با آموزش ابعاد مختلف مرتبط با فرهنگ و برگزاری دوره‌های آموزشی زمینه را برای برگزاری هرچه بهتر فعالیت‌ها و تأثیرگذاری‌های فرهنگی فراهم کرد که در این زمنیه می‌توان با به‌کار بردن طرح‌های تشویقی و بهره‌گرفتن از حامیان مالی و در کنار آن بهره گرفتن از تجربیات خود و دیگران و توانایی‌های بومی موجود، گام بزرگی به سمت موفقیت برداشت.

درنهایت نتایج پژوهش نشان داد که ارائه مدل نهادی نقش‌آفرینی فرهنگی و بهره بردن از آن در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای ایران می‌تواند موجب توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه رفتاری، توسعه نشاط و توسعه سلامتی گردد. نتیجه این پژوهش با نتایج تحقیقات والکلاتی و وات (۲۰۲۲)، ژیا و همکاران (۲۰۲۲) و گودریان (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. والکلاتی و وات (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان دادند که تخصص ورزشی می‌تواند نتایج مثبتی برای جوانان و جوامع آن‌ها داشته باشد. همچنین مشخص شد ایجاد یک فرهنگ ورزش دوستانه با تمرکز بر تخصص‌های ورزشی در مدارس به ورزشکاران جوان برای تبدیل شدن به افراد بهتر کمک می‌کند (Walklate & Watt, 2023). همچنین ژیا و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی را با هدف توسعه فرهنگی از طریق رویدادهای ورزشی انجام داد. یافته‌های مطالعه مذکور نشان داد که رویدادهای ورزشی نه‌تنها می‌تواند توسعه فرهنگی و تبادل فرهنگی را ارتقاء دهد بلکه می‌تواند قدرت نرم فرهنگی شهرها را نیز افزایش دهد (Xia & et al., 2022). گودریان (۲۰۲۲) نیز نشان دادند که فرهنگ بدنی بر بهبود رفاه، شکل‌گیری توانایی‌های بدنی و رشد همه‌جانبه فرد مؤثر است. افزون بر این مطالعه مذکور نشان داد فرهنگ بدنی حوزه‌ای از فرهنگ در نظر گرفته می‌شود که امکان استفاده از ابزار و روش‌های خاص را برای آشکار کردن توانایی‌های یک فرد فراهم می‌کند (Qodirjan, 2022). در تبیین این بخش از نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد که ترویج و توسعه نقش آفرینی فرهنگی مناسب در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای موجب کاهش آسیب‌ها و افزایش حمایت اجتماعی، افزایش حس نوع‌دوستی، توسعه فرهنگ‌پذیری، توسعه فرهنگ بومی، توسعه فرهنگ اسلامی، توسعه فرهنگ ورزشی، بهبود وفاداری مشتریان و کارکنان، افزایش سودآوری، بهبود عملکرد، افزایش نشاط فردی و سازمانی و اجتماعی و همچنین افزایش سلامت فردی و سلامت اجتماعی می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که راهبردهای نهادینه‌سازی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی دارای ویژگی‌های شناختی، آموزشی، مالی و مدیریتی است. به‌عبارت‌بهتر پیاده‌سازی اثربخش راهبردهای نهادینه‌سازی فرهنگی نیازمند توجه همزمان و کافی

و نظام‌مند به ویژگی‌های مذکور است و بدون توجه به این ویژگی‌ها دستیابی به پیامدهای این نهادینه‌سازی ممکن نیست. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بودند که برخی مداخلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ـ اجتماعی و نیز مداخلات مدیریتی در کنش‌های نهادینه‌سازی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی نقش دارند و ممکن است اثربخشی آن را با چالش مواجه کنند؛ برای مثال بودجه ناکافی که ممکن است ناشی از مداخلات اقتصادی صورت گیرد، ممکن است گستره نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه ها را با مشکل مواجه کند. همچنین دخالت‌های سیاسی نیز ممکن است سیر بسترزاد این نقش‌آفرینی را دچار اختلال کند؛ بنابراین لازم است که در نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه‌ها این موارد توسط دست‌اندرکاران باشگاه‌ها و مدیران آن‌ها مورد عنایت قرار گیرد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی با مشکلات و موانع متعددی مواجه است و در سوی مقابل زمینه‌ها و فرصت‌هایی نیز فراهم است تا بتوان به شکل مناسب، نقش‌آفرینی فرهنگی در باشگاه‌های ورزشی را فراهم کرد که در این پژوهش با بررسی آن‌ها نهایتاً راهبردهای مناسب ارائه شد و پیامدهای مورد نظر در صورت به‌کارگیری مدل ارائه شده در پژوهش نیز بیان شد که به مدیران و مسئولان مربوطه پیشنهاد می‌شود در فعالیت‌های فرهنگی خود همواره از متخصصانی استفاده کنند که با سیاست‌های فرهنگی نظام حاکم بر جامعه آشنایی کامل داشته باشند، آسیب‌ها و نیازهای فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای را شناسایی کنند، به‌منظور فراهم کردن زمینه برای برگزاری هرچه بهتر فعالیت‌ها و تأثیرگذاری‌های فرهنگی، دوره های آموزشی جهت آموزش ابعاد مختلف مرتبط با فرهنگ برگزار کنند و از تجربیات سایر باشگاه‌های موفق و همچنین توانایی‌های بومی موجود در زمینه نقش‌آفرینی فرهنگی باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای بهره ببرند و در این زمینه همواره همسو با اهداف و سیاست‌های نظام حاکم بر جامعه قدم بردارند، با ایجاد روحیه همدلی و حس نوع‌دوستی در باشگاه‌های ورزشی، زمینه وحدت و انسجام ملی در جامعه را فراهم کنند و درنهایت به مدیران و مسئولان مربوطه توصیه می‌شود از مدل ارائه شده در این پژوهش در فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی خود استفاده کنند. با این امید که نتایج پژوهش حاضر، قدم مؤثری در بهبود وضعیت فرهنگی جامعه ورزشی بردارد و موجبات توسعه فرهنگی جامعه و رسیدن به اهداف نظام حاکم بر جامعه را فراهم کند.

فهرست منابع

پورکیانی، محمد؛ صباغیان‌راد، صفورا و افروزه، علی (۱۴۰۱). مطالعه کجروی‌های فرهنگی در محیط‌های ورزشی به روش تحلیل مضمون. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، پذیرفته‌شده انتشار آنلاین.

حیدری، رضا؛ کشتی‌دار، محمد؛ شجیع، کیانوش و رجبی، رضا (۱۳۹۹). توسعه راهبردی باشگاه‌داری حرفه‌ای در والیبال ایران (مورد مطالعه: باشگاه والیبال پیام مشهد). *مطالعات مدیریت ورزشی*، پذیرفته شده انتشار آنلاین، ۱۴(۷۳)، ۷۷-۱۱۲.

رضوی، سیدضیاءالدین؛ مستحفیظیان، مینا و زاهدی، حمید (۱۳۹۹). طراحی الگوی توسعه فرهنگ هواداری در لیگ برتر فوتبال ایران. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲(۶۲)، ۲۲۱-۲۵۰.

شبانی، سپیده؛ همتی‌نژاد، مهرعلی؛ شفیعی، شهرام؛ فرجی، رسول و یاریقلی، بهبود (۱۴۰۱). شناسایی سازمان‌ها و نهادهای دخیل در توسعه فرهنگ و آداب حضور در استادیوم‌های فوتبال ایران با هدف ارتقای امنیت آن‌ها. *مدیریت و توسعه ورزش*، ۱۱(۴)، ۴۰-۶۷.

عابدی، محبوبه و دوستی، مرتضی (۱۴۰۳). راهبردهای فرهنگی دیپلماسی‌عمومی و قدرت‌نرم در گردشگری ورزشی جمهوری اسلامی ایران. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۳(۱)، ۱-۳۶.

قاسمیان، فرحناز؛ غفوری، فرزاد؛ هنری، حبیب و ذکایی، محمدسعید (۱۴۰۱). طراحی مدل توسعه ورزش تفریحی برمبنای فرهنگ قومی با رویکرد نظریه مبنایی. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۴(۷۴)، ۱۲۷-۱۶۲.

محمدی، علی؛ کلاته سیفری، معصومه (۱۴۰۲). طراحی مدل توسعه فرهنگی در باشگاه های حرفه‌ای فوتبال ایران. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۲(۶۰)، ۲۲۳-۲۴۰.

نقوی، محبوبه؛ آرمندنیا، مهدی و نیک‌بین، برانوش (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء فرهنگ عمومی اماکن ورزشی استان تهران (با رویکرد حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۲(۶۰)، ۲۶۹-۲۸۸.

نودهی، محمد علی؛ احمدی، مجتبی؛ طیبی، بهمن و دیلمی، کیانوش (۱۴۰۱). آسیب شناسی و مقایسه موانع رونق فرهنگ وقف و امور خیریه در ورزش از دیدگاه مدیران ورزش و خیرین استان گلستان. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، پذیرفته‌شده انتشار آنلاین، ۲۱(۵۷)، ۴۱۹-۴۳۹.

هاشمی، فرزانه؛ خطیبی، امین؛ هژبرنیا، زهرا و ندری، امیر (۱۴۰۰). شناسایی پیشران های نهادینه‌سازی فرهنگ مطلوب هواداری در فوتبال. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۳(۷۰)، ۱۲۵-۱۵۵.

Abdurahiman, S.; Kasthurba, A. & Nuzhat, A. (2023). Role of Street Art and Graffiti in Conserving Cultural Built Heritage in Historic Precincts-a Socio-Cultural Comparative Analysis of Three Case Models in India. *SCIRES-IT-SCIentific RESearch and Information Technology*, 12(2), 99-108.

Achim, A.; Moreau, G.; Coops, N. C.; Axelson, J. N.; Barrette, J.; Bédard, S.; Byrne, K. E.; Caspersen, J.; Dick, A. R. & D'Orangeville, L. (2022). The changing culture of silviculture. *Forestry*, 95(2), 143-152.

Bahodirovna, H. Z. (2022). Development of Sports in the Republic of Uzbekistan. *Texas Journal of Multidisciplinary Studies*, (6), 318-320.

Bakhrom, B. (2022). Information technologies in physical culture and sports. *Asian Journal of Multidimensional Research*, 11(10), 288-292.

Batavani, M.; Foroghipor, H.; Soleymani, M. & Aghaei, N. (2023). Impact of Organizational Culture with the Mediatory Role of Innovation in Productivity of Karate in Isfahan Province. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 22(59), 309-328.

Chersulich Tomino, A.; Perić, M. & Wise, N. (2020). Assessing and considering the wider impacts of sport-tourism events: A research agenda review of sustainability and strategic planning elements. *Sustainability*, 12(11), 4473.

Hindman, L. C. & Walker, N. A. (2020). Sexism in professional sports: How women managers experience and survive sport organizational culture. *Journal of Sport Management*, 34(1), 64-76.

Innis, H. A. (2022). *The strategy of culture*. DigiCat.

Kalynychenko, I. A.; Latina, H. O.; Kopytina, Y. M.; Protsenko, I. I. & Ivanii, I. V. (2022). Formation of Professional-Pedagogical Culture of Future Specialists of Physical Culture and Sports Specialties. *Journal of Higher Education Theory & Practice*, 22(5).

Kostova, T.; Beugelsdijk, S.; Scott, W. R.; Kunst, V. E.; Chua, C. H. & van Essen, M. (2020). The construct of institutional distance through

the lens of different institutional perspectives: Review, analysis, and recommendations. *Journal of International Business Studies*, (51), 467-497.

Mothersbaugh, D. L. & Hawkins, D. I. (2016). *Consumer behavior: Building marketing strategy*. McGraw-Hill.

Qodirjan, S. (2022). The role of physical culture and sport in personality development. nternational journal of research in commerce, it, engineering and social sciences ISSN: 2349-7793 Impact Factor: 6.876, 16(8), 17-19.

Ratnapalan, L. (2008). EB Tylor and the problem of primitive culture. *History and Anthropology*, 19(2), 131-142.

Robinson, M. (2010). *Sport club management*. Human Kinetics.

Scott, W. R. (2013). *Institutions and organizations: Ideas, interests, and identities*. Sage publications.

Smith, R.; Spaaij, R. & McDonald, B. (2019). Migrant integration and cultural capital in the context of sport and physical activity: A systematic review. *Journal of international migration and integration*, (20), 851-868.

Song, M. & Zhang, Y. (2017). Research on the relationship between geographical factors, sports and culture. *Advances in Physical Education*, 8(1), 66-70.

Strandbu, A.; Bakken, A. & Stefansen, K. (2020). The continued importance of family sport culture for sport participation during the teenage years. *Sport, Education and Society*, 25(8), 931-945.

Walklate, E. & Watt, A. (2023). Sport specialism in schools contributing to culture: supporting student-athletes to become better people. *Curriculum Studies in Health and Physical Education*, 14(3), 323-339.

Xia, Y.; Ma, J.; Xiao, H.; Lv, H. & Liu, D. (2022). *Study On The High–Quality Development Of Urban Sport Culture Driven By Mega Sporting Events*. Of Papers Presented at 2022 3rd Asia Sport Science Conference (ASSC).

References

Abdurahiman, S., Kasthurba, A. & Nuzhat, A. (2023). Role of Street Art and Graffiti in Conserving Cultural Built Heritage in Historic Precincts-a Socio-Cultural Comparative Analysis of Three Case Models in India. SCIRES-IT-SCIentific RESearch and Information Technology, 12(2), 99-108.

Abedi, M. & Dosti, M. (2022). Cultural Strategies of Public Diplomacy and Soft Power in Sports tourism of the Islamic Republic of Iran.

Socio-Cultural Strategy. (In Persian)
Achim, A., Moreau, G., Coops, N. C., Axelson, J. N., Barrette, J., Bédard, S., Byrne, K. E., Caspersen, J., Dick, A. R., & D'Orangeville, L. (2022). The changing culture of silviculture. Forestry, 95(2), 143-152.
Ahmadi, Y. (2014). Typology of Cultural Values Based on Collective Identity (Study: Citizens of Sanandaj). Social Issues Journal of Iran, 5(1), 7-32. (In Persian)
Aminiroshan, Z., Khoshbakht Ahmadi, E., & Azimzadeh, S. M. (2022). The role of social status of brand equity on customer invocations the brand of equatic complexes. Strategic Sociological Studies in Sport, 4(3), 0. (In Persian)
Bahodirovna, H. Z. (2022). Development of Sports in the Republic of Uzbekistan. Texas Journal of Multidisciplinary Studies, (6), 318-320.
Bakhrom, B. (2022). Information technologies in physical culture and sports. Asian Journal of Multidimensional Research, 11(10), 288-292.
Batavani, M., Foroghipor, H., Soleymani, M., & Aghaei, N. (2023). Impact of Organizational Culture with the Mediatory Role of Innovation in Productivity of Karate in Isfahan Province. Strategic Studies on Youth and Sports, 22(59), 309-328.
Chersulich Tomino, A., Perić, M. & Wise, N. (2020). Assessing and considering the wider impacts of sport-tourism events: A research agenda review of sustainability and strategic planning elements. Sustainability, 12(11), 4473.
Ghasemian, F., GHAFOURI, F., Honari, H. & Zokaei, S. (2022). Designing a Model of Recreational Sport Development Based on Ethnic Culture Grounded Theory Approach. Sport Management Studies, 14(74), 95-130. (In Persian)
Hashemi, F., Khatibi, A., Hojabrnia, Z. & Nadri, A. (2022). Identifying the drivers of institutionalizing the desired culture of support in football. Sport Management Studies, 13(70), 125-155. (In Persian)
Heydari, R., Kashtidar, M., Shajie, K. & Rajabi, R. (2022). Strategic development of professional volleyball club management in Iran (Case study: Payam Mashhad Volleyball Club). Sport Management Studies, 14(73), 77-112. (In Persian)
Hindman, L. C. & Walker, N. A. (2020). Sexism in professional sports: How women managers experience and survive sport organizational culture. Journal of Sport Management, 34(1), 64-76.
Innis, H. A. (2022). The strategy of culture. DigiCat.
Kalynychenko, I. A., Latina, H. O., Kopytina, Y. M., Protsenko, I. I. & Ivanii, I. V. (2022). Formation of Professional-Pedagogical Culture of Future Specialists of Physical Culture and Sports Specialties. Journal of Higher Education Theory & Practice, 22(5).

Kostova, T., Beugelsdijk, S., Scott, W. R., Kunst, V. E., Chua, C. H. & van Essen, M. (2020). The construct of institutional distance through the lens of different institutional perspectives: Review, analysis, and recommendations. Journal of International Business Studies, (51), 467-497.

Mohamadi, A. & Kalateh Seyfari, M. (2023). A Cultural Development Model in Professional Football Clubs in Iran. Strategic Studies on Youth and Sports, 22(60), 223-240. (In Persian)

Mothersbaugh, D. L. & Hawkins, D. I. (2016). Consumer behavior: Building marketing strategy. McGraw-Hill.

Naghavi, M., ARMANDNIA, M. & nikbin, b. (2023). Identifying the effective factors on promoting the general culture of sports venues in Tehran province (with the approach of women's presence in sports stadiums). Strategic Studies on Youth and Sports, 22(60), 269-288. (In Persian)

Nazemi, M. & Shariati Feizabadi, M. (2017). Developing the Conceps of Cultural Peace Making Role of Sport in International Relations (Case Study of World against Aggression and Violence (WAVE) Program Proposed by the Iranian President). Socio-Cultural Strategy, 6(3), 163-188. (In Persian)

Noudehi, M., Ahmadi, M., Tayyebi, B. & Deylamei, K. (2022). Pathology and comparison of Waqf and Charity culture Development in sport from the perspective of sports managers and charities in Golestan province. Strategic Studies on Youth and Sports, 21(57), 419-439. (In Persian)

Pourkiani, M., Sabaghian Rad, S. & Afrouzeh, A. (2022). Study the Cultural Deviance in Sports Environments via Content Analysis Method. Strategic Studies on Youth and Sports. (In Persian)

Qodirjan, S. (2022). The role of physical culture and sport in personality development. nternational journal of research in commerce, it, engineering and social sciences ISSN: 2349-7793 Impact Factor: 6.876, 16(8), 17-19.

Ratnapalan, L. (2008). EB Tylor and the problem of primitive culture. History and Anthropology, 19(2), 131-142.

Razavi, S. Z., Mostahfezian, M. & Zahedi, H. (2020). Designing a Pattern of Fandom Culture Development in the Iranian Premier League. Sport Management Studies, 12(62), 221-250. (In Persian)

Robinson, M. (2010). Sport club management. Human Kinetics.

Scott, W. R. (2013). Institutions and organizations: Ideas, interests, and identities. Sage publications.

Shabani, S., Hemati Nejad, M., Shafiee, S., Faraji, R. & Yarigholi, B. (2023). Identify organizations and institutions involved in developing the culture of attending football stadiums with the aim of improving their security. Sport Management and Development, 11(4), 1-10. (In Persian)

Smith, R., Spaaij, R. & McDonald, B. (2019). Migrant integration and

cultural capital in the context of sport and physical activity: A systematic review. Journal of international migration and integration, (20), 851-868.

Song, M. & Zhang, Y. (2017). Research on the relationship between geographical factors, sports and culture. Advances in Physical Education, 8(1), 66-70.

Strandbu, A., Bakken, A. & Stefansen, K. (2020). The continued importance of family sport culture for sport participation during the teenage years. Sport, Education and Society, 25(8), 931-945.

Veisia, E., Karimi, M. & Khatibi, A. (2023). Effective factors on the development of public sports culture in Khuzestan province (with approach social marketing). Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad, 20(2). (In Persian)

Walklate, E. & Watt, A. (2023). Sport specialism in schools contributing to culture: supporting student-athletes to become better people. Curriculum Studies in Health and Physical Education, 14(3), 323-339.

Xia, Y., Ma, J., Xiao, H., Lv, H. & Liu, D. (2022). Study On The High–Quality Development Of Urban Sport Culture Driven By Mega Sporting Events. Of Papers Presented at 2022 3rd Asia Sport Science Conference (ASSC),

Yousefi Amiri, M., Khaef Elahi, A. A., Mortazavi, M. & Ali Asghar, F. (2022). Analyzing and designing a model of public service culture in public organizations. Journal of Public Administration, 14(3), 346-370. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۲۷۵-۱۲۹۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

مقاله پژوهشی

اشتراک دیدگاه موج جدید نهضت زنان در غرب پیرامون نقش زنان در خانواده با نظرات اسلام

محمدحسین ناظمی اشنی
گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m.h.nazemi@cfu.ac.ir 0000-0002-1732-6061
اباذر کافی موسوی
گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
a.kafi@cfu.ac.ir 0000- 0003-0567-9254
خدیجه بهار رستمی
دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه خواهران، تهران، ایران.
kh.baharrostami@gmail.com 0009-0003-6441-7294

چکیده

یکی از مباحث مربوط به نظام خانواده، حقوق و وظایف زن و مرد است. دین اسلام با بیان حقوق زن و مرد و اصل قرار دادن معیار انسانیت، نگاهی مساوات‌گونه و متناسب با جایگاه و تفاوت‌های جنسیتی هریک از زن و مرد تعریف کرده است و در کنار بُعد انسانی به بُعد الهی آن نیز توجه دارد. نقش‌ها و حقوق بیان شده برای زنان و مردان در راستای رسیدن آنان به کمال است تا درنهایت، زمینه‌ساز جامعه‌ای متعالی شوند. درمقابل، نهضت زنان در موج‌های اول و دوم به‌صورت افراطی، هرگونه تفاوت میان حقوق زن و مرد را موجب فرودستی و ظلم به زن می‌دانستند و خواهان حقوق برابر و مشابه بین زن و مرد در تمامی عرصه‌ها بودند؛ اما این تفکر در موج جدید با لحاظ تفاوت‌های طبیعی و فیزیولوژی غیرقابل‌انکار بین زن و مرد، نگاهی تعدیل شده به جایگاه زن داشته و در تعریف هویت زن و نقش مادری، بازنگری کرده‌اند. این پژوهش به روش توصیفی ـ تحلیلی و با هدف بیان اشتراک نظرهای نهضت زنان در موج جدید با اسلام، پیرامون نقش زن در خانواده، به این نتیجه رسید که طرفداران نهضت زنان پس از جنجال‌سازی و افراط در بیان جایگاه زن، درنهایت به محورهای مشترک فراوانی با دیدگاه اسلام رسیدند. بر این اساس، جایگاه زنان در خانواده، ارزشمند بودن نقش مادری و احترام به فرزندآوری آنان، مخالفت با سقط‌جنین و روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده از اشتراکات بین دو دیدگاه است.

کلیدواژه‌ها: موج جدید نهضت زنان، مبانی اسلام، نقش زن، خانواده.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی
doi 10.22034/scs.2024.432861.1528

OPEN ACCESS
مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

جایگاه و حقوق زن و مرد از نظر اسلام، در تقابل یا ترجیح و برتری جنسیتی نیست بلکه هریک از آنان، مکمل، لباس، یاور و جفت یکدیگرند (فدایی، ۱۳۹۵، ص. ۳۴)؛ زیرا بسیاری از مسئولیت‌ها فقط از عهده زن برمی‌آید و مردان توانایی انجام آن را ندارند و از طرفی نیز، وظایفی وجود دارد که غالباً از عهده مردان برمی‌آید. همچنین تفاوت‌های عاطفی و روحی هریک از آنان به‌گونه‌ای است که در کنار یکدیگر به سکونت و آرامش می‌رسند. ازاین‌رو جنس زن و مرد با توجه به تفاوت‌های طبیعی و محدودیت‌ها در تأمین نیازها و احساس نیاز متقابل به یکدیگر، وابسته و نیازمند به طرف مقابل است. براین‌اساس، تعریف جایگاه و شخصیت زن در اسلام با طبیعت و نیازهای طبیعی او هماهنگی دارد و از او در برابر شرایط نامساعد و دشواری‌های زندگی محافظت می‌کند (وارث، ۱۳۷۸، ص. ۴۶).

قرآن کریم، زن و مرد را با شاخصه «انسانی» معرفی می‌کند و برای آنان قابلیت کسب فضایل اخلاقی و پاداش‌های اخروی یکسان و برابری در نظر گرفته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص. ۲۳۲). همچنین، ارتباط زن و مرد در قالب تشکیل خانواده را سبب آرامش و از نشانه‌های عظمت خداوند می‌داند و یکی از نشانه‌های خداوند را آفرینش همسرانی از جنس انسان دانسته تا مردان در کنار آنان آرامش یابند و این خلقت را یکی از نشانه‌های آفرینش معرفی کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۱۶، ص. ۱۶۶). به‌همین‌خاطر، زن مسلمان، تکامل را نه بر اساس معیارهای دنیایی و ظاهری بلکه در تحصیل رضای خدا جست‌وجو می‌کند. همچنین، او برابری یا برتری با مرد را نه در پایگاه اجتماعی بلکه در بارگاه الهی می‌جوید و چون معیار برتری در اسلام، تقوا و پرهیزکاری است و این معیار در حق زن و مرد به‌طور یکسان قابل انطباق است، زن خود را موجودی برای خود، خواهد یافت و هرگز از اینکه به کارهای خانه، تولیدمثل و مادری می‌پردازد، احساس بیگانگی از خود نخواهد داشت (بستان و شرف‌الدین، ۱۳۸۸، ص. ۱۷).

در عصر جدید، دیدگاه‌های متفاوتی در ارتباط با نقش زن و مرد در خانواده ارائه شده است که برخی از این تفکرات، همچون نهضت زنان (فمینیسم[1])، باعث تغییر نگرش‌هایی در ساختار و مدیریت خانواده و نقش زن و مرد شده است. هرچند دو موضوع آزادی و برابری حقوق، شعار اصلی طرفداران نهضت زنان بوده و تمام آن‌ها

1. Feminisme

اتفاق‌نظر دارند بر اینکه زنان، فرودست‌اند و ساختار نظام خانواده و الزام به فعالیت در خانه، نقش اساسی در ظلم و ستم به زنـان داشـته اسـت؛ لـیکن نظرهـای متعـدد و مختلفی در این زمینه بیان داشته‌اند که گویای اختلاف‌نظر در گسـتره و کیفیـت آن است. برای شروع نهضت زنان، تاریخ معین و قابل اعتمادی وجود نـدارد و نمـی‌تـوان گفت اولین حرکت این جنبش از چه زمانی آغاز شده است؛ اما آنچه میـان متفکـران نهضت زنان مورد اتفاق است، این است که طرح نظریـه برابـری زن و مـرد بـه قـرن هفدهم میلادی برمی‌گردد؛ چراکه از آن زمان به بعد، کم‌کم نهضت علمـی ـ فلسـفی در زمینه علوم اجتماعی به نام «حقوق بشر» شکل گرفـت و متفکـران و فلاسـفه در کنار حقوق‌دانان به ترویج افکار خود درباره حقوق طبیعی و فطری و غیرقابـل سـلب بشر، در میان مردم پرداختند (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸). حرکـت اصـلی و منسـجم نهضت زنان، در قرن نوزدهم و در فرانسه گسترش یافت و نام فرانسـوی فمینیسـم را به خود گرفـت (اسـحاقی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸). نهضـت زنـان در سـومین مـوج کـه بـه (پست‌مدرن) شهرت یافت، برای اینکه بتوانند حضور خود را در اجتماع حفظ نمایند؛ نیاز به اندیشه و ایدئولوژی برای مکتب خود داشتند، برهمین‌اساس، آنان با تفکرات و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه و عصر خود همراه شـدند (جگـر، ۱۳۷۸، ص. ۳۶). در موج جدید نهضت زنان، نظریات مـرتبط بـا خـانواده از دو جهـت بـا تفکـرات قبلـی متفاوت است: جهت اول، نگاه مثبت آنان به خانواده است کـه بـه «احیـای مـادری» معروف گشته است و جهت دوم، نگاه خاص آنان به زنـان و ویژگـی‌هـای زنانـه بـود. به‌گونه‌ای‌که نهضت زنان این موج را به «خانواده‌گرا» و «زن‌گرا» می‌شناسند؛ چون بر دو محور اساسی خانواده و ویژگی‌های انحصـاری زنـانگی اصـرار دارنـد و مـی‌گوینـد: «جنس برتر (نه مساوی و برابر با مردان) جنس زن است و صفات زنانـه، عـالی‌تـرین صفات برای ادامه حیات بشری است، احساس و عاطفه، بهتـرین صـفات بـرای ادامـه حیات بشری هستند و جهانی سالم و سرشار از صلح و عدالت می‌سازند» (فرحدوست و رفیعی‌راد، ۱۳۸۸، ص. ۹۹).

پژوهش حاضر به این مسئله می پردازد که رویکرد اسلام به نقـش زن و مـرد در خانواده با دیدگاه جدید نهضت زنان (فمینیسم پست‌مدرن)، چه اشتراکاتی دارد.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر، مطالعه نگاه متفاوت طرفداران نهضت زنان به جایگـاه و حقـوق زن از ابتدای پیدایش تا اکنون و مقایسه این دیدگاه با نظرهای اسلام در مـورد زنـان

است که نشان می دهد مقابله جدی اسلام با تفکرات حاکم بر جامعه آن روز نسبت به حقوق زن در خانواده و اجتماع، توانسته زن را از انزوا و تحقیر برهاند و او را در جایگاه طبیعی و شایسته خویش قرار دهد. درحالی‌که طرفداران نهضت زنان با مشاهده ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی، ابتدا تعریف نادرستی از زن و وظایف او ارائه دادند ولی درنهایت به همان تعریف اسلام متمایل گشتند. این فرضیه بر این مسئله استوار است که دیدگاه جدید نهضت زنان مسلمان چه وجه اشتراکی با دیدگاه اسلام دارد و تا چه حد توانسته به مبانی اسلامی در خصوص زنان متمایل شود؟

۲. پیشینه پژوهش

در راستای موضوع پژوهش می‌توان به مقالات و پایان‌نامه‌های زیر اشاره کرد:

عالیه عباسی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه دکترای تخصصی «فرایند هویت‌یابی زنان در ایران معاصر بر اساس رویکرد فمینیسم پست‌مدرن»، به مقوله هویت زنان از دیدگاه فمینیسم پرداخته است.

مرضیه شافعی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی تطبیقی آراء تربیتی اندیشه‌های فمینیسم با اندیشه‌های تربیت اسلامی»، مبانی فکری فمینیسم را در ۵ شاخه مورد بررسی قرار داده و با مبانی اسلامی مقایسه کرده است.

راضیه حسینی؛ علی‌اصغر تجری و سید حسن عابدیان (۱۴۰۰) در مقاله «نگرشی به کارکردهای دین در مدیریت خانواده در مقایسه با رویکرد فمینیسم از منظر قرآن»، مدیریت خانواده را از دیدگاه دین و فمینیسم بررسی نمود.

مهناز سلیمی؛ سیدمحمدرضا آیتی و سید هادی مهدوی (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل تفاوت‌های حقوقی زنان در فقه امامیه و ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، به بررسی تفاوت‌های نقش زن و مرد در خانواده از دیدگاه فقه پرداخته‌اند.

زهرا معماریان و احمد مراد خانی در مقاله «بررسی تطبیقی احکام خانواده در فقه و حقوق امامیه» (۱۳۹۶)، حقوق زوجین را در فقه امامیه بررسی نمود.

عبدالله کبری‌پور و فاطمه سرخ حصاری (۱۳۹۵) در مقاله «مبانی فقهی و حقوقی اجرت‌المثل خانه‌داری و بررسی وظایف شرعی زوجه در فقه»، مبانی فقهی وظایف زوجین در خانواده را بیان نموده است.

زهرا فدایی مختارخانلو (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «شناخت و تحلیل تفاوت‌های حقوق خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، با روش توصیفی تحلیلی و

مطالعات کتابخانه به بررسی خانواده از منظر اسلام و فمینیسم پرداخته است.

قدرت‌الله خسروشاهی و فهیمه مؤمنی راد (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی اشتغال زنان در مکتب اسلام و فمینیسم»، با نگاه به اسلام و فمینیسم مسئله اشتغال زنان را ترسیم کرده است.

مریم غنی‌زاده بافقی و فائزه ورمزیار (۱۳۹۲) در مقاله «تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده»، تحول مفهوم خانواده در تقابل با فمینیسم را تبیین نمود.

در بررسی پیشینه این موضوع می‌توان دریافت که بحث نقش زن و مرد در خانواده، در فمینیسم و دین اسلام به شکل کلی مطرح شده است و به‌طور خاص از منظر مبانی اسلام مورد بررسی قرار نگرفته است و همچنین به بررسی وجوه اشتراک نقش زن و مرد در خانواده در دو دیدگاه موج جدید فمینیسم و مبانی اسلام پرداخته نشده است.

۳. تعریف مفاهیم

۳-۱. نهضت زنان (فمینیسم)

واژه فمینیسم[1] از ریشه فمین[2] به معنای «زنانه» و «مادینه» است که سال ۱۸۳۷ میلادی وارد زبان فرانسه شد (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲). این واژه در لغت به معنای «طرفداری از حقوق زن»، «جنبش آزادی زنان» است (عمید، ۱۳۷۶). تعاریف اصطلاحی متعددی برای آن بیان شده است که بر دو معنی بیشتر تأکید دارند: اول اینکه زنان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید از فرصت‌ها و امکانات مساوی با مردان برخوردار باشند. دوم اینکه این نظریه باید توسط جنبش‌های اجتماعی به یک باور و اعتقاد جمعی تبدیل شود (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲). معادل‌های فارسی این معنا عبارت‌اند از: نهضت زنان و نهضت آزادی زنان (قدوسی‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۴۵).

نهضت زنان را می‌توان جنبشی اجتماعی معرفی نمود که با هدف مشارکت و بهره‌مندی از حقوق برابر با مردان تشکیل شده است و درواقع، تفکری است که با تأکید بر برابری زن و مرد در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی در پی محو نمودن نگاه تبعیضی بین این دو قشر اجتماعی هستند و در

1. Feminisme
2. Feminie

تلاش‌اند تا از تبعیض، تحقیر، توهین و ستم بر زنان بکاهند و مانع سلطه مردان شوند (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹، ص. ۲۷). «مهم‌ترین آرمان و هدف فمینیسم، رفع تبعیض و ستم از زنان در همه جنبه‌های حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی است» (هاجری، ۱۳۸۲، ص. ۳۹). طرفداران نهضت زنان اسلامی نیز به‌عنوان نحله‌ای جدید در کشورهای اسلامی پدیدار شد و کانون خانواده را نظام مردسالار می‌دانست که در پی ثبات اقتدار و جایگاه خویش است؛ ولی این گروه بر حفظ کیان خانواده اصرار دارند و همچنین به نقش زن در خانه با عنوان همسر و مادر توجه خاصی دارند (بستان و شرف‌الدین، ۱۳۸۸، ص. ۱۹).

پس از رنسانس و رشد و توسعه سرمایه‌داری و ایجاد رفاه مادی و به تبع آن، ظهور مردان ثروتمند و قدرتمند، زنان جامعه را بر آن داشت تا با مقایسه جایگاه خود با مردان، از محرومیت و بی‌بهرگی خود از فواید سرمایه‌داری، شاکی شده و به‌دنبال جایگاه بالاتری باشند (قدوسی‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۴۷). از طرفی، تمدن نوظهور غرب، تمام برنامه‌های خود را بر دنیاگرایی و انسان‌مداری قرار داده بود که بر اساس آن، اقشار جامعه در رقابت برای رسیدن به جایگاهی بالاتر در تلاش بودند تا از لذت‌های بیشتری بهره‌مند شوند. طبیعتاً این فضای رقابتی که معیار موفقیت را بهره‌مندی بیشتر از سرمایه‌ها و ثروت تعریف نموده بود، زنان را نیز تحریک نمود تا به‌دنبال جلب ثروت، قدرت و دیگر مؤلفه‌های دنیوی باشند و به‌تبع آن، خواستار شرایط و امکانات بالاتری نسبت به قبل بودند.

۴. روش پژوهش

این پژوهش با روش تحقیق کیفی در شاخه تحلیلی توصیفی انتقادی بر محور آموزه‌های اسلام و نظرهای نگاه جدید نهضت زنان، به اشتراکات این دو دیدگاه پرداخته است. به این صورت که ابتدا نظرهای نهضت زنان در موج جدید با نگاه انتقادی مورد مطالعه قرار گرفت. در ادامه با بررسی کتب و مقالات متعدد پیرامون مبانی اسلام پیرامون رابطه زن و مرد در خانواده به بررسی تطبیقی این دو دیدگاه پرداخته شد و نقاط اشتراک و اختلاف آن‌ها پدیدار شد. این مقاله به اشتراکات این دو دیدگاه می‌پردازد تا مشخص نماید جامعه امروزی هرچقدر رو به جلو حرکت می‌کند بیشتر به مبانی نظری اسلام نزدیک شده و سطح نیازمندی آن ارتقا می‌یابد. ازدواج، مدیریت مرد در خانه، مخالفت با سقط‌جنین و روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده، مشارکت مرد در کنار زن در امور خانه از این اشتراکات است.

۵. یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به‌دنبال جواب این پرسش بود که اشتراکات دیدگاه جدید نهضت زنان (فمینیسم پست‌مدرن) با نظریات اسلام پیرامون نقش زن و مرد در خانواده چیست؟ جهت پاسخ به این سؤال در شش حوزه به این اشتراکات پرداخته شده است.

۵-۱. ازدواج

نهضت زنان در موج جدید، ازدواج را برای زن و مرد لازم دانسته و نگاهی مثبتی به خانواده دارند. آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که ازدواج زن و مرد می‌تواند سلامت جسمی، ذهنی، جنسی، اقتصادی و اجتماعی آنان را ارتقا بخشد و زنانی که از ازدواج پرهیز کرده‌اند خود را از این منافع قابل توجه، منع کرده‌اند (منصورنژاد، ۱۳۸۱، ص. ۹۷). این بدان‌معناست که ازدواج، چیزی فراتر از یک «مشارکت» است. در مورد طلاق نیز والدینی که برای آزادی و زندگی راحت‌تر و بهتر خود اقدام به جدایی می‌کنند آسیبی جدی به دیگر افراد خانواده و به‌خصوص فرزندان وارد می‌کنند و نتایجی که طلاق برای بزرگ‌ترها داشته، هرگز برای بچه‌ها و کودکان نداشته است (فرح‌دوست و رفیعی‌راد، ۱۳۸۸، ص. ۹۹).

ازدواج در فقه اسلامی، همسر گرفتن مرد یا زن است که به سبب عقد ازدواج همراه با شرایط آن تحقق می‌یابد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۰). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مسلمانان را به ازدواج و تولید نسل تشویق می‌نمودند و آن را وسیله مباهات بر دیگر امت‌ها می‌دانستند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص. ۱۲۷). از نظر اسلام هرکدام از زن و مرد در انتخاب همسر و همسرگزینی آزاد هستند و اسلام بر بحث هم‌کفو بودن زن و مرد تأکید نموده است. در مراسم خواستگاری که مقدمه‌ای برای به‌وجود آمدن قول یا وعده نکاح است هرکدام از طرفین ملاک‌ها و شروط زندگی خود را بیان می‌نمایند. درنهایت با انشاء صیغه عقد، ازدواج بین آن‌ها حاصل می‌شود و به واسط عقد ازدواج، بین زن و مرد رابطه زوجیت نیز بین آنان برقرار می‌شود که هرکدام را ملزم و متعهد به انجام امور و تکالیفی در خانواده می‌نماید (بستان و شرف‌الدین، ۱۳۸۸، ص. ۱۷).

۵-۲. سرپرستی و مدیریت خانواده

فمینیسم رادیکال بر این باور است که خانواده، نهادی پدرسالار است و نتیجه آن، برای زنان چه در خود خانواده و چه در حیطه عمومی جامعه، پذیرفتن تسلط مردان

است؛ اما طیف جدیدی از طرفداران نهضت زنان در این زمان پدیدار شدند که نظریاتشان با تفکرات قبلی متفاوت است. آن‌ها می‌گویند جنس برتر (نه مساوی و برابر با مردان)، جنس زن است و صفات زنانه، بهترین صفات برای ادامه حیات انسان است (فرهمند، ۱۳۸۵، ص. ۷۳)؛ اما طرفداران نهضت زنان جدید این‌گونه بیان می‌کنند که مردان و زنان باید در ارتباط بین فردی با یکدیگر همکاری داشته باشند که این رابطه به معنای انفاق خود در خدمت و محبت متقابل است و نهضت زنان اسلامی با پندار سنتی نسبت به خانواده مذهبی، ایرادات را بر گردن خانواده انداخته و بر مساوات و برابری جایگاه و نقش مشارکتی مردان در فعالیت‌های خانگی اصرار دارند و به‌دنبال انکار و نفی سرپرستی مرد در نظام خانواده هستند. همچنین ضمن انتقاد به نهضت زنان غربی، آنان را متهم می‌کنند به اینکه مصلحت جامعه و خانواده را در پای اعتقاد به فردگرایی افراطی قربانی کرده‌اند (فدایی، ۱۳۹۵، ص. ۴۳).

نظام و ساختار خانواده در نگاه اسلام دارای سلسله‌مراتب متناسب با نقش هریک از افراد است و مرد در خانواده با نگاهی منطقی و مسئولانه و با رعایت مشورت‌های لازم در جهت برطرف شدن نیازهای خانواده تلاش می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ص. ۷۳). مدیریت خانواده، با توجه به خصوصیات طبیعی و جنسیتی مرد، به وی واگذار و لازم است مردان، احتیاجات مادی خانواده را تأمین نمایند. خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء وظیفه پرداخت نفقه و مهر زن را بر عهده مرد گذاشته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ص. ۲۴۸) و در کنار آن، زن در موقعیت همسری و مادری، منبع عواطف و آرامش است؛ از این‌روی، مدیریت امور داخلی منزل و فرزندآوری به وی سپرده شده است (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۵۸).

۵-۳. روابط جنسی

طرفداران دیدگاه جدید نهضت زنان معتقدند ازدواج، باعث تندرستی جسم، ذهن، اقتصاد زن می‌شود؛ اما روابط خارج از این قاعده برای زنان و مردانی که با هم زندگی می‌کنند فاقد چنین منافعی است. آنان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی بر ارتباطات آزاد جنسی و زندگی مشترک بدون ازدواج خرده گرفته و معتقدند مردان برای رهایی از خطرات مالی طلاق و ازدواج به این روابط ناسالم گرایش دارند و برایشان از مطلوبیت بالایی برخوردار است؛ چون تبعات و مشکلات داشتن فرزند و مسئولیت‌های آن را حذف می‌کند و هروقت که اراده کردند می‌توانند این رابطه را پایان داده و انصراف دهند درحالی‌که این‌گونه روابط، امر سلامت اجتماعی را پایین

می‌آورد (دولتی و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸، ص. ۷۹).

ارتباط جنسی، همسردوستی و نیاز غریزی انسان‌ها به جنس مخالف، تدبیر خدایی است که سبب‌ساز پیوند زن و مرد و استمرار نسل بشر است. رفتارهای جنسی برخلاف بعضی مکاتب در اسلام، امری طبیعی و فطری است که مانند هر نیاز دیگری باید برطرف شود. از نظر اسلام، علاقه جنسی نه‌تنها با معنویت و رهیافت منافات ندارد بلکه از خوی و خلق انبیا شمرده شده است (مطهری، ۱۳۸۴، ص. ۵۴).

اصل تمایل زنان به مردان در اسلام مورد پذیرش واقع شده و آن را نیاز زن می‌داند. نیازهای انسانی زن در اسلام هیچ تفاوتی با نیازهای مرد ندارد. اصل نیازهای طبیعی در زن به‌مقتضای انسان بودن، هیچ تفاوتی با مرد ندارد همان‌طورکه همه انسان‌ها، زن و مرد، به غذا نیاز دارند، غریزه جنسی برای راحتی تن و ادامه زندگی لازم است. ازاین‌رو زن و مرد تفاوتی با هم ندارند. رفتارهای جنسی در انسان، طبق نظر اسلام قانونمند و طبق قواعد مشخص است؛ زیرا هدف از رفتارهای جنسی آن است که هم نیازهای فطری انسان برطرف شود و هم این رفتار، متناسب شأن انسانیت باشد تا زمینه رشد معنوی انسان را فراهم کند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۵، ص. ۲۴)؛ تا جایی‌که در صورت درخواست یا تمایل زن، ارضای نیاز او توسط شوهر واجب شمرده شده است (خویی، ۱۳۶۵، ص. ۱۲۹).

۵-۴. فرزندآوری

طرفداران موج نهضت زنان، جایگاه مادری و مادر شدن را شایسته زنان نمی‌دانستند. آن‌ها طرفدار سقط‌جنین و ارضای غرایز جنسی، حتی از طریق همجنس‌گرایی بودند تا جایی که آغاز آزادی زنان را از شکم می‌دانستند و آنان باید خود را از بند و قیود مادری برهانند؛ اما به مرور زمان و با درک ناسازگاری این دیدگاه با طبیعت زنان به نفی این دیدگاه پرداخته و جایگاه مادری را پذیرفتند. در این مرحله، برای تعریف مجدد نقش مادری تلاش زیادی صورت گرفت. آدریان ریچ از رهبران این جریان نو بر این باور بود که برابری زن و مرد، نباید به کاهش اهمیت و لذت مادری تمام شود. او، مادر بودن را یک منبع قدرت و لذت می‌دانست که مورد ظلم و ستم و وابستگی قرار گرفته است (ریچ، ۱۹۷۷، ص. ۲۳).

طرفداران نوگرای نهضت زنان، خانواده را واحد بنیادی جامعه می‌دانند و بر این باورند که بسیاری از زنان به دلیل فشارهای اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی، حق انتخابی برای ماندن در خانه با فرزندان خود را ندارند درحالی‌که کار زنان به‌عنوان مادر

و برای کار در خانه باید به‌خودی‌خود خوب و رضایت‌بخش ارزیابی شود. آنان بر این معیار و شاخصه تأکید دارند که نقش و وظایف مادری باید برای زنان یک تجربه لذت‌بخش باشد. آن‌ها به‌دنبال فضای بهتری بودند که زنان خصوصاً مادران، نقش‌های خاص و اساسی در پرورش بچه‌هایشان داشته باشند (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲).

دین اسلام، فرزندآوری و مراقبت از فرزندان را بر عهده مادر قرار داده و مرد را عهده‌دار حمایت مادی فرزند و مادر قرار داده است و وظایف هرکدام را به تفکیک مشخص کرده است. مرد به‌عنوان پدر وظیفه پرداخت نفقه فرزند را دارد و باید در رفع احتیاجات مادی او بکوشد. نفقه فرزند در دوران شیرخوارگی مورد توجه قرآن کریم آیه ۲۳۳ سوره بقره است و مادر را دارای حق تربیت طفل و پدر را متولی مخارج آن‌ها قرار داده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ص. ۲۴۸).

اسلام برای زن و مرد، حق فرزندآوری قائل است که این حق، منطبق با قوانین طبیعی، همچون احساس جاودانگی و تمایل به حفظ و بقاء است که در زن و مرد مشترک است؛ همچنین، منطبق با میل و نیاز به مادر شدن زن و تمایل به پدر شدن مرد می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۴، ص. ۷۳). طبق نظر فقها امتناع زوجین از فرزندآوری علی‌رغم آمادگی طرف مقابل، دارای اشکال است و جایز نیست و همچنین جایز نیست همسر از بچه‌دار شدن زوج خود ممانعت نماید (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص. ۱۷۲). در برخی از اقوال فقهی می‌توان شواهدی یافت که بر دو طرفی‌بودن حق فرزندآوری دلالت دارد؛ برای نمونه، اگر زوج بدون تحصیل رضایت زوجه، ممانعت از تشکیل فرزند (عزل) کند، لازم است دیه پرداخت کند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج۲، ص. ۷۶).

۵-۵. سقط جنین

نظریه‌پردازان نوگرای نهضت زنان به باروری معتقدند نه عقیمی (فرهمند، ۱۳۸۵، ص. ۷۳). بسیاری از آنان ادعا می‌کنند که باروری، یک فرایند بیولوژیکی طبیعی و سالم است، نه بیماری که زنان برای درمان آن، نیاز به مصرف قرص داشته باشند. اگر زنان به باروری خود و ظرفیت مادر شدن احترام بگذارند از دیگران احترام می‌خواهند و انکار می‌کنند که جنسیت آن‌ها به ارضای خود تقلیل یابد. این کاهش ارزش جنسی با استفاده از داروهای ضدبارداری اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، اکثریت قریب به‌اتفاق طرفداران نهضت زنان جدید با پیروی از برنامه‌ریزی طبیعی خانواده به‌جای استفاده از روش های پیشگیری از بارداری، مزایای معنوی، عاطفی و جسمی را برای مردان و زنان یادآوری می‌کنند (فرهمند، ۱۳۸۵، ص. ۷۳).

سقط‌جنین (پیش از ولوج روح و پس از آن)، طبق حکم اولی، حرام است و در این مسئله بین فقها اختلافی وجود ندارد (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص. ۱۸۲). خداوند در آیه ۸۲ سوره مبارکه انعام خداوند می‌فرماید: «نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق (قصاص) به قتل نرسانید» (انعام / آیه ۸۲)؛ البته این حکم در حالت عادی و غیراضطرار است و در منابع فقهی مطرح شده که «هرگاه زندگی مادر متوقف بر سقط‌جنینی باشد که روح در آن دمیده نشده، سقط آن جایز است؛ زیرا حیات مادر از نظر شارع مهم‌تر است» (خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۳۳۴). به‌هرحال، مسلّم این است که در اسلام، سقط‌جنین امری مذموم و حرام به شمار می‌آید و خواست مادر یا پدر به‌تنهایی مجوز سقط‌جنین نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۲).

۵-۶. نگهداری و مراقبت از فرزندان

طرفداران نهضت زنان در موج گذشته مراقبت و تربیت کودکان را در خانه موجب سلب آزادی زنان و مانع حضور آنان در اجتماع می‌دانستند؛ اما در موج جدید معتقدند که مراقبت از کودکان باید به صورت اشتراکی در محیط خانواده صورت پذیرد و این امر تأثیرات عمیقی در شخصیت فرزند دارد و هزینه‌های مراقبت فرزندان نیز در خانواده از سوی پدر و مادر به‌صورت مشترک تأمین خواهد شد و انحلال نکاح، تأثیری بر روابط والدین با فرزندان در خصوص تأمین نفقه ندارد و همانند قبل انحلال، والدین مشترکاً مسئولیت معاش فرزندان را بر عهده دارند. نل نادینگز از نظریه‌پردازان موج جدید، تعریف خود از مراقبت را این‌گونه ارائه می‌نماید: نگاهِ مراقبت بُعد ذاتی زنانگی است. زن بودن یعنی مراقب بودن. مراقب بچه، شوهر، دانش‌آموز و... . مراقبت یک نگرش ساده و یک احساس نیست بلکه رویدادی است که در ارتباطات انسانی ایجاد می‌شود؛ و این ویژگی است که به‌طور ذاتی در مردان وجود ندارد (فتحی، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۶)؛ بنابراین مردان در برخی ویژگی‌ها کمتر از زنان هستند و ساختار جامعه به نفع مردان است و از زنان می‌خواهد این ویژگی ذاتی را از خود دور کنند؛ مثلاً برخی مؤسسات آموزشی معمولاً از زنان می‌خواهند که غمخوار بودن و مراقبت را کنار بگذارند و آموزش نسبتاً بی‌نام‌ونشان، بی‌روح و بدون تربیت عاطفی انجام دهند. این ساختار مردانه جامعه باید ساختارشکنی شود. او برای مراقبت یک مدل ارائه می‌دهد که شامل سه مرحله است: مراقبت مادرانه، مهرورزانه و غمخوارانه (فتحی، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۶).

در فقه اسلامی در بحث مراقبت و حضانت فرزندان دستورات مشخصی وجود دارد و

وظایف هریک از پدر و مادر در این امر معین شده است. طبق دیدگاه مشهور فقهای امامیه، مادر تا دو سال در مورد پسر و تا هفت سال در مورد دختر بر پدر در حضانت و نگهداری از فرزند اولویت و تقدّم دارد. تأمین مخارج فرزندان و خانواده بر عهده پدر می‌باشد و در صورت طلاق نیز پدر عهده‌دار نفقه فرزندان خواهد بود. در باب تربیت نیز فقه اسلامی وظایفی چون آموزش مسائل اعتقادی به فرزندان، احکام واجبات و علوم مفید را به والدین واگذار نموده است (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۶۳).

۶. جدول مقایسه نظرهای دو گروه

برای مرور بهتر و ساده‌تر مباحث، مقایسه و بیان اشتراکات دو دیدگاه در جدول شماره یک تنظیم شده است. شش محور در ابتدا مطرح شده و ستون دوم و سوم مختص نظرهای آن‌ها و در ستون چهارم اشتراکات، بیان شده است.

جدول (۱): بررسی دیدگاه موج جدید نهضت زنان و اسلام در رابطه با نقش همسران در خانواده

محور	دیدگاه موج جدید نهضت زنان (پست‌مدرن‌ها)	دیدگاه اسلام	اشتراک نظرها
ازدواج و طلاق	ازدواج را لازمه سلامت جسمی، ذهنی و جنسی زن و مرد می‌دانند و روابط زن و مرد در کنار هم تنها صرف بهره‌وری و استثمار جنسی زنان نیست، بلکه باید این روابط مثمرثمر بوده و به احترام و عشق دو طرف کشیده شود. عقد ازدواج یک قرارداد اجتماعی است و هرکدام هر زمان بخواهند می‌توانند جدا شوند ولی معتقدند طلاق آسیب‌های فراوانی به جامعه وارد می‌نماید.	عقد ازدواج، رابطه زوجیت بین زن و مرد را برقرار می‌کند. طبق این رابطه هرکدام ملزم به رعایت حقوقی خاص می‌باشند. مرد متعهد به پرداخت مهر، نفقه، اجرت‌المثل (در صورت توافق)، حق زناشویی است؛ و زن نیز باید از شوهر تمکین کند. در مورد طلاق نیز حق مرد است ولی با شرایطی حق طلاق به زن داده می‌شود.	۱. بهره‌مندی غیرجنسی زوجین از ازدواج ۲. اعتقاد به آسیب‌های فراوان طلاق بر خانواده و اجتماع
سرپرستی و مدیریت خانواده	مردان و زنان باید در ارتباط بین فردی با یکدیگر همکاری نمایند. برای نفی سلطه مردان بر زنان و پدرسالاری در خانواده باید نقش مشارکت مردان در فعالیت خانگی افزایش یابد.	وجود سرپرست در خانواده سبب آرامش می‌شود و این امر بنا به ادله به مرد واگذار می‌شود و وی نیز باید رعایت عدل و انصاف را در خانواده بنماید.	اعتقاد به نقش مؤثر مردان در خانواده
روابط جنسی زن و مرد در خانواده	روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده نظم اجتماعی و سلامت جسمی، ذهنی، جنسی و اجتماعی	روابط جنسی باید از طریق شرعی رعایت شود و هرگونه روابط جنسی بی‌قیدوشرط،	کنترل و ضابطه‌مند نمودن روابط جنسی

محور	دیدگاه موج جدید نهضت زنان (پست‌مدرن‌ها)	دیدگاه اسلام	اشتراک نظرها
	زن و مرد را از بین می‌برد.	حرام و دارای کیفر و مجازات است.	
فرزندآوری	تلاش برای ارزش‌گذاری و احیای نقش مادری. باید این نقش برای زنان یک تجربه لذت‌بخش باشد زیرا سلامت جسمی و روانی آنان را به همراه دارد.	مادری همسنگ با فریضه‌ای چون جهاد در راه خداست و فرزندآوری از حقوق طبیعی زن و مرد است که نباید از آن جلوگیری شود و موجب بقا نسل است.	ارزشمند بودن نقش مادری
سقط‌جنین	باروری، یک فرایند بیولوژیکی طبیعی و سالم است. باید به این پتانسیل مادر شدن احترام گذاشته شود. سقط‌جنین باید منع شود زیرا این مسئله سلامت زنان را پایین می‌آورد و این خود نوعی ستم بر زنان است	سقط‌جنین حرام است و مرتکب آن مستحق مجازات الهی می‌شود و دیه بر او ثابت می‌شود؛ اما در مورد سقط جنین به‌منظور حفظ جان مادر فقها نظرهای مختلفی بیان نموده‌اند.	قبیح بودن سقط‌جنین
مراقبت و تربیت فرزندان	مراقبت بعد ذاتی زنان می‌باشد و محبت و مراقبت فرزندان در خانواده و در کنار پدر و مادر، تأثیرات عمیقی بر فرزندان دارد و در این امر باید مشارکت بین پدر و مادر صورت گیرد. ولایت و تأمین معاش فرزندان به‌صورت اشتراکی با هردو است و در صورت طلاق نیز باز هم هر دو عهده‌دار این امر هستند.	ولایت و حضانت فرزندان بر عهده پدر و مادر است و به‌صورت مشخص بیان شده است. ولایت، نفقه و تأمین معاش فرزندان بر عهده پدر است و در صورت طلاق نیز پدر عهده‌دار تأمین معاش فرزندان می‌باشد. در بُعد تربیتی پدر و مادر باید تمامی ابعاد تربیتی فرزندان را مورد توجه قرار دهند.	مراقبت از فرزندان، وظیفه پدر و مادر

نتیجه‌گیری

دین اسلام علاوه‌بر اینکه به زن و مرد، از حیث انسانیت احترام قائل است برای بسیاری از نقش‌های زن در خانواده ارزش قرار داده است و در کنار بُعد انسانی به بُعد الهی آن هم توجه شده است که موجب تعالی شخصیت زن می‌شود؛ در مسئله مادری بیان می‌کند تولیدمثل زنان بر سلامت آنان مؤثر است در کنار آن جنبه الهی را نیز در نظر می‌گیرد و برای آن پاداش اخروی قرار داده و آن را همسنگ جهاد در راه خدا می‌بینند. مطالعه نگاه متفاوت طرفداران نهضت زنان به جایگاه و حقوق زن از ابتدای پیدایش تا

اکنون و مقایسه این دیدگاه با نظرات اسلام در مورد زنان، گواه آن است که مقابله جدی اسلام با تفکرات حاکم بر جامعه آن روز نسبت به حقوق زن در خانواده و اجتماع، توانسته زن را از انزوا و تحقیر برهاند و او را در جایگاه طبیعی و شایسته خویش قرار دهد. درحالی‌که طرفداران نهضت زنان با مشاهده ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی، ابتدا تعریف نادرستی از زن و وظایف او ارائه دادند ولی درنهایت به همان تعریف اسلام متمایل گشتند. این فرضیه بر این مسئله استوار است که دیدگاه جدید نهضت زنان مسلمان چه وجه اشتراکی با دیدگاه اسلام دارد و تا چه حد توانسته به مبانی اسلامی در خصوص زنان متمایل شود؟ نهضت زنان پست‌مدرن، اندکی از موضع افراطی نهضت زنان عقب‌نشینی کرده و در برخی از مفاهیم بازنگری داشته است و به مبانی اسلامی نزدیک شده است؛ هرچند این بازنگری با تکیه بر تفکر اومانیستی برخی مفاهیم چون هویت زنان در جامعه و نقش مادری انجام شده است. آن‌ها به تفاوت‌های طبیعی و فیزیولوژیکی زنان و تمایز حقوق مرد و زن در خانواده توجه نموده و برای زن با توجه به همین تفاوت‌ها، هویت زنانه تعریف کردند و نقش مادری را محترم قلمداد کردند. احترام به فرزندآوری، مخالفت با سقط‌جنین و روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده، مشارکت مرد در کنار زن در امور خانه نیز مدنظر قرار گرفت.

فهرست منابع

آقابخشی، علی‌اکبر و افشاری راد، مینو (۱۳۷۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.

آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۵). *زن و خانواده*. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی ـ اجتماعی زنان.

ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۳۹۶). *راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر*. قم: مؤسسهٔ النشر الإسلامی.

اسحاقی، حسین (۱۳۸۵). *فمینیسم، مبانی، تاریخچه و نقد*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

بستان، حسین و شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۸). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پورعبدالله، کبری و سرخ حصاری، فاطمه (۱۳۹۴). مبانی فقهی و حقوقی اجرت‌المثل خانه‌داری و بررسی وظایف شرعی زوجه در فقه. *فقه و حقوق*

خانواده، ۲۰(۶۳)، ۶۹-۹۴.

جگر، آلیسون (۱۳۷۸). *چهار تلقی از فمینیسم*. تهران: انتشارات بین‌المللی هدا.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البیت (علیهم‌السلام).

حسینی، راضیه؛ تجری، علی اصغر و عابدیان، سید حسن (۱۴۰۰). نگرشی به کارکرده‌ای دین در مدیریت خانواده در مقایسه با رویکرد فمنیسم از منظر قرآن. *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۹(۱)، ۱۷۸-۲۰۶.

خسروشاهی، قدرت‌الله و مؤمنی، فهیمه (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی اشتغال زنان در مکتب اسلام و فمنیسم. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، (۱۰۴)، ۱۱۷-۱۳۴.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریرالوسیله*. قم: دارالعلم.

خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۶۵). *موسوعه الامام الخویی*. قم: مؤسسه إحیاء آثار الامام الخوئی.

دولتی، غزاله و حسینی اکبرنژاد، حوریه (۱۳۸۸). *بررسی مبانی فلسفی، اخلاقی، کلامی و آثار عملی فمینیسم*. تهران: دفتر نشر معارف.

ریچ، آدرین (۱۹۷۷). *از زن متولد شده: مادری به‌عنوان تجربه و نهاد*. لندن: ویراگو.

سلیمی، مهناز؛ آیتی، سید محمدرضا و مهدوی، سید هادی (۱۳۹۷). تحلیل تفاوت های حقوق زنان در فقه امامیه و ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (با تمرکز بر حقوق یکسان زوجین در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن). *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، سال یازدهم، ۱(۲۱).

شافعی، مرضیه (۱۴۰۰). *بررسی تطبیقی آراء تربیتی اندیشه‌های فمنیسم با اندیشه‌های تربیت اسلامی*. (رساله کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور استان مرکزی، مرکزی، ایران.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو.

عباسی، عالیه (۱۴۰۱). *فرایند هویت یابی زنان در ایران معاصر بر اساس رویکرد فمنیسم پست مدرن*. (رساله دکتری). دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، اصفهان، ایران.

عمید، حسن (۱۳۷۶). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

غنی‌زاده بافقی، مریم و ورمزیار، فائزه (۱۴۰۰). تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده. *پژوهش‌های حقوقی*، ۲۰(۴۶)، ۲۲۵-۲۵۳.

فتحی، کوروش (۱۴۰۰). *هویت‌های برنامه درسی (شرحی بر نظریه‌های استادان برنامه درسی)*. تهران: انتشارات آییژ.

فدایی مختارخانلو، زهرا (۱۳۹۵). *شناخت و تحلیل تفاوت‌های حقوق خانواده از منظر اسلام و فمنیسم*. (رساله کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی ـ دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

فدایی، زهرا (۱۳۹۵). *شناخت و تحلیل تفاوت‌های حقوق خانواده از منظر اسلام و فمنیسم*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

فرح‌دوست، فرشته و رفیعی‌راد، راحله (۱۳۸۸). نگاهی بر وضعیت خانواده با رویکرد فمنیسم. *کتاب ماه*، (۲۱).

فرهمند، مریم (۱۳۸۵). *واگردهای فمینیسم در ازدواج*. تهران: کتاب زن.

قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۹۰). *اصطلاحات سیاسی، فرهنگی و... .* تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار؛ نظام حقوقی زن در اسلام*. تهران: صدرا.

معماریان، زهرا و مرادخانی، احمد (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی احکام خانواده در فقه و حقوق امامیه. *مطالعات فقهی و فلسفی*، ۸(۲۹)، ۳۵-۶۰.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). *تقریرات سلسله مباحث خارج فقه، کتاب النکاح*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام).

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱). *مسئله زن اسلام و فمنیسم*. تهران: برگ زیتون.

وارث، فرخ‌السادات (۱۳۷۸). مقام زن در اسلام. حضور، (۳۰).

هاجری، عبدالرسول (۱۳۸۲). *فمنیسم جهانی و چالش‌های پیش‌رو*. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۲). *فرهنگ فقه*. تهران: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

References

Aghabakshi, M. & Afshari Rad, A. (2000). Culture of political science, Tehran: Chapar. (In Persian)

Ayatollahi, Z. (2006). wife and family Tehran: Public Relations of Women's Cultural-Social Council. (In Persian)

Bostan, H. (2009). Islam and family sociology. Qom: University and District Research Institute. (In Persian)

Cheraghi Kotiani, A. (2010). Family, Islam and feminism. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)

dolati, Gh. & Akbar Nejad, H. (2009). Investigating the philosophical, moral, theological foundations and practical works of feminism. Tehran: Education publishing office. (In Persian)

Ebrahimipour, Qh. (2016). Family consolidation strategies from the perspective of religious texts. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)

Fadaei, Z. (2015). Understanding and analyzing the differences in family rights from the perspective of Islam and feminism. Faculty of Law and Political Sciences, Khwarazmi University, Tehran. (In Persian)

Farah Dost, F. & Rafiei Rad, R. (2009). A look at the family situation with the approach of feminism. Book of the month, (21). (In Persian)

Farahmand, M. (2007). Reverses of feminism in marriage. Tehran: Kitab Zan. (In Persian)

Fathi, K. (2021). Curriculum identities (a description of curriculum professors' theories). Tehran: Ayez Publications. (In Persian)

Hajri, A. (2004). Global feminism and the challenges ahead. Qom: Office of Women's Studies and Research. (In Persian)

Hashemi Shahroudi, S. (2012). jurisprudence culture Tehran: Islamic Jurisprudence Encyclopaedia Institute. (In Persian)

Heli, J. (2029). The laws of Islam in matters of halal and haram. Qom: Ismailian Institute. (In Persian)

Horamoli, M. (2035). Al-Shia means. Qom: Al El Bayt. (In Persian)

Ibn Idris, M. (2031). Al-Raer Qom: Islamic Publishing House. (In Persian)

Ishaghi, H. (2006). Feminism, foundations, history and criticism. Qom: Radio and Television Islamic Research Center. (In Persian)

Jagger, A. (1999). Four views of feminism. Tehran: Heda International Publications. (In Persian)

Khoi, S. (1986). Al-Imam al-Khoei encyclopedia. Qom: Imam Al-Khoei Works Restoration Foundation. (In Persian)

Lechte, J. (1378). Fifty great contemporary thinkers, translated by Mohsen Hakimi. Tehran: Khujasteh Publications. (In Persian)

Makarem Shirazi, N. (2003). Narratives of the series of topics outside jurisprudence, Kitab al-Nikah. Qom: Publications of Imam Ali Bin Abi Talib A.H. School. (In Persian)

Mansour Nejad, M. (2002). The issue of women in Islam and feminism. Tehran: Olive leaf. (In Persian)

Motahari, M. (2005). collection of works; Women's legal system in Islam.

Tehran: Sadra. (In Persian)
Mousavi Khomeini, S. (2000). writing Qom: Darul Alam. (In Persian)
Omid, H. (1997). Amid Culture Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
Qudousizadeh, H. (2012). Political, cultural terms and... Tehran: Supreme Leader's Representative Institution in Universities. (In Persian)
Rich, A. (1977). Born of Woman: Motherhood as Experience and Institution. London: Rich, Adrienne, Born of Woman: Motherhood as Experience and Institution, London: Virag. (In Persian)
Tabarsi, F. (1993). Majmall Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosro. (In Persian)
Tabatabaei, S. (1986). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
Wares, F. (2002). The status of women in Islam. Hozor, (30). (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۲۹۳-۱۳۲۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷
مقاله پژوهشی

آسیب‌شناسی چرخه سیاست‌گذاری امور مربوط به کودکان در ایران

روح‌اله اسلامی
استادیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).
eslami.r@um.ac.ir 0000-0001-7429-6105
سکینه تاجی
کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
s.taji@yahoo.com 0009-0006-4889-3559

چکیده

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل سیستمی و با برشماری نگاه‌های متفاوت به مسئله کودکی، به‌دنبال یافتن جایگاه کودک و اهتمام به دوران کودکی و ویژگی‌های حاکم بر آن در سیاست‌گذاری عمومی ایران است. سؤال اصلی پژوهش این است که کودکان چه جایگاهی در سیاست‌گذاری ایران دارند و چه اولویت‌هایی در تصمیم‌سازی‌ها مدنظر کارگزاران است؟ با برشماری قوانین و اسناد مربوط به کودکان، و با بررسی امکان اجرایی شدن آنها به ارزیابی شرایط امروز کودکان پرداخته و این نتیجه حاصل گشت که حکومت و سیاست در ایران، نگاهی ارزشی به کودکان دارند و در تربیت کودکان به‌دنبال همسان‌سازی هویتی هستند. اسناد پرشماری که در این زمینه از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی منتشر گردیده بدون درنظر داشتن شرایط و واقعیات جامعه، فاقد نظرهای کارشناسی و دارای اهدافی آرمان‌گرایانه و غیرقابل ارزیابی است. از سوی دیگر تورم روزافزون، کسری بودجه هرساله و به‌طور کل ضعف منابع مالی، امکان تحقق اهداف کلان و آمال ایدئولوژیک را از دولتمردان سلب نموده است. سیاست‌گذاری صحیح می‌تواند راهکاری برای کاهش آسیب‌های مربوط به کودکان امروز ایران باشد. راه‌حل پژوهش تغییر نگاه به کودک و مسئله کودکی و عدم نگرش سیاسی به این موضوع است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، چرخه سیستمی، امور کودکان، ایران.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی
doi 10.22034/scs.2024.425993.1519

OPEN ACCESS
مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

کودکی مهم‌ترین دوره زندگی آدمی و دوره‌ای شاخص برای توسعه مهارت‌های بنیادی و حرکتی است (مفید، ۱۳۹۳). در تعریف ماده یکم مقاوله‌نامه حقوق کودکان منظور از کودک، افراد انسانی زیر هجده سال است. در تعریف حقوقی اغلب کشورها نیز سن معیاری برای تعریف کودک است. در قوانین ایران درخصوص اینکه کودک از چه سنی تا چه سنی را شامل می‌شود رویه یکسانی موجود نیست؛ اما منابع فقه اسلامی تعاریف متعددی از طفل ارائه داده که بنابر وجود شرایطی دوران کودکی به چند مرحله اصلی تقسیم شده و برای هریک ویژگی‌ها و احکام مخصوصی وضع گردیده است (ابن منظور،۱۴۱۴، ص. ۴۱۲). در تعریف کلی در فقه به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج۸، ص. ۱۰۹)؛ البته بلوغ از منظر فقهی مستلزم رسیدن به شرایط و معیارهایی است که سن، تنها یکی از آنهاست.

در تعریفی جامعه‌شناسانه، کودک عضوی از جامعه تعریف می‌شود که هنوز به دلیل عدم تجهیز به مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز نقش‌ها، نقشی مؤثر در سازمان اجتماعی ندارد (جیمز و جنکس، ۱۳۸۵، ص. ۷). از لحاظ روان‌شناسی کودک یعنی فردی که هنوز هوش هیجانی کافی برای زندگی به‌دست نیاورده است. کودکی تمرینی برای رسیدن به جایگاه بزرگسالی تعریف می‌شود که مسیر آن را بر اساس سن رشد جسمانی و توانایی شناختی می‌توان ترسیم کرد (Kehily, 2004, p. 7). تا پیش از قرن هفدهم میلادی کودکان گروهی ویژه با نیازها، علایق، منزلت و جایگاه اجتماعی یکسان و مشترک تلقی نمی‌شدند. واقعیت زیستی کودکی بخش عمده واقعیت آن را توضیح می‌داد (ذکایی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶). آنها صرفاً نابالغانی بودند که باید شرایطی برای زیست و بقایشان فراهم می‌آمد تا با رسیدن به حدی از رشد و تکامل یکی از کارگزاران اقتصادی باشند. با وقوع انقلاب صنعتی و ورود به دوران نوین رویکرد نظری به کودکان دچار تغییرات جدی شد؛ البته نیاز به‌کارگر ارزان سبب شد تا کودکان به‌عنوان کارگران اصلی کارخانه‌ها در سخت‌ترین شرایط مشغول به‌کار شوند که البته این امر خاص کودکان خانواده‌های فقیر بود.

مفهوم کودکی به معنای امروزین آن برای اولین‌بار در سال ۱۹۶۰ توسط فیلیپ آریس در فرانسه مطرح شد. آریس در کتاب خود با عنوان «قرون کودکی»، کودکی را مفهومی برساخته طبقات متوسط و نیز برآمده از تغییر در جایگاه اقتصادی آنها به

جایگاهی عاطفی می‌داند (ذکایی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶). «در قرون وسطی تصویری از مفهوم کودکی وجود نداشت. نه به این معنا که در این دوره کودکان فراموش شده، کنار گذاشته شده، یا بی‌ارزش شمرده می‌شدند. مفهوم دوران کودکی نباید با احساس عاطفی درباره کودکان اشتباه گرفته شود؛ این مفهوم در ارتباط با یک نوع آگاهی در خصوص ماهیت خاص دوران کودکی است. در قرون وسطی، چنین آگاهی وجود نداشت». در قرون اخیر و علی‌الخصوص با پیشرفت علم روان‌شناسی ضرورت اهمیت به دوران کودکی به‌عنوان دورانی شخصیت‌ساز، مورد توجه قرار گرفت. در ایران بخش مهمی از جمعیت کودکانی هستند که چرخه سیاست‌گذاری برای آنها تکمیل نیست. کودکان اغلب انسان‌های زیر هفت سال هستند که هنوز به مرحله بلوغ و رشد عقلی برای کارهای مهم نرسیده‌اند. در ایران تربیت کودکان در خانواده، مدرسه و گروه‌های دوستی شکل می‌گیرد. در کشورهای پیشرفته برای امنیت غذایی، افزایش سواد و توانمندسازی، ورزش و تربیت جسم و روان و... چرخه سیاست‌گذاری کاملی وجود دارد. مسئله این پژوهش تحلیل وضعیت چرخه سیاست‌گذاری امور کودکان در ایران است.

۱. ضرورت و اهمیت و سؤال پژوهش

امروزه در کشورهای توسعه‌یافته بحث تربیت کودک و فراهم کردن بستر رشد جسمانی و عقلانی و پرورش هوش هیجانی کودکان از مهم‌ترین مباحث سیاست‌گذاری عمومی است. این پژوهش به‌دنبال یافتن جایگاه کودک و اهتمام به دوران کودکی و ویژگی‌های حاکم بر آن در سیاست‌گذاری عمومی در ایران است. در سیاست‌های کلان جمعیت، بهداشت و آموزش همیشه در مورد کودکان گزاره‌هایی وجود دارد؛ اما به‌طور مشخص این مقاله قصد دارد بررسی کند کودکان چه جایگاهی در سیستم سیاست‌گذاری ایران دارند؟ چه کسانی با چه تخصصی چه تصمیماتی برای کودکان می‌گیرند و چه اولویت‌هایی در تصمیم‌سازی‌ها مدنظر کارگزاران است؟ حاکمیت به‌دنبال تحقق چه اهدافی در روند تربیتی کودکان است؟ سعی داریم در کنار پاسخ به پرسش‌های فوق، سیاست‌ها و تصمیم‌هایی را که مسئولان امر برای کودکان این سرزمین طراحی و به مرحله اجرا برده‌اند برشمرده و با ارزیابی آنها به بررسی نتایج بپردازیم. کودکان مورد نظر این پژوهش کودکان قبل از سن آموزش رسمی یعنی کودکان ۳ تا ۷ سال هستند. هدف پژوهش، آسیب‌شناسی چرخه سیاست‌گذاری کودک در ایران است. آسیب‌شناسی به معنی تشخیص علل آسیب‌های وارد شده بر یک سیستم و آشکارسازی عیوب و عوامل آسیب‌زای آن است.

۲. پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌های مربوط به حوزه کودکان عموماً در دو زمینه حقوقی و روان‌شناسی انجام شده‌اند. به‌سبب تعدد موارد پژوهشی در این زمینه‌ها و همچنین عدم ارتباط موضوعی با پژوهش حاضر صرفاً به ذکر نوشتارهایی که تاحدودی در زمینه علم سیاست و یا به موضوع سیاست‌گذاری پرداخته‌اند، بسنده شده است. «گونه‌شناسی سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کودک در ایران» (شعبان، ۱۳۹۹) سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کودک در ایران را در چهار دسته‌بندی کلی حاکمیتی، دولتی، دیوان‌سالارانه و سیاست‌گذاری‌های جامعه مدنی شامل سمن‌ها، NGOها و خیریه‌ها قرار می‌دهد. نویسنده معتقد است سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کودک در ایران بسیار گسترده هستند و مجموعه وسیعی از ابعاد زندگی کودکان را مورد توجه قرار داده‌اند و ازاین‌رو نیازی به سیاست‌گذاری جدید نبوده؛ اما به‌طور جدی نیازمند هماهنگ‌سازی و بازبینی سیاست‌گذاری‌ها هستیم. پژوهش مذکور نگاهی کلی و جامع دارد به همه سیاست‌های أخذ شده برای کودکان توسط نهادهای دولتی و جهانی و اختصاصا به جایگاه کودک در ایران نمی‌پردازد.

ذکایی (۱۳۹۵)، «مطالعات کودکی: مفاهیم، رویکردها و مسائل محوری»؛ به دنبال ارائه شرحی از رویکردها و سنت‌های مؤثر بر توسعه حوزه مطالعات کودکی و مفاهیم، روش‌ها و مسائل محوری آنهاست. این پژوهش با رویکردهای متفاوت علوم انسانی ازجمله مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، ادبیات کودک و روان‌شناسی، به مقوله کودک و کودکی نگریسته و به نقد و بررسی مفهوم و جایگاه کودکی در آنان پرداخته است. جایگاه کودک و لزوم توجه به نیازهای آنها از دریچه علم سیاست و از جانب دولت‌ها در این پژوهش خالی است. راه حل پژوهش آن است که نگاه یکپارچه، انتقادی، بین‌رشته‌ای و توأم با مداخله و نظر کودکان، قلمروهای جدیدی را برای رشد سنت مستقلی از مطالعات کودکی می‌گشاید و به شناسایی بهتر از سهم کودکان در شکل‌گیری و تحولات فرهنگ معاصر کمک می‌کند.

پژوهش آماری «مقایسه مفهوم کودک و نیازهای کودک از دیدگاه کودکان و والدین شهر اصفهان» (مشتاقی و دیگران، ۱۳۹۰)، در بستر روان‌شناسی انجام شده با این نتیجه که در سنین مختلف شکل‌گیری مفاهیم متفاوت است و باید به این امر در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی اهمیت داد.

«بازنمایی پساساختاری مفهوم کودکی در برنامه‌های کودک و نوجوان تلویزیون جمهوری اسلامی ایران دهه ۸۰» (نظیف و دیگران، ۱۳۹۹)، در پی کشف مفهوم

کودکی به کمک یکی از ابزارهای نمادین فرهنگی (برنامه‌های کودک تلویزیون) در دوره‌ای از تاریخ سیاسی اجتماعی ایران است. این پژوهش با استفاده از چهارچوب‌نظری «امر سیاسی» موفه و همچنین «نشانه‌شناسی و تحلیل متن» دریدا به‌دنبال پاسخ به چگونگی بازنمایی کودکان در برنامه‌های تولیدی تلویزیون ایران و بررسی این نکته است که این بازنمایی، آنان را در ارتباط با قدرت حاکم در چه جایگاهی قرار می‌دهد؟ اگرچه نوشتار مذکور جایگاه کودکان را در ارتباط با قدرت حاکم به نمایش می‌گذارد؛ اما روشی متفاوت از سیستم سیاست‌گذاری و چگونگی طراحی و اجرای سیاست‌ها توسط حاکمیت را برگزیده است.

پژوهش‌هایی نیز به بررسی موردی مسائل حوزه کودکان پرداخته و سعی در ارائه راهکارهایی برای حل معضل خاصی دارند. ازجمله «سیاست قانون‌گذاری ایران درباره کودکان بی‌سرپرست» (شریعتی‌نسب، ۱۳۹۶) به بررسی سیاست‌های قانونی و تنگناهای فقهی در امر پذیرش فرزند و سازوکارهای قانونی و حقوقی فرزندخواندگی در ایران پرداخته است و «راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی» (بیگی، ۱۳۹۸) نیز بر آن است که در راهبرد اسناد بین‌المللی و قوانین ایران، آموزش همگانی و رایگان حق همه کودکان و نوجوانان است؛ اما در ایران این راهبردها با نواقصی در حال اجراست و نیاز به بازبینی مجدد و سیاست‌گذاری خاص آموزشی است.

«نقش سیاست‌گذاری‌های دولتی بر تشدید روند کودک‌آزاری» (صفاری و ایروانیان، ۱۳۸۸)، دولت‌ها را به‌عنوان نقطه ثقل و بازیگر اصلی، عرصه پاسخ‌دهی به آسیب‌های جوامع می‌داند که از اراده و توانمندی لازم در جهت رفع این معضلات برخوردارند. در نظام‌های بسته سنتی اندیشه‌های حقوق بشری به بدنه سیاست‌گذاری‌ها ورود نمی‌کند و در کنار بدنه ضعیف و ناکارآمد اقتصادی، زمینه‌های رشد و اعتلای اجتماعی و فرهنگی نیز از اقشار وسیع سلب خواهد شد. در نتیجه نظام سیاسی و به‌تبع آن ساختار حقوقی زمینه‌های بروز رفتارهای آسیب‌رسان نسبت به اطفال و نوجوانان را مهیا نموده و متأسفانه خود به‌عنوان بخشی از فرایند آزار کودکان و نوجوانان عمل می‌نماید.

هیچ‌کدام از پژوهش‌ها به چرخه سیاست‌گذاری امور کودکان نپرداخته‌اند. هر کدام بخش‌هایی از طراحی و به‌خصوص قسمت اجرا را بررسی کرده‌اند و اغلب نیز رویکردهای علوم تربیتی، روان‌شناسی، مدیریت و اقتصاد دارند. این مقاله از منظر علم سیاست یعنی توجه به نهادهای حکومتی به تحلیل نهادها و سیاست‌های طراح و

مجری و درون‌دادها و برون‌دادهای چرخه سیاست‌گذاری امور کودکان می‌پردازد و به همین علت اولین پژوهش در این زمینه است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم، سیاست‌گذاری و کودکان

سیاست‌گذاری عرصه‌ای است که با حکومت و دولت، گره خورده و تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است. درواقع سیاست‌گذاری در هر حوزه‌ای حاصل تعامل پیچیده بین افراد، نهادها، ایده‌ها و منافع است (Peters & Pierre, 2006, p. 6). سیاست‌گذاری عمومی نیز دربرگیرنده برنامه‌های سیاسی برای اجرای طرح‌هایی به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (Birkland, 2014). به عقیده هولت و همکاران، سیاست‌گذاری عمومی به فعالیت‌های حکومت و مقاصدی که برانگیزنده این فعالیت‌هاست اشاره می‌کند. به‌طورکل هرآنچه دولت‌ها انجام می‌دهند، چرایی انجام و نتایج حاصل از آنها سرشت سیاست‌گذاری است. هر عملی که دولت‌ها امروز در قبال کودکان (سه تا هفت سال) انجام دهند، مؤثر در فردای جوامع خواهد بود. سیاست‌گذاری و اجرای تصمیم‌های کارشناسی شده، از مهم‌ترین کارویژه‌هایی است که دولت‌ها موظف به انجام آن هستند تا افراد نسل بعد بهتر پرورش یابند. کشور-های توسعه‌یافته مدت‌هاست با پی‌بردن به این مهم، برنامه‌های متعددی را در سطوح مختلف آموزش و پرورش به اجرا درآورده‌اند.

۳-۲. تعریف مفاهیم؛ چرخه سیاست‌گذاری سیاست‌گذاری

سیستم در کلی‌ترین مفهوم خود شامل هر چیز عینی یا ذهنی متشکل از اجزا مرتبط به هم به‌عنوان یک کل دارای ساختار، رفتار و انتظام مربوط به خود است و تفکر سیستمی شامل مجموعه‌ای از مفاهیم، روش‌ها و ابزارهایی برای تبیین جهان است. اندیشمندان تعاریف گوناگونی درباره مفهوم سیاست‌گذاری ارائه کرده‌اند (Day, 1995, p. 2). هرآنچه دولت‌ها انجام می‌دهند، چرایی انجام و نتایج حاصل از آنها را سرشت سیاست‌گذاری می‌داند. دیوید ایستون سیاست‌گذاری را تأثیر فعالیت‌های دولت می‌داند (Easton, 1965, p. 212). به این معنی که هر اقدام دولت‌ها در جهت انجام سیاستی خاص منجر به ایجاد تأثیر و واکنشی در دیگر ابعاد جامعه خواهد شد. اگرچه به‌لحاظ زمینه و اهداف، فرایند سیاست‌گذاری با نگرش‌های متفاوتی انجام می‌گیرد؛ اما مدل

مکتوب و متداول آن در حوزه سیاست‌گذاری، «چرخه سیاست‌گذاری» نام دارد که عموماً دارای ۶ مرحله اصلی است.

در مرحله اول و به‌منظور تدوین گزینه‌های سیاستی همواره عوامل و مؤلفه‌هایی خارج از سیستم، با اعمال فشار و نفوذ، سعی در اثرگذاری بر روند طراحی سیاست‌ها دارند. در رابطه با موضوع کودکان، خلأ وجود مؤلفه‌هایی که به‌طور صریح قصد اثرگذاری بر سیستم سیاست‌گذاری را دارا باشند حس می‌شود. به‌عبارتی چنانچه فشارهای بین‌المللی و درخواست‌های برخی سازمان‌های مردم‌نهاد که دارای قدرت اعمال نفوذ ضعیفی هستند نباشد، عملاً موضوع کودکان به سیستم سیاست‌گذاری راه نمی‌یافت؛ بنابراین به جهت کمبود مؤلفه‌های ورودی در این بخش، از تفصیل آن در پژوهش صرف‌نظر شده است.

در مرحله طراحی سیاست‌ها با توجه به قوانین اساسی و مجموعه قوانین و مقررات تصویبی و با نگاهی به اسناد بالادستی ملی و بین‌المللی، چگونگی أخذ تصمیمات در رابطه با تربیت کودکان بررسی خواهد شد. سپس به برشماری تصمیمات اجرایی شده و کیفیت اجرا پرداخته خواهد شد. اجرائیات به منزله خروجی سیستم سیاست‌گذاری، اقداماتی هستند که حکومت و نهادهای متولی امر کودکان انجام داده و سعی در رسیدن به اهداف تعیین شده در بخش طراحی سیستم سیاست‌گذاری دارند. در انتها آنچه که حکومت و نهادها به‌عنوان دستاورد و گزارش عملکرد منتشر می‌کنند نتایج سیستم سیاست‌گذاری است. در آخر نیز کارشناسان و منتقدان به بررسی رابطه‌ای که میان اهداف و ایدئال‌های موجود در اسناد طراحی شده و نتایجی که به بار آمده پرداخته و عملکرد کلی سیستم را از نظر تطابق اهداف و اجراییات مورد ارزیابی قرار خواهند داد. اینکه نتایج چه تأثیری در بهبود شرایط ایجاد کرده و شرایط و اوضاع کنونی کودکان بر اساس گزارش‌های بین‌المللی و داخلی چگونه بوده و وضعیت و رتبه ایران در مسائلی از قبیل آموزش، بهداشت، امنیت و... در سطح جهانی چگونه است؟ هدف این پژوهش نیز برشماری همه مؤلفه‌های موجود در طراحی سیاست برای کودکان با توجه به قوانین، بخش نامه‌ها و اسناد بالادستی ملی و بین‌المللی و بیان چگونگی و کیفیت اجرایی شدن آن‌ها و در انتها ارزیابی نتایج حاصل از سیاست‌های مذکور در حوزه کودکان است.

۳-۳. مبانی نظری، نگاه به کودک؛ تعیین‌کننده دکترین سیاست‌گذاری

نگرش ادیان و اندیشه‌ها به ذات کودک تعیین‌کننده نوع تصمیم‌هایی است که برای

فراهم کردن شرایط رشد و تربیت کودکان در نظر خواهند گرفت. هر دیدگاه، با توجه به تعریفی که از کودک دارد مایل به پرورش ارزش‌های مطلوب خود در کودکان است. در آثار افلاطون و ارسطو مباحث بسیاری در رابطه با تربیت و نقش آموزش در رشد کودکان وجود دارد. به اعتقاد افلاطون هنر و سایر جنبه‌های تربیت در کودکی بیش از هر زمان دیگر تأثیرگذار هستند، چراکه در کودکی روح بیش از هر زمان دیگری شکل‌پذیر است. اوج اعتقاد افلاطون به شکل‌پذیری کودکان در کتاب قوانین آمده که معتقد است، تربیت پیش از تولد آغاز می‌شود، زمانی که نوزاد در بطن مادر است و مادر ورزش جسمانی موزون می‌کند. «هر حالتی که در سال‌های کودکی در روح راه یابد در آن جایگزین می‌شود به‌سبب عادتی که روح به آن حالت پیدا می‌کند و در آن ریشه می‌دواند».

در دوران نوین، جان لاک اولین فردی است که با رویکردی جدید به کودک و مسئله تربیت پرداخت و موضوع گناه‌کار بودن کودک از آغاز تولد را که اعتقاد اصلی پیوریتن‌ها بود به چالش کشید. به اعتقاد او کودک مانند لوح سفیدی به دنیا می‌آید که تجربه و تعامل با افراد و محیط، اطلاعاتی را بر آن لوح حک می‌کند. کتاب «مبانی تربیت» لاک یک راهنمای عملی تربیتی در بین آثار اوست. به اعتقاد او خواسته‌ها و علایق کودک نباید مورد بی توجهی قرار گیرد و آموزش به کودک باید با نرمی و ملاطفت و بازی همراه باشد. این سخنان برای مربیان خشک و غیرقابل انعطاف آن روزگار گران آمد و ۵۰ سال به طول انجامید تا اولین کتاب کودک با سبک نوین به چاپ برسد (شاه‌آبادی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸). شصت سال پس از لاک، روسو با نگاهی رمانتیک به کودک در کتابی با عنوان «امیل»، به بررسی چگونگی تربیت کودک پرداخت. به اعتقاد روسو کودک باید به طبیعت برگشته و کاملاً آزاد باشد و نباید وادار به‌کاری شود که به آن علاقه‌مند نیست. به اعتقاد او دوره آزادی باید تا دوازده‌سالگی ادامه یابد و در این مدت کودک به پرورش احساسات خود مشغول باشد و به‌هیچ‌وجه نباید روی قوه عقلانی او کار کرده و برای او استدلال آورد چراکه از همه قوای انسانی، عقل آخرین و برترین قوه است و چطور برای آموزش اولیه طفل می‌توان از آن استفاده کرد (روسو، ۱۳۵۰، صص. ۲۴-۳۰). نگاه روسو به مفهوم کودکی بسیار شبیه نگاه نوین و امروزی است که معتقد است باید طبیعت کودک را پاس داشت و به فطرت او توجه کرد، او را دور از آزار و اذیت قرار داده، سخت نگرفته و در هیچ کاری اجبار نکرد.

در منابع اسلامی نیز تأکید بر لزوم توجه به کودکان است. در اسلام نگاه به کودک

با پاکی‌ذات و وجود بی‌آلایش کودکان از ابتدای تولد همراه است. چنان‌که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید و پرورش می‌یابد مگر آنکه پدر و مادر او را به‌سوی یهودی‌گری یا مسیحی‌گری بکشانند» (مجلسی، ۱۳۰۰، ج۳، ص. ۲۸۱). از منظر تربیتی نیز در هیچ منابع دینی به اندازه دین اسلام بر ضرورت و چگونگی تربیت تأکید نشده است. به‌طورکلی منابع اسلامی محورهای متنوع و مفصلی را در رابطه با حقوق و تربیت کودک پوشش می‌دهند. مشهورترین گزاره در بحث تربیت کودکان در اسلام در این حدیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خلاصه شده است که کودک تا سن هفت‌سالگی فرمانده است و از هفت‌سالگی تا چهارده‌سالگی فرمان‌بردار، بعد از چهارده‌سالگی تا هفت‌سال وزیر و مشاور پدر و مادر خواهد بود. در همین راستا امام صادق (علیه‌السلام) نیز فرمودند: طفل هفت‌سال بازی کند، هفت‌سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت‌سال مقررات زندگی و حلال و حرام قانونی را یاد بگیرد. طبق نظر اسلام کودکان در هفت‌سال اول زندگی آزادند و البته که منظور از آزادی صرفاً عدم اجبار در آموزش مستقیم و رسمی و تأدیب و تنبیه خشن است و بر نقش آموزش غیرمستقیم (در قالب بازی) و تأثیر والدین و محیط بر کودکان در این سن تأکیدهای فراوانی وجود دارد.

۴. روش پژوهش

سیاست‌گذاری عمومی را می‌توان از منظر نظریه‌های متفاوتی بررسی نمود به‌گونه‌ای که سیاست‌گذاری در نظریه انتخاب عمومی[1] به‌مثابه تصمیم‌سازی جمعی توسط افراد ذی‌نفع مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نظریه بازی‌ها[2] این امر را به‌عنوان یک انتخاب عقلانی در موقعیت رقابتی مطالعه می‌نماید. نظریه انتخاب عقلانی[3] سیاست‌گذاری را به‌عنوان تلاشی برای کسب حداکثر سود اجتماعی تلقی و مطالعه می‌کند و در نظریه گروهی[4] این امر به‌مثابه تلاشی برای حفظ تعادل گروهی بررسی می‌نماید (Dye, 1995).

علاوه‌بر نظریات مذکور یکی دیگر از نظریه‌های رایج در این حوزه که کاربرد وسیعی در علوم سیاسی و به‌ویژه سیاست‌گذاری عمومی پیدا کرده است، نظریه سیستمی یا الگوی سیپ است. این الگو چهارچوبی برای ارزیابی برنامه‌ها، پروژه‌ها، محصولات، مؤسسات و سیستم‌ها را فراهم می‌آورد. الگوی سیپ بر این باور شکل

1. Public choice Model
2. Game Theorg Model
3. Rational Model
4. Group Model

گرفته که مهم‌ترین هدف ارزیابی، بهبود و اصلاح برنامه است و به دریافت بازخورد نظام‌مند از جریان امور به‌نحوی‌که نیازهای مهم در اولویت قرار گیرند و منابع در خدمت بهترین نوع فعالیت باشند، کمک می‌کند.

در الگوی مذکور اطلاعات از چهار حیطه ارزشیابی به‌دست می‌آید که عبارت‌اند از: زمینه[1]، درون‌داد[2]، فرایند[3] و برون‌داد[4].

پدیدآورندگان این الگو برای این باورند که با استعاره از رویکرد سیستمی در ارزشیابی در چهار بُعد به ارزشیابی «نظام هدف» و نهایتاً تسهیل تصمیم‌گیری می‌پردازد. الگوی سیپ دارای چهار مؤلفه ارزیابی است:

۱- ارزشیابی زمینه: ارزیابی زمینه به تصمیم‌گیری در طراحی برنامه‌ها اشاره دارد و شامل تعیین مسائل و نیازهایی است که در یک موقعیت رخ می‌دهد. این بُعد شامل کوشش‌های تحلیل‌گرایانه برای تعیین عناصر مربوط به محیط برای شناسایی چالش‌ها، نیازها و فرصت‌های موجود می‌باشد.

۲- ارزشیابی درون‌داد: شامل قضاوت در مورد راهبردهای مورد نیاز برای تحقق اهداف برنامه است. بر این اساس، اطلاعات موردنیاز درباره چگونگی استفاده از منابع گردآوری گردیده و به برنامه‌ریزان کمک می‌شود تا راهبردهایی را انتخاب کنند که برای دستیابی به اهداف برنامه ضروری تشخیص داده می‌شوند.

۳- ارزشیابی فرایند: بر نحوه انجام فعالیت‌ها متمرکز است و با تشخیص چالش‌ها و فرصت‌ها؛ اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری در انتخاب روش‌های اجرا و تفسیر نتایجی که در آینده به‌دست می‌آید را فراهم سازد.

۴- ارزشیابی برون‌داد: برای قضاوت درباره مطلوبیت بازده فعالیت‌ها است و شامل تعیین ملاک‌های مربوط به برون‌داد و چگونگی اندازه‌گیری آنها است.

در این پژوهش نیز از مدل چرخه سیستمی استفاده می‌شود بدین‌منظور مراحل متفاوت سیاست‌گذاری در این حوزه را می‌توان به شکل ذیل نمایش داد. سال مورد بررسی چهل سال تجربه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تا پایان برنامه ششم را شامل می‌شود

1. Context
2. Input
3. Process
4. Output

جدول (۱): مراحل چرخه سیستمی در سیاست‌های کودکان و روش استخراج داده‌ها

اجزای تحلیل سیستمی	تعریف	کاربرد نظریه سیستمی در سیاست کودکان
زمینه	فشارهای بیرونی از سوی ذی‌نفعان و منابع نیروی انسانی و امکانات	بررسی و مطالعه محیط پیرامون
درون‌داد	طراحی سیاست از جانب کارگزاران در جهت پاسخ به مطالبات	بررسی سیاست‌های کلی نظام، برنامه توسعه و مفاد قانون اساسی در موضوع کودکان
فرایند	اجرائیات و سطوح کاربردی اقدامات صورت‌گرفته برای طراحی سیاست	بررسی نحوه انجام و اجراییات سیاست‌ها و قوانین مطرح شده، گزارش‌های رسمی و سازمانی برای نحوه اجرایی شدن سیاست‌های امور کودکان
برون‌داد	گزارش عملکرد	بررسی نحوه اثرگذاری سیاست‌های اجرایی با موضوع کودکان

رویکرد روش‌شناختی مورد نظر در این مطالعه را از نظر ماهیت، می‌توان توصیفی تحلیلی (نهادگرایانه و سندی) تلقی کرد. در پژوهش‌های توصیفی ـ تحلیلی محقق به‌دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است. همچنین علاوه‌بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری پژوهش و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود. در این نوع تحقیقات نوعاً از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب استفاده می‌شود. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. بر مبنای این الگو، نوع پژوهش، کاربردی ـ توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی و تحلیلی می‌باشد و در گردآوری داده‌ها از روش اسناد و قوانین و گزارش‌های نهادی استفاده شده است.

به‌طورخلاصه مقاله حاضر بر اساس روش نهادگرا نوشته شده است. در سیاست‌گذاری عمومی، روش نهادگرایی به‌معنای رجوع به نهادهای اصلی سیاست‌گذاری است. نهادهای سیاست‌گذاری به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شوند. نهادهای رسمی، نهادهایی است که در نظام سیاسی، کار طراحی و اجرای سیاست را انجام می‌دهند. نهادهای غیررسمی، نهادهای محیط پیرامونی سیاست‌گذاری هستند. اطلاعات خام نیز از اسناد، برنامه‌ها، سندها و قوانین و گزارش نهادها استخراج شده است؛ بنابراین روش‌شناسی پژوهش نهادگرا مبتنی بر استخراج اسناد سیاست‌گذاری است.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بر اساس دو بُعد رویه‌ای و نهادی ارائه خواهد شد. چراکه در آسیب‌شناسی و ارائه راهکار متناسب باید هم‌زمان دو جنبه اسناد و نهادهای چرخه سیاست‌گذاری امور مربوط به کودکان بررسی شود. منطق تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در قسمت یافته‌های پژوهش بر اساس سؤال‌های پژوهش که بر اساس چرخه سیاست‌گذاری است، انتخاب شده است. ابتدا نهادهای طراح و سپس نهادهای مجری و درنهایت برون‌دادها و ارزیابی و راهکار در چرخه سیاست‌گذاری کودکان بررسی خواهد شد که در ادامه خواهد آمد.

۵-۱. طراحی سیاست‌های حوزه کودکان؛ ازدیاد طرح و اسناد

مسائل و مطالبات کودکان علی‌رغم آنکه جزو اصلی‌ترین مسائل کشور است، فاقد جایگاهی شایسته در سیستم سیاست‌گذاری است. این قسمت به پرسش اول یعنی مهم‌ترین نهادها و طراحی سیاست امور کودکان می‌پردازد. نهادهای متعدد اقدام به تدوین اسنادی نموده‌اند که اگرچه اشاره‌ای به کودکان و اهمیت امر تربیت دارند؛ اما مسائل این قشر با حساسیتی شایسته آن مورد بررسی قرار نگرفته است. با برشماری نهادهایی که در حوزه کودک اقدام به طراحی سیاست نموده‌اند، می‌توان اسناد را در دو دسته کلی اسناد داخلی و اسناد بین‌المللی دسته‌بندی نمود. در ادامه و در تقسیم‌بندی اسناد داخلی، سه دسته قوانین مصوب مجلس، طرح‌ها و اسناد دولتی و اسناد فرادولتی بررسی خواهد شد.

۵-۱-۱. اسناد داخلی

الف) قوانین مصوب مجلس

در قانون اساسی به‌عنوان اصلی‌ترین قوانین کشور، تنها در قسمتی از اصل بیست و یکم از عبارت «کودکان بی‌سرپرست» استفاده شده است. قانون برنامه ششم توسعه، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، سند تأمین امنیت زنان و کودکان، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ازجمله قوانین مرتبط با کودکان هستند که در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده‌اند.

برنامه ششم توسعه در بخش‌های مربوط به حوزه سلامت، تعلیم‌وتربیت و امور مساجد، اشاره‌هایی به کودکان و نوجوانان دارد؛ اما جای بخش یا ماده‌ای که اختصاصاً سیاست‌های مربوط به کودکان را مدنظر قرار دهد در این قانون خالی است.

مسائل مرتبط با آموزش و پرورش و موضوع آسیب‌های اجتماعی ازجمله کودکان کار اصلی‌ترین موضوعات پرداختی این قانون در حوزه کودکان است. اجرای برنامه‌های فرهنگی با درونمایه و اهداف سیاسی، بدون درنظرگرفتن تفکیک سنی و جنسی کودکان و نادیده گرفتن دیگر نیازهای پرورشی از نقاط قابل‌نقد این برنامه است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱) اذعان دارد شکنجه جسمی و روحی، ممانعت از تحصیل و عدم اعلام کودک‌آزاری افراد تا ۱۸ سال، جرم عمومی است. هرچند در اینجا نیز قانون‌گذار همه افراد زیر ۱۸ سال را در تعریف کودک گنجانده و تفکیک سنی صورت نگرفته است؛ اما به‌هرحال آزار و اذیت روانی و عاطفی کودک برای اولین‌بار تحت این قانون به‌عنوان جرم شناخته شده است.

ب) اسناد نهادهای دولتی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اساسنامه سازمان ملی تعلیم‌وتربیت کودک، آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان کار، سند ملی کودک و اینترنت، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، مرجع ملی مقاوله‌نامه حقوق کودک و سند ملی رشد و تکامل همه‌جانبه کودکان، ازجمله مهم‌ترین اسناد مرتبط با کودکان هستند..

سند تحول یک سند چشم‌انداز و برنامه بلندمدتی است که با توجه به سند ملی چشم‌انداز ۱۴۰۴ تدوین شده است. این سند یک سند راهبردی در حوزه تعلیم‌وتربیت است که به ریشه و اساس فعالیت‌ها توجه دارد تا همه امور بر اساس موازین و آموزه‌های اسلامی باشد (نادری و احمدی هدایت، ۱۳۹۵، ص. ۱). این سند اگرچه اختصاص به کودکان نداشته و مربوطه به دانش‌آموزان از زمان شروع آموزش رسمی تا پایان دوره دبیرستان را شامل می‌شود؛ اما به شکل جامع مقوله تربیت دانش‌آموزان را دربرگرفته و با نگاه به آن می‌توان به راهبردها، سیاست‌ها و اهداف کلان نظام اسلامی از تربیت دانش‌آموز تراز جمهوری اسلامی پی برد. قرب الی‌الله، و تحقق آگاهانه و البته اختیاری مراتب حیات طیبه، نگاه کلی این سند به نتیجه امر تربیت در نظام اسلامی است. این امر در صورتی محقق خواهد شد که همه مؤلفه‌ها و ابعاد هویتی دانش‌آموزان به شکلی یکپارچه در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم بر پایه معیارهای اسلامی پرورش یابد. ادبیات الهی و نگاه استعلایی به مقوله تربیت در این سند و اهداف مطلوب آن درک روشنی از واقعیت‌های انسانی و جامعه نخواهد داشت. علاوه‌بر اینکه این رویکرد نمی‌تواند معیارهای دقیق و قابل ارزیابی برای رشد انسان ارائه دهد، «جامعه صالح» مفهومی کلی و گنگ است که هر

شخص می‌تواند برای آن ویژگی‌های متعدد متصور شود.

در اساسنامه سازمان ملی تعلیم‌وتربیت، دوره کودکی به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است و شامل کودکان گروه سنی بدو تولد تا ۶ سال است که خود به دو دوره سه‌ساله با نام دوره اول کودکی و دوره دوم تقسیم می‌شود.

آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان کار نیز اگرچه در رابطه با کودکان کار و خیابانی به تصویب رسید؛ اما شامل افراد معلول، ناتوان و بی‌سرپرست، مجهول‌الهویه، گمشده، متواری، متکدیان و ولگردان نیز می‌شد. عدم تفکیک سنی و جنسی و همچنین عدم جداسازی معضلات از نقاط ضعف این مصوبه بود. با اینکه نام طرح مربوط به کودکان کار بوده؛ اما عدم‌توجه خاص طراح به کودکان و مسائل آنها موجب شد سازمان بهزیستی پیشنهاد جداسازی کودکان تا ۱۸ سال را از گروه‌های دیگر به دفتر امور اجتماعی وزارت کشور ارائه کند.

پیمان‌نامه حقوق کودک به‌عنوان اصلی‌ترین منبع بین‌المللی حقوق کودکان است که در آن حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان بیان شده است. ایران در سال ۱۳۷۲ به مقاوله‌نامه حقوق کودک ملحق شد مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت ایران لازم‌الرعایه نباشد. این مرجع اخباری را در زمینه تدوین «سند ملی حقوق کودک» در سال ۸۸ منتشر کرد؛ اما پس از کش‌وقوس‌های میان مجلس و دولت درنهایت در شهریور ماه سال ۱۴۰۰ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ در خصوص سند ملی حقوق کودک و نوجوان توسط رئیس‌جمهور و رئیس شورا ابلاغ گردیده و متن آن منتشر گشت. علی‌رغم اختصاص این سند به کودک و نوجوان، فاقد نوآوری و تغییر رویکرد است. می‌توان گفت مواردی مربوط به کودکان که تاکنون در دیگر اسناد و قوانین پراکنده بود در این سند گرد آمده و همه مواد آن بدون تفکیک سنی میان کودک و نوجوان به بیان بدیهیات و «بایدهای» کلی پرداخته است.

سند ملی «کودک و اینترنت» با توجه به اهمیت موضوع کودکان در فضای مجازی به تصویب رسید و توجه به مسئله بسیار مهم ارتباط آنها با اینترنت از نقاط قوت این سند است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۰). با تأکید و توجه به اهمیت دوره کودکی اول و بر مبنای تفکیک سنی تمرکز سیاست‌گذاری را بر کودکان زیر ۸ سال قرار می‌دهد. این سند رویکردی جامع به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کودکان از بدو تولد تا هشت‌سالگی و توجه به والدین و مراقبان آنها

دارد. شناسایی و کنترل عواملی که موجب نابرابری شرایط رشد و تکامل کودکان می‌شوند و توجه به مسائل کودکان در حاشیه مانده و رفع تبعیض‌های مادی و معنوی در روند رشد کودکان از نقاط قوت این سند است.

پ) اسناد غیردولتی و بین المللی

سند تعامل مطلوب مسجد با کودک و نوجوان (مرکز رسیدگی به امور مساجد،۱۳۹۷) و سند نقشه مهندسی کشور ازجمله مهم‌ترین اسناد نهادهای غیردولتی هستند. سند تعامل مطلوب مسجد با کودک و نوجوان، تعامل تربیت‌محور کودکان و نوجوانان را در اولویت اساسی قرار داده است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۱). این سند برای جلوگیری از افتادن در ورطه سندنویسی در بخش پایانی خود ستاد اجرایی‌سازی سند را معرفی نموده تا هرچه بهتر به اجراسازی آن بپردازد.

با نگاهی به اهداف کلان سند نقشه مهندسی کشور می‌توان به غایت اصلی نظام در بحث تربیت کودکان پی برد. فراگیر شدن اُنس و تمسک به قرآن کریم و حاکمیت قرآن، تعالی هویت ملی و تقویت ایمان و عمل صالح، نهادینه‌شدن ولایت‌مداری و فرهنگ انتظار، تعمیق فرهنگ عمل به شعائر و فروع دین به‌ویژه نماز، امر به معروف و حجاب و نرخ رشد باروری از اصلی‌ترین اهداف سند است. حد اعلای آرمان‌گرایی، کلی‌گویی، چشم‌بستن بر اوضاع نابه‌سامان فرهنگی و اجتماعی کشور و نادیده گرفتن عوامل مؤثر بر آن، تعیین اهداف کلان بدون در نظر داشتن جزییات امر و راهکارهای واقع‌نگرانه از ویژگی‌های این سند است. از طرفی در عالی‌ترین سند نقشه راه فرهنگی کشور در افقی بلندمدت، اشاره‌ای به کودکان و مسائل فرهنگی آنها نشده و سند تنها در قسمت تعیین اهداف آموزشی و پرورشی خود را تابع سند تحول بنیادین می‌داند.

۵-۱-۲. اسناد و قوانین بین‌المللی

کنوانسیون حقوق کودکان(Convention on the Rights of the Child, 1959) و برنامه‌های تحت نظر یونیسف و یونسکو در ایران از اصلی‌ترین قوانین بین‌المللی اجرا شده در ایران هستند. مقاوله‌نامه بین‌المللی حقوق کودک، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. تاکنون ۱۹۳ کشور این سند

را تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند و به این‌ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ می‌باشد. این مقاوله‌نامه بر چهار اصل استوار است: هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد، در زمان تصمیم‌گیری برای کودکان باید منافع عالیه آنان در رأس قرار گیرد، کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند و در آخر کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرهای خود را ابراز کنند و این نظرها در تمامی اموری که به آنها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) بزرگترین نهاد بین‌المللی حوزه کودکان است که در زمینه بهداشت و تغذیه، آموزش، مراقبت از کودکان و دسترسی به فرصت‌های برابر برای کودکان فعالیت می‌کند. هم‌اکنون همکاری ایران و یونیسف در دوره پنج‌ساله ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بر زمینه‌های سلامت و تغذیه کودکان، آموزش کودکان و حمایت از اجرای برنامه‌ها برای بهبود دسترسی برابر به آموزش جامع فراگیر در تمام مقاطع تحصیلی، به‌ویژه برای کودکان کم‌برخوردار، کودکان پناهنده و دختران و کودکان با نیازهای ویژه و در اخر بر حمایت از رفاه کودکان متمرکز است.

سازمان جهانی یونسکو نیز با پیشبرد دو برنامه و با تمرکز بر مسائل کودکان در ایران به فعالیت پرداخته است. برنامه آموزش برای همه (۲۰۰۰-۲۰۱۵) و اجرای برنامه «اهداف توسعه پایا» با عنوان رسمی «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار». در همایش جهانی آموزش برای همه (EFA) که در سال ۱۹۹۰ در جامتین تایلند به همت پنج سازمان بین‌المللی برگزار گردید، دولت‌ها موظف شدند تا سال ۲۰۰۲ برنامه‌های ملی برای تحقق اهداف آموزش برای همه را طراحی کرده و کل اهداف برنامه را تا سال ۲۰۱۵ تحقق بخشند. این برنامه ۶ هدف اصلی داشت که اولین هدف «گسترش آموزش پیش از دبستان و مراقبت اوان کودکی» را مورد تأکید قرار می‌داد و دولت‌ها، خانواده‌ها، سازمان‌های غیردولتی و جوامع محلی را ملزم می‌کرد با همکاری یکدیگر از آموزش مطلوب برای کودکان حمایت کنند. دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار نیز یکی از بخش‌های برنامه «اهداف توسعه پایا» بوده است. چهارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ با عنوان «به‌سوی

آموزش و یادگیری مادام‌العمر فراگیر، برابر و باکیفیت برای همه»، برنامه‌ای است برای بسیج کلیه کشورها برای دستیابی به اهداف مذکور از طریق ارائه روش‌های اجرایی، هماهنگی، تأمین اعتبار و نظارت بر آموزش تا سال ۲۰۳۰.

در سند ۲۰۳۰ استفاده از واژه‌هایی همچون شهروند جهانی و برابری جنسیتی، حساسیت‌هایی را برانگیخت و باعث بروز مباحثی از سوی برخی افراد گردید به‌ویژه آنکه شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌طور جدی این سند را مورد نقد قرار داده است؛ اما با نگاهی بی‌طرفانه و با استفاده از نظرهای کارشناسان آموزشی و صاحب‌نظران دانشگاهی باید گفت، این سند صرفاً یک بیانیه قرائت شده در اجلاس یونسکو بود که اجرای آن برای هیچ کشوری الزام‌آور نبوده و دقیقاً به همان موضوع‌هایی اشاره دارد که در سند تحول هم آمده است (واقعیت‌های ۲۰۳۰، ۱۳۹۶). تمام شش موضوعی که قبلاً در بیانیه «آموزش برای همه» که پانزده سال در ایران بدون هرگونه اعتراضی اجرا شد، در بیانیه ۲۰۳۰ هم آمده است و تنها به شناسایی نقص‌های اجرایی در پانزده سال گذشته و استفاده از تجربه آن تأکید شده است (یوسف پور،۱۳۹۶). کشورهای عضو یونسکو از ژانویه سال ۲۰۱۶ اجرای بیانیه ۲۰۳۰ را آغاز کردند ولی ایران همچنان آن را متوقف نگه داشته است؛ چراکه در روند تهیه چهارچوب عمل ملی که با استفاده از اسناد بومی در حال انجام بود، پس از سخنان رهبری و دستور دولت این کار متوقف شده است.

جدول (۲): نهادهای سیاست‌گذار حوزه کودکان

نهاد	سیاست‌ها	بررسی شاخص‌ها
قوانین مصوب مجلس	**۱- قانون برنامه ششم توسعه** **۲- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان** **۳- سند تأمین امنیت زنان و کودکان** **٤- قانون حمایت ازکودکان و نوجوانان**	عدم توجه خاص به کودکان زیر ٦سال ـ طراحی سیاست‌های آموزشی مبتنی بر همسانی هویتی اعلام کودک‌آزاری به‌عنوان جرم عمومی برای اولین‌بار تأمین امنیت زنان و کودکان در عرصه‌های اجتماعی، سرنوشت نامعلوم اجرایی شدن سند قانونی در ادامه سند تأمین امنیت، محول کردن امور مربوط به کودکان بی‌سرپرست به سازمان بهزیستی کشور

نهاد	سیاست‌ها	بررسی شاخص‌ها
طرح‌ها و اسناد دولتی	**۱- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش**	عدم توجه به آموزش و تربیت کودکان زیر ۷ سال ـ فاقد برنامه‌های تفکیکی بر اساس سن و جنسیت کودکان ـ توجه و تأکید صرف بر آموزه‌های اسلامی
	۲- ساماندهی کودکان کار	تعریف افراد زیر ۱۸ سال به‌عنوان کودک ـ فاقد برنامه کاربردی به‌منظور پیشگیری از بروز پدیده کودک کار
	۳- سند حمایتی و برنامه اقدام توسعه خدمات فضای مجازی کودک و نوجوان	تدوین سند ملی «کودک و اینترنت» و پرداختن به اهمیت موضوع کودکان و فضای مجازی از سه منظر فرهنگی، کسب و کار و حقوق شهروندی توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
	٤- آیین‌نامه حمایت‌های فرهنگی، اجتماعی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست	ارائه خدمات تربیتی، آموزشی و خدمات مددکاری و مشاوره به کودکان بی‌سرپرست توسط سازمان بهزیستی
	۵- مرجع ملی مقاوله‌نامه حقوق کودک	الحاق ایران به این کنوانسیون در سال۷۲ ـ وجود ادعاهایی مبنی بر تصویب سند ملی حقوق کودک ـ عدم پاسخگویی متولیان این مقاوله‌نامه و عدم دسترسی به متن سند مذکور
	٦- سند ملی رشد و تکامل همه‌جانبه کودکان	جدیدترین و تنها سند متمرکز بر کودکان زیر ۸ سال و توجه به اهمیت دوره کودکی اول و تأکید بر مقوله بازی و رشد در محیط امن خانواده

نهاد	سیاست‌ها	بررسی شاخص‌ها
اسناد فرادولتی	**۱- سند تعامل مطلوب مسجد با کودک و نوجوان**	تعبیر کودکان به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی، اولویت قایل شدن برای تعامل تربیت‌محور کودکان و نوجوانان با مسجد، به کوشش معاونت فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد و دانشگاه امام صادق(علیه‌السلام)
	۲- سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور	درنظر داشتن اهداف متعالیه در فرهنگ و تعیین اهداف کلان فرهنگی از منظر دینی و مذهبی. حد اعلای آرمان‌گرایی و کلی‌گویی در تعیین اهداف کلان بدون در نظر داشتن جزییات امر و راهکارهای واقع‌نگرانه به کوشش شورای عالی انقلاب فرهنگی
اسناد بین‌المللی	**۱- پیمان‌نامه حقوق کودک**	مقاله‌نامه‌ای بین‌المللی با هدف بیان حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان
	۲- سند فعالیت‌های یونیسف در ایران	بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی در حوزه کودکان، همکاری با ایران در جهت تقویت نظام مراقبت بهداشتی کشور، برنامه‌های سلامت مادران، تغذیه کودکان، دسترسی برابر به آموزش جامع فراگیر در تمام مقاطع تحصیلی و...
	۳- اسناد و برنامه‌های یونسکو	همایش جهانی آموزش برای همه ـ گسترش سواد در جهان، افزایش فرصت‌های یادگیری برای همگان و بهبود یادگیری، موظف شدن دولت‌ها به طراحی برنامه‌های ملی برای تحقق اهداف آموزش برای همه تا سال ۲۰۰۲ و تحقق بخشیدن کل اهداف برنامه تا سال ۲۰۱۵
	۳-۱. آموزش برای همه	تدوین چهارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ با عنوان «به‌سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر فراگیر، برابر و باکیفیت برای همه» به‌عنوان دستورکار جهانی آموزش تا سال ۲۰۳۰ با هدف اصلی بسیج کلیه کشورها در دستیابی به آموزش و یادگیری مادام‌العمر فراگیر، برابر و باکیفیت برای همه، از طریق ارائه روش‌های اجرایی، هماهنگی، تأمین اعتبار و نظارت بر آموزش تا سال ۲۰۳۰
	۳-۲. سند ۲۰۳۰	

۵-۲. نهادهای متولی اجرای سیاست‌های حوزه کودکان؛ تداخل وظایف نهادی، ضعف منابع مادی

۵-۲-۱. نهادهای دولتی

سازمان بهزیستی کشور و وزارت آموزش‌وپرورش از مهم‌ترین نهادهای دولتی مرتبط با کودکان در ایران هستند. صدور مجوز مهدکودک‌ها اصلی‌ترین فعالیت سازمان بهزیستی در حوزه کودکان بوده است؛ اما اکنون بر اثر بروز اختلاف‌ها میان این دو نهاد راجع به تدوین محتوا و نظارت بر مهدها، تنها وزارت آموزش و پرورش مجاز به صدر مجوز برای تأسیس مهدهای کودک شده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵). به‌منظور سامان‌دهی امور و رفع اختلاف‌های نهادهای متولی مهدهای کودک، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۹، تأسیس مرکز ملی در حوزه تعلیم‌وتربیت کودک و سامان‌دهی مدیریت مهد کودک‌ها را به تصویب رساند و بر این اساس مقرر شد که مسئولیت حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت و ارزیابی مهدکودک‌ها به وزارت آموزش و پرورش واگذار شود. اصلی‌ترین دلیل تصویب این مصوبه، اشاره به چهارده مرکزی است که در کشور مجوز مهدکودک صادر می‌کنند. اگرچه یکپارچه‌سازی نهادی در بحث صدور مجوز مهدهای کودک، موجب نظم و کارآمدی عملکرد خواهد شد؛ اما سپردن مسئولیت صفرتاصدی مهدهای کودک به وزارت آموزش و پرورش، مسئولیت این نهاد را در طراحی برنامه‌های جدید و به‌کارگیری نیروهای متخصص در این زمینه سنگین‌تر خواهد نمود و با توجه به مسائلی که این وزارتخانه در امور مدارس با آن مواجه است، باید به ارزیابی عملکرد این نهاد در این زمینه پرداخت.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از دیگر نهادهای دولتی است که منحصراً با مخاطب کودک و نوجوان سروکار دارد. در واپسین سال‌های دهه ۳۰ با شتاب گرفتن روند اصلاحات اجتماعی در ایران، و تغییرات گسترده در روش‌های آموزش و با آسان شدن فرایند یادگیری، جمعیت کتابخوان خردسال افزایش یافت. این تغییرات سبب توجه جامعه به ادبیات کودکان و نوجوانان و جلب توجه ناشران شد. سازمان انتشارات کانون با جلب همکاری نویسندگان شاعران و هنرمندان آن زمان به فعالیت گسترده اقدام نمود تا آنجا که طی ۱۳ سال فعالیت، ۱۴۶ عنوان کتاب برای گروه‌های سنی مختلف چاپ و منتشر کرد. تا قبل از تأسیس کانون، کتابخانه‌ای مختص کودکان در

ایران وجود نداشت. کانون رفته‌رفته به گسترده‌ترین شبکه کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان در کشور دست یافته و هم‌اکنون از برجسته‌ترین تولیدکنندگان و ناشران کتاب‌های کودکان و نوجوانان در ایران به‌شمار می‌رود. سازمان انتشارات، مرکز سینمایی و کتابخانه سه رکن اساسی این کانون هستند. پس از پیروزی انقلاب، نحوه فعالیت کانون مانند دیگر مراکز فرهنگی مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به وزارت آموزش و پرورش ملحق شد. درحال‌حاضر در ۸۳۰ مرکز کانون در کشور فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ادبی همانند نقد کتاب، داستان‌نویسی، شعرخوانی، قصه‌گویی، فیلم سازی، نقاشی، آشنایی با اقوام و ملت‌ها انجام می‌شود. امکان حضور بچه‌های نابینا، کم بینا، ناشنوا، کم‌شنوا و دارای نیازهای ویژه در کنار دیگر اعضا کانون از اقدام‌های مثبت کانون ارزیابی می‌شود.

صداوسیما به‌عنوان تنها رسانه رسمی و قانونی در ایران که متولی تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی است، طبق اساسنامه با هدف شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان به اجرای برنامه‌های ارشادی، آموزشی، خبری و تفریحی می‌پردازد. در راستای اجرای برنامه‌های مربوط به کودکان نیز شبکه اختصاصی کودک از سال ۱۳۹۱ آغاز به‌کار کرد. اکثر پویانمایی‌ها (انیمیشن‌ها) و برنامه‌های شبکه کودک به همت مرکز کودک و نوجوان سازمان هنری رسانه‌ای اوج که وابسته به سپاه پاسداران است، تولید می‌گردد. ایجاد گفتمان مقاومت در میان کودکان و نوجوانان از اهداف برنامه‌های تولیدی این سازمان است.

۵-۲-۲. نهادهای غیردولتی

شهرداری‌ها، سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی، بسیج و سازمان تبلیغات اسلامی ازجمله نهادهای غیردولتی هستند که در راستای اجرای سیاست‌های اجتماعی، به کودکان نیز توجه داشته‌اند. تأسیس فرهنگ‌سرای کودک، ایجاد خانه‌های بازی و اجرای طرح‌هایی با هدف گرامی‌داشت کودک ازجمله طرح شهر دوست‌دار کودک ازجمله فعالیت شهرداری‌ها است. مفهوم شهر دوست‌دار کودک، در امتداد نظریه‌های حقوق شهروندی برای کودکان است که از سال ۱۹۹۰ با نظارت یونیسف پیگیری می‌شود. وظیفه این سازمان در طرح یاد شده ارتقا و حفاظت از حقوق کودکان است تا اطمینان حاصل شود که در تمام مسائل و فرایندهای تصمیم‌گیری، دیدگاه کودکان در نظر گرفته می‌شود و حقوق آنها پایمال نمی‌شود. یونیسف تأمین حقوق کودکان را محوریت اجرای این طرح بیان کرده است. شهر دوست‌دار کودک مبتنی

بر یک حاکمیت محلی است و پارک‌های موضوعی دارد. مراقبت‌های بهداشتی کودکان و محافظت از آنان در برابر خشونت و سوءاستفاده از دیگر ویژگی‌های این طرح است. شهر دوست‌دار کودک به‌طورکلی به این معناست که دولتمردان چگونه این شهرها را بر اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن، حقوق اساسی کودکان مثل سلامت، حمل‌ونقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. دولت ایران از سال ۱۳۸۶ با شهر تهران به طرح شهرهای دوست‌دار کودک ملحق شد و با استانداردسازی مبلمان شهری به‌ویژه وسایل خاص کودکان (ورزش، تفریح و بازی) به اقدام‌هایی پرداخت.

سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی که با هدف تولید و ترویج معارف قرآنی و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) فعالیت می‌کند، اولویت فعالیت‌های فرهنگی خود را به «مهدالرضا» اختصاص داده است (سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی). مهدالرضا با ۲۰ سال سابقه آموزش قرآن در پی احیای روش سنتی مکتب‌خانه است که کودکان تنها با مهارت خواندن در قالب قصه و بازی قرآن می‌آموزند. درحال‌حاضر در مناطق ۱۲گانه مشهد دارای ۱۱۰ شعبه و بیش از ۴۵۰ کلاس و در سال ۹۸ بیش از ۲۵ هزار قرآن‌آموز در ۴۷۰ شعبه در سراسر کشور تحت آموزش مهدالرضا بودند. در دو سال اخیر ۳۵ هزار قرآن‌آموز در کلاس‌های آموزشی مهدالرضا شرکت کردند. مؤسسه انتشاراتی به‌نشر وابسته به آستان قدس رضوی نیز به‌طور تخصصی به حوزه کتاب کودک وارد شده و تحت عنوان «کتاب‌های پروانه» به انتشار کتاب‌های متنوع با موضوعات دینی می‌پردازد.

بسیج، دیگر نهاد غیردولتی وابسته به سپاه پاسداران که بازوی جهادی و فرهنگی نظام سیاسی است، در زمینه جذب، آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان، سازمان بسیج دانش‌آموزی را در پی ایجاد توافقنامه‌ای میان بسیج و وزارت آموزش و پرورش در سال ۷۱ تشکیل داد. برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی، علمی و اعتقادی، برگزاری مراسم مذهبی، فرهنگی و ملی ازجمله برنامه‌های اجرایی بسیج در امور کودکان و نوجوانان است. هم‌اکنون پایگاه‌های بسیج مساجد متصدی مهدهای مساجد هستند که از سال ۹۰ آغاز به‌کار کرده است. درحال‌حاضر هزاران مهدمسجد سعی در جلوگیری از اشاعه فرهنگ غربی در میان خردسالان دارند؛ اما با توجه به حساسیت امر تربیت دینی، مربیان مهدهای قرآنی باید در بالاترین سطح ممکن از لحاظ علمی و رفتاری باشند. علاوه‌براین تعداد کثیر این مهدها در سراسر کشور، نیازمند نیروی کار بسیاری است. آموزش صحیح و به استخدام درآوردن این افراد

پروسه‌ای زمان‌بر و نیازمند هزینه بالاست. درحالی‌که اکثر کارکنان مهدهای قرآنی فاقد بنیه علمی لازم و دارای حقوق و مزایای اندک هستند. با کیفیت پایین آموزش و خدمات و کثرت بیش‌ازحد این مهدها، آنچه که از دست خواهد رفت، اعتبار همه مهدهای قرآنی در نگاه عموم مردم است.

سازمان دارالقرآن یکی از مجموعه‌های بزرگ وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی که با توجه به اساسنامه این سازمان در راستای نشر فرهنگ اسلامی فعالیت دارد، عهده‌دار صدور مجوز برای تأسیس مهدهای کودک قرآنی است. اینکه به گفته شورای عالی انقلاب فرهنگی حدود ۱۲ نهاد به صدور مجوز تأسیس مهدها اقدام می‌کنند، جز به این معنا نیست که ضوابط و رویه یکسانی درباره تأسیس مهدها وجود ندارد و هر نهاد خود را مستحق دخالت در امر مهمی به نام تعلیم‌وتربیت کودک می‌داند.

جدول (۳): نهادهای مجری سیاست‌های مربوط به کودک

	نهادها	سیاست‌های اجرایی
نهادهای دولتی	۱- سازمان بهزیستی کشور	فعالیت در جهت صدور مجوز، نظارت‌و آموزش مربیان مهدهای کودک و ارائه دیگر خدمات توانمندسازی و حمایت از کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر
	۲- وزارت آموزش و پرورش	تنها نهاد رسمی کشور با وظیفه فراهم آوری بسترهای مناسب در زمینه آموزش اجباری برای کودکان ۷ تا ۱۸ سال ـ واگذاری مسئولیت انحصاری صدور مجوز مهدکودک ـ مسئول برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت و ارزیابی بر مهدکودک‌ها در پی تصویب تأسیس مرکز ملی در حوزه تعلیم‌وتربیت کودک
	۳- کانون پرورش فکری‌کودکان و نوجوانان	سازمانی غیرانتفاعی و فرهنگی و هنری، وابسته به وزارت آموزش‌وپرورش ـ دارای گسترده‌ترین شبکه کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان و از برجسته‌ترین تولیدکنندگان و ناشران کتاب‌های کودکان ـ مهم‌ترین نهاد فعال در حوزه تربیتی کودکان با فعالیت در زمینه‌های متعدد فرهنگی و هنری ازجمله کتاب، سینما، تئاتر، نمایش‌های عروسکی، جشنواره‌های نقاشی و تولید و عرضه اسباب بازی و لوازم تحریر
	۴- صداوسیما	دارای شبکه اختصاصی کودک تحت عنوان کانال پویا و تولید و پخش برنامه برای خردسالان زیر ۶ سال ـ مشارکت با مرکز کودک و نوجوان مؤسسه فرهنگی هنری اوج وابسته به سپاه پاسداران با هدف سیاست‌گذاری و حمایت از تولید محصولات و خدمات مناسب کودکان و نوجوانان در جهت ارتقاء اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی این گروه سنی ـ آموزش غیرمستقیم ارزش‌ها با استفاده از شعر، سرود، نماهنگ، فیلم و پویانمایی

	نهادها	سیاست‌های اجرایی
نهادهای غیر دولتی	۱- شهرداری	سازمان فرهنگی هنری شهرداری ـ فعالیت فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ در زمینه‌های مختلف فرهنگی و هنری ازجمله فرهنگسراهای مخصوص کودک، خانه‌های بازی، پیوستن به طرح شهر دوست‌دار کودک
	۲- آستان قدس رضوی	سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی ـ تعیین اولویت‌های فرهنگی با هدف نشر و ترویج اسلام و سیره ائمه (علیهم‌السلام) ـ تأسیس مهدهای کودک با نام مهدالرضا
	۳- بسیج	فعالیت در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ـ تأسیس بسیج داتش‌آموزی به‌منظور جذب، آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان ـ نظارت بر عملکرد مهدهای مسجد در پی امضای تفاهم‌نامه‌ای میان سازمان بهزیستی و سازمان بسیج مستعضفین در سال ۹۴
	۴- سازمان تبلیغات اسلامی	سازمان دارالقرآن الکریم ـ فعالیت در راستای نشر فرهنگ اسلامی و قرآنی ـ صدور مجوز تأسیس و سامان‌دهی کانون‌های فرهنگی و قرآنی ـ صدور مجوز برای تأسیس مهدهای کودک قرآنی

۶. برون‌دادها؛ نتایج برنامه‌های اجرایی و ارزیابی آنها

جمهوری اسلامی ایران به دلیل مسائل اقتصادی و سیاسی تا اواسط دهه ۷۰، غافل از پرداختن اختصاصی به مسائل کودکان و نوجوانان و آسیب‌های این قشر بوده است. اولین اسناد و طرح‌هایی که به‌طور ویژه مسائل مربوط به کودکان را در نظر داشته‌اند، در حوزه بهداشت و درمان بوده است ازجمله دستیابی به پوشش وسیع واکسناسیون، بهبود وضعیت تغذیه‌ای، ریشه‌کنی فلج‌اطفال، کاهش و جلوگیری از مرگ‌ومیرکودکان. به گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بر اساس آخرین داده‌های موجود در کشور برای سال ۱۳۹۷، میزان مرگ‌ومیر کودکان زیر یک‌سال برابر با ۷٫۴ در هر هزار تولد بوده است. هدف‌گذاری توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰، کاهش مرگ نوزادان به حداقل ۱۲ رویداد به ازای هر هزار تولد است که ایران به این هدف‌گذاری دست یافته است. در زمینه آموزش کودکان و نوجوانان، نظام سیاسی ایران موفق گردید با طرح آموزش عمومی که شامل دوره‌های آموزش ابتدایی تا أخذ دیپلم است، کودکان را تا دوازده سال تحت پوشش قرار دهد. مطابق آمار در سال ۱۳۹۶، از تعداد ۱۶ میلیون و ۷۲۰ هزار و ۴۲۲ نفر افراد ۶ تا ۱۹ سال معادل ۹۸٫۵ درصد باسواد بوده‌اند که البته باید اشاره کرد بیش از یک‌ونیم میلیون نفر (۱۶۸۲۳۴۶) از این تعداد، از سیستم آموزشی خارج شدند که قریب به ۳۷ هزار نفر از آنها کودک ۶ تا ۹ ساله بودند.

با نگاهی به اعتبارات مالی پیش‌بینی شده برای برنامه‌های مربوط به کودکان

می‌توان به درک بهتری از وضعیت سیاست‌گذاری رسید. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، به‌منظور سامان‌دهی کودکان کار و خیابان و حمایت از کودکان بی‌سرپرست و دیگر کودکان آسیب‌پذیر، مبلغ ۶۹۱ میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی شده بود که در مقایسه با اعتبار مصوب این بخش در قانون بودجه سال ۹۹، حدود ۲۵ درصد رشد داشته است. از مجموع اعتبارات این بخش، ۸۱ درصد به برنامه حمایت از کودکان و نوجوانان تحت پوشش سازمان بهزیستی اختصاص یافته که ذیل این برنامه ۱۹ فعالیت تعریف شده که در این میان می‌توان به برنامه سامان‌دهی کودکان خیابانی با اعتبار ۱۱۳ میلیارد تومان و حمایت از کودکان کار با اعتبار ۱۴ میلیارد تومان اشاره کرد (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۹، ص. ۲). این در حالی است که آمار دقیقی از تعداد کودکان کار در ایران وجود ندارد چراکه پدیده‌ای مخفی است و شناسایی کودکانی که دچار آسیب‌های اجتماعی شده‌اند، تقریباً کاری غیرممکن است و آمارهایی که سازمان‌ها یا اشخاص در این‌باره ارائه داده‌اند حدسی است. در سال ۱۳۹۶، از حدود ۹ میلیون کودک، حدود ۴۹۹ هزار نفر در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشتند که نسبت به سال‌های ۹۴ و ۹۵ با افزایش ۹,۶ درصدی و ۶ درصدی روبه‌رو بوده است.

در سالنامه آماری بهزیستی در سال ۱۳۹۸ آمده است که ۴۸۰۵ کودک شناسایی شده، از مراکز توانمندسازی کودکان خیابانی در سراسر کشور خدمات دریافت کرده‌اند. درحالی‌که در سال ۱۳۹۵ این آمار ۹۲۸۷ نفر بوده است (سالنامه آماری،۱۳۹۸: ص۵۴). مسلماً کاهش این آمار به فاصله سه سال، ناشی از کمترشدن تعداد کودکان خیابانی نبوده است بلکه به گفته متولیان بهزیستی در شهرستان‌ها، به جهت کمبود منابع مالی، عملاً شناسایی و خدمت‌رسانی مداوم به این کودکان غیرممکن است و بنابراین کاهش آمار کودکان خیابانی از جهت عدم پیگیری در شناسایی و یا رهاسازی آنها پس از معرفی از جانب دیگر نهادها مانند نیروی انتظامی است. متولیان امر همچنین بر این نکته تأکید دارند که وخامت اوضاع اقتصادی در زمان همه‌گیری کرونا به میزان قابل‌توجهی تعداد کودکان خیابانی و خصوصاً کودکان زباله‌گرد و بازیافت‌جو را افزایش داده است؛ بنابراین اختصاص چنین اعتباری به برنامه حمایت از کودکان و نوجوانان تحت پوشش سازمان بهزیستی هیچ کمکی به حل ریشه‌ای مشکلات ناشی از آسیب‌های اجتماعی نخواهد کرد.

ازهمین‌رو اگرچه سال‌ها از اجرای طرح سامان‌دهی کودکان کار می‌گذرد نه‌تنها کنترلی بر این پدیده صورت نگرفته که حتی شاهد صحنه‌های بی‌شماری از کار

کودکان در سطح جامعه هستیم. شاید ناکارآمدی طرح مذکور یکی از دلایل شیوع روزافزون کار کودکان باشد. بنا بر آمار غیررسمی موجود بیش از نیمی از کودکان کار در ایران از اتباع مهاجر هستند و باید در این‌باره اداره اتباع نیز وارد شده و سهمی برای بهبود اوضاع برای خود قائل شود. تغییر و ازدیاد روزافزون آسیب‌های اجتماعی طلب می‌کند که برای مقابله با آنها، طرح و برنامه‌های مربوط به یک دهه پیش را به‌روزرسانی کرده و با توجه به مقتضیات زمان تغییر دهیم.

در تحلیل اعتبارات وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد مرتبط با کودکان، باید گفت هزینه‌های کارکنان، بالاترین سهم هزینه‌ها در این وزارتخانه است. مجموع اعتبارات وزارتخانه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، بیش از ۱۱۳ هزار میلیارد تومان است. حدود ۹۶,۵ درصد اعتبارات این وزارتخانه مربوط به هزینه عمومی است. از ۸۹ هزار میلیارد تومان اعتبار هزینه ادارات کل استان‌ها نیز حدود ۹۳ درصد آن مربوط به جبران خدمات کارکنان است. این ترکیب نامتوازن در اعتبارات نشان می‌دهد که همچنان سهم هزینه‌های غیرکارکنان این وزارتخانه یعنی هزینه‌های کیفیت‌بخشی بسیار اندک و ناکافی است. بر اساس تجربه عملکرد بودجه در سال‌های گذشته به دلیل بیش برآوردی منابع و کم‌برآوردی هزینه‌ها، برای رفع کسری بودجه به ناچار از اعتبارات غیرکارکنان کاسته و آن را صرف پرداخت حقوق و مزایای کارکنان می‌کند. کیفیت و عدالت آموزش به‌طور قطع قربانی ادامه این روند هستند. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ اعتبار وزارت آموزش و پرورش با افزایش ۴۸,۱۳ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰، به مبلغ ۱۷۵ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ اما در این لایحه با کاهش چشمگیر بودجه برخی از اعتبارات برنامه‌های کیفیت‌بخشی مواجهیم؛ برای مثال می‌توان به افت ۴۲ درصدی برنامه توسعه و ارتقاء تربیت بدنی و ورزش و سلامت دانش‌آموزان و کاهش ۶۴ درصدی اعتبار برنامه «پرورش امور تربیتی، توانمندسازی و غنی‌سازی اوقات فراغت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان» اشاره کرد. همچنین در لایحه بودجه، اعتبارات مربوط به دو برنامه توان‌بخشی و آموزش حرفه‌ای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه حذف شده است.

انتظار می‌رود باتوجه به اهمیت سند تحول بنیادین برای اجرای مفاد آن پیش‌بینی‌هایی در بودجه صورت گیرد؛ اما آنچه در واقع رخ داده ساده‌انگاری و سطحی‌نگری در اجرای این سند است؛ چراکه برنامه‌های سال‌های گذشته که در برخی موارد ادغام نیز شده‌اند، صرفاً جهت هم‌راستایی با سند تحول بنیادین، به

اضافه کردن عباراتی همچون «مبتنی بر ساحت‌های ۶گانه سند تحول» و «در چهارچوب سند تحول...» به عناوین برنامه‌ها بسنده شده است. به‌روشنی پیداست که تورم اسناد در نظام سیاست‌گذاری ایران سبب تلنباری طرح و برنامه‌ها شده؛ اما قابلیت به اجرا درآوردن آنها به جهت کمبود منابع و پشتیبانی وجود ندارد. درحال‌حاضر مواجهه با محدودیت‌های مالی بی‌شمار سبب اکتفای متولیان اجرایی به کمیت‌ها شده و غفلت و نادیده‌انگاری کیفیت برنامه‌ها باعث ایجاد فاصله بسیار با استانداردهای بین‌المللی شده است.

۷. راهکارها؛ تغییرات اجتماعی متناسب با شرایط کودک و لزوم تغییر نگرش به کودک و مسئله کودکی

سیاست‌های مربوط به کودکان در قدم اول باید کیفیت رشد و سلامت روانی آنها را در کنار توجه به سلامت جسم مدنظر قرار دهند. والدین، مربیان و همه کسانی که در ارتباط مداوم با کودکان هستند باید تحت آموزش‌های مستمر و خدمات روان‌شناسی و مشاوره قرار داشته باشند. معلمان و مربیان باید از لحاظ تسهیلات و مزایای شغلی در بهترین شرایط ممکن باشند. معلمانی که به حق دچار دغدغه حقوق و مزایا هستند، مربیان آسوده‌ای در تربیت کودک نخواهند بود. آموزش و پرورش دو امر جدایی‌ناپذیر بوده و بی‌توجهی به هرکدام از آنها روند رشد را در کودکان با مشکل مواجه خواهد نمود. توانمندسازی کودکان با استفاده از آموزش مهارت‌محور، مهارت‌های ارتباطی در جامعه، آشتی و مراقبت از طبیعت و حفظ محیط‌زیست، اهتمام به پرورش تفکر انتقادی و خلاقانه و مهارت فراگیری زبان‌های خارجه، از خلأهای جدی نظام آموزشی در مدارس دولتی ایران است. تأسیس مدارس مهارت‌محور خصوصی و غیرانتفاعی در سال‌های اخیر نیز اگرچه امیدبخش و کارآمد جلوه کرده؛ اما با توجه به هزینه بالای شهریه، تنها به استفاده اقشار خاصی محدود شده است. نرخ تورم و کاهش بودجه برنامه‌های کیفیت‌بخش در مدارس دولتی، تبعیض‌های غیرقابل جبرانی در نظام آموزشی کشور به‌وجود خواهد آورد. فقر ناشی از رکود اقتصادی کودکان بسیاری را از نظام آموزشی جدا کرده و به‌کار در خیابان فرستاده است و همزمان، آسیب‌های اجتماعی آنان روزانه افزایش می‌یابد. دعواهای دیوان‌سالارانه میان دو وزارتخانه آموزش و پرورش و بهزیستی جز دامن‌زدن به مشکلات کودکان نتیجه دیگری در پی ندارد. اکنون که مهدهای کودک و مراکز نگهداری کودکان قبل از سن دبستان به وزارت آموزش و پرورش سپرده شده؛ اما

باید پرسید برای تأمین نیروی انسانی باتجربه چه راهکاری اندیشیده‌اند؟ آیا این وزارتخانه با مقدار بدهی قابل‌توجه به‌کارکنان خود، توان تحت‌پوشش قرار دادن خدمات مربوط به مهدهای کودک را خواهد داشت؟ اُفت کیفیت برنامه‌های اجرایی در آموزش و پرورش سبب رشد ناقص و معیوب کودکان در این سیستم خواهد شد که با خروج از آن باری بر دوش وزارتخانه دیگر خواهند شد و این چرخه نافرجام تا زمان اصلاحات اساسی و بیان راه‌حل‌های کاربردی برای برون‌رفت از آن همچنان در همین روند ادامه خواهد یافت.

سیاست‌های کاهش یا افزایش جمعیت بدون توجه به الزامات اقتصادی و فرهنگی دستاورد مناسبی نخواهد داشت. فشار اقتصادی، هزینه‌های گزاف پزشکی و مراقبت‌های بارداری و پوشش ضعیف بیمه‌ای برای آن، هزینه زایمان و مراقبت‌های جسمی و روحی این دوران خطیر از ابتدایی‌ترین مسائلی است که باید بدان توجه داشت. همچنین شرایط اقتصادی سال‌های اخیر، زنان را بیش‌ازپیش به فعالیت اقتصادی وادار نموده است. زنان شاغل متعددی در صحبت با نگارنده بر این امر تأکید داشتند که بسیاری از کارفرماها شرط عدم‌بارداری را برای استخدام بیان می‌کنند و زنان بسیاری اگرچه تا آخرین روزهای زایمان مشغول به‌کار بوده‌اند پس از به دنیا آوردن فرزند یا اخراج شده‌اند و یا به دلیل مرخصی کم و هزینه پرستار از کار فاصله گرفته‌اند.

یکی دیگر از تأثیرات اوضاع اقتصادی بر سرنوشت کودکان، نقش پدران در رشد و تربیت آنهاست که عملاً در دوران زایمان و نقاهت بعد از آن حضور مؤثری ندارند. طرح مرخصی زایمان برای پدران در بسیاری نهادهای دولتی همچنان به یک شوخی می‌ماند. نظام سیاست‌گذاری باید پاسخ دهد با وجود چنین مسائل مهمی در رابطه با کودکان، با چه پشتوانه‌ای قصد افزایش جمعیت دارد؟ چه طرح و برنامه‌های عملی برای ده سال آینده کودکانی که فرضاً در سال ۱۴۰۰ متولد شده‌اند خواهد داشت؟ ناهماهنگی، موازی‌کاری، پراکندگی بودجه در نهادهای مشابه و از همه مهم‌تر تولید طرح و برنامه‌های متعدد در قالب اسناد گوناگون بدون توجه به سازوکار اجرایی آن ازجمله اصلی‌ترین ضعف‌های نظام سیاست‌گذاری در ایران است. ایجاد سازمانی تخصصی با تمرکز بر مسائل کودکان و با به‌کارگیری کارشناسان زبده و ارزیابی و رصد مشکلات کودکان در همه زمینه‌های زیستی و اجتماعی می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل باشد.

اصرار بر اجرای برنامه‌های آموزشی یکسان و متمرکز سیاست‌گذاران را از توجه

به ذات کودکان و مسئله کودکی غافل کرده است. کودکان اعضای نامرئی جامعه هستند و بی‌توجهی به آنها در طراحی خدمات شهری حتی در کلان‌شهرها مشهود است. ازجمله خیابان‌های فاقد گذرهای امن و بی‌نقص برای عبور و مرور مادران و کودکان، طراحی مبلمان شهری بدون توجه به شرایط جسمی کودک و فقدان خدمات مختص کودکان در ناوگان حمل‌ونقل عمومی. طراحی نشیمن‌های غیرقابل استفاده برای بزرگسالان در وسایل نقلیه عمومی، بازطراحی سرویس‌های بهداشتی در مهدهای کودک، مدارس، پارک‌ها و شهربازی‌ها که عملاً متناسب با شرایط کودکان طراحی نشده‌اند، جزو اصلی‌ترین الزامات خدمات شهری است. همچنین برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی عمومی و رایگان به مدد شهرداری‌ها و مراکز بهزیستی برای عموم مردم در راستای تقویت مهارت ارتباط با کودکان و ارتقای فرهنگ جامعه مؤثر خواهد بود. طراحی خلاقانه تابلوهای آموزشی و نصب بیلبوردها در سطح شهر به‌منظور یادآوری نکات کلیدی در ارتباط با کودکان در سطح جامعه نیز می‌تواند در رفتار افراد با کودکان تأثیرگذار باشد. درنهایت باید با تغییر نگاه به کودک و احترام به کودکی و با حذف نگرش سیاسی به این مسئله، به‌سوی طراحی و اجرای برنامه‌هایی رفت که کودکان را صرفاً در زمینه کودکی و با مقتضیات مخصوص به آن در نظر مگیرند و به سلامت جسم و روان آنها و پرورش مهارت‌های کاربردی در زندگی توجه نمایند.

جدول (٤): ارزیابی و راهکارها

ارزیابی	راهکارها
غفلت از کودکان و مسائل آنها تا دهه ۷۰	توجه به سلامت روان و کیفیت رشد در کنار توجه به سلامت جسمانی کودکان
اولویت‌بندی مسائل و رسیدن به اهداف برنامه توسعه پایدار در مسائل بهداشتی و رسیدن به کشورهای پیشرو در زمینه کاهش مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان	آموزش‌های مستمر و خدمات روان‌شناسی و مشاوره برای مربیان و همه کسانی که در ارتباط مداوم با کودک هستند
آموزش اجباری رایگان تا دیپلم و رسیدن به آمار نود و هشت‌ونیم درصد باسوادی در کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۹ سال	استفاده از رویکرد آموزش مهارت‌محور و توانمندسازی کودکان با استفاده از روش‌های خلاقانه آموزشی
ارزیابی اعتبارات بودجه دو وزارتخانه بهزیستی و	پیشگیری از دعواهای سیاسی و تداخل در برنامه

ارزیابی	راهکارها
آموزش‌و پرورش، تخصیص اعتبارات اندک به برنامه‌ها و سیاست‌های کلان	وزارتخانه‌های مربوط به کودکان
ضعف منابع مالی در مدیریت آسیب‌های اجتماعی مربوط به کودکان	پیشگیری از ناهماهنگی، موازی‌کاری و پراکندگی بودجه در نهادهای مشابه و تولید طرح و برنامه‌های متعدد در قالب اسناد بدون توجه به سازوکار اجرایی آنها
افت اعتبارات برنامه‌های توانبخشی و آموزش حرفه‌ای در وزارت آموزش‌وپرورش در بودجه ۱۴۰۱	عقب‌نشینی از سیاست‌های یکدست‌ساز و نگاه سیاسی به کودک و مسئله کودکی
غفلت از پرداختن به مهم ترین اسناد طراحی شده ازجمله سند تحول بنیادین در ردیف های اعتبار بودجه	مدیریت خدمات شهری با درنظرگرفتن شرایط کودکان، امن کردن خیابان و جامعه برای کودکان با اجرای برنامه های آموزشی و فرهنگ‌سازی با هدف بهبود ارتباط جامعه با کودک

نتیجه‌گیری

اهمیت به کودک و مسئله کودکی امری است که در نظام سیاسی و اجتماعی ایران از آن غفلت شده است. نگاه کلان و حکومتی به کودکان باعث شده انجمن‌ها و تشکل‌های حامی حقوق کودکان در ایران عملاً خارج از نظام سیاست‌گذاری و فاقد اثرگذاری بالا باشند. نظام سیاسی تربیت کودک را از آن جهت مهم می‌شمارد که در راستای اهداف، ارزش‌های حاکم باشد. ازاین‌رو نهادهای متعددی خود را متولی امر تربیت دانسته و با تصویب طرح و اسناد متعدد به‌نوعی در امر تربیت مشارکت می‌ورزند؛ بنابراین شاهد تورم اسنادی در بخش طراحی سیاست‌های مربوط به کودکان بوده و ازآنجاکه با ضعف منابع مالی و بیشتر از آن با ضعف تخصص و کارشناسی نیز روبه‌رو هستیم، بسیاری از طرح‌ها در مرحله تنظیم سند مانده و هیچگاه قابلیت اجرایی نیافته‌اند. از طرفی تعدد اسناد باعث پراکندگی بودجه در نهادهای مختلف شده که خود دلیلی است بر ضعف منابع مالی لازم برای اجرایی شدن طرح‌ها. نگاه سیاسی به مسئله کودک همچنین سبب عدم اجرایی شدن اسناد بین‌المللی گردیده که در مقیاسی جهانی و با استفاده از آرای کارشناسان متعدد، با نگاهی اختصاصی به مسائل کودکان تنظیم شده‌اند.

راهکار سیاستی

حل مسائل مربوط به کودکان تنها از مسیر سیاست‌گذاری صحیح امکان‌پذیر است. اینکه با تأسیس نهادی مختص مسائل کودکان به بررسی مشکلات این قشر حساس پرداخته و با استفاده از کارشناسان مجرب به تصویب طرح‌هایی اقدام نمود که دارای قابلیت اجرایی باشند و با تکیه بر ارزش‌های انسانی، کودکان را به اعضایی بهتر برای فردایی بهتر بدل کنند. در بخش اول قسمت ورودی‌ها نیاز به حوزه عمومی قدرتمند و علمی است که با بخش سیاست‌گذاری رسمی در تماس باشد. در طراحی نیاز به پایش و یکدست‌سازی قوانین و سبک‌سازی فلسفه و دکترین با منطق واقع‌گرایی و تجربیات علمی است. در اجرا نهاد مشخص با سازوکارهای مأموریتی لازم است که بار طراحی را کاهش و اجرا را تقویت کند و از همه این‌ها مهم‌تر ارزیابی ملی و علمی از اقداماتی که تاکنون انجام گرفته است. کودکان در ایران هرچند به حس و ضرورت در مرحله اول چرخه سیاست‌گذاری قرار گرفته‌اند؛ اما هنوز برای آنها فلسفه، دکترین و اجراییات مشخصی وجود ندارد.

فهرست منابع

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. جلد ۵. بیروت: ناشر دارلصادر

بیگی، جمال (۱۳۹۸). راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی. *نشریه سیاست‌نامه علم و فناوری*، (۲۹). Doi: 20.1001.1.24767220.1398.09.4.3.3

جیمز، آلیسون و جنکس، کریس (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی دوران کودکی*. ترجمه علیرضا ابراهیم‌آبادی و علیرضا کرمانی، تهران: نشر ثالث.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱). *سند نقشه مهندسی کشور*: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/859054

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۴۰۰). *سند ملی حقوق کودک و نوجوان*: https://sccr.ir/news/18235/1/

ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۶). مطالعات کودکی: مفاهیم، رویکردها و مسائل محوری. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال سیزدهم، (۴۶). https://www.jcsc.ir/article_25975.html

روسو، ژان ژاک (۱۳۵۰). *امیل (آموزش و پرورش)*. ترجمه زیرک‌زاده، تهران: انتشارات ناهید.

سند امنیت بانوان در روابط اجتماعی به کجا رسید؟ (۱۳۹۵). بازیابی از خبرگزاری ایسنا: https://www.isna.ir/news/95112719449

شاه‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر ادبیات کودک: بحثی در شناخت مفهوم کودکی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شریعتی‌نسب، صادق (۱۳۹۶). سیاست قانون‌گذاری ایران درباره کودکان بی‌سرپرست. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال سیزدهم، (۴۶).

شعبان، مریم (۱۳۹۹). گونه‌شناسی سیاستگذاری‌های مرتبط با کودک در ایران. *فصلنامه حقوق کودک*، سال دوم، (۴). http://childrightsjournal.ir/article-1-52-fa.html

صفاری، علی و ایروانیان، امیر (۱۳۸۸). نقش سیاست‌گذاری‌های دولتی بر تشدید روند کودک آزاری. *نشریه تحقیقات حقوقی*، (۴۹). https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56409.html

طباطبایی، سید حسین (۱۳۷۷). *ریاض المسائل*. جلد ۸، قم: ناشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۰۰). *بحارالانوار*. جلد ۳. مترجم موسی همدانی، تهران: گنجینه تهران.

مرکز اطلاعات (۱۳۹۸). *تحول اداری و توسعه خدمات بهزیستی*. سالنامه آماری ۱۳۹۸.

مرکز رسیدگی به امور مساجد (۱۳۹۷). *سند تعامل مطلوب مسجد با کودک و نوجوان*. بازیابی از دفتر مطالعات، پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی. https://masjedpajoh.ir/Upload/asnaad/masjed-kudak-nojavan.pdf

مشتاقی، مرضیه؛ علامه، سیدفرید و آقایی، اصغر (۱۳۹۰). مقایسه مفهوم کودک و نیازهای کودک ازدیدگاه کودکان و والدین شهر اصفهان. *تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال دوم، (۲).

مفیدی، فرخنده (۱۳۹۳). مبانی آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. تهران: سمت.

نادری، مریم و احمدی هدایت، حمید (۱۳۹۵). بررسی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران در سند تحول بنیادین. دومین همایش ملی تربیت معلم.

نظیف، سارا؛ نجف‌زاده، مهدی و اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۹). بازنمایی پساساختاری مفهوم کودکی در برنامه‌های کودک و نوجوان. *فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری*، (۳۵).

واقعیت‌های ۲۰۳۰ (۱۳۹۶). بازیابی از خبرگزاری ایرنا: https://www.irna.ir/news/82546759

یوسف‌پور، احمد؛ معصومی، شهرام و شعبانخواه لیلی، مهران (۱۳۹۶). *تحلیلی بر سند ۲۰۳۰ یونسکو*. دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی.

Birkland, T. A. (2014). *An introduction to the policy process: Theories, concepts and models of public policy making*. Routledge.

Convention on the Rights of the Child, Adopted and opened for signature (1959) https://cpd.org.rs/wp-content/uploads/2017/11/1959-Declaration-of-the-Rights-of-the-Child.pdf

Dye Thomas, R. (1995). *Understanding Public Policy*, Eight Edition, New Jersy, Prentice Hall, EnglewoodCliffs.

Easton, D .(1965). *A System Analysis Of Political Life*. New York: Wiley.

Kehily (2004). *Understanding childhood: An introduction to some key themes and issues*. Oxford: Open University press.

Peters, guy Jon Pierre (2006). *Handbook of Public Policy*. London: Sage Publication.

References

Bigi, K. (2018). Legal strategizing for children and teenagers in educational policy. Science and Technology Policy Journal, (29). Doi: 20.1001.1.24767220.1398.09.4.3.3. (In Persian)

Birkland, T. A. (2014). An introduction to the policy process: Theories, concepts and models of public policy making. Routledge.

Center for dealing with mosque affairs (2017). Document of the desirable interaction of the mosque with children and adolescents. Retrieved from the Office of Seminary Studies, Researches and Communications. https://masjedpajoh.ir/Upload/asnaad/masjed-kudak-nojavan.pdf. (In Persian)

Convention on the Rights of the Child, Adopted and opened for signature (1959) https://cpd.org.rs/wp-content/uploads/2017/11/1959-Declaration-of-the-Rights-of-the-Child.pdf

Dye Thomas R. (1995). Understanding Public Policy, Eight Edition, New Jersy, Prentice Hall, EnglewoodCliffs.

Easton, D .(1965) .A System Analysis Of Political Life .New York: Wiley.

Information center, administrative transformation and development of welfare services. (2018). Statistical Yearbook 2018. (In Persian)

James, A. and Jenks, K. (2006). Sociology of childhood, translated by Alireza Ebrahimabadi and Alireza Kermani, Tehran: Nashthalth. (In Persian)

Kehily (2004). Understanding childhood: An introduction to some key themes and issues. Oxford: Open University press.

Majlesi, M. (1910). Bihar al-Anwar, Volume 3. Translated by Musa Hamdani, Tehran: Ganjineh Tehran. (In Persian)

Mofidi, F. (2013). Basics of education in preschool period. Tehran: Samt. (In Persian)

Mushtaghi, M., Allameh, S., and Aghaei, A. (2010). Comparing the concept of a child and the needs of a child from the perspective of children and parents in Isfahan city. Thinking and Child, Research

Institute of Humanities and Cultural Studies, second year, (2). (In Persian)
Naderi, M. & Ahmadi Hedayat, H. (2015). Review of formal and public education in the Islamic Republic of Iran in the fundamental transformation document. The second national teacher training conference. (In Persian)
Nazif, S., Najafzadeh, M., and Eslami, R. (2019). Post-structural representation of the concept of childhood in child and adolescent programs. Scientific Quarterly Journal of Visual and Audio Media, (35). (In Persian)
Peters, guy Jon Pierre (2006). Handbook of Public Policy. London: Sage Publication.
Rousseau, J. (1970). Emil (Education). Translated by Zirakzadeh, Tehran: Nahid Publications. (In Persian)
Safari, A. & Ervanian, A. (2008). The role of government policies on the escalation of child abuse. Journal of Legal Research, (49). https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56409.html. (In Persian)
Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution (2011). Country engineering map document. https://rc.majlis.ir/fa/law/show/859054. (In Persian)
Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. (2020). National document on the rights of children and adolescents https://sccr.ir/news/18235/1/. (In Persian)
Shaaban, M. (2019). Typology of policies related to children in Iran. Children's Rights Quarterly, second year, number four. http://childrightsjournal.ir/article-1-52-fa.html. (In Persian)
Shahabadi, H. (2005). An introduction to children's literature: a discussion on understanding the concept of childhood. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center. (In Persian)
Shariati Nesab, Sadegh (2016) Iran's legislative policy regarding homeless children, source: Cultural and Communication Studies, 13th year of Bahar, (46). (In Persian)
Tabatabai, S. (1998). Riaz al-Masail (Volume 8), Qom: Publisher of the Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers. (In Persian)
The realities of 2030 (2016). Retrieved from IRNA news agency: https://www.irna.ir/news/82546759. (In Persian)
Where did the women's security document reach in social relations? (2015). Retrieved from ISNA news agency: https://www.isna.ir/news/95112719449. (In Persian)
Yusefpour, A.; Masoumi, Sh. & Shabankhah Lili, M. (2016). An analysis of UNESCO's 2030 document. Second International Congress of Humanities, Cultural Studies. (In Persian)
Zakai, M. (2016). Childhood studies: concepts, approaches and central issues. Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural and Communication Studies, Year 13, Number 46. https://www.jcsc.ir/article_25975.html. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۳۲۷-۱۳۵۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

مقاله پژوهشی

رابطه شاخص‌های کلان اقتصادی ـ اجتماعی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰

سیروس احمدی
استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).
sahmadi@yu.ac.ir 0000- 0002-4308-1395
مریم مختاری
دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
mmokhtari@yu.ac.ir 0000-0003-4312-7370
حمید صداقت
دانش‌آموخته دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
hamidsedaghat40@yahoo.com 0000-0002-0023-3942
شهره گلخنی
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.
golkhani_sh58@yahoo.com 0009-0002-6005-9488
خیری حمیدپور
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
khireyhamidpor@gmail.com 0000-0001-9426-x694

چکیده

اختلاف‌های ناشی از کار و کارگری یک مسئله اجتماعی مهم در کشورهای مختلف دنیاست. این امر متأثر از گستره‌ای از عوامل از سطوح خرد تا کلان است. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اختلاف‌های میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار برحسب شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی نرخ بیکاری، سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ باسوادی، نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ مشارکت نیروی کار زنان، نرخ تورم و رشد جمعیت شهری کشور بوده است. این پژوهش از نوع کمّی ـ طولی است که به روش سری زمانی انجام شده است و رابطه متغیرها را در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ مورد بررسی قرار داده است. داده‌های مورد نیاز از مرکز آمار ایران، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی و بانک جهانی جمع‌آوری شده‌اند. برای بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت از الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی در نرم‌افزار مایکروفیت استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، در دوره بلندمدت با افزایش شاخص‌های جمعیت شهری و نرخ مشارکت نیروی کار، اختلافات میان

کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار افزایش داشته است؛ اما با افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ باسوادی و مشارکت نیروی کار زنان از اختلاف‌های میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار کاسته شده است. به‌علاوه، نرخ تورم و نرخ بیکاری رابطه معناداری با بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار ندارد. به‌طورخلاصه، نتایج نشان داد، اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان، متأثر از شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی است. این رابطه، پیچیده و چندبُعدی است. درحالی‌که، برخی شاخص‌ها باعث افزایش این اختلافات شده‌اند و برخی به کاهش آن‌ها منجر شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: کارگر، کارفرما، اختلاف‌ها، شاخص‌های اقتصادی اجتماعی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

10.22034/scs.2024.436910.1539

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

کار نمود موقعیت اقتصادی ـ اجتماعی انسان‌ها و پرورش‌دهنده ظرفیت‌ها و استعدادهای درونی انسان‌ها است (بهشتی، ۱۳۹۴). در علم حقوق امروزی ریشه‌های ظهور حقوق کارگری به مکتب‌های جوامع غربی نسبت داده می‌شود. بااین‌حال دین اسلام قرن‌ها پیش از ظهور مفهوم حقوق کار در غرب با شناخت اهمیت و ارزش این مهم، حقوق کارگر را به‌رسمیت شناخته است. برخلاف دیدگاه‌های مادی‌گرایانه در کشورهای غربی که کارگران را فقط ابزاری جهت رسیدن به اهداف سرمایه‌داری خود می‌داند، دین اسلام کارگران را جهادگر در راه خدا می‌داند و برای تلاش و کار کارگران مزید بر ارزش مادی کارگر، پاداش اخروی و الهی نیز قائل شده است. با توجه به اهمیت اقتصاد در اسلام و نقش نیروی کار در پیشرفت اقتصاد، صاحبان کار تشویق به حفظ و رعایت حقوق کارگر شده‌اند (محمدیان و حائری، ۱۳۹۳).

کارفرمایان و کارگران تحت نظارت نهاد کار، تابع قوانین کار هستند و باید اختلاف‌ها و منازعات ایجاد شده میان خود را بنابر سازوکار معین گردیده ضمن مفاد مقررات کار برطرف کنند. بررسی مسائل ناشی از کار تنها محدود به بررسی روابط اقتصادی در محیط‌های کار نیست بلکه وضعیت ساختاری، تصور فرد، گروه، کنشگران مختلف، می‌توانند بر این مسئله اثرگذار باشند. اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان در ایران به‌مانند دیگر کشورها تحت تأثیر الگوهای رشد سرمایه‌داری و فرایند صنعتی شدن است (حسین‌آبادی، ۱۳۹۹). روابط کارگری و کارفرمایی تحت تأثیر محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حاکم بر جوامع قرار دارد. عناصر تشکیل‌دهنده این نظام (کارگر و کارفرما) الگو و نحوه تعاملات بین آنها، شیوه‌های حل اختلاف‌ها ناشی از کار و سایر مسائل ناشی از روابط کار تابعی از محیط و شرایط کلان‌تر می‌باشد. بر اساس مطالعه سازمان بین‌المللی کار[1] (۲۰۱۳)، صرف بررسی اختلاف‌های کارگری توسط مراجع اختلاف قانونی کار نمی‌تواند منجر به سازش واقعی میان کارگر و کارفرما شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی و جمعی باعث اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان می‌گردد.

بر اساس آمار رسمی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سالانه هزینه‌های بسیار زیادی هم در واحدهای تولیدی ـ صنعتی و کارگاهی و هم در بخش حاکمیتی و اداری کشور صرف بررسی اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی می‌گردد. این مسئله اجتماعی

1. International Labour Organization (ILO)

باعث کاهش کیفیت کار، تعطیلی خط تولید و هزینه‌های سیاسی ـ اجتماعی ناشی از اعتصابات کارگری به جامعه می‌گردد. با مقایسه آمارهای رسمی اعلام شده از طرف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ملاحظه می‌گردد که اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی طی سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته است و از ۲۶۰۰۸۲ دادخواست در سال ۱۳۹۵ به ۳۲۵۲۳۲ دادخواست در سال ۱۳۹۹ رسیده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰). این مسئله در کشور ما ایران که نیاز بسیار به بهره‌گیری بیشتر از منابع و امکانات موجود و نیروی کار مولد در جهت رسیدن به هدف‌های کلان ملی دارند، نمود و حساسیت بیشتری دارد.

میزان قابل‌توجه این اختلاف‌ها و تأثیر آن بر فضای اجتماعی کسب‌وکار و تولید کشور سبب شده موضوع مورد توجه برخی پژوهشگران به مسائل کارگری قرار گیرد، در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی به‌صورت خرد و مقطعی در این خصوص انجام شده و هریک از زوایایی موضوع را مورد مطالعه قرار داده است، نتایج پژوهش‌های پیشین عواملی چون تصورات کلیشه‌ای کارگر از کارفرما، تأثیر احساس امنیت شغلی کارگر، اعتماد فی‌مابین کارگر و کارفرما، جلب مشارکت کارگر توسط کارفرما، نحوه مدیریت کارفرما، میزان آگاهی کارگر از حقوق قانونی خویش و... بر بروز اختلاف‌ها میان کارگرو کارفرما دارد (خوشکار، ۱۳۸۹؛ صادقی و دیگران، ۱۳۹۲).

در این میان به نظر می‌رسد عوامل ساختاری و کلان هرچند کمتر مورد توجه محققان مسائل کارگری داخلی قرار گرفته؛ اما تأثیر بسیاری بر روابط کاری فی‌مابین کارگر و کارفرما دارد؛ لذا این امر سبب گردید در این پژوهش به بررسی و مطالعه شاخص‌های کلان توسعه اقتصادی و اجتماعی بر اختلاف‌های کارگری بپردازیم. اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان پدیده‌ای پیچیده با ریشه‌های عمیق در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جوامع است. شاخص‌های توسعه نقش مهمی در بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان دارند. این شاخص‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر روابط بین این دو گروه تأثیر بگذارند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۲). شاخص‌های توسعه مانند سطح تحصیلات می‌توانند به‌طور غیرمستقیم بر روابط کارگران و کارفرمایان تأثیر بگذارند. در جوامعی که سطح تحصیلات بالاست، کارگران ممکن است از مهارت‌های بیشتری برخوردار باشند و خواسته‌های بیشتری از کارفرمایان خود داشته باشند. این امر می‌تواند منجر به بروز اختلاف‌ها بین این دو گروه شود (Fabra, 2008). سطح توسعه اقتصادی یک کشور نیز می‌تواند بر روابط بین کارگران و کارفرمایان تأثیر بگذارد. در کشورهای درحال‌توسعه، کارگران ممکن

است به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی، مجبور به پذیرش دستمزدهای پایین و شرایط نامناسب کار باشند. درحالی‌که در ممالک توسعه‌یافته، کارگران از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردارند و می‌توانند برای دستمزدهای بهتر و شرایط کاری بهتر مذاکره کنند. درنهایت، نقش شاخص‌های توسعه در بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان پیچیده و چندوجهی است. این شاخص‌ها می‌توانند به‌طور همزمان به نفع و ضرر هر دو طرف عمل کنند (Senavirathne & Kularathne, 2020).

به‌طورخلاصه، سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران همیشه مبتنی بر ایجاد جامعه‌ای توسعه یافته و انسانی بوده است. در آخرین سیاست‌های کلان ابلاغی که مربوط به برنامه توسعه پنج‌ساله هفتم است، در بند اول سیاست‌های اقتصادی تصریح شده است، هدف کلی و اولویت اصلی برنامه هفتم، پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت با نرخ رشد اقتصادی متوسط هشت درصد با تأکید بر افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید به‌ویژه منابع انسانی است. بدون‌تردید، تحقق توسعه و افزایش بهره‌وری مستلزم تقلیل دادن اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان در محیط‌های کاری به‌ویژه کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی است. با این تفاصیل، با توجه به اینکه در ایران، ۱) شکایات کارگران مشمول قانون کار از کارفرمایان رو به افزایش بوده، و ۲) در دهه‌های اخیر شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی نوسان‌های زیادی داشته‌اند، پژوهش حاضر تلاش می‌کند رابطه شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار را تحلیل کند.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر این است که رابطه شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار را در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ بررسی نماید. در همین چهارچوب، پرسش‌های ذیل مورد آزمون قرار خواهند گرفت.

۱- بین سرانه تولید ناخالص داخلی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ رابطه معناداری وجود دارد؟

۲- بین نرخ تورم و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ رابطه معناداری وجود دارد؟

۳- بین نرخ بیکاری و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ رابطه معناداری وجود دارد؟

۴- بین نرخ باسوادی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ رابطه معناداری وجود دارد؟
۵- بین جمعیت شهری و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ رابطه معناداری وجود دارد؟
۶- بین مشارکت نیروی کار و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ رابطه معناداری وجود دارد؟
۷- بین مشارکت نیروی کار زنان و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ رابطه معناداری وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

صادقی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر بروز اختلاف‌ها میان کارگر و کارفرما در کارگاه‌های مشمول قانون کار شهر سبزوار پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش پیمایشی نشان داد بین عوامل اقتصادی و سیاسی از عوامل محیطی و نیز عوامل مدیریتی و همچنین ویژگی‌های شخصی شامل آگاهی‌های دینی، میزان اطلاعات قانونی، جنسیت، میزان مهارت، وضعیت تأهل و... با تمایل به طرح دعوی و اختلاف بین کارگر و کارفرما و همین‌طور بین عضویت در تشکلات کارگری و احتمال بروز اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی رابطه معناداری وجود دارد.

اعتباریان خوراسگانی و باقری خوراسگانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر در بروز اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی با تمرکز بر اطلاعات موجود در حوزه روابط کار استان اصفهان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش پیمایشی نشان داد، ۱۹ عامل به عنوان عوامل مؤثر در بروز اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی شناسایی شد که عبارت‌اند از: عوامل سازمانی، اخلاق کارگران، عوامل اقتصادی، تغییرات مدیریتی، مالکیتی و جغرافیایی کارگاه، نارضایتی کارگران از محیط و شرایط کار، پایین بودن میزان مهارت و تحصیلات کارگران، بالا بودن نرخ بیکاری، بالا بودن میزان حقوق و مزایای کارگران برای برخی از صنوف.

نادری (۱۳۹۲)، در پژوهشی توصیفی به بررسی نقش اعتماد اجتماعی در روابط کار و کارگری پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که جهت تنظیم روابط کار و به حداقل رساندن اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی، بدون درنظرگرفتن سرمایه اجتماعی و اعتماد و ترکیب ساختار تولیدی جامعه مطمئناً نتایج مطلوبی در پی نخواهد داشت.

پورایی و حاجی علیزاده (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی روابط کارگر و کارفرما در منطقه ویژه اقتصادی هرمزگان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که اختلاف‌ها بین کارگران و کارفرمایان به‌دلیل عدم رعایت و اجرای ناقص قانون کار می‌باشد.

به‌طورخلاصه، اگرچه پژوهش‌های پیشین، گستره‌ای از موضوع‌ها را بررسی نموده‌اند و ازاین‌جهت دانش نظری و تجربی قابل‌توجهی را ارائه کرده‌اند؛ اما پژوهش حاضر از چند جهت، متمایز از پژوهش‌های پیشین است: ۱) مطالعه حاضر از معدود پژوهش‌های داخلی است که با رویکردی جامعه‌شناختی و در سطح کلان، به بررسی اختلاف‌های کارگری در ایران می‌پردازد. ۲) در پژوهش حاضر تلاش شده است اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان نه به‌صورت مقطعی بلکه طولی و زمان‌مند در دوره ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰ بررسی شود. ۳) در پژوهش حاضر گستره‌ای از شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی استفاده شده‌اند.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

کارگر، حقوق و مزدبگیری است که به درخواست کارفرمایان کار می‌کند و شامل کارگران مشمول قانون کار و کارگران غیرمشمول قانون کار است. کارگر مشمول قانون کار، کارگری است که کارش در دامنه شمول قانون کار قرار می‌گیرد (قانون کار، ماده ۲). کارفرما شخصی است حقوقی یا حقیقی که کارگر به درخواست او در مقابل دریافت حق‌السعی کار می‌کند (قانون کار، ماده ۳). هیئت تشخیص دعاوی کار، مرجع بدوی رسیدگی به دعاوی کارگری و کارفرمایی مشمول قانون کار شامل یک نفر نماینده دولت، یک نفر نماینده کارفرمایان، یک نفر نماینده کارگران مشمول قانون کار است.[1] دادخواست، برگه شکایت تنظیم‌شده‌ای که کارگر مشمول قانون کار با هدف دادخواهی و شکایت از کارفرما به‌دلیل عدم رعایت شرایط کار توسط وی و به‌منظور احقاق حق، به مراجع حل اختلاف دعاوی کار ارائه می‌دهد (سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰). تورم، بیانگر افزایش سطح عمومی قیمت-هاست (مهرآرا و و قبادزاده، ۱۳۹۵). سرانه تولید ناخالص داخلی ارزش کل پولی است که در یک بازه زمانی در ازای ارائه خدمات و تولید کالاها در یک کشور به‌دست

۱. هیئت حل اختلاف دعاوی کار: مرجع تجدیدنظر رسیدگی به دعاوی کارگری و کارفرمایی مشمول قانون کار شامل سه نفر نماینده دولت، سه نفر نماینده کارفرمایان، سه نفر نماینده کارگران مشمول قانون کار است.

می‌آید (مرکز آمار، ۱۴۰۲). شهرنشینی بیانگر افزایش جمعیت ساکن در نقاط شهری است که معمولاً در مقابل روستا نشینی مطرح می‌شود (اهدایی، ۱۳۹۱، ص. ۶۶). نرخ مشارکت نیروی کار به‌صورت تقسیم نیروی کار بر کل جمعیت در سن کار محاسبه می‌شود. جمعیت در سن کار به افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله اطلاق می‌شود که این شاخص بر اساس گروه سنی تفکیک شده و به‌صورت درصدی از هر گروه سنی اندازه‌گیری می‌شود (سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰؛ بیرجندی فخرآبادی؛ لاریجانی و شبیری، ۱۳۹۷).

۳-۲. مبانی نظری

با تمرکز کار در جامعه صنعتی در محیط کارخانه، کارفرمایان برای پیشبرد اهداف کارخانه، مجبور به استفاده از شمار زیادی از افراد در قالب کارگر شدند که به‌صورت مزدی برای او کار کنند؛ اما خیلی زود تعارض‌های مختلفی در محیط کارخانه‌ها شکل گرفت. بخشی از این تعارض‌ها بین خود کارگران بود که فراگیر نبود؛ اما بخش عظیمی از تعارض‌ها، بینِ کارگران و کارفرمایان بود که پیامدهای زیادی برای کارگران، کارفرمایان، مالکان، کارخانه، و جامعه داشت. اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان می‌تواند به اشکال مختلفی مانند خودداری از اضافه‌کاری، کم‌کاری، غیبت، خرابکاری، کم‌بازدهی عمدی، دزدی، و اعتصاب نمایان شود و در مواردی به تعطیلی کارخانه نیز منجر شود (احمدی و دیگران، ۱۴۰۲). در تبیینِ اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان، چندین چشم‌انداز نظری وجود دارد. در چشم‌انداز مارکسیستی، اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان نشانه تضادی است که از استثمارِ کارگران ناشی می‌شود. کارفرمایان به‌دنبال آن هستند که سود خود را به حداکثر برسانند و همین امر باعث نارضایتی کارگران می‌شود (Selfe, 1993). در چشم‌انداز کارکردگرایانه، فرض بر این است که بین منافع کارگران و کارفرمایان تضادی وجود ندارد. هم کارگران و هم کارفرمایان از رونق و صلح و امنیت نفع می‌برند. اشتباه‌ها و اطلاعات ناکافی باعث اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان می‌شود (Friedman, 2009). اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان در این چشم‌انداز، نشانه نارضایتی کارگران است که لازم است توسط کارفرمایان مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اساساً یک سوپاپ اطمینان است که باعث حفظ تعادل و ثبات در کارخانه می‌شود (Selfe, 1993). در چشم‌انداز تفسیرگرایانه، کارگران دارای معانی و تصورهای خاصی از محیط کارشان هستند که مبتنی بر دامنه وسیعی از تأثیرهاست و اختلاف‌های آن‌ها با کارفرمایان

مبتنی بر این است که آن‌ها چطور تجربیاتشان را به معنا تبدیل می‌کنند (Selfe, 1993). برهمین‌مبنا، اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان یک کنش متقابل معنادار است که ریشه در روابط کارگر و کارفرما دارد و ممکن است هم در شرایط نارضایتی و هم در شرایط معمول پدید آید (Lane & Roberts, 1971). برهمین اساس، مطالعات مختلفی در خصوص اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان شکل گرفته‌اند که عمدتاً با تأکید بر سطح خرد و به‌صورت مقطعی بوده‌اند. برخی پژوهشگران تلاش کرده‌اند بر متغیرهای اقتصادی اجتماعی سطح کلان توجه و آن را بررسی کنند. در همین چهارچوب، می‌توان رابطه «اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان» به‌عنوانِ گونه‌ای «آسیب اجتماعی» و شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی را در قالب رویکردهای نظری ذیل تبیین نمود.

رویکرد اول، با بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابند. در این زمینه، بهبود شاخص‌های اقتصادی اجتماعی، ازجمله افزایش رفاه اقتصادی، سرمایه انسانی و عدالت اجتماعی، می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند (Chang & et al, 2016). این امر موجب ایجاد جامعه‌ای با رفاه بیشتر، امنیت بیشتر، و امید به زندگی بیشتر می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی، فقر و نابرابری اقتصادی است. افراد فقیر و محروم از فرصت‌های اقتصادی، بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، جرم و جنایت و طلاق قرار دارند؛ بنابراین، بهبود شاخص‌های اقتصادی مانند رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری، و افزایش درآمد سرانه، می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند (خداپرست مشهدی و ماندانا غفوری، ۱۳۹۳). آموزش یکی از عوامل مهم در کاهش آسیب‌های اجتماعی است. افراد تحصیل‌کرده، بیشتر از افراد کم‌سواد، از مهارت‌های لازم برای زندگی موفق برخوردار هستند و کمتر به آسیب‌های اجتماعی گرایش دارند؛ بنابراین، بهبود شاخص‌های آموزشی مانند افزایش نرخ سواد و تحصیلات عالی، می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند. مشارکت اجتماعی، به معنای حضور فعال افراد در جامعه و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است. مشارکت اجتماعی، می‌تواند به کاهش احساس بی‌عدالتی و ناامیدی در افراد کمک کند و از این طریق، از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند؛ بنابراین، بهبود شاخص‌های مشارکت اجتماعی مانند افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم، می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند (احمدی و دیگران، ۱۴۰۲؛ مسعودی‌راد، ۱۳۹۹). بر مبنای این رویکرد، ریشه آسیب‌های اجتماعی در محرومیت اقتصادی

است، چراکه محرومیت اقتصادی باعث خشم و کاهش آستانه تحمل می‌شود (Nieuwbeerta & et al., 2008) و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی از طریق کاهش محرومیت اقتصادی می‌تواند به کاهش منازعات کارگری کمک کند.

رویکرد دوم، با بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابند. سازوکار نظری رابطه مثبت بهبود شاخص‌های توسعه و بالا رفتن نرخ‌های آسیب‌های اجتماعی این است که بهبود شاخص‌های اقتصادی اجتماعی، منجر به رشد و گسترش شهرنشینی می‌شود و رشد شهرنشینی منجر به افزایش تراکم جمعیت، تنوع فرهنگی، و نابرابری اقتصادی می‌شود (Malik, 2016). ازسوی‌دیگر، بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی می‌تواند منجر به تغییرهای در نظام ارزشی جامعه شود (اینگلهارت و ولزل[1]، ۱۳۹۱). تغییر ارزش‌ها به‌نوبه‌خود، می‌توانند منجر به فردگرایی و کاهش همبستگی اجتماعی شوند (McCall & et al., 2012; Chamlin, 1989) و زمینه‌های بروز آسیب‌های اجتماعی افزایش یابند. در چهارچوب این رویکرد، ریشه آسیب‌های اجتماعی در کاهش انسجام اجتماعی و تقلیل کنترل اجتماعی است. شکل‌گیری چنین حالتی در جامعه می‌تواند با افزایش تحریک‌پذیری کارگران، به افزایش منازعات کارگری کمک کند.

رویکرد سوم، با کاهش یا افت شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابند. در همین زمینه، هنری و شورت (۱۹۵۴) معتقدند، آنچه در هنگام تنزل شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی مهم است این است که مردم چطور این وضعیت را تفسیر کنند. اگر مردم، مشکلات را به اقتصاد کلان و عملکرد آن نسبت دهند، نرخ آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد؛ اما اگر به خودشان منتسب نمایند، نرخ آسیب‌های اجتماعی رو به تزاید خواهد گذاشت. در حالت اول، آن‌ها احساس یأس و سرخوردگی نمی‌کنند؛ اما در حالت دوم به شدت احساس سرخوردگی می‌کنند و درنتیجه، مستعد رفتارهای انحرافی می‌شوند. در همین زمینه، برخی بر این عقیده‌اند که، کاهش نرخ آسیب‌های اجتماعی در شرایط تنزل شاخص‌های کلان می‌تواند ریشه در کمک‌های اجتماعی دولت به افراد آسیب‌پذیر در چنین وضعیت‌هایی نیز داشته باشد. کمک‌های اجتماعی دولت می‌تواند محرومیت اقتصادی را تقلیل دهد و باعث کاهش نرخ آسیب‌های اجتماعی در جامعه شود (Stuckler & et al., 2009). با این تفاصیل، برحسب اینکه در شرایط بد اقتصادی،

1. Inglehart & Welzel

کارگران چگونه شرایط را تفسیر کنند و به‌طور خاص اگر آن را به شرایط کلی جامعه منتسب نمایند و دولت یا کارخانه‌ها اقدام به کمک‌های اجتماعی نمایند، منازعات کارگری رو به کاهش می‌گذارد.

رویکرد چهارم، با کاهش یا افت شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابند. سازوکار نظری این رابطه از یک‌سو از این ایده نشئت می‌گیرد که در شرایط پسرفت اقتصادی، منزلت فرد دچار تباهی می‌شود و افراد در تطبیق انتظارات و توانایی‌هایشان، دچار مشکل می‌شوند (Franzese, 2015; McCall & et al., 2012) و ازسوی‌دیگر، این رابطه از این ایده ناشی می‌شود که در هنگام رکود و تنزّل شاخص‌های اقتصادی، نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی افزایش می‌یابد و در نتیجه آن، افراد به‌ویژه در طبقات پایین‌تر، بیشتر مستعد پیوستن به باندهای اجتماعی خلافکار می‌شوند که نافرمانی و قانون‌شکنی را تشویق می‌کنند (Messner & Golden, 1992). به‌علاوه، به‌زعم استاک، پسرفت اقتصادی باعث افزایش استرس در بین افراد و خانواده‌ها می‌شود؛ چراکه آن‌ها را با آینده‌ای مبهم روبرو می‌سازد که همین امر می‌تواند زمینه‌ساز بروز جرایم اجتماعی مختلف باشد (Stack, 1981). در چهارچوب این رویکرد، ریشه آسیب‌های اجتماعی این است که تحتِ شرایطِ بدِ اقتصادی اجتماعی، منزلت افراد مخدوش می‌شود و علاوه‌برآن، نابرابری‌ها افزایش می‌یابد. در چنین وضعیتی، به‌طور طبیعی می‌توان انتظار داشت، منازعات کارگری رو به افزایش بگذارد.

به‌طورخلاصه، در تبیین رابطه بین شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی و اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان، چندین رویکرد نظری عمده وجود دارند. شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی اگر بهبود یابند، این امر هم می‌تواند به افزایش اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان و هم به کاهش آن منجر شود. ازسوی‌دیگر شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی اگر تنزل و کاهش بیابند نیز می‌توانند به افزایش اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان و هم به تقلیل آن کمک کنند.

۴. روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع کمّی ـ طولی بوده است که به روش سری زمانی[۱]، انجام شده است. برای سنجش اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار (از

۱.Time series

مجموع شکایات‌های مطروحه در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)، و برای سنجش توسعه اقتصادی ـ اجتماعی، از شاخص‌های تورم، جمعیت شهری، مشارکت نیروی کار، باسوادی، مشارکت نیروی کار زنان، نرخ بیکاری، و تولید ناخالص داخلی سرانه استفاده شد.

داده‌های این پژوهش از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، بانک جهانی، و سازمان برنامه و بودجه کشور جمع‌آوری شده‌اند. پژوهش حاضر در سطح کلان انجام گرفت. سطح مشاهده و تحلیل و جامعه مورد بررسی، کل کشور ایران می‌باشد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر نه از نوع رفتاری بلکه مبتنی بر داده‌های موجود است، اعتبار ابزار تحقیق به این است که اطلاعات مورد نیاز از منابع معتبر تهیه گردند که این امر در پژوهش حاضر با مراجعه به مراکز فوق‌الذکر اتفاق افتاده است؛ اما پایایی در این‌گونه تحقیق‌ها چندان مطرح نیست؛ چون انجام مجدد به نتایج مشابهی منجر می‌شود.

جهت توصیف داده، از منحنی‌های زمانی، جهت بررسی رابطه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرها، از الگوی‌های خودرگرسیونی با وقفه توزیعی[1] با نرم‌افزار مایکروفیت[2] استفاده شده است. این روش توسط هاشم پسران و شین[3] (۱۹۹۲) به منظور بررسی رابطه همجمعی و بلندمدت بین متغیرها ارائه شده است. به‌طور مشخص اگر yt متغیر وابسته و xt متغیر مستقل باشد، مدل (ARDL) به‌صورت زیر خواهد بود:

$$\emptyset(L.p)y_t = \sum_{i=1}^{k} \beta_i\,(L.q_i)x_{it} + \delta' w_t + u_t$$

$$\emptyset(L.p) = 1 - \emptyset_1 L - \emptyset_2 L^2 - \cdots - \emptyset_p L^p$$

$$\beta_i(L.q_i) = 1 - \beta_{i1}L - \beta_{i2}L^2 - \cdots - \beta_{iqi}L^{qi}.for\ i = 1.2.\ldots k$$

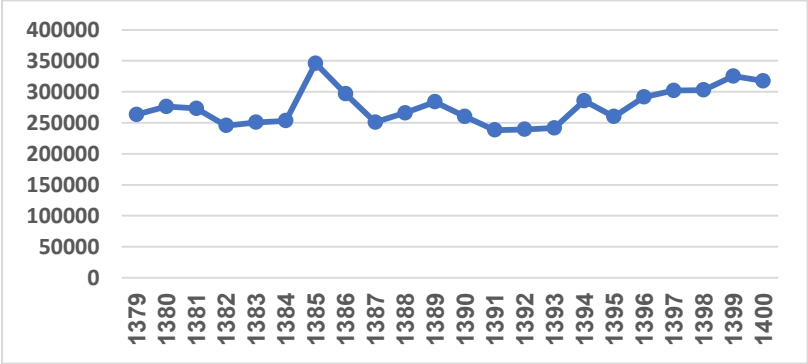
۵. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو قالب توصیفی و تحلیلی تنظیم و ارائه شده‌اند. در بخش توصیفی، نوسان‌ها و تغییرهای متغیرها در دوره ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰ از طریق نمودار نمایش داده شده‌اند و در بخش تحلیلی، روابط بین متغیرها برحسب کوتاه‌مدت و بلندمدت در جداول آورده شده‌اند.

1. Auto regressive distributed lag (ARDL)
2. Microfit
3. Hashem Pesaran & Yongcheol Shin

۵-۱. یافته‌های توصیفی

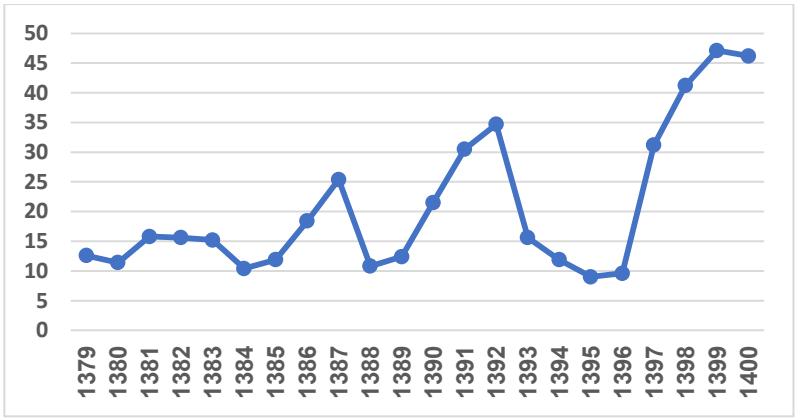
بر اساس نمودار شماره ۱، تعداد شکایت‌های کارگران از کارفرمایان در سال ۱۳۷۹ نزدیک به ۲۶۰ هزار شکایت بوده است که در سال ۱۳۸۵ با افزایش چشمگیری روبه‌رو می‌شود و تقریباً به ۳۵۰ هزار شکایت نزدیک می‌گردد. از سال ۱۳۸۵ به بعد، به‌تدریج شکایت‌ها رو به کاهش می‌رود و در سال ۱۳۹۵ به تعداد شکایت‌های سال ۱۳۷۹ نزدیک می‌گردد. و پس از آن طی یک روند افزایشی به تقریباً ۳۱۸ هزار شکایت در سال ۱۴۰۰ می‌رسد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۱): تعداد شکایت‌های کارگران از کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰

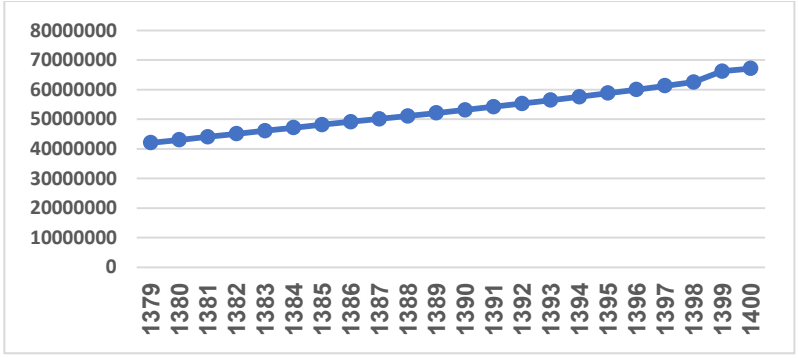
نمودار شماره ۲ بیانگر نرخ تورم است. همچنان‌که پیداست، نرخ تورم روندی سینوسی را طی چند دهه اخیر تجربه کرده است، به این صورت که نرخ آن از ۱۰ درصد در اوایل دهه ۱۳۸۰ به کمتر از ۱۰ درصد در میانه دهه ۱۳۹۰ می‌رسد؛ اما پس از آن به سرعت افزایشی می‌شود و به بالغ بر ۴۵ درصد می‌رسد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۲): نرخ تورم در ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰

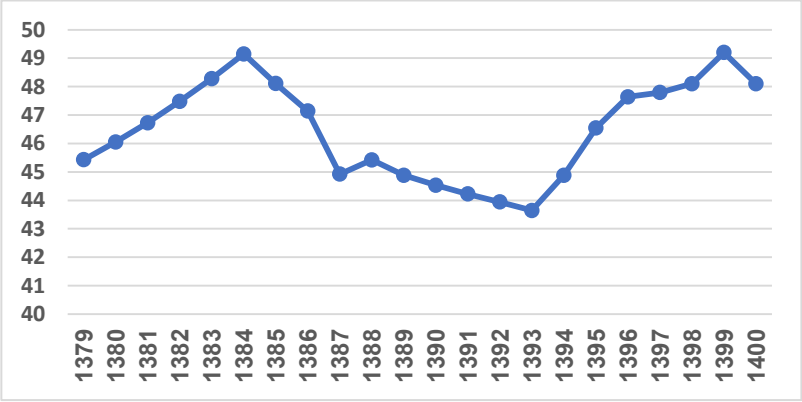
نمودار شماره ۳ بیانگر رشد جمعیت شهری است که در طول تمام سال‌های مورد بررسی روند صعودی داشته است.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۳): جمعیت شهری در ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰

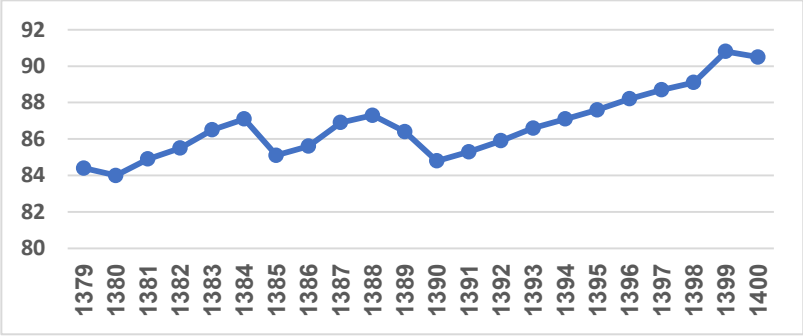
نمودار شماره ۴ نرخ مشارکت نیروی کار را نمایش می‌دهد. همچنان‌که پیداست، نرخ مشارکت نیروی کار در ابتدای دهه ۱۳۸۰ برابر با ۴۶ درصد است؛ اما به سرعت افزایش می‌یابد و به بالاترین میزان خود در میانه دهه ۱۳۸۰ می‌رسد. پس از آن تا میانه دهه ۱۳۹۰ کاهشی می‌شود و سپس روند افزایشی به خود می‌گیرد. درنهایت ابتدای سال ۱۴۰۰ با کاهش یک درصدی به ۴۸ درصد نزدیک می‌شود.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (٤): نرخ مشارکت نیروی کار در ایران در دوره ۱۳۷۹-۱٤۰۰

نمودار شماره ۵ بیانگر وضعیت باسوادی را در چند دهه اخیر نمایش می‌دهد. بر اساس نمودار، نرخ باسوادی دارای روند ملموس افزایشی است و نرخ آن که در سال ۱۳۸۰ برابر با ۸۴ درصد است با یک افزایش سریع به ۹۰ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

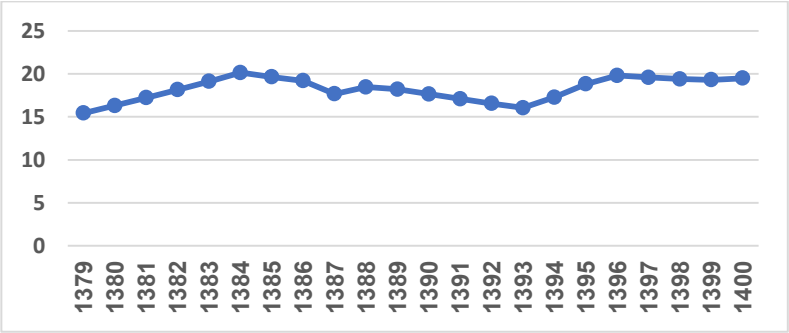


منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۵): نرخ باسوادی در ایران در دوره ۱۳۷۹-۱٤۰۰

نمودار ۶ نرخ مشارکت نیروی کار زنان را نمایش می‌دهد. همچنان‌که پیداست، نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ابتدای دهه ۸۰ برابر با ۱۶٪ است که به مرور با

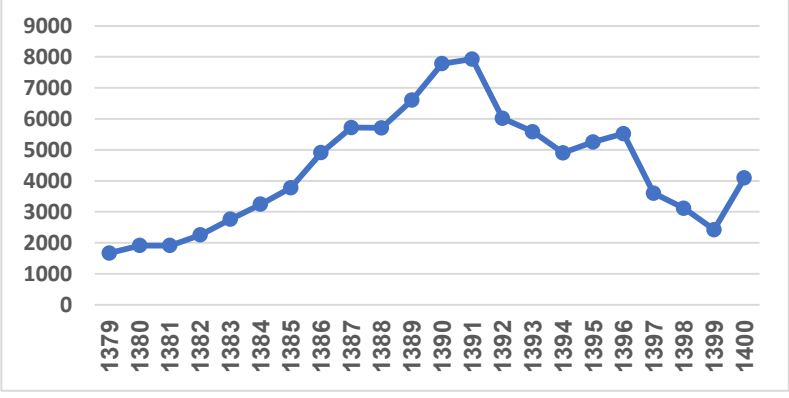
افزایش چند درصدی به ۲۰ درصد در میانه دهه ۸۰ می‌رسد، و پس از آن با یک روند کاهشی به ۱۵ درصد در میانه دهه نود نزدیک می‌شود. پس از آن با روند آرام افزایشی به ۲۰ درصد در سال ۱۴۰۰ می‌رسد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (٦): نرخ مشارکت نیروی کار زنان در دوره ۱۳۷۹-۱٤۰۰

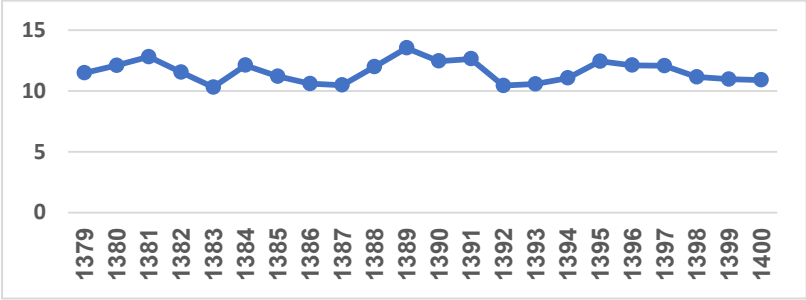
نمودار شماره ۷ وضعیت سرانه تولید ناخالص داخلی را در سه دهه اخیر به نمایش گذاشته است. بر اساس نمودار، سرانه تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۷۹ برابر با ۱۶۷۰۰۰۹۶۷ است با یک روند افزایشی به ۷۹۲۷۸۴۴۹۰۸ در سال ۱۳۹۰ می‌رسد. از آن پس، سرانه تولید ناخالص داخلی روندی کاهشی در پیش می‌گیرد و در سال ۱۴۰۰ به ۴۰۹۱۲۰۹۴۸۷ می‌رسد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۷): سرانه تولید ناخالص داخلی در ایران در دوره ۱۳۷۹-۱٤۰۰

نمودار ۸ نرخ بیکاری را در سال‌های مورد بررسی، نمایش می‌دهد. همچنان‌که پیداست، نرخ بیکاری روندی سینوسی داشته است. نرخ آنکه در اوایل دهه ۱۳۸۰، ۱۲ درصد است که این میزان از سال ۱۳۸۹ که بیشترین میزان در چند دهه اخیر است به‌تدریج کاهش یافته و به ۱۱ درصد در سال ۱۴۰۰ می‌رسد.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۸): نرخ بیکاری در ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰

۵-۲. یافته‌های تحلیلی

برای بررسی رابطه شاخص‌های اقتصادی ـ اجتماعی و اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار ابتدا رابطه کوتاه‌مدت با حداکثر وقفه یک‌ساله از طریق الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی و با استفاده از معیار شوارز بیزن[1] و نمرات لگاریتمی، تخمین زده شد که نتایج در قالب جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند. بر اساس داده‌های جدول، میزان جمعیت شهری به‌صورت بدون وقفه و با وقفه‌های یک‌ساله؛ سرانه تولید ناخالص داخلی و نرخ باسوادی بدون وقفه؛ مشارکت نیروی کار زنان بدون وقفه و با وقفه‌های یک‌ساله و مشارکت نیروی کار بدون وقفه و با وقفه‌های یک‌ساله بر اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار تأثیر معنادار دارند.

1. Bayesian information criterion

جدول (۱): رابطه کوتاه‌مدت شاخص‌های توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و اختلاف‌های میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰

متغیر (وقفه)	ضریب	خطای معیار	نسبت T	سطح معناداری
تعداد شکایت‌های کارگران از کارفرمایان (-۱)	-۰/۲۲۸۶۵	۰/۱۵۴۶۲	-۱ .۴۷۸۸	۰/۱۷۷
نرخ تورم	-۰/۰۳۰۴۱۳	۰/۰۴۸۱۲۳	-۰/۶۳۱۹۹	۰/۵۴۵
جمعیت شهری	۱۰/۷۷۳۹	۲/۳۷۰۸	۴/۵۴۴۴	۰/۰۰۲
جمعیت شهری (-۱)	-۸/۶۷۲۴	۲/۲۴۹۲	-۳/۸۵۵۷	-۰/۰۰۵
نرخ بیکاری	۰/۰۶۹۹۸۵	۰/۱۷۱۸۰	۰/۴۰۷۳۵	۰/۶۹۴
نرخ بیکاری (-۱)	-۰/۳۸۴۵۴	۰/۲۴۶۳۸	-۱/۵۶۰۸	۰/۱۵۷
سرانه تولید ناخالص داخلی	-۰/۵۳۹۸۴	۰/۱۱۳۱۱	-۴/۷۷۲۶	۰/۰۰۱
نرخ باسوادی	-۱۱/۱۰۲۰	۲/۳۹۵۹	-۴/۶۳۳۸	۰/۰۰۲
مشارکت نیروی کار زنان	-۱۴/۷۰۵۷	۳/۰۴۵۹	-۴/۸۲۸۰	۰/۰۰۱
مشارکت نیروی کار زنان (-۱)	۸/۱۱۶۸	۱/۷۵۹۶	۴/۶۱۲۸	۰/۰۰۲
مشارکت نیروی کار	۶/۵۵۰۵	۱/۵۳۵۸	۴/۲۶۵۳	۰/۰۰۳
مشارکت نیروی کار (-۱)	-۲/۳۵۸۱	۰/۸۵۳۳۱	-۲/۷۶۳۵	۰/۰۲۵
مقدار ثابت	۴۵/۸۲۴۰	۱۱/۲۶۵۴	۴/۰۶۷۷	۰/۰۰۴

در ادامه، رابطه بلندمدت بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی با بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار برآورد گردید که نتایج در جدول ۲ ارائه شده‌اند. بر اساس نتایج، . جمعیت شهری (T-Ratio=۶/۴۴۶۰ , Prob.=۰/۰۰۰) و مشارکت نیروی کار (T-Ratio=۴/۰۹۴۲ , Prob.=۰/۰۰۰) اثر مثبت و معناداری بر تعداد شکایت‌ها دارد و با افزایش جمعیت شهری تعداد شکایت‌ها افزایش یافته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سرانه تولید ناخالص داخلی (Prob.=۰/۰۰۲ , T-Ratio=-۴/۶۰۴۶)، نرخ باسوادی (Prob.=۰/۰۰۱ , T-Ratio=-۴/۸۱۲۶) و مشارکت نیروی کار زنان (Prob.=۰/۰۰۳ , T-Ratio=-۳/۰۰۸۸) اثر منفی و معناداری بر تعداد شکایت‌های کارگران داشته است، و بالاخره، نرخ تورم و نرخ بیکاری رابطه‌ی معناداری با تعداد شکایت‌ها ندارد.

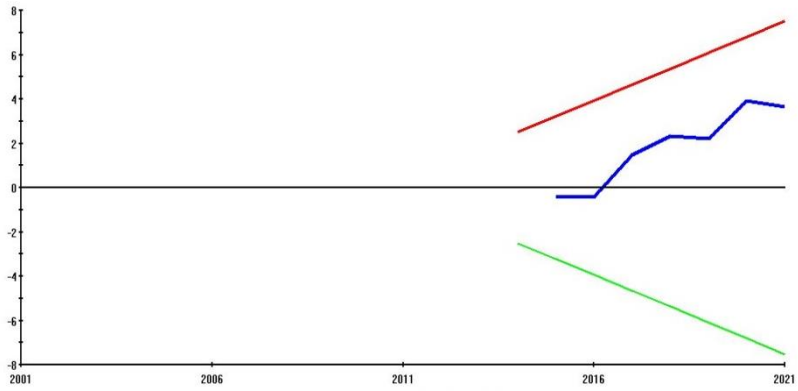
جدول (۲): رابطه بلندمدت شاخص‌های توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰

متغیر	ضریب	خطای معیار	نسبت T	سطح معناداری
نرخ تورم	-۰/۰۲۴۷۵۳	۰/۰۴۰۵۲۵	-۰/۶۱۰۸۱	۰/۵۵۸
جمعیت شهری	۱/۷۱۰۵	۰/۲۶۵۳۵	۶/۴۴۶۰	۰/۰۰۰
نرخ بیکاری	-./۲۵۶۰۲	۰/۲۰۶۲۵	-۱/۲۴۱۳	۰/۲۵۰
سرانه تولید ناخالص داخلی	-۰/۴۳۹۳۷	۰/۰۹۵۴۲۰	-۴/۶۰۴۶	۰/۰۰۲
نرخ با سوادی	-۹/۰۳۵۹	۱/۸۷۷۵	-۴/۸۱۲۶	۰/۰۰۱
مشارکت نیروی کار زنان	-۵/۳۶۲۷	۱/۷۸۲۴	-۳/۰۰۸۸	۰/۰۱۷
مشارکت نیروی کار	۳/۴۱۲۲	۰/۸۳۳۴۲	۴/۰۹۴۲	۰/۰۰۳
مقدار ثابت	۳۷/۲۹۶۲	۸/۴۸۳۴	۴/۳۹۶۴	۰/۰۰۲

با توجه به اینکه، آماره آزمون (F-statistic[1]=۷/۳۰۴۶) بین محدوده‌های ۹۵ درصد پایین (۳/۴) و ۹۵ درصد بالا (۵/۱) نیست و بالاتر از باند بالایی قرار دارد، نتایج آزمون قطعی است و فرض صفر رد می‌شود (پسران و دیگران، ۲۰۰۱) و وجود رابطه بلندمدت بین شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار تأیید می‌شود. درنهایت، با توجه به آزمون CUSUM[2] که در قالب نمودار ۱۰ ارائه شده و نیز آزمون CUSUMSQ که در قالب نمودار ۱۱ نمایش داده شده است، ضرایب تخمین‌های رگرسیون از ثبات برخوردار است چراکه مسیر حرکت متغیر تعداد شکایت‌های کار کارگران از کارفرمایان بین دو باند قرار دارد.

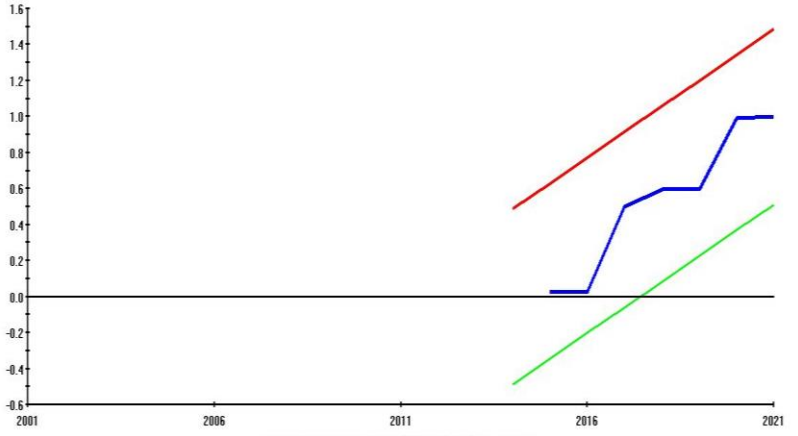
۱. با استفاده از این آماره می‌توان معنادار بودن کلی رگرسیون را محاسبه کرد.

۲. این آزمون برای مشخص کردن ثبات مدل و تعیین وجود یا عدم وجود شکست ساختاری استفاده می‌شود.



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۹): نمودار CUSUM جهت برآورد ثبات مدل



منبع: (یافته‌های پژوهش)

نمودار (۱۰): نمودار CUSUMSQ جهت برآورد ثبات مدل

نتیجه‌گیری

بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار یک مسئله اجتماعی مهم است که می‌تواند معانی متعددی داشته باشد (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۲). آنچه مسلم است این است که این‌گونه اختلاف‌ها پیامدهای زیان‌باری برای کارگران، کارفرمایان، کارگاه‌ها، و جامعه دارد و در تمام دنیا تلاش

می‌شود با شناسایی عوامل مرتبط، از حجم آن‌ها کاسته شود. پژوهش حاضر تلاش کرده است اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان را در ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۴۰۰ برحسب شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی تبیین نماید که نتایج آن برحسب روابط بلندمدت، به شرح ذیل می‌باشند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه مثبت و معناداری بین جمعیت شهری و بروز اختلافات میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار وجود دارد و طی آن، با افزایش جمعیت شهری به تعداد شکایت‌ها افزوده می‌شود. این نتایج با یافته‌های پژوهش نامدارپوربنگر و مجاهد (۱۳۹۱) همسویی دارد. یکی از دلایل اصلی افزایش شکایت کارگران از کارفرمایان در شهرهای بزرگ، افزایش آگاهی کارگران در مورد حقوق و دستمزد خود است. کارگران در شهرهای بزرگ، به دلیل دسترسی بیشتر به رسانه‌ها و منابع آموزشی، بیشتر در معرض اطلاعات در مورد حقوق خود قرار دارند. این امر باعث می‌شود که آن‌ها بیشتر از حقوق خود آگاه باشند و در صورت نقض حقوق خود، اقدام به شکایت کنند. یکی دیگر از دلایل افزایش شکایت کارگران از کارفرمایان در شهرهای بزرگ، افزایش رقابت در بازار کار است. در شهرهای بزرگ، بازار کار رقابتی‌تر است. این امر باعث می‌شود که کارگران برای حفظ شغل خود، بیشتر تلاش کنند و در صورت نقض حقوق خود، از کارفرمایان خود شکایت کنند. یکی دیگر از دلایل افزایش شکایت کارگران از کارفرمایان در شهرهای بزرگ، افزایش قدرت کارگران است. کارگران در شهرهای بزرگ، به دلیل وجود اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های حمایت از حقوق کارگران، قدرت بیشتری دارند. این امر باعث می‌شود که آن‌ها در صورت نقض حقوق خود، راحت‌تر اقدام به شکایت کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه منفی و معناداری بین سرانه تولید ناخالص داخلی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار وجود دارد و طی آن، با بهبود سرانه تولید ناخالص داخلی، میزان شکایت‌های کار کارگران کاهش یافته است. به لحاظ نظری، انتظار این است که با بهبود سرانه تولید ناخالص داخلی، وضعیت اقتصادی فرد بهتر شود و از امکانات بیشتری برخوردار گردد و درنتیجه، توانایی مقابله با آثار و پیامدهای مخرب اعمال و رفتاری دعاوی کارگری کاهش یابد. سرانه تولید ناخالص داخلی یک شاخص از سطح رفاه اقتصادی یک کشور است. هنگامی که سرانه تولید ناخالص داخلی بهبود می‌یابد، کارگران احساس امنیت مالی بیشتری می‌کنند و کمتر احتمال دارد که علیه کارفرمایان خود شکایت کنند. هنگامی که کارگران احساس امنیت مالی بیشتری می‌کنند، کمتر احتمال دارد که

نگران ازدست‌دادن شغل خود باشند. این امر به آن‌ها قدرت بیشتری در مذاکره با کارفرمایان خود می‌دهد و به کاهش احتمال بروز اختلافات منجر می‌شود. هنگامی که کارگران احساس امنیت مالی بیشتری می‌کنند، کمتر احتمال دارد که به‌دنبال راه‌حل‌های قانونی برای مشکلات خود باشند. آن‌ها ممکن است ترجیح دهند که اختلاف‌های خود را از طریق مذاکره یا سایر روش‌های غیررسمی حل کنند. درنهایت، هنگامی که کارگران احساس امنیت مالی بیشتری می‌کنند، کمتر احتمال دارد که تحت فشار کارفرمایان خود برای انجام کارهای خطرناک یا غیرقانونی قرار گیرند. این امر به کاهش احتمال بروز حوادث و آسیب‌های شغلی منجر می‌شود که می‌تواند منجر به دعاوی کار شود. به‌طورکلی، بهبود سرانه تولید ناخالص داخلی منجر به کاهش میزان دعاوی کار کارگران می‌شود. این امر به دلیل افزایش فرصت‌های شغلی، افزایش رفاه اقتصادی کارگران و افزایش رضایت شغلی کارگران است؛ البته، این رابطه همیشه قطعی نیست. عوامل دیگری نیز می‌توانند بر میزان دعاوی کار کارگران تأثیر بگذارند. در برخی موارد، حتی زمانی که اقتصاد قوی است، میزان دعاوی کار کارگران می‌تواند افزایش یابد. این ممکن است به دلیل عواملی مانند تغییرات در قوانین کار یا افزایش بی‌عدالتی در محل کار باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه منفی و معناداری بین نرخ باسوادی و اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار وجود دارد و طی آن، با بهبود نرخ باسوادی، میزان شکایت‌های کار کارگران کاهش یافته است که با نتایج پژوهش شهسواری و جعفری (۱۳۹۷) در تضاد است. بر اساس نظر شهسواری و جعفری (۱۳۹۷)، با افزایش نرخ باسوادی تعداد شکایت‌های کارگران افزایش می‌یابد و آن‌ها بیشتر خواستار پیگیری مراحل قانونی هستند؛ اما باید توجه داشت، با بهبود نرخ باسوادی، کارگران باسواد بهتر می‌توانند حقوق خود را درک کنند و از آن دفاع کنند. آن‌ها همچنین می‌توانند اطلاعات بیشتری در مورد قوانین کار و حقوق خود به‌دست آورند. آن‌ها می‌دانند که چگونه با کارفرمایان خود مذاکره کنند و حقوق خود را در محل کار تضمین کنند. این می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا از مشکلاتی که منجر به دعاوی کار می‌شود جلوگیری کنند. به‌علاوه، کارگران باسواد بیشتر می‌توانند حقوق خود را در مورد دستمزد، مزایا و شرایط کار درک کنند. این می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا از دستمزد کمتر از حد قانونی، مزایای ناکافی یا شرایط کاری خطرناک اجتناب کنند. کارگران باسواد بیشتر می‌توانند از قوانین کار در مورد تبعیض، آزار و اذیت و آزارهای جنسی آگاه باشند. این می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا

از رفتارهای ناعادلانه در محل کار جلوگیری کنند. کارگران باسواد بیشتر می‌توانند از فرایند دعاوی کار آگاه باشند. این می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در صورت نیاز از حقوق خود دفاع کنند. به‌طورکلی، بهبود نرخ باسوادی می‌تواند منجر به محیط کار سالم‌تر و عادلانه‌تری شود. این می‌تواند به کاهش دعاوی کار کمک کند و از کارگران در برابر استثمار محافظت کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه منفی و معناداری بین مشارکت نیروی کار زنان و بروز شکایت‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار، وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، هرچه مشارکت زنان در نیروی کار بیشتر باشد، تعداد شکایت‌های کارگران کمتر می‌شود. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش برزگر و ساعت‌چیان (۱۳۹۷) که نشان دادند مشارکت زنان در بازار کار به دلیل ترسِ ازدست‌دادن شغل، اقدام به نارضایتی از کارفرمایان نمی‌کنند، منطبق است. به‌طور مشخص، زنان نقش مهمی در خانواده ایفا می‌کنند و به‌همین‌دلیل به‌دنبال مشاغلی هستند که به آن‌ها اجازه دهد تعادل بین کار و زندگی را حفظ کنند. این امر باعث می‌شود که زنان نسبت به مردان کمتر در معرض خطر کار زیاد و فشار کاری باشند. افزایش مشارکت نیروی کار زنان، می‌تواند منجر به افزایش نظارت بر محیط کار شود. این امر می‌تواند به کاهش تعداد دعاوی کار کمک کند؛ زیرا کارگران احساس می‌کنند که از آن‌ها محافظت می‌شود و در صورت نقض حقوق آنها، مورد حمایت قرار می‌گیرند. زنان بیشتر از مردان از حمایت‌های اجتماعی برخوردار هستند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل حمایت از خانواده، دوستان، یا اتحادیه‌های کارگری باشد. این حمایت‌ها باعث میشود زنان در صورت نقض حقوقشان، احساس تنهایی و انزوا نکنند و بتوانند با قدرت بیشتری از خود دفاع کنند. زنان بیشتر از مردان از مزایای قوانین کار بهره‌مند می‌شوند؛ مثلاً، زنان بیشتر از مردان از مرخصی زایمان و مزایای مراقبت از کودکان استفاده می‌کنند. این مزایا می‌تواند به کاهش استرس و نارضایتی شغلی زنان کمک کند و درنتیجه احتمال دعاوی کار آن‌ها را کاهش دهد؛ البته، در برخی موارد، ممکن است افزایش مشارکت نیروی کار زنان، منجر به افزایش دعاوی کار کارگران نیز بشود؛ مثلاً، اگر سازمان‌ها نتوانند تغییرهای فرهنگی و ساختاری لازم را برای سازگاری با حضور بیشتر زنان در نیروی کار ایجاد کنند، ممکن است کارگران احساس کنند که حقوق آن‌ها نادیده گرفته می‌شود و به‌همین‌دلیل، به مراکز قضایی مراجعه کنند. اگر زنان وارد مشاغلی شوند که به‌طور سنتی توسط مردان اشغال می‌شوند، ممکن است با تبعیض و استثمار بیشتری مواجه شوند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه مثبت و معناداری بین مشارکت نیروی کار با بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار وجود دارد و طی آن، با افزایش مشارکت نیروی کار به تعداد شکایت‌ها افزوده می‌شود این نتیجه با یافته‌های پژوهش چشمی و رضوی (۱۳۹۴) همسویی دارد. کارگرانی که در نیروی کار شرکت می‌کنند، معمولاً نسبت به حقوق خود آگاه‌تر هستند و می‌دانند که در صورت نقض حقوق خود، چه کاری می‌توانند انجام دهند. کارگرانی که در نیروی کار شرکت می‌کنند، معمولاً احساس می‌کنند که صدای آن‌ها شنیده می‌شود و از حمایت اتحادیه یا سایر گروه‌های کارگری برخوردارند. این امر باعث می‌شود که آن‌ها در صورت نقض حقوق خود، اقدام قانونی کنند. این یافته پژوهش البته با نتایج پژوهش مهدوی و نیکابزمی آذر (۱۳۹۰) که معتقدند کارگران به دلیل فقدان حامی قانونی به هیچ ارگانی مراجعه نمی‌کنند، منطبق نیست. باید توجه داشت کارگران درحال‌حاضر بیشتر از گذشته از حقوق خود آگاه هستند. آن‌ها از طریق رسانه‌ها، اینترنت و سازمان‌های کارگری در مورد حقوق خود آموزش می‌بینند. این آگاهی باعث می‌شود که کارگران در صورت نقض حقوق خود، اقدام قانونی کنند.

پیشنهادها

با توجه به رابطه منفی و معنادار بین سرانه تولید ناخالص داخلی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار، پیشنهاد می‌شود درآمد کارگران افزایش یابد. این امر می‌تواند از طریق افزایش حداقل دستمزد، افزایش مزایای رفاهی و بهبود شرایط ایمنی و بهداشت در محیط کار، منجر به کاهش اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان شود و از پیامدهای منفی و زیان بار اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان بکاهد.

با توجه به رابطه منفی و معنادار بین نرخ باسوادی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان پیشنهاد می‌شود آموزش مستمر، آموزش کاربردی، آموزش حقوق کار، آموزش مذاکره و تقویت سواد دیجیتال هم برای کارگران و هم برای کارفرمایان، مدنظر باشد. با تحقق این موارد، می‌توان امیدوار بود اختلاف‌های کارگران و کارفرمایان هرچه بیشتر تقلیل یابد.

با توجه به رابطه مثبت و معنادار بین جمعیت شهری با بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار پیشنهاد می‌گردد توزیع عادلانه صنایع و مشاغل در سراسر کشور مورد توجه جدی باشد. دولت می‌تواند با توزیع عادلانه

صنایع و مشاغل در سراسر کشور، از تمرکز صنایع و مشاغل در شهرها جلوگیری کند. این امر به کاهش رقابت بین کارگران و افزایش قدرت چانه‌زنی کارگران منجر خواهد شد. به‌علاوه، پیشنهاد می‌شود، حداقل دستمزد و سایر مزایای کارگران، افزایش یابند. دولت می‌تواند با افزایش حداقل دستمزد و سایر مزایای کارگران، از فقر کارگران در شهرها جلوگیری کند. این امر باعث می‌شود که کارگران در شهرها برای تأمین معیشت خود مجبور به پذیرفتن شرایط کاری ناعادلانه نباشند و بالاخره اینکه، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های کارگری مورد حمایت قرار گیرند. دولت می‌تواند با حمایت از سازمان‌های کارگری، به افزایش قدرت کارگران در دفاع از حقوق خود کمک کند.

پیشنهادهای پژوهشی

در پژوهش حاضر به‌طور خاص بر چند شاخص اقتصادی و تأکید شد؛ اما تردیدی نیست که شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، تنوع زیادی دارند و پیشنهاد می‌گردد برای دستیابی به چشم‌اندازی روشن‌تر از رابطه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و بروز اختلاف‌ها میان کارگران و کارفرمایان مشمول قانون کار، به سایر شاخص‌های توسعه اقتصادی ـ اجتماعی نیز توجه شود.

نکته اساسی در مطالعه‌های طولی، دوره‌های زمانی بررسی شده است که هرچه این دوره‌ها طولانی‌تر باشد، فهم دقیق‌تر و روشن‌تری از روابط متغیرهای بررسی شده، به‌دست می‌آید. در پژوهش حاضر دوره بررسی شده، محدود به سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰ بوده است که عمده دلیل آن امکان دسترسی به اطلاعات مدنظر تا همین محدوده برای پژوهشگران بوده است. بر این اساس می‌توان با انتخاب دوره‌های بلندتر، تبیین روشن‌تری از روابط شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و اختلاف‌های کارگری ارائه داد.

محدودیت‌های پژوهش

هر پژوهشی کاستی و محدودیت‌هایی دارد که برآمده از مقتضیات آن است. عمده‌ترین محدودیت پژوهش حاضر و پژوهش‌های سری‌زمانی، عدم وجود داده و دسترسی به داده‌ها برای دوره‌های بلندمدت زمانی است. همین امر باعث گردید، پژوهش حاضر محدود به دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۹ گردد. بدیهی است انجام این

پژوهش در یک دوره زمانی بلندمدت‌تر می‌توانست چشم‌انداز دقیق‌تری از دعاوی کار و عوامل مرتبط با آن پیش روی دستگاه‌های مسئول قرار دهد.

اقتصاد ایران، اساساً یک اقتصاد دولتی، وابسته به نفت و متأثر از تحریم‌های بین‌المللی است؛ بنابراین، بخشی از نوسان‌های شاخص‌های اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۴۰۰ احتمالاً متأثر از تشدید یا تضعیف عوامل فوق‌الذکر است و نه لزوماً ناشی از فعل و انفعالات طبیعی درون اقتصاد کشور و این امر قابل اندازه‌گیری در پژوهش حاضر نبوده است.

قدردانی

نویسندگان این مقاله از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و سایر ارگان‌های مربوطه بابت ارائه اطلاعات، نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارند.

فهرست منابع

احمدی، سیروس؛ صداقت، حمید؛ مختاری، مریم و حمید صرامی (۱۴۰۲). رابطه شاخص‌های توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و مرگ‌ومیر ناشی از مصرف مواد مخدر در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۹: یک تحلیل سری‌زمانی. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۷(۶۷)، ۳۲۹-۳۵۴.

اعتباریان خوراسگانی، اکبر و باقری خوراسگانی، حسین (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر در بروز اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی. *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، (۱۸۰)، ۳۵-۴۸.

اهدایی، مریم (۱۳۹۱). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در اعتیاد زنان (مورد مطالعه مراجعه‌کنندگان درمانگاه سرزمین پاک استان البرز)*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریس (۱۳۹۱). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.

برزگر، ربابه و ساعت‌چیان، وحید (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی ـ اقتصادی مؤثر در بروز اختلاف‌های کارگری و کارفرمایی. *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، (۱۷۹).

بهشتی، جعفر (۱۳۹۴). *روابط صنعتی و روابط کار*. تهران: نگاه دانش.

بیرجندی فخرآبادی، محمد؛ لاریجانی، مریم و شبیری، محمد (۱۳۹۷). شناسایی عوامل سازمانی اثرگذار بر آموزش کارآفرینی برای سازمان‌های مردم‌نهاد و فعال در حوزه اعتیاد و محیط زیست. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۲(۴۵)، ۲۸۱-۲۹۶.

پورایی، عبدالله و حاجی علیزاده، امین (۱۴۰۰). بررسی روابط کارگر و کارفرما در منطقه ویژه اقتصادی هرمزگان. *فصلنامه بین‌المللی قانون یار*، ۵(۲۰).

چشمی، علی و رضوی، مهسا (۱۳۹۴). بررسی نقش تأمین اجتماعی در سهولت محیط کسب‌وکار وضعیت جهانی و مسائل کارفرمایان ایرانی. *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، (۱۸۹)، ۴-۲۲.

حسین‌آبادی، مهدی (۱۳۹۹). درک جامعه‌شناختی رابطه مناسبات کاری و انسجام اجتماعی در محیط. *فصلنامه تأمین اجتماعی*، ۱۵(۳).

خداپرست مشهدی، مهدی و ماندانا غفوری، ساداتیه (۱۳۹۳). بررسی ارتباط توسعه یافتگی و ارتکاب جرم در اقتصاد ایران. *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۱(۵).

خوشکار، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اختلافات کارگر و کارفرما در ایران. *مجله کار و جامعه*، (۱۲۵).

شهسواری، یونس و جعفری، محمدجواد (۱۳۹۷). *اخراج کارگران با تأکید بر اساس آرای هیأت تشخیص و حل اختلاف*. سومین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان.

صادقی، احمد؛ صالح آبادی، ابراهیم و مختاری، عقیل (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر بروز اختلافات میان کارگر و کارفرما در کارگاه‌های مشمول قانون کار شهر سبزوار. *کار و جامعه*، (۱۶۲).

قانون کار جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی.

محمدیان، علی و حائری، محمدحسن (۱۳۹۳). تحلیل فقهی حقوق کارگر در جامعه اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی. *دو فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌های مدیریت اسلامی*، ۲۲(۲).

مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). درگاه ملی آمار: https://amar.org.ir/

مسعودی راد، ماندانا؛ باجولوند، روح‌اله و قاسمی، نبی‌اله (۱۳۹۹). بررسی رابطه شاخص‌های توسعه با ناهنجاری‌های اجتماعی (جرم و سرقت) استان لرستان. *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، ۱(۲).

مهرآرا، محسن و قبادزاده، رضا (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر تورم در ایران مبتنی بر رویکرد بیزینی و میانگین‌گیری حداقل مربعات. *فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه و بودجه*، ۲۱(۱).

نادری، عفوات (۱۳۹۲). نقش اعتماد اجتماعی در روابط کارگری و کارفرمایی. *کار و جامعه*، (۱۵۸).

نامدارپوربنگر، مصطفی و مجاهد، امیری (۱۳۹۱). حق بر کار در حقوق اتحادیه اروپا. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۴(۱۳)، ۲۴۱-۲۹۷.

نیکابزمی آذر، معصومه و مهدوی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۰). ارزیابی رابطه کارگر و کارفرما در کارخانجات صنعتی. *پژوهش اجتماعی*، ۴(۱۳)، ۱۷-۳۵.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۴۰۰). سالنامه آماری: مرکز آمار و اطلاعات راهبردی.

Chamlin, M.B. (1989). A macro social analysis of change in police force size, 1972–1982: Controlling for static and dynamic influences. *Sociological Quarterly*, 30(4), 615-624.

Chang, S. S.; Gunnell, D.; Sterne, J. A.; Lu, T. H. & Cheng, A. T. (2016). Was the economic crisis 1997–1998 responsible for rising suicide rates in East/Southeast Asia? A time–trend analysis for Japan, Hong Kong, South Korea, Taiwan, Singapore and Thailand. *Social science & medicine*, 68(7), 1322-1331.

Fabra, M. E. (2008). Direct and indirect effects of education on job satisfaction: A structural equation model for the Spanish case. *Economics of Education Review*, 28(5), 600-610.

Franzese, R. J. (2015). *The sociology of deviance*. New York: Charles C Thomas Publisher.

Friedman, G .(2009). *Theories of strikes. In: The encyclopedia of strikes in American history*, Brener, A., Day, B., Ness, I (Eds.), London: M.E. Sharpe.

Henry, A. F. & Short, J. F. (1954). *Suicide and homicide: Some economic, sociological and psychological aspects of aggression (Vol. 91442)*. New York: Free Press.

ILO (2013). *Dispute Labour System Guidelines for Improved Performance*. www.ilo.Org

Lane, T. & Roberts, K. (1971). *Strike at Pilkington*. London: Fortana.

Malik, A. A. (2016). Urbanization and crime: a relational analysis. *Journal of Human Social Science*, (21), 68-9.

McCall, P.L.; Nieuwberta, P.; Engen, R.L. & Thames, K.M. (2012). *Explaining variation in homicide rates across eastern and wesrern European cities: The effects of social, political and economic forces*. In: M.C.A. Liem & W.A. Pridemore (Eds), Handbook of European Homicide Research (pp. 137-154). Leiden: Springer.

Messner, S.F. & Golden, R.M. (1992). Racial inequality and racially disaggregated homicide rates: An assessment of alternative theoretical explanations. *Criminology*, (30), 421-447.

Nieuwbeerta, P.; McCall, P. L.; Elffers, H. & Wittebrood, K. (2008). Neighborhood characteristics and individual homicide risks: Effects of social cohesion, confidence in the police, and socioeconomic disadvantage. *Homicide Studies*, 12(1), 90-116

Selfe, P. (1993). Sociology. London: MacMillan.

Senavirathne, Y.Y. & Kularathne, H.M. (2020). Factors affecting high accident rate of labors in manufacturing sector, Central province, Sri Lanka. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 10(8), 153-160.

Stack, S. (1981). Divorce and suicide: a time series analysis, 19331970. *Journal of family issues*, 2(1), 77-90.

Stuckler, D.; Basu, S.; Suhrcke, M.; Coutts, A. & McKee, M. (2009). The public health effect of economic crises and alternative policy responses in Europe: an empirical analysis. *The Lancet*, 374(9686), 315-323.

References

Ahmadi, S. (2014). Industrial sociology. Tehran: Sociologists Publication. (In Persian)

Barzegar, Robabe; Saatchian, Vahid (2017). Investigating socio-economic factors effective in the occurrence of labor and employer disputes, social, economic, scientific and cultural monthly work and society - number 179. (In Persian)

Beheshti, Jafar (2014). Industrial relations and labor relations. Tehran: Negha Danesh. (In Persian)

Birjandi Fakhrabadi M.; Larijani M.; Shabiri M. Identification of Organizational Factors Influencing Entrepreneurship Training for the NGOs Active in the Field of Addiction and the Environment. etiadpajohi 2018, 12(45), 281-295. (In Persian)

Chamlin, M.B. (1989). A macro social analysis of change in police force size, 1972–1982: Controlling for static and dynamic influences. Sociological Quarterly, 30(4), 615-624.

Chang, S. S.; Gunnell, D.; Sterne, J. A.; Lu, T. H. & Cheng, A. T. (2016). Was the economic crisis 1997–1998 responsible for rising suicide rates in East/Southeast Asia? A time–trend analysis for Japan, Hong Kong, South Korea, Taiwan, Singapore and Thailand. Social science & medicine, 68(7), 1322-1331.

Cheshmi, Ali & Razavi, Mehsa (2014). Investigating the role of social security in the ease of business environment, the global situation and issues of Iranian employers, social, economic, scientific and cultural work and society monthly, (189), 22-4. (In Persian)

Dihol, Mansour (2017). Sociological analysis of social harms in the economic and social development process of Iran during the years 1360-1392; PhD Thesis, Yasouj University. (In Persian)

Ehedai, Maryam (2012). Investigating the social factors affecting women's addiction (case study of the patients of Sarmeen Pak clinic in Alborz province), Master's thesis, Faculty of Social Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Tehran Branch, Center. (In Persian)

Etabarian Khorasgani, Akbar & Hossein Bagheri Khorasgani (2014), investigation of effective factors in the emergence of labor and employer disputes, Social, Economic, Scientific and Cultural Work and Society Monthly, (180), 35-48. (In Persian)

Fabra, M. E. (2008). Direct and indirect effects of education on job satisfaction: A structural equation model for the Spanish case. Economics of Education Review, 28(5), 600-610.

Franzese, R. J. (2015). The sociology of deviance. New York: Charles C Thomas Publisher.

Friedman, G .(2009). Theories of strikes. In: The encyclopedia of strikes in American history, Brener, A., Day, B., Ness, I (Eds.), London: M.E. Sharpe.

Henry, A. F. & Short, J. F. (1954). Suicide and homicide: Some economic, sociological and psychological aspects of aggression (Vol. 91442). New York: Free Press.

Hossein Abadi, Mahdi (2019). Sociological understanding of the relationship between work relations and social cohesion in the environment, Social Security Quarterly, 15(3). (In Persian)

ILO (2013). Dispute Labour System Guidelines for Improved Performance. www.ilo.Org

Inglehart, Ronald & Welzel, Chris (2011). Modernization, cultural change and democracy, translator, Yaqub Ahmadi, Tehran: Nash Kavir. (In Persian)

Iran Statistics Center (2023), National Statistics Portal. (In Persian)

Khodaparast Mashhadhi, Mehdi; Mandana Ghafouri Sadatieh (2013). Investigating the relationship between development and committing crimes in Iran's economy, biannual Journal of Economic Law, 21(5). (In Persian)

Khoshkar, Alireza (2009). Investigating cultural and social factors affecting employee-employer disputes in Iran, Journal of Work and Society, (125). (In Persian)

Labor Law of the Islamic Republic of Iran (2023). Islamic Council Research Center. (In Persian)

Lane, T. & Roberts, K. (1971). Strike at Pilkington. London: Fortana.

Malik, A. A. (2016). Urbanization and crime: a relational analysis. Journal of Human Social Science, (21), 68-9.

Masoudi Rad, Mandana; Bajolund, the spirit of God; Nabi Elah Ghasemi (2020). Investigating the relationship between development indicators and social anomalies (crime and theft) in Lorestan province, Quarterly Journal of Geographical Studies of Mountainous Regions, 1(2). (In Persian)

McCall, P.L.; Nieuwberta, P.; Engen, R.L. & Thames, K.M. (2012). Explaining variation in homicide rates across eastern and wesrern European cities: The effects of social, political and economic forces. In: M.C.A. Liem & W.A. Pridemore (Eds), Handbook of European Homicide Research (pp. 137-154). Leiden: Springer.

Mehrara, Mohsen & Qabadzadeh, Reza (2015). Investigating factors affecting inflation in Iran based on the Bayesian approach and least squares averaging. Program and Budget Scientific and Research Quarterly, 21(1). (In Persian)

Messner, S. F. & Golden, R. M. (1992). Racial inequality and racially disaggregated homicide rates: An assessment of alternative theoretical explanations. Criminology, (30), 421-447.

Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare (2021). Statistical Yearbook: Strategic Information and Statistics Center. (In Persian)

Mohammadian, Ali & Haeri, Mohammad Hassan (2013). Jurisprudential analysis of labor rights in Islamic society with an approach based on Imam Khomeini's opinions, two scientific-research quarterly journals of Islamic management research, 22(2). (In Persian)

Naderi, Affat (2012), The Role of Social Trust in Labor and Employer Relations, Work and Society, (158). (In Persian)

Namdarpurbangar, Mustafa; Amiri, Mujahid (1391). Right to work in EU law, Political and International Research, 4(13), 297-241. (In Persian)

Nieuwbeerta, P.; McCall, P. L.; Elffers, H. & Wittebrood, K. (2008). Neighborhood characteristics and individual homicide risks: Effects of social cohesion, confidence in the police, and socioeconomic disadvantage. Homicide Studies, 12(1), 90-116

Nikabzmi Azar, Masoumeh; Mahdavi, Seyyed Mohammad Sadiq (2019). Evaluation of worker-employer relationship in industrial factories, Social Research, 4(13), 17-35. (In Persian)

Pourai, Abdullah & Haji Alizadeh, Amin (2021). Investigating worker-employer relations in Hormozgan Special Economic Zone, Qonun Yar International Quarterly, 5(20). (In Persian)

Sadeghi, Ahmed; Saleh Abadi, Ibrahim & Mokhtari, Aqeel (2012), investigating the factors affecting the occurrence of disputes between workers and employers in the workshops covered by the labor law of Sabzevar city, Work and Society, (162). (In Persian)

Sedaghat, H.; Ahmadi, S.; Mokhtari, M. & Sarami Forooshani, H. (2023). The Relationship between Socio-Economic Development Indicators and Death Due to Drug Use in Iran from 1991 to 2020: A Time-Series

Analysis. Scientific Quarterly Research on Addiction, 17(67), 329-354. (In Persian)

Selfe, P. (1993). Sociology. London: MacMillan.

Senavirathne, Y.Y. & Kularathne, H.M. (2020). Factors affecting high accident rate of labors in manufacturing sector, Central province, Sri Lanka. International Journal of Scientific and Research Publications, 10(8), 153-160.

Shaheswari, Yunus & Jafari, Mohammad Javad (2017). Dismissal of workers with emphasis based on the opinions of the dispute resolution board, the third international conference on jurisprudence and law, advocacy and social sciences, Hamadan. (In Persian)

Stack, S. (1981). Divorce and suicide: a time series analysis, 19331970. Journal of family issues, 2(1), 77-90.

Stuckler, D.; Basu, S.; Suhrcke, M.; Coutts, A. & McKee, M. (2009). "The public health effect of economic crises and alternative policy responses in Europe": an empirical analysis. The Lancet, 374(9686), 315-323.

Tavasli, Gholam Abbas (2014). Urban sociology. Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)

راهبرد اجتماعی فرهنگی
سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۳)، پاییز ۱۴۰۳، صص. ۱۳۵۹-۱۳۸۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

مقاله پژوهشی

تأثیر راهبردهای انضباط اداری در توسعه سیاسی اجتماعی کلانشهر اهواز با رویکرد معادلات ساختاری

حسینعلی حسن‌زاده حلاج
دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
hasanzade@gmail.com 0009-0004-2246-898X
فریدون اکبرزاده
استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).
Drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com 0009-0002-7437-7321
شیوا جلال‌پور
استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
Shiva_jalalpoor@yahoo.com 0000-0002-7520-8098
حامد عامری گلستانی
استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
hamed.ameri@gmail.com 0000-0002-7296-5579

چکیده

امروزه توسعه، جریانی چندبُعدی و پیچیده‌ای است که رشد کمّی و کیفی تولیدات و خدمات و تحول کیفیت زندگی و بافت اجتماعی جامعه و تأمین رفاه همگانی و رشد علمی و فناوری درون‌زا در یک جامعه معین را دربرمی‌گیرد. هدف اصلی در این پژوهش بررسی تأثیر انضباط اداری بر توسعه سیاسی اجتماعی کلانشهر اهواز با رویکرد معادلات ساختاری بوده است. روش تحقیق توصیفی پیمایشی بوده و جامعه آماری کلیه کارکنان استانداری خوزستان و فرمانداری کلانشهر اهواز بوده است. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۲۳ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های ۵۲ سؤالی محقق‌ساخته توسعه اجتماعی، ۲۰ سؤالی توسعه سیاسی و انضباط اداری ۱۵ سؤالی کورنلیوس (۱۹۹۹) استفاده شد. روایی آنها از طریق تحلیل عاملی تأییدی و پایایی از طریق آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید گردیدند. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای spss و pls و با تحلیل مدل معادلات ساختاری در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. نتایج حاصل از معادلات ساختاری نشان می‌دهد که انضباط مدیریتی با ضریب مسیر (۰/۴۸۶) و مقدار تی (۴/۴۴) بر توسعه سیاسی کلانشهر اهواز تأثیر دارد. همچنین انضباط فردی با ضریب مسیر (۱/۱۸۸) و مقدار تی (۲/۵۹۵)، انضباط مدیریتی با ضریب مسیر (۰/۴۹۶) و مقدار تی (۷/۶۲۰) و انضباط گروهی با ضریب مسیر (۰/۲۹۲) و مقدار تی (۴/۶۳۹) بر توسعه اجتماعی کلانشهر اهواز تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: انضباط اداری، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، کلانشهر اهواز.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.433886.1530

OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه رشد شهری یک پدیده پیچیده است که جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی را پوشش می‌دهد و همپوشانی بین آنها منجر به طیف متنوعی از مفاهیم در مورد توسعه شهری می‌شود (Peponi & Morgado, 2020).

همچنین توسعه اجتماعی به‌صورت گسترده‌تر در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد جامعه از جمله بالا بردن سطح زندگی، فراهم آوردن بهداشت، مسکن، تغذیه، اشتغال و... است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳). توسعه اجتماعی فرایندی از تغییرهایی است که منجر به بهبود در بهزیستن و روابط اجتماعی می‌شود که منصفانه‌تر و سازگارتر با اصول حکومت مردم‌سالارانه و عادلانه است. توسعه اجتماعی شامل دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب، دسترسی پایدار به منابع، کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل پذیرش، و هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت، مشارکت و بازنمایی است (United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD), 2016).

از مؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماعی توسعه سیاسی می‌باشد. توسعه سیاسی دغدغه بسیاری از جوامع درحال‌توسعه در جهان کنونی است. بسیاری از تحلیل‌گران نقش توسعه سیاسی را در تداوم توسعه فراگیر در حوزه‌های اقتصادی واجتماعی بسیار با اهمیت تلقی کنند. هدف توسعه سیاسی، گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی است. مهم‌ترین لوازم بلافصل توسعه سیاسی شامل: سازمان‌یابی گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، آزادی آنها در مشارکت و رقابت سیاسی، وجود سازوکارهای حل منازعه نهادمند در درون ساختار سیاسی، خشونت‌زدایی از زندگی سیاسی در جهت تقویت ثبات سیاسی، مشروعیت چهارچوب‌های نهادی و قانونی برای رقابت و سازش سیاسی و جز آن است (نظری و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸).

ازطرفی‌دیگر شکل‌گیری روندی به نام توسعه سیاسی، مستلزم تغییرات اجتماعی بلندمدتی است که طی آن نظام تقسیم کار، قشربندی اجتماعی، نظام سیاسی و فرهنگ، دستخوش تحول واقع می‌شود؛ بنابراین در تکوین آن، عمل عاملان اجتماعی و سیاسی، منافع گروه‌ها، اقشار و طبقات نقش دارد. بر این اساس می‌توان گفت توسعه سیاسی ماهیتی برآیندی دارد و تکوین آن در هر جامعه‌ای، تاریخ خاص خود را دارد (رجب‌زاده، ۱۳۷۸).

همچنین یکی از مبانی توسعه در هر جامعه‌ای، نظام اداری و مدیریت آن است. بدیهی است که نظام اداری مطلوب و کارآمد، می‌تواند تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز تحقق هدف‌های برنامه‌های توسعه قرار گیرد. چراکه نظام اداری هر کشوری، سیستم تنظیم‌کننده کلیه فعالیت‌ها برای نیل به هدف‌های از پیش تعیین شده است. متأسفانه موضوع بسیار مهمی که همواره مورد غفلت قرار می‌گیرد، رابطه و نقش متقابل نظام اداری و توسعه است؛ درحالی‌که اگر این امر با دقت بررسی شود، مشخص خواهد شد که نظام اداری در توسعه هر جامعه‌ای نقش اساسی ایفاء می‌کند به‌نحوی‌که بدون داشتن یک نظام اداری سالم، دستیابی به توسعه ناممکن است (میرمحمدی و حسن‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۹). انضباط اداری یکی از مهم‌ترین مسائل سازمان است که هر سازمانی خواهان شناخت ماهیت بروز این مسئله و از بین بردن آن می‌باشد (عابدی جعفری، ۱۳۹۱). انضباط به معنی صحیح یعنی اینکه فرد شخصاً اعمال و رفتار خود را تحت نظم و قاعده درآورد، خویشتن را کنترل و هدایت کند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام کند (میرسپاسی، ۱۳۹۴).

ازطرفی‌دیگر فرایند شهرنشینی در نیمه اول قرن ۲۱، با سرعت بالایی ادامه خواهد یافت. سازمان ملل پیش‌بینی کرده است که ۶۱ درصد جمعیت جهان در سال ۲۰۳۰ شهرنشین خواهند بود. تا قبل از سال ۱۸۵۰، جمعیت شهری جهان از ۷ درصد هرگز فراتر نرفته بود (Cities Alliance, 2006, p. 43). به‌طوری‌که با جهانی‌شدن شهرها و شهری شدن جمعیت جهان و توسعه روزافزون شهری، مسائل شهری، شهرسازی و شهروندی به مهم‌ترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمّی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است (طالشی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۸). در همین راستا برنامه‌های توسعه در ایران، موضوع‌هایی مانند: عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی، ارتقای سرمایه اجتماعی، کاهش تصدی دولت و گسترش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی، تمرکززدایی، تعامل با اقتصاد جهانی، امنیت ملی، گسترش خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری اقتصادی، توسعه دانایی‌محور، توسعه صادرات، توجه به تحولات فرهنگی جامعه، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان، برابری فرصت‌های آموزشی،... را مورد توجه قرار می‌دهد. تا به امروز، شش برنامه توسعه در کشور، تدوین و اجرا شد که موضوع‌های مختلفی را شامل می‌شوند: برنامه اول توسعه: ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲؛ برنامه دوم توسعه: ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸؛ برنامه سوم توسعه: ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳؛ برنامه چهارم توسعه: ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸؛ برنامه پنجم توسعه: ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴؛ برنامه ششم توسعه: از۱۳۹۶. برنامه‌های توسعه پنج‌ساله یا برنامه‌های

میان‌مدت، باتوجه به شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام اسلامی تهیه می‌شوند.

با این حال در ایران روند توسعه شهرها و به‌ویژه کلانشهرهای کشور نیز همچون دیگر کشورهای درحال‌توسعه در راستای پایداری نبوده که البته در زمینه نظری توسعه پایدار، برای شهرهای کشور پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ اما به‌لحاظ اجرایی بسیار عقب‌تر از نقطه مطلوب هستند. ازاین‌رو یکی از گام‌های عملی در برنامه‌ریزی و اقدام برای آینده شناخت هرچه بهتر محیط آینده است چراکه تصمیم‌گیران را از غافل‌گیری راهبردی در مواجهه با محیط آینده مصون می‌دارد. برای گرفتن گام‌های عملی در زمینه توسعه پایدار شهری ایران، اولویت اساسی پایداری کلانشهرهای ایران است. از جمعیت حدود ۸۰ میلیونی ایران، بیش از ۷۰ درصد از این تعداد در شهرها استقرار یافته‌اند. این در حالی است که در حدود ۲۵ درصد کل جمعیت ایران در کلانشهرهای بالای ۱ میلیون نفر جمعیت سکونت دارند. این تمرکز بالای جمعیت در کلانشهرهای کشور نه‌تنها مشکلات عدیده‌ای را در شرایط فعلی پدید آورده است بلکه توسعه پایدار آتی شهرها و به‌طورکلی کشور را نیز با چالش‌های جدی مواجه ساخته‌اند (اجزاء شکوهی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۸).

در داخل کشور نیز درجه‌های متفاوتی از توسعه وجود دارد و رده‌بندی استان‌های کشور به‌لحاظ مفاهیم در درجه‌بندی متفاوتی از هم قرار دارند، هرچند دارای کلیت مشابه از نظر توسعه‌نیافتگی هستند (پورافکاری، ۱۳۹۱، ص. ۲). خوزستان با وجود منابع غنی و بزرگ طبیعی خود به‌تنهایی برای توسعه یک کشور کافی به نظر می‌رسد؛ اما برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها به‌گونه‌ای بوده است که چالش‌ها در این استان همیشه برجسته‌تر از فرصت‌هایی پیش‌رو بوده است؛ بنابراین مسئله اصلی در این پژوهش تأثیر راهبردهای انضباط اداری در توسعه سیاسی اجتماعی کلانشهر اهواز با رویکرد معادلات ساختاری می‌باشد.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

هدف اصلی در این پژوهش بررسی تأثیر انضباط اداری بر توسعه سیاسی اجتماعی کلانشهر اهواز با رویکرد معادلات ساختاری می‌باشد؛ بنابراین سؤال‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱- انضباط اداری (فردی، مدیریتی، گروهی) بر توسعه سیاسی در کلانشهر اهواز چه تأثیری دارند؟

۲- انضباط اداری (فردی، مدیریتی، گروهی) بر توسعه اجتماعی در کلانشهر اهواز چه تأثیری دارند؟

۲. فرضیه‌های پژوهش

۱- انضباط فردی بر توسعه سیاسی کلانشهر اهواز تأثیر مثبت معناداری دارد.
۲- انضباط مدیریتی بر توسعه سیاسی کلانشهر اهواز تأثیر مثبت معناداری دارد.
۳- انضباط گروهی بر توسعه سیاسی کلانشهر اهواز تأثیر مثبت معناداری دارد.
۴- انضباط فردی بر توسعه اجتماعی کلانشهر اهواز تأثیر مثبت معنی دارد دارد.
۵- انضباط مدیریتی بر توسعه اجتماعی کلانشهر اهواز تأثیر مثبت معناداری دارد.
۶- انضباط گروهی بر توسعه اجتماعی کلانشهر اهواز تأثیر مثبت معناداری دارد.

۳. پیشینه پژوهش

روخنده و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف شناسایی مقوله‌های اصلی و فرعی و شاخص‌های کلیدی انضباط اداری از طریق رویکرد فراترکیب که یکی از پژوهش‌های کیفی و از روش‌های فرامطالعه است، انجام دادند. در این پژوهش تعداد ۱۲۶ متون علمی به زبان فارسی و انگلیسی معتبر از تارنماها و پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی و خارجی در بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۲ میلادی و ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ شمسی کشف و استخراج شد که درنهایت ۳۲ عنوان پژوهشی با استفاده از روش مهارت‌های ارزیابی حیاتی، در نظر گرفته شدند و از طریق روش تحلیل اسنادی شاخص‌های اصلی استخراج شدند. پس از مطالعه و استخراج کدهای کلیدی درنهایت این کدها تجمیع و خوشه‌بندی شدند و مقوله‌های اصلی و فرعی تنظیم شدند. یافته‌ها نشان داد که ۱۱ مقوله اصلی، ۲۶ مقوله فرعی و تعداد ۱۲۶ شاخص یا کد اولیه استخراج شدند. به‌طوری‌که مقوله‌های اصلی انضباط اداری شامل: قوانین و مقررات، کنترل اداری، کنترل رفتاری، هماهنگی، اطاعت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، مشوق‌ها، تنبیهات، رویه‌های انضباطی، خودانضباطی و هدایت بودند. نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران و سازمان‌ها در توسعه و بهبود عملکرد به‌عنوان نیروی محرکه سازمان‌ها کمک شایان توجهی نماید و آنها را تبدیل به سازمان‌های پیشرو در حوزه خود نمایید.

بیداله‌خانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف گونه‌شناسی عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی در پژوهش‌های مندرج در نشریات منتخب علمی پژوهشی دهه ۹۰

به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش بوده است که مطالعات توسعه سیاسی در ایران تحت تأثیر چه عواملی انجام شده است؟ در پاسخ به این پرسش از طریق روش فراتحلیل و با بررسی ۴۸ پژوهش موجود در نمونه بر این امر تأکید می‌شود که از میان چهار دسته عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، رهیافت بیشتر پژوهش‌های انجام شده در بستر مورد نظر مبتنی بر عوامل فرهنگی بوده است و محورهای شکاف‌های فرهنگی و قومیتی، ضعف‌های فرهنگ سیاسی و فرهنگ‌سازی با بیشترین فراوانی جزو پرتکرارترین مفاهیم شناسایی شده در ارتباط با عوامل اثرگذار بر جریان توسعه سیاسی ایران قلمداد شده است.

محمدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر توسعه شهر تبریز با رویکرد کیفی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد، پنج مفهوم اجتماعی که تأثیر زیادی بر توسعه شهر تبریز دارند عبارت‌اند از: اختلال در مجاری جامعه‌پذیری، فرسایش اعتماد اجتماعی، ضعف همگرایی اجتماعی و سیاسی، ضعف ارتباط متقابل احزاب و گروه‌های واسط با مردم و گسترش بی‌تفاوتی اجتماعی. از دیدگاه متخصصان رابطه این پنج مفهوم با توسعه شهری رابطه‌ای معکوس می‌باشد؛ به این معنی که با گسترش هریک از این مفاهیم، روند دستیابی به توسعه شهری در تبریز کندتر می‌شود. درنهایت ضعف حکمرانی اجتماعی (اختلال در کارکرد خرده نظام اجتماعی) به‌عنوان هسته مرکزی پژوهش انتخاب شد. یافته‌های این پژوهش همسو با نظریه‌های گیدنز[1]، مک‌للند[2]، لیپست[3]، هیگن[4] و نورث[5] و یافته‌های پژوهش‌های تجربی می‌باشد.

اکاتی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به تحلیل تأثیر فرهنگ سازمانی بر وجدان کاری و انضباط اداری در میان کارکنان سازمان آموزش و پرورش زابل پرداختند. نتایج بیانگر این بود که از میان پنج مؤلفه فرهنگ سازمانی مؤثر بر انضباط اداری و وجدان کاری، وضعیت مؤلفه‌های خلاقیت و نوآوری، توجه به اعضای سازمان و توجه به جزئیات بالاتر از سطح متوسط قرار دارد و دو مؤلفه دیگر، خطرپذیری و توجه به نتیجه، وضعیتشان در سطح متوسطی قرار گرفت.

خارستانی و سیفی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش و جایگاه انضباط و

1. Giddens
2. McClelland
3. Lipset
4. Hagen
5. North

وجدان کاری در پیشرفت و توسعه جامعه بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی پرداختند. روش مورد استفاده در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به‌صورت کتابخانه‌ای است. روش مورد استفاده در سازمان‌دهی و انجام تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. معانی و مفاهیم کار، وجدان، وجدان کاری و انضباط، جایگاه و اهمیت وجدان کاری، جایگاه و اهمیت نظم و انضباط، مؤلفه‌های انضباط، مؤلفه‌های وجدان کاری، راهکارهای ایجاد و تقویت وجدان کاری و راهکارهای ایجاد نظم و انضباط در کار در این پژوهش بررسی و تحلیل شده است.

سوپریاتی و همکاران[1] (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر اجرای سیاست‌های کمک‌هزینه عملکرد و انضباط کاری بر عملکرد کارکنان اداره آموزش، منطقه شمالی میناهاسا پرداختند. نتایج نشان داد که هر دو کمک‌هزینه عملکرد و انضباط اداری بر عملکرد کارکنان تأثیر مثبت و معناداری داشتند.

مک‌کارتر و همکاران[2] (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی اینکه چگونه انضباط اداری و رهبری بر عملکرد کارکنان تأثیر می‌گذارد پرداختند. نتایج نشان داد که متغیرهای انضباط اداری و سبک رهبری به‌طور همزمان بر عملکرد کارکنان در هتل‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارند. درحالی‌که انضباط کاری تا حدی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد کارکنان دارد و سبک رهبری تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد کارکنان در هتل‌های تگزاس دارد.

رحما و عمار[3] (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر رهبری و محیط کاری بر انضباط کاری با رضایت شغلی به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر در آبفای شهری پادانگ پرداختند. نتایج نشان داد که رهبری تأثیر مثبت و معناداری بر محیط کار و رضایت شغلی دارد، همچنین بر نگرش کاری از طریق رضایت شغلی و محیط کاری، محیط کار تأثیر مثبت و معناداری بر رضایت شغلی و انضباط کاری نیز از طریق رضایت شغلی دارد.

در نقد و بررسی پیشینه تجربی پژوهش می‌توان گفت که برخی از این مطالعات به بررسی سیر تاریخی توسعه اجتماعی و سیاسی ایران پرداختند و برخی از تحقیقات نیز به بررسی گونه‌شناسی عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی، فرهنگ سازمانی و یا تأثیر انضباط اداری بر رضایت شغلی و عملکرد کارکنان در شهرها پرداخته‌اند و پژوهشی در

1. Supriati & et al.
2. McCarter & et al.
3. Nadya D. Rahma, Syamsul Amar

ارتباط با تأثیر راهبردهای انضباط اداری هم زمان بر متغیرهای توسعه اجتماعی و سیاسی انجام نشده است؛ بنابراین این پژوهش با بهره‌گیری از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تأثیر راهبردهای انضباط اداری در توسعه سیاسی اجتماعی کلانشهر اهواز را بررسی نموده که این موضوع حلقه مفقوده اکثر پژوهش‌ها می‌باشد.

۴. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش در سه محور توسعه اجتماعی، توسعه سیاسی و انضباط اداری شکل گرفته است. در مقوله توسعه اجتماعی، وارنر[1] معتقد است که توسعه اجتماعی عبارت‌اند از: امکانات زندگی مردم جامعه و ماکس وبر[2] ضمن تبیین ارتباط میان توسعه اجتماعی با شانس زندگی، بر این نظر پافشاری می‌کند که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر (شمعدانی حق، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۲). لرنر مهم‌ترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسان‌ها برای نو شدن مؤثراند عبارت‌اند از: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشین و مشارکت. مثلاً راجرز[3] می‌گوید نوسازی جامعه روندی چندجانبه است. از نظر وی توسعه نوعی از تغییرات است که طی آن سازمان‌های اجتماعی ایجاد، اصلاح و بهسازی می‌شوند و با افزایش سطح زندگی و درآمد سرانه، توسعه اجتماعی پدیدار گردد. بر اساس رویکرد تلفیقی یا رویکرد بیانیه کپنهاگ، توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی برای نیل به صلح و امنیت و تداوم آن برای ملت ضروری است و بر این مهم تأکید شده که توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفظ محیط زیست در رابطه متقابل با یکدیگر بوده و چهارچوب توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند که هدف آن ارتقای کیفیت زندگی برای همه آحاد بشر است (اصغرپور ماسوله و دیگران، ۱۳۹۳). توسعه اجتماعی به‌صورت خلاصه عبارت است از: فرایند سازماندهی انرژی‌ها و فعالیت‌های انسانی در بالاترین سطح جهت دستیابی به نتایج بزرگ‌تر. توسعه، افزایش استفاده از نیروهای بالقوه انسانی است. توسعه اجتماعی دارای دو حوزه به‌هم‌پیوسته است؛ یادگیری و به‌کارگیری (Jacobs & Cleveland, 1999). توسعه اجتماعی توانایی شهروندان و منافع خصوصی آنان را تقویت می‌کند تا در اجرای سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، فعالانه و مؤثر مشارکت کنند. توسعه اجتماعی راهبردی ضد فقر و

1. Warner
2. Max Weber
3. Rogers

پیچیده و بلندمدت است (Johnston, 1993). توسعه اجتماعی دو بعد مرتبط با هم دارد. اول توسعه ظرفیت و توانایی مردم در کار و تلاش مداوم برای رفاه خود و جامعه است؛ دوم تغییر و اصلاح، با توسعه نهادهای جامعه به‌طوری‌که نیازهای بشر در همه سطوح، به‌خصوص در پایین‌ترین سطح، از طریق روند ارتقای روابط میان مردم و نهادهای اجتماعی ـ اقتصادی برآورده شود. هدف توسعه اجتماعی، درنهایت نیل به جامعه‌ای انسانی‌تر با نهادها و سازمان‌هایی است که به‌طور مناسب‌تری به نیازهای بشر پاسخ می‌دهند (دیوب، ۱۳۸۶).

همچنین توسعه سیاسی به دلیل چندبعدی جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده‌ترین سطح یک جامعه است. توسعه سیاسی به معنای فرایند رو به افزایش ظرفیت نهادهای سیاسی در پاسخ به تقاضاهای جامعه در زمینه مشارکت در فرایندهای سیاسی است (بیرو، ۱۳۸۰، ص. ۹۰). آلموند و پاول[1] توسعه سیاسی را این‌گونه تعریف نموده‌اند که توسعه سیاسی پیامد وقایعی است که ریشه در محیط بین‌المللی، محیط داخلی و یا نخبگان سیاسی درون نظام سیاسی دارد. اگر یک نظام سیاسی در وضعیت موجود قادر به مقابله با مسائل و چالش‌های پیش‌رو نباشد، زمانی می‌توان آن را توسعه‌یافته دانست که از قابلیت‌های الزم‌آور برای برخورد موفقیت‌آمیز با این‌گونه چالش‌ها برخوردار باشد (معمارزاده و پاک‌طینت، ۱۳۸۵). در نظام‌های درحال‌گذار از سنت به مدرنیسم، مشروعیت از منشأ واحدی سرچشمه نمی‌گیرد. بایندر[2] توسعه سیاسی را در سه مفهوم برابری، ظرفیت و تفکیک وظایف خلاصه کرده و این مفاهیم را در مجموع سندروم توسعه نامیده است. این سه عنصر در حکومت‌های مختلف با مقادیر مختلف در تعادل‌اند. بایندر معتقد است توسعه پایان‌ناپذیر است و مسیر توسعه کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی است. بایندر معتقد است که اگرکشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد، باید پنج بحران را پشت‌سر بگذارد. این پنج بحران عبارت‌اند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع. او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته صنعتی از کشورهای درحال‌توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز بحران‌های فوق به‌ویژه بحران‌های هویت و مشروعیت را پشت‌سر نهاده‌اند (سیف‌زاده، ۱۳۹۶).

1. Almond & Powell
2. Bayandor

هانتینگتون[1] نوسازی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و معتقد است، ازآنجایی‌که در فرایند نوسازی و توسعه سیاسی، تقاضای جدیدی به‌صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، از نظر وی هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (نظری و دیگران، ۱۳۹۲).

در محور سوم چهارچوب نظری نیز انضباط اداری و چگونگی برخورد با آن یکی از مباحث بسیار مهم و یکی از وظایف در ادبیات مدیریت و بالاخص مدیریت منابع انسانی است و یکی از چندین عاملی است که بر عملکرد کارکنان تأثیر می‌گذارد (Hu & Liu, 2020, p. 10042). انضباط اداری: شکلی از آموزش است که به دنبال بهبود و شکل‌دادن به دانش، نگرش و رفتار کارکنان است، به‌طوری‌که کارکنان داوطلبانه تلاش می‌کنند تا با سایر کارکنان همکاری کنند و عملکرد کاری را بهبود بخشند یا اقدام مدیریتی برای اجرای استانداردهای سازمان است (Sitopu & et al., 2021). ابعاد انضباط اداری عبارت‌اند از:

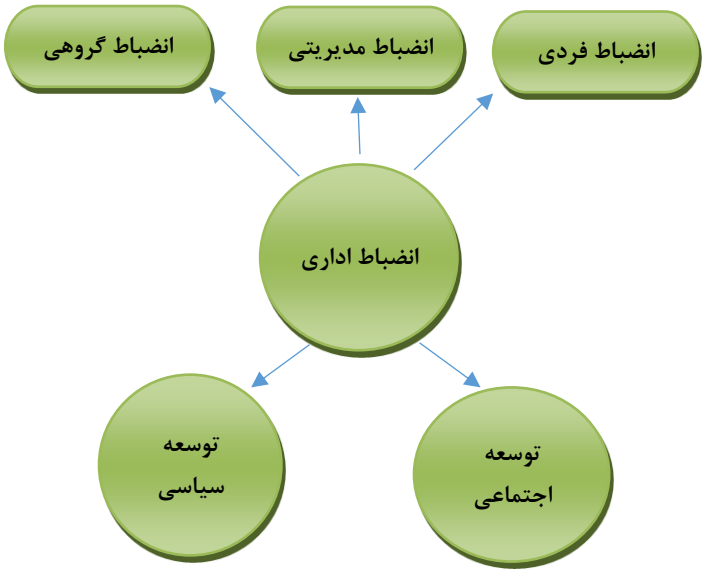
- انضباط فردی: خودانضباطی و خودکنترلی، مفاهیمی برآمده از ارزش‌های فردی؛ مهارت‌ها؛ آموخته‌ها و قوت شخصیتی باشد.
- انضباط مدیریتی: وقتی معنا می‌یابد که افراد گروه نسبت به رهبر گروه مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشند. در این صورت رهبر، هدایت‌کننده و مسئول رفتار افراد گروه خواهد بود.
- انضباط گروهی: بر اساس وابستگی‌های دوجانبه و اعتماد و احترام در گروه به‌وجود می‌آید (Cornelius, 1999).

هدف انضباط کاری این است که کارکنان بتوانند مطابق با هنجارهایی که در مورد شرکت اعمال می‌شود، عمل کرده و مشارکت کنند (Atatsi & et al., 2019, p. 337). یکی از راه‌های تضمین نظم، اثربخشی و رعایت قوانین مقرر در محیط کار انضباط اداری است (Ernest, 2021, p. 475). اگر انضباط کارکنان خوب باشد، عملکرد کاری را بهبود می‌بخشد (Suryawan & Salsabilla, 2022, p. 140)؛ بنابراین یک‌یک اقدام انضباطی خوب طراحی شده در یک سازمان باید با دقت ایجاد

1. Huntington's

و توسعه یابد تا آنها پیشرفت بهتری برای تقویت، تشویق و مهار کارکنان برای حفظ سطح عملکرد خود داشته باشند (Nduka & et al., 2019, p. 13).

رویکردهای انضباط اداری عبارت‌اند از: رویکرد منفی: این مفهوم به نام کنترل انضباطی پیش از رشد چشمگیر اتحادیه‌ها در اواخر دهه ۱۹۳۰جهت موازنه و تعدیل کارگران روزمزد متداول شده بود. استفاده از جریمه یا ترس از جریمه برای واداشتن افراد به اطاعت و سرسپردگی به قوانین است. در این حالت اغلب زور و فشار به‌کار گرفته می‌شود. رویکرد منفی اصولاً چوب‌دستی رهبری است. رویکرد مثبت: انضباط مثبت تحت عنوان انضباط ساختاری یا تعبیری نیز بیان شده است که به‌نوعی از رهبری تأکید دارد که پیوسته افراد را به‌سوی قوانین و مقررات لازم سازمانی سوق و آن را گسترش می‌دهد. پیروی آنان به این خاطر است که به رفتارها باور و عقیده دارند و آنها را درک کرده‌اند و از این رفتارها حمایت می‌کنند. انضباط مثبت در حقیقت شامل آفرینش یک نگرش و فضای سازمانی در بین کارکنان برای سوق دادن آنها به تطبیق و سازگاری با قوانین و مقررات است. انضباط مثبت زمانی حاصل می‌شود که مدیریت به دنبال اصول انگیزشی مثبت و سازمان، کارآمد است. شرط لازم در انضباط مثبت ایجاد یک ارتباط روشن بین شغل و قوانین و مقررات آن با شاغل است (میرسپاسی، ۱۳۹۴). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، متغیر انضباط اداری و سازمانی از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی و همچنین زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اجتماعی کشور می‌باشد.



شکل (۱): مدل نظری پژوهش

۵. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و کاربردی بوده است و این پژوهش در سال ۱۴۰۲ انجام شده است. جامعه آماری کلیه کارکنان استانداری خوزستان و فرمانداری کلانشهر اهواز بوده است. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۲۳ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گردیدند.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌های ۵۲ سؤالی محقق ساخته توسعه اجتماعی، ۲۰ سؤالی توسعه سیاسی و انضباط اداری ۱۵ سؤالی کورنلیوس (۱۹۹۹) استفاده شد. روایی و پایایی: برای بررسی روایی ابتدا بارهای عاملی بررسی می‌شود. برای حضور هر سؤال در مدل و سازه بار عاملی حداقل ۰,۵۰ نیاز است. نتایج حاصل نشان داد که تمامی بارهای عاملی بیش از ۰,۵۰ می‌باشند. مقدار پایایی قابل قبول باید حداقل ۰,۷۰ باشد.

برای بررسی روایی همگرا از بارهای عاملی و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده می‌شود. روایی همگرا در سطح سؤال از بارهای عاملی استفاده می‌شود که تمامی بارهای عاملی قابل قبول می‌باشند و دارای روایی همگرا می‌باشند. همچنین برای بررسی روایی همگرا در سطح سازه از میانگین واریانس استخراج

شده (AVE) استفاده می‌شود که مقدار میانگین واریانس استخراج شده حداقل ۰,۵۰ باشد. که با توجه نتایج به‌دست آمده این معیار نیز قابل‌قبول است.

روایی واگرا نیز از دو روش بررسی می‌شود. یکی در سطح سؤال که از بارهای عاملی متقاطع استفاده می‌شود و دیگری در سطح سازه که از جدول فورنل و لارکر استفاده می‌شود. همان‌گونه که از جدول زیر پیداست روایی واگرا در سطح سازه نیز محقق شده است.

جدول (۱): نتایج روایی واگرا در سطح سازه جدول فورنل و لارکر

	انضباط فردی	انضباط تیمی	انضباط مدیریتی	توسعه اجتماعی	توسعه سیاسی
انضباط فردی	۰/۷۹۶				
انضباط گروهی	۰/۷۴۵	۰/۷۸۵			
انضباط مدیریتی	۰/۷۴۴	۰/۷۶۷	۰/۸۴۱		
توسعه اجتماعی	۰/۷۷۵	۰/۶۱۳	۰/۸۱۱	۰/۸۹۶	
توسعه سیاسی	۰/۷۰۳	۰/۷۰۹	۰/۷۷۹	۰/۸۲۱	۰/۷۰۹

در نرم‌افزار مورد استفاده از دو نوع پایایی استفاده می‌شود. یکی آلفای کرونباخ و دیگری پایایی ترکیبی. همان‌گونه که از مندرجات جدول زیر پیداست مقادیر پایایی و پایایی ترکیبی بیش از ۰,۷۰ می‌باشند.

جدول (۲): نتایج آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
انضباط فردی	۰/۷۸۶	۰/۸۵۴	۰/۵۴۱
انضباط گروهی	۰/۷۴۵	۰/۸۴۰	۰/۵۶۸
انضباط مدیریتی	۰/۷۹۸	۰/۸۶۳	۰/۵۶۱
توسعه اجتماعی	۰/۹۳۶	۰/۹۴۹	۰/۷۵۸
توسعه سیاسی	۰/۹۲۴	۰/۹۳۴	۰/۵۰۳

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. توصیف اجمالی نمونه

یافته‌های پژوهش نشان داد که (۷۱/۵۴) درصد از افراد پاسخ‌دهنده را مردان و (۲۸/۴۵) درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهد. اکثر پاسخگویان با ۳۰ درصد در گروه سنی ۴۵-۴۰ساله بوده و پس از آن گروه سنی ۳۵-۳۹ساله با ۲۶ درصد در رده بعدی قرار داشتند. همچنین اکثر پاسخگویان با ۴۴ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و پس از آن با ۳۸ درصد کارشناسی قرار داشتند.

پیش از آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا می‌بایست نرمال بودن یا نبودن داده‌ها اطمینان حاصل نمود. برای بررسی فرض نرمال بودن از آزمون K-S، استفاده شده است. در مورد آزمون K-S چنانچه سطح معناداری از ۵ درصد بیشتر باشد متغیر نرمال می‌باشد و در غیراین‌صورت داده‌ها غیرنرمال می‌باشند. با توجه به جدول (۳) داده‌ها از توزیع غیرنرمال پیروی می‌کنند.

جدول (۳): آزمون کلموگروف ـ اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

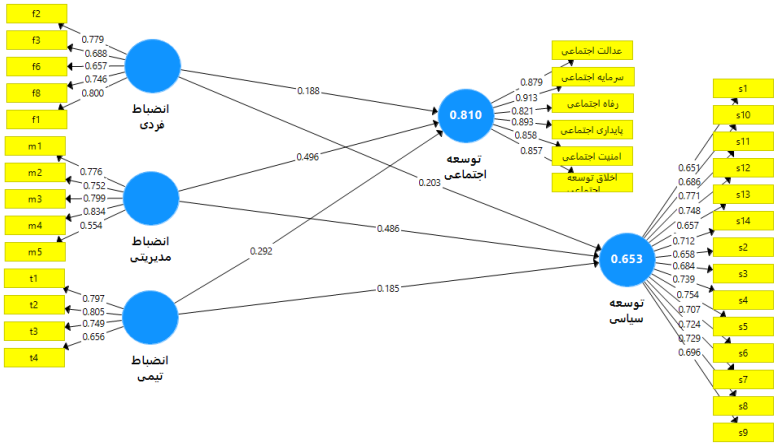
متغیرها	K-S	SIG	نتیجه
توسعه اجتماعی	۰,۱۰۵	۰,۰۰۴	غیرنرمال
توسعه سیاسی	۰,۰۹۷	۰,۰۱۲	غیرنرمال
انضباط فردی	۰,۱۷۲	۰,۰۰۰	غیرنرمال
انضباط مدیریتی	۰,۱۰۹	۰,۰۰۰	غیرنرمال
انضباط گروهی	۰,۱۵۶	۰,۰۰۰	غیرنرمال

۶-۲. آزمون فرضیه‌ها

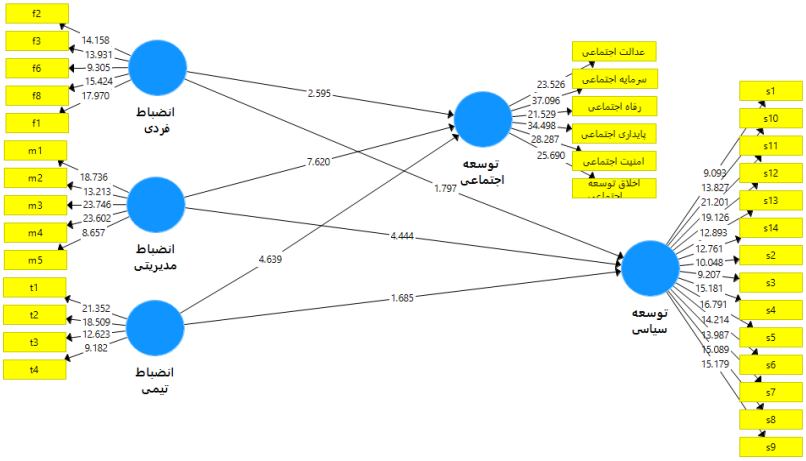
در این بخش به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود و به تفکیک بر اساس اشکال شماره‌های (۱و ۲) نتایج فرضیات پژوهش در جدول شماره (۶) گزارش شده است.

برای آزمون کردن فرضیه‌های پژوهش از روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار SMART PLS استفاده می‌شود. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، ابتدا مدل ساختاری در حالت استاندارد (شکل۱)، سپس مدل ساختاری در حالت معناداری (شکل۲) شامل (t value، ضریب تعیین و برازش کلی مدل) ارائه شده است. همچنین در ادامه به شاخص‌های برازش ساختاری مدل شامل ضریب تعیین (جدول

۴) و برازش کلی مدل (شاخص SRMR و NFI) (جدول ۵) پرداخته شده است، و در آخر جدول (شماره ۶) برای بررسی نتایج فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.



شکل (۲): مدل ساختاری در حالت استاندارد



شکل (۳): مدل ساختاری درحالت مقادیر معناداری

جدول (٤): شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

متغیر	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
توسعه اجتماعی	۰/۸۱۰	۰/۸۰۵
توسعه سیاسی	۰/۶۵۳	۰/۶۴۴

ضریب تعیین متغیر وابسته توسعه اجتماعی برابر ۰,۸۱۰ ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۸۰۵/. می‌باشد. همچنین ضریب تعیین متغیر وابسته توسعه سیاسی برابر ۰,۶۵۳ و ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر ۰,۶۴۴ می‌باشد.

جدول (٥): شاخص‌های برازش کلی مدل (شاخص SRMR و NFI)

شاخص	Saturated Model	Estimated Model
SRMR	۰/۰۷۸	۰/۰۸۷
NFI	۰/۶۶۲	۰/۶۴۷

مقدار SRMR حداکثر ۰/۱۰ قابل قبول می‌باشد. در این مدل مقدار SRMR برابر ۰/۰۷۸ می‌باشد که مطلوب است. همچنین مقدار NFI نیز هرچی به عدد یک نزدیک‌تر باشد مطلوب‌تر است. در این پژوهش مقدار NFI برابر ۰/۶۶۲ می‌باشد.

جدول (٦): جدول بررسی فرضیه‌های پژوهش

مسیر فرضیه	ضریب مسیر	مقادیر t معناداری	سطح معناداری
انضباط فردی > توسعه اجتماعی	۰/۱۸۸	۲/۵۹۵	۰/۰۱۰
انضباط فردی > توسعه سیاسی	۰/۲۰۳	۱/۷۹۷	۰/۰۷۳
انضباط گروهی > توسعه اجتماعی	۰/۲۹۲	۴/۶۳۹	۰/۰۰۰
انضباط گروهی > توسعه سیاسی	۰/۱۸۵	۱/۶۸۵	۰/۰۹۳
انضباط مدیریتی > توسعه اجتماعی	۰/۴۹۶	۷/۶۲۰	۰/۰۰۰
انضباط مدیریتی توسعه سیاسی	۰/۴۸۶	۴/۴۴۴	۰/۰۰۰

همان‌طورکه در جدول (۶) مشاهده می‌کنید آماره t بزرگ‌تر از عدد (۱/۹۶) هستند که این یعنی تمامی ضرایب مسیر به جز مسیر فرضیه‌های انضباط فردی بر توسعه سیاسی و انضباط گروهی بر توسعه سیاسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادارند. برای تصمیم‌گیری در مورد فرضیه‌ها هم باید از روی همین مقادیر تصمیم‌گیری شود؛ بنابراین نتایج حاصل از معادلات ساختاری نشان می‌دهد که

انضباط مدیریتی با ضریب مسیر (۰/۴۸۶) و مقدار تی (۴/۴۴) بر توسعه سیاسی کلانشهر اهواز تأثیر دارد. همچنین انضباط فردی با ضریب مسیر (۱/۱۸۸) و مقدار تی (۲/۵۹۵)، انضباط مدیریتی با ضریب مسیر (۰/۴۹۶) و مقدار تی (۷/۶۲۰) و انضباط گروهی با ضریب مسیر (۰/۲۹۲) و مقدار تی (۴/۶۳۹) بر توسعه اجتماعی کلانشهر اهواز تأثیر دارد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این پژوهش تأثیر راهبردهای انضباط اداری در توسعه سیاسی اجتماعی کلانشهر اهواز با رویکرد معادلات ساختاری بوده است. نتایج حاصل از معادلات ساختاری نشان می‌دهد که انضباط مدیریتی بر توسعه سیاسی کلانشهر اهواز تأثیر دارد و نیز همچنین انضباط فردی، انضباط مدیریتی و انضباط گروهی بر توسعه اجتماعی کلانشهر اهواز تأثیر مثبت معناداری دارد. برای تبیین این یافته می‌توان گفت که پیش‌نیاز دستیابی به توسعه اجتماعی، انضباط اداری می‌باشد. انضباط اداری به‌عنوان ستون فقرات ساختار سازمان و یکی از ارکان اساسی سازمان‌ها است تا کارکنان سازمان بتوانند به‌طور نظام‌مند برای دستیابی به هدف و اهداف سازمان با یکدیگر همکاری کنند. انضباط در سازمان، بهره‌وری و کارایی را تضمین می‌کند، هماهنگی و همکاری بین کارکنان را تشویق می‌کند و همچنین به‌عنوان یک تقویت‌کننده روحیه برای کارکنان عمل می‌کند. نیروی انسانی در سازمان‌ها نه‌تنها یک منبع مهم است بلکه بسیار ارزشمند تلقی می‌شود چون از طریق آن سایر منابع در جهت رفع نیازهای جامعه به‌کار گرفته می‌شود (Onah, 2014). حفظ نیروی کار مطلوب دلالت بر این دارد که معیار مناسبی از انضباط که یکی از کارکردهای اصلی اداره است باید به‌کار گرفته شود؛ بنابراین انضباط یک ابزار کنترل مدیریت است که همه سازمان‌ها باید با بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن زمینه عملکرد سازمان و کارکنان را فراهم کنند. انضباط شکلی از آموزش است که به دنبال بهبود و شکل‌دادن به دانش، نگرش و رفتار کارکنان است به‌طوری‌که کارکنان داوطلبانه تلاش می‌کنند تا با سایر کارکنان همکاری کنند و عملکرد کاری را بهبود بخشند (Sitopu & et al., 2021). همچنین توسعه اجتماعی سیاسی با خواست و آرزوهای ناخودآگاه جامعه برای پیشرفت، به پیش می‌رود. جامعه در پی تحقق پیش‌رونده سلسله‌مراتبی از نیازهایی که اولویت‌بندی‌شده می‌باشد از جمله: امنیت حوزه‌ها، نظم و قانون، خودبسندگی در تغذیه و سرپناه، سازماندهی برای صلح و آسایش، تخلیه انرژی

مـازاد در نمـایش‌ها و سـرگرمی‌ها، فراغت و لذت، دانش و خلاقیت هنری. توسعه اجتماعی سیاسی تنها وقتی بروز می‌کند که اراده جمعی به اندازه کافی قوی و پویا باشد. راهبردهای توسـعه وقتـی کارآمـدتر خواهنـد بـود کـه بـر شناسایی عرصه‌هایی که اراده اجتماعی، به بلوغ رسیده و ابزارهای بهتری جهت آگاه نمودن جامعه برای نمایاندن انرژی خود فراهم شد، متمرکز شوند. تنهـا ایـن مقـدمات است که در صورت انطباق با این ضمیر ناخودآگاه جامعه می‌توانـد، اراده و خواسـت جامعه را به شتاب بخشیدن و گسترش یافتن، وا دارد؛ بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه شده است:

۱- پیشنهاد می‌شود کـه انضـباط اداری در کارهـا و نهـادهـا مبتنـی بـر آمـوزش و یادگیری باشد و در راستای واکنش مناسـب نسـبت بـه محـرک‌هـا و تقاضـاهـا و توسعه سازمان باشد.

۲- سازمان‌ها از کارکنانی استفاده نمایند که منضبط، درستکار و مسئولیت‌پذیر باشند.

۳- سازمان‌ها با وضع قوانین و مقررات و ضمانت اجرایـی مناسـب از تخلفـات اداری جلوگیری نمایند.

۴- سازمان‌ها جهت پیشـرفت در راسـتای توسـعه پایـدار، انضـباط اداری را هرچـه بیشتر در دستور کار خود قرار دهند. سازمان‌ها ضمن پیروی از قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های سازمانی جهت دستیابی به توسعه پایـدار بـه انضـباط، ارتبـاط و هماهنگی کارکنان در قسمت‌های مختلف سازمان توجه ویژه‌ایی نمایند.

۵- ایجاد اجتماعات پایدار و بـادوام، ارتقـای روح جمعی و انسجام اجتماعی، توسعه راهکارهـای مـؤثر حـل مناقشـه و برقـراری توافـق، رشـد و گسـترش و تقویـت هنجارهای انضباط اجتماعی.

۶- تقویت و حمایت از استعدادها و توانمندی‌های انسـان‌هـا در جامعـه و زنـدگی اجتماعی.

۷- توسعه نهادهای اجتماعی و بهبود سـاختارهای ایـن نهادهـا و سـازمان‌هـا در جهت رفاه انسان‌ها.

۸- تقویت سرمایه‌گذاری در برنامه‌های اجتماعی و ارزیابی مستمر با توجه به توسعه اجتماعی سیاسی، تلاش برای تأمین منابع لازم در جهـت توسـعه اجتمـاعی بـا توجـه بـه منـابع مالی، تدوین برنامه ارزیابی و نظارت مستمر بر تمـامی برنامـه‌ها و اقـداماتی کـه توسط دولـت‌هـا، بخـش خصوصـی و سـازمان‌هـای غیردولتـی و نهادهای اجتماعی، در جهت تحقق اهداف توسعه اجتماعی سیاسی.

۹- افـزایش یکپـارچگی اجتمـاعی از طریـق تقویـت ثبـات اجتمـاعی و ایجـاد جامعـه‌ای عادلانه در راستای توسعه اجتماعی سیاسی جامعه.
۱۰- به‌وجودآوردن فضـای توانمندسـاز یـا قابلیـت زا در بسـترهـای اقتصـادی، اجتمـاعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی.
۱۱- بالابردن میزان شایسته‌سالاری و انتخاب مناسب افراد در جایگاه‌های مـدیریتی در سازمان‌ها.
۱۲- تهیه و تدوین مطلوب‌تر برنامه‌های توسعه‌ای که قابلیت بیشتری برای اجرا دارند.
۱۳- بررسی و شناسایی مشکلات توسعه اجتماعی با توجه بـه اهـداف کـلان آنهـا و تلاش در جهت رفع آنها

فهرست منابع

اجزاء شکوهی، محمد؛ خادمی، امیرحسین و زمانی‌پور، مسعود (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های آتی توسعه پایدار محیط زیستی در کلانشهرهای ایران. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۱۰(۳۷).

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کیهان.

اصغرپور ماسوله، احمدرضا؛ روشنفکر، پیام و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۳). *توسعه اجتماعی در شهر تهران*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

اکاتی، حمید؛ روحانی‌نژاد، غلامعلی و جهان تیغ، میثم (۱۳۹۶). *تحلیل تأثیر فرهنگ سازمانی با وجدان کاری و انضباط اداری در میان کارکنان سازمان آموزش و پرورش زابل*. دومین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم انسانی و مدیریت، تهران.

بیداله خانی، آرش و فرخاری، محبوبه (۱۴۰۱). فراتحلیل عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی در ایران بین سا ل‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰. *دانش سیاسی*، ۱۸(۱)، ۵۵-۸۲.

بیرو، آلن (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

پورافکاری، نصـراله (۱۳۹۱). نگرشـی جامعه‌شـناختی بر سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار در شوشتر. *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی*، سال ششم، (۱۷).

خارستانی، اسماعیل و سیفی، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی نقش و جایگاه انضباط و وجدان کاری در پیشرفت و توسعه جامعه بر مبنای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی.

نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، (۱).

دیوب، اس.سی. (۱۳۸۶). *نوسازی و توسعه*. ترجمه سیداحمد موثقی. تهران: نشر قومس.

رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی توسعه: بررسی تطبیقی ـ تاریخی ایران و ژاپن*. تهران: انتشارات سلمان.

روخنده، ناصح؛ احمدی، کیومرث؛ حمزه‌پور، مهدی و سهرابی، فاطمه (۱۴۰۲). مفهوم‌پردازی نظام‌مند انضباط اداری با استفاده از روش فراترکیب. *نشریه علمی پژوهش‌های منابع انسانی*، ۱۵(۲).

سیف‌زاده، حسین (۱۳۹۶). *پانزده مدل نوسازی توسعه و دگرگونی سیاسی*. تهران: انتشارات قومس.

شمعدانی حق، علی (۱۳۸۰). *ابعاد روش شناختی توسعه اجتماعی، اولین همایش توسعه اجتماعی*. برگزارکننده دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

طالشی، مرضیه؛ آقایی‌زاده، اسماعیل و جعفری مهرآبادی، مریم (۱۳۹۸). تحلیل ساختاری زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: بافت فرسودهی منطقه یک شهر قزوین). *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰(۳۹)، ۱۱۷-۱۳۴.

عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۱). *تدوین اعتبارسنجی مدل سنجش سلامت فساد اداری در شهرداری تهران*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی.

محمدی، عاطفه؛ عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و گلابی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر توسعه شهر تبریز با رویکرد کیفی، مطالعات جامعه‌شناسی شهری. *دانشگاه*، ۱۱(۳۸)، ۱۷۳-۲۰۸.

معمارزاده، غلامرضا و پاک‌طینت، اقبال (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی. *فصلنامه علمی و پژوهشی کنترل*، سال چهل و یکم، ۲(۲۱)، ۱-۲۵.

میرسپاسی، ناصر (۱۳۹۴). *مدیریت منابع انسانی و روابط کار*. تهران: نشر کتابسرا.

میرمحمدی، سیدمحمد و حسن‌پور، اکبر (۱۳۹۰). نظام اداری ایران: تحلیلی بر مشکلات چالش‌ها. *نشریه چشم انداز مدیریت دولتی*، (۸)، ۹-۲۲.

نظری، سید غنی؛ بشیری گیوی، حسین و جنتی، سعید (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، (۱)، ۱۳۸-۱۴۶.

Atatsi, E.A.; Stoffers, J. & Kil, A. (2019). Factors affecting employee performance: a systematic literature review. *Journal of Advances in Management Research*, 16(3), 329-351.

Cities Alliance (2006). *Guide to City Development Strategies; Improving Urban Performance*, Washington D.C., 20433, U.S.A. First printing June 2006.

Cornelius N. (1999). *Human Resource Management: A Managerial Perspective*. London: Thomson.

Ernest, A. (2021). Discipline and achievement of organizational objectives. *International Journal of Institutional Leadership, Policy and Management*, 3(3), 471-489.

Hu, Y. & Liu, L. (2020). Becoming industrious female citizens: Work, discipline, and negotiation in Chinese female prison. *International Journal of Law, Crime and Justice*, (63), 100420.

Jacobs, G. & Cleveland, H. (1999). *Social Development Theory*. November, 1999.icpd.

Johnston, M. (1993). Social Development as an Anticorruption Strategy, VI International Anti-Corruption Conference, November Cancun Quintana Roo, Mexico.

McCarter, M. W.; Haeruddin, M. I. M.; Mustafa, M. Y.; Abadi, R. R. & Syahrul, K. (2022). How work discipline and leadership influence employees' performance. *International Journal of Educational Administration, Management, and Leadership*, 3(1), 17-26.

Nduka, O. I.; Okorie, R. I. & Ikoro, U. E. (2019). Workplace discipline and organisational effectiveness: Evidence from Abia State Polytechnic, Aba. *Strategic Journal of Business and Social Science*, 2(2), 1-26.

Onah, F. E. (2014). *Human resource management* (3rd ed.) Nsukka: University of Nigeria Press ltd.

Peponi, A. & Morgado, P. (2020). Smart and regenerative urban growth: a literature network analysis. *International Journal of Environmental Research and Public Health*,17(7), 2463.

Rahma, N. D. & Amar, S. (2022). *Effect of Leadership and Work Environment on Work Discipline with Job Satisfaction as an Intervening Variable at Municipal Waterworks of Padang*. In Eighth Padang International Conference On Economics Education, Economics, Business and Management, Accounting and Entrepreneurship (PICEEBA-8, 2021) (pp. 290-297). Atlantis Press.

Sitopu, Y. B.; Sitinjak, K. A. & Marpaung, F. K. (2021). The Influence of Motivation, Work Discipline, and Compensation on Employee Performance. *Golden Ratio of Human Resource Management*, 1(2), 72-83.

Supriati, A.; Santie, Y. & Biringan, J. (2022). The Effect of the Implementation of Performance Allowance Policies and Work Discipline on the Employee Performance of The Education Office. *North Minahasa Regency. Specialusis Ugdymas*, 1(43), 8296-8311.

Suryawan, I. N. & Salsabilla, A. (2022). Pengaruh Kepuasan Kerja, Disiplin Kerja Dan Motivasi Kerja Terhadap Kinerja Karyawan. *Aksara: Jurnal Ilmu Pendidikan Nonformal*, 8(1), 137-146.

UNIRSD (2016). *Transformations to Equity and Sustainability: UNIRSD Strategy 2016-2020*. Available on: http://www.unrisd.org/80256B42004CCC77.

References

Abedi Jafari, Hassan & et al. (2012). Compilation of the validation of the model for assessing the health of administrative corruption in Tehran Municipality. Publications of Center for Studies and Planning, Tehran. (In Persian)

Ajzae Shokohi, Mohammad, Khademi, Amirhossein and Zamanipour, Massoud. (2019). Examining the future challenges of sustainable development of the environment in Iran's megacities, Amash Geographical Space Magazine, 2019, 10(37), 122. (In Persian)

Asgharpour Masoleh, A., Roshanfekr, P. & Kalantari, A. (2014). Social development in the city of Tehran, Tehran, Publications of Tehran City Planning and Studies Center. (In Persian)

Azkia, Mustafa, Ghafari, Gholamreza (2013). Sociology of Development, Tehran, Kayhan. (In Persian)

Bidale Khani, Arash & Farkhari, Mahbube. (1401). Meta-analysis of factors affecting political development in Iran between 1399-1390, political knowledge, 18(1), (35 consecutive), pp. 55-82. (In Persian)

Biro, Alan (2008). Culture of Social Sciences, translated by Bagher Sarokhani, Tehran: Kayhan Publications. (In Persian)

Diob, S.C. (1988). Modernization and Development, translated by Seyed Ahmad Motheghi (2006), Qoms Publishing. (In Persian)

Ekati, Hamid, Rohaninejad, Gholamali & Jahan Tigh, Maitham (2016). Analyzing the effect of organizational culture with work conscience and administrative discipline among the employees of the Zabul Education and Training Organization, the second international conference of new horizons in humanities and management, Tehran. (InPersian)

Kharstani, Ismail & Seifi, Fatemeh (2014). Investigating the role and position of work discipline and conscientiousness in the progress and development of society based on Islamic culture and teachings, Islamic Social Research Journal (series 104), spring 2014, (1). (In Persian)

Memarzadeh, Gholamreza & Pak Taynet, Iqbal. (2015). Factors affecting political development, Control scientific and research quarterly, year 41, second term, (21), autumn and winter, 1-25. (In Persian)

Mirmohammadi, Seyedmohammed and Hasanpour, Akbar. (2010). Iran's Administrative System: An Analysis of the Problems and Challenges,

Public Management Perspective Journal, (8), 22-9. (In Persian)
Mirspasi, Nasser (2014). Human resource management and labor relations, Tehran, Kitabsara Publishing. (In Persian)
Mohammadi, Atefa; Abbaszadeh, Mohammad; Alizadeh Aghdam, Mohammad Baqer & Ghalib, Fatemeh (1400). Investigating the social factors affecting the development of Tabriz city with a qualitative approach, Urban Sociology Studies, Doreh University 11, (38), 173-208. (In Persian)
Nazari, Seyed Ghani; Bashiri Givi, Hossein & Jannati, Saeed (2012). Investigating the effect of political participation on political development, Journal of Social Development Studies of Iran, 6th year, 1st issue, winter, pp. 138-146. (In Persian)
Porafkari, Nasraleh (2011). Attitude of cognitive society on social capital and sustainable development in Shushtar, specialized quarterly of social sciences, year 6, (17). (In Persian)
Rajabzadeh, Ahmed (1378). Sociology of Development: A Comparative-Historical Review of Iran and Japan, Tehran, Salman Publications. (In Persian)
Rokhandeh, Naseh, Ahmadi, Kiyomarth, Hamzepour, Mehdi, Sohrabi, Fatemeh. (1402). Systematic conceptualization of administrative discipline using metacombination method, scientific journal of human resources research, 15(2). (In Persian)
Saifzadeh, Hossein (2016). Fifteen models of modernization, development and political transformation, Qoms Publications, p. 173. (In Persian)
Shemadani Haq, Ali. (2008). Methodological dimensions of social development, the first social development conference, organized by the social affairs office of the Ministry of Interior, Tehran, scientific and cultural publications. (In Persian)
Talshi, Marzieh; Aghaizadeh, Ismail & Jafari Mehrabadi, Maryam (2018). Structural analysis of livability of dilapidated urban tissues with a future research approach (case study: dilapidated tissue of an area of Qazvin city), research and urban planning 10(39), 117-134. (In Persian)

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2024/01/04 Accepted: 2024/11/15
Research paper

The effect of administrative discipline on the socio-political development of Ahvaz metropolis with the approach of structural equations

Hosinali Hasanzadehhalaj
Ph.D student, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
hasanzade@gmail.com 0009-0004-2246-898X

Feredoun Akbarzadeh
Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (Corresponding author).
Drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com 0009-0002-7437-7321

Shiva Jalalpoor
Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
Shiva_jalalpoor@yahoo.com 0000-0002-7520-8098

Hamed Ameri Holestani
Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
hamed.ameri@gmail.com 0000-0002-7296-5579

Abstract
Today, development is a multi-dimensional and complex flow that includes the quantitative and qualitative growth of products and services, the transformation of the quality of life and the social fabric of society, and the provision of general welfare, and the endogenous scientific and technological growth in a given society. The main goal of this research was to investigate the effect of administrative discipline on the socio-political development of Ahvaz metropolis with the approach of structural equations. The research method was a descriptive survey and the statistical population was all the employees of Khuzestan Governorate and Ahvaz Metropolitan Governorate. The research method was a descriptive survey and the statistical population was all the employees of Khuzestan Governorate and Ahvaz Metropolitan Governorate. Statistical sample using Cochran's formula, 123 people were selected by simple random sampling method. In order to collect data, questionnaires of 52 questions made by researchers on social development, 20 questions on political development and 15 questions on administrative discipline by Cornelius (1999) were used. Their validity was confirmed through confirmatory factor analysis and reliability through Cronbach's alpha and composite reliability. Data analysis was done using spss and pls software and by structural equation model analysis at two descriptive and inferential levels. The results of the structural equations show that managerial discipline with the path coefficient (0.486) and the T value (4.44) has an effect on the political development of Ahvaz metropolis. Also, individual discipline with path coefficient (1.188) and T value (2.595), managerial discipline with path coefficient (0.496) and T value (7.620) and team discipline with path coefficient (0.292) and The value of T (4.639) has an effect on the social development of Ahvaz metropolis.

Keywords: Administrative discipline, political development, social development, Ahvaz metropolis.

CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/ E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024 Received: 2024/01/21 Accepted: 2024/03/08
Research paper

Relationship between macro socioeconomic indicators and the occurrence of workers-employers disputes subject to the labor law during 1379-1400

Siroos Ahmadi
Professor, Department of Social Science, Yasouj University, Yasouj, Iran (Corresponding author).
sahmadi@yu.ac.ir 0000- 0002-4308-1395

Maryam Mokhtari
Associate Professor, Department of Social Science, Yasouj University, Yasouj, Iran.
mmokhtari@yu.ac.ir 0000-0003-4312-7370

Hamid Sedaghat
Graduated from Ph.D Department of Social Science, Yasouj University, Yasouj, Iran.
hamidsedaghat40@yahoo.com 0000-0002-0023-3942

Shohreh Golkhani
Graduated from MA. Department of Social Science, Islamic Azad University, Jahrom, Iran.
golkhani_sh58@yahoo.com 0009-0002-6005-9488

Kheiri Hamidpoor
Graduated from MA. Department of Social Science, Yasouj University, Yasouj, Iran.
khireyhamidpor@gmail.com 0000-0001-9426-x694

Abstract
Disputes caused by work and workers are one of the important social issues of the country in the last few decades. This phenomenon has been investigated in both cross-sectional and longitudinal studies. The main purpose of the present study was to examine the labor law of the eligible workers according to the socio-economic index of unemployment rate, GDP per capita, literacy rate, labor force participation rate, female labor force participation rate, inflation rate and urban population growth of the country. This research is of quantitative-longitudinal type, which was carried out by time series method and considered the relationship of variables in the period of 2000-2021. The required data have been collected from Iran Statistics Center, Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, Central Bank and World Bank. To investigate the short-term and long-term relationship, the autoregression model with distribution breaks has been used in Microfit software. Based on the results, in the long term, with the increase of urban population indicators and the labor force participation rate, the petitions received by the workers have increased, but with the increase in the GDP per capita, the literacy rate and labor force participation of women from the petitions The number of labor claims has decreased. In addition, the inflation rate and the unemployment rate have no significant relationship with the number of petitions received. In general, the research concludes that the workers-employers disputes are impacted by macro socioeconomic factors. While some macro indicators increase the workers-employers disputes, some decrease that.

Keywords: Worker, Employer, Disputes, Socioeconomic indicators.

doi 10.22034/scs.2024.436910.1539
CC BY OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/11/19 Accepted: 2024/02/06
Research paper

Pathology of the policy-making cycle of children's affairs in Iran

Rohollah Eslami
Rohollah, Eslami, Assistant Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding author).
eslami.r@um.ac.ir 0000-0001-7429-6105

Sekine Taji
MA in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
s.taji@yahoo.com 0009-0006-4889-3559

Abstract
This study seeks to find the position of the child and attention to childhood and its characteristics in public policy in Iran. The main question is what is the position of children in Iranian policy-making and what are the priorities of the agents in decision-making? By enumerating the laws and documents related to children, and by examining the possibility of their implementation, it evaluated the current situation of children and concluded that the government and politics in Iran have a valuable view on children and are looking for identity identification in educating children. . Numerous documents published in this field by governmental and non-governmental institutions, regardless of the conditions and realities of society, lack expert opinions and have idealistic and invaluable goals. On the other hand, rising inflation, the annual budget deficit and the general weakness of financial resources, have deprived the government of the possibility of achieving grand goals and ideological aspirations. Proper policy-making can be a way to reduce harm to children in Iran today. The solution is to change the view of the child and the issue of childhood and not to have a political attitude towards this issue.

Keywords: Child Education, Childhood, Policy Making, Ideology, public policy.

10.22034/scs.2024.425993.1519
CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/12/28 Accepted: 2023/04/25
Research paper

Discuss the commonalities of the new wave of women's movement and Islam regarding the role of women in the family

Mohamadhosein Nazemi Ashani
Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding author).
m.h.nazemi@cfu.ac.ir 0000-0002-1732-6061

Abazar Kafi Mosavi
Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
a.kafi@cfu.ac.ir 0000- 0003-0567-9254

Khadije Baharrostami
Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
kh.baharrostami@gmail.com 0009-0003-6441-7294

Abstract
One of the topics related to the family system is the rights and duties of men and women. By stating the rights of men and women and the principle of setting the standard of humanity, the religion of Islam has defined a view of equality and proportional to the position and gender differences of each man and woman, and besides the human dimension, it also pays attention to its divine dimension. The roles and rights stated for women and men are in line with their reaching perfection, so that in the end, they become the foundations of a transcendent society. On the other hand, the women's movement in the first and second waves considered any difference between the rights of men and women as a cause of inferiority and oppression of women, and they wanted equal and similar rights between men and women in all fields. But this thinking in the new wave, in terms of natural differences and undeniable physiology between men and women, has a modified view of women's position and revised the definition of women's identity and mother's role. This research, using a descriptive-analytical method, with the aim of expressing the common opinions of the women's movement in the new wave with Islam, regarding the role of women in the family, came to the conclusion that the supporters of the women's movement, after creating controversy and exaggerating the position of women, finally found common axes. Many came with the view of Islam. Based on this, the position of women in the family, the preciousness of the mother's role and respect for their childbearing, the opposition to abortion and sexual relations outside the family framework are commonalities between the two views.

Keywords: New wave of women's movement, Islamic foundations, Role of women, Family.

10.22034/scs.2024.432861.1528
CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/12/15 Accepted: 2024/01/27
Research paper

Presenting the Institutional Model of Cultural Role-Playing in Iran's professional sports clubs

Shahin Vajdi
Ph.D Student in Sports Management, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
shahinvajdi0921@gmail.com 0009-0008-1602-9357

Masoumeh Majidi Parast
Assistant Professor, Department of Sports Management, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (Corresponding author).
m.majidiparast@basu.ac.ir 0000- 0002-2313-8438

Ali Asghari Sarem
Assistant Professor, Department of Management and Accounting, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.
a.sarem@basu.ac.ir 0000- 0002-1839-0620

Mohammad Jalilvand
Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
jalilvandmohammad@iauh.ac.ir 0000- 0002-1530-2744

Abstract
Cultural role-playing is one of the most important features of sports clubs but until now, no special attention has been paid to this issue in past researches, therefore, the current research was conducted with the aim of presenting the institutional model of cultural role-playing in professional sports clubs in Iran. The current research is interpretive in terms of philosophy, fundamental in terms of goal, inductive in terms of approach, systematic approach in terms of strategy, qualitative research in terms of research selection, and in terms of scope. It used to be temporary. The participants of the research were 15 managers and officials of sports clubs, sports veterans, university professors and experts and experts in the field of culture and sports, coaches and athletes who were selected purposefully until reaching theoretical saturation. A semi-structured interview was used to collect the research data, and in the data analysis, after examining the demographic characteristics of the participants, data coding and its different stages were presented. The results of the research showed that the research model with the central category of Cultural institutionalization of professional sports clubs is influenced by causal factors (expertise, personal characteristics, creating identity and affiliation), contextual factors (management, infrastructure, cultural and media) and intervening factors (political factors, There are economic factors, managerial factors and socio-cultural factors) that by using the presented strategies (cognitive, educational, financial and managerial) it is possible to reach the determined outcomes (social development, cultural development, behavioral development, vitality development and health development). So the relevant officials can use the model presented in this research to create a cultural role in the professional sports clubs of Iran.

Keywords: Professional sports clubs, Institutional Model, Cultural Role-Playing.

CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/11/17 Accepted: 2023/12/25
Research paper

Examining the indicators of revolutionary literacy based on Ayatollah Khamenei's speech (The second step of the revolution)

kadkhodaei Farhang
Ph.D student of North Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran.
farhangkadkhodaei@gmail.com 0000-0001-6752-638X

Esmail Kavossi
Professor, Department of Cultural Management and Planning, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).
ekavousy@gmail.com 0000-0001-7234-5380

Jafar Hosseinpour Saadat Abadi
Academic staff of Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran.
j.sadat95@gmail.com 0000-0002-8046-0466

Mostafa Heidari Haratemeh
Associate Professor of Naraq Islamic Azad University, Naraq, Iran.
heidarimu@yahoo.com 0000-0001-9724-2644

Mohsen Ameri Shahrabi
Assistant Professor, North Tehran Islamic Azad University, Tehran, Iran.
m_ameri_shahrabi@iau-tnb.ac.ir 0000-0002-1638-709X

Abstract
With the advent of the Islamic revolution, religious values entered the field of practice and since then, unique experiences have been gained in all organizational and management fields; Experiences that are new and different because of the new and different nature and values of the Islamic Revolution. The purpose of this research is revolutionary literacy from the perspective of the Imam and the position of Supreme Leader (conceptualization to quantification). This research was applied in terms of purpose and qualitative method in terms of grounded theory. This research seeks to conceptualize and measure revolutionary literacy from the statements of the founder of the Islamic Revolution, Imam Khomeini, in the 21-volume book, as well as the words of the Supreme Leader. It has been studied in full until reaching theoretical saturation. The results showed that 450 propositions, 50 identifiers and concepts, 20 categories and 6 meta-categories were obtained from three types of identification (conceptualization), open, central, and selective, named as causal, pivotal, intervening, strategic, contextual, and consequential variables. . The concept of "Islamic Revolution Literacy" was chosen as the central category and the desired related factors were presented in the obtained model. The factors include revolutionary insight, revolutionary faith, and transcendentalism as central factors; Spiritualism, self-improvement, heresyism and Islamism as underlying factors; revolutionary spirit, determination, revolutionary cohesion and revolutionary commitment as strategic factors; Guardian of the revolution, legality, pragmatism, service and Jihadi management as consequential factors.

Keywords: Islamic Revolution, Literacy of the Islamic Revolution, Imam Khomeini, Supreme Leader, Foundation Data Theory.

doi 10.22034/scs.2023.421372.1510
CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/10/12 Accepted: 2023/07/26
Research paper

Analysis of the content of the strategic model of linguistic identity in the fifteenth principle of the Islamic Republic of Iran

Gholamreza Jamshidiha
Professor of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
gjamshidi@ut.ac.ir 0000-0003-4639-5346

Seyed Mohammadjavad Ghorbi
Master's student of Islamic thought, researcher of the history of revolution and political thought of Muslim thinkers, Tehran, Iran (Corresponding author).
ghorbi68@yahoo.com 0009-0007-2235-997x

Abstract
Linguistic identity, as one of the strategic pillars of solidarity and national unity, requires the selection of appropriate policies to protect and preserve the identity of the local and ethnic language alongside the official language. (Issue) Since the fifteenth article in the second chapter of the constitution refers to language issues, this article tries to identify and investigate the linguistic identity model in Iran, and investigate the identity policy in this legal principle. This article tries to answer this question; Based on the fifteenth principle of the Iranian constitution, what policy has been adopted regarding the official language and linguistic identities? (main question) To answer the questions of the article, document-library studies and thematic analysis method have been used. (Method) The analysis of the fifteenth principle shows that the ideal model of linguistic identity in the Islamic Republic of Iran based on the constitution is "unitarianism while accepting linguistic pluralism" (findings) and the government is obliged to create an obstacle in the direction of the policy of teaching local and ethnic languages. don't Ethnic and local language literacy has been accepted in the 15th principle, and based on the model of language policy in the constitution with emphasis on the 15th principle in the second chapter, local and ethnic languages should not be marginalized.

Keywords: Content analysis, Constitution, Persian language, linguistic minority, national unity, linguistic identity.

10.22034/scs.2024.420475.1509
CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/09/22 Accepted: 2024/01/13
Research paper

Investigating the effect of religious adherence on the social participation of border residents (case of study: western border regions of Kurdistan province)

Saleh Shafiinia
Ph.D student, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).
shafee56@gmail.com 0009-0005-1349-9474

Abdulreza Adhami
Associate Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).
adhamiab@yahoo.com 0000-0000-0000-0000

Talia Khademian
Assistant Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
khademian@iau-tnb.ac.ir 0000-0000-0000-0000

Abstract
The aim of the present study is to examine "four dimensions of religious adherence to social participation in the western border areas of Kurdistan province". The research with practical goals and with a quantitative method approach and in terms of time is cross-sectional, which was carried out using the survey method and the use of questionnaire tools. The statistical population of the research is the residents of the villages of Saqez, Baneh, Marivan and Sarovabad in the border areas of Kurdistan province. The sample size was calculated using Cochran's formula of 384 people. Sampling was done based on classification. SPSS software was used for data analysis. Data processing and statistical analysis were done using descriptive and inferential statistics (frequency distribution tables, correlation tests, multivariate regression and path analysis). The findings of the research showed that the contribution of religious adherence and the four dimensions of religious adherence to social participation are: religious adherence (0.417), belief dimension 0.298, ritual dimension 0.442, emotional dimension 0.354 and consequence dimension 0.374. Therefore, the set of independent variables are able to explain the changes in the social participation variable and each of the above related dimensions is effective in the amount and level of social participation of the border residents of the mentioned areas.

Keywords: Religious adherence, Belief, ritual, Emotional, Consequence and social participation.

CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2024/02/08 Accepted: 2024/04/14
Research paper

Challenges and social strategies development of positive job deviance

Zohreh Samiee
Ph.D student of economic sociology and development, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran.
z1samiee@yahoo.com 0009-0001-7966-2626

khalil Mirzaee
Ph.D in Sociology, Islamic Azad University, Roodehen Unit, Tehran, Iran (Corresponding author).
mirzaee_khalil@riau.ac.ir 0000-0001-6765-4744

Sattar Parvin
Professor of Sociology Social Issues, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
sparvin1359@gmail.com 0000-0001-6471-4668

Abstract
The purpose of positive diversion in work environment is the voluntary behavior of practitioners who are done with the aim of improving and improving jobs and finding innovative ways to solve business challenges and improve performance .this study seeks to analyze the conditions and factors affecting the development of "positive job diversion" from the perspective of innovative and creative people in worker environments as individuals with positive job deviations by adopting a grounded theory approach. The study population consisted of 126 workers of the festival in 1395-1395, with 15 workers of the sample workers in the field of innovation and invention in labor fields .data were collected using deep and semi - structured interviews. The main questions of this research are: what have been the factors that determine the factors affecting the job satisfaction and the factors affecting the job satisfaction. what were the strategies employed in dealing with positive occupational deviation? what were the consequences of this situation ?the findings of this research show that empowering organization, positive culture, organizational support and organization are among the categories of effective causal conditions and positive job deviation .the subjects also face challenges such as organizational negative culture, the idea of corporate suzie, supporting, managerial, individual and family barriers that have adopted strategie.

Keywords: Positive work deviation, Positive deviant behaviors, Workplace environment, Positive human resources.

CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2024/03/08 Accepted: 2024/04/18
Research paper

Designing the model of effective interaction between family and school with the strategic role of parents and teachers association in line with paragraph 11 of general family policies (case study: Tehran city)

Behrad Manafi
Ph.D student in sociology of social issues of Iran, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
behrad.manafi@srbiau.ac.ir 0000-0003-4619-5475
Bagher Sarookhani
Professor of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).
bagher.sarookhani@soore.ac.ir 0009-0007-4684-3221
Hosein Aghajani Marsa
Associate Professor of Sociology, Faculty of Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
a_marsa1333@yahoo.com 0009-0005-9603-5447

Abstract
The purpose of this research is to design an effective model of interaction between family and school with the strategic role of parents and teachers association with a mixed research method. By theoretical sampling, 53 managers and parents of association members were selected and interviewed. Data was analyzed with MAXQDA software, and a conceptual model was designed. Then, by selecting 477 people using the probability sampling method, their answers to the online questionnaire were analyzed with the SMART-PLS software. the fit of the model was confirmed using the structural equation modeling method.
Results: the attitude and motivation of the school principal and parents, cultural, social and economic issues are effective on the role of the association in more efficient management and solving school problems, adjusting the expectations of families from the school and improving the relationship between parents and teachers. Communication and inviting parents to the ceremony, family education, important Cultivating the importance of association and interaction, reporting programs and financial performance of the school to families, trust building, targeted meetings with specialized working groups, appreciation of association members, leads to the Achieving the educational goals, increases the knowledge of the student and the socio-economic capital of the school. School conditions and performance, the inconsistency and the individual goals of the parents, formality association, executive power of the association, the dual policy of the government in Receiving financial aid from parents, the job conditions of the parents, mutual cooperation, being private or governmental school, have an influence on this process.

Keywords: Interaction, family and school, Association of parents and teachers.

CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/10/07 Accepted: 2024/04/21
Research paper

Investigating the intellectual currents of the founders of secularism in Iran

Alireza Pirozmand
Assistant Professor, National Defense University and Higher Research Institute, Tehran, Iran.
andishe.ar@gmail.com 0000-0000-0000-0000

Mohsen Zanganeh
Ph.D student of Strategic Cultural Management, National Defense University and Higher Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding author).
mzmg2021@gmail.com 0009-0001-8096-9780

Amir Hossein Zulanwari
Doctoral student of strategic cultural management of National Defense University and Higher Research Institute, Tehran, Iran.
zolanvari.ah@gmail.com 0000-0000-0000-0000

Abstract

The most important distinguishing characteristic between the western and eastern schools is the existence of secularism. This thinking has been referred to as a soft war and a Trojan horse, and a breeder of the enemy's forces inside the country. In each era, intellectuals show themselves with clothes such as reformism, modernism, revisionism, etc. The intellectuals of secularism with their westernized ideas have been effective in the country's political, social and cultural equations since their birth in the Qajar period until now, and the founders of secularism in Iran are the creators of non-Islamic thought. Secularisms seek to make fundamental changes in Muslim principles. Deposition of secularism thoughts in some layers of current strategic and macro management of the country and knowing the principle of this thinking and Eastern and Western thoughts can protect us in various fields. The main goal of the research: What was the thinking of the founders of secularism in Iran and where did their intellectual flow and intellectual origin come from? The article aims to examine the type of current attitude from the point of view of cultural influence in the three fields of religion, science and technology, and the pattern of progress. The research method is descriptive-analytical based on documents and library sources The result of the research; The origin of secular thought in Iran is the school of Marxism, liberalism, and with the emphasis on democracy and the negation of religion, the importance of separating religion from politics, and the direction of leading the Muslim masses astray, the humiliation of Islamic scholars and the West, and the spread of the school of nationalism, liberalism, and positivist ideas. The ancient religion of Zoroastrianism was active.

Keywords: Intellectual currentism, Secularism, Extreme secularists, Iran.

10.22034/scs.2024.419676.1507
CC BY
OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/09/13 Accepted: 2024/03/08
Research paper

The Role of Local Media in Achieving Good Urban Governance in Iran

Ali Rajabi
MA graduate, social communication, IRIB university, Tehran, Iran (Corresponding author).
ali.rajabi@ut.ac.ir 0009-0006-7831-0158

Ali Darabi
Associate professor, Department of media management, IRIB university, Tehran, Iran.
adarabi@iribu.ac.ir 0000-0003-4373-2669

Ali Akbar Razmjoo
Assistant professor, Department of social communication, IRIB university, Tehran, Iran.
arazmjoo@iribu.ac.ir 0000-0002-8541-8857

Abstract

Local media can fulfill a significant institutional role in advancing the concept of good urban governance. Focusing on this matter is likely to result in an enhanced effectiveness of this social intermediary institution. This paper, based on the assumption mentioned above, explores the existing theoretical literature related to the concepts of governance and good governance in conjunction with other concepts such as local media, structural functionalism, and media social responsibility. It critically assesses the concept of good governance, which represents a novel approach to public administration, within the urban context, with local media as its focal point. Subsequently, utilizing data derived from comprehensive theoretical studies, explorations, deep interviews, and content analysis methodologies, this paper addresses the pertinent questions and objectives through MAXQDA software. As a result, this research identifies three comprehensive dimensions of the role of local media in advancing good urban governance in Iran (responsiveness to officials, city oversight, and public participation in governance), and offers corresponding strategies and recommendations. The findings of this research emphasize the independent and influential role of media in governance. While formal media outlets in Iran face limitations in serving as a public tool due to existing structures, their capacity to hold officials accountable remains substantial.

Moreover, empowering citizens through media, especially non-formal media, is achievable within the broader governance framework. Ultimately, the enduring and supervisory role of the media in monitoring the environment and exercising societal oversight, is particularly concerning urban issues. This focus is more readily accessible and fundamental for local media. It is, however, acknowledged that local media, especially in small communities, confronts numerous challenges and hardships.

Keywords: Local media, governance, good urban governance, urban communications. structural functionalism, media social responsibility.

doi 10.22034/scs.2024.415649.1494
CC BY OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/ E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024 Received: 2024/01/10 Accepted: 2024/04/18
Research paper

Violence of digital natives on Instagram; From etiology to identification of infection control strategies

Bahar Hamzadeh
Doctoral student of criminal law and criminology of Mazandaran University, Mazandaran, Iran (Corresponding author).
hamzezadebahar@yahoo.com 0009-0006-7679-8030

Ismail Haditabar
Associate Professor of Mazandaran University Law Department, Mazandaran, Iran.
e.haditabar@umz.ac.ir 0000-0003-3351-2793

Abstract
The violence of teenagers on the Instagram social network is becoming widespread. The expression of violence by teenagers on Instagram is often in the form of live broadcasting and with the motives of "entertainment and release of excitement", "being seen and attracting the audience" and "expressing dissatisfaction" in three different models: "carnival violence", "artificial violence" and "protest violence". takes place The current research is trying to find out some strategies to control the spread of violence by descriptive-analytical method and by using library resources and data obtained through observation, etiology of widespread violence among teenagers in the Instagram space. The findings of this research show that specific causes and factors are involved in each model of violence, such as encouraging other users, imposing severe restrictions in society, and limited opportunities for flourishing and emotional release. In order to prevent the spread of teenage violence on Instagram and to control its contagion, "changing the social context of Instagram by de-filtering", "resorting to harm reduction policies" and at the same time "increasing the certainty and urgency of judicial-restorative prosecutions" are the three strategies proposed in this article.

Keywords: Digital natives, Self-presentation, Filtering, Restorative justice.

E-ISSN: 2588-655X / Center for Strategic Research / The Socio-cultural Strategy Journal of Rahbord
doi 10.22034/scs.2024.435063.1533
CC BY OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/
E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024
Received: 2023/09/17 Accepted: 2023/12/02
Research paper

Types of Tourism from the Perspective of Religious Sources and the Development of Its Halal in the Islamic Republic of Iran

Javad Gholamrezaei
Assistant Professor, Department of Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
javad.gh313@gmail.com 0000- 0001-9708-414

Amir Hossein Eskandari
MA student of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran (Corresponding author).
ah.eskandari@isu.ac.ir 0009-0009-7958-8487

Abstract

Tourism in the contemporary world holds significant importance in various dimensions and has garnered the attention of different governments, including Islamic countries. The correct classification and explanation of the definition and types of tourism from an Islamic perspective are highly important for adopting strategies in an Islamic country like Iran, as well as for influencing decision-making and the purpose of a tourist's journey. In the present study, the issue of types of tourism from the perspective of Islamic sources and the viewpoint of Islam regarding each of them is examined as a prerequisite for the development of halal tourism. This research uses the inductive approach in religious texts and has an analytical and descriptive nature, which will refer to some of its findings and results. The Islamic faith holds great value for tourism that is aligned with lofty divine and humanitarian goals. The classification of tourism concepts, based on Islamic principles, includes cultural, scientific, commercial, recreational, religious-pilgrimage, and health (medical) tourism. Each of the mentioned categories should be considered in halal tourism development policies as a foundation for strengthening the country's halal tourism brand. This is because the classification based on Islamic guidelines is one of the prerequisites for adopting appropriate policies regarding halal tourism development. In this regard, organizing tours aimed at deepening foundational beliefs is appropriate for the development of halal cultural tourism. Regarding scientific tourism, conducting practical courses for students to advance the frontiers of knowledge is essential. Additionally, for the development of pilgrimage tourism, it is essential to eliminate visa requirements and improve infrastructure and appropriate facilities.

Keywords: Tourism, Religion, Halal tourism, Intercultural communications.

10.22034/scs.2023.381239.1496
CC BY OPEN ACCESS

Socio-Cultural Strategy
Center for Strategic Research
https://rahbordfarhangi.csr.ir/ E-ISSN: 2588-655X
Vol. 13, No. 3, Issue. 53, Autumn 2024 Received: 2023/08/06 Accepted: 2023/11/22
Research paper

Identifying and Ranking the Effective Factors on Increasing the Participation of Iranians in Paying Taxes

Mohsen Niazi
Professor of Social Sciences, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran.
Niazim@kashanun.ac.ir 0000-0002-6306-9617

Akbar Zolfaghari
Assistant Professor of Political Science-Development, Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding author).
akbarzolfaghari@pnu.ac.ir 0000-0003-3017-5576

Elham Rezaei
Master's Student of Social Science Research, Kashan University, Kashan, Iran.
Rezaieelham22@gmail.com 0000-0001-5485-785X

Sokoofeh Abshirin
Master's Student of Social Science Research, Kashan University, Kashan, Iran.
Shokoofeh3390@gmail.com 0000-0002-6465-0171

Abstract

Introduction: Public participation of people in economic, cultural, political and social affairs is one of the important indicators of development in developed countries. Public participation in paying taxes is one of the important indicators of economic development. For this reason, it is inevitable to know the factors of occurrence and escalation of payment or tax evasion, and to prepare and present solutions and practical-scientific proposals. Therefore, the present research will try to investigate, identify and rank the factors affecting the increase of public participation in paying taxes in Iran.

Method: The present research is a qualitative interpretive structural model. The statistical population includes the employees of the tax department of Tehran. A researcher-made questionnaire and matrix were used to collect data. In the structural-interpretive modeling method, information is received from the people of the statistical community; and is analyzed. Willingness and ability to participate in research, theoretical mastery, practical experience, and accessibility were among the selection criteria of the statistical population. The statistical population of this research is the employees of the tax department of Tehran city; 30 experts of this department were selected based on targeted sampling.

Results: Based on the findings of the research, 10 influential factors in increasing public participation in paying taxes were identified; which includes political, legal, education and awareness factors, demographic, economic, cultural, social, managerial, and psychological characteristics. The analysis of variables relationships led to the extraction of a four-level model, which political factors and demographic characteristics in the fourth level, legal factors in the third level, educational factors, economic, cultural, social factors, and psychological characteristics in the second level, and organizational factors. Management has been placed at the first level.

Discussion: The results show that political and demographic factors have the greatest and highest influence on the tendency to pay taxes. Based on the results of the research, transparency in the use of taxes by the government by gaining the trust of taxpayers and increasing political trust increases the tendency of people to pay taxes.

Keywords: Tax, Participation, Tax Evasion, Tax Payment, Interpretive Structural Model.

doi 10.22034/scs.2023.410297.1475
CC BY OPEN ACCESS

- **Analysis of the content of the strategic model of linguistic identity in the fifteenth principle of the Islamic Republic of Iran 1187**
  Gholamreza Jamshidiha and Seyed Mohammadjavad Ghorbi

- **Examining the indicators of revolutionary literacy based on Ayatollah Khamenei's speech (The second step of the revolution).....1211**
  kadkhodaei Farhang, Esmail Kavossi, Jafar Hosseinpour Saadat Abadi, Mostafa Heidari Haratemeh and Mohsen Ameri Shahrabi

- **Presenting the Institutional Model of Cultural Role-Playing in Iran's professional sports clubs.....1243**
  Shahin Vajdi, Masoumeh Majidi Parast, Ali Asghari Sarem and Mohammad Jalilvand

- **Discuss the commonalities of the new wave of women's movement and Islam regarding the role of women in the family.....1275**
  Mohamadhosein Nazemi Ashani, Abazar Kafi Mosavi and Khadije Baharrostami

- **Pathology of the policy-making cycle of children's affairs in Iran 1293**
  Rohollah Eslami and Sekine Taji

- **Relationship between macro socioeconomic indicators and the occurrence of workers-employers disputes subject to the labor law during 1379-1400.....1327**
  Siroos Ahmadi, Maryam Mokhtari, Hamid Sedaghat, Shohreh Golkhani and Kheiri Hamidpoor

- **The effect of administrative discipline on the socio-political development of Ahvaz metropolis with the approach of structural equations 1359**
  Hosinali Hasanzadehhalaj, Feredoun Akbarzadeh, Shiva Jalalpoor and Hamed Ameri Holestani

Contents

- **Identifying and Ranking the Effective Factors on Increasing the Participation of Iranians in Paying Taxes 907**
  Mohsen Niazi, Akbar Zolfaghari, Elham Rezaei and Sokoofeh Abshirin

- **Types of Tourism from the Perspective of Religious Sources and the Development of Its Halal in the Islamic Republic of Iran 937**
  Javad Gholamrezaei and Amir Hossein Eskandari

- **Violence of digital natives on Instagram; From etiology to identification of infection control strategies 977**
  Bahar Hamzadeh and Ismail Haditabar

- **The Role of Local Media in Achieving Good Urban Governance in Iran 1011**
  Ali Rajabi, Ali Darabi and Ali Akbar Razmjoo

- **Investigating the intellectual currents of the founders of secularism in Iran.....1039**
  Alireza Pirozmand, Mohsen Zanganeh and Amir Hossein Zulanwari

- **Designing the model of effective interaction between family and school with the strategic role of parents and teachers association in line with paragraph 11 of general family policies (case study: Tehran city).....1075**
  Behrad Manafi, Bagher Sarookhani and Hosein Aghajani Marsa

- **Challenges and social strategies development of positive job deviance.....1121**
  Zohreh Samiee, khalil Mirzaee and Sattar Parvin

- **Investigating the effect of religious adherence on the social participation of border residents (case of study: western border regions of Kurdistan province).....1157**
  Saleh Shafiinia, Abdulreza Adhami and Talia Khademian

Institute for Strategic Research

Publisher
Institute for Strategic Research Expediency Council

Managing Director
Dr. Mohammadreza Majidi

Editor-in-Chief
Dr. Gholamreza Jamshidiha

Deputy editor
Dr. Iman Irfan Mensh

Internal Director
Dr. Maryam Fakhri

Layout and Graphics
Reza Abdollahi Bejandi

Editor
Reza Diba

ISSN: **2251-7081**
Electronic ISSN
2588-655X

Publication
Information for Strategic Research

Quarterly of
The Socio-cultural Strategy Journal
53

Vol. 13 - No. 3 - Issue. 53 - Autumn 2024

Editorial Board

Dr. Gholamreza Jamshidiha

Dr. Mohammad Bagher Khorramshad

Dr. Seyyed Mohammad Hosseini

Dr. Bahram Bayat

Dr. Ibrahim Fayaz

Dr. Hamid Parsania

Dr. Seyed Saeed Zahid Zahedani

Dr. Hossein Bostan (Najafi)

Dr. Abdulhossein Kalantari

Dr. Gholamreza Tajbakhsh

Members of the international Editorial board

Dr. Talal Etrisi

This journal is printed according to letter No. 90/25595, dated 12 December 2011
According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of the Ministry of Science, Research and Technology, The Socio-cultural Strategy Journal has been accredited as a scientific-research Journal since spring 2012.

Address: *No. 10, between 4th and 65th alley, North Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran*
Postcode: *1591816911*
Tel: *+98 21 22258921* ***Fax:*** *+98 21 22258921*
Website: *rahbordfarhangi.csr.ir*
Email: *rahmagiran@gmail.com*
Price: *200000 Rials*